

ویژه نامه ی دومین دوسالانه ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران



مستند دوسالانه ی ملی: حاصل اوقات	
۲	اطلاعیه های چاپ شده در فصلنامه ی هنر معماری، رسانه های هنر معماری و سایر رسانه های معماری کشور
۶	بیانیه ی هیئت داوران بخش نخست دوسالانه
۹	معمای معماری امروز ایران / تحریریه ی هنر معماری
۴۰	تشکیل کمیته ی انتخابی (مشاوران عالی هنر معماری و بیانیه ی انتخاب آثار بخش اول دوسالانه)
۴۲	بخشی از انتقادات و اعتراضات دریافت شده توسط دبیرخانه به داوری و طرح های منتخب بخش نخست دوسالانه
۴۸	نقد و گفت و گو پیرامون ابعاد دومین دوسالانه ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران / سخنرانی شیوا آراسته به همراه نظرات حضار
۵۶	بیانیه ی ابطال آرای هیئت داوران
۵۸	حاصل اوقات ...
برندگان و تقدیرشدگان دومین دوسالانه ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران	
۶۰	بخش اول مسابقه ی طراحی مدرسه ی شش کلاسه ی روستای ده نو - جیرفت (منتخبین کمیته ی انتخابی)
۶۲	رتبه ی نخست / A1-119 دفتر معماری فضا، رویداد، شهر (USE Studio) / محمد عرب، الهه حاج دایی، مینا معین الدینی و میلاد علی دوستی (از اصفهان)
۷۰	رتبه ی دوم / A1-172 استودیوی طراحی پژوهی آوات / رضا اشرف یزدی، آرمین مودی، فرشید بشکار، مهسا عباس زاده، عمادالدین مطهری و میلاد قارونی (از خراسان رضوی)
۷۶	رتبه ی سوم / A1-254 سمن بزازیان، محمدرضا خسروی، مهدیه رحیمی طرقي و محسن دهقانی (از تهران)
۸۲	رتبه ی چهارم / A1-270 گروه معماری آن / مهرداد حبیبی، شبنم خزلی، زینب عابدی، روزبه قائم مقامی، گیل آوا روحی پور، سحر اسدزاده زرگر، سعید کبیری و صبا تقی زاده اظهري (از تهران)
۸۶	رتبه ی پنجم / A1-191 مینا تقی زاده و محمدامین تقی زاده (از گیلان)
۹۰	بخش دوم تقدیر شدگان جایزه ی ملی نقد معماری ایران (بدون اولویت)
۹۲	B2-10: معماری امروز و مرگ بادبادک / سلمی شفائی
۹۴	B2-8: نقدی بر معماری و تزئینات بیمارستان امام رضا ^(ع) (شاه رضا) مشهد / بهاره گلکار
۱۰۰	B2-20: قلبی که نمی تپد: بررسی و نقد ارگ تجاری تجریش / علی منصوری، لعیا میری و رها رستگار
۱۰۴	B3-6: خانه ای که تمام تهران راجع به آن حرف می زنند: مجتمع قله ی المپوس (M.O.R) / فرشته اسدزاده و ایوو پکچ
۱۰۸	بخش سوم آثار منتخب معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران بین سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ (اجرا شده و نشده)
	C1: معماری / C2: شهرسازی / C3: طراحی داخلی

درج این لوگو در هر آگهی از فصلنامه ی هنر معماری، به مثابه اختصاص بخشی از هزینه ی این آگهی به «برنامه ی جهانی غذا» می باشد.

هنر معماری تنها رسانه ی معماری در ایران است که به عنوان یار فرهنگی برنامه ی جهانی غذا فعالیت می نماید.

هدف ما «به صفر رساندن گرسنگی» است.



تصویر روی جلد: بچه های مدرسه ی روستای ده نو - جیرفت [عکاس: مسعود کریمی]



SOLO WOOD

TORLYSme



www.royaco.com

٢٢٤١٠٠٠١

ارتباط با مشتری ٢٥٩٩١



Royal for the (Dakhej) Campus Studio / 2014, November



مجموعه ELITE PLUS

لمینیت







SOLID WOOD

TORLYSme



www.royaco.com

۲۲۶۱۰۰۰۱

ارتباط با مشتری ۲۵۹۹۱



Royaco

Royaco

Roya Tarhe Dakheli / Graphic Studio / 2015 November

مجموعه SATINO ROYAL

سوکت رول







SOLID WOOD

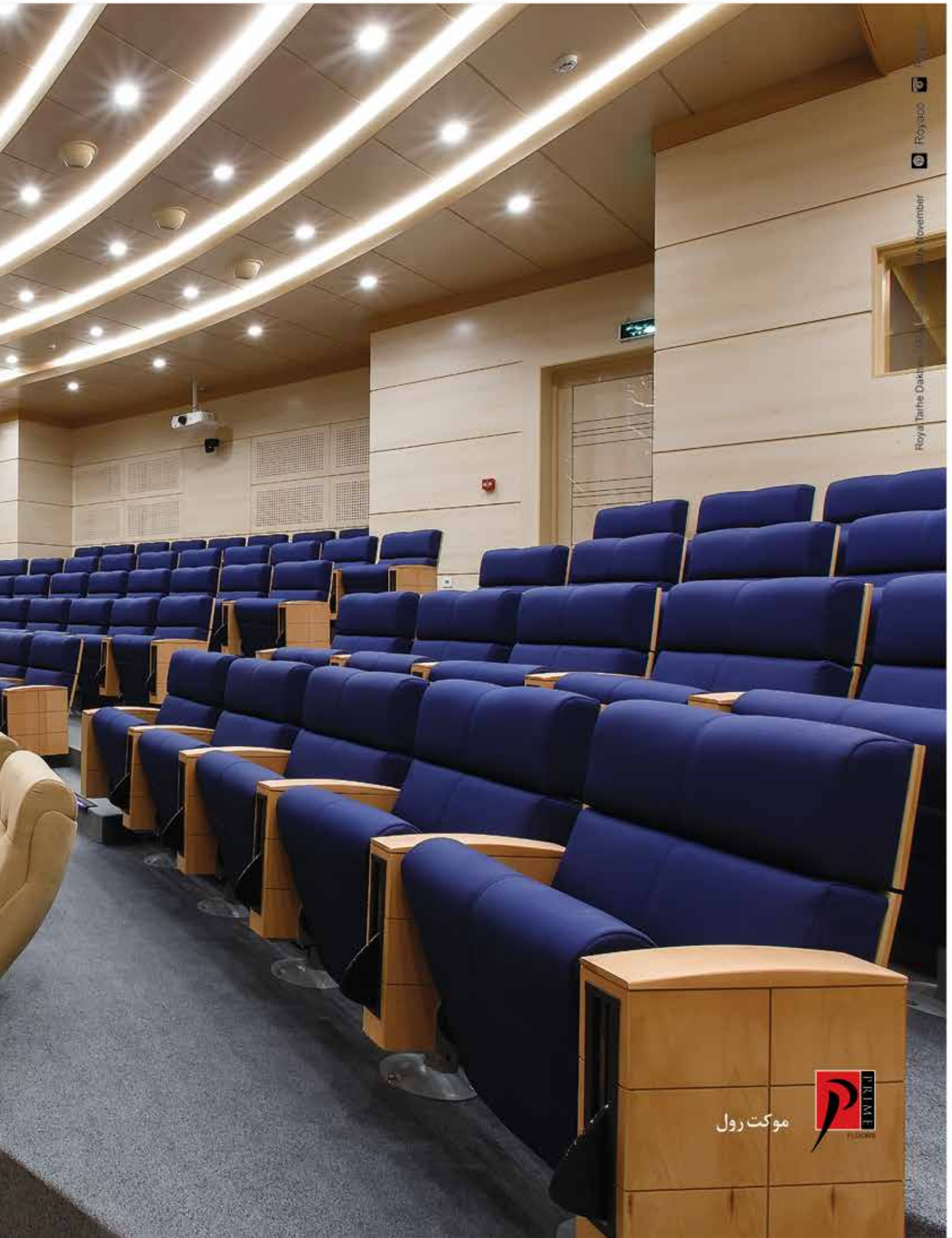
TORLYSme

GURUP
DURTY

www.royaco.com

۲۲۶۱۰۰۰۱

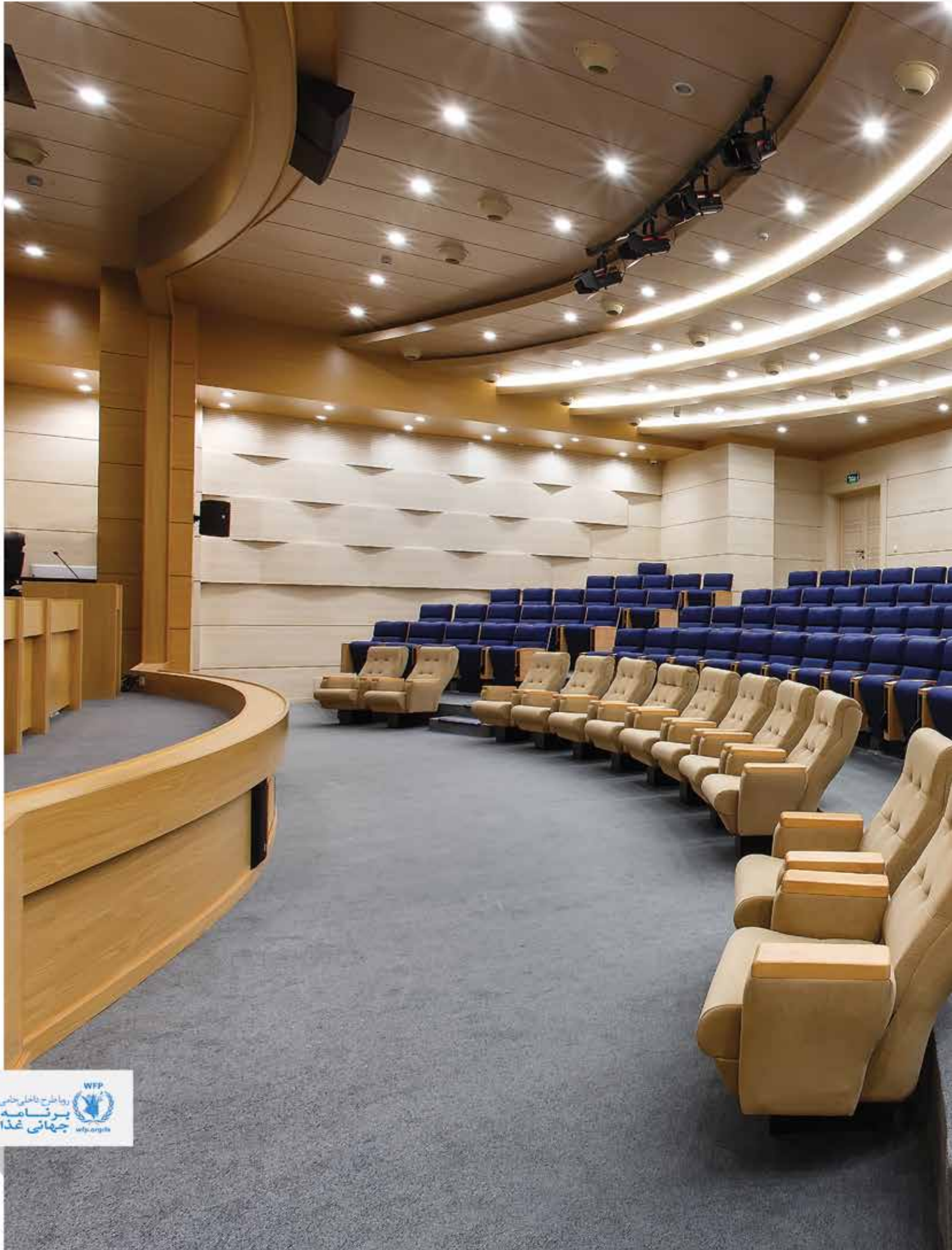
ارتباط با مشتری ۲۵۹۹۱



Royal Tarhe Dakha
July November
Royaco

موکت رول





JUNG

www.Jung.de



شرکت برنا کوشش حامی مالی
دومین دوسالانه ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران



شرکت برنا کوشش
نماینده انحصاری محصولات یونگ آلمان

مدرس شمال، بلوار آفریقا، نبش مریم غربی، پلاک ۳۳، ساختمان نماد الهیه، طبقه ۴، واحد ۴۰۴. تلفن: ۲۲۲۲۲۸۲۵، ۲۶۳۳۱۰۲۹، ۲۲۶۳۶۳۷۳

www.bornakooshesh.com

 Bornakooshesh





LS ZERO

LS ZERO transfers the design constants of the classic LS 990

JUNG

www.Jung.de



شرکت برنا کوشش حامی مالی
دومین دوسالانه ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران



شرکت برنا کوشش
نماینده انحصاری محصولات یونگ آلمان

مدرس شمال، بلوار آفریقا، نبش مریم غربی، پلاک ۳۳، ساختمان نماد الهیه، طبقه ۴، واحد ۴۰۴. تلفن: ۲۲۲۲۲۸۲۵، ۲۶۳۱۰۲۹، ۲۲۶۳۶۳۷۳

www.bornakooshesh.com

 Bornakooshesh





JUNG Launcher

The entire smart home on a single screen

JUNG

www.Jung.de



شرکت برنا کوشش حامی مالی
دومین دوسالانه ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران



شرکت برنا کوشش
نماینده انحصاری محصولات یونگ آلمان

مدرس شمال، بلوار آفریقا، نبش مریم غربی، پلاک ۳۳، ساختمان نماد الهیه، طبقه ۴، واحد ۴۰۴. تلفن: ۰۲۹-۲۲۲۲۲۸۲۵، ۰۲۹-۲۶۳۳۱۰۲۹، ۰۲۹-۲۲۶۳۶۳۷۳

www.bornakooshesh.com

 Bornakooshesh





The eNet wall transmitter


The wall transmitters convince visually by their design diversity in form, material and colour





بے شک! اما،
جایے است متفاوت ...

www.harmonic-center.com

 [telegram.me/harmonic_center](https://t.me/harmonic_center)



شما هم می‌توانید حامی کودکان کار باشید




Minuti
Design & Produce

02632736912-02632711495

WWW.MinutiArt.com

 [minutiart](https://www.instagram.com/minutiart)

شرکت آونداد نماینده انحصاری معروفترین تولیدکننده سنگ جهان Antolini
کلکسیون زیبایی از سنگهای طبیعی این شرکت را عرضه می‌کند



خیابان ملاصدرا ۱ خیابان شیراز جنوبی

خیابان برزیل غربی ۱ پلاک ۲۷

تلفن ۰۲۱ ۴۱ ۸۶۵

فکس ۰۲۱ ۸۸ ۶۲ ۶۳ ۷۱

AVANDAD

Distinctive. Like you.



Stone Wood

Antolini
ITALY

 @avandad
 info@avandad.com
 www.avandad.com

PERGO®

ORIGINAL LAMINATE



22 60 91 90



22 61 21 21

PERGO®

WOOD PARQUET



۲۲ ۶۰ ۹۱ ۹۰



۲۲ ۶۱ ۲۱ ۲۱



آرتا طرح
مبلمان اداری

office furniture



artage[®]
DESIGN

Tel : +9821 88612153-6

Fax: +9821 88612157

 : artagedesign

INTERIORS & EXTERIORS

www.lian-co.com

Lian[®]

NEW APPROACH | NEW FACADE





• LIANWOOD EXTERIOR CLADDINGS



• LIAN WOOD EXTERIOR DECKING



• LIANWOOD MASSIVE PANEL

info@lian-co.com

+۹۸ ۲۱-۸۸۰۸۹۶۰۳

+۹۸ ۲۱-۸۸۳۶۹۰۵۷

ایران | تهران | شهرک غرب
بلوار خورددین | توحید ۲
پلاک ۷۸ | طبقه همکف

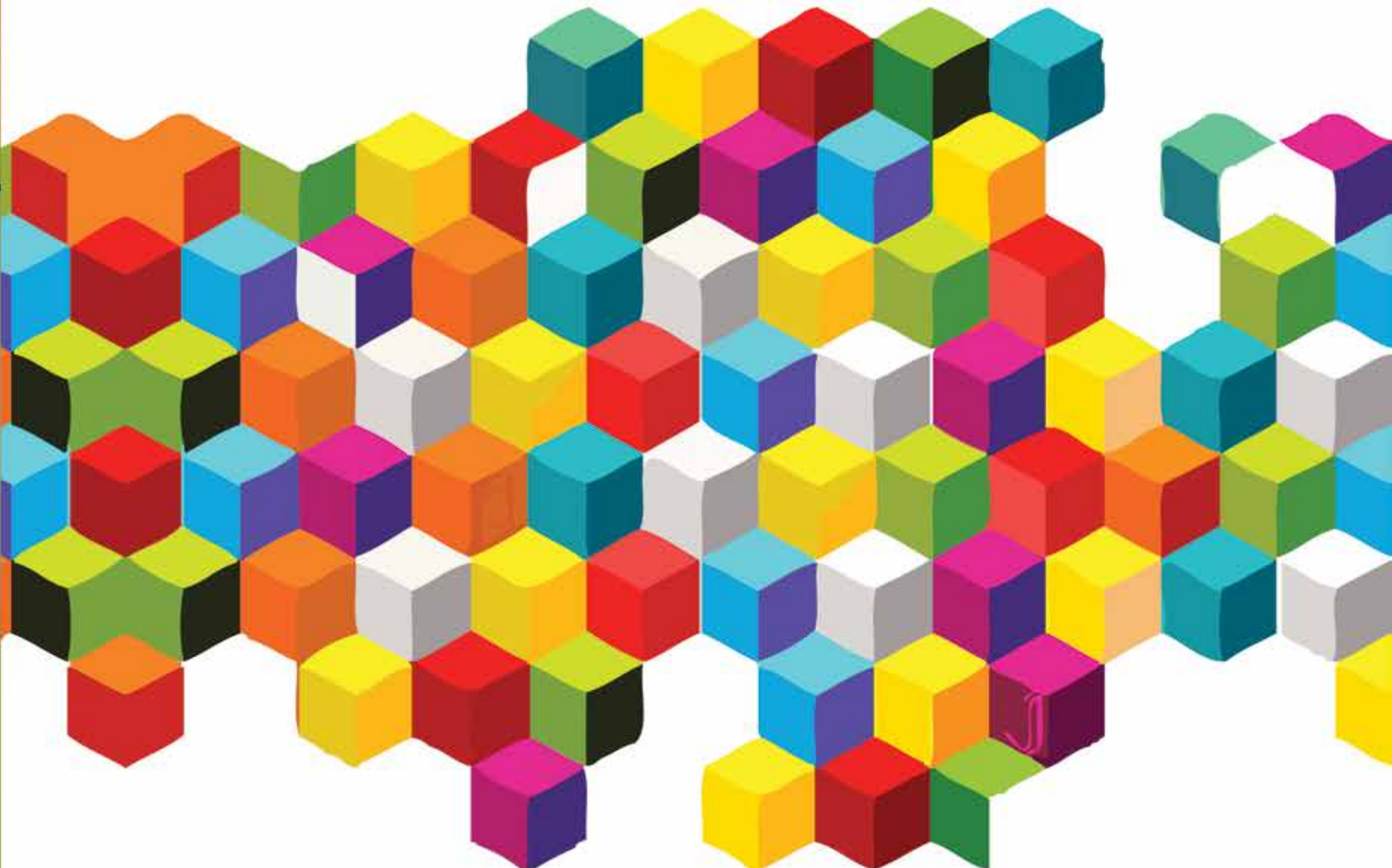
R A S S A M G R A P H I C

لیتوگرافی دیجیتال رسام گرافیک

سریع ترین، پیشرفته ترین، مطمئن ترین و با کیفیت ترین لیتوگرافی دیجیتال

کیفیت را در رسام گرافیک جستجو کنید Email: rassam_farhang@yahoo.com

- اسکن حرفه ای
- پلیت مستقیم
- سایت مجهز طراحی
- نمونه گیری پیش از چاپ
- اسکن فوق حرفه ای IQsmart³
- پروفر Integris 800 (نمونه گیری پیش از چاپ)
- پلیت مستقیم online تا ۴/۵ ورقی (AM / FM)




کابین گستر

صفحات HPL ، برند GENTAS

www.CabinGostar.com

CabinGostar@gmail.com

021-44 093 093 -4

 CabinGostar

راه حل های جهانی
برای محیط های بهداشتی



مجتمع خدماتی - رفاهی مهر و ماه (اتوبان قم - تهران)





صفحات کوارتز کامپک برای رویه کابینت، کف و دیوار پوش
 • مقاوم در برابر ضربه • مقاوم در برابر خراش (ضد خش)
 • مقاوم در برابر حرارت (استفاده روزمره) • مقاوم در برابر اسیدها، روغن ها و
 مایعات • مقاوم در برابر UV • درجه سختی بالا • جذب آب پایین



MANOOSH
 another dimension.



شرکت مانوش نماینده انحصاری محصولات کامپک اسپانیا در ایران
 تلفن: ۸۸۸۲۵۵۱۷ ، ۲۶۴۵۰۷۵۰ فکس: ۸۸۸۲۱۰۵۴ ، ۲۶۱۲۷۵۳۳
 e-mail: info@compac.ir www.compac.ir



COMPAC
THE SURFACES COMPANY

صفحات کوارتز کامپک
برای رویه کابینت،
کف و دیوار پوش

Surfaces forever.

simon



Detail|82

گاهی یک تغییر اندک
همه چیز را دگرگون می‌کند!

MANOOSH
another dimension.



شرکت مانوش نماینده انحصاری محصولات سیمون اسپانیا در ایران
تلفن: ۸۸۲۵۵۱۷ ، ۲۶۴۵۰۷۵۰ فکس: ۸۸۲۱۰۵۴ ، ۲۶۱۲۷۵۳۳
e-mail: info@manoosh.co.ir www.simon.es



FLUVIA

www.fluvia.com

SLIM



WINNING DESIGNS

COOL

شرکت مانوش نماینده انحصاری محصولات فلویا اسپانیا در ایران

MANOOSH
another dimension.



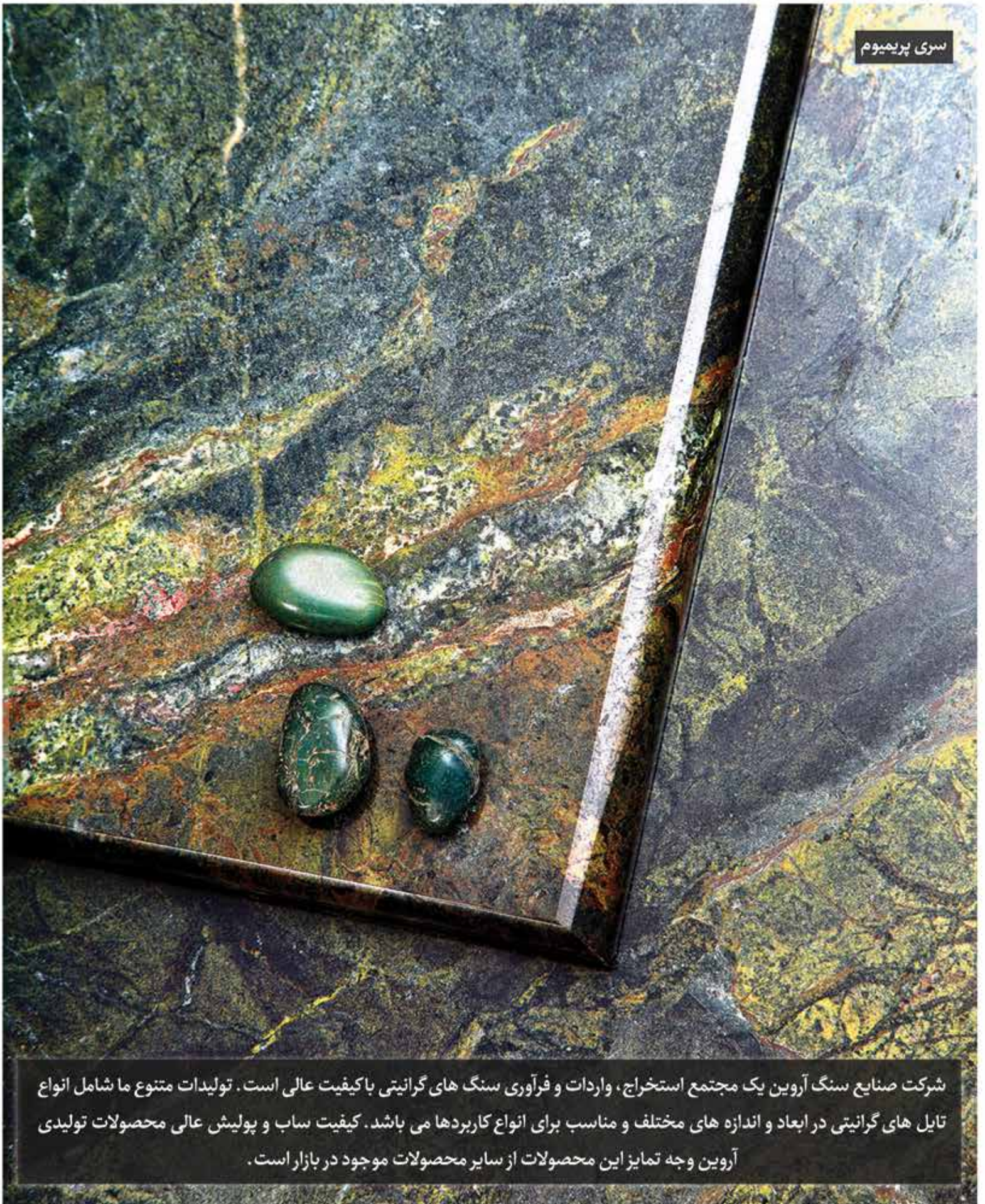


Tel: 26208711- 33
www.formco.ir



Office Design
Interior Design
Furniture Design

سری پریمیوم

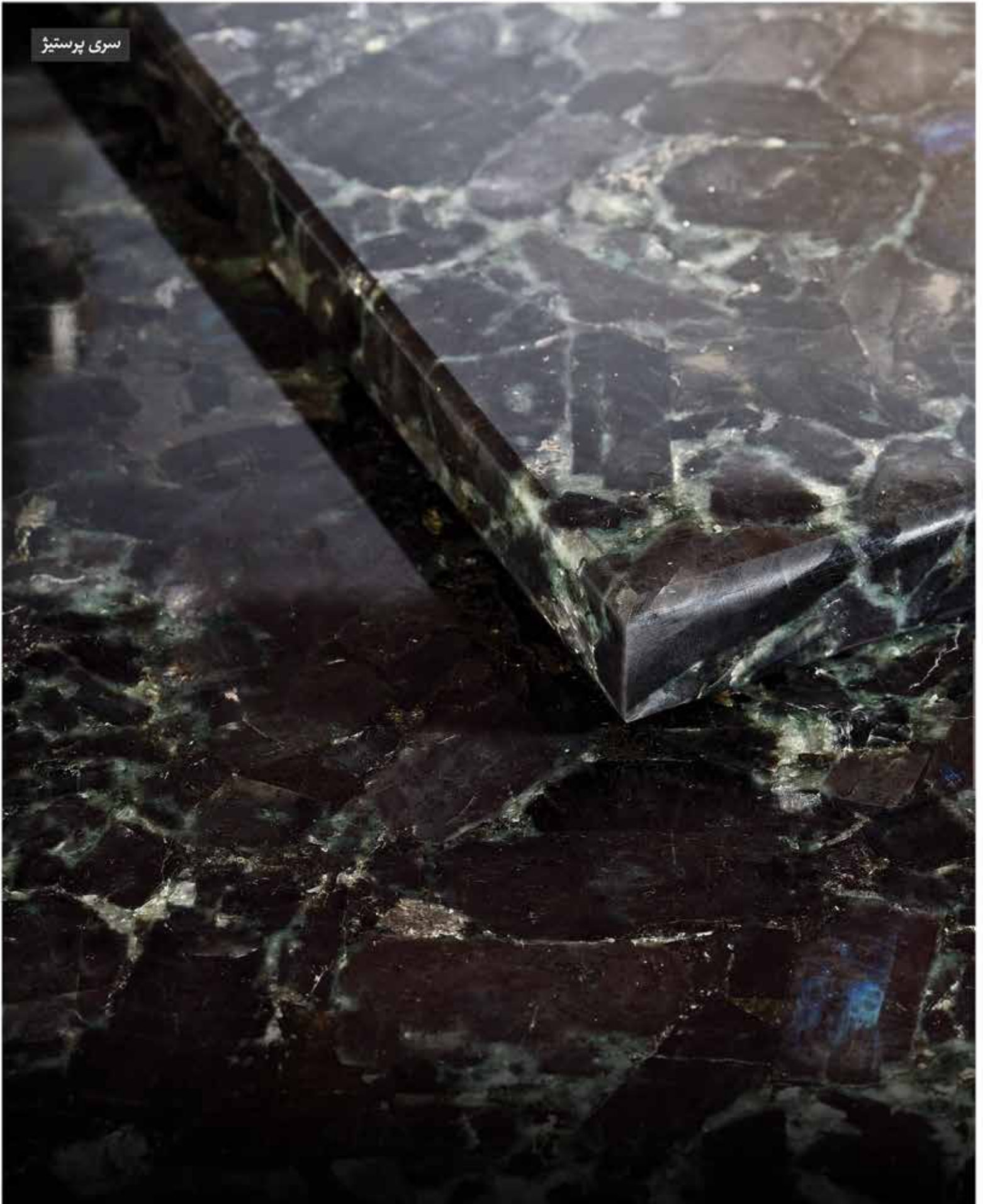


شرکت صنایع سنگ آروین یک مجتمع استخراج، واردات و فرآوری سنگ های گرانیتی باکیفیت عالی است. تولیدات متنوع ما شامل انواع تایل های گرانیتی در ابعاد و اندازه های مختلف و مناسب برای انواع کاربردها می باشد. کیفیت ساب و پولیش عالی محصولات تولیدی آروین وجه تمایز این محصولات از سایر محصولات موجود در بازار است.



صنایع سنگ آروین

سری پرستیژ



بزرگترین واحد فرآوری سنگ های گرانیت داخلی و وارداتی

تهران، میدان ونک، خیابان ونک، پلاک ۲۵، کدپستی ۱۹۹۴۶۱۸۵۱۱

فکس: ۰۲۱-۸۸۶۶۳۰۹۹

تلفن: ۰۲۱-۸۴۱۱۳۰۰۸

www.arvingranite.ir

info@arvingranite.ir

طرح تینا

دکور شده با چغندر کباب (پاکستان)
موجود برای سفارش در سایزهای مختلف



zarinhome.com 



چینی زرین ایران



فروش در خانه زرین و فروشگاه های معتبر لوازم خانگی

تهران، میدان ونک، مرکز تجاری آسمان ونک تلفن: ۸۸۶۵۲۹۸۸
تهران، خیابان شریعتی، روبروی میرداماد تلفن: ۲۲۸۴۷۸۴۵
اصفهان، خیابان توحید، چهارراه پلیس تلفن: ۰۳۱-۳۶۲۵۰۲۲۰
اصفهان، مجتمع تجاری سیتی سنتر، طبقه اول تلفن: ۰۳۱-۳۶۵۱۴۱۴۱



flawless finishing

vanitar.com
[#vanitariran](https://www.instagram.com/vanitariran)

خیابان گاندی، خیابان شانزدهم، پلاک ۱۱ — نمایشگاه: واحد ۱۳
دفتر مرکزی: واحد ۱۳ — +۹۸ ۲۱ ۸۸۶۶۳۰۰۱-۳





BERRYALLOC
LAMINATE • PARQUET • WALLS • CLICK VINYL

دیوارپوش آشپزخانه — مقاوم در برابر رطوبت، حرارت و ضربه، نصب سریع و آسان، بدون نیاز به نگهداری

وانیتار

VANITAR

flawless finishing

vanitar.com
[#vanitariran](https://www.instagram.com/vanitariran)

خیابان گاندی، خیابان شانزدهم، پلاک ۱۱ — نمایشگاه: واحد ۱۳
دفتر مرکزی: واحد ۱۳ — ۰۲۱-۸۸۶۶۳۰۰۱





tilo

چوب Thermal Pine — محصول آتریش — گناب فروشی باشگاه انقلاب (جاده می تندرسنی) — عکس، نگاه عبدالرحمان، نگار، نعمانیان

وانیتار

VANITAR

flawless finishing

vanitar.com
[#vanitariran](https://www.instagram.com/vanitariran)

خیابان گاندی، خیابان شانزدهم، پلاک ۱۱ — نمایشگاه: واحد ۱۳
دفتر مرکزی: واحد ۱۳ — +۹۸ ۲۱ ۸۸۶۶۳۰۰۱-۳



new collection

SIBU
DESIGN

ورق های مولتی استایل - محصول اتریش - مجموعه Stoffe

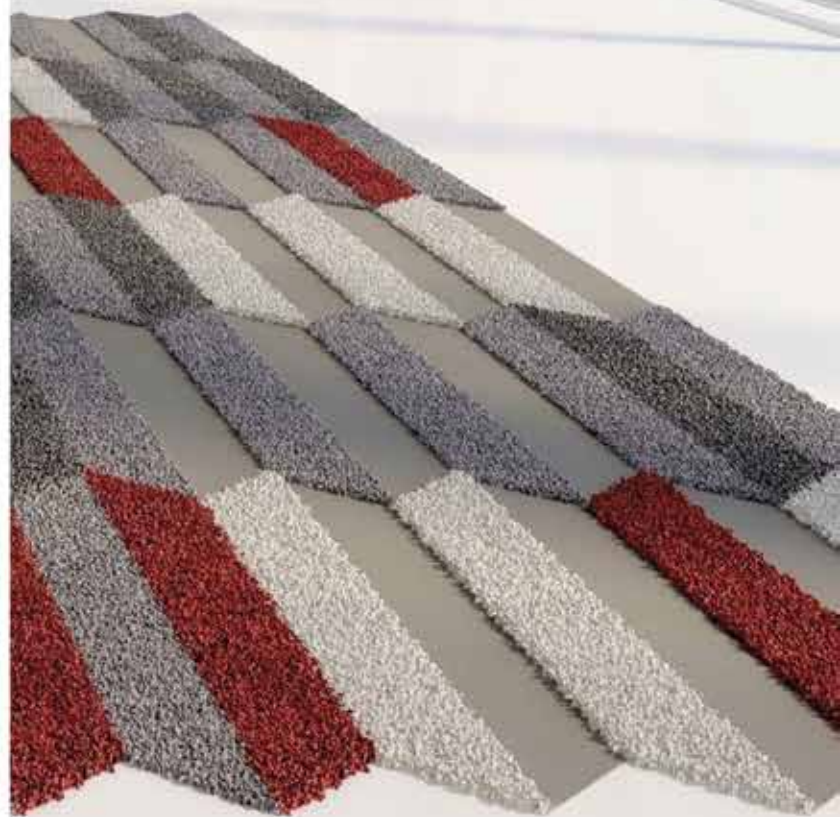
وانیتار

VANITAR

flawless finishing

vanitar.com
[#vanitariran](https://www.instagram.com/vanitariran)

خیابان گاندی، خیابان شانزدهم، پلاک ۱۱ — نمایشگاه: واحد ۱۳
دفتر مرکزی: واحد ۱۳ — ۰۲۱ ۸۸۶۶۳۰۰۱ +۹۸





new product



VORWERK

میگت با طرح های هنرستانی و آزاد - محصول آلمان - شامل طراحی هایی از طراح مشهور ایرانی - مهدی بهرامی
Bituman and PVC free - 100% Recyclable - Antistatic

ویستا بست

پروفیل در و پنجره یو پی وی سی



Hey, Its time to **enjoy** your life



 https://instagram.com/vistabest_group
 <https://www.linkedin.com/company/vista-best>
 <https://twitter.com/vistabest>
 <http://www.aparat.com/vistabest>
 <https://Telegram.me/vistabest>

برنامه
جهانی غذا



VISTA BEST®

UPVC Window & Door Profiles



”آلوینبجره“ سامانه ارتباطی

☎ ۰۲۱-۲۳۰۰۲۴۰۰

www.23002400.ir

☎ *۷۸۰*۲۳۰۰۲۴۰۰#

پروفیل با رنگ و طرح دلخواه

- پنجره ای شایسته ساختمان شما، در طرح های چوب یا رنگ های مختلف به صورت تک رو یا دو رو لمینیت با پروفیل **ویستابست**
- پروفیل های لمینیت **ویستابست** همراه با ضمانتنامه بیمه آسیا



سولابست

تجربه سنگ های دنیا



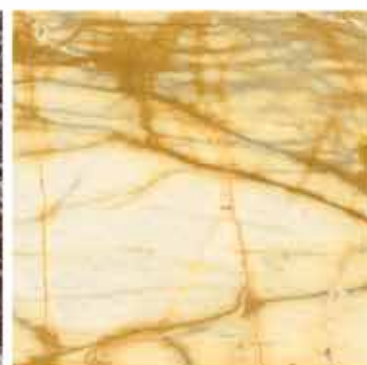
TITANIUM



ONYX PINK



ROSSO LEVANTE



YELLOW SIENA



دفتر فروش تهران ۲۶ ۱۰ ۲۰ ۴۰ نمایشگاه شهرک صنعتی شمس آباد ۵۶ ۳۲ ۶۷ ۳۷
info@solabest.ir www.solabest.ir



اجرای صفحه کابینت با سنگ گلدن براون اجرای کابینت توسط شرکت مانی فرم



تولید کننده نفیس ترین انواع سبک های کلاسیک و مدرن مبلمان
طراحی در زمینه معماری داخلی و دکوراسیون فضاهای اداری، تجاری و مسکونی

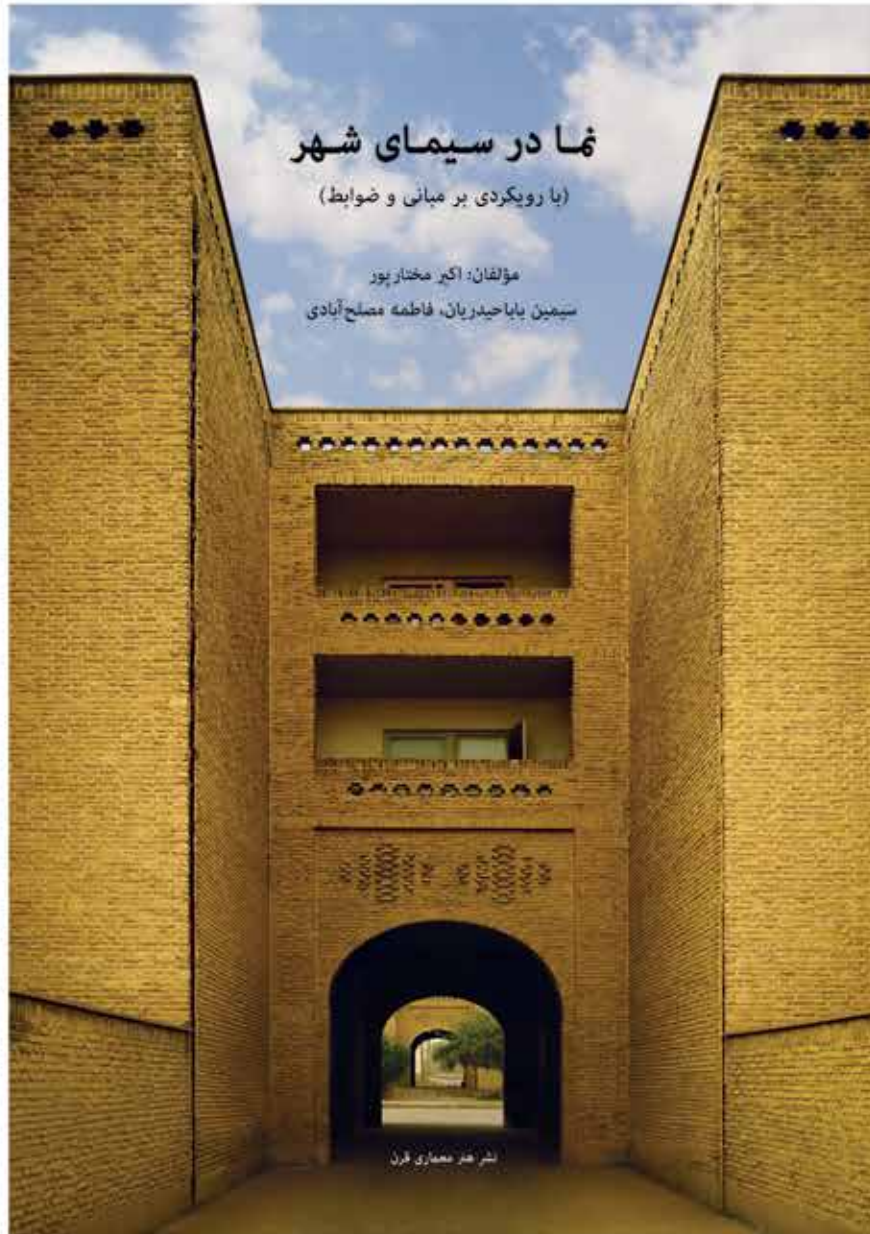
THE WOOD INDUSTRY IN ARCHITECTURAL ART

Manufacturer of the most authentic classic house furniture
in diversified styles and supplier of the latest modern furniture and interior
architectural design and decoration of office, commercial and residential spaces

کارخانه و دفتر مرکزی: ایران - تهران، جاده آبدلی، خیابان ۲۵ متری اتحاد، خیابان ۱۵، شماره ۱۸، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۱۸، فکس: ۷۷۳۴۵۵۴۴
نمایشگاه میرعماد: ایران - تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان میرعماد، شماره ۵۹، کد پستی ۱۵۸۷۸۵۳۵۳۸، تلفن: ۸۸۷۵۲۰۱۳ - ۸۸۷۴۰۳۷۵، فکس: ۸۸۷۴۰۳۷۶
نمایشگاه بازار مبیل شماره ۱: ایران - تهران، یافت آباد شرقی، تقاطع بزرگراه آیت الله سعیدی، مجموعه بازار مبیل شماره ۱، طبقه اول، شماره ۳۱۲، تلفن: ۶۶۳۱۲۷۸۹ - ۹۰، فکس: ۶۶۳۱۲۶۲۶
نمایشگاه بازار مبیل شماره ۳: ایران - تهران، بزرگراه آیت الله سعیدی، نرسیده به چهارراه یافت آباد، بازار مبیل شماره ۳، طبقه اول، شماره ۱۰۷، تلفن: ۶۶۱۹۳۲۱۳ - ۱۴، فکس: ۶۶۱۹۳۲۱۵
پست الکترونیکی: Email: info@sanate-choob.com WWW.SANATE-CHOOB.com

هنر معماری قرن منتشر کرد...

نما در سیمای شهر



این کتاب به مسئله‌ی نما در معماری پرداخته است. نقطه‌ی عزیمت نویسندگان، بر خلاف عرف به‌وجود آمده، نه بررسی پروژه‌های موردی معماری، بلکه «اصول طراحی نما» است. توجه به مبانی نظری معماری و اهمیت دادن به فرایند و روش‌های طراحی، این کتاب را به اثری مؤثر و راهنما برای همه‌ی اقشار دانشجویی و حرفه‌ای معماری بدل ساخته است. محتوای کتاب در عین اصالت نوشتار، با ارجاع به منابع دیگر، تلاش دارد تا تمام عرصه‌های فکری طراحی نما را معرفی و تحلیل نماید. استفاده از تصاویر «اصل و دست اول»، نگاه حرفه‌ای به امر صفحه‌آرایی و طراحی گرافیک علمی-هنری باعث می‌گردد تا خوانش متون با یادگیری توأم گردد. در این یادگیری، هر دو نیمکره‌ی مغز به فعالیت واداشته می‌شوند و خوانش، تحلیل ذهنی و صحبت و نقد نویسنده با نظرات انتقادی خویشتن به صورت همزمان، ذهن خواننده را به چالش می‌کشد. بررسی ضوابط نماسازی در شهرداری‌ها و نگاه فنی به مسئله‌ی سیمای شهری و متعاقباً ارائه‌ی راه‌حل‌های مختلف، از دیگر نقاط مثبت این کتاب است. در انتهای کتاب با مطرح نمودن مسئله‌ی معماری با آجر، دغدغه‌های پژوهشی آینده‌ی نویسندگان با خواننده به اشتراک گذاشته می‌شود و افزون بر آن، پروژه‌هایی با محوریت آجر، مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرند.

خرید آنلاین از سایت هنر معماری

HONAR-E MEMARI

www.aoa.ir

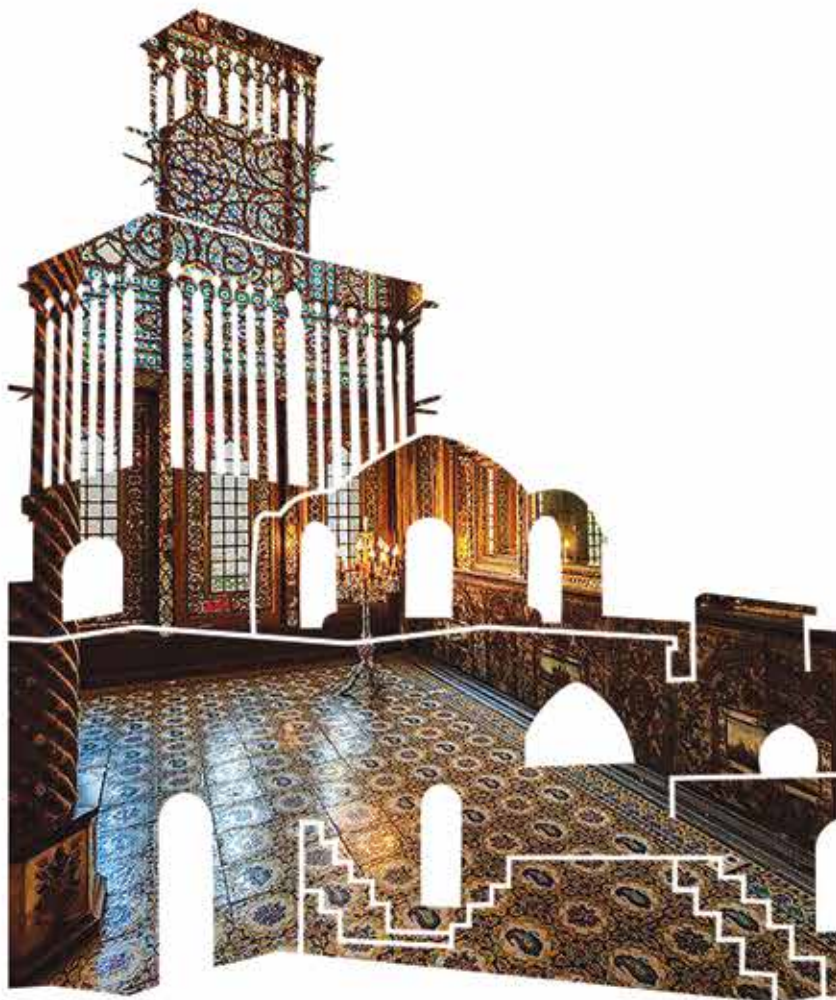
برنامه جهانی غذا



با کمک شما می‌توان جان هزاران انسان گرسنه را هنگام وقوع بحران نجات داد

با بزرگترین آژانس بشردوستانه دنیا در مبارزه با گرسنگی همراه شوید.
شماره حساب بانکی: ۰۱۱۵۶۹۴۴۵۶ بانک تجارت، شعبه اسکان - کد ۰۳۳
شماره کارت: ۶۲۷۳۵۳۹۹۹۱۶۶۴۳۳۲ به نام برنامه جهانی غذا

دوره‌ای متمایز و متفاوت با رویکرد مهارتی و کاربردی



دوره‌های مجتمع فنی و حرفه‌ای بن‌زهار

معماری داخلی همراه با پکیج نرم افزار

MBA ساختمان | طراحی ایرانی | زبان تخصصی مدیران





۲۲۷۹۲۵۹۷ ۲۲۷۹۱۴۵۴	info@bonzhivar.com	www.bonzhivar.com
Bonzhivar_institutue		@Bonzhivards


SARO GLOBAL®

ساروگلوبال ، عرضه کننده محصولات سارو و لومباردی



 [Instagram.com/saroglobal](https://www.instagram.com/saroglobal) تلفن : ۰۲۱ - ۶۶۷۵۱۸۹۱

 [Telegram.me/saroglobal](https://www.telegram.me/saroglobal) نمابر : ۰۲۱ - ۶۶۷۵۱۸۹۰

 www.Saroglobal.ir

Lombardi®



SARO GLOBAL®

ساروگلوبال ، عرضه کننده محصولات سارو و لومباردی

اصالت در فرم، خلاقیت در طراحی جزئیات



مراکز فروش:

یوشهر - میلان امیر: تلفن: ۳۳۵۳۴۱۵۸ (۷۷) ۹۸+ فکس: ۳۳۵۳۵۸۳۶ (۷۷) ۹۸+
مشهد - نیلی پرشین: تلفن: ۳۸۴۳۸۵۸۳ (۵۱) ۹۸+ فکس: ۳۸۴۱۸۹۶۳ (۵۱) ۹۸+

تهران - شرکت ساویس: تلفن: ۶۶۷۳۹۶۸۲ (۲۱) ۹۸+ فکس: ۶۶۷۳۹۹۴۰ (۲۱) ۹۸+
شیراز - تجیزگاران: تلفن: ۳۸۳۱۲۰۰۲ (۷۱) ۹۸+ فکس: ۳۸۲۱۲۰۰۰ (۷۱) ۹۸+
اصفهان - سریر آرای سپهر: تلفن: ۳۲۲۲۶۹۰۲ (۳۱) ۹۸+

Simplicity in Design , Creativity in Details



w w w . p h i l p a . c o m

PHILPA
system
فیلیپا سیستم

دفتر مرکزی:

تهران، شهرک غرب، بلوار فرحزادی، دادمان غربی، تقاطع بل یادگار امام، شماره ۵ ساختمان فیلیپا سیستم
تلفن: +۹۸(۲۱) ۸۸۰۹۵۳۰۵ فکس: +۹۸(۲۱) ۸۸۳۶۷۱۴۳



nobilia

Quality made in Germany



nobilia®

پارس گیت گروپ نماینده رسمی و انحصاری شرکت نوبیلیا در ایران

Pars Gate Group



@nobilia.kitchen

www.parsgateco.com

info@parsgateco.com

Tel.: +9821 26 11 12 39



Tandis - Tajrish - Tehran - Iran

Client: Mr. Glavai / Architect: Mr. Ebrahimzadeh

BENNEXT®

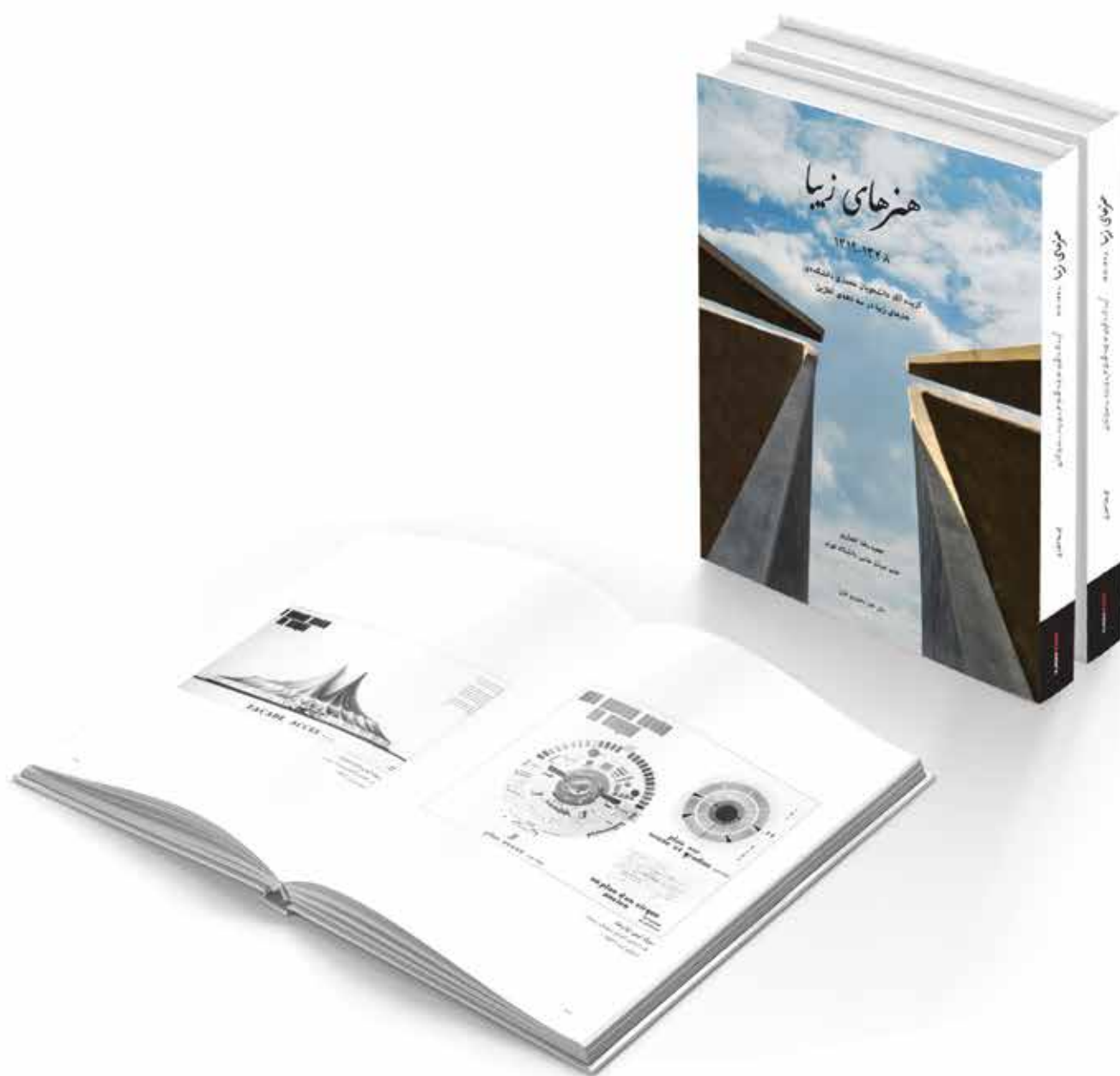
Modern Kitchen
Design , Engineering & Construction



هنرمعماری قرن منتشر کرد...

هنرهای زیبا

گزیده آثار دانشجویان معماری دانشکده‌ی هنرهای زیبا در سه دهه‌ی آغازین ۱۳۴۸-۱۳۱۹



HONAR-E MEMARI

www.aoa.ir

پروبانند PROBAND

پروفیل های کنج و بین سطوح



۱۱ کد با قابلیت تولید در رنگ های متنوع | محصولی مناسب جهت ارتقاء زیبایی | بالا بردن کیفیت نصب کاشی، سرامیک، چوب و ...

IN THREE
COLORS



WWW.PROBANDCO.COM

+98 21 2207 1567
+98 21 2237 9868
+98 21 2207 2354
proband.co@gmail.com

برنامه
جهانی غذا
WFP
wfp.org/ir

هنر معماری

به زودی منتشر می‌نماید

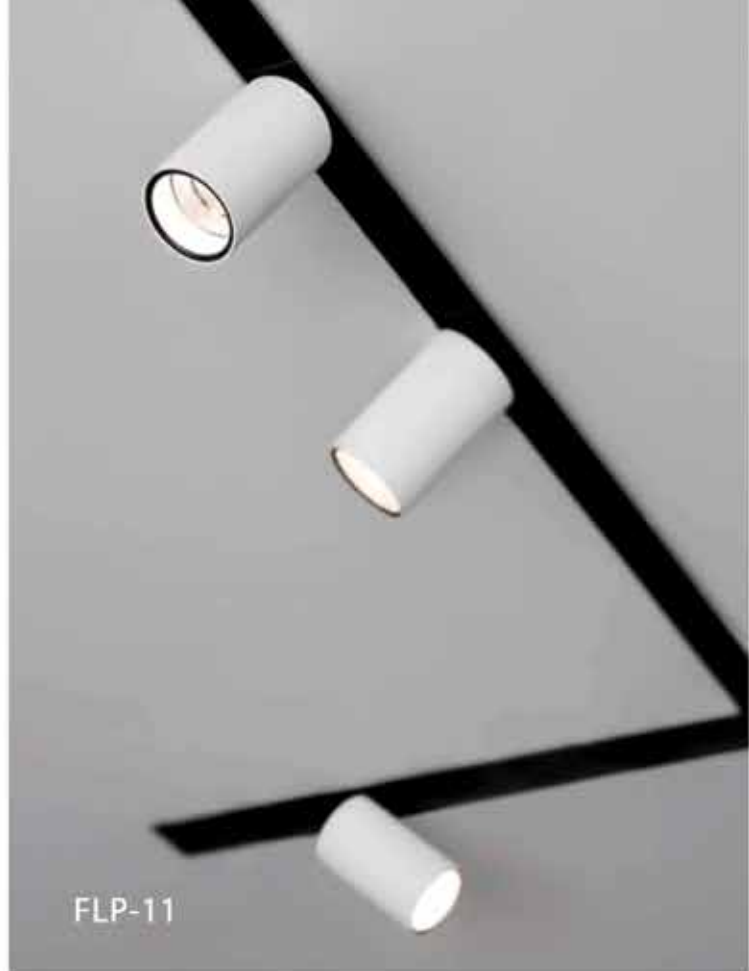


HONAR-E MEMARI

www.aoa.ir



- 021 22 63 91 63 ● معماری نور
- @fadlighting ● طراحی و مشاوره نور
- info@fadco.ir ● تولید چراغ های LED
- www.fadco.ir ● تولید تجهیزات نوری



FLP-11

پروفیل خطی توکار (TRIMLESS) با قابلیت نصب چراغ های خطی و ریلی





LUXURY
OFFICE FURNITURE
& INTERIOR DESIGN



WELCOME TO VIRA...



vira
Club

اولین کلوپ تخصصی معماران و طراحان داخلی
همراه با شرایط و تخفیف های ویژه. جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام
یا ما تماس گرفته یا به وب سایت www.viradeco.com مراجعه فرمائید.



Tel: 021 **22259571**

☎ 021 **22259072**

مبلان مدرن اداری و معماری داخلی

تهران، بزرگراه مدرس (جنوب به شمال)، خیابان
دستگردی (نظری)، شماره ۲۱۵، طبقه ۲ شرقی
Add: East 2nd Floor, No. 215, Dastgerdi St.
Modarres Highway, TEHRAN - IRAN

 info@viradeco.com

 [instagram/ viradeco](https://www.instagram.com/viradeco)

 [Linkedin/ vira deco](https://www.linkedin.com/company/vira-deco)



خانه و معماری
KHANE VA MEMARI

· چینی بهداشتی · شیرآلات · کاشی و سرامیک · وان و جکوزی ·

دفتر مرکزی : ۶۵ ۴۵ ۵۷ ۸۸ - ۲۱ [۰۹۸]
فروشگاه روکا : ۴ - ۹۳ ۱۷ ۶۱ ۸۸ [۰۲۱]

نماینده انحصاری محصولات روکا . اسپانیا
www.khanevamemari.com



DESIGN + SUSTAINABILITY = W + W

W+W محصولی برخواسته از بلند پروازی های شرکت روکا برای ارائه راه کاری نو و خلاق در طراحی سرویس های بهداشتی می باشد. در این طرح چشم گیر، توجه هم زمان به طراحی و حفظ محیط زیست، موجب تلفیق دو عملکرد روشویی و توالت گردیده است. اگرچه خلافتانه ترین ویژگی آن فن آوری بکار رفته برای پر کردن مخزن توالت با آب مصرف شده روشویی است، می توان از این محصول به عنوان بهترین گزینه جهت استفاده در فضاهای بسیار کوچک نام برد. محصولی بی همتا که روکا آن را به واقعیت تبدیل کرده است.

Roca

THE LEADING GLOBAL
BATHROOM BRAND
www.roca.com



خانه و معماری
KHANE VA MEMARI

. پارکت و کفپوش . پانل و روکش . دکینگ و نما .

دفتر مرکزی : ۰۹۸ [۲۱-۸۸ ۵۷ ۴۵ ۶۵]
www.khanevamemari.com

نماینده انحصاری محصولات بامبو موزو . هلند
www.moso.ir



پارسه‌سازی و طراحی داخلی فضای اداری
ساختن مدرن همه - لاهند برای - بیتر شادابی



ELEGANT COLLECTION

Gold is a warm color that can be shiny, glistening and happy as well as dull, muted and traditional. The brighter shades of gold catch the eye with their brilliance while the darker muted shades are deep, warm and intense



Made in
Germany



DESIGN **PLUS**

تلفن: ۰۲۲۷۹۳۷۱۰
۰۲۲۷۹۳۹۴۴
۰۲۲۵۸۰۹۷۳

دفتر مرکزی ادکو ایران
تهران، خ دولت، خ مظهری،
پلاک ۶ واحد ۱۹

BAM construction group

Architecture:Mr.Farzad Daliri

پروژه انجام شده:دفتر مرکزی بام



روایت پنج معمار

تقدیمی بر آرا و آثار

معماریان: محمد علی باقر



معماریان: محمد علی باقر

هنرمعماری

جایزه‌ی ساختمان سال ایران

فرایند انتخاب

پس از ثبت نام کاندیداهای دریافت جایزه و تکمیل فرم‌ها و ارسال مدارک، هنرمعماری مسئولیت کنترل مدارک و رفع نواقص احتمالی را بر عهده خواهد داشت. در این مرحله، صرفاً صدور رسید اسناد، بررسی خطاهای سهوی و مسائل مربوط به ناآشنایی شرکت کنندگان با قوانین جایزه با همکاری هنرمعماری مرتفع می‌گردد. در گام بعد، فرایندهای داوری آغاز می‌گردند که این جایزه دو مرحله داوری دارد.

داوری نخست: بازدید حضوری کلیه آثار شرکت کننده در این رویداد است که توسط گروهی متشکل از هیئت داوران اصلی و اعضای تحریریهی هنرمعماری انجام می‌پذیرد. این گروه با بررسی دیسپلین مسابقه و معیارهای برگزارکننده، به نقد و تحلیل آثار در طی بازدید حضوری، فیلمبرداری (در صورت نیاز)، گفت‌وگو و مصاحبه با معمار اثر و تعامل با افراد دخیل در پروژه پرداخته و در طی جلسات داخلی بعدی خود، آثار را جرح و تعدیل نموده و در نهایت از بین آثار، یک لیست کوتاه فینالیست (shortlist) تهیه می‌نماید. لیست فینالیست‌ها، در نهایت از طریق رسانه‌ی رسمی مسابقه (هنرمعماری) به اطلاع عموم و شرکت کنندگان خواهد رسید.

داوری دوم: داوری نهایی و اصلی مسابقه است. در مرحله دوم، هیئت داوری اصلی (Grand Jury) آثار و مدارک آنها را همراه با گزارش گروه داوری اولیه، بررسی نهایی کرده و ساختمان سال ایران را انتخاب خواهند نمود. در این مرحله نیز هر اثر، بنا بر صلاح دید داوران و در صورت نیاز، حداقل توسط یکی از اعضای هیئت داوری، مورد بازدید حضوری قرار خواهد گرفت و ایشان در جلسات آتی با سایر داوران اصلی به تعامل خواهند پرداخت.

داوران اصلی (Grand Jury)

۱. شیوا آراسته (دکترای معماری، منتقد و مدرس دانشگاه، مدیرعامل شرکت مهندسی پلساریارت)
۲. سیروس باور (دکترای معماری، استاد دانشگاه، مؤلف کتب معماری از جمله نگاهی به پندایش معماری نو در ایران)
۳. سیاوش تیموری (دکترای معماری، استاد دانشگاه و مؤلف کتب معماری از جمله تناسبات در معماری)
۴. کوروش حاجی‌زاده (دکترای معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه، معمار سال خاورمیانه در سال ۲۰۱۳)
۵. عبدالرضا ذکائی (کارشناس ارشد معماری، بنیانگذار مهندسین مشاور پل‌میر)

شرایط شرکت و هزینه‌ی ثبت نام در مسابقه

۱. این جایزه تنها به ساختمان‌هایی تعلق می‌گیرد که در گستره‌ی سرزمینی ایران و توسط معماران ایرانی ساخته شده باشد. تشکیل تیم مشترک با دفاتر خارج از ایران بلامانع است.
۲. این جایزه تنها به ساختمان‌هایی تعلق می‌گیرد که ساخت آنها به اتمام رسیده باشد و کارهای در حد طراحی و یا نیمه تمام داوری نخواهند شد.
۳. هر دفتر یا شرکت معماری برای ورود هر اثر خود به جایزه ملزم به پرداخت هشت میلیون ریال (سه میلیون ریال بابت ورودی مسابقه + پنج میلیون ریال بابت معرفی اولین اثر) می‌باشد. برای ورود هر اثر اضافی به جایزه به غیر از اولین اثر نیز مبلغ پنج میلیون ریال اضافه باید پرداخت گردد.

جوایز

- ساختمان سال ایران و کلیه‌ی فینالیست‌ها توسط گروه هنرمعماری مورد معرفی رسانه‌ای قرار خواهند گرفت. از جمله انتشار و معرفی در شماره‌ی ۴۴ فصلنامه‌ی هنرمعماری (بهار ۱۳۹۶)
- ویژه‌ی ساختمان سال ایران و ایجاد پورتال دائمی در درگاه مسابقه در وبسایت رسمی هنرمعماری.
- برنده‌ی رتبه‌ی نخست این رویداد، ساختمان سال ایران، علاوه بر افتخار معنوی کسب جایزه و دریافت لوح ویژه‌ی مسابقه، مبلغ چهارصد و چهل میلیون ریال بابت پاداش نقدی دریافت خواهد نمود. این جایزه به صورت یکجا و نقد و با سخاوتمندی تمام توسط حامی انحصاری این رویداد، شرکت رویا طرح داخلی (تامین کننده‌ی پوشش‌های کف و دیوار) به برنده اهدا خواهد گردید. این رقم به پاسداشت انتشار چهل و چهارمین شماره از فصلنامه‌ی هنرمعماری در بهار ۱۳۹۶ و معرفی ساختمان سال ایران در آن تعیین گردیده است.
- هنرمعماری از کارفرمای ساختمان سال ایران به جهت درک عمیق از معماری ایران و کمک به توسعه‌ی لبه‌ی معماری تقدیر و تشکر خواهد نمود.

تاریخ‌های مهم

- آخرین مهلت واریز وجه، ثبت نام و دریافت مدارک (Final Entry): پایان وقت اداری (ساعت ۱۷) روز یکم اسفند ۱۳۹۵
- آغاز فرایند بازدید از پروژه‌ها توسط کمیته‌ی هنرمعماری: پنجم اسفند ۱۳۹۵
- اعلام لیست فینالیست‌ها: بیست و یکم اسفند ۱۳۹۵
- آغاز فرایند بازدید از پروژه‌ها توسط هیئت داوری اصلی (Grand Jury): از شانزدهم فروردین ۱۳۹۶ به بعد
- اعلام برنده‌ی نهایی ساختمان سال ایران: فصلنامه‌ی هنرمعماری، شماره‌ی ۴۴، اردیبهشت ۱۳۹۶

اطلاعات بیشتر و دانلود فرم ثبت نام در وبسایت

HONAR-E MEMARI
www.aoa.ir

تحت حمایت انحصاری مالی شرکت رویا طرح داخلی

ROYA
www.royaco.com





DND BY MARTINELLI® is the brand of FMN MARTINELLI S.p.A., a leading company in the production of handles. The idea of DND® stems from a desire to produce handles with outstanding nobility and elegance, making them essential furnishing accessories for all homes.

Our products are the result of passion and expertise gained over almost 50 years of history. DND BY MARTINELLI® is bringing the full force of the true Made in Italy and the Confidence of buying products of the highest quality. The entire production process of our company is ISO 9001 certified. While high quality standards are guaranteed by the robotic plants, it is the artisanal finishing work that really adds value to each product, transforming it into a prestigious design object.



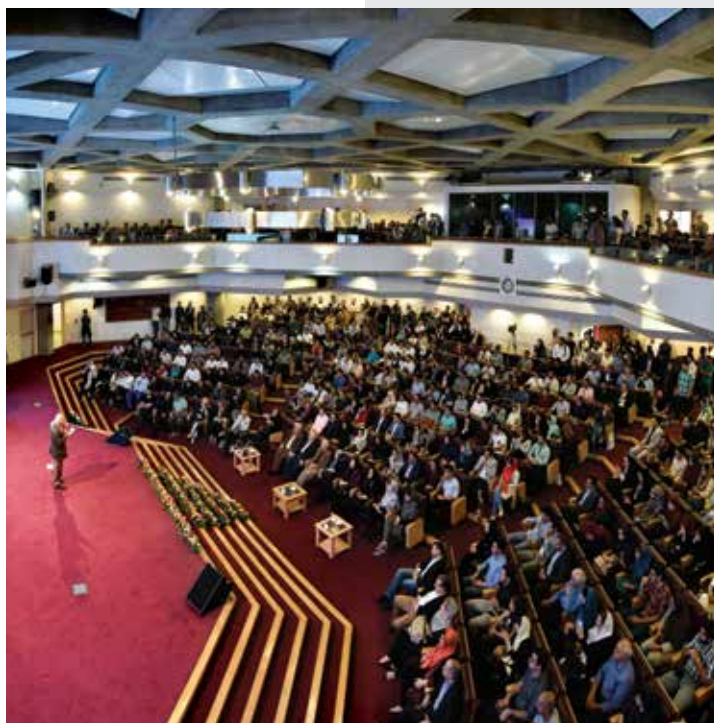
فروشگاه احمدی (۱۱۰) خیابان امام خمینی، بعد از خیابان میردامادی، پلاک ۱۷۷ تلفن ۶۶ ۷۶ ۷۶ ۴۲	فروشگاه احمدی (نگین شیراز) خیابان ملاصدرا، خیابان شیراز شمالی، پلاک ۱۶۵ تلفن ۸۸ ۰۴ ۹۰ ۰۴	فروشگاه احمدی خیابان سهروردی شمالی، نبش خیابان متحیری، پلاک ۵۶۳ تلفن ۸۸ ۵۰ ۵۰ ۳۰
فروشگاه احمدی (مجیدیه) خیابان استاد حسن بنا شمالی نبش خیابان قدس، پلاک ۵۰۹ «به زودی افتتاح می گردد»	فروشگاه احمدی (یکتا) خیابان سهروردی جنوبی، نبش خیابان حسامزاده حجازی، پلاک ۱۳ تلفن ۷۷ ۵۳ ۵۶ ۳۰	فروشگاه احمدی خیابان آیت الله کاشانی، بین وفا اذر و عقیل، پلاک ۳۴۸ تلفن ۴۴ ۰۳ ۶۵ ۹۳



AHMADI GROUP

the Second Biennale Competition of Iranian Architecture,
Urbanism, and Interior Design (Special Issue)

ویژه‌نامه‌ی دومین دوسالانه‌ی ملی معماری،
شهرسازی و طراحی داخلی ایران



حامیان مادی، معنوی و رسانه‌ای دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران

حامیان مادی



www.mohitara.com

محیط‌آرا: مبلمان اداری



www.bornakooshesh.com

شرکت برنا کوشش: نماینده انحصاری کلید و پریز و سیستم‌های
هوشمند بونگ آلمان و شیرآلات بونجو ایتالیا



www.royaco.com

شرکت رویا طرح داخلی: مشاور و نوآور در
تأمین پوشش‌های کف و دیوار در خاورمیانه

حامیان معنوی



fa.wfp.org



www.ammi.ir

حامیان رسانه‌ای



www.taragah.com



www.Memarnews.com



www.caoi.ir

هنر معماری برگزار می‌کند:

دومین دوسالانه ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران

با همکاری برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد (WFP)، شرکت برنا کوشش،
شرکت رویا طرح داخلی و شرکت محیط‌آرا

در سه بخش:

۱. مسابقه طراحی مدرسه شش کلاسه در جیرفت (جایزه این بخش ۵۰۰ میلیون ریال)
۲. نقد معماری ایران (جایزه این بخش ۹۰ میلیون ریال)
۳. نمایشگاه آثار منتخب معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ (اجرا شده و نشده)

انتشار کتاب مجموعه آثار و مقالات دوسالانه معماری،
شهرسازی و طراحی داخلی ایران (۱۳۹۳-۱۳۹۵)

IRAN
ARCHITECTURE
BIENNIAL nd

HONAR-E-MEMARI

اطلاعات بیشتر و دانلود اسناد در وب‌سایت و شبکه‌های اجتماعی هنر معماری

@aomagazine

HONARE_MEMARI

aoapub@gmail.com

www.aoa.ir

02188342960-61

حامیان معنوی



www.amnl.ir



www.wfp.org

حامیان مادی



www.royaco.com



www.mohitara.com



www.bornakooshesh.com

حامیان رسانه‌ای



www.arkaneh.com



www.aoa.ir



www.Memarinoz.com

حامیان مادی، معنوی و رسانه‌ای دومین دوسالانه ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران

پوستر منتشر شده در فصلنامه‌ی هنر معماری شماره‌های ۳۸ تا ۴۱، رسانه‌های هنر معماری و سایر رسانه‌های معماری کشور

فراخوان

هنر معماری برگزار می‌کند:

دومین دوسالانه ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران

بخش ۱: مسابقه طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه در جیرفت

موضوع بخش نخست (مسابقه طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه):

دبیرخانه و تصمیم‌گیرندگان دوسالانه تصمیم دارند در هر اقلیم، یک فضای آموزشی را به مسابقه گذاشته و طرح برنده را در صورت کمک خیرین و مدرسه‌سازان به اجرا برسانند. در همین چارچوب، برای این دوسالانه، طراحی معماری مدرسه‌ی شش کلاسه در کرمان – روستای محروم فتح‌المبین ده‌نو، از توابع جیرفت – به مسابقه گذاشته شده است.

شرح طراحی:

جیرفت، وارث یکی از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین تمدن‌های شرق به نام ارت می‌باشد. همچنین شهر دقیانوس، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شهرهای دوران اسلامی، در این منطقه وجود داشته است، اما امروزه این منطقه جزء مناطق محروم کشور ما می‌باشد. از آنجا که هنر معماری بر ارزش‌های بشردوستانه استوار گردیده است، بخش نخست دومین دوسالانه، ضمن تأکید بر اصول حرفه‌ای، متوجه رفع مصایب انسانی گردیده است. در همین چارچوب، موضوع طراحی معماری مدرسه‌ی شش کلاسه در یکی از روستاهای منطقه‌ی محروم جیرفت جهت برگزاری مسابقه به صورت کشوری اعلام می‌گردد.

تذکر ۱: این بخش از مسابقه تنها شامل طراحی فاز یک است.

اهداف برگزاری بخش نخست دوسالانه:

- نگاهی هنری و معمارانه به امر مقدس مدرسه‌سازی در کشور
- تغییر الگوی مدرسه‌سازی و کشف توانایی‌های جدید معماری برای فضاهای آموزشی
- توسعه‌ی مرزهای مشترک معماری و آموزش
- تغییر نگاه و تشویق مسئولین به کار مشترک و طراحی مدارس توسط دفاتر فنی معماری مستقر در سازمان نوسازی مدارس همراه با ارجاع این پروژه‌ها به دفاتر معماری خصوصی
- ایجاد فضای رقابتی بین معماران و شهرسازان در چارچوب اهداف بشردوستانه

اسناد برای بخش طراحی:

- نقشه‌ی زمین در نظر گرفته شده برای این مسابقه، که با همکاری جمعی از خیرین و بشردوستان محترم تهیه گردیده است، قابل دانلود از وبسایت www.aoa.ir می‌باشد.
- تصاویری از سایت پروژه و دیدهای اصلی تهیه گردیده است.
- برنامه‌ی فیزیکی طرح، مطابق با ضوابط طراحی ساختمان‌های آموزشی (برنامه‌ریزی معماری همسان مدارس ابتدایی و راهنمایی) ابلاغی ۱۳۸۲/۰۷/۲۴ نظام فنی و اجرایی کشور (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) می‌باشد. این دستورالعمل را ضمن دانلود از وبسایت رسمی مسابقه، می‌توانید از وبسایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز دانلود نمایید.

معیارهای طراحی مدرسه:

- احترام و ارزش نهادن به روحیات بومی و فرهنگ مخاطب پروژه
 - قابلیت اجرا به صورت ساده و با حداقل هزینه‌ها
 - قابلیت اجرا بدون نیاز به پیچیدگی‌ها و تجهیزات مهندسی
 - برخورداری از کیفیت محیطی معماری کامل
 - مقاومت در برابر زلزله به‌طور کامل و دقیق
 - وفاداری و پایبندی نسبت به ارزش‌های دینی، فرهنگی، آیینی و اجتماعی ایران
 - برخورداری از فضای سبز مطلوب با اثرات آموزشی، روان‌شناسی و ورزشی مناسب
 - طرح معماری می‌بایست موجب شور و احساس سرزندگی در دانش‌آموزان و تشویق کننده جهت تحصیل باشد
 - خلاقیت در سازه، مصالح، تولید و مصرف انرژی و در فضاها و مبلمان داخلی
 - ترجیحاً طرح‌ها دارای صفت قابلیت گسترش Re-deployable
 - توجه به مبلمان و طراحی فضای داخلی مدرسه
 - برخورداری از فاکتورهای پایداری (اقلیمی-اقتصادی-اجتماعی)
- لازم به ذکر است که طرح‌های پیشنهادی نیمکت، صندلی و هرگونه تجهیزات آموزشی مطابق با معیارهای نام برده، به عنوان امتیاز مثبت برای شرکت‌کنندگان تلقی خواهد شد.

بخش ۲: جایزه‌ی دوسالانه‌ی نقد معماری ایران

بخش دوم دوسالانه، با هدف تشویق، ایجاد انگیزه‌ی درونی و الگوسازی رقابت سالم در بین منتقدین و نظریه‌پردازان معماری در ایران راه‌اندازی شده است. در این بخش، به بهترین نقد نوشته شده در دو سال اخیر، جوایزی تعلق خواهد گرفت. این نقد، محدودیتی در سبک، محتوا، تعداد صفحات و نظریه ندارد، اما می‌بایست در حوزه‌های ذیل باشد:

(الف) روشنگری و پژوهش در قلمروی معماری سنتی ایران

(ب) نقد معماری معاصر ایران (ارائه‌ی معیار برای سنجش، ارزیابی و یا نقد یک اثر)

(ج) پژوهش متمایز در قلمروی معماری جهان و آینده‌ی ایران

تذکر ۱: شرکت‌کنندگان می‌توانند از اقصاء مختلف اساتید دانشگاه، دانشجویان و جامعه‌ی حرفه‌ای معماران و شهرسازان باشند و محدودیتی در این زمینه وجود ندارد.

تذکر ۲: نقدها می‌توانند در نشریات مکتوب مختلف و یا رسانه‌های دیجیتال و خبرگزاری‌ها پیش از این منتشر و یا هیچ جایی (به هر دلیل) تاکنون منتشر نشده باشند. هیئت داوران در این زمینه، محدودیتی قائل نیستند و همچنین مقالات می‌توانند منحصراً برای این دوسالانه نوشته شده باشند.

تذکر ۳: نقدهای منتشر شده، لزوماً باید محصول سال ۱۳۹۳ به بعد باشد.

مشاور عالی دوسالانه: علی‌اکبر صارمی

دبیر دوسالانه: شهریار خانی‌زاد

داوران بخش‌های اول و دوم براساس حروف الفبا:

- فرامرز پارسی
- عباس ریاحی فرد
- بیژن شافعی
- محمدرضا حائری
- سارا کلانتری
- فرشاد مهدی‌زاده
- شهاب میرزائیان
- رضا نجفیان

از بین داوران، پنج نفر جهت بخش نخست دوسالانه (مسابقه‌ی طراحی مدرسه) و سه نفر، جهت داوری بخش دوم دوسالانه (جایزه‌ی نقد معماری ایران)، گروه‌بندی خواهند شد.

تذکر ۱: معیارها، ضوابط و سایر مدارک و نکات در بخش‌های مختلف و همچنین فرم ثبت نام اینترنتی از تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۰۱ در سایت مؤسسه‌ی هنر معماری قرن (www.aoa.ir) جهت مطالعه و دانلود در دسترس می‌باشند.

جوایز بخش‌های ۱ و ۲

موضوع	رتبه	رتبه‌ی نخست
نقد معماری ایران	هرکدام از بخش‌های سه‌گانه‌ی الف، ب، ج	۱۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه		۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
		۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
		۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

تذکر ۱: به کلیه‌ی برندگان، بجز جوایز مادی فوق‌الذکر، لوح افتخار و گواهی امضا شده توسط داوران و مسئولین، اهدا خواهد گردید.

Invitation

Honar-e Memari Proudly Holds the Second Biennale Competition of Iranian Architecture, Urbanism, and Interior Design

بخش سوم: نمایشگاه آثار منتخب معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران در دوسال اخیر به انتخاب هنر معماری

بخش سوم دوسالانه به برگزاری نمایشگاه آثار منتخب اجرا شده و نشده معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران اختصاص دارد که در طی دو سال اخیر (از مهر ۱۳۹۳ تا مهر ۱۳۹۵) به طراحی رسیده‌اند. این آثار، توسط هنر معماری انتخاب و ضمن نمایش در گالری‌های تهران در کتاب این دوسالانه به چاپ خواهند رسید.

در این چارچوب، لازم است مهندسین مشاور، دفاتر معماری، معماران انفرادی و ... جهت حضور در نمایشگاه دوسالانه با ارسال مدارک پروژه (تصاویر به همراه مشخصات پروژه و مدارک مربوط به ایده، فرایند طراحی و...) تا روز یکشنبه مورخ ۳۱ مرداد ۱۳۹۵ اعلام آمادگی نمایند. شرکت‌کنندگان ملزم به ارسال این مدارک از طریق لوح فشرده به آدرس دبیرخانه‌ی دوسالانه می‌باشند. بدیهی است دبیرخانه‌ی دوسالانه جهت نمایش آثار برتر با دفاتر منتخب تماس خواهد گرفت.

تذکر ۱: هیچ‌گونه محدودیتی در مورد اجرا شدن یا نشدن آثار وجود ندارد و تنها می‌بایست آثار در طی دو سال اخیر (از مهر ۱۳۹۳ تا مهر ۱۳۹۵) طراحی شده باشند.

تذکر ۲: به کلیه راه‌یافتگان به بخش نهایی نمایشگاه، لوح افتخار و گواهی امضا شده توسط دبیرخانه‌ی دوسالانه اعطا خواهد گردید.

قوانین عمومی حاکم بر دوسالانه

۱. شرکت در تمامی بخش‌های دوسالانه به طور همزمان برای عموم معماران، طراحان معماران داخلی و هنرمندان آزاد است.
۲. اثبات مالکیت اثر بر عهده‌ی شرکت‌کننده است.
۳. حق چاپ پروژه‌ها و مقالات، با ذکر نام صاحب اثر، برای مؤسسه‌ی هنر معماری قرن محفوظ خواهد بود.
۴. تکمیل فرم شرکت در دوسالانه (برای شرکت‌کنندگان تمامی بخش‌ها) که روی سایت مؤسسه‌ی هنر معماری قرن www.aoa.ir و نیز در فصلنامه‌ی هنر معماری (از شماره‌ی ۳۹-زمستان ۱۳۹۴ و ۴۰-بهار ۱۳۹۵) موجود است، الزامی و بخشی از فرایند ثبت نام، قلمداد می‌گردد.
۵. مدارک ارسال شده به هیچ وجه مسترد نخواهند شد.

زمان بندی

آخرین مهلت ارسال آثار (برای تمامی بخش‌ها)، روز یکشنبه مورخ ۳۱ مرداد ۱۳۹۵، ساعت ۱۷ می‌باشد. این تاریخ به هیچ عنوان قابل تمدید نخواهد بود. زمان برگزاری مراسم و محل آن، متعاقباً اعلام خواهد گردید. تأکید می‌گردد دریافت تمامی مدارک (تصاویر، متن، مشخصات شرکت‌کننده و ...) مربوط به این دوسالانه فقط به صورت دریافت CD یا DVD می‌باشد.

قوانین و روش ارسال آثار به دوسالانه برای بخش‌های اول و دوم

۱. فایل‌های طرح مدرسه (بخش نخست دوسالانه) می‌بایست حداکثر در ۵ شیت A3 بر روی لوح فشرده (CD یا DVD) رایت و به دبیرخانه‌ی دوسالانه ارسال گردند. این فایل‌ها، شامل اسنادی می‌باشند که طرح را توصیف می‌کنند. اسنادی از قبیل پلان‌ها، مقاطع، نقشه‌ها، پرسپکتیوها و تصاویر سه‌بعدی و نیز ترجیحاً، اتودها و اسکیس‌های دستی و دیتیل‌هایی که ممکن است در امر داور و ارائه‌ی طرح مؤثر باشند. همچنین ارسال شرح مختصر و مفیدی از ایده‌ی طراحی از طرح در فایل ارسالی، با فرمت Word و ترجیحاً حداقل به اندازه‌ی یک صفحه‌ی A4 ضمیمه شود. لازم به ذکر است مقیاس نقشه‌ها آزاد می‌باشد. صفحات A3 باید دارای کیفیت چاپ بالایی باشند که برای این امر توصیه می‌گردد در حین طراحی، کیفیت سیستم‌های خود را بر روی رزولوشن 300dpi تنظیم نمایید.

تذکر ۱: در صورت عدم ارائه‌ی تصاویر خام طرح‌ها بر روی CD، پروژه از مرحله‌ی داور حذف خواهد شد.

تذکر ۲: مسئولیت صحت رایت CD بر عهده‌ی ارسال‌کنندگان می‌باشد. توصیه می‌کنیم پیش از ارسال در سیستم‌های مختلف، از صحت رایت و باز شدن فایل‌ها اطمینان حاصل فرمایید.

۲. فایل مقالات نقد معماری (بخش دوم دوسالانه) می‌بایست با فرمت داکس (DOCX) در برنامه‌ی ورد (WORD)، تحت پلتفرم (Office)، به همراه یک کپی از محل انتشار آن (در صورت انتشار پیش از این تاریخ) تهیه و از طریق لوح فشرده به دبیرخانه ارسال گردند. لازم است شرکت‌کنندگان محترم جهت شفافیت محل انتشار نقد خود در نشریات و وبسایت‌ها، دقت کافی را مبذول فرمایند تا حقوق ناشرین محترم رعایت گردد.

۳. به علت اینکه داور آثار در تمامی بخش‌ها، بدون اطلاع از نام شرکت‌کنندگان صورت می‌گیرد، لازم است تا مشخصات فردی و علمی از قبیل لوگو، امضا و یا هرگونه نشانه‌ی خاص از طرح یا شرکت و گروه طراحی در آثار ارسالی وجود نداشته باشد و مشخصات شناسایی در فرم ثبت نام موجود در فصلنامه‌ی هنر معماری ۳۹، ۴۰ و همچنین موجود در سایت هنر معماری (www.aoa.ir) قید گردد.

۴. محدودیتی در تعداد طرح‌ها و نقدهای ارسالی وجود ندارد.

نکته‌ی مهم: دبیرخانه از پذیرش هرگونه شیت و فوم برد به صورت فیزیکی معذور است. لطفاً از پرینت، پلات، چاپ و ارسال این موارد به دبیرخانه جداً خودداری فرمایید. شرکت در دوسالانه، در همه‌ی بخش‌ها، تنها از طریق رایت این اطلاعات بر روی لوح فشرده مقدور می‌باشد. تنها شرکت‌کنندگان در بخش طراحی (بخش نخست) می‌توانند ماکت آثار خود را (در صورت تمایل) به دبیرخانه ارسال نمایند. ماکت امتیاز مثبت ندارد، اما به ارائه‌ی بهتر اثر شما کمک می‌نماید. لطفاً در صورت وجود هرگونه پرسش با دبیرخانه‌ی تماس حاصل فرمایید.

هنر معماری اعلام می‌دارد که طرح‌های منتخب مدرسه، نقدهای برتر ارسال شده و آثار راه یافته به بخش نمایشگاه در

کتابی با عنوان دوسالانه‌ی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران (۱۳۹۳-۱۳۹۵) به چاپ خواهند رسید.

پل‌های ارتباطی با دبیرخانه‌ی دوسالانه:

تهران، خیابان شهید مفتاح (شمالی)، پایین‌تر از خیابان شهید مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه همکف، واحد ۶. تلفن: ۸۸۳۴۲۹۶۰-۰۲۱ / ۸۸۳۴۲۹۶۱-۰۲۱ (۰۲۱)

HONARE_MEMARI

@aoapub@ymail.com

www.aoa.ir

www.aoonline.ir

بیانیه هیئت داوران

پیرامون روش و دلایل انتخاب طرح‌های برتر بخش نخست از دومین دوسالانه ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران (طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه در روستای ده‌نو – جیرفت)

بیانیه‌ی کلِ دوسالانه توسط دبیرخانه تهیه، در جشن ملی قرائت و در نهایت چاپ گردید؛ اما بیانیه‌ی اعضای محترم هیئت داوران بخش نخست (طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه‌ی روستای ده‌نو جیرفت) که تنها یکی از قسمت‌های دوسالانه بود، علی‌رغم تأکید قانونی آئین‌نامه‌ی جامع برگزاری مسابقات معماری و پیگیری‌های فراوان، هرگز به دست دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی نرسید.

فقط دروغ است که از نقد می‌ترسد!

«سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد» - سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۱

«باید آموزش می‌دیدیم و یاد می‌گرفتیم که به حقوق مؤلف احترام بگذاریم، راست‌آزما باشیم و ذهن سالم و پندار نیک داشته باشیم، در گفتار صداقت داشته باشیم و در عمل و فعالیت حرفه‌ای با اخلاق باشیم و بسیار بایدهای دیگر که تداوم آنها ابتدا اعتبار، شخصیت، اعتماد، احترام و استواری "فردی" را باعث می‌شود و سپس در فراوانی و تکرار، به خصوصیت "اجتماعی" تبدیل می‌گردد.»

کامبیز ناظرعمو [فصلنامه‌ی هنر معماری شماره‌ی ۲۳، ۱۳۹۰: ۵]

معمای معماری امروز ایران

تحریریه‌ی هنر معماری

طبق ماده‌ی ۲ قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، یکی از رسالت‌هایی که مطبوعات برعهده دارند، «روشن ساختن افکارعمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم» است و این نوشتار تنها به منظور نیل به این هدف و پاسخگویی به ۳۱۳ گروه شرکت‌کننده‌ی بخش نخست (بیش از ۱۲۰۰ نفر) و مجموعاً ۲۵۰۰ نفر شرکت‌کننده در سه بخش دوسالانه و همچنین جامعه‌ی معماری کشور و به تعقیب آن، اعتلای معماری این کهن‌دیار و واکاوی ناهنجاری‌های مسابقات معماری منتشر می‌گردد.

لازم و مؤثر می‌باشد. حتی مشاوران عالی هنر معماری که باتجربگان معماری ایران بودند، به طور متداوم با ما تماس می‌گرفتند و یا حتی حضوری، برنامه‌ها را بررسی می‌نمودند. برگزاری دوسالانه یک کار ملی است، خصوصاً فرمت و دوره‌ی برگزاری آن هنوز به عدد سه نرسیده باشد! ضمن اینکه ما نمونه‌ی مشابه جهانی نیز نداشتیم، زیرا براساس نیازهای بومی خود، طرح دوسالانه را نوشته بودیم و همین بود که هنر معماری را به بستر نقد و انتقاد تبدیل می‌کرد.

جمعه، بیست‌وششم شهریور سال ۱۳۹۵، مقرر گردیده بود تا دربی بزرگ فوتبال پایتخت برگزار گردد. کار یگان حفاظت آن روز خیلی سخت نبود زیرا آنها منتظر هجوم طرفداران دو تیم بودند، اما قضیه برای حراست کتابخانه‌ی ملی ایران مطلقاً اینگونه نبود. در روزی که فقط نیروهای شیفت در محل حاضر بودند، حضور غافلگیرانه‌ی معماران و دانشجویان معماری، مسیرهای تردد به بخش سالن‌های مطالعه و تالار قلم را عملاً از کنترل خارج کرده بود. رگبار خودروهای ورودی به محوطه، حتی کارگاه تعطیل باغ کتاب تهران در جبهه‌ی روبروی کتابخانه‌ی ملی را نیز به پرسش واداشته بود. مأموران درب تردد حتی فکرش را هم نمی‌کردند یک برنامه‌ی معماری، تنها چند ساعت پیش از دربی، اینقدر فشرده و شلوغ گردد که آنها ذوق دربی را فراموش کنند. بیش از ۷۰۰ نفر در رویدادی که حداقل دو هزار و پانصد نفر را درگیر کرده بود، آن روز در کتابخانه‌ی ملی حضور داشتند. آن روز، روز تولد منتقدان معماری ایران بود؛ روزی بود که معماری در اولویت قرار گرفت. روزی که کالبد معماری ایران شکافته شده تا هم ارتقا پیدا کند و هم آسیب‌شناسی گردد. در این روز، معماران زیر یک سقف مشترک و متحد جمع شدند، برای علی‌اکبر صارمی، چندین دقیقه پیوسته دست زدند و کوشیدند یک گام، حرفه‌ای‌تر گردند.

و آن «تالار قلم» کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران بود. «ملی بودن» این دوسالانه یک شعار نبود، ما واقعاً مجوز برگزاری رویدادی «ملی» را از وزارتخانه و نهادهای مربوطه گرفته بودیم و هم‌پیمان شده بودیم که در نهایت برنامه‌ای در سطح ملی را نیز اجرا نماییم. ما نمی‌خواستیم یک کلونی جدید بسازیم. هدف ما ایجاد یک چتر مشترک و متحد برای معماران ایران بود. از نظر ما، حالا این چتر، تالار قلم کتابخانه‌ی ملی کشور بود، اثری دلنشین و امن از یوسف شریعت‌زاده‌ی و خاطره‌ی مشترک اکثر پژوهشگران دلسوز معماری ایران.

ما با حمایت کم‌نظیر حامیان مالی خود، خانم کتابیون نادری (شرکت برنا کوشش)، آقای علی تمیزکار (شرکت رویا طرح داخلی) و آقای اصغر کرمانی (شرکت محیط‌آرا) قادر به برگزاری این دوسالانه شدیم و در اینجا جا دارد از زحمات و کمک بی‌دریغ آنها در راستای اعتلای معماری انسان‌دوستانه کمال سپاس را به جا آوریم زیرا تا آخرین قدم، همگام با هنر معماری و دوسالانه‌ی ملی شدند. در روز مذاکره نیز با مسئولان کتابخانه‌ی ملی، در مورد هزینه‌ها بحثی نداشتیم و به امکانات جدید کتابخانه و حمایت اسپانسرهای خود ایمان داشتیم. در واقع مشکل ما، کنداکتور پیچیده و نوآورانه‌ی جشن دوسالانه بود که مدیران و اپراتورهای سیستم‌ها را به رقابت با توانایی‌های خود دعوت می‌نمود. دوسالانه رویداد روتینی نبود و حداقل در یک سال اخیر، چالش‌های زیادی را به وجود آورده و مرزها را توسعه داده بود. بنابراین دوسالانه چالش شده بود و مانند هر موقعیت چالش‌برانگیز دیگری، آستان فرصت‌ها و تهدیدات فراوانی بود. لازم به تذکر نیست که اساس آموزش، «ایجاد بستر نمودن و به چالش کشیدن دانشجویان» است. حالا ما قصد داشتیم حرفه را به چالش بکشیم و از الگویی که جهت تدریس استفاده می‌شود، بهره ببریم. در واقع، معتقد بودیم که این حرکت در کنار زحمات دیگر دوستان فرهنگ‌دوست معماری و رسانه‌های معماری،

اغلب مردم از نقش مهم خود در عصری که زندگی می‌کنند، اطلاعی ندارند تا اینکه آنها توسط پژوهشگران و نویسندگان به رشته‌ی تحریر در می‌آیند. به طور مثال هنگامی که ارنست همینگوی شروع به نوشتن و تصویرسازی چیزی کرد که در جنگ، به عنوان یک سرباز ساده دیده بود، نه خود او و نه مردم بازگیر پیش چشم او، تصویری از جایگاهی که امروز داشتند را در اعماق اذهان خود نمی‌پروراندند. امروز تعداد نویسنده‌ها از خواننده‌ها، اندیشمندان از شنوندگان و ستارگان از طرفداران آنها بیشتر شده است؛ اما ما و شما نباید این آمارها را باور کنیم. اینها همه آمارهای کمی‌محور هستند ... اگر بخواهیم جهان را با چشمانی که ارنست همینگوی نگریست بنگریم، آن وقت می‌بایست پای مسئله‌ی ما را به بازی باز کنیم که شاید تمام قوانین را عوض کند و آن مسئله، «کیفیت» است.

داستانی که در اینجا روایت می‌شود را شاید بتوان داستان معماری ایران و یا حتی در نگاهی دیگر، سرگذشت گامی انسان‌دوستانه خواند. شاید برای بسیاری یک تراژدی کلیشه‌ای باشد که پایانش را از برند، اما برای افرادی که آمال و اهدافشان را صرف آن کرده، دردی عمیق و روایتگر ناامیدی‌هایی است که هریک به نحوی با آنها روبرو می‌شویم. داستان ما، داستان بدعهدی‌ها، پیمان‌شکنی‌ها، بی‌انصافی‌ها، منفعت‌طلبی‌ها، خودخواهی‌ها، سهم‌خواهی‌ها، انحصارطلبی‌ها، هجمه‌ها و حباب‌هاست که ما در راه عشق به این مرزوبوم و حرکتی کوچک برای فرزندانمان در جیرفت، روستای دهنو، با آن مواجه شدیم؛ گرچه همچنان اعتقادی به عقب‌نشینی نداریم و نیک آگاهی که باید امروزمان را فدای تجربه کنیم تا به آنچه شایسته است در آینده دست یابیم.

زمانی که مذاکره با مسئولان محترم فرهنگسرای نیاوران به دلیل ضوابط و قوانین سختگیرانه، جهت برگزاری جشن دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران به نتیجه نرسید، ما تنها روی یک گزینه متمرکز شدیم



[عکاس: حسین برازنده]



[عکاس: حسین برازنده] ←



↑ [عکاس: رکسانا خانی‌زاد]

تصاویر این دو صفحه: سالن همایش‌های کتابخانه‌ی ملی، جشن دوسالانه‌ی ملی، ۲۶ شهریور ۱۳۹۵





[عکاس تصاویر این صفحه: حسین برازنده]

[عکاس: رکسانا خانی زاد] ←



حضور اساتیدی گرانقدر همچون دکتر علی اکبر صارمی و دکتر سیروس باور در مراسم جشن دوسالانه‌ی ملی

پس از پایان مراسم، سکوت هولناکی محوطه را احاطه کرده بود و اراضی عباس‌آباد، تازه آن موقع بود که معنای واقعی «اراضی» را پیدا کرده بودند. مسیر منتهی به پارکینگ، خالی از خودرو و انسان شده بود. باز هم مثل همه‌ی وقایع ایران معاصر، این سکوت در جهان واقعی، به معنای رضایت مردم نبود و نقطه‌ی تبلور این موضوع نیز، اینترنت و شبکه‌های مجازی بود. با اینکه بزرگراه‌ها برای دربی خالی شده بودند، پهنای باندها به شدت اشغال گردیده بود. از نظر دبیرخانه‌ی دوسالانه، یعنی مسئولین و دست‌اندرکاران هنر معماری، دوسالانه تمام شده بود و می‌پنداشتیم که وارد فاز دوم شده‌ایم: انتشار آثار مهم، ساخت مدرسه و رصد معماری ایران برای اعطای جوایز در دوسالانه‌ی بعدی، اما اینها همه توهمی بیش نبود. در دقایقی که ما به استراحت پس از جشن ملی دوسالانه فکر می‌کردیم، مخاطبین ما اینستاگرام و وبسایت ما را مباران کرده بودند. مشکل این نبود که سیل انتقادات روانه‌ی هنر معماری شده بودند، زیرا این برای ما – که مرزهای معماری ایران را توسعه می‌دهیم – چه از سمت مردم و چه از سمت رقبا و حتی دوستان، عادی بود. مشکل حتی این نبود که نظرات مردم و انتقادات آنها برخلاف اکثر مواقع که سطحی قضاوت می‌کنند، این بار درست و عمیق و فنی به نظر می‌آمدند، بلکه مشکل این بود که یاران و دوستانی که می‌بایست بابت انتخاب و داوریشان پاسخ می‌دادند، سکوت معناداری کرده بودند. این سکوت در همه‌جا مناسب نیست و در آن مقطع به هیچ عنوان علامت منطقی‌ای نبود. برای مثال یکی از دوستان معماران اینگونه نقل می‌کرد:

«وقتی که خبر کپی بودن طرح رتبه‌ی نخست یکی از مسابقات معماری داخلی هنر معماری (سومین مسابقه) را به استاد کارگشته‌ام دادم، تجربه‌ی جدیدی کسب کردم که برای من خیلی جالب بود. یک مسابقه برگزار و تمام شده بود. در ادامه مشخص شده بود که طرح نفر نخست، کپی بوده است – کپی به معنای واقعی کلمه! من نمی‌دانم هنر معماری از کجا فهمید که داورانش چه فریب بزرگی خورده‌اند؟ اما وقتی ما در دانشکده فهمیدیم که طرح کپی بوده، استاد کهنه‌کار من، که البته هیچ نقشی هم در رویداد مذکور نداشت، قیافه‌ای به خود گرفت که من هرگز از او ندیده بودم. او سکوت سنگین و طولانی‌ای نمود و هیچ پاسخی برای ما نداشت؛ شوکه شده بود. نمی‌دانست الان هنر معماری چه کاری باید انجام دهد؟ و با داوران چه باید کرد؟ با متخلف چه باید کرد؟ همه سردرگم بودیم. هیچ رویه‌ی مشخصی وجود نداشت. هیچ مقام قانونی‌ای برای بررسی و طرح شکایت و پیگیری وجود نداشت. به صورت منطقی و دفاعی، همه فکر می‌کردند هنر معماری باید به روی خودش نیاورد، پرونده‌ی مسابقه را بسته و قضیه را فیصله بدهد و منتظر بماند تا مردم فراموش کنند. این سکوتی که بر فضا حاکم شده بود امنیت افرادی را تأمین کرده بود، اما مطلقاً علامت رضایت جمعی نبود. ما فکر می‌کردیم هنر معماری چاره‌ای ندارد جز اینکه به لاک دفاعی برود».

اما هنر معماری سال‌ها بود از لاک دفاعی خارج شده بود. کامبیز ناظرعمو در آن مسابقه، رئیس هیئت داوران بود با هماهنگی و اعلام خبر کپی توسط دبیرخانه‌ی هنر معماری، خیلی زود و حرفه‌ای بدون توجه به حاشیه‌ها، قلم بر دست گرفت و متنی را نوشت و در وبسایت و شماره‌ی ۲۳ هنر معماری منتشر نمود. متن مشخص بود: گلایه از حرفه، اعلام نام متخلف برای قرار گرفتن در لیست سیاه، ابطال داوری، حذف



تصاویر این صفحه: پایان جشن دوسالانه و خروج مهمانان جهت بازدید از نمایشگاه و آثار برتر در بخش اول و سوم دوسالانه
[عکاس تصاویر این صفحه: نازنین عارف‌کیا]

برنده اول در بخش معماری داخلی فضاهای مسکونی؛ بازپس‌گیری کلیه جوائز اهدا شده از شرکت‌کننده‌ی خاکی؛ اعلام در سایت و مجله‌ی هنر معماری و معرفی ایشان به سایر مؤسساتی که اینگونه مسابقات را برگزار می‌کنند و محرومیت دائم ایشان از شرکت در مسابقات آتی مؤسسه‌ی هنر معماری قرن، از جمله اقداماتی بود که دبیرخانه‌ی مسابقه‌ی هنر معماری به انجام آن اقدام نمود.

اما کدام لیست سیاه؟ اصلاً کدام سازمان مسئول پیگیری این لیست‌های سیاه است؟ کامبیز ناظرعمو همان موقع هم به طور ضمنی نوشته بود که مشکل از ما معماران است و نه سازمان‌ها و مسئولین:

«سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد» (سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۱) باید آموزش می‌دیدیم و یاد می‌گرفتیم که به حقوق مؤلف احترام بگذاریم، راست‌آزما باشیم و ذهن سالم و پندار نیک داشته باشیم، در گفتار صداقت داشته باشیم و در عمل و فعالیت حرفه‌ای با اخلاق باشیم و بسیار باید‌های دیگر که تداوم آنها ابتدا اعتبار، شخصیت، اعتماد، احترام و استواری "فردی" را باعث می‌شود و سپس در فراوانی و تکرار، به خصوصیت "اجتماعی" تبدیل می‌گردد».

شاید متخلف، آن روز به نوعی از جامعه‌ی معماران حذف شد، اما تفکری که او را پرورش داد بر اثر این ضربه، نه تنها ضعیف نشد که در سطوح بالاتر جامعه‌ی معماری کشور رشد یافت و جسورتر نیز شد و به سراغ راهکارهای پنهانی و پیچیده‌تری برای تخلف رفت. این اتفاق، تنها زگیل بیرون زده از یک سرطان بود که مسئولین هنر معماری، به جای لاپوشانی آن و جمع کردن بی‌سروصدایش، قصد داشتند آن را قیچی کنند. قطعاً این قیچی به ضرر هنر معماری هم بود، اما در بلندمدت به نفع معماری ایران می‌شد... که شد! هنر معماری و رویدادش بالاتر رفت، زیرا تقلب صورت گرفته را صادقانه و بسیار شفاف ابراز نمود. آن چیزی که هنر معماری فکرش را نمی‌کرد، علت این زگیل، یعنی یک غده‌ی کوچک سرطانی بود و اینکه اگر جلوی آن را با کمک دیگر دوستان و معماران نگیرند، سال‌ها بعد، در رویدادهای دیگر معماری دوباره سر بر می‌آورد.

عصر جمعه‌ی بیست‌وششم شهریور، مثل خود دربی، کسل‌کننده و ملال‌آور بود. قصد داشتیم شنبه را استراحت کنیم، اما همه آن روز به دفتر هنر معماری آمدند. ما به عنوان دبیرخانه مسئولیت نظارت کامل بر روند صحیح داوری را داشتیم اما حق دخالت در فرایند داوری را نداشته و نداریم. خلط مبحثی که اغلب پیش می‌آید این است که همگان اغلب فکر می‌کنند دبیرخانه حق دخالت در هیچ بخشی از کار را ندارد. ما به هیچ عنوان نمی‌توانستیم در فرایند داوری دخالت کنیم، اما نظارت بر حسن اجرای داوری وظیفه‌ی ماست. حتی همان عدم دخالت در فرایند داوری نیز یک پیش‌شرط اساسی دارد و آن این است که داوران باید برای انتخاب‌های خود بیانیه صادر نمایند و ما و شرکت‌کنندگان را از چرایی انتخاب‌های خود آگاه نمایند و ما موظف بودیم برنامه را طبق آنچه که راهبرد مشخص می‌کرد جلو ببریم، حتی اجازه‌ی تفسیر قوانین را هم نداشتیم - مثل هر مأمور دیگری. یکی دیگر از همین قوانین، طبق آئین‌نامه‌ی جامع برگزاری مسابقات معماری و شهرسازی کشور، رسیدگی کامل به شکایات و انتقادات شرکت‌کنندگان است. دبیرخانه و مدیر مسابقه باید به شکایات پاسخ دهند وگرنه تخلف نموده‌اند. امری که ظاهراً در ایران مرسوم نیست. این اولین بار نبود که ما قانونی را اجرا می‌کردیم ولی افراد به آن سر ناآگاهی اعتراض می‌کردند!

دوسالانه بخش‌های مختلفی داشت، نمایشگاه آثار برتر اجرا شده و نشده در دو سال اخیر که در واقع، بدنه‌ی اصلی آن بود. نخستین دوره‌ی جایزه‌ی ملی نقد معماری ایران، دومین دوره‌ی نشان معمار سال ایران و نشان پرافتخار دکتر علی‌اکبر صارمی، برای اولین دوره - نخستین و تنها نشانی که به نام یک معمار رقم خورده بود و به معماران اعطا می‌شد و تنها نشانی در جهان که به «مسئولیت‌های اجتماعی» معماران بها می‌داد، نه ساختمان‌های ساخته شده توسط آنان. ما منتظر ارسال نامه و نقد به این بخش‌ها بودیم، اما واقعیت چیز دیگری بود. بخش نخست دوسالانه که بخشی انسان‌دوستانه بود و موضوع آن طراحی یک مدرسه‌ی ساده‌ی شش کلاسه در جیرفت بود، مورد جنجالی شده بود. ما جلوتر از برنامه، پورتال دوسالانه را ساختیم و طرح‌ها را فرستادیم روی وب‌سایت. می‌کوشیدیم وضعیت را شفاف کنیم، زیرا می‌دانستیم همان‌گونه که ویلیام آدامز می‌گوید: «تنها راه حل رفع کاستی‌های دموکراسی، توسعه‌ی دموکراسی است». درحالی‌که با بالارفتن سایت، انتظار برگشت آرامش بر اوضاع را داشتیم، از طریق یکی از دوستان متوجه شدیم که آثار برندگان، خیلی زودتر از ما در کانال‌های تلگرامی و اینستاگرام دست به دست می‌چرخد. دوستانی عزیز در همان روز مراسم، هنگامی که ما مشغول مدیریت مراسم و پذیرایی از مهمانان بودیم، آثار برندگان را در تالار قلم و سالن‌های برگزاری جشن، جمع‌آوری یا برای دریافت آنان هماهنگ کرده بودند و حال با نشر آنها، به اسم اطلاع‌رسانی دوسالانه و بررسی آثار، به تبلیغ صفحات مجازی خود اقدام نموده بودند. نشست و نقد آثار به خودی خود مشکل ما نبود، مشکل اینجا بود که با این کار، تعهد ما به حامیانمان زیر سؤال می‌رفت. به بیان ساده‌تر، طبق قرارداد، ما وظیفه داشتیم آثار را تنها با درج لوگوی حامیان خود منتشر نماییم. واضح است که حق نشر آثار در اختیار برگزارکننده است و ما در هنر معماری باورمان نمی‌شد که تعداد بسیار انگشت‌شمار از جامعه‌ی معماری ایران، اینچنین در حال تخطی از قوانین منطقی یک مسابقه باشند. ما این بار هم طبق روال همیشه، یک اطلاعیه صادر کردیم و تأکید نمودیم «نشر آثار بدون اجازه‌ی هنر معماری منجر به حذف اثر از فرایند چاپ در ویژه‌نامه خواهد شد». این اطلاعیه باعث شد بسیاری از مجامع مجازی که بی‌غرض وارد بازی شده بودند، آثار را فوراً حذف نمایند.

ساعتی بعد، در فضای مجازی ادعا شد که دبیرخانه‌ی دوسالانه به علت صدور اطلاعیه‌ی فوق از قوانین عدول کرده است و سرخود تصمیم می‌گیرد. این ادعا نیز برای ما بسیار عجیب بود. ما خود قوانین دوسالانه را خوانده و منتشر نموده بودیم و به خوبی نیز آنها را از بر بودیم. دبیر دوسالانه، سابقه‌ی کار در نشریات معماری را بیشتر از هرکس دیگری در ایران داشت. شماره‌ی پاییز سال ۱۳۹۵ هنر معماری (شماره‌ی پیشین مجلدی که در دست دارید) یکصدمین مجله‌ی معماری ایرانی بود که او در تهیه، تولید و انتشار آن فعالیت داشت - از شماره‌ی اول مجله‌ی آبادی (به عنوان یکی از نخستین مجله‌های معماری بعد از انقلاب اسلامی که در تابستان سال ۱۳۷۰ منتشر شد) و در ادامه مجله‌ی معمار، تا همین شماره از مجله‌ی هنر معماری، ۲۶ سال کار رسانه‌ای مداوم در حوزه‌ی معماری به عنوان شغل اصلی و نه شغل دوم. او اکنون با سابقه‌ترین فرد زنده‌ی ایرانی است که در حوزه‌ی نشریات معماری فعالیت می‌نماید و همچنان به فعالیت خود ادامه

می‌دهد. بنابراین ایشان به خوبی با قوانین آشنایی دارند و ما هیچگاه از مقررات عدول نکردیم، مگر اینکه صدور اطلاعیه از طرف دبیرخانه را تخلف تلقی کنیم! دبیرخانه هرگاه لازم بود اطلاعیه منتشر می‌کرد و این از وظایف هر دبیرخانه‌ای است، وگرنه انتشار یک فراخوان و جمع‌آوری آثار و اعلام نتایج که دبیرخانه لازم ندارد. دبیرخانه، یعنی فانوس دریایی، که کشتی‌های شرکت‌کنندگان را هدایت می‌کند. دبیرخانه‌ی دوسالانه، همواره فعالیت خوبی داشت و به طرق مختلف پاسخگوی مسائل پیرامون خود و دوسالانه بود. این اطلاعیه هم رخداد جدیدی نبود. برای مثال، ما اساساً اعلام «نشان دکتر علی‌اکبر صارمی» را به هفت ماه پس از فراخوان اولیه موکول نمودیم، زیرا زیرساخت‌های پذیرش فکری آن توسط مردم مهیا نبود. این ذات هر رویداد زنده‌ای است. رویدادی که نام دوسالانه را یدک می‌کشد و از زمان فراخوان اولیه تا نشر آثار آن، یکسال‌ونیم زمان فاصله است، باید دبیرخانه‌ی قدرتمند و پاسخگویی داشته باشد، تا در این وادی موظف باشد خبری کاملاً جدید بیرون بدهد و فراخوان و اطلاعیه‌های قبلی را تأیید یا اصلاح نماید. آیا هیچ مهندس معماری را می‌شناسید که ادعا کند تاکنون اصلاحاتی در طرح یا پروژه‌ی خود انجام نداده و هیچ دیواری را پس از چیدمان تخریب نکرده باشد، علی‌رغم تمام ماه‌ها فکر و ماکت و طرح سه‌بعدی که از همان کار زده است؟ آیا هر تجدید نظر و اصلاحی به معنای عدول از قوانینی است که او در نقشه‌ی راه خود ترسیم نموده؟ فعالیت دبیرخانه هم به همین شکل است، جایی که قرار باشد اصلاحی صورت گیرد، نباید کوتاهی کند - نکته‌ای ظریف و حیاتی که زیاد به آن توجه نمی‌شود. به‌رحال اکنون دوسالانه با هجمه‌ی غیرمنطقی دوستان تازه رسیده در بخش فرهنگی معماری کشور مواجه شده بود و منشأ تمام این ادعاها یک گروه کوچک و نه چندان معتبر تلگرامی بود، اما در تفکر دموکراتیک هنر معماری، ما می‌بایست پاسخگوی همه‌ی اقشار باشیم، حتی آنانکه با غرض‌ورزی سخن می‌گویند. این بحران، بیشتر رنگ انتقام و تخریب می‌داد تا خدمت و دلسوزی و ما به این امر آگاه بودیم. به عنوان مثال، شرکت‌کننده‌ای تعمداً یا سهواً نام هم‌گروهی‌های خود را در فرم ثبت‌نام در بخش طراحان اصلی ننوشته بود و با کسب رتبه، مشخصاً نام هم‌گروهی‌های وی در مراسم و لوح‌های تقدیر اعلام نشده بودند. دوستان هم‌گروهی به جای اعتراض به سرگروه خود، به هنر معماری و دوسالانه اعتراض و حمله می‌کردند! گرچه، نهایتاً ما از خطا و قصورات ایشان گذشتیم و بعدها که مراجعه نمودند، نسبت به تصحیح و تحویل مجدد لوح تقدیر با نام سایر همکاران محترم گروه اقدام نمودیم.

از بهار ۱۳۹۴، هنر معماری در حال برنامه‌ریزی برای دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران بود. ما کار برنامه‌ریزی را نه از ایده‌آل‌های خود که از مشکلات معماری ایران آغاز نمودیم. از این رو، لیستی از مشکلات مسابقات و رویدادهای معماری در ایران تهیه کردیم. در این لیست، افراد مختلفی مقصر و یا حتی بعضاً متهم بودند. گاهی نیز حقیقتاً هیچکس تخلفی نکرده بود، اما کار درست از آب درنیامده بود. گاهی کمیته، گاهی هم سازمان‌ها، اسپانسرها، داوران و شرکت‌کنندگان زود یا دیر هنگام اقدام کرده بودند و گاهی هم هیچکس تخلف یا اشتباهی نکرده و تنها رویه منطقی نبود و آنطوری که ما می‌خواستیم و برنامه‌ریزی کرده بودیم کار انجام نشد.



بچه‌های مدرسه‌ی روستای ده‌نو چیرفت [عکاس: مسعود کریمی]

ما در برابر هر مشکلی که روی کاغذ به صورت بالقوه وجود داشت، یک راه حل ارائه دادیم. برای مثال، یکی از مشکلات مسابقات معماری ایران این بود که شرکت‌کننده به جای توجه به ایده‌آل‌های خود در معماری، نظری به تیم داوران می‌انداخت و مشخصاً طرحی را ترسیم و ارائه می‌نمود که می‌دانست داوران خواهند پسندید. به طور مثال، یک طرح ایرانی-اسلامی برای داورانی که اغلب از معماری ایرانی و احیای آن حرف می‌زنند. مشخصاً در این وضعیت، لبه‌ی معماری توسعه پیدا نمی‌کرد و ایده‌ی جدیدی مطرح نمی‌شد. در نتیجه، برای جلوگیری از این مشکل، علی‌رغم افزایش هزینه‌های مدیریت، سعی بر انتخاب داورانی حرفه‌ای از طیف‌های مختلف سنی و مبانی فکری کردیم که همین دور یک میز نشاندن این سلیقه‌های مختلف و هماهنگ کردن ایشان، یک چالش بود. افزایش هزینه‌ها، آن هم براساس یک سناریوی فرضی، امری است که برای اسپانسرها ممکن است سوءتفاهم برانگیز باشد، اما ما آن را جا انداختیم؛ یا اینکه داوران ممکن بود در پاره‌ای از زمان، حتی خارج از کشور باشند و این امر ملزم به برنامه‌ریزی دقیق بود. مثال دیگر اینکه در تیم داوران، جای خالی پژوهشگران و منتقدان محسوس بود. جای خالی جامعه‌شناسان نیز احساس می‌شد. داوران گاهی طیف سنی محدودی داشتند و گاهی خود اهل مسابقه نبودند. افزون بر این، در برخی مسابقات، داوران گاهی اعلام عمومی نمی‌شدند، جلسات هماهنگی برگزار نمی‌کردند و نسبت به مسئله غریب بودند. گاهی نیز داوران از حدود مسئولیتی خود اطلاعی نداشتند و اینها همه خطاهای بالقوه در زمینه‌ی داوری سایر مسابقات بود که ما برای هر کدام یک راه حل تعریف کرده بودیم. حال فکر کنید در حوزه‌های مختلف دوسالانه چه حجمی از مسئله مطرح بود و لیست ما، چه لیست بلند و بالایی بود و هنر معماری چگونه همه چیز را باید هماهنگ می‌نمود. اینها همه فقط برای تنها بخش نخست دوسالانه بود که ما تیم داوری را برای طراحی مدرسه لازم داشتیم. در بخشی مانند بخش سوم دوسالانه - نمایشگاه آثار برتر اجرا شده و نشده در طی دو سال اخیر - مشکلات به مراتب پیچیده‌تری وجود داشت.

نخستین بار که تئوری برگزاری یک نمایشگاه از بهترین آثار اجرا شده به جای جایزه دادن به طیف‌های مختلف مسکونی، اداری، تجاری، داخلی، بازسازی و غیره مطرح شد، همه چیز به شفافیت امروز نبود. «مسابقه و جایزه» در معماری ایران، یعنی بررسی آثار اجرا شده در عملکردها یا تخصص‌های مختلف و دادن جایزه. این تنها چیزی است که نزدیک به بیست سال در ایران برگزار شده - البته مزایا و معایبی نیز دارد. حالا ما این ذهنیت را سرنگون کنیم و یک نمایشگاه از آثار بگذاریم؟ آن هم بدون جایزه‌ی نقدی؟ چرا باید این کار را بکنیم؟ چه کسی در این رویداد شرکت می‌کند؟ چرا باید شرکت کند؟ اگر هنر معماری را مورد نظرات غیرمنطقی قرار دادند چه؟ با ذهنیت مردم چه باید کنیم؟ و ما همه‌ی اینها را به حساب این می‌گذاشتیم که اساساً رفتن به گالری و نمایشگاه و دیدن آثار برتر در فرهنگ آموزشی‌مان ارزشی فراموش شده است و ما به گالری نمی‌رویم مگر دوستی در آنجا منتظر ما باشد. برای هنر معماری، دوسالانه، یعنی همین نمایشگاه، آن هم بدون جایزه‌ی نقدی و کشمکش. ما برای برقراری این بخش از دوسالانه مشکل قانع کردن افراد را داشتیم - از داوران

گرفته تا برخی از شرکت‌کنندگان - گرچه مشکلاتمان تنها به این امور نیز ختم نمی‌شدند.

نقد در هر جامعه و گروهی ابزار پیشرفت است، اما در ایران این مقوله از رویه‌ی علمی خارج شده و تبدیل به ابزاری برای حمله و کوبیدن رقبا در جامعه‌ی معماری گشته است. برخی می‌گفتند: «ما اصلاً نقدی نداریم که به آن جایزه بدهیم، چه لزومی به ترویج نقد داریم. فضای معماری به حد کافی متشنج است.» ما نیز تأیید می‌کردیم و دوباره پیشنهاد خود را مبنی بر اهدای جایزه به نقد مطرح می‌نمودیم. گرچه می‌دانستیم این بخش چندان در ابتدای کار خود جذاب نخواهد بود، اما این مهم را به علت نیاز کشور به راه انداختیم تا بستری برای آن میان علاقه‌مندان فراهم سازیم. ما رسانه هستیم و از نزدیک با مسائل ایران آشنا هستیم. کنش با وضعیت معماری معاصر ایران، کار هر روز ماست! ما رسانه‌ی معماری معاصر ایران نبودیم، ما خود معماری معاصر ایران بودیم! - ما به معنای همه‌ی ما و شما و دوستان. تصویری که آیندگان از ما خواهند دید، از کتاب معماری معاصر ایران به قلم امیر بانی‌مسعود تا همین دوسالانه، چیزی است که ما و شما نمایش می‌دهیم.

نهایتاً اصرار بر این بخش‌ها و فضای اقتصادی کشور باعث شد اسپانسرها کم‌کم محو شوند و کار با سه اسپانسر مالی شروع شود. ما بجز این سه اسپانسر مالی، با دو اسپانسر معنوی و سه اسپانسر رسانه‌ای دیگر نیز همکاری داشتیم. باری، ما با تمام این مسائل و حواشی حتی پیش از اینکه عملاً دوسالانه آغاز شود درگیر بودیم. در نتیجه، همواره برای اطمینان از راه‌حلهای خود با مشاوران عالی هنر معماری مشورت می‌کردیم و می‌کوشیدیم هماهنگی لازم را بین همه‌ی اهل حرفه ایجاد نماییم. اولین فراخوان برای انتشار عمومی پس از تمام این مسائل نوشته شد. ما اتود اولیه‌ی فراخوان را به نزد یکی از دوستان بسیار عزیز معماران بردیم که حضور او در تیم داوری مشخص شده بود و با او، این مسائل را جرح و تعدیل کردیم. افزون بر این، فراخوان را همراه با یکی دیگر از داوران جوانان، به نزد یکی از معماران شهیر و پیش‌کسوت با مدیریت بر یک شرکت عظیم مهندسی مشاور معتبر بردیم. در روز برگزاری جلسه، خوب به یاد داریم معمار پیش‌کسوت که ما برای مشورت نزد او رفته بودیم، مدعی شد هدف از مسابقات، جمع‌آوری تعدادی آثار برای انتشار در مجله و آرشیوسازی است. واقعیت این است که شاید برای خیلی‌ها این قضیه صدق کند، اما برای هنر معماری به هیچ وجه اینگونه نبود و بسیار دور از ذهن می‌نمود. ما در تحریریه هفته‌ای چند اثر را از چاپ رد کرده و پیشنهاد می‌کنیم آنها را به نشریات دیگر یا وب‌سایت‌ها بدهند، فقط به این علت که طراحی و کیفیت پروژه‌ها و همچنین عکس‌هایی که از کار گرفته شده، تصاویر با کیفیت، حرفه‌ای و واقعی‌ای نیستند. در ابتدا واقعاً متأسف شدیم، وقتی دیدیم استاد پیش‌کسوتی که کارهایش را می‌خواندیم تا معمار بهتری شویم، اینقدر سطحی به مسائل معماری کشور نگاه می‌کند. البته استاد معمار در ادامه پیشنهادهای حرفه‌ای هم مطرح نمود و آن تأکید بر لزوم فاکتوری بود که او «اثرگذاری» می‌خواند. او مدعی بود مسابقات محدود به نام‌هایی مشخص هستند و جامعیت ندارند. انتقادی بجا که ذهن ما را خیلی به خود مشغول نمود. استاد بزرگ حقیقتاً کمکی نکرد، اما مثل هر استاد بزرگ دیگری، تنها یک علامت سؤال بزرگ در ذهن ما کاشت و جلسه را ترک کرد. موضوع

این بود که توقعات استاد، کلی و مفهومی بودند و ما به زمان بیشتری برای هضم آنها نیاز داشتیم؛ در آن برهه، حتی نیروی انسانی مشخصی از جامعه‌ی معماری ایران را نمی‌شناختیم که توان فنی و اجرایی انجام توقعات این استاد عزیز را داشته باشد. آنجا بود که ما بار دیگر، افسوس سال‌ها حضور در دانشگاه را خوردیم. دانشگاهی که ما را عملیاتی بار نیاورد و تنها مفاهیم را به ما آموخت.

ما با یک مشکل مفهومی دیگر نیز مواجه بودیم: دوسالانه و دین بزرگی که بر گردن خود احساس می‌کردیم. سالیانه صدها مسابقه در فضای معماری ایران برگزار می‌گردد. تقریباً سه رویداد که توسط مجلات معماری برگزار می‌گردند از همه مهم‌تر و جامع‌تر هستند و دوسالانه یکی از اینها بود. اینها همه خوب بودند و هستند، اما چیزی دست نیازمندان واقعی را نمی‌گیرد و جریانی برای محرومین عزیز کشور ایجاد نمی‌کنند. به‌رحال اگر مدعی کمک به هم‌نوع، معماری انسان‌دوستانه و خدمت به کشور و میهن عزیزمان هستیم، این امر در مقام خدمت به مردم، خصوصاً مردم مناطق محروم به دست می‌آید. چطور ما به مردمی که در مناطق محروم مختلف کشورمان زندگی می‌کنند حتی فکر هم نمی‌کنیم و کاملاً بی‌تفاوت، تنها به فکر منافع خویش و یا ترویج تفکر ویلاسازی یا مراکز لوکس تجاری هستیم؟ کسانی که از تمدن‌نشینی ایران جا مانده‌اند را چه کسی سوار بر مرکب ایران معاصر می‌نماید؟ اگر ما به اصطلاح مدعیان فرهنگ و هنر که هفته‌ای چند نشست در باب آداب فرهنگ برگزار می‌کنیم این کار را نکنیم، چه کسی پیشقدم می‌شود؟ حرفه‌ی ما، حرفه‌ی اخلاص و سادگی بود. اما امروز چه؟ معماری ما به پیشانی تفکر لوکس‌گرایی تبدیل شده است. اینکه یک دوسالانه‌ی ملی به این حوزه (معماری انسان‌دوستانه) نپردازد برای هنر معماری دردناک بود. وقتی کتاب کامران دیبا و معماری انسان‌دوستانه منتشر شد، یک تماس تلفنی از پاریس داشتیم؛ یک معمار (محقق) پشت خط بود و اینچنین اظهار می‌داشت: «چقدر این لفظ "انسان‌دوستانه" زیبا است! کاش این را بزرگ کنید ... کاش این طرف‌ها ببینند که در ایران معمارها چقدر به "انسان" اهمیت می‌دهند. فکر نکنند فقط خودشون هستند که اینگونه فکر می‌کنند».

ما درگیر همین افکار بودیم که یکی از دوستان معمار جوان، نام‌آشنا و اهل جبرفت، پرونده‌ی قطعه زمینی وقفی را روی میز ما گذاشت. زمینی که پیش از انقلاب اسلامی مدرسه‌ای را در خود داشت و البته نمی‌شد اسم مدرسه روی آن گذاشت، تنها سقفی بود که بتوان در آن پناه گرفت. محرومیت شدید بچه‌های آن مدرسه، فیلم‌هایی که ما دیدیم و گزارش‌هایی که از وضعیت آن مدرسه گرفتیم، ما را به شدت تحت تأثیر قرار داد. اینجا بود که ما در هنر معماری به این جمع‌بندی رسیدیم که باید فعلاً فراخوان را منتشر نکنیم و نهایتاً، نخستین فراخوان دوسالانه، بدون ارائه‌ی جزئیات و بخش‌ها و تنها با عنوان کلی «دوسالانه‌ای برای خلق ارزش‌های نو و انسان‌دوستانه» منتشر گردید. هنر معماری و دوسالانه تغییر جهت ملایمی به سمتی داده بودند که تصور می‌شد نیاز کشور و معماران است. می‌کوشیدیم آن حس خلأ را با نعمت خدادادی ابزار رسانه‌ای و دوسالانه، پر نماییم و دریافتی که داشتیم این بود که اکنون، دوسالانه، حقیقتاً دوسالانه شده است.



تصاویر این دو صفحه: مدرسه و بچه‌های روستای دهنو جیرفت [عکاس تصاویر این دو صفحه: مسعود کریمی]





نشان دکتر علی اکبر صامی

برنامه‌ی جهانی غذا (World Food Program: WFP) از زیرمجموعه‌های نهاد بین‌المللی معتبر یونسکو* و تحت نظر سازمان ملل متحد، با پیشنهاد ما وارد گود شد و حتی مقرر گردید طبق قراردادی، ده درصد فروش برخی آگهی‌های هنر معماری به حساب این نهاد انسان‌دوستانه واریز گردد. مدت زمان این قرارداد مادام‌العمر است؛ یعنی تا زمانی که هنر معماری منتشر می‌شود، درصدی از فروش آگهی‌های آن نیز به حساب این نهاد برای کمک هر چند کوچک به فرزندان ایران و مردمی که در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند، واریز می‌گردد. این قرارداد در جهان برای یک نشریه مشابه ندارد و در نوع خود، نخستین است. این مدل قرارداد می‌تواند برای دیگر نشریات نیز الگو باشد. سال‌ها پیش از این نیز هنر معماری تنها رسانه‌ی معماری ایران بود (و هست) که نام آن به عنوان «یاران فرهنگی برنامه‌ی جهانی غذا» در وبسایت رسمی برنامه‌ی جهانی غذا منتشر شد و حالا این بار، فعال‌تر شده بود.

پس از این انتشار، ما جزئیات بیشتری را بررسی کردیم و بخش طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه در روستای دهنو جیرفت را به دوسالانه اضافه نمودیم. همچنین شاخه‌های مختلف بخش نقد و شرایط ارسال مقالات در این وادی مشخص شدند. متن کامل و نهایی فراخوان، پس از این چکش‌کاری‌ها منتشر گردید. وبسایت هنر معماری نیز برای اقدامات مؤثرتر تغییر یافت تا با شکل و شمایل بهتری خدمت‌رسانی کند. ارتباط با شرکت‌کنندگان در سطح کشور مسئله‌ی اساسی برای هنر معماری بود، وگرنه از دفتر ما تا مرکز تهران ده دقیقه فاصله است. ما به عنوان کارفرما و برگزارکننده از مقیاس خود به مسائل می‌نگریم و یک شرکت‌کننده از سطح خود. این موضوعات را باید درک کرد. سازمان هنر معماری و نیروی انسانی آن برای این همه کوشش مفتخر است و فراموش نکنید اگر هیچکدام از این کارها را هم انجام ندهیم، کسی نمی‌تواند حتی کوچک‌ترین اعتراضی بر ما بنماید. این رسالت رسانه است که بر دوش ما بیش از هر دستور و توقع دیگری سنگینی می‌نماید. مجموعه‌ی اطلاعات گردآوری شده، اهداف، معیارها و قوانین دوسالانه در شماره‌ی ۳۸ فصلنامه‌ی هنر معماری (پاییز ۱۳۹۴) به صورت کامل برای نخستین بار منتشر گردید. اطلاع‌رسانی ایمیلی، پیامکی و پوستر نیز در همین بین آغاز شد. حامیان رسانه‌ای با گشاده‌رویی، بن دوسالانه را بر روی سایت‌ها و رسانه‌های خود قرار دادند و کوشیدند ما را تنها نگذارند. کارزار دوسالانه به راه افتاده بود. تمام تماس‌ها و پرسش‌های تلفنی، پاسخگویی و پیگیری می‌شدند. بعضی ابهامات با داوران و مشاوران مطرح و شفاف می‌شدند. در چندین مرحله اطلاعات دوسالانه به روزرسانی شدند و با تغییر چهره‌ی صفحه‌ی اختصاصی دوسالانه و درج لینک‌های معتبر، به آموزش مخاطبین روی آوردیم. آموزش‌وپرورش جیرفت نیز به ما در باب اجرای بخش نخست دوسالانه کمک می‌کرد. مهندسين دفاتر فنی سازمان نوسازی مدارس یکی از استان‌ها، با ما تماس گرفته و دلخوری شدید خود را از بخش اول این دوسالانه‌ی ملی اظهار کردند، زیرا ما در اهداف خود رسماً به رویه‌ی کاری آنها، طراحی و ساخت و سازشان

اعتراض کرده بودیم. اینها همه از نظر ما پیشرفت و ایجاد تحرک در حرفه بود.

با انتشار کامل فراخوان و گذر زمان، دستان دوستی زیادی به سمت هنر معماری دراز شد که نشان از همبستگی قشر عظیمی از معماران داشت. معماران بزرگی با ما تماس گرفتند و نظرات خود را ابراز فرموده و حتی در زمینه‌ی اجرایی نیز به ما یاری رساندند. یکی از این پیشنهادات اثرگذار و مؤثر توسط یکی از دیگر معماران جوان و خوش‌سلیقه، مبنی بر لغو قانون الزام اجرا شدن اثر برای نمایش در بخش سوم بود. استدلال‌های او کاملاً مستحکم، منطقی و برخاسته از درک عمیق او از نیاز و وضعیت معماری کشور بود. بنابراین دبیرخانه، اطلاعیه‌ای صادر نمود و اعلام کرد که برای بخش سوم دوسالانه، کلیه‌ی آثار اجرا شده و نشده می‌توانند حضور داشته باشند و لزومی به اجرا شدن اثر نیست. البته از این دست پیشنهادات مثبت و مؤثر کم به دست دبیرخانه نرسید. در مثال دیگری، یکی از پیش‌کسوتان حرفه در شب عید نوروز ۱۳۹۵، مدتی را به حضور در سایت پروژه‌ی جیرفت اختصاص داده بودند و پس از بازگشت، اسناد و اطلاعاتی را سخاوتمندانه در اختیار دبیرخانه قرار داد. این حس تعامل و همکاری توسط این پیش‌کسوت تا آخرین گام‌های دوسالانه ادامه داشت و برای ما بسیار ارزشمند بود. دوسالانه کم‌کم در مسیر منطقی به پیش می‌رفت و حساسیت‌ها به حدی بالا بود که ما در شب عید نیز درگیر امور بودیم. تنها چهار روز پس از نوروز نیز دفتر هنر معماری باز بود و ما درصدد رفع موانع بر سر ذهن مخاطبین بودیم. اتفاقاً در همین ایام بود که دانشجویی از شهر رشت تماس گرفت و جویای اطلاعات بیشتر جغرافیایی از روستای دهنو شد. او همراه با خانواده‌ی خود برای نوروز به کرمان رفته بودند تا هم از آن شهر دیدن کنند و هم روستا را از نزدیک ببینند. از شهرستان‌های دیگر نیز بسیاری از معماران عزیز راهی روستای دهنو شدند تا با دید بازتر و حرفه‌ای‌تری نسبت به طراحی با اقلیم و شرایط منطقه اقدام نمایند که این قبیل تلاش‌ها برای ما بسیار ارزشمند بود و نشان از ایجاد تحرک در جامعه داشت. در آن زمان، اغلب، علت این پویایی را جویای زیاد دوسالانه می‌دانستند. البته بالا بودن جویای از نظر ما عیب نیست، اما پویایی دوسالانه در تمامی بخش‌ها که شامل جویای نقدی نبودند نیز، نشان از اشتیاق معماران ایرانی به رویدادهای اجتماعی-صنعتی و انسان‌دوستانه داشت. ما برای بخش سوم دوسالانه نیز شاهد همکاری و تعامل زیادی بودیم. جایزه‌ی ملی نقد معماری ایران، قطعاً به ترویج نقد کمک می‌کرد و هر قدر که زمان بیشتری می‌گذشت ما شاهد اثرات بیشتر این بخش بودیم. اینها در حالی بود که ما فقط فراخوان را منتشر کرده بودیم! شاید علت این امر را باید در نیازسنجی واقعی فضای معماری کشور دانست. به عنوان مثال، تنها مدتی پس از برگزاری و اتمام دوسالانه، شاهد برگزاری یک مسابقه‌ی ملی نقدنویسی توسط یک گروه صنفی نوپا و در سطح دانشجویی بودیم - که این فوق‌العاده بود و دبیرخانه‌ی این رویداد شهر یزد بود. اینها همه نشانه‌های خوبی از روند رو به رشد نقد در معماری کشور بودند.

ما در پاییز ۱۳۹۴ و شهریور ۱۳۹۵ با داوران بخش نخست، دو جلسه‌ی هماهنگی برگزار کردیم. جلسه‌ی

نخست به کلیات دوسالانه و لزوم توجه به معیارهای آن با تعدادی از اعضای هیئت محترم داوران سپری شد و جلسه‌ی دوم که با حضور گرم‌تر داوران همراه بود، به مرور فراخوان، اهداف، معیارها و گفت‌وگوشوند نظرات ایشان گذشت؛ هر چند داور جوانی هم بود که علی‌رغم حضور در برنامه‌های سخنرانی متعدد، در هیچکدام از این جلسات به بهانه‌های مختلف شرکت نکرد و در انتها نیز حاشیه‌ساز شد! در این جلسات، داوران دوسالانه بر حفظ روند فعلی تا دریافت آثار هم‌نظر شدند. همچنین پیشنهاداتی برای برگزاری هرچه بهتر جشن دوسالانه مطرح و بررسی شد. ما به موازات کار سازمانی دوسالانه بر جریان‌سازی نیز کوشیدیم. برای بخش دوم دوسالانه، جایزه‌ی ملی نقد معماری ایران، هنر معماری بر جریان نقد تأکید می‌ورزید و عملاً از شماره‌ی تابستان ۱۳۹۴ وارد گود نقادی معماری شده بود. این فرایند در شماره‌ی پاییز ۱۳۹۴ (همان شماره‌ای که برای نخستین بار فراخوان دوسالانه به صورت کامل منتشر گردید) شدت گرفت؛ یعنی ما همزمان با فراخوان، هم به آموزش و نوشتن محتوای علمی نقد و به تحلیل پروژه‌های معماری می‌پرداختیم و هم جریان نقادی معماری را با گفت‌وگو و تشویق دیگران ترویج می‌دادیم و در قالب دوسالانه از مخاطبین خود می‌خواستیم که نقدهای خود را برای شرکت در دوسالانه ارسال نمایند! اثرات این بسترسازی در جریان «معماری معاصر ایران» ملموس بود. این جریان - معماری معاصر ایران - بزرگ‌ترین جریان معماری در ایران است و از نظر تعداد پژوهشگر، پرتراکم‌ترین بخش است و حرکت دادن این جمع، کار آسانی نبود. باید قدردان مؤلفین و اساتید بزرگی باشیم که در سال ۸۸ با نوشتن کتاب‌های خود، چشمان ما را به این جریان باز نمودند. برای انتخاب برنده‌ی نشان معمار سال ایران، ما همچون دوره‌ی نخست، بیشتر از اسامی، به دنبال توسعه‌دهندگان بودیم؛ کدام معمار از قیود روزمرگی رها شده و به حرفه و توسعه‌ی آن خدمت نموده و مشخصاً کدام معمار، جریان‌سازی بیشتری کرده است. این انتخاب همچون سال‌های پیشین، توسط هنر معماری انجام گرفت. نقش آمار و ارقام در این دوره بیش از پیش برای ما مهم شده بود. نگاه کیفی‌محور دوره‌ی پیشین، در این دوره جای خود را به تفکر سیستمی داده بود و جالب آنکه این تفکر سیستمی برای انتخاب جایزه‌ای به کار گرفته شد که برندگان آن، یعنی بیژن شافعی، ویکتور دانیال و سهراب شروشیانی از گروه معماری دوران تحول، شهره به پژوهش‌های کیفی-تاریخی و بسیار عمیق هستند. در این باب نیز ما علاوه بر تهیه‌ی لیست کاندیداتوری در طول سال، اقدام به جمع‌آوری مخفیانه‌ی اطلاعات از افراد می‌نمودیم. ما از کسانی که از دور به سوژه نگاه می‌کردند اطلاعات کسب می‌نمودیم و تنها زمانی به وی نزدیک شدیم که در سطوح بالایی (مراحل نهایی) از انتخاب قرار داشتیم. ما اعتقاد داریم چهره و نیت حقیقی افراد، نه در برخورد مستقیم، بلکه در برخورد فرد ثالثی عیان می‌شود که طرفین هیچ نفع مستقیمی نمی‌برند. به‌هرحال هیچ یک از برندگان نشان دکتر علی‌اکبر صارمی و نشان معمار سال ایران، تا زمان فراخوانده شدن بر روی استیج جشن ملی دوسالانه، به هیچ عنوان از برنده شدن خود اطلاع نداشتند!



دکتر علی اکبر صارمی [عکاس: روهام اسماعیل اوغلی]



حضور دکتر علی اکبر صارمی در جشن دوسالانه، سخنرانی و اهدای نشان دکتر علی اکبر صارمی توسط ایشان به آقای مهندس علیرضا قهاری
↑ ← [عکاس: حسین پرازنده]





علیرضا قهاری، مفتخر به دریافت نشان دکتر علی اکبر صارمی از دست ایشان به سبب سال‌ها فعالیت‌های اجتماعی در عرصه‌ی معماری کشور [عکاس: روهام اسماعیل‌اوغلی]



اهدای نشان معمار سال ۱۳۹۵ ایران به بیژن شافعی، ویکتور دانیل و (سهراب سروشانی غایب در جشن)، توسط دکتر سیروس باور به دلیل سی‌وسه سال فعالیت فرهنگی و ریشه‌سازی برای هویت معماری یک ملت [عکاس: روهام اسماعیل‌اوغلی]



نشان دکتر علی اکبر صارمی، ۱۳۹۵



نشان معمار سال ایران، ۱۳۹۵

[عکاس تصاویر این صفحه: سپیده ابراهیمی مهر]

در باب نشان دکتر علی‌اکبر صارمی نیز پس از بررسی‌های اولیه، اعطای نشانی به نام این استاد گرانقدر و با تأکید بر مسئولیت‌های اجتماعی معماران در هنر معماری مصوب گردید. سپس با تنظیم معیارها، لیستی از واجدین شرایط، توسط کمیته‌ای در هنر معماری تهیه شد. پیشنهادات شخص دکتر علی‌اکبر صارمی نیز به این لیست اضافه شدند. با انجام تحقیقات و در ادامه، لیست جرح و تعدیل گردید و در نهایت، گزینه‌های برتر در دفتر مهندسين مشاور تجیر به سمع و نظر شخص آقای دکتر علی‌اکبر صارمی و رفیق گرمابه و گلستان ایشان، جواد بنکدار، رسیدند تا به بحث گذاشته شوند. جدا از موضوع فرد مفتخر به دریافت نشان، ما اصرار داشتیم که این مدال باید توسط شخص آقای دکتر به برنده اعطا گردد. جناب آقای دکتر صارمی نیز علاوه بر نظرات ما، خود، جهت بهتر شدن این رویداد در روز جشن نکاتی را ارائه نمودند. به بیانی ساده‌تر، دکتر علی‌اکبر صارمی، دکترین نشانی که مزین به نام خود بود را، از صفر تا صد، برای همیشه تاریخ نوشتند. ما مبدع و پاسدار این نشان هستیم و باید آن را تا تشکیل کمیته‌ای از نخبگان برای انتخاب در طی صدها سال آینده محافظت کنیم. ما و دکتر صارمی تأکید داشتیم که برنده باید متعهد به مسئولیت‌های اجتماعی (هم در فضای حقیقی و هم در فضای مجازی) باشد و نباید محدود به پروژه داشت یا نداشتن و یا سمت‌های دانشگاهی باشد. ما قسمتی از این جلسه را فیلمبرداری کردیم و آن را در بخش‌هایی از تیزرهایی که برای دوسالانه سفارش دادیم استفاده نمودیم. ما، مردم و معماران مخاطب را به پشت صحنه‌ی دوسالانه بردیم و اکنون نیز در همین راستا اقدام می‌نماییم!

ما در این ایام، علاوه بر طی تمام فرایندها و تحقیقات، می‌بایست بخش اجرایی دوسالانه را نیز مدیریت می‌کردیم. از تبلیغات محیطی و مجازی امر که بگذریم، بحث تولید محتوا برای دوسالانه مطرح بود. طراحی ده‌ها بنر و تصویر برای انتشار در فضای مجازی و ساخت پنج وله (فیلم کوتاه) برای نمایش در رسانه‌های مختلف و به فواصل متفاوت، از دیگر اموری بود که باید انجام می‌شدند. این وله‌ها جانی تازه به دوسالانه دادند و کار را حرفه‌ای‌تر نمودند. ما به معماران ایرانی نشان دادیم که طراحی پوستر و اعلام فراخوان، روش‌های سنتی اطلاع‌رسانی هستند. پس از این اقدامات بود که همگان در سایت‌ها و اینستاگرام‌های خود، حتی شده با چیدن چند عکس در کنار هم و استفاده از نرم‌افزارهای مبتدی و کاربرمحور، کوشیدند وله و تیزر درست نمایند و نمایش دهند. البته ما هنوز به موسیقی‌های انتخابی ایشان انتقاد داریم و تأکید داریم که ایشان باید بدانند چه موسیقی‌ای برای چه وله‌ای مناسب و چه چیز را باید در چه مکانی استفاده نمود. همچنین ما نگران افول این هنر از وادی تخصص‌گرایی به سرگرمی نوجوانان هستیم. در همین ایام، یک مؤسسه‌ی آموزشی معماری در اصفهان فراخوان یک کارگاه را منتشر کرد که در آن موضوع بخش نخست دوسالانه، طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه‌ی جیرفت را مورد بحث و طراحی قرار داده بود و ظاهراً مقرر گردیده بود که در این کارگاه، هشت یا نه گروه تشکیل داده و زیر نظر استادان کارگاه، اقدام به طراحی نمایند. در نهایت منتخبین کارگاه آثار خود را به دبیرخانه ارسال می‌کردند. در این بین، برخی به ما ایمیل زدند و این پرسش را مطرح کردند که هنر معماری چرا دوسالانه

برگزار نموده و از طرفی دیگر کارگاه طراحی تدارک می‌بیند و هزینه دریافت می‌کند؟ مشخصاً این پرسش حاصل ناآگاهی بود. دبیرخانه مجال آن را نداشت که خود را درگیر چنین بازی‌های اقتصادی‌ای نماید. ما با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کردیم که با هیچ مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی‌ای در رابطه با برگزاری کلاس و کارگاه – جز در موارد مشخص که اصلاً ربطی به دوسالانه ندارند – همکاری نمی‌کنیم. افزون بر این، بعید است که طراح برتر، طراحی خود را به دست دیگری بسپارد یا زیر نظر دیگران انجام دهد. حال بماند که این نگاه ماکسیمالیسم‌گرایانه و ارسال ده اثر با ده ایده‌ی مختلف از یک دفتر، برای شرکت در یک مسابقه چه پیامدی می‌تواند داشته باشد. شاید اگر ما ثبت اثر را منوط به پرداخت وجه نقدی می‌کردیم – رویه‌ای که در مسابقات بین‌المللی مرسوم است – نه تنها از ورود خیلی از آثار ضعیف به دبیرخانه جلوگیری می‌شد که چند اثر همزمان نیز ارسال نمی‌شدند. گویی ما در عصر کثرت‌گرایی و تنوع‌گرایی حتی برای پاسخی که به پرسش یک طرح معماری می‌دهیم گرفتار شده‌ایم. ناگفته نماند که این وضعیت در بخش نقد نیز حاکم بود. اعطای جایزه‌ی نقدی به نقدنامه‌های بخش دوم برخی را به این کار واداشته بود که هر آنچه مقاله و یادداشت در پستوی کامپیوترهای خود دارند را به دوسالانه بفرستند!

در این ایام پرسش دیگری از سمت دوستان و همکاران مطرح شد که چرا دوسالانه با «دبیرخانه‌ی داغی مسابقات معماری و شهرسازی» همکاری ندارد. این پیشنهاد بسیار خوبی بود و ما برای کمک و خدمت به حرفه و حمایت از قانون‌مند شدن جریان مسابقات کشور، مدت‌ها پیش از آنکه این پیشنهاد مطرح گردد به موضوع فکر کرده بودیم و در همان روزهای آغازین پذیرفته بودیم که دوسالانه را طبق شرایط دبیرخانه به پیش ببریم. هرچند بدون دبیرخانه هم، دوسالانه در چارچوب «آئین‌نامه‌ی جامع مسابقات معماری و شهرسازی» و زیر نظر «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» بود و هنر معماری نیز همواره به گواه تاریخچه‌ی حرفه‌ای خود، حتی فراتر از تعهدات عمل نموده بود. اساساً تمام رویدادهای هنر معماری مجوزهای قانونی را همیشه داشتند و دارند و این در حالی است که بسیاری از جوایز و مسابقات معماری کشور از مراجع قانونی، مجوز اجرا ندارند. حقیقت این است که ما تعهد را محصول خواستی درونی می‌دانیم، اما به‌هرحال خواست دوستان بجا و برای کمک به حرفه بود. ما نیز در همان دوران بررسی جزئیات، بنابر پیشنهاد دو تن از داوران، پیگیر ثبت دوسالانه در دبیرخانه شدیم. ما حتی فرم‌های ایشان را دانلود، تکمیل و ایمیل نیز نمودیم، اما پس از ماه‌ها و بارها پیگیری از طرف دبیرخانه‌ی دوسالانه، در تماس تلفنی‌ای که توسط یکی از مشاوران عزیز دبیرخانه‌ی داغی به ما شد، در جلسه‌ای با حضور اعضای دبیرخانه‌ی داغی مسابقات این موضوع مطرح گردید که: «گفته شده است شما [هنر معماری] و جایزه‌ی مسابقه‌ی مفهومی میرمیران از کنار دبیرخانه به دنبال کسب اعتبار برای خود هستید و ما تمایلی نداریم تا دوسالانه‌ی شما را در دبیرخانه ثبت کنیم، وانگهی دبیرخانه فعلاً متوجه آواردز (awards) نیست و محدود به مسابقات طراحی است». البته ما به طور شفاهی به این دوست عزیز اعلام کرده بودیم که طراحی مدرسه هم به بخش‌های دوسالانه ملحق شده است، اما بی‌فایده بود. حتی بر فرض وجود چنین نیت و محدودیت موضوعی‌ای، آیا مگر این

خلاف وظایف دبیرخانه است؟ اساساً دبیرخانه مگر برای کاری جز اعتباربخشی، نظارت و حل مسائل احتمالی در آینده تشکیل شده است؟ فلسفه‌ی شکل‌گیری این نهاد اساساً حمایتی است؟ مثل این حرف، مثل این است که سازمان استاندارد بگوید ما به فلان محصول که درخواست ثبت داده و دارای کیفیت هم هست، علامت استاندارد نمی‌دهیم، زیرا اگر بدهیم استاندارد می‌شود! خب این اساساً کار سازمان استاندارد است. ما به دوستان عزیز و زحمت‌کش دبیرخانه اعلام داشتیم که دوسالانه نیز بخش طراحی مدرسه دارد، اما به قول آقایان «دیگر دیر شده بود» و در جلسه‌ی دبیرخانه‌ی داغی با حضور اعضای محترم و ریاست، همکاری با دوسالانه و مسابقه‌ی مفهومی میرمیران رد شده بود. به‌هرحال نظر دبیرخانه هرچند بسیار عجیب بود، برای ما محترم شمرده شد و دوسالانه به کار خود بدون حمایت دبیرخانه‌ی داغی مسابقات ادامه داد.

با نزدیک شدن به سی‌ویکم مرداد، به عنوان آخرین مهلت ارسال آثار به دبیرخانه، بر تراکم آثار دریافتی در همه‌ی بخش‌ها افزوده شد. همچنین بر آهنگ تحقیقات ما پیرامون نشان‌ها و جوایز ملی اضافه گردید. نقطه‌ی اوج این فرایند، همان روز نهایی تحویل آثار بود. در اینجا ذکر چند نکته خالی از لطف نیست. ما اعلام کرده بودیم که شرکت‌کنندگان می‌بایست فایل‌های خود را بر روی لوح فشرده تهیه و با فونت انگلیسی نامگذاری نمایند، زیرا سیستم‌های کامپیوتری معمولاً در کپی کردن فایل‌های نامگذاری شده با فونت فارسی دچار مشکل می‌شوند، اما شرکت‌کنندگان به این نکته دقت نکرده بودند و ما حجم عظیمی از فایل‌ها را نامگذاری مجدد نمودیم. دبیرخانه از مدت‌ها پیش، بارها اعلام کرده بود که آخرین مهلت ارسال آثار همان سی‌ویکم مرداد، ساعت هفده است. باین‌حال ما شاهد تماس‌ها و ایمیل‌های زیادی بودیم که درخواست تمدید مهلت ارسال آثار را داشتند. این امر متأسفانه به دلایلی که ذکر آن رفت، امکان‌پذیر نبود. از نخستین فراخوان، اعلام شده بود که دریافت آثار تنها از طریق لوح فشرده است، باین‌حال، گروه‌هایی با بی‌دقتی شیت‌ها و اسنادی را ارسال کرده بودند که مشخصاً در دآوری مورد استفاده قرار نگرفتند – البته این افراد حذف نشدند. خیلی از عزیزان شهرستانی معترض بودند که باید آثار خود را دو روز زودتر با پست ارسال نمایند، اما «ساکین پایتخت می‌توانند تا آخرین لحظه کار کنند و همان روز نهایی، سی‌دی را تحویل دهند؛ یعنی ایشان دو روز زمان بیشتری دارند و این عادلانه نیست!» ما نمی‌دانیم آیا دو روز در رویدادی که یک سال فرصت ارسال داشته زمان بسیار مهمی است؟ اصلاً این رسم تحویل اثر در روز آخر چه بدعت ناشایستی است که به دانشجویان خود آموخته‌ایم؟ قطعاً باید برای کسی که کارش را زودتر تحویل می‌دهد، امتیازی قائل شویم. شاید عدالت این باشد که خود را با واقعیت‌ها روبرو نماییم. همین مورد ساده و معمولی، یعنی دریافت آثار از طریق لوح فشرده (علی‌رغم مخالفت شدید بعضی از اعضای هیئت داوران) در دوسالانه برای نخستین بار روی داد و باعث بیش از یکصدویست میلیون تومان صرفه‌جویی برای شرکت‌کنندگان عزیز در هزینه‌های چاپ و پست گردید و اثرات مثبت فراوان دیگری نیز بجا گذاشت که باعث شد حداقل چهار رویداد پس از دوسالانه به دریافت آثار با لوح فشرده اقدام نمایند. ما در روز نهایی تحویل آثار به پاس حضور مردم در دفتر هنر معماری، بیش



تصاویر این صفحه: عکسبرداری خودکار دوربین در دفتر هنر معماری، ۳۱ مرداد ۱۳۹۵

از سیصد فریم عکس گرفتیم. دوربین ما در یک نقطه مستقر بود و به صورت اتوماتیک، هر چند دقیقه یکبار، عکس می‌گرفت. ما از مخاطبین خود به رسم یادگاری عکس گرفتیم، غافل از اینکه، آنان نیز عکس‌هایی از ما و دفتر مرکزی‌مان که محل دریافت آثار بود، گرفته بودند و شب هنگام در شبکه‌های مجازی، منتشر می‌کردند. افرادی با ارسال ماکت درصدد افزایش شانس خود برای دوسالانه بودند، اما به علت بی‌دقتی و بعضاً بعد مسافت، بعضی از ماکت‌های آنان آسیب دیده بود. ما به آنها اجازه دادیم در همان روز تحویل آثار به ترمیم آثار خود بپردازند. حتی یک شرکت‌کننده فردای روز سی‌ویکم مرداد، اثر خود را جلوی در دفتر دبیرخانه، درحالی‌که از هم پاشیده بود مجدداً سرهم کرد. مشخصاً علت این فرصت‌دهی به او این بود که ایشان قصد تغییر در طرح خود را نداشت و تنها رنگ‌هایی که از روی ماکت ریخته بود را دوباره ترمیم کرد. شاید ما باید برای دریافت ماکت‌ها به سیستمی غیر از پست ایران در آینده فکر کنیم. همچنین لوح فشرده را نیز به آپلود فایل‌ها بر روی سایت تغییر حالت دهیم تا همان دو روز بی‌عدالتی نیز مرتفع گردد – هرچند ممکن است برای کسانی که اینترنت ضعیف‌تری دارند، مجدداً مشکل به وجود بیاید. این کوشش‌ها برای هنر معماری مسئولیت‌زا بود. از سی‌ویکم مرداد، ما فقط ده روز زمان داشتیم تا اسناد را بررسی و کنترل کنیم و منتظر داوری بخش نخست باشیم. در این ایام، داوری جوایز و نشان‌های ملی کمابیش انجام شده بودند و تنها جمع‌بندی آنها باقی مانده بود. ناگفته نماند که ما همچنین داوری بخش جایزه ملی نقد معماری ایران و بخش سوم دوسالانه را برای دقت بیشتر در بخش نخست، به بعد از داوری این بخش موکول کردیم. در همین حین ما با مسئله‌ای مواجه شدیم که پیش از این مورد توجه قرار نگرفته بود.

شرکت‌کنندگان دوسالانه با اتمام مهلت زمان ارسال آثار به معرفی آثار خود در وبسایت‌ها و شبکه‌های مجازی پرداختند – موضوعی عادی و در ظاهر نه چندان با اهمیت – این حرکت برای بخش‌های دوم و سوم دوسالانه مسئله‌ی مهمی نبود، اما برای بخش نخست به نظر منطقی نمی‌آمد. برای مثال، یک گروه، طرح خود برای مدرسه‌ی شش کلاسه در جیرفت را در صفحه‌ی اینستاگرام خود منتشر کرده بودند و همگان در حال نقد و بررسی اثر خود و دیگران بودند. این کار فاجعه بود؛ چطور چنین شکاف مشخصی تاکنون دیده نشده است؟ ما و همه‌ی برگزارکنندگان همواره از شرکت‌کنندگان می‌خواهیم که هیچ نشان، لوگو و یا نامی از خود بر روی شیت‌های ارسالی درج نکنند و تأکید می‌کنیم هرگونه تلاشی برای مشخص شدن هویت طراح برای داوران، پیش از موعد داوری منجر به حذف اثر می‌گردد، آن وقت بعضی از دوستان شرکت‌کننده تصاویر آثار خود را بر روی اینستاگرام منتشر می‌کنند؟ آن هم پیش از داوری؟ جامعه‌ی آماری ایران محدود است و قطعاً ما همه در اتاق‌های شیشه‌ای زندگی می‌کنیم. ما به قوانین دوسالانه مراجعه کردیم و چیزی بیش از تذکر مذکور نوشته نشده بود. آئین‌نامه‌ی مسابقات را هم دیدیم که در آنجا نیز اساساً به این نکته اشاره‌ای نشده بود – حتی اسمی از فضاهای مجازی در آن نیامده بود. البته جای تعجب نداشت. آئین‌نامه قدیمی بود و در آن به هیچ عنوان به انتشار آثار توسط طراحان، حتی به نیت صرفاً اطلاع‌رسانی نیز اشاره‌ای نشده بود.

در هیچ یک از مسابقات پیشین به این نکته دقت نشده بود و در فراخوان‌ها چیزی در این مورد نیامده بود و اگر هم ایشان متوجه نقصان کار خود شده بودند، به آن بی‌اعتنا بودند که اساساً بی‌اعتنا بودن و سر را به زیر برف فرو بردن و گفتن این حرف که «صدایش را در نیاوریم تا مردم کم‌کم فراموش کنند» در دکتین هز معماری جایگاهی ندارد. بدین ترتیب این نقطه برای ما بسیار حساس شد. ما از آئین‌نامه و تمام مسابقات پیشین جلو زدیم. منطق حکم می‌کرد که طراحان، این حرکت را برای فریب ما یا دادن سیگنال به داوران انجام ندهند. آنها صرفاً براساس عادت می‌داشتند اقدام کرده بودند؛ مثل سلفی‌هایی که از حضور در دفتر هز معماری منتشر کرده بودند. اینکه چگونه در صدها مسابقه و جایزه‌ی پیش از دوسالانه کسی به این نکته دقت نکرده بود برای ما اهمیت نداشت؛ مهم قانون جدید و بدعتی بود که زین پس توسط دوسالانه بنا نهاده می‌شد و می‌بایست آنقدر مناسب و معقول باشد که برای همگان مورد پذیرش واقع شود. تأکید می‌کنیم که دوستانی پیشنهاد دادند نسبت به مسئله بی‌تفاوت باشیم و صدایش را در نیاوریم – یک راه حل ساده و دم دست برای خیلی‌ها! لیکن این راه شاید برای برخی، جواب دهد اما برای هز معماری، به عنوان یک رسانه‌ی انتقادی و گفت‌وگومحور، نوعی بی‌مسئولیتی بود. رسالت رسانه بی‌تفاوت بودن، سکوت کردن و خنثی بودن را به شدت نپسند می‌کند و وای به حال رسانه‌های معماری‌ای که اهل سکوتند مگر در موارد خاص که منفعتی در آن دارند. به هر تقدیر، ما اطلاعیه‌ی جدیدی صادر و تقاضا کردیم که شرکت‌کنندگان محترم از انتشار آثار خود تا پیش از داور، خودداری فرمایند. ما در همان اطلاعیه، تأکید کردیم که هیچ قانونی (حتی فراخوان اولیه‌ی دوسالانه) ایشان را ملزم به این کار نمی‌کند، اما منطق و عدالت این را حکم می‌کند. با انتشار اطلاعیه و گذر زمان، ما شاهد حذف آثار از صفحات مجازی بودیم. مردم نشان دادند که خود مشتاقند در چارچوب اخلاقی عمل کنند و اگر حرف ما منطقی باشد، حتماً استقبال می‌کنند.

اساساً در رسانه‌ها، در بین رویکردهای موجود، دیدگاهی وجود دارد که شاید کمتر کسی تمایلی به پیروی از آن داشته باشد و آن، سیستمی است که به مردم بیش از خود اطمینان دارد، خطر را می‌شناسد، آن را حتی دیده و تجربه کرده و از عواقب آن آگاه است، اما اجازه می‌دهد تا مردم هم در تصمیم‌گیری شرکت کنند. در این دیدگاه، حق انتخاب با مردم است، زیرا به شعور اجتماعی ایشان اطمینان دارند. افزون بر این، زیرساخت‌های فرهنگی را در جای دیگر بنا می‌کند و فرصت می‌دهد تا مردم تجربه کنند.

ما نیز در هز معماری همیشه کوشیدیم در راستای این دیدگاه اقدام نماییم. در باب این معضل نیز ما کوشیدیم مردم، خود، اصلاحات را انجام دهند و انصافاً نیز نتیجه‌ی مثبتی گرفتیم. تنها دو گروه به اطلاعیه توجه نمودند و آثار خود را حذف نکردند که ما با ایشان تماس مستقیم گرفتیم و درخواست حذف آثار را کردیم، اما ایشان امتناع ورزیدند و نهایتاً نیز دبیرخانه آثار ایشان را برحسب وظیفه، پیش از داور حذف نمود. البته ظن ما این است که شاید خود ایشان می‌دانستند آثارشان هنوز به چکش‌کاری بیشتری نیاز دارد و از حذف آنها نیز خوشحال شدند؛ گرچه بعدها دیدیم که همین افراد به حمله و هجمه علیه دوسالانه پرداختند. ما می‌توانستیم پاسخ متقابل دهیم، اما آن وقت باید عبارت «فرهنگی‌هنری» را از عنوان این مؤسسه حذف می‌نمودیم.

از مدت‌ها پیش با هشت عضو محترم هیئت داوران هماهنگ و مقرر گردیده بود که پنجشنبه، مورخ یازده شهریور، رأس ساعت هشت‌ونیم صبح، داور را آغاز خواهد شد و حداقل دو روز زمان خواهد برد؛ یعنی پنجشنبه و جمعه ۱۱ و ۱۲ شهریور. در این زمان یکی از داوران پیش‌کسوت برای آخرین بار، فایل فراخوان و اسناد را مطالعه کرد تا بر روی موضوع تمرکزیش از پیش نماید که نشان از تعهد او به حرفه و درک کامل ابعاد مسئولیتی که گردن گرفته بود داشت. علی‌رغم اینکه ما اعلام کرده بودیم، داوران را به دو تیم مختلف جهت بخش طراحی مدرسه و همچنین بخش نقد تقسیم می‌کنیم، اما همگی این دوستان علاقه و اصرار شدیدی داشتند در داور بخش نخست دوسالانه حضور داشته باشند و هیچ یک برای بخش نقد زیر بار نرفتند، حتی دوست و معمار عزیز که بیشتر عمر حرفه‌ای خود را بر پژوهش و تحقیق معماری گذرانده بود. بدیع بودن موضوع و استقبال فراوانی که از آن شده بود، باعث گردید تا اشتیاق فراوانی در بین داوران برای بررسی آثار به وجود بیاید. به یاد می‌آوریم روزی، در میانه‌ی راه دوسالانه قرار داشتیم و پیرامون موضوعیت بخش نخست دوسالانه با یکی از معماران کشورمان صحبت می‌کردیم، او خنده‌ای کرد و حرف ماندگاری زد: «هیچ لزومی ندارد که ما معماران وقت خود را برای طراحی یک مدرسه در دل یک روستا هدر دهیم و احتمالاً هیچکس در این بخش بینال شرکت نمی‌کند!»

روز داور بخش نخست دوسالانه، طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه روز یازدهم شهریور ۱۳۹۵، فرا رسید. دبیرخانه، تمام فایل‌ها، عکس‌ها و اسناد را بررسی کرده بود و آثاری که از قوانین عدول کرده بودند را حذف و تمام فایل‌ها و پوشه‌های مربوطه را سازماندهی و مستندنگاری نمود تا مراحل بعدی راحت‌تر انجام پذیرد. این متد بازدید آثار و داور برای بخش‌های دیگر نیز دقیقاً اجرا شد. از همان ابتدا دبیرخانه با چالش‌های بسیاری در داور مواجه بود. یکی از داوران پیش‌کسوت بر عجله و ریتم سریع داور در صبح روز قضاوت تأکید داشتند! ایشان اینگونه عنوان کردند که «قشنگ ببینیم طرح‌ها را با احترام تمام ولی همان دور اول ببینیم و انتخاب کنیم [...] آقای ... شما فردا می‌خواهید بیایید؟ من نمی‌خوام بیام. نمی‌رسم بیام.» و در مقابل اعتراض شدید دبیر دوسالانه به دقت و دو روز زمان اعلام شده از قبل به اعضای هیئت داوران جهت داور و توجه به حضور ۳۱۳ پروژه و بیش از ۱۲۰۰ نفر شرکت‌کننده در بخش نخست دوسالانه، اعلام داشتند که: «احساسش نکنید و احساساتی نشوید. ما مسئولیم خوب ببینیم و شما هم حد مداخلتون رعایت نمائید ... شما حق دخالت در داور را ندارید. همون راند اول خوب ببینیم. تکلیف رو مشخص کنیم. اصلاً بحث افعای هم نکنیم ولی توموش کنیم! وگرنه می‌رسیم به شب. [...] من فردا ده تا مجلس ختم باید بروم سی تا مهمون دارم. به جای ۵ تانیه، ده تانیه ببینید همان راند اول قضاوت کنید. کار ما همین‌ه. [...] تازه این محاسبات کمی است، گاهی شما یک طرحی رو میبینید اصلاً معلومه رده. یک طرح‌هایی اوت هستند. ولی نکته‌ای که مهمه شما می‌خواهید امروز توموش کنید یا نمی‌خواهید؟ ما هم پذیرفتیم داور رو، منتهی یک بحث خبرگی مطرحه. من و آقای ... [یکی از داوران جوان حاضر در جلسه] حداقل ۵۰ تا مسابقه داور کردیم با همین تعداد آثار، با همین روش کار کردیم، تا شب هم صورتجلسه کردیم.»

در میان این اظهارات بعضاً باقی داوران نکاتی را مطرح می‌کردند. از جمله این نکات می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

«داور ۱: شاید بعضی آثار بهتر باشند و بعداً که حذف کردیم بفهمیم خوب بودند.

داور ۲: ببخشید ولی این حرکت در توان من نیست. ما باید همه طرح‌ها را حداقل یکبار ببینیم [...] ببینید دیدن یکبار با یک تایم زمانی کم منطقیه [...] دیدن در راند اول و حذف کردن خیلی کار سختیه. بالاخره یک کسی زحمت کشیده، نهمیشه یک دور حذفش کرد. ده تانیه خیلی کار سختیه [...] عجله نکنید. ما در یک داور دیگر هم رفتیم همین حرف رو زدن، دیدیم نمی‌شه. باید زمان بگذاریم.

داور ۳: یک بار دیدن بدون قضاوت کار پیچیده‌ای نیست. دور اول اصلاً هر شیت رو پنج تانیه ببینیم فقط آشنا بشیم با کارها [...] یک دفعه فقط مرور کنیم.»

ما نیز به عنوان دبیرخانه پیشنهاد دادیم که به دلیل پیشبرد روند صحیح داور و احقاق حقوق و زحمات شرکت‌کنندگان، ادامه‌ی جلسه را بدون حضور ایشان به پیش خواهیم برد و ایشان می‌توانند از تیم داور خارج و سایر اعضا، داور را به پیش برند. در نهایت با وساطت و کوشش دو تن از داوران و دبیرخانه جو به حالت منطقی و معقول برگشت و تصمیم بر آن شد تا ۳۱۳ اثر ارسالی یکبار بدون هیچگونه قضاوتی تنها دیده و در دوره‌های بعدی آثار حذف شوند و به مراحل بالاتر راه یابند.

حیطه‌ی وظایف ما به عنوان دبیرخانه برای ما واضح است، زیرا وظیفه‌ی دبیرخانه نظارت بر نحوه‌ی صحیح داور است نه داور. هرچند در نهایت انتخاب برندگان در همان غروب روز ۱۱ شهریور به اتمام رسید و مقرر گردید در روزهای بعد، یکی از داوران پیش‌کسوت به عنوان نماینده، بیانیه‌ی داور را نوشته و جهت تأیید سایر اعضا به دبیرخانه تحویل دهد. در روزهای بعد شاهد آن بودیم که این تیم داور هیچ‌گونه بیانیه‌ای برای انتخاب‌های خود به دبیرخانه ارائه ندادند و در پاسخ به پیگیری‌های ما، برخی از داوران اصرار به بستن سریع پرونده‌ی داور دوسالانه داشتند و اقدام به توهین و تهدید به حذف ما از جامعه‌ی معماری به علت پیگیری شکایات و اعتراضات شرکت‌کنندگان و جامعه‌ی معماری نمودند.

طبق قانون و براساس ماده‌ی بیست‌وهفتم از آئین‌نامه‌ی جامع برگزاری مسابقات طراحی معماری و شهرسازی مبنی بر «تهیه‌ی صورت رسمی جلسه‌ی داور و گزارش کتبی روال و نتیجه‌ی داور برای برگزارکننده و عموم (توسط رئیس هیئت داور)»، داوران موظف به ارائه‌ی بیانیه هستند و همچنین بند بیستم از ماده‌ی سوم، بخش پنجم آئین‌نامه‌ی جامع، تأکید بر این دارد «پس از اتمام داور نهایی، داور هیئت داور موظف است گزارشی کتبی مشتمل بر دلایل داور خود را به مدیر عرضه کند» و مدیر این گزارش را همراه با گزارش تکمیلی خود به برگزارکننده عرضه می‌نماید.

از عصر روز داور تا زمان جشن دوسالانه که می‌بایست بیانیه‌ی داوران در آن قرائت شود، پانزده روز فاصله بود – یازدهم شهریور تا بیست‌وششم شهریور؛ در این زمان ما بارها خواستار بیانیه برای آماده‌سازی و قرائت آن بودیم، اما هیچ مدرک و نوشتاری به دست ما از سوی داوران نرسید. بیانیه باید توسط داوران یا نماینده‌ی ایشان نوشته و به دبیرخانه ارسال می‌شد تا به تأیید و امضای سایر

داوران دوسالانه می‌رسید و در جشن و اهدای جوایز برای شرکت‌کنندگان و حضار قرائت می‌گردید. ما نهایتاً بیانی‌های کل دوسالانه را برحسب وظیفه نوشتیم، اما جای بیانی‌های داوری بخش نخست در آن خالی ماند؛ زیرا ما دبیرخانه بودیم و حق دخالت در داوری این بخش را نداشتیم و مسئولیت این بخش برعهده‌ی داوران بوده و هست. ما به مثابه کارفرما و ناظر بر روند داوری تنها معیارها و اهداف را گفتیم و از ایشان انتظار انتخاب بهترین طرح در این چارچوب را داشتیم. در واقع، ما براساس قانون، تنها وظیفه‌ی نظارت بر فرایند داوری را داشتیم. طبق وظیفه و برنامه‌ریزی‌های انجام شده، داوران باید بیانی‌ها را در جلسه‌ی داوری تنظیم و امضا می‌کردند، اما این کار را نکردند و قرار شد چند روز یکی از داوران پیش‌کسوت بیانی‌ها را آماده نماید، ولی تا امروز هیچ بیانی‌های از سوی ایشان به دبیرخانه ارسال نشده است. هیچکس نمی‌داند آثار بخش نخست دوسالانه به چه دلیلی انتخاب شدند. معیارهای دبیرخانه و برگزارکننده که مشخص بود، اما ملاک قضاوت داوران چه بود؟ ما هم به عنوان دبیرخانه هنوز پاسخی برای این سؤالات نیافته‌ایم. پانزده روز زمان بدون هیچ‌گونه تنش خاصی گذشت و داوران تا روز جشن، بیانی‌های به ما نرساندند. ما تا آخرین لحظه، پیش از جشن، پیگیر داوران برای دریافت بیانی‌ها بودیم، اما آخرین پاسخی که دریافت نمودیم این بود که فلانی باید بنویسد. فلانی همان داوری بود که تأکید داشت ما حق دخالت در داوری را نداریم اما در این مقطع به ما گفت که: «من عازم مشهد هستم. خودتان یک چیزی براساس صحبت‌های ما بنویسید و بدهید ما تا بخوانیم و امضا کنیم!» آیا برداشت‌ها، تفسیرها، عقاید و مبانی فکری داوران در باب طرح‌های برگزیده‌ی برتر با توجه به اهداف و معیارهای اعلام شده در باب مسابقه به عهده‌ی دبیرخانه می‌باشد؟ آیا دبیرخانه باید دلایل انتخاب طرح‌های برتر توسط داوران را تحلیل، استخراج، استنتاج و به رشته‌ی تحریر درآورد؟ وضعیت رخ داده به مانند این است که معمار از کارفرمای خود بخواهد در مورد طرحی که او کشیده است، کارفرما مبانی و دلایل فنی را ارائه دهد! مشخص است که در این وضعیت کارفرما عذر معمار را می‌خواهد. چطور اعضای هشت نفره‌ی تیم داوران دوسالانه‌ی ملی با توجه به هماهنگی و نشست‌هایی که از یک سال پیش با آنها شده بود و زمان زیادی که پس از روز داوری تا روز جشن و به تعقیب آن تا زمان انتشار این ویژه‌نامه داشتند، قادر به نوشتن و تهیه‌ی یک بیانی نبودند؟ گرچه بعضی از اعضای محترم هیئت داوران نشان داده‌اند که در ایجاد کانال در فضای مجازی و نوشتن طومارهای طولانی علیه دبیرخانه، نگوشت و ایجاد فشار برای حذف فیلم‌های داوری از روی وبسایت هنر معماری، بستن سریع پرونده‌ی دوسالانه، عدم پاسخگویی به شرکت‌کنندگان و همچنین توهین، هجمه و تهدید به حذف هنر معماری از جامعه‌ی معماری، تبحر خاصی دارند. به‌رحال در روز جشن، ما تنها بیانی‌های کل دوسالانه را قرائت کردیم و متأسفانه همان‌طور که گفته شد علی‌رغم پیگیری‌های فراوان بیانی‌های داوران قرائت نشد و تنها یکی دیگر از داوران عزیز و پیش‌کسوتان که قرار بود بیانی‌ها را آماده و در مراسم جشن قرائت کند، تنها سخنانی پیرامون فرایند برگزاری دوسالانه و کیفیت بالای آن نسبت به سایر مسابقات و همچنین زمان انتخاب طرح‌های رسیده ایراد نمودند که آن هم مدرک مستدلی نبود. از روز داوری تا

جشن، پانزده روز زمان بود و هیچ مسئله و مشکل خاصی هم مطرح نبود. شاید دغدغه‌های ما به عنوان برگزارکننده، ۳۱۳ گروه و مهندسین مشاور شرکت‌کننده و بیش از ۱۲۰۰ نفر طراح و معمار عزیز و هدف‌گذاری جهت تغییر الگوی طراحی فضاهای آموزشی، توسط برخی از داوران به هیچ عنوان جدی گرفته نشده بود و برای ایشان بازی‌ای بیش نبود.

روز داوری، ما به عنوان دبیرخانه، مسئولیت رسیدگی به امور، نظارت و مدیریت پشت صحنه و آماده‌سازی فایل‌های ارسالی را داشتیم. داوران پس از بحث کوتاه با اتخاذ سیستمی منطقی، به صورت اجماع، در کلیه‌ی آثار و نه رأی‌گیری و امتیازدهی، (اتخاذ سیستم اجماع براساس نظر ما و حاصل مطالعات و پاتولوژی مسابقات پیشین بود) کوشیدند آثار برتر را انتخاب کنند. با دیدن هر ۱۰۰ اثر، استراحت کوتاهی داده می‌شد. تمام فرایند داوری فیلمبرداری، عکسبرداری و ضبط صدا شد. ما قصد داشتیم این اسناد را با هدف آموزش، روی پورتال دوسالانه قرار دهیم که به دلیل مخالفت‌ها مسجل نشد. داوران آثار را دیده و بحث کردند و نهایتاً داوری انجام شد و آثار برتر نیز مشخص شدند. ما در هنر معماری، تعداد آرای داوران به هر اثر را ثبت می‌کردیم. در مقطعی نیز داوران، ماکت‌های ارسالی را مرور نمودند، اما از آنجا که ماکت نمره‌ی مثبت نداشت، دیدن ماکت‌ها تنها برای بررسی دقیق‌تر بود. طرحی که در انتخاب رأی نیابده، مشخصاً نمی‌تواند با ماکت خود را نجات دهد و این نکته‌ای بود که اغلب شرکت‌کنندگان متوجه آن نبودند. به هر تقدیر، داوری، عصر روز یازدهم شهریور به پایان رسید و برندگان، منتخبان و تقدیرشدگان به وسیله‌ی کد‌های خود یادداشت شدند و داوران زیر برگه‌ای که این رتبه‌ها نوشته شده بود را امضا نمودند. شب‌هنگام، ما از دفتر هنر معماری رفتیم، اما حتی همان زمان هم سرعت قضاوت ۳۱۳ اثر، کمی نگران‌کننده بود. نگرانی ما آنجا بیشتر شد که دو تن از داوران تمایل زیادی به اطلاع از نام برندگان داشتند که مشخصاً با مخالفت قاطع ما روبرو شدند، زیرا نام برندگان باید تا جشن محفوظ می‌ماند؛ همچنین اغلب داوران تمایل زیادی به خواندن مبانی نظری آثار، نداشتند و این برای اعضای دبیرخانه که به عنوان تحریریه‌ی یک رسانه‌ی معماری فعال بودند، بسیار غم‌انگیز بود.

از روز پس از داوری تا هنگامه‌ی جشن، ما مشغول سازماندهی امور بودیم. کارهای بسیار زیادی باید انجام می‌شدند. تمام هماهنگی‌های قبلی باید در این روزها نهایی و انجام می‌شدند. یکی دیگر از جاهایی که ما مرزهای معماری ایران را توسعه دادیم همین بازه‌ی زمانی بود. نهایتاً طی دو هفته، آماده‌ی جشن شده بودیم و از روز تحویل آثار تا روز برگزاری جشن دوسالانه، ۲۶ روز زمان صرف شده بود. این فاصله‌ی کم بین تحویل آثار و روز جشن برای اعلام برندگان، خود یک رکورد محسوب می‌گردید. پس از اتمام داوری، شرکت‌کنندگان فشار بیشتری بر ما آوردند که نتایج را هر چه سریع‌تر اعلام کنیم. در واقع، سنت بد درج برندگان در یک لیست ساده و انتشار آنها در فضای مجازی، از یاد مردم برده بود که ما رویداد تعریف می‌کنیم تا زیر یک سقف جمع شویم و ارتباطات خود را قوی‌تر نماییم. از این رو، نه ما و نه مشاوران عالی ما به این امر تمایل نداشتیم و ترجیح می‌دادیم سنت زیبای برگزاری جشن‌های ملی در این مملکت احیا گردد. هزینه‌ی برگزاری یک جشن

ملی بسیار زیاد است، آن هم برای بخش خصوصی که از هیچ بودجه‌ای برخوردار نیست. اما ما با کمک اسپانسرهای خود، این کار را انجام دادیم. نخبگان در تماس با ما بر حسن کار تأکید نموده و حضور خود را پیشاپیش اعلام کردند. به واقع، رویدادی بزرگ در راه بود و ما در حال بازگشت معماری ایران به روزهای خوب و پررونق قدیم بودیم. یاد کنگره‌های دهه‌های هفتاد که به کوشش دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی برگزار می‌شد در حال زنده شدن بود. برخی پیشنهاد کردند که اغلب در مراسم‌هایی به این وسعت و کیفیت، برای ورود به سالن وجهی اخذ می‌گردد؛ به این ترتیب بخشی از هزینه‌ها جبران می‌شد اما این کار، هنر معماری و دوسالانه و فرهنگ‌محور بودن ما را زیر سؤال می‌برد. حضور در جشن دوسالانه برای عموم شرکت‌کنندگان و علاقه‌مندان، آزاد و رایگان اعلام شد و اعلام نام برندگان نیز موقوف به برنامه‌ی جشن گردید.

برخی مدعی بودند که عدم اعلام برندگان یک نیرنگ تبلیغاتی است و قطعاً ایشان مطلع شده‌اند. استدلال ایشان این بود که دبیرخانه به هیچ عنوان ریسک عدم حضور برندگان در جشن را نمی‌پذیرد و قطعاً به روشی محرمانه حضور آنان را قطعی نموده است اما ما نه فقط برای بخش نخست دوسالانه که حتی برای جایزه‌ی معمار سال ایران و نشان دکتر علی‌اکبر صارمی نیز تا روز جشن برندگان را اعلام نکردیم. ما معتقد بودیم (و هستیم) کسانی که برای دوسالانه ارزش قائل بودند، خواهند آمد. ما تنها با منتخبین بخش سوم دوسالانه که نماینده‌ی آثار برتر اجرا شده و نشده‌ی کشور بود، تماس‌هایی گرفتیم و از ایشان خواستیم که شیت‌های نهایی آثار خود را برای نمایش در دوسالانه، طبق فرمتی که ما برای آنها ایمیل کرده‌ایم، طراحی نموده و مجدداً ارسال نمایند. علت این تماس نیز مشخص است و در فراخوان نیز قید شده بود که ما به عنوان دبیرخانه برای نهایی کردن منتخبین بخش سوم با ایشان تماس خواهیم گرفت. ما برای عدم لو رفتن نام برندگان، با هزینه‌ی خود، شیت‌های برندگان بخش نخست و نفرات برتر را مجدداً شیت‌بندی و چاپ کردیم. ما با رعایت تدابیر حفاظت اطلاعات و توجیه همکاران هنر معماری و دیگر همکاران، از اعلام نام برندگان، به صورت منطقی و جدی خودداری نمودیم. هیچکس با قاطعیت از برنده شدن خود توسط هنر معماری اطلاع نداشت.

ما پیرامون همه‌ی این مسائل با منطق مقاومت کردیم. قشر کوتاه‌نظری از سر ناآگاهی در برابر رفتار منطقی ما دیوانه‌وار اقدام می‌کردند؛ قشر باهوشی نیز برای منافع خویش روی موج این افراد سوار شده و به تحریک و تخریب بیشتر اقدام می‌کردند، زیرا منافع مالی ایشان توسط دوسالانه در خطر افتاده بود. قشر نخبه و دلسوزی نیز بودند که ما را دعوت به آرامش می‌کردند و مدام یادآوری می‌کردند که به معماری ایران فکر کنید نه قانع کردن این افراد. دموکراسی، پاسخ دادن به تمام سؤالات و ابهامات نیست؛ دموکراسی اجازه‌ی ابزار نظر به همه‌ی افشار و حل مسائل و سکوت و صبر در برابر آنها با کمک دلسوزان است. چه بسا فردی بخواهد با نیات سوء تنها تخریب کند و روش این کار وی نیز سؤال کردن باشد! تمام قواعدی که ما در این دوسالانه نوشتیم، اکنون تبدیل به امری مسلم، منطقی و حتی مطالبه‌ی عمومی در مسابقات معماری شده است، اما آن زمان، درک ابعاد این تغییرات سخت و برای برخی ناممکن بود.

کاری که دوسالانه انجام داد چیزی بیش از درج یک خبر در رسانه‌ها بود. البته این مهم مختص به دوسالانه نیست و هر رویدادی که با منطق و استاندارد جلو رفته باشد این اثر را خواهد گذاشت.

بجز مسائل مطرح شده در بالا و مقاومت ما و توسعه‌ی لبه‌ی معماری، مسائل دیگری نیز مطرح بود. به طور مثال، یکی از استادان شرکت‌کننده، طرح پیشنهادی خود را در اینستاگرام منتشر و از انتشار قریب‌الوقوع آن در یکی از نشریات معماری خبر داده بود. افرادی به ما پیغام رساندند و ما را از ماجرا مطلع کردند. این دوست عزیز از پیش‌کسوتان معماری ایران است. ما نیز با اینستاگرام خود از او به رسم ادب همیشگی هنر معماری برای حضور در دوسالانه تشکر کردیم و انتشار اثر وی در نشریه‌ی معمار را تبریک گفتیم. هم استاد مذکور و هم نشریه‌ی معمار برای ما بسیار محترم هستند. شاید کمتر کسی بداند که اساساً ستون هنر معماری از بچه‌های جدا شده از نشریه‌های وزین آبادی و معمار قوام یافته است و ما به عنوان کسانی که در این سرزمین سخت رشد یافته‌ایم، ارزش تولید نشریه‌ی وزین معمار و زحمتی که پشت انتشار شماره‌های نخست این نشریه بود را بیشتر از هر کسی می‌دانیم. آیا کسی می‌تواند منکر اثری که آبادی و شمارگان نخستین معمار در فضای کشور گذاشت گردد؟ به هر تقدیر هرچند حتی این عمل نیز از یک پیش‌کسوت بعید بود، زیرا حق نشر آثار در اختیار هنر معماری بود، اما تشکر و تبریک ما جهت نشر آثار، باعث شد برخی از همکاران جدید فرهنگی و رسانه‌ی جدید مکتوب به دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی ملی حمله و ادعاهای پیشین خود پیرامون برندگان را مطرح نمودند. دوستانی نیز که از همین تیم فرهنگی نوپا بودند به دلیل تبریک و تشکر ما از این معمار بزرگ کشور به دبیرخانه‌ی دوسالانه حمله کردند. نتیجه آنکه ما در تماسی که با استاد معماری بسیار عزیزمان داشتیم، ضمن تشکر مجدد از افتخار حضور او در دوسالانه و سفر و زحمت حضور در روستای دهنو و مصاحبه با اهالی و معلمین جهت شروع طراحی (آنگونه که وی اظهار داشت و برای ما بسیار ارزشمند بود)، مطرح کردیم که اقدام بسیار ساده‌ی ایشان فتنه‌انگیز شده است. ایشان تأکید داشتند دیگر داوری انجام شده و نشر اثر در فضای مجازی اثری بر قضاوت نخواهد داشت و ما نیز در آن اطلاعیه‌ی خود عدم نشر تا قبل از داوری را خواسته بودیم، اما با این حال ما مجدداً اسباب زحمت برای ایشان ساختیم! در نهایت نیز ایشان در کمال آرامش و حرفه‌ای‌گری با درج یک پیام جدید مبنی بر اینکه اثر خود را صرفاً برای اطلاع‌رسانی منتشر کرده‌اند، پُست خود را حذف نمودند.

بسی تأسف است که ما حتی حرمت استادان حرفه را رعایت نمی‌کنیم. استادانی که ما خود، ایشان را بر روی استیج برده، از نامشان در تحریریه‌ی نشریه‌ی خود استفاده و از ایشان تقدیر می‌نماییم، اما اگر لازم باشد جهت رسیدن به اهدافمان و تخریب دیگران به هر قیمت و هزینه‌ی ممکن از حمله به این عزیزان بزرگوار کوتاهی نمی‌نماییم. دریغ از دوستانی که با ناآگاهی فریاد سر می‌دهند و از طرفی خبر ندارند بازپچه و آلت دست شده‌اند. به قول بزرگی، «جریان روشنفکری در ایران بیشتر به دنبال تحریک مردم است تا تحرک جامعه!» شاید اینجا بازخوانی مت کامبیز ناظرعمو معنای خود را بهتر نشان دهد:

«سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد» (سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۱)
باید آموزش می‌دیدیم و یاد می‌گرفتیم که به حقوق مؤلف احترام بگذاریم، راست‌آزما باشیم و ذهن سالم و پندار نیک داشته باشیم، در گفتار صداقت داشته باشیم و در عمل و فعالیت حرفه‌ای با اخلاق باشیم و بسیار بایدهای دیگر که تداوم آنها ابتدا اعتبار، شخصیت، اعتماد، احترام و استواری "فردی" را باعث می‌شود و سپس در فراوانی و تکرار، به خصوصیت "اجتماعی" تبدیل می‌گردد.»

یکی دیگر از مسائل مطرح شده در این ایام، لورفتن نام برندگان بود. تا پیش از روز برگزاری جشن، مشخصاً هیچکس نبایستی از برندگان و اسامی آنان اطلاع می‌داشت. حتی در داخل سازمان هنر معماری نیز همه‌ی افراد از نام برندگان مطلع نبودند و حفاظت اطلاعات دبیرخانه با قاطعیت در این مورد اقدام می‌کرد. اما چهل‌وهشت ساعت پس از روز داوری (یعنی روز شنبه مورخ ۱۳ شهریور و ایام پس از آن)، دبیرخانه چندین تماس از تهران، شیراز و همدان داشت که از ادعای برخی افراد پیرامون برنده شدن در دوسالانه حکایت می‌کرد. این اقشار دو دسته بودند: برخی ادعاهایی بی‌اساس مبنی بر برنده بودن خود داشتند؛ اما برخی دیگر، افراد معقولی بودند که توسط خود یا اطرافیان ادعای برنده شدن در دوسالانه را داشتند که پس از بررسی، به این نتیجه رسیدیم که بی‌راه هم نمی‌گفتند، آنها در لیست منتخبین بودند! سؤال اینجا بود که ایشان از کجا فهمیده بودند؟ البته ادعای ایشان ربطی به اتهامات مطرح شده نداشت. ایشان در خفا مدعی شده بودند و ما براساس تماس‌های تلفنی متوجه ماجرا شدیم. پاسخ سؤال ما قطعاً در هنر معماری نبود، اسم برندگان را هیچکس نمی‌دانست، چه برسد به اینکه چه کسی چه رتبه‌ای آورده است. پاسخ سؤال ما در جایی بود که گویی نه تنها آثار برندگان را می‌شناخت و می‌دانست که فلان طرح برای فلان طراح است، که حتی با او نیز ارتباط داشت. حال شما قضاوت کنید در هندسه‌ی دوسالانه چه کسی این اطلاعات را داشت و از کجا درز کرده بود. به‌هرحال چهل‌وهشت ساعت پس از داوری متوجه شدیم برخی رتبه‌های برتر از برنده شدن قطعی خود اطمینان دارند، اما این عمومی نیست. چگونگی از تهران و شهرستان‌ها، دوستانی از برنده شدن بعضی از رتبه‌های برتر آگاهی پیدا کرده بودند؟ دقت نمائید که در داوری تقلب سخت بود؛ یعنی تعداد و روش داوری – به صورت اجماع – به نحوی بود که کسی به تنهایی نمی‌توانست اثری را منتخب و تقدیر کند.

نشست اطلاعات، حداقل در مورد سه برنده از شانزده طرح برتر بخش نخست دوسالانه حتمی بود. در مورد دیگر بخش‌ها هیچ نشستی در کار نبود، زیرا مشخصاً تمام مدیریت و انتخاب آنها تنها با هنر معماری و مشاوران عالی‌رتبه‌اش بود و ما با کسی تعارف نداشتیم. فوراً موضوع را پیگیری کردیم و از افراد مورد ظن، توضیحاتی پیرامون نوع ارتباط با داوران خواستیم. تماس‌هایی نیز با برخی از اعضای هیئت داوران گرفته شد و ایشان دلایل خود را مطرح نمودند و مدعی شدند که هیچ یک از اطرافیان و خانواده‌های درجه یک مستقیم و همکاران دفترشان در دوسالانه شرکت نکرده‌اند. برندگان نیز ابتدا به ساکن از اینکه ما متوجه ماجرا شده‌ایم شوکه شدند، اما این برای ما کافی نبود. پس ایشان شروع به ارائه ادله کردند. قوی‌ترین مورد، پیرامون یکی از برندگان بود که مدت‌ها در دفتر یکی از داوران کار

کرده بود. ایشان حداقل سه سال پیش، از دفتر این داور خارج و خود، مشغول به کار معماری برای خود شده بود که ما از ایشان سوابق بیمه از سازمان تأمین اجتماعی طی یک نامه‌ی رسمی را خواسته و آنها را بررسی کردیم. اکثر تماس‌های تلفنی و تمام اخباری که پیرامون ارتباط یکی از داوران با برندگان وجود داشت، همین مورد خاص بود که ما نیز به شدت پیگیری نمودیم. این فرد با پیگیری مجدانه‌ی ما، نامه‌ی رسمی از سازمان تأمین اجتماعی بابت خروج در سال ۱۳۹۲ از دفتر آن داور را برای ما ارسال نمود. بعدها در این باب توسط تماس‌هایی که گرفته می‌شد، ادعاهای جدیدتری مطرح شد اما حتی با بررسی این موارد نیز وجود رابطه و تصدیق مسائل مطرح شده و پیگیری آن ممکن نبود.

دبیرخانه‌ی دوسالانه همچنین چند روز پس از مراسم جشن و اهدای جوایز، به طور اتفاقی و در مراسمی، از برخی ارتباطات بسیار نزدیک و همکاری علمی بین بعضی از داوران، برندگان و رتبه‌های برتر مطلع شد. البته اینها هیچکدام دلیل لابی و بی‌اعتنایی به اصول حرفه و دوسالانه نبوده و فقط از جهت روشن‌سازی افکار عمومی و جامعه‌ی معماری مطرح می‌گردند. این روابط اغلب امکان اثبات نیز ندارند زیرا معماران معمولاً در گروه‌ها و نهادهای مختلفی دعوت به همکاری و عضویت می‌شوند و ممکن است با همه‌ی اعضای گروه آشنایی نداشته باشند. قطعاً یکی از حداقل‌ها در داوری مسابقات، تأکید شدید داوران به همکاری دفترشان جهت عدم شرکت در مسابقه‌ی مربوطه است که در صورت شرکت همکاران و خانواده‌ی درجه‌ی یک، انصراف داور از حضور در هیئت داوران باید صورت گیرد. همچنین در صورت حضور خود به عنوان داور و همکاران در کسوت شرکت‌کننده، یکی از اصول اخلاقی، عدم کرکسیون یا دیدن طرح ارائه شده به دبیرخانه‌ی یک مسابقه می‌باشد. همان‌طور که شاهد تأکید شدید سه تن از داوران عزیز و معماران حرفه‌ای دوسالانه به همکاران دفتر و نزدیکان خود جهت عدم حضور در بخش نخست دوسالانه بودیم. آیا همه‌ی اعضای هیئت داوران نباید اینگونه شفاف، قانون‌مدار و حرفه‌ای رفتار می‌کردند تا هیچ‌گونه شبهه‌ای در کار نباشد؟ مشخص است که داوران ما افراد سرشناس، حرفه‌ای و فعالی در حوزه‌ی معماری کشور هستند و خیلی از افراد نیز ایشان را می‌شناسند یا با ایشان همکاری می‌کنند. صرف آشنا بودن، دلیل حرکت مشکوک و تقلب نیست. ما به عنوان دبیرخانه‌ی دوسالانه تا جایی که می‌توانستیم نفوذ کردیم و این شبهات را بررسی نمودیم. شاید تشکیل یک کمیته‌ی انضباطی با پشتوانه‌ی قانونی و اجرایی برای نفوذ و حل شبهات اینچنینی در کشور ضروری باشد – هرچند در نهایت این ما هستیم که باید اخلاق حرفه‌ای را رعایت کنیم.


به‌هرحال در روز بیست‌وششم شهریور، جشن به خوبی برگزار شد، هرچند خالی از اشکال نبود. به عنوان مثال، ما با مجری برنامه که از گویندگان برجسته و آینده‌دار رادیو جوان بود حداقل دوبار جلسه گذاشتیم و اولین نکته‌ای که به او تأکید کردیم این بود که این جشن، یک برنامه‌ی رسمی است و ما نیازی به هیجان بیش از حد در آن نمی‌بینیم. او در لحظاتی از جشن و اهدای جوایز نفرت نخست به این نکته دقت نکرد و ما رسماً در تریبون‌های خود از مردم عذرخواهی کردیم، همچنین ظرفیت تالار قلم کتابخانه‌ی ملی برای این اجتماع، بسیار کوچک بود که از

این بابت نیز ما از مردم عذرخواهی می‌کنیم. سالن بزرگ‌تر در تهران، سالن سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی و سالن کنفرانس اجلاس سران کشورهای اسلامی است که ورود به هردوی آنها سخت و بعضاً ناممکن می‌باشد.

با اتمام جشن، مسئله‌ی بسیار جالب ما این بود که کسی به نشان دکتر علی‌اکبر صارمی، با تمام اهمیت خود، معترض نبود. حتی یک اعتراض به اعطای جایزه‌ی معمار سال ایران به بیژن شافعی، ویکتور دانیل و سهراب سروشانی (گروه معماری دوران تحول) به پاس ۳۳ سال خدمات پژوهشی ایشان مطرح نبود. بخش دوم دوسالانه برنده‌ای نداشت، اما از چهار نقدنامه، به دلیل استعدادی که در آنها شایان توجه بود، تقدیر شد. به هر حال، این بخش، اولین جایزه‌ی ملی نقد معماری در تاریخ ایران بود و مشخص بود که خیلی‌ها حتی آداب نقدنویسی را نمی‌دانند، خصوصاً به این دلیل که اصول نقد در دانشگاه‌ها، آموزش داده نمی‌شود. بخش سوم دوسالانه نیز با انتخاب چهل‌ونه اثر به کار خود پایان داده بود. از میان آنها آثار ارسالی‌ای بودند که در بعضی مسابقات حائز رتبه شده بودند، ولی در دوسالانه منتخب نشدند. طراحان این دست بناها ادعا می‌کردند که طرح ما برای مثال در مسابقه‌ای دیگر اول شده، چطور در دوسالانه حتی منتخب هم نشده است؟ این امر خیلی واضح و بدیهی است. هر رویدادی معیارهای خود را دارد و در دوسالانه، نوآوری و اصالت ایده و حل مسئله به روش منطقی معیار بود. خیلی از آثار در دوسالانه، اجرا نشده بودند، اما منتخب شدند، حالت‌های بالعکس نیز ممکن بود.

تتها، بخش نخست دوسالانه بود که موجب سیل نامه‌های رسمی و اعتراضات از طرف مهندسين مشاور شرکت‌کننده در دوسالانه، ایمیل‌ها و پیام‌های شفاهی و مجازی گردید (در ادامه، این نامه‌ها و نقدها تا جای ممکن در این ویژه‌نامه منتشر خواهند شد). همان‌گونه که گفته شد، ما مثل همیشه، اقدام به شفاف‌سازی نمودیم، گرچه ما مسئول انتخاب برندگان نبودیم زیرا داوران باید بیانیه می‌دادند و علل انتخاب‌های خود را برای شرکت‌کنندگان و افکار عمومی توضیح می‌دادند که همان‌طور که قبلاً گفته شد متأسفانه بیانیه‌ای از سوی ایشان ارسال نشد. ما شیت‌ها و اسناد را آپلود کردیم، اما مردم دنبال دیدن آثار نبودند، آنها دلایل انتخاب را می‌خواستند که البته به حق هم بود. روز نخست پس از جشن، دو جوان برنده‌ی بخش نخست دوسالانه به دفتر ما آمدند. از ایشان خواستیم که یک گزارش فنی، اجرایی و برآورد مالی و حتی متره از طرح خود برای اجرا ارائه دهند. ما در آن زمان در حال هماهنگی با چند خیر بودیم که برای ساخت مدرسه تمایل نشان داده بودند. این خیرین به کوشش یکی از داوران محترم، معرفی شده بودند و برای توجیه خیر به چیزی بیش از پنج شیت معماری نیاز داشتیم. دو جوان برنده نیز قبول کردند و مقرر شد تا اطلاعات را ارسال نمایند. جوانان برنده نیز درخواست‌هایی داشتند. دریافت یک تندیس دیگر از جمله‌ی این موارد بود، ساخت مجدد آن مستلزم سفارش و نوبت‌گیری بود که با توجه به زمان‌بر بودن ساخت آن، کار چندان آسانی نبود. ایشان همچنین تمایل داشتند فیلم داوری را ببینند که ما این کار را کردیم و دقایقی از فیلم داوری که مختص به برنده شدن اثر ایشان بود را نشان دادیم.

ما کوشیدیم پس از مراسم دوسالانه، حداقل برای چاپ در ویژه‌نامه‌ی دوسالانه (یعنی مجلدی که در دست دارید) بیانیه را از داوران بگیریم، اما اعضای محترم هیئت داوران،



سازمان تأمین اجتماعی
سوابق خام بیمه شده

شماره: ۱

مشخصات بیمه شده شماره: ۰۰۱۲۷۳۷۸۸۳ تاریخ گزارش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۶


نام: شماره شناسنامه: محل صدور شناسنامه: نام خانوادگی: تاریخ نام نویسی: ۱۳۹۱/۰۲/۲۷ کد ملی: تاریخ تولد: ۱۳۶۷/۰۱/۱۲

سوابق خام بیمه شده																			
رتبه	سال	نوع سابقه	وضعیت	نوع حق بیمه	کد کارگاه	نام کارگاه	سوابق ماهها												
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲								
۱	۱۳۹۱	کارکرد عادی لیست	افزایش	۳۷۰۰۰	۶۹۴۱۰۱۷۷۲	مقر معماری	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
۲	۱۳۹۲	کارکرد عادی لیست	افزایش	۳۷۰۰۰	۶۹۴۱۰۱۷۷۲	مقر معماری	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰

تأمین اجتماعی

شماره نمایندگی: تهران

محل مهر شعبه



نام و نام خانوادگی و امضاء

مسئول نام‌نویسی و محتوای فرم‌های

امضاء

نام و نام خانوادگی و امضاء

مسئول نام‌نویسی و محتوای فرم‌های

امضاء

تأییدیه‌ی گرفته شده از سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر خروج یکی از سه رتبه‌ی برتر در سال ۱۳۹۲ که ۴۸ ساعت پس از داوری از سوی شرکت‌کنندگان یا مخاطبین به هنر معماری اطلاع داده شده که وی در دفتر یکی از داوران مشغول به همکاری و فعالیت می‌باشد.

ما و شما را از این حداقل و بدیهی‌ترین وظیفه‌ی خود که همان صدور بیانیه و به امضا رساندن آن توسط سایر اعضا می‌باشد نیز، محروم و مجدداً از دادن هرگونه بیانیه‌ای مبنی بر چرایی انتخاب‌هایشان خودداری نمودند. همان‌گونه که در ایام قدیم نیز اقدام نموده بودند. روزها گذشت و دیگر برای دبیرخانه مشخص شده بود که داوران قصد نوشتن بیانیه ندارند، کما اینکه تا زمان جشن و پس از آن نیز ننوشتند. دبیرخانه از ابتدا قصد نشر ویدئوی اسناد مسابقه را داشت. در همین چارچوب ما با ایجاد پورتال و انتشار اطلاعات دوسالانه (از جمله وله‌ها و فیلم جشن و یک فیلم ۱۲۰ دقیقه‌ای و خلاصه شده از کل روز داور) در جهت شفاف‌سازی حرکت کردیم. اما یکی از داوران جوان، به انتشار فیلم‌ها به شدت اعتراض نمود و با همراهی برخی دیگر از داوران، انتشار فیلم را غیراخلاقی و غیرعقلانی خواندند. در این بین پیشنهاداتی نیز ارائه شد، به عنوان مثال، سانسور فیلم و یا کوتاه کردن آن در حد یک فیلم پانزده دقیقه‌ای، اما چطور می‌توانستیم ده ساعت فیلمبرداری را تبدیل به یک فیلم پانزده دقیقه‌ای نماییم؟ این درخواست منطقی نبود. به‌رحال بنا به درخواست و فشارهای شدید اعضای هیئت داوران دوسالانه به دبیرخانه، فیلم‌ها حدود دو هفته بعد از مراسم جشن از سایت هنر معماری و پورتال دوسالانه موقتاً حذف شدند. مطالبه‌ی شرکت‌کنندگان به قوت خود باقی بود. برخی از داوران طی تماس‌هایی می‌گفتند: «با گذر زمان، مردم همه چیز را فراموش می‌کنند، ما جزء نخبگان هستیم و ما اعتبار مسابقه هستیم و پرونده را ببندید که در همه‌ی مسابقات اعتراض وجود دارد» اما این برای ما غیرممکن بود. این اعتراضات و شکایات از اعتراضات معمول مسابقات نبودند و بسیار به حق و حرفه‌ای و با دلایل فنی عنوان می‌شدند. در نهایت دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی ملی در پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۹ تصمیم به تعلیق رأی هیئت داوران و آثار منتخب ایشان تا رسیدن به طرحی اجرایی و مطابق با اهداف و معیارهای دبیرخانه گرفت و همچنین جهت بررسی و رسیدگی به اعتراضات فراوان شرکت‌کنندگان با توجه به وظیفه‌ی نظارتی، قانونی و اخلاقی خود تصمیم به اتخاذ روشی دیگر برای انتخاب طرح برتر اقدام نمود. تعلیقی که شاید می‌توانست در صورت مطالعات بیشتر به ابطال آرا منجر گردد.

از جمله دلایل این تعلیق می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. عدم ارائه‌ی بیانیه‌ی هیئت داوران در چرایی انتخاب طرح‌های بخش نخست، علی‌رغم پیگیری‌های مکرر دبیرخانه تا روز جشن برابر با ۱۵ روز پس از داور
۲. عدم ارائه‌ی بیانیه تا عصر دوشنبه‌ی پس از مراسم اهدای جوایز، مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۹ و پایان ضرب‌الاجل تعیین شده توسط دبیرخانه‌ی دوسالانه برای دریافت بیانیه به اعضای محترم هیئت داوران (۱۸ روز پس از داور)
۳. عدم رعایت اهداف و معیارهای دبیرخانه توسط داوران در انتخاب طرح‌های برتر و به موجب آن، انتخاب طرح‌های فاقد ضمانت اجرایی

ناگفته پیداست که دبیرخانه برای تحقیق و بررسی دقیق‌تر مدارک، شکایات و مطالعه‌ی اعتراضات فنی شرکت‌کنندگان نیاز به وقت کافی داشت که این مهم تا هنگام انتشار این مجلد زمان برد. نتیجه‌ی این بررسی‌ها ابطال کامل آرای هیئت داوران (داوری نخست) و لغو

کامل آثار منتخب ایشان بود که طبق بیانیه‌ای رسمی به اهل حرفه در ادامه خواهد رسید. این اقدامات همگی در چارچوب قانون بودند و آنچه غیرقانونی و نامتعارف بود، عدم ارائه‌ی بیانیه توسط داوران و همچنین انتخاب طرح‌های برتر کاملاً بی‌ارتباط با اهداف و معیارهای دبیرخانه بود. لازم به ذکر است که براساس قانون، دبیرخانه حق دخل و تصرف در آرای داوران را ندارد، اما این قانون یک پیش‌شرط دارد و آن ارائه‌ی بیانیه است. ولی نظارت بر اجرای صحیح کلیه‌ی مراحل داور و احقاق حقوق شرکت‌کنندگان به عهده‌ی دبیرخانه‌ی هر مسابقه‌ای است. کما اینکه ما در آرای داوران نیز تصرفی نکرده و تمام جوایز برندگان از جمله تندیس دوسالانه، ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال پاداش نقدی و لوح دوسالانه را طبق قانون مسابقات معماری کشور اهدا نمودیم، اما آثار منتخب به هیچ عنوان با معیارها و اهداف ما و مشاوران عالی هنر معماری که در فراخوان دوسالانه اعلام گردیده بود – همان‌گونه که شرکت‌کنندگان و جامعه‌ی معماری کشور با دلایل فنی و حرفه‌ای به آن شدیداً اعتراض داشتند – تطابقی نداشتند.

همزمان با گذر زمان برای تحقیق پیرامون مسائل مذکور، نیاز ما به روشی منطقی برای انتخاب طرح رتبه‌ی نخست بیشتر احساس می‌شد. با توجه به بررسی فضای به وجود آمده و تجارب داخلی و خارجی، در همین حین پیشنهادی نو در دبیرخانه مطرح گردید و آن رأی‌گیری مردمی بود.

اگر فردی در میانه‌ی راه، تغییر جهت داد تکلیف چیست؟ یا اگر او به وظایف ابتدایی خود عمل نکرد و شما را در میانه‌ی راه تنها گذاشت و فقط به فکر رأی و اعتبار خویش بود، وظیفه چیست؟ چطور ممکن است بعضی از داوران ما با اینکه خود را بسیار آونگارد و پیشرو می‌دانند و در مقاطع مختلف به تدریس مشغولند از اینکه شرکت‌کنندگان پیش از دیدن فیلم یا پس از آن، ایشان را بابت نحوه‌ی داور و اظهار نظرشان در داور مورد سؤال قرار داده‌اند از دبیرخانه گله کنند و پاسخگویی دبیرخانه به سؤالات و ابهامات داور را مسبب زیر سؤال گرفتن خود بدانند و خواهان حذف سریع فیلم‌های داور از سایت هنر معماری شوند؟ آیا با انتخاب یا اظهار نظرهای فنی خود مشکل دارند؟ آیا داور فقط روی استیج رفتن و کسب نام و اعتبار گرفتن است؟ آیا نباید به حقوق مؤلف احترام گذاشت؟ آیا نباید به دبیرخانه و معیارهای او احترام گذاشت؟ هدف کارفرما مهم نیست؟ آیا نباید پاسخگویی عملکرد خود و اعتمادی که به ما شده باشیم؟ چطور هیچ حقی برای پاسخگویی به ۳۱۳ گروه معماری، بیش از ۱۲۰۰ معمار و طراح و مهندسین مشاور قائل نیستیم؟ چطور با اصرار و فشار شدید به دبیرخانه، فقط خواستار بسته شدن پرونده‌ی داور دوسالانه تا دوره‌ی بعد هستیم؟ شاید به خاطر جوایزی است که در مسابقات مختلف گرفته‌ایم یا چند داور ای که در مسابقات داخلی یا خارجی انجام داده‌ایم. آیا این به اصطلاح افتخارات، باید ما را از جوابگویی به مخاطبان و کسانی که به ما اعتماد کرده و ماها تلاش و زحمت کشیده‌اند، باز دارد؟ آیا اگر جای طراح و داور در این معادله تغییر کند هم تصمیم به بستن پرونده‌ی دوسالانه بدون توجه به اعتراضات مورد تأیید خواهد بود؟ نقل است از بزرگ‌مرد تاریخ، حضرت علی (علیه السلام)

که می‌فرمایند: «برای خود بخواه آنچه برای دیگران می‌خواهی و برای دیگران می‌پسند آنچه برای خود نمی‌پسندی»: یک قانون طلایی!

دوستان و مخاطبان گرامی، فکر کنید اگر در قضیه‌ی کپی بودن اثر در رویدادی قدیمی و در سومین مسابقه‌ی طراحی داخلی هنر معماری که در ابتدای این متن ذکر آن رفت، دبیرخانه، داوران و رئیس هیئت داوران، کامبیز ناظرعمو، به جای نوشتن آن متن، شانه خالی می‌کردند و جواب تلفن‌ها را نیز نمی‌دادند و از دبیرخانه درخواست مسکوت گذاشتن موضوع و بستن پرونده‌ی مسابقه و داور را می‌کردند و یا آنها کپی بودن اثر را نمی‌پذیرفتند و اگر هم روزی هنر معماری، نفر اول را لغو رتبه می‌کرد، ایشان پیغام می‌فرستادند که شما رأی ما را باطل کرده‌اید و ما شما را از جامعه‌ی معماری ایران محو می‌کنیم، چه می‌شد؟ ولی در آن برهه، دبیرخانه و هیئت محترم داوران به ریاست کامبیز ناظر عمو، همگام با گزارشی از دبیرخانه‌ی هنر معماری با شجاعت تمام و بدون لحظه‌ای تردید، بیانیه‌ی ابطال نفر اول مسکونی را نوشته و در کنار دبیرخانه ایستاده و آن را حمایت کردند. تخلف آن شرکت‌کننده بلافاصله در عرض ۲۴ ساعت روی سایت هنر معماری اعلام گردید و همچنین در اولین شماره‌ی بعدی فصلنامه‌ی هنر معماری (شماره‌ی ۲۳) منتشر شد و متن، بازنشر گردید و تحریم‌های زیادی برای متخلف در نظر گرفته شد. آن زمان، هنر معماری متن را طی یک نامه‌ی رسمی برای همه‌ی نشریات همکار و سازمان‌های مهم و دست‌اندرکار مسابقات معماری کشور جهت اطلاع و جلوگیری از حضور فرد متخلف در آینده ارسال نمود. این اقدامات متناسب، قطعاً به علت حضور و حمایت هیئت داوران حرفه‌ای در آن مقطع انجام شد. ایشان در آن زمان، خود، همفکر و یار دبیرخانه بودند. اما برای این دوسالانه، متأسفانه داوران تنها نگران رد آرا و اعتبار خود بودند و بدون هیچ‌گونه دلیلی، خواستار بستن پرونده شدند. به متن کامبیز ناظر عمو، رئیس هیئت داوران، در زمستان سال ۱۳۹۳ دقت کنید تا تفاوت و تغییر دیدگاه را در بین دو یا یک نسل از معماران کشور و همچنین برخی معماران ایرانی به فاصله‌ی دو سال را مشاهده کنید؛ آنجایی که می‌گوید:

«سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد» (سوره‌ی قلم، آیه‌ی ۱) باید آموزش می‌دیدیم و یاد می‌گرفتیم که به حقوق مؤلف احترام بگذاریم، راست‌آزما باشیم و ذهن سالم و پندار نیک داشته باشیم، در گفتار صداقت داشته باشیم و در عمل و فعالیت حرفه‌ای با اخلاق باشیم و بسیار باید‌های دیگر که تداوم آنها ابتدا اعتبار، شخصیت، اعتماد، احترام و استواری "فردی" را باعث می‌شود و سپس در فراوانی و تکرار، به خصوصیت "اجتماعی" تبدیل می‌گردد».

همکاری متقابل داوران و دبیرخانه (برگزارکننده یا کارفرما) است که موجب رشد یک مسابقه می‌گردد و متأسفانه، این همکاری در بخش نخست دوسالانه از میانه‌ی راه توسط اعضای محترم هیئت داوران به کلی رها شد.

رأی‌گیری مردمی، امری مرسوم در مسابقات جهانی بود، اما در ایران تاکنون اجرا نشده بود. مشکل بخش اول دوسالانه، تهدیدی بود که می‌توانست به یک فرصت تبدیل شود. برخی خود را صاحب‌نظر می‌دانستند، اما فرصت نظر دادن نداشتند. دادن فرصت نظر دادن به این افراد از جمله دلایل برگزاری رأی‌گیری مردمی بودند. رأی‌گیری مردمی تمام مصایب را رفع می‌کرد و با توسعه‌ی حدود خود، فرصت‌های جدیدی را به وجود می‌آورد. از این رو، پس از همه‌ی این اتفاقات، بستن

پرونده‌ی دوسالانه به هیچ عنوان امکان‌پذیر نبود و رأی‌گیری مردمی می‌توانست راهکار مناسبی برای نیل به هدف نهایی باشد که همانا انتخاب بهترین طرح بود.

پس از به تعلیق درآمدن رأی هیئت داوران در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۳۹۵ ما گام بعدی را برداشتیم و خبر برگزاری رأی‌گیری مردمی را اعلام عمومی نمودیم. مقرر بود این برنامه از روز شنبه، مورخ سوم مهر تا پنجشنبه یازدهم مهر، به مدت هشت روز برگزار گردد و در صورت لزوم تا پانزده مهر نیز تمدید گردد. این بار، جوایز منتخبین مالی نبود و تنها سه طرح برتر این رأی‌گیری همچون سه طرح برتر منتخب داوران، تندیس و لوح می‌گرفتند. همچنین این سه طرح به همراه طرح رتبه‌ی نخست داوری برای بررسی مجدد جهت اجرا به مشاوران هنر معماری و پیمانکاران متبخر و محلی واگذار می‌شد. طرح اجرایی یکی از این چهار اثر بود. مشخصاً برای اجرا نیازمند دریافت اطلاعات فنی‌تری از سوی طراحان بودیم و زمان لازم برای این مهم نیز در نظر گرفته شده بود.

زیرساخت انجام این کار بسیار حجیم بود. از همان ابتدا مشخص بود که درج هم‌ه‌ی ۳۱۳ اثر در وب‌سایت برای رأی‌گیری مردمی امکان‌پذیر نبود و علاوه بر این، رأی‌دهنده نمی‌توانست هم‌ه‌ی ۳۱۳ اثر را بررسی نماید؛ گرچه به زعم برخی، عدالت در درج هم‌ه‌ی آثار برای رأی‌گیری بود. شاید این کار، در ظاهر عدالت باشد، اما مگر صحت کیفی هم‌ه‌ی آثار و رعایت معیارهای دبیرخانه توسط هم‌ه‌ی آثار اثبات شده بود؟ بنابراین آثار توسط دبیرخانه و کمیته‌ای متشکل از تحریریه‌ی هنر معماری مجدداً بررسی و ۴۹ اثر انتخاب شدند که معیارهای دبیرخانه را به صورت کامل و دقیق رعایت کرده بودند. این ۴۹ اثر در روز پنجشنبه مورخ یکم مهر، اطلاع‌رسانی عمومی شدند و مقرر گردید مهلت ۴۸ ساعته‌ای به همگان داده شود تا اگر در لیست هستند و تمایلی به حضور ندارند، انصراف دهند و یا اگر در لیست نیستند و ادعایی دارند، دوباره اعتراض نمایند تا بررسی گردند. تا ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ سوم مهر، اعتراضاتی به دبیرخانه رسید. این اعتراضات بررسی شدند و نهایتاً ۷۲ اثر برای رأی‌گیری مردمی در سایت هنر معماری آپلود شد. هرکس می‌توانست به هر تعداد اثر که تمایل دارد رأی دهد، اما به هر اثر تنها یکبار اجازه‌ی رأی دادن داده می‌شد. این سیستم به آی‌پی (IP) رأی‌دهنده حساس بود و اجازه نمی‌داد او با یک آی‌پی دوبار رأی دهد. این نکته به همراه دیگر نکات و شرایط شرکت در رأی‌گیری مردمی و حتی مزایا و معایب این کار در سایت قرار گرفت. این اقدام در سطحی جهانی مرسوم بود، اما در ایران برای نخستین بار به کار گرفته شده بود. در حقیقت، این نخستین بار بود که ایرانیان برای انتخاب یک اثر برتر معماری رأی‌گیری مردمی برگزار می‌کردند. دوستان فنی به ما قول دادند که در این سطح مشخص از امنیت، هیچ اختلالی به وجود نخواهد آمد؛ یعنی هیچکس با یک آی‌پی نمی‌تواند به یک اثر دوبار رأی دهد. تغییر آی‌پی به صورت عادی جرم نیست، اما اگر شما با منظور و هدف‌دار این کار را کنید، مرتکب جرم شده‌اید. مواردی مثل همین رأی‌گیری و مراجعه با آی‌پی جدید و رأی دادن مجدد از جمله موارد این قانون است. دوستان ما صادقانه گفتند که این موضوع کاملاً به فرهنگ مخاطبین ما مربوط است. ما می‌توانستیم به راحتی برای رأی‌گیری از هرکسی درخواست ثبت‌نام در سایت را بدهیم تا او مجبور شود اطلاعات شخصی خود را درج نمایند. این کار حتی برای ما ارزش افزوده‌ای نیز درمی‌برد. می‌توانستیم این کار را سخت‌تر هم بکنیم و اجازه دهیم هرکس به شرط تأیید خط موبایل خود و با در

دست داشتن کد مخصوصی که سیستم به او داده است وارد سایت شده و رأی دهد - اقداماتی که نوعی توهین به شعور معماران و مخاطبین دوسالانه بود زیرا آنوقت ما می‌فهمیدیم هرکس به چه اثری رأی داده است و این مصداق جاسوسی بود.

به‌هر حال مقرر شد سیستم به صورت ساده طراحی گردد و ما تمرکز خود را بر فرهنگ‌سازی صرف کنیم نه پلیس‌بازی. نهایتاً آثار منتخب با همکاری جمعی بچه‌های هنر معماری، با کیفیت خوب درج شدند و لینک‌های رأی‌گیری مردمی نیز تست شدند. هر رأی‌دهنده حتی با ضعیف‌ترین سیستم کامپیوتری و سرعت کم اینترنت خود می‌توانست وارد سایت شود، آثار را ببیند، مبنای نظری ایشان را بخواند، شیت‌های آنان را ورق بزند، حتی برای خود ذخیره کند و در نهایت به آن اثر رأی بدهد یا ندهد و افزون بر این، در زیر هر اثر، بستری برای درج نظرات و گفت‌وگو میان مردم، معماران و رأی‌دهندگان در نظر گرفته شده بود. ما در کمال شفافیت حتی نام طراحان را درج کردیم و اجازه‌ی تبلیغات و نشر آثار را نیز به آنها دادیم تا فضا آکادمیک گردد.

با تعریف این سیستم و اطلاع‌رسانی آن، داوران به ما خورده گرفتند که «شما با رأی‌گیری مردمی عملاً رأی ما را باطل کرده‌اید، پس ما قطعاً دیگر هیچ بیانیه‌ای نخواهیم داد». گرچه برای ما مشخص بود که آنها چه با رأی‌گیری و چه بدون رأی‌گیری، دیگر بیانیه نخواهند داد. فراموش نکنید تا آن زمان، جشن، برگزار و هم‌ه‌ی جوایز اعطا شده بودند و بیش از بیست روز نیز از داوری گذشته بود. ابتدا قرار بر بازپس‌گیری جوایز منتخبین نبود، زیرا دبیرخانه حق قانونی این کار را نداشت، مگر در موارد خاص که شامل این مسئله نمی‌شد. منتخبین داوران، اعلام شده بودند و جوایز خود را گرفته بودند ولی آرای داوران به دلیل عدم اجرایی بودن طرح منتخب، مورد تأیید دبیرخانه نبود و قابلیت ارجاع به خیرین مدرسه‌ساز را نیز نداشت.

پیش از آغاز رأی‌گیری مردمی و در روزهایی که ما در حال آماده‌سازی فایل‌ها برای مردم بودیم، نفرت نخست، بار دیگر به دفتر ما آمدند. ایشان با اعتراض شدیدی بر رأی‌گیری مردمی تاختند و آن را خلاف دموکراسی، عدالت و قواعد خواندند و نهایتاً آن را به ضرر هنر معماری دانستند. حرفی که در مورد داوران صادق بود، در مورد ایشان نیز صدق می‌کرد. از روزی که ما از نفرت نخست، گزارش فنی خواسته بودیم تا طرح را برای اجرا بررسی کنیم، حدوداً یک هفته می‌گذشت. ایشان حتی یک خط از طرح خود و تطابق آن با معیارها و اهداف دبیرخانه و یا یک ستون جدول متره و برآورد ساده را نیز تهیه نکرده بودند. ما حتی ایشان را در یک جشن صنفی یک نشریه و روغایی به صورت اتفاقی و تنها ساعاتی پیش از اعلام عمومی تصمیم دبیرخانه، برای رأی‌گیری مردمی دیدیم و تأکید کردیم گزارش را برسانند، اما ایشان فقط لب‌بندی زدند و سری تکان دادند. از قضا تنی چند از داوران هم آنجا بودند و آنها هم در برابر تکرار درخواست ما لب‌بندی می‌زدند! ما تا آخرین لحظه‌ی اعلام نظرسنجی، منتظر بیانیه‌ی داوران و گزارش فنی روند اجرای طرح نخست توسط دوستان رتبه‌ی اول بودیم اما ایشان به جای پاسخ به درخواست ما، مجدداً مطالبه‌ی یک تندیس جدید و تقدیرنامه با ذکر نام خود را داشتند.

رأی‌گیری مردمی با اطلاع‌رسانی عمومی آغاز به کار کرد. سیستم هنر معماری هیچگاه به علت هجوم مردم از دسترس خارج نشد و همه‌چیز بسیار منظم به پیش رفت. ما از اقدام خود خرسند بودیم، زیرا گامی رو به جلو برای ایران برداشته بودیم، اما تعدادی از داوران و گروه برنده‌ی رتبه‌ی نخست به شدت بر این کار تاختند. در این ایام، اخباری مبنی بر پیگیری ایشان به صورت جسته و گریخته برای تعقیب قضایی هنر معماری و دبیرخانه‌ی دوسالانه به دلیل عدم اجرای پروژه جهت اجرا به گوش ما رسید، اما ما هرگز دنباله‌ی این مسئله را ننگرفتیم. مردم نیز نظرات خود پیرامون آثار را در زیر طرح‌ها درج می‌کردند و ما پس از بررسی، آنها را برای نشر تأیید می‌کردیم. گروه رتبه‌ی نخست بخش داوری، به ما اعتراض کرده و ادعای حق طلبی نمودند. آنها بیانیه‌ای تهیه و متن خود را به نحوی نوشته بودند که گویی هنر معماری تندیس و جوایز نقدی را از ایشان پس گرفته بود - امری که اصلاً نه رخ داده بود و نه در برنامه‌ی ما بود. ابتدا متن آنها در تلگرام و شبکه‌های مجازی منتشر شد که جز در گروه‌های کوچک خودی که برای ما به دلیل مسائلی که پیش از این ذکر آن رفت خیلی آشنا بودند بازخورد چندانی نداشت و سپس به یکی از سایت‌های خبری ارسال شد. سایت خبری مذکور که از دوستان نیز بودند با ما برای نشر تماس گرفت و به او گفتیم که این نظر آنهاست و ایشان در نشر آثار در وب‌سایت، خود مختار هستند. ما خود نیز پس از نشر این اعتراض‌نامه، آن را در وب‌سایت علمی خود، یعنی هنر معماری آنلاین، بازنشر دادیم که این نهایت شفافیت ما را می‌رساند. برای ما جالب بود که این جوانان به جای انجام آنچه که تکلیف ایشان بود، به حواشی می‌پرداختند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ایشان چندین روز فرصت داشتند متره، برآورد، گزارش فنی ساخت و یکی از حداقل‌ها، یعنی کانسپت طرح را با توجه به معیارها، اهداف و میزان اجرایی بودن به ما تحویل دهند تا با ارائه‌ی آنها به خیرین بتوانیم کار ساخت مدرسه را جلو ببریم، اما به جای این کار مهم، ترجیح دادند اعتراض‌نامه بنویسند. ما پیش از آغاز رأی‌گیری نیز با یک خبر و همکار او قرار ملاقات گذاشتیم، طرح رتبه‌ی نخست را نشان ایشان دادیم. هنگامی که از ما قیمت، متره، مصالح و مسائل اجرایی را خواستند، ما هیچ چیزی در دست نداشتیم، بجز پنج شیت معماری و خیرین هم خیلی محترمانه جلسه را ترک کردند، زیرا معتقد بودند طرح با واقعیت خیلی فاصله دارد.

ما به سیستم رأی‌گیری خود اعتماد داشتیم. سیستم فنی سایت هنر معماری، به هر آی‌پی یکبار اجازه‌ی رأی دادن را می‌داد. تغییر آی‌پی برای حضور در نظرسنجی‌ها نیز جرم محسوب می‌شد. اما با گذشت چند روز اولیه، مردم شروع به تغییر آی‌پی‌های خود نمودند و به خود و یا دوستان خود رأی دادند. این حرکت مشخصاً توسط یکی از شرکت‌کننده‌ها با شدت بیشتری همراه بود. ما در ابتدا آن طرح را از فرایند رأی‌گیری مردمی حذف نمودیم تا اختطاری غیرمستقیم داده باشیم، اما ظاهراً کسی متوجه اهمیت ماجرا نبود. این روند باعث شد تا ما کار را در همین مرحله متوقف کنیم و رأی‌گیری را باطل اعلام نماییم.

نامه‌ی ارسال شده به دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی ملی از مهندسين مشاور پيرراز پيرامون انتقاد به شيوه‌ی داوری و اشکالات طرح (طرح برتر)، این نامه در ابتدا ایمیل و سپس به صورت مکتوب ارسال شد و اصل آن در دفتر هنر معماری موجود است.



شماره ۶۵۹۴۵

تاریخ ۹۵،۷،۲

پست

به نام خدا

به: دبیرخانه‌ی دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران
مؤسسه هنر معماری
موضوع: داوری آثار مسابقه طراحی مدرسه شش کلاسه در جیرفت

احتراماً، با تشکر از برگزاری همایش دومین دوسالانه که می‌تواند ظرفیت‌های خوبی جهت ارتقای سطح معماری کشور در اختیار بگذارد، انتقاداتی از نظر این مهندسان به روند داوری آثار شرکت‌کننده در مسابقه طراحی مدرسه شش کلاسه در جیرفت وارد است که بدین‌وسیله تقدیم می‌شود.

ضمناً طرح پیشنهادی این مهندسان دارای ویژگی‌هایی چون «رعایت ضوابط، اصول و استانداردها»، «توجه به مسائل اجتماعی، فرهنگی، محیطی»، «در نظر گرفتن امکانات اقتصادی و مسائل اجرایی» و همچنین «خلاقیت در طراحی (خصوصاً طراحی فضای داخلی کلاس‌ها و میلمان آن)» بوده و بنابراین جای آن در فهرست آثار منتخب خالی است. بدین ترتیب نقاضا می‌شود این طرح را مجدداً بررسی فرموده، اقدامات لازم را جهت اضافه شدن آن در رأی‌گیری مردمی می‌پذیرد. لازم به ذکر است مطالعه «شرح مختصر ایده طراحی» که جزء مدارک در قطع A4 تقدیم شده بود، مشخصات طرح را روشن می‌کند و ذکر مجدد آن در این نامه ضروری به نظر نمی‌رسد.

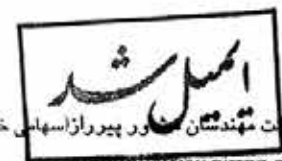
۱- انتقادات وارد به شیوه داوری

۱-۱- زمان کوتاه داوری اولیه آثار: تعداد بالای شرکت‌کنندگان وقت‌گذاری زیادی را جهت داوری اقتضا می‌کند که متأسفانه در این مسابقه رخ نداده است. چنانچه آقای مهندس پارسا در مراسم فرمودند: «داوری اولیه بیش از سیصد اثر تنها در چهار ساعت انجام شده». یعنی در بهترین حالت هر طرح در حدود پنجاه ثانیه توسط داوران دیده شده است که مسلماً ناکافی بوده و نتیجه اینگونه بازنگری هرگز منصفانه نیست.

۲-۱- عدم اشاره به شاخص‌های داوری: معیارهای طرح‌های برنده شده توسط داوران بیان نشد. اطلاع از روند داوری تنها به نشان دادن فیلم کوتاهی از آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه روند داوری و معرفی شاخص‌های آن است که قضاوت را برای تمام مخاطبان آسان می‌کند که چرا این اثر برگزیده شده است و جلوی بسیاری از اعتراضات را می‌گیرد.

۳-۱- عدم توجه به ضوابط ارائه شده در فرایند قضاوت: زمانی که دیده می‌شود طرح برگزیده داوران با شرایطی که خود آن‌ها برای مسابقه در نظر گرفته و اعلام کرده بودند مغایرت دارد، اعتماد شرکت‌کنندگان نسبت به صداقت مجموعه خدشه‌دار شده و کسانی چون ما - که خود را مقید به رعایت آن ضوابط نموده‌اند دچار سردرگمی می‌شوند.

صفحه ۱ از ۳



شرکت مهندسان مشاور پيرراز سهامی خاص | شماره ثبت ۴۹۳۱۸ | تهران - خیابان ولی‌عصر - زرتشت غربی - خیابان بزدان - شماره ۲۹ | تلفن ۸۸۹۰۱۱۳۶ - ۲۸
e-mail: pirraz@iredco.com | فاکس ۸۸۹۰۱۱۳۹ | http://www.pirraz.com

شماره ۶۵۹۴۵

تاریخ ۹۵، ۷، ۲

پوست

به نام خدا

۴-۱- توجه تک‌بعدی داوران تنها به کانسپت کلی و ایده اولیه و در نظر نگرفتن ضوابط عملکردی و مسائل اجرایی: آنچه در اکثر طرح‌های برگزیده دیده می‌شود حرفی از جنس ساختار شکنی است که تنها در صورتی ابداع و خلاقیت محسوب می‌شود که قابلیت اجرا و تطبیق پذیری با واقعیات را داشته باشد. در غیر این صورت آن طرح بدعتی بیش نخواهد بود که در عمل با شکست سنگینی مواجه می‌گردد و حتی نمی‌تواند خواسته‌های اولیه کاربران را برآورده سازد.

۲- اشکال‌های اثر اول برگزیده شده توسط داوران

طرح منتخب ایرادهایی داشت که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود. لازم به ذکر است برخی از این اشکال‌ها به وضوح با اصول اولیه مسابقه و ضوابط ارائه شده برای آن در تناقض بوده و این طرح را مردود می‌سازد. پیشنهاد می‌شود شورای داوران علت انتخاب این طرح را کتباً اعلام کنند تا مؤلفه‌های مثبت آن شناخته شده و بتوان آن‌ها را به بوته نقد گذاشت.

۱-۲- تجاوز از حد و حدود تعیین شده زمین طرح

۲-۲- عدم توجه به جاده اصلی شرق زمین در تعیین ورودی مدرسه

۳-۲- چینش فضاهای مختلف بدون هیچ‌گونه توجیه منطقی و صرفاً در تبعیت از کانسپت فرمی

۴-۲- استفاده از مصالح غیر بومی و نامناسب (بتن سفید) و ایجاد اشکالاتی از قبیل هزینه بالا،

اجرای پیچیده و دشواری نگهداری

۵-۲- توجه نکردن به اقلیم براباران جبرفت جهت تمهید سقف مناسب و بالاتر بردن سطح همکف

از زمین

۶-۲- نورگیری غیر معقول تمام فضاها، صرفاً در تبعیت از کانسپت فرمی (هیچ‌یک از فضاهای

کتابخانه، کلاس‌ها، سالن چندمنظوره، اتاق استراحت دبیران و... نور مناسب و طبق

استانداردها نداشته و فضاها به غایت دلگیر و نامطبوع هستند)

۷-۲- عدم توجه به مسائل عملکردی در طراحی موقعیت فضاها

۸-۲- عدم طراحی فضاهای نیمه باز (فضای باز سایه دار) که در اقلیم مورد نظر الزامی است

۹-۲- اغراق در ایده توجه به کشاورزی

۱-۹-۲- رسیدگی به چنین سطح بالایی از زمین‌های کشاورزی نه تنها توسط دانش‌آموزان

یک مدرسه مقدور نیست، که فشار اقتصادی زیادی را نیز به مدرسه تحمیل خواهد

کرد.

۲-۹-۲- کودکانی که در روستای خود به میزان کافی با کشاورزی آشنا بوده و در اوقات

فراغت به کمک پدران خویش در این امر می‌پردازند چرا باید در مدرسه نیز بخش

زیادی از تمرکز خود را بر این موضوع بگذارند؟

صفحه ۲ از ۳

شماره ۵۸۹۴۸

تاریخ ۹۸،۷،۲

پیوست

به نام خدا

- ۲-۹-۳- تناقض توجه بیش از حد به زراعت توسط کودکان با برنامه‌های درسی آموزش و پرورش که حتی اگر غلط باشد جزئی از ضوابط ارائه شده در مسابقه بود.
- ۲-۹-۴- افزایش آلودگی محیط مدرسه به دلیل فاصله بسیار کم آن با زمین‌های زراعی
- ۲-۱۰-۱- عدم رعایت استانداردها در طراحی کلاس‌ها
- ۲-۱۰-۱-۱- تشابه کلاس‌ها که طی شش سال برای دانش‌آموزان ملال‌آور خواهد بود
- ۲-۱۰-۲- ابعاد نادرست کلاس‌ها طبق ضوابط
- ۲-۱۰-۳- نورگیری نامناسب (نور شمال یا غرب از سمت راست دانش‌آموزان به کلاس وارد می‌شود)
- ۲-۱۰-۴- کشیدگی غیر استاندارد کلاس در جهت عرضی
- ۲-۱۰-۵- عدم توجه به تهویه و کنترل حرارتی کلاس‌ها
- ۲-۱۰-۶- بی‌تدبیری در طراحی و چینش میلمان (میلمان بدون انعطاف که باعث اختلال در انجام فعالیت‌های گروهی کودکان می‌شود، همه صندلی‌ها برای دانش‌آموزان چپ‌دست طراحی شده است، ابعاد نادرست صندلی‌ها با توجه به مقیاس داده شده، ...)
- ۲-۱۰-۷- نبود کمد یا جامبزی جهت قرار دادن وسایل دانش‌آموزان
- ۲-۱۱-۱- عدم جذابیت حیاط‌چه‌ها برای کودکان (هیچ‌گونه وسیله تفریحی-ورزشی طراحی نشده است)
- ۲-۱۲-۱- عدم امکان نظارت مدیر و دبیران بر فضای مدرسه (شامل کلاس‌ها و فضاهای تفریح و زمین‌های کشاورزی)
- ۲-۱۳-۱- عدم طراحی سالن ورزشی سرپوشیده به‌رغم ضوابط طراحی ساختمان‌های آموزشی
- ۲-۱۴-۱- ناکارآمدی آمفی تئاتر روباز با توجه به اینکه مدرسه تنها در ساعاتی از شبانه روز فعالیت دارد که هوا روشن است.
- ۲-۱۵-۱- نامشخص بودن عملکردهای سالن چندمنظوره

با تشکر و احترام

سید عبدالمجید نژادحسینیان



ایرادات طرح برگزیده اول:

۱. عدم توجه به سایت و اندازه‌های آن و طراحی در سایتی انتزاعی (پروژه‌ای اجرایی خواسته شده بود). ممکن است زمین‌های اطراف مالکان خصوصی داشته باشد.
 ۲. طبق ضوابط (جدول ۴-۱) کلاس‌ها در مدارس روستایی می‌بایست ۳۲ متری باشد که کلاسهای طرح مذکور زیر بیست متر است! (با توجه به مقیاس داده شده).
 ۳. هزینه‌ی گرمایش و سرمایش به دلیل پراکندگی فرم‌ها بسیار بالاست.
 ۴. ایجاد صبحگاه در فضای بیرون و بدون سایه! کلاً مبحث حیاط‌های گوناگون در اقلیمی که در ۶ ماه سال دمای هوا بالای ۴۵ درجه است امکانپذیر اما زجرآور است (اینجانب جیرفتی هستم!).
 ۵. ناامن بودن مزارع (به فرض اجرایی بودن!) برای دانش آموزان از جهت حشرات و خزندگان و مشاجرات احتمالی بین خود دانش‌آموران!
 ۶. عدم کنترل کامل ناظم بر محیط مدرسه و ورود و خروج از- به مدرسه
 ۷. عدم رعایت سلسه مراتب در طراحی فضاها (درب به حیاط بودن)
 ۸. ربط دادن آیتم‌های بی‌ربط و گوناگون در کانسپت از کوچه باغ که در آن منطقه اصلاً وجود ندارد گرفته تا مشکل مهاجرت روستاییان به شهر و کرت‌های کشاورزی (جهت ایجاد دیاگرام)
- به نظر منتقد، نوعی مدل ناپخته و ناکارآمد معماری کانسپتچوال یا فرایندگرا در این مسابقه برنده‌ی اول شده است.

شهرام عبداللهی

فوق لیسانس معماری از دانشگاه پلی تکنیک میلان

بار دیگر رسیدن به طرحی برتر برای بچه‌های جیرفت شکست خورد، گرچه به لحاظ فنی مسئله قابل حل بود. اولاً، پیگیری قضایی و پلیسی مجرمین کار بسیار آسانی بود، اما مشکل ما فرهنگی بود و بعضی دوستانی که زیاده‌خواه شده‌اند. زیاده‌خواهی برخی و به‌خصوص معماران، باعث این اتفاق شده بود. طمع بیجا و عدم پذیرفتن واقعیت باعث شده بود افرادی به خود رأی دهند و ما نیز بخش فرهنگی بودیم، قطعاً کار باید فرهنگی و در بلند مدت حل گردد. اتفاقاً رسالت ما در بخش فرهنگی، تحمل و صبر در برابر همین بی‌اخلاقی‌ها و رفع آنهاست. آن روز که هنر معماری، طرح نفر نخست سومین مسابقه‌ی خود را برای کپی بودن اثر باطل و نام او را مطرح کرد، تقلب کپی کردن اثر و ارسال آن به مسابقات برای همیشه تعطیل شد. حالا نیز زشتی‌های دیگری مطرح شده بودند. هرکسی که ذره‌ای در باب فرهنگ مطالعه کرده باشد، می‌داند که پوشش و پنهان‌کاری یک عمل یا تفکر ناپسند، تنها به تعمیق آن کمک می‌کند. این اعمال به محض افشا شدن و مطرح گردیدن، محو یا کم‌رنگ می‌شوند و در مورد رفتارها در این برهه از زمان، هنر معماری کوشید بهترین کار را انجام دهد. ما از عمل ناشیست برخی، پرده برداشتیم و آن را به مردم نشان دادیم و متعاقباً آنها نیز فرصت طلایی برگزاری یک روند دموکراتیک را از دست دادند؛ این یک موقعیت استراتژیک و بی نظیر برای معماران بود که قدرت اتحاد و سواد فرهنگی خود را نشان دهند، اما از کف رفت.

در حال، ما برای ساخت مدرسه نیاز به طرحی برنده داشتیم. البته ما همچنان طرح نفر نخست داوری را در دست داشتیم و با مشاوران خود مشورت می‌کردیم و آن را به عنوان یک گزینه بررسی می‌کردیم اما هیچوقت بازخورد مثبت نگرفتیم. یکی از مشاوران ما که از سابقه‌ی نیم‌قرنی در ساخت بناهای دولتی و معظم برخوردار است، روزی در دفتر ما روی طرح نفر نخست یک جان‌پناه برای بام کشید. او همچنین جزئیات اجرایی‌تری نیز کشید که طرح را به حقیقت اجرایی خود نزدیک‌تر می‌کرد و نهایتاً گفت: «این واقعیت چیزی است که شما باید بسازید، آن چیزی که روی میز دارید تنها یک طرح دانشجویی است. برای من که سازنده هستم، این طرح را می‌توانم و باید بسازم. شما می‌خواهید به مردم ده‌نو خدمت کنید یا یک خرج هرساله‌ای روی دست اوها بگذارید؟»

پس ما برای بار سوم به بخش نخست دوسالانه رجوع کردیم. بار دیگر تمام آثار را روی ماینیتور انداختیم و این بار، از مشاوران عالی هنر معماری استفاده نمودیم. بحث اجرایی بودن برای ما اولویت بود، از این رو، از دکتر سیروس باور و دکتر سیاوش تیموری، دو تن از مشاوران هنر معماری که در طراحی، اجرا، تدریس و آموزش معماری بسیار متبحر بودند دعوت کردیم و در دفتر هنر معماری شروع به بررسی آثار نمودیم و نام این گروه را «کمیته‌ی انتخابی» گذاشتیم. با آن دو بزرگوار مشورت و رسماً اعلام نمودیم که باید برای این بخش از دوسالانه و مردم جیرفت یک «عملیات نجات» ترتیب دهیم، وگرنه باید قید انتخاب طرح مطابق با معیارها و اهداف دبیرخانه برای مدرسه را بزنیم. تفاوت‌ها از همان ابتدا معلوم بود. از زمان بندی و روش برخورد و مسائل

دیسپلینی که بگذریم، دو استاد، سال‌ها است با هم تدریس می‌کنند و تیم قدرتمندی را تشکیل داده‌اند؛ هم‌دانشگاهی هستند و یکی سال بالایی دیگری در دانشکده‌ی هنرهای زیبا بوده است، اما اصلاً تعارف با هم نداشتند. دو استاد گرانقدر در سکوتی سنگین و متمرکز بر معیارها، آثار را بررسی می‌کردند و برای خود نکاتی را می‌نوشتند. تفاوت‌ها از همین ابتدا متحیرمان کرد، تیم داوری قبلی (هیئت محترم هشت نفره‌ی داوری)، به رندرها توجه می‌کردند و به دنبال فرم خوب بودند، ولی دو استاد کمیته‌ی انتخابی، ابتدا تنها پلان‌ها را بررسی می‌نمودند و استدلال ایشان این بود که با توجه به معیارها، اهداف، وضعیت مدرسه و دهنو، پلان را باید ابتدا درست حل کنیم و سپس به فرم، مصالح و نما بپردازیم، زیرا اینگونه منعطف‌تر خواهیم بود.

دو استاد توافقند، طی بررسی‌های خود، بارها آثار را کنار هم چیدند و پلان‌ها را تحلیل نمودند. آنها بارها بر سر مسائل اجرایی و معیارهای ما بحث کردند. چندین بار معیارهای ما را به یکدیگر گوشزد نمودند با همین روند بود که آثار را حذف می‌کردند. از تیم داوری نخست (قبلی) بگذریم، کمیته‌ی انتخابی دوم، (احتمالاً از آنجا که هر دو از استادان بنام دانشگاهی هستند و حال‌وهوای دانشجویان را بهتر می‌فهمند) نقاط قوت آثار را می‌دیدند و برای ما تشریح می‌کردند. گاهی ایشان به مسائلی اشاره می‌کردند که ما مطمئن بودیم طراح در طراحی اثر خود حتی به آن فکر هم نکرده است. اگر گاهی به نقطه‌ضعف اثری اشاره می‌شد، آنها در پی راهکار بودند. راهکارهایی که بعضاً در دل اجرا بود و نه طراحی. خلاصه آنکه استادان کمیته‌ی انتخابی، نه داوری و قضاوت، بلکه نقد و تحلیل می‌کردند. این تغییر دیدگاه، رمز انتخاب طرح برتر بخش نخست دوسالانه بود. چیزی که ما به آن فکر نکرده بودیم و بزرگ‌ترین دستاورد ما و افزایش لبه‌ی معماری به عنوان دبیرخانه بود.

در آخرین گام نیز آنها پلان‌ها و جزئیات فنی ارائه شده را بررسی کردند و به هشت طرح برتر رسیدند و پس از مقایسه، تحلیل و نقد این هشت اثر به پنج طرح و در گام بعد به سه طرح منتخب رسیدند. ایشان تأکید کردند که از نظرشان هر سه طرح منتخب برتر هستند و تنها تفاوت در هزینه‌ی نهایی ساخت آنهاست. جالب اینجا بود که سیروس باور و سیاوش تیموری با اتمام کار و انتخاب اثر برتر، برخلاف هیئت داوران قبلی، بر سر جای خود نشستند و از یکی از همراهان خود خواستند تا متن بیانیه‌ی داوری را در همان لحظه و با جملات و متن هردو تایپ کند. ایشان با صدای رسا متن را می‌گفتند و نفر مورد نظر تایپ می‌کرد. متن را چند بار اصلاح نمودند و در نهایت سه پرینت از آن تهیه کردند و هر سه نسخه به امضای هر دو معمار عزیز رسید.

ما برای بار سوم، بخش نخست دوسالانه را داوری کردیم و آثار برتر را منتشر نمودیم. به قول یکی از منتقدین معروف ما که همیشه ما را مورد رحمت خود قرار می‌دهد و انصافاً برای ما محترم هستند، «طرح برنده‌ی جدید حداقل شبیه اثری در جیرفت است و به تصور ما به جیرفت چهار هزار ساله، توهین نمی‌کند!» در نهایت، آثار برتر منتخب کمیته انتخابی، اطلاع‌رسانی و در پورتال دوسالانه نیز درج شدند. اسکن فایل

بیانیه‌ی داوران کمیته نیز برای رسانه‌ها ارسال شد و در سایت هنر معماری و پورتال دوسالانه نیز درج گردیدند. اکنون ما مأموریت جدیدی داشتیم: حرکت به سمت اجرای مدرسه با همکاری خیرین و مجامع مدرسه‌ساز.

برای این امر دبیرخانه مجدداً جلسه‌ای را با مدیرعامل محترم مهندسين مشاور پل‌میر، جناب آقای مهندس عبدالرضا ذکایی، جهت مشاوره برای اجرایی کردن طرح‌های برتر کمیته‌ی انتخابی برگزار و به نتایج خوبی دست پیدا کرد. دبیرخانه‌ی دوسالانه از نفر نخست منتخب کمیته انتخابی نیز همچون نفر نخست داوری، گزارش فنی و جزئیات اجرایی‌تری خواست. ایشان اهل اصفهان هستند، اما به تهران آمدند و حدود چهار ساعت با ده‌ها اسلاید و تصویر، کار را برای ما نقد و تحلیل نمودند. ایشان اسنادی را آماده کرده بودند تا ما به خیرین ارائه دهیم. ما حالا طرحی فنی داشتیم و توجیحی که می‌توانستیم به هر خیر و یا مجری‌ای ارائه دهیم.

دوسالانه خالی از اشکال نبود. دیکته‌ی بدون غلط، دیکته‌ای نانوشته است. ما تعهد به نشر آثار در طول سال و ارتقای فرهنگ معماری داشتیم. پس ما در چارچوب آکادمی بین‌المللی منتقدین و نویسندگان معماری، برای اولین بار در تاریخ برگزاری مسابقات معماری در کشور یک جلسه‌ی نقد و گفت‌وگو و پاسخگویی برگزار کردیم. عنوان این جلسه به عنوان نخستین جلسه‌ی آکادمی، «نقد و گفت‌وگو پیرامون دوسالانه» بود. برنامه‌ی ما خیلی ساده بود: نمایشگاهی از آثار برتر بخش‌های نخست و سوم دوسالانه و برگزاری یک نشست گفت‌وگو محور. قرار بود نشست با حضور عموم مردم و شرکت‌کنندگان، ما به عنوان برگزارکننده‌ی دوسالانه، منتقدین مدعو و داوران برای پاسخگویی به اعتراضات، عدم صدور بیانیه و علل انتخاب طرح‌های برتر برگزار گردد. این جلسه در گالری و سالن کنفرانس کاخ نیواران برگزار شد. ما در چند پیام از داوران برای حضور در جلسه و پاسخگویی دعوت کردیم تا برای ایشان فرصتی باشد که دست‌کم به طور شفاهی از انتخاب و رأی خود دفاع کنند. مشخصاً هیچ یک از داوران حضور پیدا نکردند، برخی پاسخ پیام ما را ندادند و بعضی نیز ما را مجدداً تهدید کردند. یکی از داوران جوان، هنر معماری را تهدید به حذف و بایکوت از طرف جامعه‌ی معماران ایران با بکارگیری تمام قوای خود نمود و به طور واضحی تأکید کرد که از هیچ اقدامی برای تخریب و حذف هنر معماری دریغ نخواهد نمود. ما حرف‌های او را نشنیده گرفتیم. گویا این بار، بهانه‌ی ایشان یک پست در اینستاگرام هنر معماری بود. افراد زیادی در این مدت، داوران و داوری دوسالانه را نقد کرده بودند. ما در پست اینستاگرامی خود تأکید کرده بودیم که همگان تشریف بیاورند، زیرا جلسه بی‌تعارف است و اگر کسی حضور پیدا نکند؛ یعنی تمام نقدها و حملات پیشین او باطل و صرفاً فرافکنی بوده است. این پست در جهت حضور شرکت‌کنندگانی بود که رتبه‌ای کسب نکرده و بسیار معترض و گله‌مند بودند و دبیرخانه و داوران را ملزم به پاسخگویی می‌دانستند. حال یکی از داوران جوان، مدعی شده بود که این پست، توهین به داوران بوده است. ما به راحتی پست را حذف کردیم تا باشد که داوران یا حداقل نماینده‌ای از هیئت داوران به این جلسه‌ی نقد قدم گذاشته و جواب شرکت‌کنندگان و جامعه‌ی معماری و دبیرخانه را با دلایل فنی بدهند، ولی همه می‌دانستیم اینها بهانه است و آنها نخواهند آمد.

به هر حال جلسه‌ی نقد و گفت‌وگو با حضور یکی از منتقدین زبردست، شیوا آراسته، معماری کشور و جمعی از شرکت‌کنندگان عزیز از تهران و شهرستان‌ها و بدون حضور هیچ یک از داوران برگزار شد. افراد و منتقد مدعو، نظرات خود را گفتند و همانجا یکی از حضار پرسشی را مطرح کرد که در واقع پرسش ما نیز بود. «پس کجا هستند؟» آنان که منتقد بودند و پیغام می‌فرستادند؟

ما بر دستان بزرگوارانی که به این نشست آمده، زمان گذاشتند و ما را نقد کردند بوسه می‌زنیم. ما بر دستان استادانی که علی‌رغم کهولت سن و بیماری، پشت دوسالانه را خالی نکردند و امید مردم را ناامید نکردند بوسه می‌زنیم. ما بر دست دوستان و همراهانی که ما را از طریق سایت، اینستاگرام و ... نقد می‌کنند، بوسه می‌زنیم. ما نیازمند نقد و همفکری اهل حرفه می‌باشیم. منتقد مدعو نیز از ذکر اشتباهات ما به عنوان دبیرخانه دریغ نورزیدند و حضار نیز پرسش‌ها و نقدهای خود را مطرح کردند که ما از همه‌ی ایشان کمال قدردانی و سپاس را داریم. (متن کامل جلسه‌ی نقد در ادامه خواهد آمد و فیلم آن به زودی از طریق وب‌سایت هنر معماری منتشر خواهد شد.)

گذر زمان نشان داد که دوسالانه و دبیرخانه، بر چه جایگاهی نشسته بودند و سهم‌طلبی قدرت‌های معماری از دوسالانه علی‌رغم تمام فشارها و تخریب‌ها، دستاوردی نداشت. اشخاص، حباب‌ها و برندهای معماری ایران در دوسالانه، جز در مقام خدمتگزار هیچ حقی نداشته و ندارند. قوانین جدید و جدیت در اجرای آنها برای هر برگزارکننده‌ای بیش از پیش از طرف ما مورد تأکید قرار می‌گیرد. بیانیه‌ی خالی داوران بخش نخست دوسالانه در ابتدای این مجلد، نشان داد که ارکان مسابقات معماری در ایران همگی به یک اندازه مستعد کم‌لطفی نسبت به رویدادها هستند. همه مسئول هستیم و هرکدام به یک نسبت امکان شانه خالی کردن از مسئولیت‌ها را داریم. هنوز بعضی از معماران ما تا درک مفهوم «تعهد»، «ایران»، «رسالت» و «بچه‌های جیرفت» فاصله‌ی زیادی دارند و هرچا که امروز هستیم محصول خود ما معماران است و نه دیگران. بله، دوسالانه با تمام مسائل خود به اتمام رسید. امیدواریم به لطف خداوند و کمک خیرین عزیز، مهندسین مشاور، گروه‌های معماری، صاحبان صنایع و شما دوستان عزیز همراه بتوانیم این مدرسه‌ی شش کلاسه را ساخته و به عنوان یک تیپولوژی در منطقه‌ی گرم‌و‌خشک کشورمان معرفی نماییم. دوسالانه هیچگاه قصد تخریب فرد یا جریانی را نداشته و همیشه صادقانه دست دوستی به سوی همه‌ی زحمت‌کشان این مرزوبوم به‌خصوص جوانان دراز کرده است، اما این نیز جزئی از دوستی است و وظیفه‌ی رسانه‌ای ما روشن‌سازی افکار عمومی و ارتقای معماری سرزمین عزیزمان می‌باشد. باید مشکلات مسابقات معماری، داورها، پنهان‌کاری‌ها، بستن پرونده‌ی مسابقات توسط کارفرماها و برگزارکنندگان بدون پاسخگویی به شرکت‌کنندگان و مخاطبان، انتظارات بیهوده‌ی داوران به علت حمایت همیشگی دبیرخانه‌ها و برگزارکننده از آنها، ناامیدی جامعه‌ی معماری از برگزاری و سلامت مسابقات، لابی‌ها، کلونی‌ها، هجمه‌ها، تخریب‌ها، سهم‌خواهی‌ها و ... گفته شوند تا مرتفع گردند.



جلسه‌ی کمیته‌ی انتخابی برای قضاوت آثار بخش نخست دوسالانه، دفتر هنر معماری، ۱۱ مهر ۱۳۹۵ [عکاس: شهریار خانی‌زاد]
نفر سمت راست: سیروس باور، نفر سمت چپ: سیاوش تیموری



حضور عبدالرضا ذکایی جهت بررسی میزان اجرایی بودن آثار منتخب بخش نخست دوسالانه، دفتر هنر معماری، ۱۳ مهر ۱۳۹۵
[عکس‌برداری خودکار دوربین هنر معماری]

تشکیل کمیته‌ی انتخابی (مشاوران عالی هنر معماری و بیانیه‌ی انتخاب آثار بخش اول دوسالانه)



دکتر سیاوش تیموری



دکتر سیروس باور

[عکاس تصاویر این صفحه: شهریار خانی‌زاد]

تاریخ: ۹۵/۰۷/۱۱

شماره: ۹۵/۱۹

پیوست:

«بسمه تعالی»

صورتجلسه بررسی آثار مسابقه طراحی مدرسه‌ی ۶ کلاسه در جیرفت

مشاوران عالی مجله هنر معماری دکتر سیروس باور و دکتر سیاوش تیموری در جلسه بررسی آثار مدرسه ۶ کلاسه در جیرفت در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۳۹۵ در دفتر مجله حاضر شده و پس از بحث و تبادل نظر با پیش شرط‌های مدنظر در نهایت موارد ذیل نتیجه‌گیری و مصوب شد. از میان همه‌ی آثار رسیده با تعداد ۳۱۳ اثر، در مرحله‌ی نخست تعداد ۸۰ اثر منتخب شد و در مرحله بعد با مذاقه‌ی بیشتر تعداد ۱۴ اثر به مرحله نخست از مرحله‌ی نهایی راه یافتند. در ادامه تعداد ۱۰ اثر و در نهایت ۵ اثر به عنوان آثار منتخب معرفی و ۳ اثر رتبه‌های اول، دوم و سوم را کسب کردند.

رتبه‌ی اول- کد ۱۱۹

رتبه‌ی دوم- کد ۱۷۲

رتبه‌ی سوم- کد ۲۵۴

رتبه‌ی چهارم - کد ۲۷۰

رتبه‌ی پنجم- کد ۱۹۱

پیش شرط‌های در نظر گرفته شده توسط داوران:

توجه با شاخصه‌های دوازده‌گانه‌ی معرفی شده با عنوان معیارهای طراحی مدرسه منتشره در شماره‌های ۳۸، ۳۹ و ۴۰، ۴۱ هنر معماری

لزوم توجه به اقلیم منطقه، جیرفت و اثرگذاری مستقیم آن در عمل طراحی

لزوم توجه به اهمیت روانشناسی و روانشناختی کودکان برای ایجاد جذابیت‌های محیط و ایجاد اشتیاق برای شرکت آنان در فضای مدرسه

روابط توزیعی در پلان نقشه

ارتباط حجم نهایی و پیوستگی آن با پلان و محیط پیرامونی و اقلیم جیرفت

هزینه‌های نهایی ساخت و سهولت در امر اجرا

انتخاب مصالح ساختمانی پایدار و بادوام بودنشان در طول زمان

دکتر سیروس باور



دکتر سیاوش تیموری



با مجوز رسمی به شماره ثبت ۱۷۷۲۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تهران، خیابان شهید مفتاح (شمالی)، پایین‌تر از خیابان شهید مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه همکف، واحد ۶ تلفن: ۰۶۱-۸۸۳۴۲۹۶

www.aoa.ir

aoapub@ymail.com

مسابقه‌ی مدرسه‌ی شش کلاسه‌ی جیرفت: تقلب در تخلف داوری

یکبار دیگر مشخص شد که مقوله‌ی داوری در کشور ما همچنان دارای نقاط ضعف و تاریکی می‌باشد. از جابجایی داوران تا کنار کشیدن برخی در زمان داوری گرفته، تا قضاوت‌های سطحی و سلیقه‌ای، عدم رعایت ضوابط مسابقه در حین داوری، ارتباط با برخی شرکت‌کنندگان در مسابقه و غیره، همه و همه حاکی از تاریک بودن فضای داوری در کشور می‌باشد. اما مسابقه‌ی مدرسه‌ی شش کلاسه‌ی جیرفت، مقوله‌ای دیگر است. تلاش در انتخاب طرحی مناسب اجرا در منطقه‌ای محروم، قابل ستایش و دارای ارزش معنوی است که از سوی مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری «هنر معماری» پایه‌گذاری و هدایت شد. فراخوان مسابقه در اواخر سال گذشته، در سایت‌های معماری و شهرسازی و مجله‌ی هنر معماری اعلام و علاقه‌مندان و هنرمندان بسیاری را جذب خود کرد. روند ثبت نام، دریافت اسامی داوران، ضوابط و شرایط مسابقه و در نهایت، ارائه آثار تا سال بعد یعنی تاریخ ۹۵/۰۵/۳۱ انجام گردید. تا این مرحله، مسابقه، خوب و منطقی به نظر می‌رسد. اما مشکل از کجا شروع شد؟! برگزاری داوری، تهیه‌ی فیلم و گزارش از روند داوری، نویدبخش برگزاری یک مسابقه‌ی سالم و منطقی بود. طبعاً عده‌ای راضی از انتخاب و سایرین، نگران از حذف از لیست منتخبین بودند. تا اینجا کار نیز هیچ مشکلی وجود ندارد چرا که روند یک مسابقه، اینچنین اقتضا می‌کند.

شروع مشکل ...

از الزامات برگزاری مسابقه، اعلام نتایج، ارائه‌ی بیانیه و آثار منتخب در مراسمی ویژه و نیز در رسانه‌های مربوط به مسابقه (اعم از سایت تخصصی مسابقه، مجلات تخصصی و ...) می‌باشد. این رویه در مورد مسابقه‌ی مدرسه‌ی شش کلاسه نیز به درستی و درخور شأن شرکت‌کنندگان، معماران و هنرمندان، روز جمعه ۹۵/۰۶/۲۶ در سالن همایش کتابخانه‌ی ملی برگزار شد. قدردانی از پیش‌کسوتان عرصه‌ی معماری به زیبایی، برگزار و خلاصه‌ای از طرح‌های منتخب نیز به نمایش گذاشته شد! اما در روز مراسم دوسالانه، اتفاقات جالبی افتاد. بیانیه‌ی داوری، توسط مسئول گروه داوری، صرفاً به تعریف از روند مسابقه و داوری و نیز تمجید از ۵۰ طرح منتخب و قابل اجرا بودن کلیه‌ی طرح‌ها (!) و بدون اعلام دلایل فنی و چرایی نفرات اول تا شانزدهم، محدود گردید. جوایز نفرات برگزیده، با اعلام اسامی و نمایش آثارشان اهدا شد. آثار به نمایش گذاشته شده، در همان ابتدا، خیلی‌ها را به تعجب و تأمل واداشت! به نظر حلقه‌ای مفقود شده بود! چیزی درست نبود، اما در آن جو هیچانی مراسم، دیدار با بزرگان عرصه‌ی معماری و نیز دیدار رفقا و دوستان با یکدیگر، مجال و فرصتی برای ابراز تردید و تعجب در نحوه‌ی داوری را مهیا نکرد. جسته و گریخته، در هنگام ترک مجموعه‌ی کتابخانه‌ی ملی که به حق، روز با شکوهی را شاهد بود، زمزمه‌هایی در گروه‌های چند نفره آغاز شده بود.

دو یا سه روز بعد، آثار منتخب توسط هیئت برگزارکننده، در شبکه‌های مجازی و سایت مسابقه، ارائه و به نمایش همگان گذاشته شد. احتمالاً تا اینجا کار، هیئت برگزاری و مجله‌ی هنر معماری، به خود می‌بالیدند که، عجب مسابقه‌ای بود و در شأن کشور و ... سر بلند شدیم! از این افتخار و شادمانی حاصل از برگزاری مراسم، مدتی نگذشت، دامنه‌ی اعتراض‌ها به صورت تصاعدی فزونی یافت، در ابتدا، استنباط این بود که گروه‌های حذف شده (طبق روال گذشته) در حال زیر سؤال بردن مسابقه هستند. اما با اندک بررسی و نیز تماس‌هایی از منطقه‌ی جیرفت، که توسط معماران بومی و آشنا به منطقه گرفته شده بود، هیئت برگزاری به نوعی کیش و مات شد! طرح رتبه‌ی اول، کلاً زیر سؤال رفت و به مرور و با تماس‌های بیشتر، کل هفت طرح برگزیده و در ادامه، تمامی شانزده طرح منتخب، زیر سایه‌ی شوم اشتباهی فاحش از سوی داوران، دفن شدند. اشتباه در کجا بود؟ آیا طرحی لابی داشته؟ کسی از داوران رشوه گرفته؟ کسی از شرکت‌کنندگان، همسو با جریان‌ی از داوران بوده؟ هیچ یک از این موارد در خصوص داوران و نحوه‌ی داوری صحت نداشت. مشکل جایی دیگر، سر از خاک بیرون آورد: بی‌دقتی در ضابطه و اقلیم، عدم همخوانی طرح با معماری منطقه و نهایتاً تمامی اهداف مندرج در قانون مسابقه. آیا داوران از این ضوابط و اهداف بی‌اطلاع بودند؟! به اذعان هیئت برگزارکننده (مجله‌ی هنر معماری)، کلیه‌ی مدارکی که می‌بایست داوران از آن مطلع و به آن متعهد باشند، در اختیارشان گذاشته شده بود. از این بابت، تا اینجا قضیه، مجله قصوری نداشته است. پس ایراد کار کجا بوده که اینگونه همه چی به یکباره در حال نابود شدن است؟ نابودی‌ای که حتی زیبایی مراسم و زحمات برگزارکننده را محو نمود. روشن است و روشن شد که نحوه‌ی قضاوت داوران مورد مناقشه بوده و نحوه‌ی داوری، ایراداتی داشته است. با کنکاش مجله و پیگیری منتقدان و سایر شرکت‌کنندگان، مشخص شد، اشتباه فاحش، داوران بودند!

این اشتباه از دو جهت رخ داد: نخست، عدم رعایت ضوابطی که خود داوران بر آن باور داشتند و دوم، کمبود زمان داوری (با توجه به حجم بالای آثار ارسالی - سیصدوسیزده طرح، دو اشتباه فاحشی که باری از آن متوجه مجله‌ی هنر معماری و بار عمده‌ی آن بر دوش گروه داوری سنگینی می‌کند. مسئولیت حرفه‌ای مجله، تنظیم زمان مناسب جهت داوری درست و عادلانه بود که به نظر، رعایت و در نظر گرفته نشده بود. توجه داشته باشیم تعداد طرح‌ها سیصدوسیزده بوده و هر طرح شامل پنج شیت می‌باشد. به عبارتی، حداقل زمان داوری در خوشبینانه‌ترین حالت، می‌بایست حداقل سه روز، معادل بیست و چهار ساعت باشد. این امر محقق نشد و زمان داوری به حداکثر شانزده ساعت نیز کشیده نشد! مطمئناً زمان صرف

شده‌ی هریک از شرکت‌کنندگان، جهت مطالعه، خلق ایده و ارائه‌ی اندیشه‌هایشان کمتر از یک ساعت نبوده است! آیا طرح، ارزش پانزده دقیقه مطالعه‌ی داوران را نداشته است؟ مسئولیت سنگین‌تر، امر قضاوت است که با توجه به وقایع رخ داده، به هیچ عنوان از سوی داوران، دقت نگردید و به درستی نیز انجام نشد. به عبارتی دیگر و با نگاهی به آثار منتخب، هیچ‌گونه ضابطه‌مندی‌ای در امر قضاوت آثار رعایت نگردیده است. در این مورد نیز به نظر می‌رسد هیئت برگزاری می‌توانست با ورود به مسئله، پایبندی به ضوابط را گوشزد نماید. اما به اذعان مجله، هیئت برگزاری نمی‌تواند در امر داوری دخالت کند. این مورد می‌تواند تا حدودی منطقی به نظر برسد.

اصلاح اشتباه ...

اتفاقی که افتاده بود ... مراسم، برگزار و جوایز نیز اهدا شده بودند ... حال چه باید کرد؟! راه حل چیست؟ لغو بیانیه‌ی شفاهی و دست‌وپاشکسته‌ی داوران و پس گرفتن جوایز؟! برگزاری مجدد داوری؟ این بار با گروهی دیگر؟! و بسیار راه‌های دیگر که هیئت برگزاری در این آشفته‌بازار و سیل انتقادات، می‌بایست سریعاً در مورد آنها تصمیم‌گیری می‌کرد. با گرفتن مشورت از افراد مختلف، اینطور به نظر می‌رسید که قطعاً داوری باید مجدداً برگزار شود. اما آیا به اتفاق شانزده طرح برگزیده‌ی داوری اول یا با حذف آنان و داوری بقیه آثار ارائه شده؟ اما پیشنهاد مجله، انتخاب تعدادی از آثار و برگزاری نظرسنجی مردمی بود! برخی، این روش را برای معماری، چندان منطقی ندانسته، معتقد بودند که نظرسنجی مردمی در هنر سینما و تلویزیون مناسب و کاربرد دارد. مشکلات ایجاد شده در حوزه‌ی معماری، با روش‌های معمارانه قابل حل است.

با کش و قوس‌های فراوان، دبیرخانه‌ی مسابقه، ضمن ارائه بیانیه‌ی نصفه‌ونیمه و بسیار محافظه‌کارانه به اشتباهات داوری اذعان نمود و تصمیم گرفت تا صاحبان پنجاه‌وشش طرح منتخب را بر روی سایت اعلام نماید. با جمع‌آوری و بررسی دلایل فنی گروه‌های معترض به نبود نامشان در این لیست، تعداد هشتادویک طرح با کدهای تعیین شده (در داوری نافرجام اول) به انضمام مدارک مربوطه بر روی سایت و در معرض نظرسنجی مردمی، به مدت دو هفته از ۹۵/۰۷/۰۴ الی ۹۵/۰۷/۱۸ قرار گرفت. ظاهراً مقرر شده بود سه طرح برتر انتخاب و همراه با نفر اول هیئت داوری در یک رقابت جداگانه به قضاوت و طرح مناسب اجرا، در نهایت انتخاب گردد.

رقابت و هیجانی دیگر آغاز شده بود. این بار ولی، کلیه‌ی منتخبین از میزان رأی خود آگاه می‌شدند، همچنین، روند رشد سایر شرکت‌کنندگان را نیز به وضوح می‌دیدند. این خود موفقیتی بود که به ظاهر گروه برگزارکننده‌ی دیگری تاکنون، موفق به انجامش نگردیده بود. شاید به جرأت بتوان گفت که اینچنین بازگشت قهرمانانه به میدان قضاوت، اولین بار است که در تاریخ برگزاری مسابقات در کشور رخ می‌دهد. اما این هم ظاهراً پایان کار نبود! حدود ده روز از نظرسنجی گذشته بود که روند صعودی غیرمتعارف برخی آثار در کسب رأی، مورد سؤال برخی گروه‌های شرکت‌کننده قرار گرفت. این بار چه اتفاقی در راه است؟! آیا امنیت شبکه دچار اختلال شده است؟ آیا برخی قادر به رأی دادن به خود، به میزان دلخواه شده‌اند؟ آیا کسی رأی خریده؟ و سؤالات بسیار دیگر. دبیرخانه‌ی مسابقه، موضوع را پیگیری و متوجه تقلبی شده بود. تقلب در تخریف داوری! ولی این بار از جانب خودی‌ها! همان خودی‌هایی که به روند داوری مرحله‌ی نخست، معترض و آن را ناعادلانه می‌دانستند! با بررسی دقیق‌تر دبیرخانه‌ی مسابقه، اندک گروه‌هایی که از این طریق تلاش در مطرح کردن خودشان داشتند، شناسایی شدند و با بستن سایت در روز شنبه مورخ ۹۵/۰۷/۱۰ و اعلام برق‌آسای حذف یکی از این گروه‌های خاطی، کار نیمه‌تمام ماند و وارد آزمونی دیگر شد. شاید اگر ناشی‌گری کد پنجاه‌وهشت نبود، احتمال می‌رفت که نظرسنجی تا روز پایانی ادامه پیدا کند ولی در نهایت نیز این مسئله قطعاً برملا می‌شد. بگذریم ... که از هرچه بگذریم سخن دوست خوش‌تر است!

زمان به سرعت در حال سپری شدن و پایان مهلت نظرسنجی مردمی نزدیک بود. این معضل می‌بایست پیش از آن برطرف می‌گردید. داوری جدیدی انجام شد، این بار سه طرح قابل اجرا و همخوان با منطقه و دو طرح نیز حائز تقدیر، از بین آثار دریافتی مورد تأیید، طی دو جلسه‌ای که در روز یکشنبه ۹۵/۰۷/۱۱ و سه شنبه ۹۵/۰۷/۱۳ توسط چند تن از معماران مطرح کشور، و یک نفر از مهندسين متخصص منطقه‌ی جیرفت، برگزار شد. در نهایت طرح منتخب قابل اجرا در منطقه‌ی محروم جیرفت با اعلام نقطه‌نظرات فنی معرفی گردید. این نخستین بار است که یک مسابقه‌ی معماری کوتاه نیامده، روش‌های مختلفی را جهت اصلاح اشتباهات و روند برگزاری داوری به کار گرفته، تلاش می‌کند تا طرح منتخب علاوه بر دارا بودن معماری مناسب، اجرایی نیز باشد. امیدواریم در این سعی و خطا، آخرین مرحله با موفقیت و نظر مساعد دیگران مواجه گردد. این درسی است برای آینده‌ی معماری و آینده مسابقات معماری در کشورمان. پایبندی به اصول و اخلاق حرفه‌ای، چه در زمینه‌ی طراحی و چه در زمینه‌ی قضاوت و داوری اگر بود، این همه داستان نبود!

گروه یار، شرکت‌کننده در بخش نخست دوسالانه، مسابقه‌ی طراحی مدرسه در جیرفت

مهر ۱۳۹۵

انکار مردم در پارادایم زیبایی‌شناسی فقر!

نقدی بر مسابقه طراحی مدرسه جیرفت در دوسالانه‌ی هنر معماری

معماری فرادستان برای فرودستان نمی‌تواند فرمایشی نباشد. گاهی در نگرشی همه‌چیز انگارانه به طراحی شانديگار و بینالود ختم می‌شود و گاهی دیگر که معماران قصد می‌کنند زمینه را ببینند، زمینه را با تعریف خودشان می‌بینند: تعریفی فرادستانه! نتیجه‌ی این وضعیت دوم پروژه‌هایی مانند «شوشتر نو» از کامران دیبا است که بدون سلسله مطالعات دانشگاهی مدون، همچنان از سوی تربیت‌یافتگان شکل‌پرست و فرم‌زده، به عنوان اثری بدیع و موفق یاد می‌شود. یک پروژه‌ی نوسازی که با استخدام ادبیات طراحی پروژه‌های بهسازی و میان‌افزا، کالبدی را خلق می‌کند که تماشای پلان آن، عدم انطباق هول‌انگیزش را با الگوهای زیستی که مورد ارجاع شکلی‌اش بوده‌اند را آشکار می‌کند. بافتی که شبیه هیچ بافت دیگری در آن منطقه نیست، اما رنگ و لعاب دانه‌هایش به خانه‌هایی ارجاع دارد که به نظر می‌رسد ربطی به همان منطقه دارند. البته، فقط به نظر می‌رسد. تأثیری که بازگویی‌های متفرعانه از پروژه‌ی دیبا بر جامعه معماری نهاد، تئوریزه کردن مفهومی بود که کم‌کم خودش را تحت عبارت «زیبایی‌شناسی فقر» صورت‌بندی کرد. در این زیبایی‌شناسی، برخلاف آنچه به نظر می‌رسد بنابر این نیست که پروژه ارزان تمام شود، بلکه بنابر این است که با استفاده از عناصر بومی و یا غیریومی، یک زیبایی‌شناسی مینی‌مالیستی مدرن، با آرایه‌ها و انگاره‌هایی که به نظر می‌رسد با بستر پروژه مرتبط‌اند خلق شود تا بتواند پاسخگوی فانتزی‌های طراحانه باشد.

در عصری که عشایر یکجانشین می‌شوند، روستاییان به شهرهای کوچک و شهروندان آنها به شهرهای بزرگ و بعدتر به کشورهای پیشرفته‌تر کوچ می‌کنند، جریان فرهنگی زندگی در حال نفی بلد است. در چنین وضعیتی ساکنان شوشتر نو ترجیح می‌دهند به جای آنکه خانه‌شان تاریخ پشت سر را نشان بدهد، نمایی از آرزوها و تاریخ پیش رو باشد، به همین دلیل هم در چهره‌ی خانه و محله، مداخلات نازیباشناسانه می‌کند. امری که در طبقات فرادست نیز توسط خود جامعه‌ی معماری، از پوشش و اطوار زندگی گرفته تا محل سکونت به نحوی دیگر رخ می‌دهد. معمار فرادست نیز دوست دارد پارسی، تورنتویی و یا نیویورکی باشد و اتفاقاً بخش مهمی از آنجایی بودنش آن است که فرودست ساکن اینجا را به عنوان موجودی موزه‌ای، در اطوار زیست ناخرسندش تخته‌بندی کند. اینجاست که فقر در لباس بوم، پایداری‌های صوری از خود نشان می‌دهد.

مروری بر آثاری که به مرحله‌ی داوری مردمی (?) دومین دوسالانه‌ی ملی هنر معماری، بخش مسابقه‌ی طراحی مدرسه ۶ کلاسه در جیرفت ارسال شده‌اند، بازنگاری‌کننده‌ی همین وضعیت است. آثاری که هرکدام در طراحی‌شان، شعفی طراحانه را برمی‌انگیزانند و به خوبی چند اصل را رعایت می‌کنند:

نخست آنکه باید با معماری رایج در منطقه نسبتی برقرار کنند وگرنه تمایلات پایدارانه و بسترگرایی تثبیت شده در ادبیات جامعه‌ی تخصصی و بالطبع داوری، اثر آنها را نمی‌پذیرد. این تشابه‌جویی مبتنی بر این پیش‌فرض مطالعه نشده صورت می‌پذیرد که معماری بومی خوب است! کلاً خوب است. همه‌چیزش خوب است. چون یکی به فرم سازه‌ی‌اش رجوع می‌کند، یکی به مصالح پوشاننده‌اش، یکی به رنگ مصالح پوشاننده‌اش، یکی به دانه‌بندی حجمی‌اش، یکی به آرایه‌هایش ... همه‌ی این مؤلفه‌ها، باهم ارزی تأسف‌برانگیزی مورد رجوع قرار می‌گیرند.

دوم آنکه در عین شباهت، باید کاملاً متمایز باشد! یعنی در عین رجوع، نباید به خصلت‌های این معماری اعتماد کرد. اگر فرم را استخدام می‌کنیم، رنگ یا جنس را عوض می‌کنیم و اگر جنس را به کار گرفته‌ایم، در فرم ملاحظت تازه‌ای خرج می‌کنیم و اگر هر دو یا هیچکدام، موضعی همه یا هیچ در برابر دانه‌بندی منطقه‌ای اتخاذ می‌کنیم. حال ممکن است در آن معماری، ابعاد دانه‌ها با توجه به ظرفیت سازه‌ی و نظام ساخت شکل گرفته باشد و ما مجبور شویم برای ادای فریضه با بت مسلح، همان سایز از فضا را ایجاد کنیم.

اصل سوم، آن است که هرچقدر پروژه به خاطر سیاست‌های اتخاذی ما گران تمام شود هم، باید ارزان به نظر برسد. احجام باید تک‌رنگ و تک‌متریال باشند و اگر مکعبی بیش‌ازحد خوش‌فرم و خوش‌نما از آب درآمد باید بر سر آن حصیر کشید، حتی اگر با توجه به برش جانبی و نیم‌رخ سایبان، هیچ مزیت اقلیمی برای طرح ایجاد نکرده باشد. استفاده از انواع آورده‌های چوبی، کنفی و حصیری می‌تواند دهنه‌های وسیع گران‌قیمت طرح را ارزان‌تر جلوه دهد.

اصل چهارم که مهم‌ترین اصل طراحی در پارادایم زیبایی‌شناسی فقر است، کسالت فضاست! فضا باید عبوس، متروک و تلخ دیده شود. این رفتار باید حتی در تنظیم نور و رنگ رندرها نیز رعایت شود. مهم نیست که موضوع سفارش یک مدرسه ۶ کلاسه برای بچه‌های یکی از محروم‌ترین نقاط ایران است و احتمال دارد آنچه در این فضا تجربه می‌کنند، با ارزش‌ترین تجربه فضایی‌شان باشد. اگر به مجموع آثار نگاه کنیم تنها در ۳ یا ۴ پروژه، رنگ، حضوری معناساز و مؤثر و غیرنشانه‌ای دارد و شاید در ۱ یا ۲ پروژه توانسته باشد کمی از کسالت فضا کم کند. کسالت فضایی که خود عملکرد آموزشی و وضعیت زیست روزمره نیز به آن دامن خواهد زد و قرار بوده که طراحی برطرف‌کننده آن باشد.

از خیل آثار رسیده وقتی به منتخبین داوران و برندگان نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که این موارد تشدید شده است و از این نظر باید به برگزارکنندگان مسابقه صادقانه تبریک گفت، چون بین برگزیدگان نهایی با خصلت‌های عام آثار تضادی وجود ندارد و این بهترین شاهد برای آن است که یک مسابقه درست تعریف، فراخوان و داوری شده است. در این نوشته برای اعتراضات صورت گرفته به مسابقه و جهی قائل نیستیم تا درباره‌ی بخش افزوده شده داوری مردمی، موضعی از این‌جهت داشته باشیم، اما عبارت داوری مردمی عبارت موضع برانگیزی است.

اگر در تمام این یادداشت درباره فاصله‌ی بین نگاه فرودستان و فرادستان و ترجیحات طراحانه سخن گفته شده، نمی‌توان نسبت به این نحو از داوری که با شریک کردن بخش بزرگ‌تری از جامعه فرادستان قصد در مشروعیت‌زایی و یا تصحیح، تدقیق و افزایش روایی برگزیدگان دارد ولی به آن انگ مردمی می‌زند، بدون واکنش باقی ماند. کدام مردم؟ مردم چه کسانی هستند؟ از کدام جیرفتی‌ها درباره‌ی شکل مطلوب مدرسه‌شان پرسشی صورت گرفته که حالا آنها را در داوری طرح‌ها دخیل بدانیم؟ درست است که اگر یک ساکن جیرفت وارد سایت شود و رأی خودش را ثبت کند با ممانعت مواجه نخواهد شد، اما به طور قطع مکانیزم طراحی شده‌ی فعلی برای کسب نظر از مردم جیرفت نیست. آنها می‌توانند موضوع واقع شوند، ولی موضع تنها از آن فرادستان است. زیبایی‌شناسی فقر، یک دیوار مهربانی معمارانه است که اجازه نمی‌دهد کسی به منظره‌ی واقعی نگاه کند. نیازهای واقعی و مردم واقعی. تنها طراحی است، که سلطه و سلطنت دارد، که می‌سازد و ویرانی به بار می‌آورد. این مدرسه نیز بخشی از تاریخ معماری این مرزوبوم خواهد شد، مانند همه‌ی آثاری که تاریخ معماری‌اند، ولی تاریخ مردم نه.

نقد رتبه‌ی اول بخش نخست از دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران (منتخب هیئت داوران) به برگزاری «نظرسنجی مردمی» و عدم ارجاع پروژه جهت اجرا به ایشان

به نام حق

نفس برگزاری مسابقات معماری همواره نشانه‌ای بوده از رشد تفکری در جامعه که ذاتاً محترم است و به مخاطب احترام می‌گذارد. احترامی سازنده که می‌تواند انرژی فراوانی را از درون مجموعه‌ی معماری با خود همراه کند و نهایتاً طی پروسه‌ای کاهنده یا فزاینده، با بازگردان آن به مجموعه، در شکل دادن به دیسپلین معماری تأثیرگذار باشد.

برگزاری دومین دوسالانه‌ی معماری و در ذیل آن مسابقه‌ی طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه در جیرفت که توسط مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری هنر معماری برگزار شد اتفاق محترمی بود که با صرف انرژی بالا و شفافیت و سواس‌گونه از لحظه‌ی اعلان فراخوان عمومی آغاز شد و تا پایان اعلام نتایج مسابقه ادامه داشت. اما تصمیم ناگهانی برگزارکننده نسبت به سازماندهی «نظرسنجی مردمی» ساعاتی بعد از اعلام برندگان نهایی هیئت داوران و بدون اعلان قبلی در فراخوان رسمی مسابقه و در حالی که ضمانت اجرایی، تحت عنوان «افتخار ساخت طرح» به رتبه‌ی اول مسابقه در لحظه‌ی اعلام نتایج داده شده بود، این فرض را ایجاد کرد که کیفیت احترام و اعتماد متقابل قبلی بین برگزارکننده و شرکت‌کنندگان تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. و چند سؤال را نیز متعاقباً به ذهن متبادر می‌کرد که آیا اصولاً می‌توان برای انتخاب طرح نهایی برای اجرا، نتیجه‌ی نظرسنجی‌ای که عموماً برخاسته از هیجان‌ات کاذب و لشکرکشی‌های اینترنتی است را با خروجی هیئت داوران معتمد برگزارکننده که با صرف وقت و انرژی فراوان گرد هم جمع شدند و در ترکیب ۸ نفره‌ی آنان نام‌های آشنایی از معماران این سرزمین از طیف‌های فکری و سنی مختلف دیده می‌شود، مورد رقابت قرار داد؟ و یا اگر هم بشود، صرف چنین انرژی بی‌نظیری در ترتیب، مدیریت و برگزاری مسابقه‌ای در این ابعاد از ابتدا برای چه بود؟ اگر از آغاز، چنین اتفاقی در فراخوان رسمی اعلامی پیش‌بینی شده بود تکلیف حضور و یا عدم حضور عده‌ای برای شرکت در مسابقه از ابتدا مشخص می‌شد؟

نگارنده به عنوان طرح برگزیده‌ی نخست توسط هیئت داوران در این مسابقه‌ی ملی، نارضایتی خود را نسبت به این اقدام که بدون اطلاع قبلی برگزارکننده در فراخوان رسمی صورت می‌پذیرد، فارغ از نتیجه‌ی آن، هرچه که باشد، اعلام می‌دارد و امیدوار است که انرژی‌ای که از ابتدا با این مسابقه همراه شد با عمل به تعهدات، به مجموعه‌ی معماری و کاربران آن بازگردان شود.

«به امید روزی که حقیقت، بهشت همه‌ی ما باشد.»

با احترام

رتبه‌ی اول مسابقه‌ی طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه‌ی جیرفت، ۸ مهر ۱۳۹۵

امیرحسین رضایی و ایمان یوسفی

داوری کلاس دارد...

مدرسه را نمی‌دانم اما داوری حتماً! این روزها جایزه‌ی معمار خیلی نمی‌چسبد عوضش تا دلت بخواد داوری مسابقات به علاوه آوردهایی که با رأی دانشجویانمان و به مدد گروه‌های تلگرامی و اعضایشان به دست می‌آید توفیقی است برای ترفیع! داوری در بسیاری از مسابقات فله‌ای شده، گواهی صحبت‌های در گوشه و فاصله‌ی عجیب طرح برخی برگزیدگان از قابلیت اجراست. تعهد به قوانین و مقررات مسابقه بعد از یک سری جریان‌ات و بعضاً مذاکرات عملاً تشریفاتی می‌شود و بس!

بشماریم چند مسابقه در این مدت برگزار شده و طرح‌های نخست با موارد خواسته شده در فراخوان سازگاری داشته‌اند! اندر خم یک کوچه مانده‌ایم و آن وقت صحبت از ایجاد الگوهای نوین می‌زنیم، آنچه زاییده شده عقب‌مانده و ابتر است و فکر تولید نسل و جریان‌سازی هستیم. هنوز در اصل عقیم و در فرع مدعی نبوغیم. به راستی داوران کدام مسابقه پذیرای انتقادات و پاسخگوی انتخاب‌هایشان بودند، هرچند که این یک ایده‌آل است، اما گاهی چنان شکافی میان طرح خواسته شده و طرح ارائه شده وجود دارد که ناگزیر به عظمت فهم ایشان و ماجرای لباس پادشاه پی می‌بری! در طرح همان را می‌بیند داور که تو نمی‌بینی ...

احسان صفرلو

نقد و تحلیلی بر مسابقه‌ی طراحی مدرسه‌ی جیرفت

به مسابقه گذاشتن طراحی مدرسه توسط دوسالانه‌ی معماری، به نظرم بسیار جالب آمد. توسعه‌ی فرهنگ مدرسه‌سازی و ایجاد فرصت تحصیل به‌خصوص در مناطق محروم، امری ضروری و بسیار قابل احترام است. به محض دیدن فراخوان، تصمیم به شرکت در این مسابقه گرفتم. به علت کمبود وقت و برنامه‌ی کاری، فرصت بازدید از سایت و آشنایی با منطقه‌ی جیرفت را از نزدیک نداشتم ولی در رابطه با معماری مدارس، مطالعات فراوانی داشتم. از همان ابتدا بسیار مشتاق بودم تا طرح‌های سایر شرکت‌کنندگان و طرز فکر و عملکرد هر شخص یا هر گروه را در رابطه با این پروژه ببینم. متأسفانه پس از اعلام نتایج و مشاهده طرح‌های انتخاب شده، بسیار دلسرد شدم و تصمیم به نوشتن این نقد گرفتم. در ادامه به بررسی چند نمونه از هفت طرح برگزیده توسط هیئت داوران می‌پردازم و نقطه‌نظر شخصی خود را در رابطه با هر یک بیان خواهم نمود.

در طراحی این مسابقه چندین معیار از قبل تعریف شده وجود داشت و قرار بر این بود که مدرسه براساس این معیارها طراحی شود. وقتی که اهداف و معیارهای یک پروژه مشخص است، احترام به آنها واجب می‌شود و نباید کوتاهی شود. این معیارها عبارت بودند از: برخورداری از کیفیت محیطی (معماری کامل)، طراحی مبلمان و فضاهای داخلی مدرسه، مقاوم در برابر زلزله، وفاداری نسبت به ارزش‌های فرهنگی و ...

طرح نفر اول، تحت تأثیر باغات و محصولات کشاورزی منطقه‌ی جیرفت بود و بیشترین تأکید بر روی امتداد روستا با مدرسه و چگونگی ترکیب و ادغام آن با مدرسه بود که طرز فکری نو و فوق‌العاده جالب بود. اما با نگاه به پلان طراحی شده به نظرم آمد که بسیاری از نکات به دست فراموشی سپرده شده است. بر روی این نکات تأکید ویژه‌ای خواهم داشت، چرا که این طرح تنها در سطح مسابقه باقی نخواهد ماند و قرار است نهایتاً ساخته شود. در نتیجه عملکرد مدرسه، چیدمان فضاهای آن، فرم ساختمان، پلان و در نظر گرفتن عوامل محیطی بسیار مهم است. در این طرح فضاهای آموزشی، اداری و غیره در بلوک‌های جداگانه و به صورت تفکیک شده در نظر گرفته شده‌اند. سؤال من این است که در منطقه‌ای با آب و هوای گرم و نیمه‌خشک که زمستان‌های بسیار سردی به همراه دارد و در معرض بادهای شدید قرار می‌گیرد، این فرم و پلان به چه اندازه جوابگو خواهد بود؟ اینکه دانش‌آموزان برای رفتن از کلاس درس به فضای دیگری مثل کتابخانه یا سالن چند منظوره باید هر بار از فضای آزاد عبور کنند چقدر در این اقلیم عملی خواهد بود؟ چه دلیلی مبنی برای طراحی پلانی به این شکل و با فضاهای باز که در معرض هوای آزاد هستند وجود دارد؟ فضای آملی‌تاتر رو باز نیز برایم کمی تعجب‌برانگیز بود. واقعاً نمی‌دانم چنین فضایی در یکی از روستاهای جیرفت و در یک مدرسه‌ی ابتدایی تا چه حد مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بیشتر شبیه به یک پروژه‌ی فضای شهری می‌ماند تا پروژه‌ای که در یک مدرسه عملی باشد. در شیت‌های ارائه شده، از این فضا تنها یک رندر داریم در یک عصر تابستانی که به عنوان نمایش فیلم برای اهالی مورد استفاده قرار گرفته است. مشخص نیست که آیا عملکردی برای این فضا در طول روز در نظر گرفته شده است یا اینکه فقط یک زمین خالی باقی خواهد ماند که شاید بچه‌ها در آن بازی کنند.

مورد بعدی، نحوه‌ی نورگیری کلاس‌های درس است که در این طرح کلیه‌ی کلاس‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که نور از سمت راست دانش‌آموز وارد کلاس می‌شود، در حالی که ایده‌آل آن است که نور از سمت چپ دانش‌آموز وارد کلاس شود تا مانع سایه انداختن دست شخص درحین نوشتن باشد. در آخر، اشاره می‌کنم به گنگ بودن محدوده‌ی زمین و نامشخص بودن حریم مدرسه. به نظر می‌آید که این مدرسه در میان دسته‌ای از زمین‌های کشاورزی رها شده است و هیچ‌گونه حدودمیزی ندارد. نمی‌دانم معیار داوران از این انتخاب بر چه پایه و اساسی بوده، اما فکر می‌کنم واقعاً جا داشت که در این طرح به مواردی از قبیل چگونگی نحوه‌ی تهویه‌ی کلاس‌ها، مقاوم‌سازی ساختمان در برابر زلزله، چگونگی عملکرد آن در برابر بادهای شدید و ارتباط میان معماری مدرسه و بستر آن توجه می‌شد. طرح دیگری که معتقدم بسیار جای بحث و گفت‌وگو دارد، طرح برگزیده‌ی نفر دوم است. طرحی که حجم آن الهام گرفته از تنورسازی سنتی منطقه است، اما چه اتفاقی در پلان‌ها افتاده؟ در توضیحات تکمیلی، به تغییر شکل کلاس درس از مستطیل به دایره و بر هم زدن ردیف‌بندی دانش‌آموزان اشاره شده است و این امر با هدف هم ارزش شدن نسبی دانش‌آموزان نسبت به هم توجیه شده است. چیدمان کلاس‌ها، اصولاً بستگی به نوع فعالیتی که دانش‌آموزان می‌کنند و برنامه‌ی آموزشی آنها دارد. اگر کلاس‌هایی که مختص درس هستند و مستلزم تمرکز دانش‌آموز در آن است، عمدتاً به شکل مربع مستطیل در نظر گرفته شده‌اند بی‌شک دلیل و منطقی پشت آن است و دلیل آن کاملاً واضح است. معلم در این حالت می‌تواند بر همه‌ی دانش‌آموزان به راحتی کنترل داشته باشد، همچنین خود دانش‌آموزان نیز دید یکسانی نسبت به تخته خواهند داشت. پس اگر این اصل را بر هم می‌زنید و کلاس‌های دایره‌ای شکل طراحی می‌کنید می‌بایست دلیل قانع‌کننده‌تری از «هم‌ارزش کردن نسبی جایگاه دانش‌آموزان نسبت به هم» داشته باشید. مطمئناً کلاس درسی که به شکل دایره است، تخته‌ی سیاه آن بر روی دیوار قوس‌دار نصب شده، هیچ‌گونه بازشویی به بیرون ندارد، نور آن تنها از حفره‌ای در سقف تأمین می‌شود و یقیناً صدا در آن خواهد پیچید، که اینها همه به هیچ وجه برای هیچ دانش‌آموزی خوشایند و ایده‌آل نیست. به‌علاوه فضای کلاس‌های درس، کاملاً با فضاهایی که به عنوان «فضاهای تعاملی نیمه‌باز» تعریف شده‌اند، در ارتباط هستند به طوری که هیچ‌گونه دربی در میان نیست و هوای سرد یا گرم به راحتی می‌تواند به فضاهای آموزشی نفوذ کند. ظاهراً اینکه چگونه این فضاها از سرما یا گرمای شدید در امان باشند، برای کسی جالب نبوده. در آخر اشاره‌ی کوچکی می‌کنم به طرح برگزیده‌ی نفر چهارم که بسیار دور از واقعیت بود. طرحی که در هفت شیت به نمایش گذاشته شده و در آن تنها پلانی مبهم از کلاس‌های درس دیدیم و از بقیه‌ی فضاها خبری نبود. در این طرح هم نردبانی در وسط محیط‌های دایره‌ای شکلی بود، برای استفاده از پشت بام به عنوان فضای بازی یا کتاب‌خواندن! کدام یک از ما در محیطی که نردبان در وسط آن قرار دارد درس خوانده‌ایم؟ آیا مسئله‌ی امنیت دانش‌آموز ابتدایی در این طرح در نظر گرفته شده؟ جدا از مقوله‌ی ایمنی، محیط کلاس درس باید به گونه‌ای باشد که فرد بتواند در آن تمرکز داشته باشد، به صورت صحیح بنشیند و امکان استفاده از میز و صندلی را داشته باشد. متأسفانه در این طرح این مسائل به کلی از یاد برده شده بود.

نمی‌گویم طرح‌های انتخاب شده خلاق نبودند یا فاقد ارزش بودند، چرا که جذاب و پر از خلاقیت بودند و به نکات خاصی در هر پروژه پرداخته بودند. طرح‌ها بسیار زیبا، رندرها فوق‌العاده و گرافیک کارها بسیار عالی بودند. اما مخاطب‌های این مسابقه معماران بودند، معمارانی که قاعدتاً نباید شیفته‌ی رندهای زیبا می‌شدند، بلکه می‌بایست به اصل موضوع می‌پرداختند و شاید در هر پروژه خود را به جای آن دانش‌آموزی قرار می‌دادند که می‌خواهد در آن مدرسه درس بخواند، بازی کند، معاشرت کند و ... چرا باید طرح‌هایی انتخاب شوند که بسیاری از آنها کاملاً دور از دنیای واقعی و پر از کمبودهای مهم بودند و با معیارهای مشخص شده در تناقض بودند؟ چرا به شکل ظاهری بنا و مسائل کم‌اهمیت‌تر آنقدر بها داده شده است و موارد فانتری‌تر آنقدر پررنگ شده بودند؟ مدرسه به عنوان یک محیط آموزشی بخش مهمی از زندگی ما را تشکیل می‌دهد و معماری این فضا می‌تواند بر یادگیری، احساسات و رفتار ما بسیار تأثیرگذار باشد. در نهایت، معماری مدرسه باید به گونه‌ای باشد که مخاطبش را جذب کند و قصه‌ای برای گفتن داشته باشد. یادمان نرود که برای چه کسی و در کجا طراحی می‌کنیم و اگر پای مدرسه در میان است به خاطر داشته باشیم که راحتی و آسایش دانش‌آموزان می‌بایست در اولویت قرار گیرد.

مروارید امانی

با سلام، ضمن تشکر از مراحل شفاف برگزاری مسابقه و شکوه جشن، چند نقد به نظر حقیر بر دوسالانه وارد است.

با توجه به لزوم اجرایی بودن طرح، عدم استفاده از یک مهندس واقف بر امر اجرا در فرایند داوری بسیار مشهود است، زیرا به جرأت می‌توان گفت در بسیاری از طرح‌ها با توجه به فرم و نوع طراحی، هزینه‌ی اجرایی که مجله بر آن تأکید بسیاری داشت، زیر سؤال رفته است. ای کاش از یک معلم در فرایند داوری استفاده می‌شد تا نیازهای یک آموزگار و دانش‌آموز را برآورده می‌کرد. سخن از بحث پایداری در مسابقه به میان آمده بود، آیا مبحث پایداری فقط در فصول گرم سال مطرح می‌باشد؟ با توجه به کویری بودن منطقه و اینکه ۶ ماه از ۹ ماه تحصیلی در فصل سرد می‌باشد و همه‌ی ما می‌دانیم که سرمای کویر بسیار طاقت فرساست، در کدامین طرح برتر از بین شانزده طرح معرفی شده، به این مورد توجه شده است؟ عدم توجه به سایت پلان در بسیاری از طرح‌ها مشهود بود. چرا در آثار برتر به خیابان‌های اصلی و فرعی توجهی نشده است؟ آیا فرایند رفت‌وآمد دانش‌آموز ابتدایی و امنیت وی در طراحی یک اثر معماری اهمیت ندارد؟

امیدوارم در دوره‌های بعدی این نقص داوری که بسیار بسیار مشهود بود، رفع گردد و پاسخی به اصل موضوع مطرح شده داده شود، نه بزرگ‌کاری و نحوه‌ی ارائه‌ی اثر. یادمان باشد طرح معماری در اجرا باید به نیازها پاسخ دهد نه شیت‌بندی، کیفیت رنرها و دیاگرامینگ. در نهایت امیدوارم بعد از اجرا شدن طرح اول در سال بعد به دانش‌آموزان و معلمان آن مدرسه سری بزنید و احوالشان را بپرسید که چه احساسی خواهند داشت. در کلاس و مدرسه کاربران اصلی کودکانند و نه کس دیگری. با سپاس و تبریک به برندگان مسابقه

علیرضا کریمی کلور

با سلام و عرض خسته نباشید خدمت دوستان گرامی

با توجه به حضور در همایش و بازدید آثار سایر دوستان و با احترام به نظر همکارانمان در بخش داوری، بنده به شخصه اعتقاد دارم به دلیل شتابزدگی و عدم تسلط کافی داوران محترم نسبت به موضوع مدرسه، روش ساخت، همچنین شرایط اقلیمی ده‌نو و منطقه‌ی جیرفت، طرح بنده و همکارم سرکار خانم آزاده کاویان با بی‌توجهی و عدم مطالعه‌ی کافی روی آن، از لیست جا مانده است. بررسی و مطالعه‌ی پنج ماهه بر روی کار و طراحی با نگاه اجرایی و همچنین نگاه به شرایط آموزشی کنونی کشور و تغییر آهسته‌ی آن و هدایت به سوی آینده از اهداف ما در طرح خود بوده که این امر با توجه به ساختار کنونی آموزش کشور، بسیار مشکل است. به نظر، توجه داوران به سمت کارهایی است که کلاً شرایط کنونی آموزش را نادیده گرفته‌اند که امری ناممکن می‌نماید. توجه به بستر طراحی از نکات مهم این موضوع بود که حتی در طرح منتخب اول نیز به طرز عجیبی نادیده گرفته شده و شرایط سیل‌گیر بودن منطقه که طرح سوم را کاملاً با اولین نگاه رد می‌کند. مجموع این نکات را ما سعی نمودیم در طراحی‌مان براساس واقعیات موجود و با نگاه به بهبود این شرایط و حرکت به سوی آینده و ایجاد فرمی جدید با زبان معماری بومی منطقه و هویت‌سازی براساس نشانه‌های بومی ایجاد نماییم. امید است با حسن توجه شما عزیزان و داوران منتخب این طرح‌ها بازنگری شده و شاهد حضور طرح‌های پخته‌تری در نشریه‌ی شما باشیم.

با تشکر

سید حمید حسینی کریم‌آبادی

با عرض سلام و خسته نباشید از برگزاری مسابقه

دلخوری شدیدی از نحوه‌ی اعلام نتایج دارم. واقعاً نفر اول حداقل خواسته‌های طرح را مدنظر داشته است؟! آیا تبدیل کردن مدرسه به مزرعه، واقعاً خواسته‌های مورد نظر را برآورده کرده است؟! این نکته‌ی تأکیدی مبنی بر به صرفه بودن و قابل توسعه بودن در کجای سایت رعایت شده و آیا به سایت توجهی شده است؟ استفاده از زمین‌های اطراف یا خیابانی که در کنار سایت هست مجاز بوده است؟!
کدام یک از ۵ هدف مدنظر در این طرح‌ها به‌خصوص طرح اول لحاظ شده؟

محمدجواد منتجب

نقد و گفت‌وگو پیرامون ابعاد دومین دوسالانه ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران

سخنرانی شیوا آراسته به همراه نظرات حضار

سالن کنفرانس کاخ نیاوران، ۱۵ مهر ۱۳۹۵

سخنرانی:

چیزی به اسم دبیرخانه وجود ندارد. اون کارگروه را من و آقای رهام مقصودلو درست کردیم و بعد به انحراف رفت؛ دست کسانی افتاد که هیچ دغدغه‌ای ندارند و اعضای دبیرخانه باید از وزارت‌خانه بیان. به هیچ عنوان ما نمی‌تونیم عضو دبیرخانه باشیم. بنابراین مهر و لوگویی که می‌بینید کاملاً بی‌اعتبار و من درآوردیه و اون دبیرخونه اسمش بوده «کمیته‌ی مشورتی». که تا امروز کاری نتونسته بکنه و یکی از دلایلهش همون نقدیه که من به شما دارم: در نحوه‌ی انتخاب!

ما برای هر موضوعی در دنیا، نه فقط معماری، موضوعات و جریاناتی که اصلاحی هستند افرادی پیشرو داریم و اینها باید انتخاب بشن که درد اون مشکل رو چشیدن؛ نه کسانی که نه به عمرشون خط کشیدن، نه مسابقه شرکت کردن و نه به اهمیت مسئله واقف هستند؛ پس اصلاً دبیرخانه‌ی مسابقات وجود نداره. آقای دکتر مظاهریان به پنج وزارت‌خانه نامه‌ای زدن، پنج نماینده‌ی باتجربه باید معرفی بشن، اونها دبیرخانه‌ی رسیدگی به شکایات هستن، اساسنامه رو هم خود من نوشتم – یک سال طول کشید و مجلس هنوز تصویب نکرده – و در صورت دعوا و شکایت، اون اساسنامه حکم میشه، وگرنه اصلاً چیزی به نام دبیرخانه‌ی رسیدگی به شکایات مسابقات معماری فعلاً نداریم.

مسابقه برای مبارزه با انحصارطلبیه. برای اینکه ما بتونیم استعدادهای جدید رو شناسایی کنیم. خود من و هم‌نسل‌های من بر سر مسابقاتی که شهرداری تهران در سال‌های ۸۴ تا ۸۶ و ۸۷ برگزار کرده بود، معرفی شدیم. مسابقاتی مثل باغ کتاب، باغ نور، باغ موزه‌ی دفاع مقدس. اون زمان ما بود و تونستیم با رتبه آوردن در این مسابقات مطرح بشیم، بدون این که پارتی یا چیزی داشته باشیم. بنابراین مسابقه می‌تونه از این جنبه جریان خیلی مثبتی

باشه. اصولاً در دنیا همه‌ی پروژه‌های مهم رو باید مسابقه بگذارن؛ یعنی ما چیزی به اسم «ترک مناقصه» نداریم. اما برای مسابقات روند نادرستی در ایران طی شده و تخلفات رایجی مطرحه که عبارتند از:

عدم پایبندی متولی مسابقه به تعهداتی که در بیانیه گفته است: این عدم تعهد وجود داره. تعداد زیادی هم مسابقه داریم. مثل بم، مثل حتی مسابقه‌ی اکسپو که هنوز هم تا امروز جوایز داده نشده و ...

اعمال نفوذ در داوری توسط سایر حرفه‌مندان و استادان حوزه: که خیلی واضحه و نمی‌خواستیم اسم بیارم اما مثل اونها مسابقه‌ی شمس و اکسپو و ... است که واضحه.

انتخاب داوران نامرتب و غیرمتخصص در مورد موضوع

مسابقه: این آسیب خیلی بزرگ و مهمیه. من این رو کمی باز می‌کنم چون در واقع بحث امروزه. در اساسنامه‌ای که

دو سال پیش از آمریکا برای من فرستادن و بعد برای اون دبیرخونه ترجمه کردیم، اینطوری می‌گفت: «داور، باید

دارای سابقه‌ی حرفه‌ای مرتبط با موضوع مورد مسابقه

باشد» (این عین ترجمه‌ی اون جمله است). بعد تبصره

میاره؛ یعنی بند میاره که این موضوع می‌تونه طراحی باشه؛ یعنی داور می‌تونه طراح مرتبط یا تنوربیین مرتبط باشه و

لزوماً نباید در اون موضوع خط کشیده باشه. اما حتماً باید

درباره‌ی موضوع مورد مسابقه دارای نظریه‌ای باشه؛ یعنی برای مدرسه، ما باید داور تئوری داشته باشیم که دو تا

مقاله حداقل درباره‌ی آموزش در ایران مثلاً، مشکلات تبدیل

آموزش سنتی به مدرن، یا هر چیز مرتبط دیگه‌ای نوشته

باشد. که ما اینو در داوران این مسابقه به غیر از دو نفر (قراره اسم نبریم) نمی‌بینیم و بقیه کاملاً بی‌ربطن: یکی یه

کافی‌شاپ ۵۰ متری طراحی کرده، اون یکی یه دونه صندلی طراحی کرده، یکی دیگه اصلاً اعتقادی به معماری زمینه‌گرا

نداره، معماری مدرسه در جیرفت برمی‌گرده به اینکه معمار

باید زمینه‌گرایی داشته باشه. البته جزء معیارهای مسابقه هم بوده! وقتی یه معماری همه جا داد می‌زنه من مدرنم، خب اصلاً به درد داوری چنین مسابقه‌ای نمی‌خوره. این ربطی به این نداره که اون آدم بدیه، نه، خیلی آدم خوبیه، خیلی معمار خوبیه، ولی به درد موضوع این مسابقه نمی‌خوره. ما نباید اینا رو با هم قاطی کنیم.

عدم شفافیت داوران در پروسه‌ی داوری و پرهیز از

انتشار فیلم یا فایل صوتی: این همان نقطه‌ای است که

سه سال پیش من و آقای مقصودلو، سر مسابقه‌ی شمس

شماره‌ی ۳، اعتراض کردیم که اصلاً چرا بیانیه رو نمی‌گید،

چرا جدول نمره دادن رو منتشر نمی‌کنید، مگه چیکار

کردید؟ رفتیم دفتر «نقش جهان» جدول رو گرفتیم نمرات

رو دیدیم و در واقع نطفه‌ی آغازین کارگروه مسابقات

از همین جا بسته شد. در آیین‌نامه‌ها تأکید می‌کنن

که پروسه‌ی داوری اکسپوزه؛ حتی می‌تونه در یک اتاق

شیشه‌ای باشه که بقیه از بیرون اونو نگاه کنن. مثل پارلمان

آلمان که مردم از بالا می‌تونن نگاه کنن که چه خبره. در

ایران متأسفانه به دلیل همون باندبازیا که می‌دونیم،

خیلی‌ها پرهیز می‌کنن؛ یعنی حتی اگه صداشون ضبط

بشه، یه واکنش خیلی بدی دارن و میگن که صدای ما

جایی پخش نشه. خب چرا؟ کما اینکه ما در بنیاد شمس،

صدا رو پخش کردیم. ما صدای آقای نادر اردلان رو داریم

که بعد از یک دور چرخه که می‌زنن در سالن، میان به

کارفرما میگن که «کارها همه بده! خیلی بده! من خودم



مورد بعدی که در این مسابقه من متوجه شدم، بالا بودن سرعت قضاوته: من یک ماه پیش چابهار داور مسابقه بودم، «میدان‌های چابهار»، سی‌وپنج تا کار بود، سه روز تمام وقت ما داوری کردیم. چه جوری ۳۱۳ تا کار می‌تونه توی به تایم کوتاه داوری بشه؟ خب این باعث میشه حق اون طراح ضایع شه. من در مسابقه‌ی چابهار دونه دونه شیت‌ها رو با صدای بلند می‌خوندم برای داورها چون وقتی میخوندیم متوجه می‌شدیم اون چی فکر کرده و چه ایده‌ای داشته؛ ممکنه پوزانتاش بد بوده.

یه نکته‌ی دیگه هم بی‌توجهی داوران به معیارهای انتخاب طرح برتر در این مسابقه بود: طرحی که باید در جی‌رفت باشه و نباید بتونیم بلندش کنیم بیاریمش تهران. کلاً نباید بتونیم دیگه اونو بلند کنیم از اونجا، یعنی معماری صددرصد زمینه‌گرا می‌خواد. این سلیقه‌ی شخصی من نیست، جزء معیارهاست. به بیان‌های مختلف هم روش تأکید شده، پس باید مال اونجا باشه، یه رنگ‌وبویی از اونجا داشته باشه، اصطلاحاً، یه «آنی» داشته باشه که مال جی‌رفته. حتی دیگه مال شیراز هم نمی‌تونه باشه. با توجه به اینکه من با سازمان نوسازی در [زمینه‌ی] مدرسه هم سه سال کار کردم، کاری که به‌خصوص به عنوان رتبه‌ی اول در این دوسالانه انتخاب شده، هم استانداردار آموزشی نداره، هم جی‌رفتی نیست. ممکنه خیلی طرح خوبی باشه، یعنی در یک مسابقه‌ای که گفتت یه مدرسه‌ی مدرن یا فوق مدرن طراحی کنین، اصلاً خیلی هم طرح خوبی باشه. اما برای این فراخوان کاملاً بی‌ربطه.

پس بی‌توجهی داورا به انطباق با بوم، زمینه‌گرایی، اجرایی بودن و تشخیص، چیز جالبی نیست برای اون مسابقه. کاری رو که هیچ تشخیصی نداره از اصفهان میشه برد کرمان از کرمان میشه برد یزد ساخت. به کاری رو من دیدم که توی زمین نردبان گذاشته بود تا بچه بره روی بام و میشد تراز صفر صفر و یه سری اتفاقات بعدی که می‌افتاد، خب اگر یه بار به نفر جی‌رفت رفته باشه، می‌دونه که اونجا خشکه، اما باران سیل‌آسا داره. اصلاً همیشه که با نردبان بچه‌ی مردم رو برد مدرسه ... میفته میمیره! پس یه چیزایی دیگه واقعاً از بدیهیات؛ بعد داور میاد اون رو برنده اعلام می‌کنه! من از شما می‌پرسم: این چیه نشون میده؟ من می‌گم داور یا با دقت ندیده، یا سفارش شده (خیلی شفاف دارم اینو می‌گم)، و یا اینکه اون داور اصلاً بلد نیست مدرسه چیه. حالت چهارمی برای این قضیه ندارم.

نکته‌ی بعدی عدم شفافیت گروه داوری است: فیلم داوری اول روی سایت هنر معماری آپلود شد تا مردم ببینند، بعد ظاهراً توسط داوران شدیداً اعتراض شد به انتشار فیلم داوری و نهایتاً هنر معماری فیلم‌ها را برداشت. اتفاقاً به نظر من حرکت آقای خان‌زاد بسیار خوب بود ولی خب فیلم رو برداشتن. ما فیلم مسابقه‌ی باغ موزه‌ی دفاع مقدس و شمس رو هم داریم، تلاش می‌کنیم که به زودی پخش بشه و همه ببینن جر و بحث داورا رو و اصلاً نحوه‌ی داوری رو و بعد به این نتیجه هم خواهیم رسید که اصلاً در داوری بحث بی‌معناسه؛ در دنیا فقط سر رتبه‌های اول این بحث انجام میشه نه تو ۳۰۰ تا اثر. داور باید رأی مستقل داشته باشه، استیکر جدا داشته باشه، امتیاز جدا و بدون اینکه روی هم تأثیر بذارن باید نمره بدن. هر داور باید جدول جدا داشته باشه، خودش با دانش خودش بره جلوی یه کار وایسته، بگه این از نظر من از ده، پنج می‌گیره و بعد همه‌ی اینها رو معدل بگیرن؛ در واقع ما توی کارها سه مرحله ریزش

داریم. اون پنج‌تای آخر رو میشه گذاشت به ژورژمان. حتی در چابهار هم ما داشتیم که من اونجا مجبور شدم با اینکه داورا سنشون از من بالاتر بود، صدامو برم بالا و دعوا کنم بگم کسی اصلاً حق نداره نظر بده. دوستی داورا جداس ولی این، اینو خوشش اومده و دیگری، اون یکی رو. بعد یکیشون میگه اگه به این رأی بدی من دیگه باهات حرف نمی‌زنم! این دیالوگا رو من می‌شنوم توی داوری‌ها. خب اینا خوب نیست اصلاً! باعث میشه حق دیگران ضایع بشه، خوشبختانه حداقل تو چابهار من نداشتیم این اتفاق بیفته.

نکته‌ی آخر پرهیز داوران و در واقع تیم داوری از انتشار بیانیه هست: این خیلی موضوع مهمیه. احتمالاً داره در یک مسابقه، فراخوان چیز دیگری باشه، در پروسه‌ی طراحی، داوران به این نتیجه برسد که نحوه‌ی انتخاب، چیز دیگری باشه. این هیچ ایرادی نداره، اما باید خیلی شجاعانه توسط داوران اعلام بشه. بگن ما به این نتیجه رسیدیم که با وجود اینکه اولش گفته بودیم مثلاً اینجا باید زمینه‌گرا باشه، اما در این پروسه این معیار برامون دیگه مهم نیست. اما اینو باید بگن؛ یعنی به صورت شفاف با یک بیانیه که می‌تونه در حد یک صفحه‌ی A4 هم باشه و بگن ما به اینا رأی دادیم و همه امضا کنن و بهتره امتیازها هم باشن. در مسابقه‌ی «باغ نور» امضای مرحوم بهروز احمدی هست. آنقدر شفاف برخورد کردن که بیانیه رو نوشتن، کد گروه‌ها رو نوشتن و امضاهاشون رو ما یادگاری داریم. یک نسخه از بیانیه رو هم به ما دادن. یه کاتالوگی دادن که صفحه‌ی آخرش بیانیه بود و اعلام نتیجه‌ی سه تا و این به عنوان یادگاری توی کتابخونه‌ی ما هست؛ امضای داوران، بیانیه و اینکه من می‌دونم امتیازم چند بوده، رتبه‌ی اول هم می‌دونه چند بوده، رتبه‌ی بعدی‌ام می‌دونه که چند امتیاز گرفته خیلی مهمه. خب واسه همین هیچکس با اون مسابقه مشکلی نداره و میدونه کی امضا کرده. مثلاً آقای ناظرعمو که اونجا داور بودن هیچوقت نمی‌تونن دیگه زیرش بزنن چون اون کاتالوگ دست همه هست. می‌گن ما اینو امضا کردیم. اما این در دوسالانه عملی نشد و بیانیه‌ای صادر نشده. این خیلی خطرناکه، یعنی داور نمی‌خواد زیر بار رأیش بره، در واقع، می‌خواد در بره! هر جا که شد می‌گه نه نظر من نبود، مثلاً می‌گه دوستان امضا کردن و من جلسه را ترک کردم!

یک یادآوری بکنم در اینجا بد نیست. ما یکسالونیم اخیر یک بینال معماری تهران داشتیم، که آقای دکتر مظاهریان و مؤسسه‌ی صبا راه انداخته بودن و ظاهراً صدویست تا پروپوزال دریافت کرده بودند و از این تعداد، ده تا پذیرفته شده بود که با نظر خود آقای آخوندی، وزیر راه، هم انجام شده بود. این ده عدد در خانه‌ی وارطان روغمایی شد و قرار شد که ما اینها رو اجرایی کنیم. یکیش هم مال من بود به اسم «نقاشی تهران». یکیش مال آقای امیرحسین طاهری بود. یکیش مال پریس مهتاش بود. ۱۰ تا از صدویست پروپوزال، یعنی زیر ده درصد کل آثار، منتخب شدن! بنا به هر دلیلی که حالا کوتاهی‌های مختلفی هست که نمی‌خوایم بگیم، این بینال نتونست اسپانسر پیدا کنه و بودجه‌ی وزارتخونه براش کم بود و تا امروز ما نتونستیم این کارها رو اجرا بکنیم. در جلسات بارها مطرح شد از طرف مؤسسه‌ی صبا، به عنوان برگزارکننده (آقای بهزادی)، که ما به شما طراحان اعتبار دادیم. به این جمله خیلی دقت کنید، ما به شما اعتبار دادیم! در صورتی که اصلاً اینگونه نیست. اما خیلی واضح من و چند نفر دیگه، جلوی خود آقای

دکتر مظاهری گفتیم که ما به بینال اعتبار دادیم! اگر یک فراخوان داده میشه و آدم‌ها شرکت می‌کنن، شرکت کردن اونهاست که به بینال و به مسابقه اعتبار می‌ده؛ داور یا برگزارکننده بدون شرکت‌کننده اصلاً اعتباری نداره. در این مسابقه هم متأسفانه بارها از سوی داوران ذکر شده که «اعتبار ما؛ اعتباری وجود نداره. اگر سیصدوسیزده کار نمی‌اومد اصلاً اعتباری وجود داشت؟ درسته که موضوع، برگزارکننده و اسم داور می‌تونه یک اعتباری ایجاد بکنه، ولی در نهایت اونی که زحمت می‌کشه و وقت می‌گذاره داره اعتبار می‌ده و باید بهش احترام گذاشته بشه. دقیقاً توی آئین‌نامه‌ی آمریکا خیلی به این موضوع توجه شده که «این شرکت‌کننده هست که به ما اعتبار می‌دهد». اونا وقتی جهان اول هستن، یه فرق‌های اینطوری با ما هم دارن دیگه. رم کولهاست هم که داور باشه هیچوقت توی جلسه‌ی داوری نمی‌گه که من به شما اعتبار دادم! می‌گه مرسی که منو دعوت کردید، مرسی که شرکت کردین؛ یعنی نهایتاً می‌گه شما به ما منت گذاشتین و اومدین شرکت کردین.

بگذارید من با یه اسلاید، دو طرح برتر منتخب داوران و کمیته‌ای که بعداً هنر معماری تشکیل داد تا آثار رو بازبینی کنن، نمایش بدم. هر دو نفر اول در کنار یکدیگر. من خودم یه مقایسه‌ای کردم و یه سؤال دارم: روی این اسلاید کدامیک جی‌رفت است؟ اصلاً کدامیک ایران است؟ حالا روی اینکه طرح بالا (انتخاب کمیته‌ی دوم) آیا خوب است یا بد بعداً صحبت می‌کنیم. ولی مرحله‌ی اول که آقایان داوری کردن، اصلاً اینگونه نیست، با اینکه توی فراخوان اومده این باید اقلیمی باشه. به نظر میاد همون طرح بالایی [انتخاب کمیته‌ی دوم] یا یه چیزی شبیه اون باید در داوری اول برنده میشد.

نکته‌ی آخر؛ اینکه مسابقه بسته به اینکه سطحش چیه، یعنی فاز یکه، کانسپته و یا فاز دو هست هم در انتخاب طرح‌ها خیلی مؤثره. الان من توی این مسابقه شیت‌هایی می‌بینم که عدم برابری دارن با همدیگه. یکیشون فقط کانسپت خیلی خوبی داشته، یکیشون نقشه داره ولی خیلی کار بدیه. یکیشون هم بینابینی هست؛ یعنی می‌تونه در آینده یه چیزی ازش دربیاد. بنابراین این هم دوباره برمی‌گرده به داورها به نظر من. وقتی داور تکلیفش مشخص نیس که ما امروز اومدیم تو اتاق داوری کنیم یه کانسپت خوب، فاز یک خوب، یا فاز دو خوب رو ببریم بیرون، اینجوری میشه که پنج تا داور یه کانسپت رو می‌برن بیرون، دوتا داور فاز یک رو که این بده؛ این یعنی عدم هماهنگی در تیم داوری. الان هنر معماری تو فراخوان، همون اول دقیقاً قید کرده که من فاز یک می‌خوام. خب فاز یک به‌رحال معلومه چیه. بعد کارها اکران میشه و شما می‌گی چرا اولی کانسپته، دومی نقشه داره؟ چرا اولی نقشه داره دومی فقط یه 3D ساده است؟ چه جوری اینا رتبه آوردن؟ چرا اینا همسنگ هم نیستن؟ این هم باز برمی‌گرده به اینکه یه چک‌لیستی باید باشه. چک‌لیست بسیار دقیقی باید برای مسابقات تهیه بشه، من خیلی تلاش کردم این چک‌لیست رو برای ایران تهیه کنم، ولی واقعاً نتونستم. خود مدارک رو باید بهش امتیاز بدیم. شما گفتین مدارک، برش، نما و ... یکی مدارک کامل نداده و حالا شما لطف کردین در حذف آثار، حذفش نکردید، اما بعد رتبه‌ی اول شده! اینکه همیشه! یه نفر باید دور بزنه چک‌لیست رو و علامت بزنه ببینه خواسته‌ها رو داده یا نه.



طرح برتر منتخب کمیته‌ی انتخابی و مورد تأیید دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی ملی، به داوری دکتر سیروس باور و دکتر سیاوش تیموری و مهندس عبدالرضا ذکایی



طرح برتر منتخب اعضای هیئت داوران هشتم نفره (داوری اولیه و ابطال شده توسط دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی ملی)



منتقد مدعو نشست نقد و گفت‌وگو پیرامون دوسالانه: دکتر شیوا آراسته (دبیرخانه برای نهادینه شدن حرفه‌ی نقد و اجرای بهتر برنامه، اقدام به تبادل اطلاعات و همکاری دوسویه و شفاف با منتقد نمود).
[عکاس تصاویر این دو صفحه: سپیده ابراهیمی مهر]

مسئله‌ی بعدی که با آن مواجه شدم، این بود که دوری سریع‌تر از زمانی که می‌بایست اتفاق بیفته، انجام شد. نکته‌ی دیگر اینکه من موافق نیستم که دبیرخانه‌ی دوسالانه، زودتر از وب‌سایت رسمی مجله‌ی هنر معماری در اینستاگرامش مطالب رو اعلام کنه. می‌بایست به زمان مسابقه و آنچه در مجله به طور رسمی اعلام شده، پایبند می‌بود، نه اینکه در فضای اینستاگرامی از مخاطب بپرسه که آیا موافقین در این تاریخ جشن باشد یا نه. بعد هم دو، سه نفر کامنت بذارن و تصمیم‌گیری بشه. این امر یک جورایی به حاشیه رفتن بود و من برای مجله‌ی هنر معماری جایگاهی بالاتر از پاسخگویی در اینستاگرام قائل هستم. دفتر ما در مسابقه‌ای با عنوان مجموعه‌ی فرهنگی بامیان که توسط یونسکو برگزار شد، شرکت کرد. کلیه‌ی اطلاعات در قالب یک پی‌دی‌اف ۸۶ صفحه‌ای برای شرکت‌کننده‌ها اعلام شد. با خواندن این پی‌دی‌اف انگار رفتین بامیان و برگشتین. این پی‌دی‌اف به همراه فیلمی که توسط سازمان یونسکو تهیه شده بود، تمامی نکاتی که یک شرکت‌کننده ممکنه با آنها مواجه بشه رو در خود داشت؛ فرهنگ، اقلیم، پیشینه‌ی تاریخی، رویکردها، منابع طبیعی، دسترسی به آب، توپوگرافی زمین، نقشه‌های دقیق و درست، بودجه‌ای که قراره اختصاص داده بشه، به همراه برنامه‌ی فیزیکی دقیقی که باید رعایت می‌شد. درحالی‌که در یک مسابقه در ایران، همچین مطالعاتی رو نداریم و به خاطر همین مطلبه که وقتی طرح‌ها رو نگاه می‌کنیم، به دلیل نداشتن یک برنامه‌ی فیزیکی از پیش تعیین شده، از نظر میزان توده‌گذاری متفاوت هستن. درسته که معمار باید در

رو انجام می‌دادید، ولی به هر دلیلی انجام نشد. یک سری اتفاقات که در دو، سه سال اخیر ما باهاش مواجه بودیم، مثل مسابقه‌ی بانک پاسارگاد، مسابقه‌ی شمس و مسابقات دیگر، باعث شد من در جریان این امور باشم و اصولاً این مسائل رو دنبال کنم. رسیدن به یک نتیجه‌ی خوب برای من مهم‌تر از اینه که کار دفتر ما در این شانزده کار منتخب باشه یا نباشه. من به عنوان کسی که از روزهای اول اعلام فراخوان مسابقه آن رو دنبال کردم، می‌خوام روایتی رو از پروسه‌ی برگزاری مسابقه داشته باشم. شروع مسابقه یک اتفاق ارزشمند بوده و به واسطه‌ی سوژه، برنامه، حامی و برگزارکننده‌ی خوب آن، نقطه‌ی عطفی محسوب می‌شد. مسابقه با زمان‌بندی دقیق و از پیش تعیین شده، همراه با داورهای متفاوت – که این مسئله رو هم حتی بخشی از ویژگی‌های مثبت مسابقه می‌دانم – اعلام شد، اما بعد از این شروع و اتفاق خوب، من احساس می‌کنم که سیستم برگزاری مسابقه، در هدایت این جریان، دچار یک سری مشکلات شد. از جمله‌ی این مشکلات اینه که اطلاعات اعلام شده به شرکت‌کنندگان، به عنوان مستندات مسابقه، تغییر می‌کنه، به عنوان مثال قرار بود سه نفر از داوران برای نقد باشن و پنج نفر برای بخش طراحی. اولین ایرادی که من به این روند می‌گیرم اینه که روابط دوستانه، مانع از بیان صریح نظرات می‌شه، هر هشت داور در قضاوت طراحی شرکت می‌کنند و این به نظر من جای سؤال داره. چرا این اتفاق باید بیفته. دلیل اینه که تعداد آرای بیشتر این مسئله رو بهتر می‌کنه که بدتر هم می‌کنه.

اگر نداده باشه باید حذف شه. اگر کسی مقیاس کار رو رعایت نکرده باید حذف شه. اگر کسی سایت رو رعایت نکرده باید حذف شه. در مسابقه‌ی شمس شماره‌ی سه، رتبه‌ی اول کلاً نصف شهر رو برده بود زیر ساخت‌وساز! خیلی کاراش هم خوبه، دوست خومونه اما آخه همیشه که! اگه اینطوری باشه پس دیگه فراخوان چیه، می‌گن سایت اینجاس، من میرم اونجا طراحی می‌کنم، اصلاً چه دلیلی داره من بخوام توجه بکنم! پس این چک‌لیست هم [آقای خانی‌زاد] بسیار مهمه، جدول، حکمه، شما باید اینو بدین به داوران. این چک‌لیست باید علامت بخوره. وگرنه اینجوری اغتشاش میشه و یکی با یه پر 3D رتبه میاره، یکی دیگه با ده شیت مدارک هیچی نمیشه.

در جریان هستین که من سردبیر یکی از بخش‌های میان‌رشته‌ای مجله‌ی طراح هستم؛ بخش «قضاوت و نقد» پرونده‌ی دوم ماست که شماره‌ی سوم ما هم داره درمیاد. در اون مجله هم به شدت روی این مسائل و وجوه نقد کار کردیم که دعوت می‌کنم دوستان حتماً مطالعه بفرمایند. از حضور شما سپاسگزارم.

نظرات حضار در جلسه:

[بخشی از نقدها و گفت‌وگوهای حضار، طبق درخواست ایشان بدون ذکر نام در اینجا مطرح می‌گردد.]

فرشاد کازرونی: در خصوص دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی مجله‌ی هنر معماری، این دبیرخانه می‌تونست نقش نظارتی داشته باشه و این امر از نظر من دخالت نیست، بلکه نظارته، و شما آقای خانی‌زاد می‌بایست این کنترل



زمینه طراحی و کانسپ آزاد باشه، ولی این آزادی باید در چهارچوب اصول و برنامه‌ی مسابقه باشه. در مسابقه‌ی بامیان بحث بودجه به درستی مطرح شده بود و ما در این مسابقه حتی این امر را هم نداشتیم.

از طرف دیگه، من احساس می‌کنم که یک غیرهمسویی‌ای بین آنچه که به عنوان راهکار از سوی کمیته‌ی برگزارکننده در شماره‌های آخر هنر معماری اعلام شد، با آنچه که در داوری اتفاق افتاد، داریم. در ضمن من این نقد را دارم که سیصدوسیزده عدد پروژه در یک روز و در مدت زمان حدوداً ده ساعت مورد داوری قرار گرفت؛ یعنی هر پروژه حدوداً کمتر از دو دقیقه. این زمان نمی‌تونه برای بررسی تمامی ابعاد یک پروژه برای داوران کافی باشه. در انتها اگر نسبت به آنچه که داوران به عنوان طرح نهایی اعلام کردن، نقدی وجود داشت، نباید نتایج اعلام می‌شد، نباید مراسم جشن برگزار می‌شد و نباید جوایز رو می‌دادید. در واقع می‌بایست کمیته‌ی برگزارکننده‌ی مسابقه دوباره در تعامل با داوری این مسئله رو به نتیجه می‌رسوند، چرا که مجله‌ی هنر معماری در وادی معماری ایران جایگاه والایی داره و داورها نیز قابل احترام هستن.



اتفاق بدی که در نهایت بر اثر شتابزدگی برگزارکننده برای رسیدن به نتیجه انجام شد، فراخوان نظرسنجی مردمی بود که نتیجه‌ی آن سردرگمی بیشتر بود. در این زمینه نیز، برگزارکننده‌ی مسابقه و داورها، قبل از هر اقدامی می‌بایست در یک جلسه‌ی اینچنینی به یک جمع‌بندی می‌رسیدند که هم اعتبار مجله‌ی هنر معماری و هم اعتبار داورها رعایت می‌شد و در آخر، پروژه‌های منتخب، پروژه‌های معتبر و ارزشمندی هستند که لزوماً جواب سؤال مطرح شده نیستن و داوری مجدد هم نوعی شتابزدگی بود.

آذین سلطانی: در ادامه‌ی صحبت‌های آقای کازرونی می‌خواستم چند نکته رو اضافه کنم؛ از جمله اندازه و تعداد شیت‌ها. تعداد شیت‌های اعلام شده برای مسابقه، پنج شیت A3 بود که آنقدر کوچیکه که من این تصور برام پیش میاد که باید فقط پنج تا تصویر سه‌بعدی خوب بزنم و تحویل بدم. گرچه ما دیاگرام‌ها و نقشه‌های زیادی هم تهیه کردیم. در مدارک اعلام شده برای مسابقه، باید تعداد و مقیاس نقشه‌های مورد نیاز مشخص بشه، همین‌طور ارائه‌ی ماکت. ارائه‌ی ماکت به صورت دلخواه چندان مناسب نیست؛ یا باید ماکت باشه یا نباید باشه. در مسابقه‌ی بامیان حتی گفته بودن چند تا تصویر سه‌بعدی داخلی و چند تا خارجی، چند تا نما و مقطع و با چه مقیاسی لازمه. شما با این دقت مدارک مورد نیاز رو اعلام نکرده بودین. شرایط ارائه‌ی کار برای شرکت‌کننده‌ها باید یکسان باشه تا داور بتونه به درستی قضاوت کنه. شما سه تا مسابقه رو با هم اعلام کردین. من با این موضوع مشکل داشتم. لازم نیست همه‌ی این موارد با هم اتفاق بیفتن. مسابقه‌ی جیرفت خودش به اندازه‌ی کافی بزرگ بود.



الان من نمی‌دونم بخش نمایشگاه آثار برتر رو چه کسی داوری کرده و چرا اینجوری داوری شده. نکته‌ی بعدی مبلغ جایزه‌ست. چرا تناسبی بین جایزه‌ی نفر اول و دوم نیست؟ اولی ۳۵ میلیون تومان و دومی ۱۰ میلیون تومان. چرا انقدر فاصله؟ یعنی طرح اول اینقدر بهتر از طرح دوم و سوم بوده؟ من باید اضافه کنم که استفاده از رأی مردمی می‌تونه وجود داشته باشه، حتی اگر ما زیرساختش رو نداشتیم باشیم، ولی این روش زمانی جوابگو خواهد بود که رأی‌گیری مردمی و اعلام نتایج مسابقه توسط داورها، مثل جایزه‌ی «Architizer» به صورت همزمان اتفاق بیفته، در غیر این صورت نه تنها نتیجه‌ی درستی به دست نیاید، بلکه حتی در مواقعی در مقابل رأی داورها جبهه‌گیری هم ایجاد می‌شه.



یکی از حضار: می‌خواستم بپرسم اگر توی مسابقه‌ای کارفرما با شرکت‌کننده لابی‌کنه تکلیف بقیه شرکت‌کننده‌ها چیه؟

شیوا آراسته: راهش فقط شکایت به دبیرخانه‌ی دائمی است که الان دیگه نداریمش. زمان آقای سیدرضا هاشمی ما اون دبیرخانه رو داشتیم که آخرین شکایت بررسی شده هم مسابقه‌ی بم بود که آقای مشهدی‌میرزا شکایت کرده بودن که اون پرونده دو سال طول کشید. ما دبیرخانه‌ی رسیدگی به شکایات داشتیم در اون دبیرخانه‌ی دائمی که پروسه‌اش پروسه‌ی حقوقی بود و خیلی طول می‌کشه ... برای نسل جوان این باید برسه به یک لایحه یا مصوبه‌ی مجلس یا شورای عالی انقلاب فرهنگی. اگر به اونجا برسه، اونوقت هرکسی می‌تونه بره شکایت کنه. در حال حاضر یه مصوبه‌ی سال ۸۱ داریم که هیچ‌کاری نمیشه باهاش کرد. یکی از حضار: چیزی که از صحبت‌های دوستان برداشت شد اینه که مشکلات مشخصه. چند ساله که ما داریم می‌گیم داورى اشکال داره و روابط نمی‌دازه داورى درست انجام بشه و منابع هم ناقصه؟ از یه دوسالانه انتظار نمی‌ره که این اشتباهات تکرار بشه. آقای دکتر صارمی در جشن ملی دوسالانه راجع به اخلاق حرفه‌ای حرف زدن. من خواهش من اینه که روابط رو بذاریم کنار. هرچی که باعث میشه براساس رابطه یه زحمت اینجوری در حقیقت اجحاف بشه یا اینجوری داورى بشه. مثلاً اگه قراره ژوری بعداً انتخاب بشه، بگویند که من بدونم فقط صحت دبیرخونه (هنر معماری) رو تأیید کنم و شرکت کنم.

علی دبیریان: ما سیستم نداریم. ما سیستماتیک نیستیم. برای من خیلی جالب بود که داورى کاری که سه یا چهار ماه رویش فکر شده توی دو دقیقه انجام شده. یا داورایی هستن (با عذرخواهی) که یکی از دوستان من در دفتر واژه‌ی «duffarchitects» رو براشون گذاشت و گفت من از این گروه داورى می‌ترسم ... ۳۱۳ نفر شرکت کردن و خیلی‌ها ناراضی بودن، اما کجا هستن؟ چرا اینجا نیومدن؟ همین تعداد اینجاییم فقط؟ من بسیار تعجب کردم، اما انتظاری هم نمیشه داشت. موضوع شانس و موضوع سلیقه خیلی در این کار دخیله. توی فیلم‌های داورى چیزی که من حس کردم اینه که کار خیلی سلیقه‌ای بوده. یکی از داورها می‌گفت: «من آب دوست دارم!» اینکه یکی آب توی کارش هست یا نیست یعنی چی؟ باید ببینیم آب اونجا به درد می‌خوره یا نمی‌خوره. یا وقتی من طرح اول رو دیدم گفتم: «خب پس یه سری کوره‌های آدم‌پزی داریم درست می‌کنیم اونجا». طرف اصلاً نمی‌دونه پایداری یعنی چی ... اصلاً نمی‌دونه کشاورزی یعنی چی که ادعاش رو می‌کنه. باغچه‌ی ده در ده مترمربعی ذرت یعنی خنده! یکسال برداشت می‌کنیم و سال بعد باید فکر کنیم چجوری خاکش رو جمع کنیم!

هنر معماری: اینکه معمار در زمینه‌ای که داورى می‌کنه باید کار اجرایی داشته باشه خیلی نکته‌ی مثبتیه. این نکته رو باید بیشتر رویش مانور بدیم و فرهنگ‌سازی کنیم.

شیوا آراسته: کار اجرایی نه ... یا باید در اون زمینه یا پروسه‌ی طراحی رو طی کرده باشه و در جریان موضوع باشه، یا مطالعه داشته باشه. یه سری چیزها هم هست مثل مسابقه‌ی شمس، ما آقای کیارستمی رو داشتیم. اون میشه یک آیتم دیگه. وقتی بخش هنری میاد، می‌گیم برای



↑↑ [عکاس: حسین برازنده]



[عکاس: پگاه پایه‌دار اردکانی]

اینکه این طرف کادر رو خوب دیده باشه، حالا یک عکاس هم داور باشه. ولی اون دیگه نمی‌تونه راجع به پایداری معماری رأی بده. نمی‌تونه حق برابری توی رأی داشته باشه. چیزایی که من امروز صحبت کردم هیچ کدوم صحبت من نبود. همش مال کشورهای پیشرفته بود؛ کسانی که از ما جلوترند. مال آلمان و آمریکا بود که داور حتماً باید در موضوع مورد طراحی صاحب‌نظر باشه. اینکه داور باید در موضوع مورد طراحی صاحب‌نظر باشه که اصلاً بحثی توش نیست. بحث من اینه که ممکنه که یه طراح، روند طراحی متفاوتی داشته باشه. به تعداد طراحان، روند طراحی متفاوت وجود داره. مسلماً وقتی داور هم میاد داوری می‌کنه برای هرکدوم از پارامترها ارزش متفاوتی قائل میشه. اینکه داوران بیان به یه مورد به ترتیب اهمیت بدهند یا اهمیت خاصی بدهند رو من باهش مشکل دارم. اونو صورت مسئله تعیین میکنه. اونو کارفرما میکنه. کارفرما اگر اقتصاد پروژه برش مهم باشه، میگه من پروژه اقتصادی می‌خوام، پس اقتصاد پروژه ۱۰۰ امتیاز. اگر پروژهی کانسپتچوال بخوام، مثل بامیان، اون بحث دیگه‌ایه. ببینید ربطی به داور نداره. داور به نوعی مجری نظرات کارفرماست. مسابقه تخیلی نیست، مسابقه رو داور برگزار نکرده. مسابقه هدف داره. داور کاتالیزوره (به عنوان متخصص) که برای انتخاب طرح برتر به کارفرمای وزارت فلان جا که اصلاً متخصص نیست، کمک کنه. بنابراین داورها حتماً باید تابع اون جدول، چک‌لیست و معیارهای کارفرما باشن.

یکی از حضار: من فکر می‌کنم اگر بخواهیم این کار رو بکنیم اونوقت اساس اینکه بیایم چندتا داور رو انتخاب کنیم میره زیر سؤال. ما میایم داورا رو چند نفر در نظر می‌گیریم که بیان نظرات مختلف رو لحاظ کنن.

شیوا آراسته: به نظرم حتماً اساسنامه‌ی مسابقات جهانی رو حداقل برای دو کشور مطالعه کنین. من در میدان‌های چابهار رفتم داوری کردم در صورتی که به نظرم اصلاً طرح‌ها خوب نبود، اما من با توجه به خواسته‌ی شهردار، فرماندار و استاندار، انتخاب کردم. در پروسه‌ی داوری من داور اصلاً مهم نیستیم. اون بخش «من» کاملاً میره کنار. داور باید به پروسه‌ی درست طراح رأی بده. بخش من داور بخش سلیقه‌ی داوره. رم کولهاست وقتی داوره یه جور داوری می‌کنه، وقتی طراحه یه جور دیگه طراحی می‌کنه. این دوتا اصلاً باهم قابل مقایسه نیستن.

یکی از حضار: موضوع دیگه اینه که داور چطور ممکنه طرحی رو انتخاب کنه که کارفرما یا اون خیری که می‌خواد اجرا کنه، اون با یه نگاه سریع بفهمه که این اصلاً قابل اجرا نیست.

شیوا آراسته: خیلی ممکنه! شما ۲۵ سال داوری رو در ایران نگاه کنین. رتبه‌ی اول بسیار بی‌ربط بوده، رتبه‌ی چهارم ساخته شده چون اجرایی بوده. من فکر می‌کنم شما جسارتاً باید یه مقدار اطلاعاتتون رو به روز کنین چون چیزایی رو دارین مطرح می‌کنین که مال ماقبل تاریخه. ما اصلاً اون پروسه‌ها رو طی کردیم. بحث داوری و بحث سواد داوری اصلاً هموم شده. داوری که کل رزمه‌ی معماریش دوتا نمای معماریه،

می‌دونه مدرسه چیه. یه نکته‌ای که در تمام جلسات معماری مطرح میشه و اخیراً هم من در جلسه‌ای در وزارتخونه بودم، جلسه‌ای که آقای دکتر حناچی دعوت کرده بودن از تشکل‌ها. اینه که بیست‌ودو تا مشاور طرح تفصیلی حتماً باید اونجا بیان و دونه‌دونه توضیح بدن چه جنایاتی در مناطق تهران انجام دادن. آقای دکتر موافقت کردن، ولی دو سه تا مشاوره که روبروی من نشسته بودن از جمله مشاور منطقه‌ی ۲۲، مشاور منطقه‌ی ۱۲، کسانی که فاجعه به بار آوردن توی این شهر، به من اعتراض کردن در جلسه که «اسم نبرید»، من این رو یک بار باید اینجا بگم و بعداً هم در فضای مجازی می‌نویسم. ببینید این قضیه‌ی «اسم نبرید طرف باید باشه تا دفاع کنه»، یک جمله‌ی کلیشه‌ای کهنه‌ی بی‌ربط (با عذرخواهی) مزخرفه! چرا؟ چون در هنرهای تجسمی، در رشته‌ی معماری، در فیلم، در سینما، تعریف یک مؤلف اومده بیرون و شما می‌تونن اونو نقد کنی. مگه من می‌تونم به شما بگم کتاب‌های ارنست همینگوی رو نقد نکن چون خودش مُرده؟ یا اینجا حاضر نیست. وقتی نظر من، مغز من، تبدیل به گزاره میشه و میاد بیرون، قابل نقد هست دیگه. این علم نقد هست. قانون نقده. حالا وقتی من بگم آقای خان‌زاد مثلاً جیب منو زده، باید خودش باشه دفاع کنه! این اتهامه! درست هم هست. نباید نام برد و طرف باید باشد تا دفاع کنه. خوب این دوتا رو از هم جدا کنین. اتهام و نقدا! این رفتار اصلاً حرفه‌ای نیست. مگه من می‌تونم الان به شما بگم فیلم فروشنده رو نقد نکن چون خود اصغر فرهادی توی جلسه نیست؟ مگه من می‌تونم بگم کتاب سقوط فلان یا صادق هدایت رو نقد نکن؟ چند تا نقد بعد اینها نوشتن؟ اصلاً اگر نظریه‌ی برانداز وجود نداشت، مگه میشد از کانت و هگل و اینها برسیم به هایدگر و ویتگنشتاین؟ مُرده بودن اونا ولی کتابشون وجود داشت و نقد شد که باید هم بشه. بنابراین در معماری هم «اثر»، چیزی است که ما آوردیمش روی کاغذ. گزاره شده. طرح جامع و طرح تفصیلی در تهران اجرا شده، گزاره شده، مشاور باید اولاً تحمل نقد را داشته باشد، اسمش هم برده بشه و باید بیاد جواب هم بده که چرا پنج طبقه؟ این اصلاً چیزی نیست که مشاور یا نماینده‌ش حضور داشته باشه یا نباشه. این موضوعیه که من با دو تا جامعه‌شناس هم مطرح کردم و گفتن متأسفانه در ایران در واقع این یک مغلطه است. این رو پس حواسمون باشه. امروز ما می‌تونستیم حتی در این جلسه اسم ببریم. آقایان انتخاب‌هاشون رو کردن. اون موقع ما حق صحبت نداشتیم. اما الان گزاره مشخص شده است. هم ما می‌تونستیم بگیم کدوم داور چیکاره است و چرا؟ ما می‌تونستیم بگیم کی با کی حتی کرکسیون کرده. چون اتفاق افتاده، چون گزاره‌ست. کلی میگما! اصلاً تهمت نیست. اون داور هم میتونه جواب من رو در یک رسانه‌ی دیگه بده. لطفاً همه این رو جا بندازید در جمع‌های معماری؛ ما اثری رو که می‌بینیم می‌تونیم نقد کنیم، چون گزاره شده و به هیچ عنوان نیازی به حضور صاحب اثر نیست. چه کتاب باشه، چه شعر باشه، چه موسیقی باشه، شما موسیقی رو

گوش میدی میگی مزخرفه. خب همونجا باید صاحبش باشه برات توضیح بده؟ معنی نداره اصلاً. موسیقی رو میده بیرون و اصلاً هموم شده دیگه کارش. این نکته‌ای است که من امروز هم دوست داشتم خیلی شفاف‌تر باهش برخورد شه، شما از من خواستین که اسم نبرم، من هم نبردم، ولی اگر جلسه‌ی شفاف باشه، ما نمی‌تونیم منکر نقش آقای صفامنش در اکسپو و آقای اردلان در شمس بشیم. در این مسابقه هم من به وضوح می‌تونم بگم کدوم داور چیکار کرده. حداقل بیست ساله می‌شناسم دوستان رو و بنابراین بیان و جواب بدن. چون همون‌طور که آقای خان‌زاد در ابتدای جلسه گفتن، ما یا باید شفاف صحبت کنیم، یا اینکه هی خواهش می‌کنم و قربان شما (از این دست تعارفات) راه بندازیم که ما رو به جایی نمی‌رسونه. باید اون داور رو بیاری، بهش بگی چرا این کار رو کردی؟ وقتی دو بار ازش پرسیدی، دفعه‌ی سوم دیگه اون کار رو نمیکنه و بعد هم بره یه پست بذاره!

یکی از حضار: من خیلی خوشحالم امروز شما رو دیدم و آشنا شدم با شما. حاصل این جلسه فقط همین جملات اخیر شما اگر باشه، رودربایستی رو کنار بذاریم و شفاف باشیم، خیلی خوب میشه.

یکی از حضار: کدوم کارها توی نشریه چاپ میشه؟ **هنر معماری:** شاید ۱۶ تای اول اما بعد از تحقیقات مشخص خواهد شد.

شیوا آراسته: به نظر من حتی یکی یک صفحه مثل شمس تیریزی، همه‌ی کارها رو چاپ کنین. ۳۱۳ تا نه ولی حداقل ۴۰ یا ۵۰ تا رو چاپ کنین. این نظر منه؛ میخواین رأی‌گیری کنین.

هنر معماری: اگه نگن هنر معماری چاپ میکنه که بفروشه؛ یعنی اونایی که کارشون چاپ شده بیان بخرن. **شیوا آراسته:** شما کاری نداشته باشین. من یه جمله‌ای اون روز توی فیس‌بوکم نوشتم؛ رهبر گروه ارکستر پشتش رو به همه می‌کنه و کارش رو انجام میده. این نشون میده که اگر ما یه وقتایی توی زندگیمون لازمه که پشتمون رو به همه بکنیم و کار خودمون رو درست انجام بدیم، اما به موقعش همه بلند میشن برامون دست میزنن. شما چه کار دارید که چی میگن؟ شما کار خودتونو انجام بدین.

شیوا آراسته: من می‌خواستم از هنر معماری تشکر کنم که این جلسه را گذاشت. این خودش شفافیت این دبیرخونه رو نشون میده. امیدوارم افراد بیاین و پاسخگو باشن که البته ظاهراً نیومدن. به‌رحال جلسه‌ی پرباری بود از شما ممنونم.

هنر معماری: ممنون خانم دکتر آراسته از راهنمایی و حضورتان در این جلسه‌ی نقد. ما از حضور همه‌ی سروران تشکر می‌کنم، امیدوارم این فرهنگ گفت‌وگو و پاسخگو بودن در بین تمام اقشار و نهادهای کشورمون از هر جایگاهی که هستند نهادینه بشه. دعوت می‌کنم در ادامه‌ی برنامه ضمن پذیرایی مختصری که تدارک دیده شده از نمایشگاه آثار برتر بخش سوم دوسالانه هم دیدن نمایید. با تشکر. آخر هفته‌ی خوبی داشته باشید.



به نام خدا

تاریخ: ۹۵/۰۹/۱۵

شماره: ۹۵/۲۹

پیوست: ندارد

بیانیه‌ی ابطال آرای هیئت داوران (داوری اول)

موضوع: ابطال آرای هیئت داوران دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران در بخش نخست (طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه در جیرفت) (داوری اول)

ضمن عرض پوزش از دانش‌آموزان روستای دهنو جیرفت، ۳۱۳ گروه شرکت‌کننده در بخش نخست دوسالانه، مخاطبین و جامعه‌ی معماران گرامتایه به علت طولانی شدن زمان تحقیقات این دبیرخانه پیرامون رسیدگی به اعتراضات وارده نسبت به داوری بخش نخست دوسالانه و انجام وظایف قانونی و اخلاقی، مانند نظارت مسئولین دبیرخانه‌ی دوسالانه بر برگزاری صحیح و منطقی داوری و محصولات آن - و نه دخالت در امر فرایند داوری - و لزوم حمایت از حقوق شرکت‌کنندگان دوسالانه، بدینوسیله به اطلاع کلیه‌ی عزیزان می‌رساند که آرای داوران بخش نخست (طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه در روستای دهنو از توابع جیرفت) از دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران، کتباً و به طور رسمی مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۵ باطل و کلیه‌ی شانزده اثر برگزیده‌ی ایشان نیز از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌گردند. این تصمیم، طبق ماده‌ی دوم از قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران مبنی بر روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم و عطف به مواد سی‌ویکم و سی‌ودوم از بخش چهارم آئین‌نامه‌ی جامع برگزاری مسابقات معماری: پی‌گیری احقاقک سایر حقوق شرکت‌کنندگان و برگزارکننده (توسط مدیر) و رسیدگی به اعتراضات (توسط مدیر) اتخاذ گردید. همچنین طبق بند بیستم از ماده‌ی سوم، بخش پنجم آئین‌نامه‌ی جامع پس از اتمام داوری نهایی، داور هیئت داوری موظف است گزارشی کتبی مشتمل بر دلایل داوری خود را به مدیر عرضه کند و مدیر این گزارش را همراه با گزارش تکمیلی خود به برگزارکننده ارائه دهد که در این مسابقه چنین رخ نداده است.

دلایل تصمیم اتخاذ شده به شرح ذیل می‌باشد:

۱. عدم دریافت گزارش داوری و بیانیه‌ی هیئت داوران این بخش در چرایی و چگونگی انتخاب آثار و نحوه‌ی تطبیق آنها با اهداف و معیارهای اعلام شده، علی‌رغم گذشت بیش از سه ماه از زمان داوری. لازم به ذکر است که این دبیرخانه در بازه‌های زمانی ذیل پیگیر دریافت بیانیه‌ی هیئت داوران از آثار انتخابی خود بوده است:
 - از تاریخ ۱۱ شهریور (تاریخ داوری) تا تاریخ ۲۶ شهریور (زمان برگزاری جشن ملی دوسالانه): جهت قرائت بیانیه‌ی هیئت داوران در جشن
 - از تاریخ ۲۶ شهریور تا پایان وقت اداری روز ۲۹ شهریور (ضرب‌الاجل تعیین شده توسط دبیرخانه برای دریافت بیانیه با توجه به گذشت پانزده روز از زمان برگزاری داوری و لزوم پاسخگویی به نامه‌ها، اعتراضات و شکایات شرکت‌کنندگان)
 - از تاریخ ۲۹ شهریور تا تاریخ ۱۲ مهر (اتمام نظرسنجی مردمی به علت تخلف رأی‌دهندگان و برگزاری نشست کمیته‌ی انتخابی متشکل از مشاوران عالی‌رتبه‌ی هنر معماری برای بررسی دقیق‌تر آثار برتر و اعتراضات وارد شده و طرح پیشنهادات)
 - از تاریخ ۱۲ مهر تا ۱۵ آذر (زمان اتمام تحقیقات دبیرخانه و ابطال نهایی داوری و آغاز تهیه‌ی ویژه‌نامه و کتاب دوسالانه)
۲. وجود شبهه‌ی غیرقابل اثبات و پیگیری پیرامون تعدی و تخطی از قوانین دبیرخانه و آئین‌نامه و عرف حاکم بر مسابقات معماری، مانند اعلام اسامی برندگان پیش از برگزاری جشن ملی و اعلام رسمی توسط دبیرخانه، حداقل پیرامون یکی از سه رتبه‌ی نخست

با مجوز رسمی به شماره ثبت ۱۷۷۲۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تهران، خیابان مفتاح شمالی، پایبنتر از خیابان مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه همکف، واحد ۶
 تلفن: ۰۱-۸۸۳۴۲۹۶
www.aoa.ir aoapub@ymail.com



۳. وجود هیچ‌گونه انطباق علمی و منطقی بین اهداف و معیارهای دوسالانه با منتخبین بخش نخست و در نهایت عدم تأمین مسائل فنی و اجرایی مورد نظر دبیرخانه، به عنوان کارفرما و برگزارکننده‌ی رویداد، توسط آثار برگزیده
۴. عدم همکاری و ارائه‌ی اسناد فنی فاز دو و اجرایی توسط منتخب اول به دبیرخانه پیرامون پیگیری، تدقیق و ساخت اثر
- بنابراین با پیگیری و برگزاری جلسات کارشناسی، طرح پیشنهادی کمیته‌ی انتخابی (آقایان دکتر سیاوش تیموری و دکتر سیروس باور) و مشاور اجرایی هنر معماری (مهندس عبدالرضا ذکائی، بنیانگذار مهندسین مشاور پل‌میر) به انجمن خیرین مدرسه‌ساز جهت اجرا در صورت تأمین منابع مالی ابلاغ خواهد گردید. همچنین تعهدات به آثار منتخب داوران مبنی بر اجرای طرح نخست و چاپ آثار برگزیده‌ی ایشان در ویژه‌نامه‌ی دوسالانه - شانزده طرح برتر - از سوی این دبیرخانه لغو می‌گردند.
- آثار منتخب کمیته‌ی انتخابی جهت نشر در ویژه‌نامه و کتاب دوسالانه:
- رتبه‌ی نخست منتخب کمیته، کد ۱۱۹:** از اصفهان، دفتر معماری فضا، رویداد، شهر (Use Studio)، محمد عرب، مینا معین‌الدینی، الهه حاج دایی و میلاد علیدوستی)
- جایزه: دریافت تندیس دوسالانه + لوح تقدیر دبیرخانه + چاپ در ویژه‌نامه و کتاب دوسالانه + بررسی جهت ساخت
- رتبه‌ی دوم منتخب کمیته، کد ۱۷۲:** از مشهد، استودی طراحی پژوهی آوات (رضا اشرف‌یزدی، آرمین مودی، فرشید بشکار، مهسا عباس‌زاده، عمادالدین مطهری و میلاد قارونی)
- جایزه: لوح تقدیر دبیرخانه + چاپ در ویژه‌نامه و کتاب دوسالانه + بررسی جهت ساخت
- رتبه‌ی سوم منتخب کمیته، کد ۲۵۴:** از تهران، سمن بزازیان، محمدرضا خسروی و مهدیه رحیمی طرقی
- جایزه: لوح تقدیر دبیرخانه + چاپ در ویژه‌نامه و کتاب دوسالانه + بررسی جهت ساخت
- رتبه‌ی چهارم منتخب کمیته، کد ۲۷۰:** از تهران، گروه معماری آن (مهرداد حبیبی، شبنم خزلی، زینب عابدی، روزبه قائم‌مقامی، گیل‌آوا روحی‌پور، سحر اسدزاده زرگر، سعید کبیری، صبا تقی‌زاده)
- جایزه: لوح تقدیر دبیرخانه + چاپ در ویژه‌نامه و کتاب دوسالانه
- رتبه‌ی پنجم منتخب کمیته، کد ۱۹۱:** از تالش (گیلان)، مینا تقی‌زاده و محمدامین تقی‌زاده
- جایزه: لوح تقدیر دبیرخانه + چاپ در ویژه‌نامه و کتاب دوسالانه

شهریار خان‌زاد

مدیرعامل مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری هنرمعماری قرن

و دبیر دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران



با مجوز رسمی به شماره ثبت ۱۷۷۲۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تهران، خیابان مفتاح شمالی، پایتنت از خیابان مطهری، خیابان زهره، خیابان قابوسنامه، پلاک ۱، طبقه همکف، واحد ۶ | تلفن: ۰۱-۸۸۳۴۲۹۶
 www.aoa.ir | aoapub@ymail.com

قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند
فتنه می بارد از این سقف مقرنس برخیز
در بیابان فنا گم شدن آخر تا کی
بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم
تا به میخانه پناه از همه آفات بریم
ره بپرسیم مگر پی به مهمات بریم

حافظ

حاصل اوقات ...

در خاتمه، دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی ملی از ۵۷۴ گروه شرکت‌کننده به پاس حضور، حمایت و پیگیری‌هایشان تشکر می‌نماید. دبیرخانه همچنین به دلایل ذیل و با پذیرفتن سهم خود در این اتفاق تأسف‌برانگیز و عملکرد غیرقابل‌باور اعضای هیئت داوران (نخست) از بچه‌های روستای ده‌نو جیرفت، ۳۱۳ گروه شرکت‌کننده و بیش از ۱۲۰۰ نفر طراحان و معماران درگیر بخش نخست و بیش از ۲۵۰۰ نفر شرکت‌کننده در کل بخش‌های دوسالانه، جامعه‌ی معماری کشور و مردم سرزمین عزیزمان، صمیمانه پوزش و عذرخواهی می‌نماید.

۱. انتخاب هیئت داورانی که علی‌رغم حرفه‌ای بودن در فعالیت‌های طراحی، معماری، پژوهشی، کسب رتبه و داوری در مسابقات معماری و طراحی داخلی کشوری و بین‌المللی و اخلاق‌مداری، برای داوری بخش نخست دوسالانه به هیچ‌عنوان حرفه‌ای عمل نکردند. این دوستان با وسواس فراوان انتخاب شده بودند، ولی متأسفانه در داوری دوسالانه بسیار بی‌دقت، ضعیف و غیر حرفه‌ای عمل نمودند.

۲. عدم صدور بیانیه‌ی توسط هیئت محترم داوران به عنوان حداقل وظیفه‌ی قانونی. همان‌گونه که گفته شد، طبق قانون و براساس ماده‌ی بیست‌وهفتم از آئین‌نامه‌ی جامع برگزاری مسابقات طراحی معماری و شهرسازی مبنی بر «تهیه‌ی صورت رسمی جلسه‌ی داوری و گزارش کتبی روال و نتیجه‌ی داوری برای برگزارکننده و عموم (توسط رئیس هیئت داوران)»، داوران موظف به ارائه‌ی بیانیه هستند و همچنین بند بیستم از ماده‌ی سوم، بخش پنجم آئین‌نامه‌ی جامع «پس از اتمام داوری نهایی، داور هیئت داوری موظف است گزارشی کتبی مشتمل بر دلایل داوری خود را به مدیر عرضه کند. مدیر این گزارش را همراه با گزارش تکمیلی خود به برگزارکننده عرضه می‌کند».

۳. زمان بسیار کوتاه داوری برای ۳۱۳ پروژه، (حدود ۱۰ ساعت) علی‌رغم اینکه طی هماهنگی قبلی دبیرخانه با اعضای هیئت داوران مقرر گردیده بود در دو روز پنج‌شنبه و جمعه مورخ ۱۱ و ۱۲ شهریور صورت گیرد.

۴. انتخاب طرح‌های برتر و نخست توسط داوران بدون توجه به هیچ‌یک از اهداف و معیارهای اعلام شده در فراخوان دوسالانه. ۵. عدم حضور و پاسخگویی به شرکت‌کنندگان در خصوص نحوه‌ی انتخاب طرح‌های برتر توسط اعضای هیئت داوران در جلسه‌ی نقد در سالن کنفرانس کاخ نیاوران مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۱۵. ۶. حذف موقت فیلم‌های داوری از روی سایت اختصاصی هنر معماری به دلیل ناراحتی، انتقادهای شدید و نامعقول تعدادی از اعضای هیئت داوران به دبیرخانه‌ی دوسالانه.

۷. اجرای نامطلوب بخش اهدای جوایز به گروه نخست توسط مجری جشن

۸. کمبود فضا برای نشست تمامی مهمانان علی‌رغم گنجایش حدود ۴۵۰ نفری تالار قلم کتابخانه‌ی ملی

۹. عدم اعلام نمایشگاهی از آثار بخش سوم همزمان با نمایشگاه طرح‌های برتر بخش طراحی مدرسه توسط مجری که در کنسرتور برنامه قید گردیده بود.

۱۰. عدم دقت در بکارگیری ادبیات صحیح برای شنوندگان، شرکت‌کنندگان و مهمانان عزیز ساکن اصفهان و شیراز در متن بیانیه‌ی دوسالانه که موجب سوءتفاهم برای اهالی شهرهای

فوق گردید؛ منظور دبیرخانه با توجه به آثار رسیده، فاصله‌ی بسیار کیفیت معماری شهرهای تهران، اصفهان و شیراز با دیگر شهرهای کشور بود که به اشتباه فاصله بین تهران با شهرهای اصفهان و شیراز اعلام گردید.

۱۱. طولانی شدن زمان تحقیقات و رسیدگی به شکایت شرکت‌کنندگان و جامعه‌ی معماری در رابطه با انتخاب طرح‌های برتر توسط هیئت داوران و ابطال کامل آرای داوران بخش نخست و شفاف شدن این مسائل بر مخاطبان تا انتشار این ویژه‌نامه

دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران در بخش‌های مختلف آمار ذیل را ارائه می‌دهد:

• بخش نخست، طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه‌ی جیرفت: مشارکت نهایتاً ۳۱۳ گروه از طبقات مختلف حرفه، از مهندسین مشاور تا گروه‌های انفرادی

• بخش دوم: دریافت ۴۸ نقدنامه درحوزه‌های مختلف تاریخ و تئوری معماری

• بخش سوم: دریافت ۲۱۳ اثر اجرا شده و نشده در طی دوسال اخیر از سراسر کشور، ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵

• مجموعاً ۵۷۴ گروه و بیش از ۲۵۰۰ نفر شرکت‌کننده در دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران.

این دوسالانه در زمینه‌های ذیل خط‌شکنی نمود و مرزهای دانش و بینش معماران را توسعه داد:

۱. برای نخستین بار در جهان: اعطای یک نشان معماری (نشان دکتر علی اکبر صارمی) برای اقدامات در زمینه‌ی مسئولیت‌های اجتماعی

۲. برای نخستین بار: چاپ کتاب دوسالانه از ماحصل رویداد و بخش‌های متنوع آن

۳. برای نخستین بار: اعطای یک نشان ملی در چارچوب معماری و معماران

۴. برای نخستین بار: دریافت آثار به صورت تمام دیجیتال و نه به صورت چاپ شده و اسراف کاغذ، هزینه‌های پست، سرمایه‌های مالی و انسانی (صرفه‌جویی حداقل ۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان برای شرکت‌کنندگان)

۵. برای نخستین بار: جایزه‌ی ملی نقد معماری ایران

۶. برای نخستین بار: نمایشگاه آثار برتر اجرا شده و نشده به صورت متناوب

۷. برای نخستین بار: اهمیت به نمایش کانسپت‌های اجرا نشده

۸. برای نخستین بار: ایجاد وب‌سایت اختصاصی، امن و قدرتمند برای اطلاع‌رسانی دوسالانه

۹. برای نخستین بار: برگزاری رأی‌گیری مردمی برای انتخاب بهترین اثر طراحی شده در بستر اینترنت

۱۰. برای نخستین بار: برگزاری یک جلسه نقد و گفت‌وگو پیرامون دوسالانه توسط دبیرخانه‌ی دوسالانه‌ی ملی و دعوت از عموم منتقدین و اساتید محترم و همچنین اعضای هیئت داوران جهت اعلام نظر پیرامون دوسالانه و پاسخگویی به پرسش‌های شرکت‌کنندگان و جامعه‌ی معماری کشور در تالار کنفرانس کاخ نیاوران

۱۱. برای نخستین بار: برگزاری فیلم جلسه‌ی داوری بر روی وب‌سایت جهت مشاهده توسط جامعه‌ی معماری، شرکت‌کنندگان و شفاف‌سازی مراحل داوری

۱۲. برای نخستین بار: چاپ تعدادی از نقدها و پیشنهادات ارسال شده در تمام رسانه‌های مربوطه با هدف ارتقای معماری کشور

۱۳. برگزاری یک جشن ملی با حضور تمام طیف‌های معماری کشور، در زیر یک سقف (تالار قلم کتابخانه‌ی ملی به عنوان تنها تالار تمام دیجیتال کشور و یکی از سه سالن برتر ایران) با حضور بیش از ۷۰۰ نفر از مخاطبین (استفاده از مزایای ظرفیت حدود ۴۵۰ نفری سالن)

۱۴. استفاده از مشاوران عالی‌رتبه برای سیاستگذاری و اقدامات

۱۵. استفاده از تیم ترکیبی داوران جوان و باتجربه (برای جوانان الزام تعهد نسبت به مبنای مسابقه و در نظر گرفتن اهداف و معیارها باید در نظر گرفته شود).

۱۶. تنوع بخش‌ها و پوشش جامع مسائل معماری کشور

۱۷. ایجاد دبیرخانه‌ی فعال، پیگیر و پاسخگو در طول ۱۲ ماه مدت‌زمان برگزاری دوسالانه و پس از آن به صورت دائمی

۱۸. ایجاد بسترهای مختلف تلفنی، ایمیلی، تلگرامی و اینستاگرامی جهت پاسخگویی لحظه‌ای به مردم

۱۹. درگیر نمودن بیش از ۲۵۰۰ نفر از معماران کشور در سه بخش، زیر چتر یک دوسالانه‌ی ملی

۲۰. شرکت کاملاً رایگان در تمامی بخش‌ها و جشن دوسالانه برای عموم علاقه‌مندان با حمایت حامیان محترم

۲۱. داوری تمامی مراحل دوسالانه در زمان موعود و طبق برنامه‌ی اعلام شده

۲۲. اهدای ۶۰۰ جلد از کتاب‌های فضای هیبریدی و سروده‌های خاک در روز جشن ملی با هدف فرهنگ‌سازی و آشنایی مخاطبین با دو قطب تئوریک معماری نوظهور دیجیتال و معماری نوین با خاک و فرهنگ‌های مربوطه

۲۳. اقدامات فرهنگی در جهت رشد و اعتلای معماری و تولید اصول جدید در مسابقات معماری کشور (به دلیل قدیمی بودن آئین‌نامه‌ی جامع مسابقات معماری)

۲۴. ایجاد نخستین و تنها بنیاد انسان‌دوستانه‌ی معماری برای ساخت مدرسه و ارجاع کار و تعامل با خیرین مدرسه‌ساز و سایر نهادهای انسان‌دوستانه

۲۵. ایجاد نخستین آکادمی بین‌المللی منتقدین و نویسندگان معماری با هدف تربیت منتقدین معماری

۲۶. ایجاد پورتال دائمی دومین دوسالانه در فضای وب و قرارگیری تمام اطلاعات و اسناد رویداد برای استفاده‌ی پژوهشگران بر بستر اینترنت

ما ساعت‌ها زمان گذاشتیم و این گزارش را نوشتیم. بارها آن را خواندیم و جرح و تعدیل نمودیم اما باز آنی که می‌بایست نشد. شگفتا که حافظه‌ی مشترک همه‌ی ایرانیان، «حافظ»، صدها سال پیش به ساده‌ترین و موجزترین و شیواترین حالت ممکن حق مطلب را ادا نموده و جان دل را سروده است. حال بگذریم که چگونه او همیشه در بزنگاه‌های زندگی ما سر از روزمرگی‌های ما درمی‌آورد و آن را از نو جان می‌بخشد.

Primary School of Jiroft Design Competition

بخش اول

مسابقه‌ی طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه‌ی روستای ده‌نو – جیرفت (منتخبین کمیته‌ی انتخابی)

این بخش به معرفی پنج اثر منتخب کمیته‌ی انتخابی برای انتخاب بهترین اثر بخش نخست دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران (طراحی مدرسه‌ی شش کلاسه‌ی ابتدایی در روستای ده‌نو از توابع جیرفت – کرمان) اختصاص دارد. سلامت عملکردی، ایده‌یابی از مسائل منطقی، معقول و مرتبط با موضوع پروژه از صفات اصلی این آثار است که برای اقدامات فاز دو و معرفی به خیرین جهت اجرا در دست مطالعه و بررسی می‌باشند.

تمامی توضیحات پروژه‌های این بخش توسط شرکت‌کنندگان نوشته و ارسال شده است و جهت حفظ سبک نگارشی ایشان، سعی بر اعمال کم‌ترین تغییرات ویرایشی در آنها نموده‌ایم.

رتبه‌ی نخست کمیته‌ی انتخابی

A1-119

دفتر معماری فضا، رویداد، شهر (USE Studio)
محمد عرب، الهه حاج‌دایی، مینا معین‌الدینی و میلاد علیدوستی



u s e . s t u d i o s @ g m a i l . c o m

دبستان به عنوان اولین فضایی که کودک پس از خانه در برخورد با جامعه آن را تجربه می‌کند نقش مهمی در رشد شخصیت اجتماعی‌اش دارد. در این راستا، نقش فضای آموزشی در کنار سایر فاکتورها در سیستم آموزشی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. زمان حضور کودک در مدرسه به دو بخش عمده تقسیم می‌شود: حضور در کلاس و یا کارگاه‌ها و زمان استراحت که به بازی و تعامل با سایرین و رفتارهای کودکانه می‌پردازد، که حتی ممکن است این بخش از حضور کودک در مدرسه نقشی پررنگ‌تر در رشد شخصیت اجتماعی و خلاقیت‌های وی داشته باشد، لذا در این طرح، سعی شده به هر دو فضا پرداخته شود و فضاهای جمعی به گونه‌ای طراحی گردد که:

- متناسب با الگوهای معماری بومی بتوان به کنترل صحیحی از نور و مصرف انرژی دست یافت. (استفاده از فضاهای باز، نیمه‌باز)
- با شکل‌گیری طرح متکی بر ساختاری دموکرات، آزادی عمل را در رفتارهای دانش‌آموزی تقویت نماید.
- با خلق فضاهایی با کیفیات و کمیت‌های گوناگون، فضاهایی متنوع جهت رفتارهای دانش‌آموزان در فصول مختلف سال و مقاطع مختلف فراهم آورد.
- با توجه به قرارگیری مدرسه در روستا، امکان استفاده‌ی دختران و پسران را در زمانی واحد فراهم آورد، به گونه‌ای که درعین‌حال هر گروه فضاهای متعلق به خود را داشته باشند.

- فضاها قابلیت کشف شهود داشته باشد تا به تقویت حس کنجکاوی و خلاقیت کودک کمک نماید.

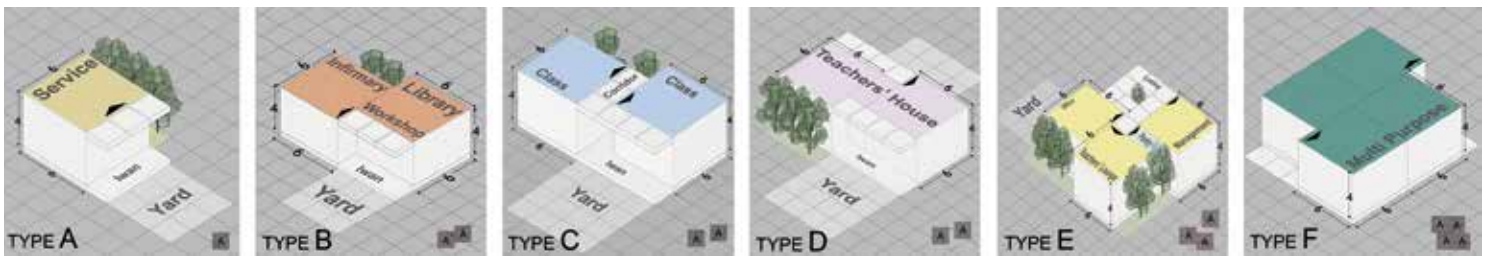
بنابر عوامل فوق، تلاش شده تا برخلاف آنچه سال‌ها متکی بر ساختاری دیکتاتورمآبانه، بر فضاهای معماری آموزشی ما حاکم است و کلیه مدارس از یک فضای ساخته شده و یک حیاط صف‌بندی و بازی شکل گرفته‌اند، در این طرح، به تکیه بر ساختاری دموکرات به ترکیبی متنوع از فضاهای پر و خالی دست یابیم. واحد اولیه در طراحی این مدرسه را مکعبی ۶ متر در ۶ متر با ۴ متر ارتفاع تشکیل می‌دهد که با قرارگیری آن در کنار هم به پنج گونه‌ی اولیه دست می‌یابیم. کلیه‌ی فضاهای مدرسه با تکرار این قطعات در کنار هم شکل می‌گیرند که این امر نتایج زیر را به دنبال دارد:

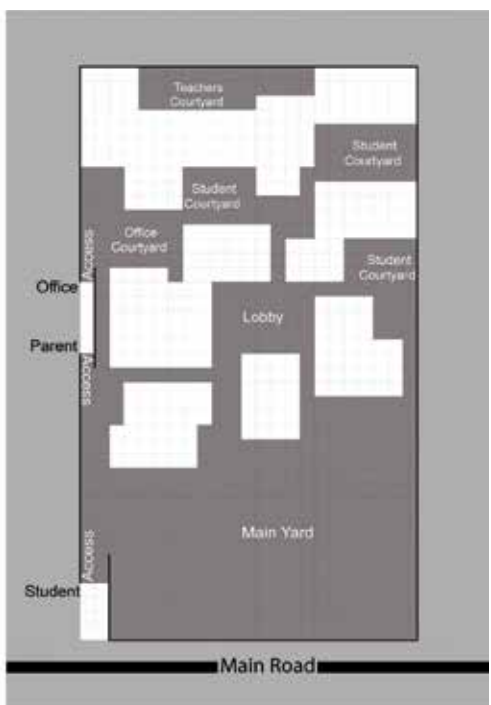
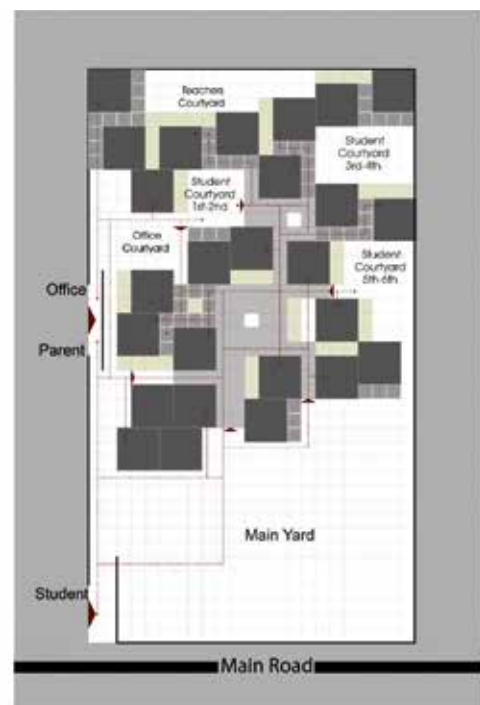
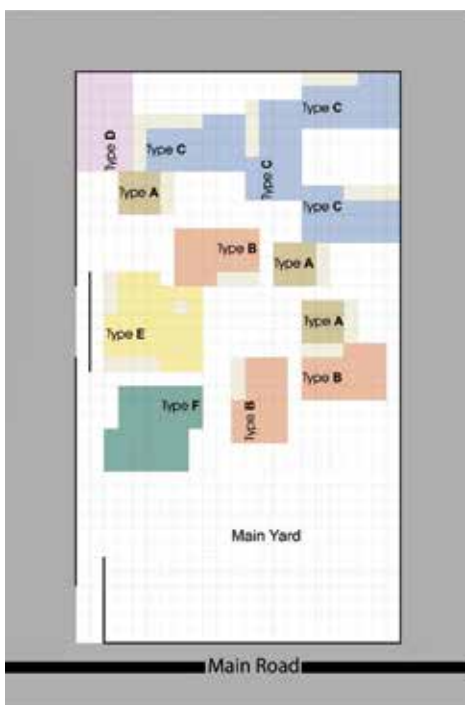
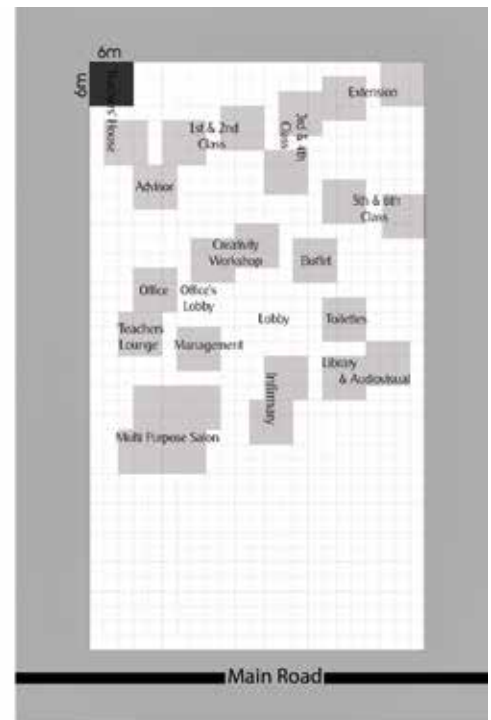
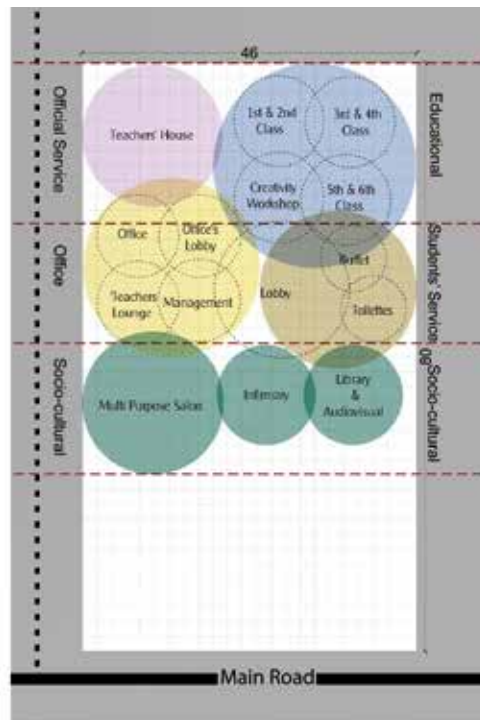
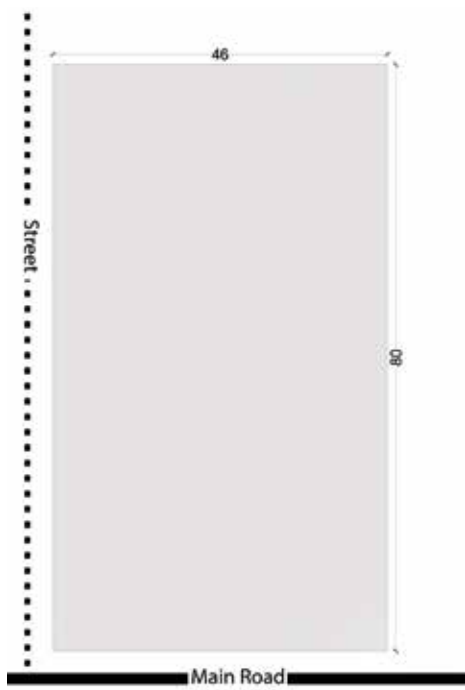
- سادگی و سهولت اجرا با تمامی شیوه‌های رایج در ساخت‌وساز و همچنین استفاده از تکنیک‌های معماری بومی.
- گرچه فضاها متنوع و گوناگون می‌باشند، ولی درعین‌حال سلول اولیه‌ی شکل‌دهنده‌ی مدرسه، یکی از خواناترین احجام هندسی می‌باشد که می‌تواند در ارتباط ذهنی کودک و فضای مدرسه مؤثر باشد و به خوانایی فضایی منجر گردد.
- با توجه به ساختار طرح، این امکان وجود دارد که بخش‌هایی در آینده به مدرسه افزوده گردند و یا آنچه که امروز ضرورت ندارد، اجرا نشود، بدون آنکه تأثیری بر ساختار طرح داشته باشد.

همچنین در سازماندهی عملکردی فضاها، متکی بر ویژگی‌های رفتاری، تلاش شده به گونه‌ای این امر صورت پذیرد که:

- با توجه به قرارگیری طرح در منطقه‌ای محروم، کتابخانه، اتاق بهداشت و سالن چند منظوره‌ی طرح، بتواند در ساعات و فصولی که مدرسه باز و یا بسته است در اختیار مردم روستا و مناطق همجوار قرار گیرد.
- ۶ کلاس به ۳ بخش دو کلاسه با فضای ارتباطی و حیاطی مشترک تقسیم می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که در کنار کلاس‌های نظری، کارگاه‌هایی جهت فعالیت‌های هنری و خلاقانه‌ی کودکان سازماندهی شود که با توجه به موقعیت و شرایط اجتماعی می‌توانند برنامه‌ریزی گردند.
- فضاهای اداری در مرکز، به گونه‌ای سازماندهی شده‌اند که با بخش آموزشی و فرهنگی-اجتماعی در ارتباط باشند. درعین‌حال با دسترسی مجزا، امکان ارتباطی راحت‌تر با والدین را برقرار سازند.
- همچنین با توجه به موقعیت قرارگیری طرح، فضایی جهت اقامت معلمان و یا سرایداری سازماندهی شده که حیاط و دسترسی مجزا داشته و یا در صورت عدم لزوم حذف گردد.

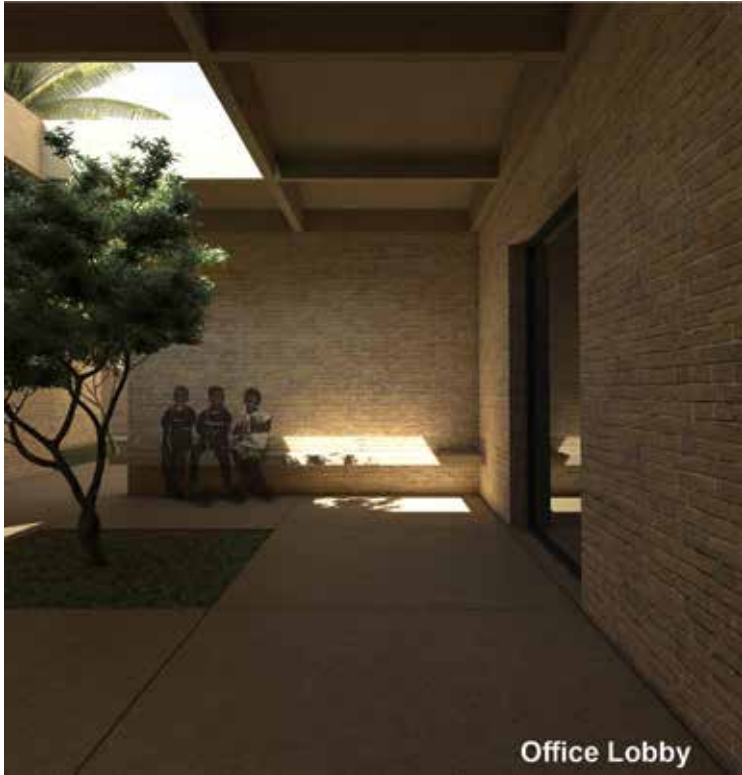


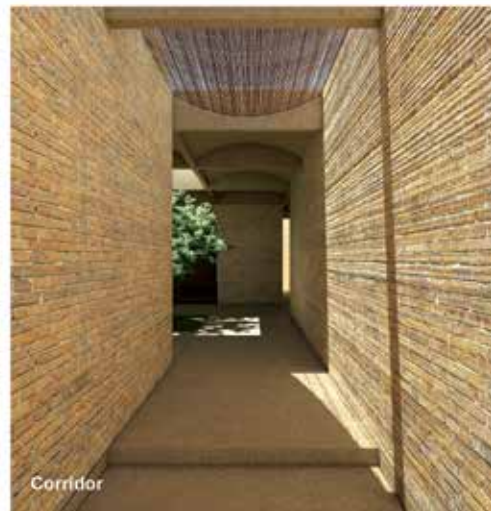
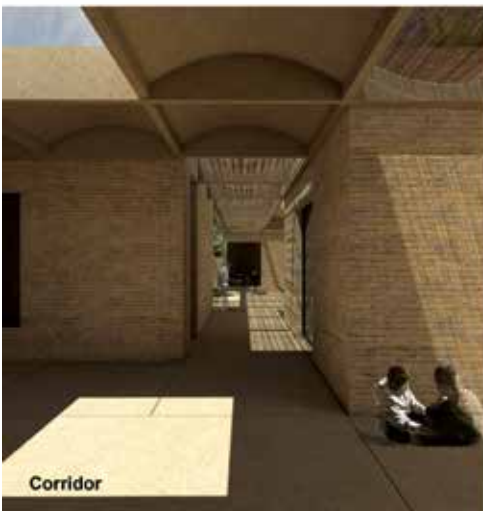
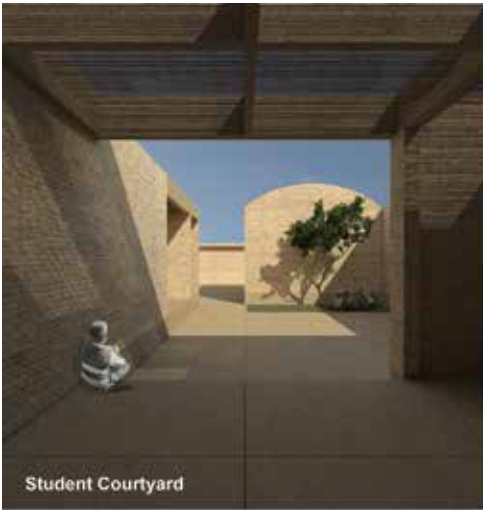




سازماندهی و تحلیل فضایی اثر







رتبه‌ی دوم کمیته‌ی انتخابی

A1-172

استودیوی طراحی پژوهی آوات

رضا اشرف یزدی، آرمین مودی، فرشید بشکار، مهسا عباسزاده، عمادالدین مطهری و میلاد قارونی



avat.architectures.studio@gmail.com

با توجه به موضوع طرح، فرایند طراحی در سه بخش پیش‌طراحی، طراحی و توسعه‌ی طرح، برنامه‌ریزی شد. گام‌های تدوین شده برای هر بخش به شرح زیر است:

بخش نخست؛ پیش‌طراحی: این بخش، شامل بیانیه‌ی مأموریت و برنامه‌دهی است. با توجه به موضوع طرح، بیانیه‌ی مأموریت، طراحی فضای آموزشی مطلوب و کارآمد می‌باشد. بنابراین در گام برنامه‌دهی با توجه به جدول برنامه‌دهی، تمامی ابعاد مرتبط با موضوع، مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت، که قطعاً حاصل مطالعات میان‌رشته‌ای مرتبط با معماری است و با توجه به این امر مطالعات اصلی در چهار بخش بوم، تکنولوژی، روان‌شناسی و آموزش به عنوان موضوعات برجسته در طراحی این پروژه پی گرفته شد.

بخش دوم؛ طراحی: با توجه به داده‌ها و اطلاعات حاصل از مطالعات طرح، مسئله‌ی اصلی و مسائل مرتبط با طرح، بیان می‌گردند و مطالعات، به صورتی هدفمند جهت پاسخگویی به مسئله‌ی اصلی پروژه صورت می‌گیرد. در این طرح، مسئله‌ی اصلی پروژه به چگونگی تغییر در نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و رفتار دانش‌آموزان می‌پردازد که خود در راستای بیانیه‌ی مأموریت پروژه نیز می‌باشد.

با توجه به مسئله‌ی اصلی پروژه، مطالعات به صورتی هدفمند پی گرفته شدند و در راستای پاسخگویی به مسئله‌ی اصلی و مسائل مرتبط با طرح، الگوی نظرها (ایده‌ها) شکل گرفت و از این طریق، مبانی نظری طرح تدوین شد، در گام بعد تلاش شده است الگوی نظرها با نگاهی خلاقانه به الگوی طرح تبدیل گردد.

بخش سوم؛ توسعه‌ی طرح: در راستای پاسخگویی به مسئله طرح و الگوی نظر حاصل از آن و در پی آن الگوی طرح، ساخت‌مایه (کانسپت) طرح شکل گرفت و الگوی طرح‌های پشتیبان در جهت پیشبرد مسئله‌ی اصلی و به تبع آن، بیانیه‌ی مأموریت در راستای توسعه طرح ترکیب گردید.

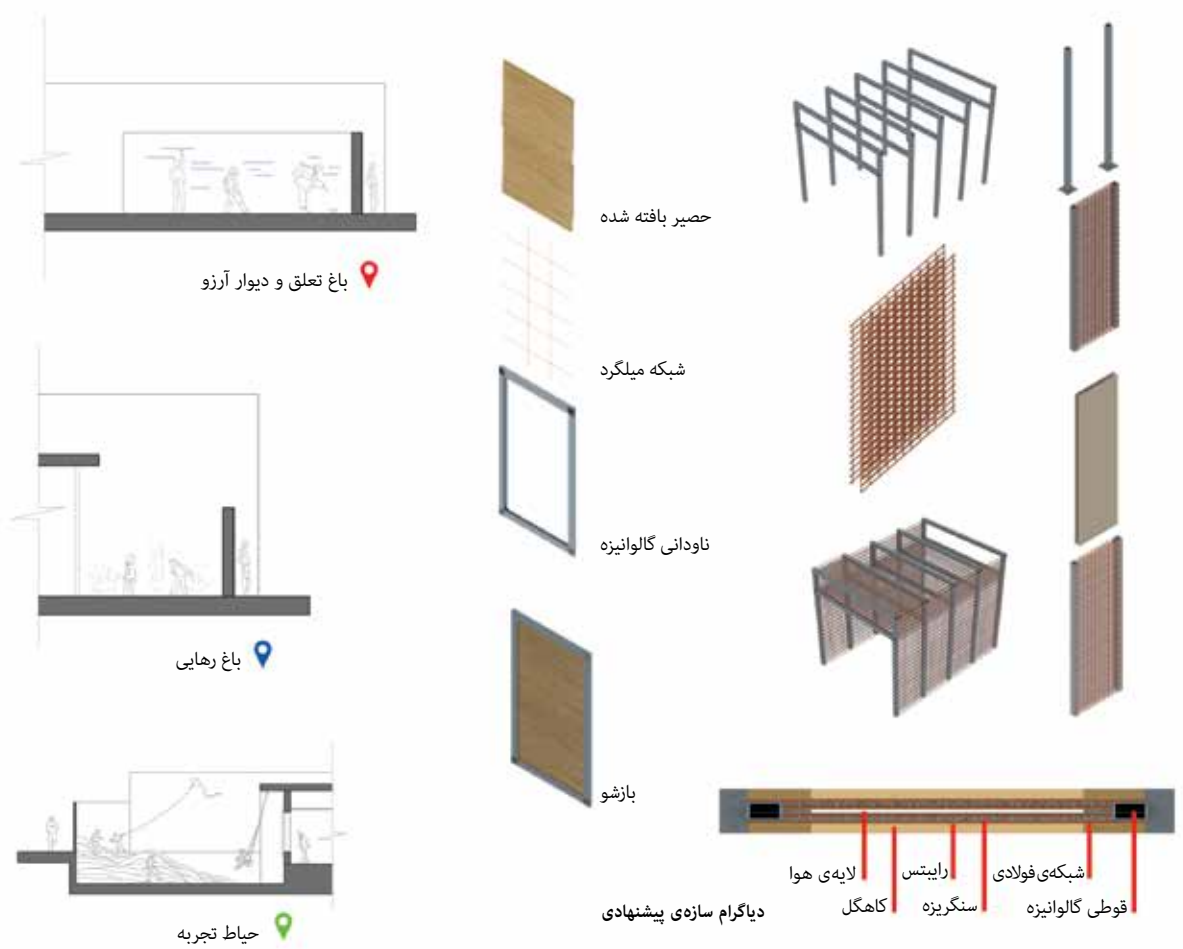
از این رو، در این طرح، ساخت‌مایه‌ی پروژه در راستای خلق محیطی به منظور تأکید بر یادگیری، استقلال و ابتکار دانش‌آموز (حوزه‌ی آموزش) و تجربه‌پذیری، حس تعلق، پیوند با عوامل طبیعی محیط و تعاملات با یکدیگر (حوزه‌ی روان‌شناسی محیطی) شکل گرفته و تداعی آن در معماری به واسطه‌ی الگوی طرح‌های متعدد ممکن گردیده است.

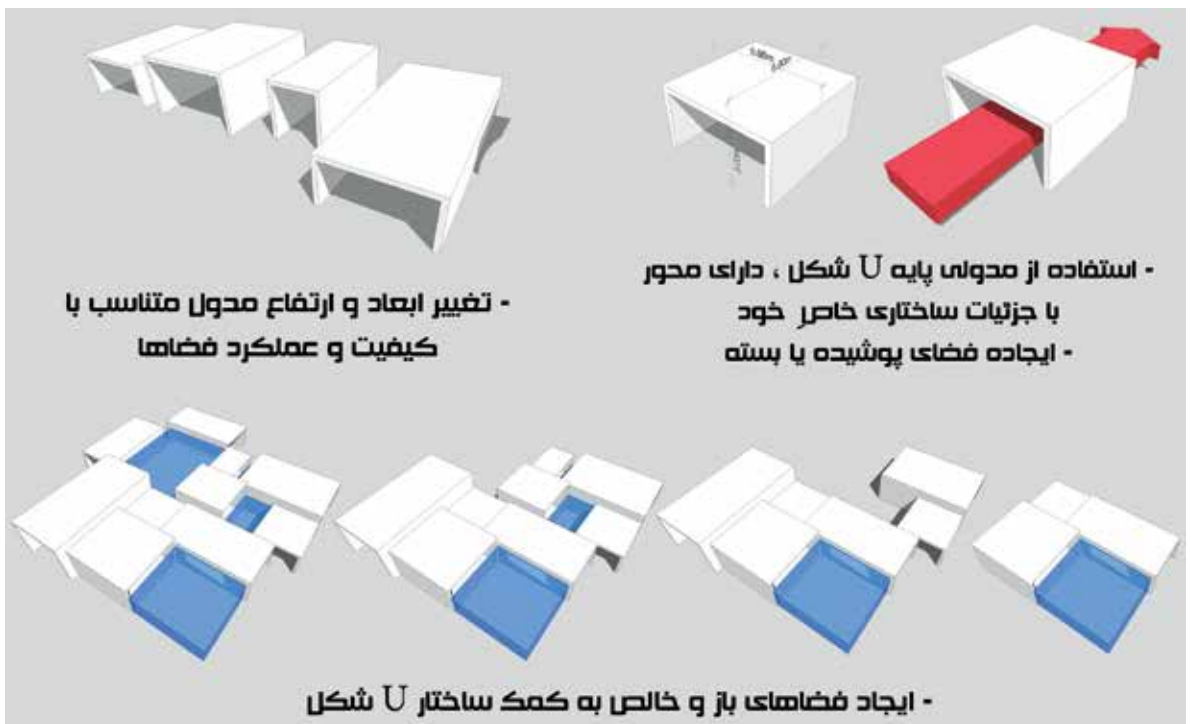
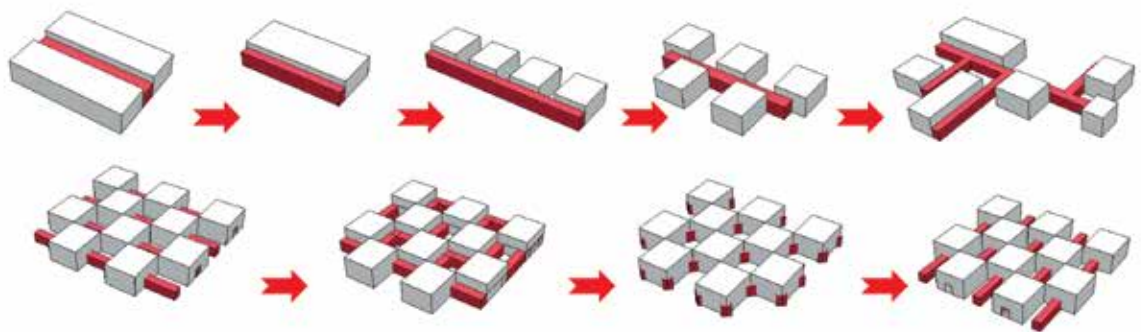


Scale 1:200

پلان همکف

- | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|-----------------------|----------|------------|-------------|--------------------|----------|------------------|---------------|--------------|-----------------|------------------|--------------------------|---------------|-----------------|------------|-------------------|--------------|-----------|----------------|----------------|----------------|------------------|-----------------|-----------------------|-----------------|----------------|-----------|--------------|
| ۱. عرصه اجتماعی روستا | ۲. ورودی | ۳. حیاط صف | ۴. نمازخانه | ۵. فضای چند منظوره | ۶. رختکن | ۷. سرویس بهداشتی | ۸. کلاس تئوری | ۹. کلاس عملی | ۱۰. اتاق مدیریت | ۱۱. اتاق استراحت | ۱۲. اتاق بهداشت و پرورشی | ۱۳. آبدارخانه | ۱۴. لابی انتظار | ۱۵. آبخوری | ۱۶. فضای نیمه باز | ۱۷. باغ تعلق | ۱۸. تالاب | ۱۹. دیوار آرزو | ۲۰. حیاط تجربه | ۲۱. حیاط رهایی | ۲۲. زمین والیبال | ۲۳. زمین فوتبال | ۲۴. حیاط ورودی آموزشی | ۲۵. ورودی سوئیت | ۲۶. حیاط سوئیت | ۲۷. سوئیت | ۲۸. کتابخانه |
|-----------------------|----------|------------|-------------|--------------------|----------|------------------|---------------|--------------|-----------------|------------------|--------------------------|---------------|-----------------|------------|-------------------|--------------|-----------|----------------|----------------|----------------|------------------|-----------------|-----------------------|-----------------|----------------|-----------|--------------|







رتبه‌ی سوم کمیته‌ی انتخابی

A1-254

سمن بزازیان، محمدرضا خسروی، مهدیه رحیمی طرقي
رندرينگ: محسن دهقانی



m o h a m m a d r e z a _ k h o s r a v i i @ y a h o o . c o m

کلید واژگان و عباراتی که پس از شنیدن صحبت‌های بچه‌های روستای دهنو ما را به فکر واداشت:

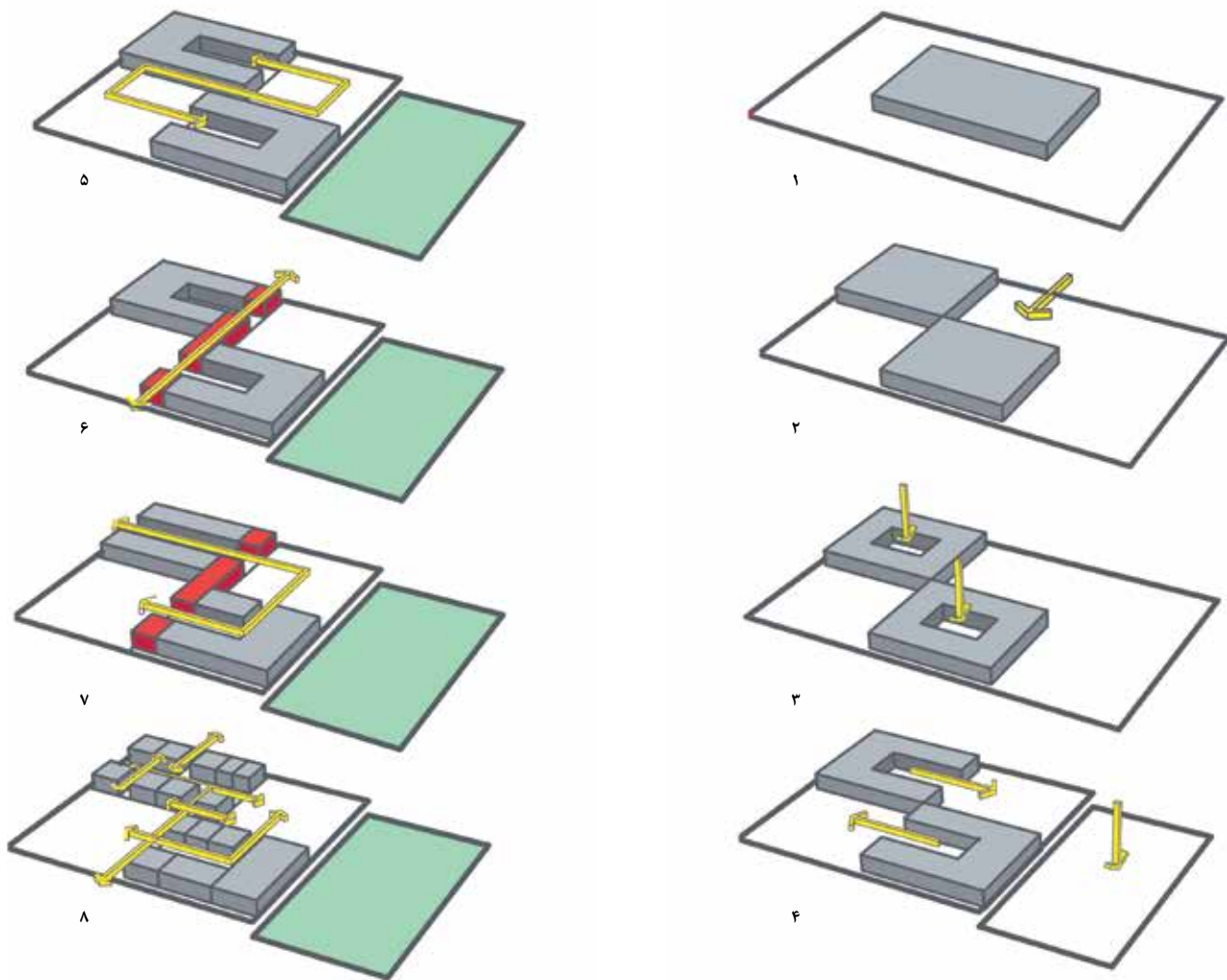
دانش آموزان: مهندس ساختمان بشم، لیسانس، آب‌سردکن، کولر داشته باشه، خوشگلش کنن، زمین فوتبال، تور والیبال، کیا می‌خوان برن شهر؟ ما ...

ما: روستا، آزاد، تعلق خاطر، شهربازی، کانون پرورش فکری کودکان، اقلیم، جیرفت، محروم، تابستان، دهنو، پارک، پویایی، روحیات کودک روستایی، ایجاد انگیزه برای ادامه‌ی تحصیل، اوقات فراغت ...

مدرسه محیطی برای آموزش تئوری و عملی دانش‌آموزان می‌باشد که علاوه بر ایجاد شرایط با کیفیت آموزشی، موجب افزایش سطح فرهنگ و همچنین پرورش و تربیت آنها می‌گردد. اهمیت این مسئله در بستر طرح مورد نظر که یکی از مناطق محروم به شمار می‌رود بیشتر به چشم می‌خورد.

در مناطق شهری، فضاهایی مختص کودک، از جمله شهربازی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، پارک‌ها و شهر کتاب کودکان و ... وجود دارند که کودک با حضور در آنها احساس ارزشمندی می‌کند و این فضاها نقش مهمی را در ارتقای روابط اجتماعی آنها بازی می‌کند و متأسفانه نبود این فضاها در مناطق روستایی، بسیار مشهود و قابل تأمل می‌باشد. در نتیجه رویکرد ما در طراحی باید به سمت جبران این کمبودها در مناطق روستایی پیش رود تا به جرأت بتوان ادعا کرد که فضای مدرسه می‌تواند مهم‌ترین نقش را به عنوان قرارگاه رفتاری کودکان روستا برای ایجاد احساس ارزشمندی و تعلق خاطر ایفا کند.

با نگاهی اجمالی به تعداد قابل توجهی از مدارس، این موضوع مشهود است که در اکثر آنها فضاهای پر و خالی (توده و فضای باز) کاملاً از هم تفکیک شده‌اند که این ترکیب از پویایی لازم و همچنین روحیات کودکان روستایی برخوردار نمی‌باشد. قرارگیری سایت پروژه‌ی مورد نظر در روستای دهنو، از توابع شهر جیرفت، واقع در استان کرمان با اقلیم گرم و نسبتاً مرطوب از یک سو و تلاش برای ایجاد پویایی و حس سرزندگی در محیط مدرسه از سوی دیگر، ما را بر آن داشت تا از ترکیب فضای باز و بسته در طراحی استفاده کنیم و فضای مدرسه را به امتداد محیط زندگی کودکان روستا تبدیل سازیم. باتوجه به قرارگیری سایت پروژه در نزدیکی جاده برای ایجاد حس امنیت و همچنین مقابله با آلودگی صوتی ناشی از تردد خودروها، لکه‌گذاری اولیه‌ی توده در دو-سوم غربی سایت صورت گرفته است. زمین فوتبال در سمت شرقی زمین و با اختلاف ارتفاع منفی یک‌ونیم متری از سطح جاده قرار گرفته است. برای دستیابی به ترکیب هرچه بیشتر فضاهای پر و خالی با هم، توده‌ی کلی براساس کاربری دو قسمت آموزشی و پرورشی تقسیم شده است و فضاهای اداری و خدماتی به صورت مفصل ارتباط دهنده‌ی این دو فضا به هم می‌باشند. برخلاف طرح متداول مدارس که کلاس‌ها در دو سوی یک راهرو قرار می‌گیرند، در این طرح، با تعریض و برداشتن سقف این راهروها، آنها تبدیل به یک حیاط مرکزی شده‌اند که به عنوان فضای جمعی و تقسیم‌کننده‌ی فضاها از آن استفاده می‌شود.



دیاگرام روند طراحی



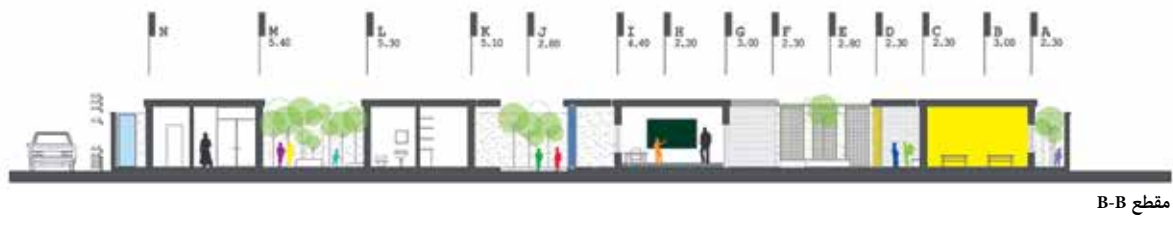
نمای شمالی



خیابان شهید سدید رودانی

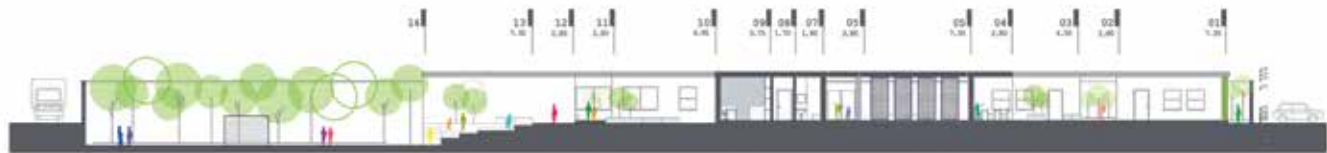
مقیاس 1:250

- | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|----------|----------------|----------------------|-------------|---------------|--------------|----------|------------------|-----------|------------|-----------------|-------------------|----------------|---------------|---------------|---------------|---------------|-----------|--------------------|----------|-----------------|-----------------|--------------|--------------|-----------------|-----------------|
| ۱. ورودی | ۲. حیاط صبحگاه | ۳. راهرو در فضای باز | ۴. کلاس درس | ۵. حیاط داخلی | ۶. سمعی بصری | ۷. انبار | ۸. سرویس بهداشتی | ۹. تی شور | ۱۰. آبخوری | ۱۱. اتاق معلمان | ۱۲. اتاق کارمندان | ۱۳. اتاق تکثیر | ۱۴. آبدارخانه | ۱۵. اتاق مدیر | ۱۶. حیاط بازی | ۱۷. سکوی بازی | ۱۸. رختکن | ۱۹. سالن چندمنظوره | ۲۰. بوفه | ۲۱. اتاق بهداشت | ۲۲. اتاق پرورشی | ۲۳. کتابخانه | ۲۴. سرایداری | ۲۵. دیوار نقاشی | ۲۶. زمین فوتبال |
|----------|----------------|----------------------|-------------|---------------|--------------|----------|------------------|-----------|------------|-----------------|-------------------|----------------|---------------|---------------|---------------|---------------|-----------|--------------------|----------|-----------------|-----------------|--------------|--------------|-----------------|-----------------|



مقطع B-B





مقطع A-A



رتبه‌ی چهارم کمیته‌ی انتخابی

A1-270

گروه معماری آن

مهرداد حبیبی، شبنم خزلی، زینب عابدی، روزبه قائم مقامی، گیل آوا روحی‌پور، سحر اسدزاده زرگر، سعید کبیری و صبا تقی‌زاده اظه‌ری

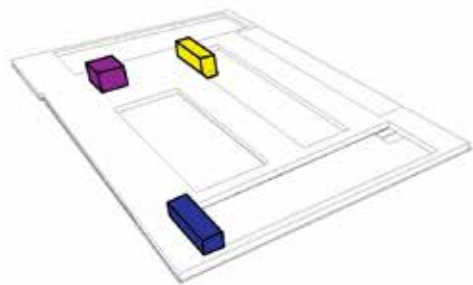


w w w . o n o f f i c e . i r

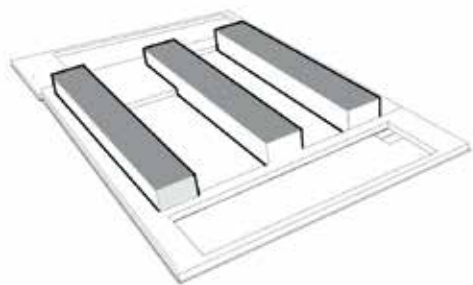
در طول نیم قرن گذشته، نیازی بی سابقه به گسترش آموزش و پرورش عمومی در جامعه‌ی مدنی ایران پدید آمده است. در نتیجه، مدارس بسیاری در سراسر کشور بنا گردیده که در آنها استانداردهای فنی، ملاحظات محیطی و هویت معماری در نازل ترین سطح ممکن ملحوظ شده است. مهم تر از همه، فضایی که در درون این مدارس پدید آمده، فاقد هرگونه نقش سازنده و حمایت کننده در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان است که این فقدان هویت در مناطق روستایی و محروم به صورت آشکارتری احساس می شود.

آنچه امروز به عنوان مدل کالبدی مدرسه شناخته می شود، هیچ حرف مهم و تازه‌ای نسبت به نخستین نمونه‌های مدارس جدید، مطرح نساخته است. این در حالی است که محتوای آموزش مدرسه‌ای از آن زمان تاکنون، پیشرفت‌های بسیاری را شاهد بوده است. لذا به موازات توسعه‌ی سیستم و برنامه‌ی آموزش مدارس، الگوی محیطی مدارس نیز باید تکامل یابد – امری که در تاریخ مدارس معاصر ایران کمتر شاهد آن بوده‌ایم. از این رو، ما سعی داریم تا مکانی متناسب با نیازهای آموزشی امروز کودکان، ویژگی‌های اقلیمی، معماری بومی و تاریخی و ملاحظات اقتصادی طراحی کنیم.

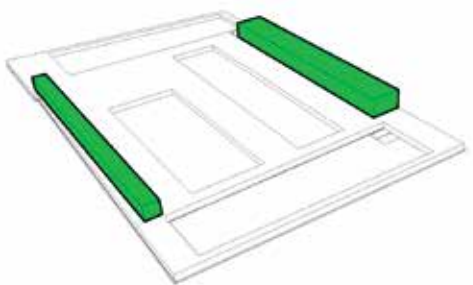
در راستای دستیابی به اهداف بیان شده، کلاس‌ها پیرامون چندین حیاط مرکزی در نظر گرفته شده‌اند و بین آنها از فضاهای بسته، باز و نیمه‌باز مثل سایبان‌ها استفاده شده تا ضمن رعایت معیارها و ضوابط مربوط به کاربری فضاهای آموزشی و ایجاد ترکیب حجمی مطابق با اقلیم و سایه‌اندازی حداکثری در فضاهای مذکور، امکان گسترش کلاس‌های درس و اضافه نمودن فضای آموزشی در آینده وجود داشته باشد. بچه‌ها پس از عبور از ایوان‌ها به حیاط‌ها می‌رسند – حیاط‌هایی که در آنها سعی شده ضمن ایجاد ارتباط بین فضاهای مختلف، پاسخگوی حس بازیگوشی کودکانه نیز باشد. به این صورت، پس از رسیدن به مدرسه، از پلکان پایین می‌روند و پا به حیاطی می‌گذارند که دورتادور آن را ایوان‌هایی فراگرفته، از این حیاط، به دو حیاط مجزا که در سطح پایین تری هستند، وارد می‌شوند و از آنجا به کلاس‌های درس می‌روند. کلاس‌ها هر کدام مجهز به بادگیر می‌باشند تا تهویه‌ی هوا را تأمین کنند. بین دو حیاط مذکور، فضاهای اداری قرار گرفته تا ضمن امکان نظارت به هر دو بخش آموزشی، سهولت دسترسی از هر نقطه‌ی مجموعه به فضاهای اداری فراهم گردد. در گوشه‌ی حیاط‌ها و جداره‌ی جنوبی مدرسه، درختان و گیاهان بومی پیش‌بینی شده‌اند تا با سایه‌اندازی و افزایش میزان رطوبت و جهت‌دهی به باد مطلوب، هوا را تلطیف نمایند. با توجه به شرایط اقتصادی بستر طرح، استفاده از مصالح بومی و ارزان قیمت، ضمن ایجاد سهولت در ساخت، صرفه‌جویی در هزینه‌ها را به همراه خواهد داشت.



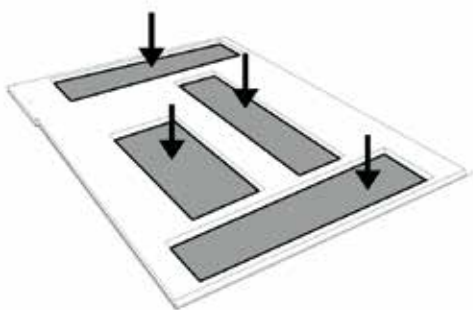
ایجاد تنوع و نشانه در مجموعه‌ی منطبق بر نیاز کودکان



قرارگیری ساختمان‌های اصلی



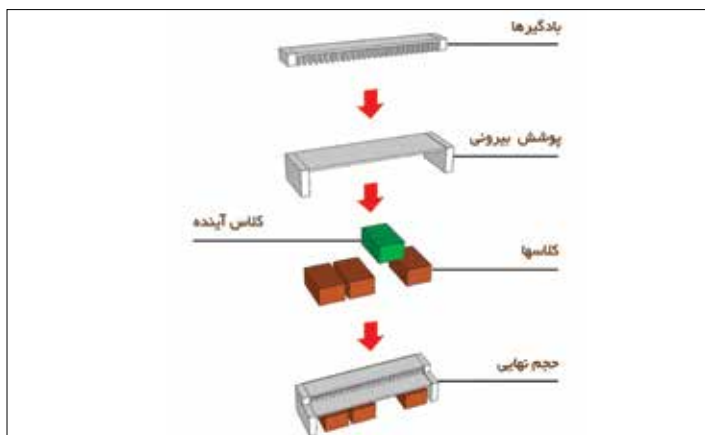
جدارهی سبز بین کلاس‌ها و محیط خارج



شکل‌گیری حیات‌ها



- | | | |
|---------------------------|--------------------------------------|-----------------------|
| ۱۵. سرویس بهداشتی معلمان | ۸. مدیریت | ۱. کلاس درس |
| ۱۶. آبدارخانه | ۹. بوفه | ۲. کارگاه |
| ۱۷. سرویس بهداشتی معلولین | ۱۰. سرایداری | ۳. کتابخانه |
| ۱۸. حیاط صف و بازی | ۱۱. خانه معلم | ۴. فعالیت پرورشی |
| ۱۹. پارک دوچرخه | ۱۲. سالن چند منظوره | ۵. اتاق بهداشت |
| ۲۰. فضای ورزش | ۱۳. نمازخانه-وضوخانه | ۶. اتاق معلمان |
| ۲۱. انبار | ۱۴. سرویس بهداشتی دانش آموزان-آبخوری | ۷. معاون و امور دفتری |





رتبه‌ی پنجم کمیته‌ی انتخابی

A1-191

مینا تقی‌زاده و محمدامین تقی‌زاده



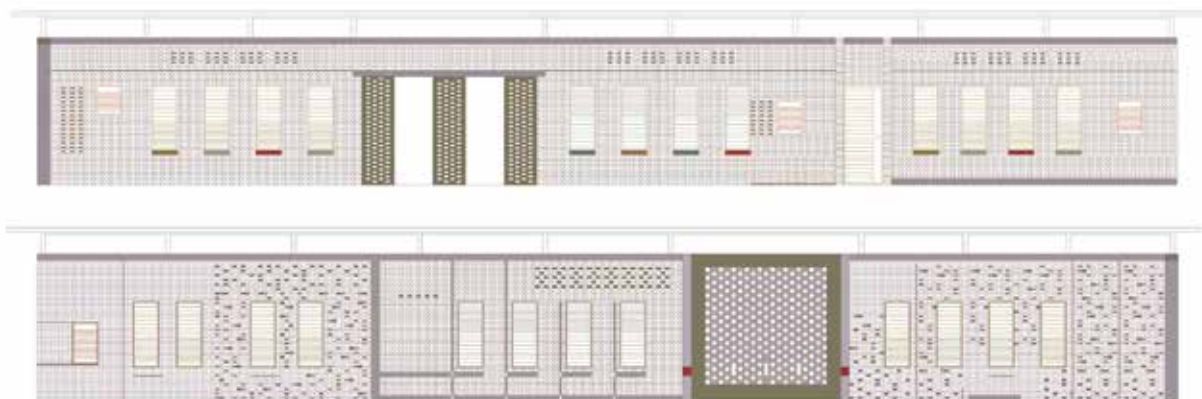
m i n a . t 1 @ y a h o o . c o m

ارائه‌ی الگویی زیبا و همسو با دانش بومی، نگاه زیباشناسی مردم آن منطقه را ارتقا می‌دهد و استفاده از مصالح در دسترس، طبیعت را با نیازهای کاربران همگام می‌سازد. کتابخانه، به عنوان حجمی متفاوت در مجموعه، یادآور بادگیر است. بازشوهایی با ابعاد مختلف در سقف و نمای آن تعبیه شده‌اند که کوران مطلوبی را فراهم می‌کنند. استفاده از فضای باز در میان ساختمان‌ها، محیط آموزشی را برای تعامل با فضای سبز پویا می‌کند و با ایجاد حیاط بین کلاس‌های درس، تهویه‌ی طبیعی بنا را ممکن می‌سازد. پنجره‌های مرتفع و رنگ، به عنوان عنصری تفکیک‌ناپذیر از معماری، آسایش بصری را تأمین می‌نمایند.





۱. کتابخانه
۲. کلاس درس
۳. دفتر مدیر
۴. دفتر معاون
۵. اتاق معلمین
۶. اتاق کمک‌های اولیه
۷. نمازخانه
۸. فضای سبز
۹. اتاق پرورشی
۱۰. سرویس بهداشتی
۱۱. انبار
۱۲. آبدارخانه
۱۳. بوفه



Criticism of Iranian Architecture

بخش دوم

تقدیر شدگان جایزه‌ی ملی نقد معماری ایران

B1: روشنگری و پژوهش در قلمروی معماری سنتی ایران

B2: نقد معماری معاصر ایران (ارائه‌ی معیار برای سنجش و

ارزیابی و یا نقد یک اثر)

B3: پژوهش متمایز در قلمروی معماری جهان و آینده‌ی ایران

در این بخش، نقدنامه‌های تقدیر شده در بخش دوم از دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران منتشر می‌گردند. این مهم، به عنوان بخشی از تعهدات ما به برندگان بوده است. این یک سند بسیار مهم و تاریخی است، زیرا جایزه‌ی ملی نقد معماری ایران و این برندگان، نخستین معماران ایرانی‌ای هستند که به وادی نقد، در چارچوب آکادمیک و سازماندهی شده وارد شده‌اند. از استادانی که این راه را تا به اینجا پیمودند و از منتقدانی که به صورت منفرد اقدام نمودند تا ما امروز به این نقطه برسیم، صمیمانه سپاسگزاریم.

جهت حفظ سبک نگارشی و پابندی به مقالات برگزیدگان، تحریریه‌ی هنر معماری سعی نموده کم‌ترین تغییرات ویرایشی را در متون پیش‌رو اعمال نماید.

معماری امروز و مرگ بادبادک

نویسنده: سلمی شفائی

آن روزها باد که می‌آمد، در را می‌گشودم و در چشم تماشاگر خدا از کنار خورشیدی که همیشه بالای سر بام ما بود و در میان عطر گل‌های باغچه به حیاط می‌آمد، آرام و آهسته، آنطور که گزندی بر بال‌های نازک کاغذی بادبادکم نخورد، او را با خود به بیرون از خانه می‌آوردم.

بادبادکی که شب‌ها از شیشه‌ی مسدود پنجره‌ی اتاقم، تنهایی ماه را لمس می‌کرد ...

به کوچه می‌رفتم، آنجا که نه ماشین بود، نه آدم و نه بنا

آنجا که در نگاه من سرچشمه‌ی رویش بود ...

جایی که گمنامی نمناک علف حس می‌شد و آبی پاک آسمان

کاج‌های بلند، زاغ‌های سیاه، آنجا که بادبادک می‌خواست ...

آن بالاها، سرزمین رویاها، زیر سایه‌ی آسمان آبی شهر، بی مرز، پر از سکوت، سرشار از لمس فضا،

آن سان که بادبادکم به آسمان می‌رفت، من معنای زیبایی را حس می‌نمودم، تجربه‌ی عمیق لحظه‌های پاک، احساس تعلق به

مکان در حریم زمان. حسی در میانه‌ی گذشته و آینده‌ام، پرتو زیبایی بادبادک در آسمان مرا سرشار از خوشی می‌کرد. با بادبادک

آن بالاها، روی ابرها خانه‌ای ساختیم، با پنجره‌هایی پر از برگ،

درش راهی به خورشید

و بامش سرشار از سخاوت باران ...

بادبادک هرچه بالاتر می‌رفت، سنگین‌تر می‌شد، در مصاحبت آفتاب وسعت می‌یافت. گویی دانایی در رگ‌هایش ریشه می‌دواند،

حسی که در سال‌های درس و قلم و کتاب نیافتم و من نگران دوری او، از خود.

سال‌ها گذشت، بزرگ شدم و دنیایم از بادبادک دورتر، تهی بودگی ملال‌آوری را حس می‌نمودم. از خانه‌ی ما نیز آفتاب رخت

بربست جایش نمای قیرگونی همسایه هویدا شد، جایی برای تنفس ما نمانده بود چه برسد به بادبادک که سرشار بود از انشعاب

طبیعت.

بادبادک هرچه می‌گذشت جایش تنگ‌تر می‌شد! همیشه فکر می‌کردم بادبادکم رشد می‌کند حالی! ابعاد دنیای واقعی ما کوچک

می‌شد.

در عصر خشک و بی‌حال صنعت گرفتار شدیم، همچون بادبادک در اتاقم خود را در جهان اسیر یافتیم، روزهای فسرده‌ی تلخ با نام

مستعار مدرن موجی دلفریب از ساخت‌وسازهای بی‌هویت کارت پستالی وارد شهرها نمود. بوی کاهگل، صدای داروگ و سوسوی

کلهکشان راه شیری از شهر رخت بر بست. تراکت‌های بی‌معنا، نورهای خسته و هیاهوی شهری به جای ماند ...

در اندیشه‌ی فردا سرشار بودیم و تهی از کهن‌الگوها.

ابهت نمایش تمثیلی عصر صنعت، طبیعت را در ناخودآگاه بادبادک هم پنهان نمود.

در شهر آهنی ما دیگر بوی آدم به مشام نمی‌رسید.

آسمان نیز در حباب خیالی خویش، جایی برای پرواز بادبادک نداشت.

آسمان ما چون شمعی نیمه‌جان شعله نمی‌افروخت، هرچه به جست‌وجو شتافتیم، تعبیر عاشقانه‌ی حیات را از حیاط خانه‌ی مان

ندیدم.

باغ بی‌برگی، اینجا جوانه زد و رگ پنهان تنهایی در بطن خانه جاری شد.

همسایگان ما، سنگ‌ها و رنگ‌هایی شدند که حتی سایه‌هاشان چون شبحی عظیم بر هم دهن کجی می‌کردند.

سال‌هاست دیگر پرده‌ای به بنا انس نمی‌گیرد، گویی آن‌ها هم معمارانه می‌نگرند ...
کفش‌هایم دیگر از لفظ زمین خاطره نداشت و پشت دیوار خانه‌ی ما تنها خواب سنگین زندگانی حس می‌شد.
خبری از باد، شاخه‌ی پیچک رقصان، بوی نان گندم و آواز قطرات باران بر قلب ناودان نبود.
ما ماندیم و خاطره‌ی جرثقیل‌هایی که بی‌تنفس آسمان، زمین، باد و خاک را می‌بلعند.
اتاقم به ناگاه کدر شد و در تاریکی ژرف زندگی بابدکم به فراموشی سپرده شد.

...

زمان در من معانی خاص زندگی را آشکار نمود و من تفاوت گذشته و آینده را لمس می‌نمودم. بزرگ شدم، معمار شدم و نگاه
بابدک هر روز متفاوت‌تر ...
و من هرازچندگاه یاد آن سال‌ها می‌افتم.
که بابدک آبی بلند آسمان را نشانم می‌داد و اکنون که آسمان ما نه آبی است نه بلند و جایگزینش آسمان‌خراش‌های بلند پیدا
شدند. چه نام برانزده‌ای آسمان‌خراش،
شاید هم خنجر آسمان،
آسمان کور کن،
شببخون پرمدها،

بلائی که از زمین بر آسمان هجوم آورد ...

گاهگاهی اندیشم خدا چه صبور است درختانش خالصانه و با اراده‌ی او سر بر آسمان بلند نمودند، اما این آسمان‌خراش‌های
ساخته‌ی دست بشر، چقدر شبیه لوییای سحرآمیز داستان‌های کودکی‌مان هستند.
آری من در جست‌وجوی هویت معماری در خویش بودم، هویتی که در کودکی‌ام نطفه داشت. انسان از طبیعت سربلند می‌کند،
زاده‌ی طبیعت است و به طبیعت باز می‌گردد. و معماری همان دلبستگی ناب آدم‌ها به طبیعت در بهترین و زیباترین حالت است.
بناها در میان خیال و واقعیت شکل می‌یابند و من هم واقعیت را دیدم هم با خیال بابدکم شهری برای خود ساختم.
حس می‌کنم بابدک من آدم کمی نبود ... شاید او هم معمار بود. او مرا با خود به ماوراء می‌برد و از خواب عمیق دنیا می‌رهاند.
مرا شیفته‌ی نفس معماری، ساختن و کمال نمود و من از درون محور در معماری بودم، لذت می‌بردم، به شوق می‌آمدم.
آری کار امروز ما

جست‌وجوی بعد پنهان علایق و دلبستگی دیرینمان و تلاش برای بهبود آن است
تصاویر گذشته در ما زنده‌اند و باید بهترین را در خود بجوییم.

شاید بابدک من هم نمرده

شاید بتوان او را در همان قایقی که سپهری به آب انداخت تا دور شود

یا در دل ماهی تنها که دچار آبی بی‌کران است یافت

و شاید او جایی خود را با مدرنیته همگام نمود.

همیشه دلم می‌خواست بنایی بسازم که وقتی نگاهش می‌کنی هزاران بابدک از آن بر پرواز درآید

دختر کوچک همسایه با بابدکی در داستان کوچک به اورانوس می‌رفت ...

چقدر شبیه به کودکی من بود ...

(بخشی از مجموعه‌ی بابدک - نقدی بر معماری امروز)

نقدی بر معماری و تزئینات بیمارستان امام رضا^(ع) (شاه رضا) مشهد

نویسنده: بهاره گلکار

چکیده

نقد و نقادی، همان سخن گفتن است، اما اندکی زیرکانه‌تر. طوری که نه زانوی آهوی بی‌جفت بلرزد و نه این دل ناماندگار بی‌درمان! شاید بشود گاهی بر مواردی که دل و ذهن همه را می‌لرزاند، تاخت، اما با در نظر گرفتن تمامی نکات مثبت، که حتماً در هر پروژه‌ای وجود دارد و این بسته به نقاد است که آنها را ببیند یا خیر. در واقع باید مرز بین مثبت‌ها و منفی‌ها، سیال شود، تا نقد، به یک ایرادگیری، تشبیه نشود. در یک جمله، نقد به کمک اذهان و چشم‌ها می‌آید تا اثر هنری بهتر درک شود. نقد انواع مختلفی دارد، از جمله نقد ژورنالیستی، فرمالیستی، هدفمند، محتواگرا و ... که هر کدام تعریف و قوانین خود را دارند. اما وقتی شروع به نقد یک بنا می‌کنیم، بهتر است تمامی جوانب را در نظر بگیریم و نقد منحصر به یک تعریف خاص نباشد. معماری همواره عصر خود را به تصویر کشیده است. معماری، مردم و روحیات آنها را دیده و شنیده، حتی حال و هوای آنها را درک کرده است. معماری، خاطرات ما را «مخونشدنی» کرده و با این کار ما را به تمجید گذشته واداشته و درصدد پیشرفت در آینده قرار داده است. دوران پهلوی اول در معماری معاصر ایران، مجموعه‌ای از خاطرات، یادآوری‌ها و فراموشی‌هاست. در این دوره، بناهایی وجود دارند که بر این ادعا صحنه می‌گذارند. از آنجایی که ارزش‌های گذشته را نمی‌توان طوطی‌وار پذیرفت، شناخت بناهای این دوره اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. یکی از این بناها، بیمارستان شاه رضا در مشهد است، که به غایت در میان آثار معماری این دوره، مهجور و مغفول مانده است. در این تحقیق که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی صورت گرفته است، ابتدا انواع نقد، ضرورت و اهمیت آن را خواهیم شناخت، به دوران پهلوی اول سری می‌زنیم و سپس اندکی ژرف‌تر، بیمارستان شاه رضا را مطالعه خواهیم کرد. این مقاله سعی دارد تا با بررسی و تشریح یک نمونه از ساختمان‌های دوره‌ی اول پهلوی، به سبک آن نزدیک شود و امید است در ابعاد دیگر معماری، از جمله بررسی سایر بناهای ارزشمند موجود در ایران، مورد استفاده قرار بگیرد.

کلمات کلیدی: نقد، معماری و تزئینات، پهلوی اول، بیمارستان شاه رضا، کریم طاهرزاده بهزاد

مقدمه

آنان که از نقد گریزانند، آن را اشکال‌تراشی می‌دانند، درحالی‌که جدا از این مسئله، فواید بسیاری دارد و همگانی بودن آن، بسیار مفید است، اما «نقد حرفه‌ای»، نقدی است که تلاش می‌کند میراث باارزش، شناخته و ابعاد گوناگون آن تحلیل شوند. در واقع این منتقد است که چشم‌ها را به سوی اثر مورد نظر بازتر می‌کند و ذهن‌ها را از سطحی‌نگری بازمی‌دارد.

تحقیق حاضر که به شناخت جنبه‌های مختلف نقد هنری و بررسی نمونه‌ای از دوره‌ی معاصر می‌پردازد، به قصد توسعه‌ی نقد، آغاز شده و با تمرکز بر روی جامعیت نقد، به تفسیر کامل بنای بیمارستان شاه رضا، که مربوط به دوران اول پهلوی می‌باشد، خواهد پرداخت. این تحقیق براساس این دیدگاه شکل گرفته که نقد و بررسی هر بنای با ارزش، می‌تواند گامی باشد در جهت آینده‌نگری، چرا که به گفته‌ی وین اتو در کتاب معماری و اندیشه‌ی نقادانه: «نقد، آینده‌نگر است».

در اهمیت نقد

هدف اصلی نقد، ادراک بهتر اثر هنریست. منتقد باید مخاطب را یاری دهد تا اثر هنری را از دل تاریکی بیرون بکشد و در نور ببیند. نقد به شیوه‌های مختلفی بیان می‌شود. مثلاً گاهی نوشته‌هایی را می‌خوانیم که به توضیح اثر هنری پرداخته‌اند و به دور از تجزیه و تحلیل‌های تئوری، اثر را مرور کرده‌اند. اینگونه را «نقد ژورنالیستی» می‌نامند. وادار کردن مردم به داوری، انتقاد را در جامعه رواج می‌دهد. البته باید توجه داشت که اظهارنظر درباره‌ی خوبی‌ها و بدی‌ها را از نقد جدا بدانیم، چرا که نظر شخصی مردم، نقد هنری نیست، یک نقد فراگیر است که هرگز نمی‌توان آن را هنری نامید. باین‌حال باید پذیرفت که قضاوت حق مسلم مردم است و تا جایی که مبنای داوری قرار نگیرد، هیچ ایرادی ندارد.

نقدهایی وجود دارند که به فرم معطوف هستند، بدون درگیر کردن محتوا و معنا. در اینجا، فرم، مهم‌ترین عامل ارج‌شناسی محسوب می‌شود. اینگونه از نقد که به نقد «فرمالیستی» مشهور است، تنها در بررسی کیفیت ساختاری اثر کارایی دارد. در اینجا مهم نیست که چرا مردم عادی به سوی اثر جلب می‌شوند یا فرم و محتوا چگونه تلاقی پیدا کرده‌اند. در واقع نقد فرمالیستی، برون‌نگر است. گونه‌ای از نقد هم وجود دارد با نام نقد «هدفمند»

یا «کاربردی» که می‌گوید نتیجه‌ای که ترکیب «ساختار و احساس» دارند و «کاربردی که اثر در اجتماع» پیدا می‌کند، اهمیت دارد. این نقد به موسیقی متن یک فیلم تشبیه شده است که نقش آن محسوس نیست، اما زیرکانه حضور دارد. نقد «محتواگرا» نیز به سه دسته‌ی تاریخی، سیاسی-اجتماعی و روان‌شناختی تقسیم می‌شود، با این توضیح که در نقد تاریخی، منتقد اثر را در متن و بستر تاریخی مطرح می‌کند. نقد سیاسی-اجتماعی ناظر بر موارد سیاسی و اجتماعی است و جانبداری از یک ارزش اجتماعی، از ویژگی‌های این نوع نقد به حساب می‌آید و نقد «روان‌شناختی»، در پیوند با انگیزه‌های هنرمند است و با نشانه‌های نهانی سروکار دارد. اما نقدی که ابتدا فرم، ساختار، رنگ، ترکیب‌بندی و تمام عناصر را تحلیل می‌کند و سپس به محتوای اثر می‌پردازد، به نقد «آکادمیک» مشهور است که علل ماندگاری اثر را بررسی و جایگاه آن را در رده‌بندی تاریخی مشخص می‌کند.

گونه‌هایی از نقد که نام برده شد، بخشی از انواع بسیار آن و مواردی است که در برداشت از کتاب‌های مختلف، مورد توجه نگارنده بوده است. باید گفته شود که اینها همه تعریف هستند و معمولاً در ترکیب با هم عمل می‌کنند؛ یعنی نمی‌توان بنا را تنها از یک جنبه‌ی خاص بررسی کرده و نسبت به جنبه‌های دیگر بی‌اعتنا بود. در یک جمله، نقد صحیح باید جامع باشد. جامعیت، یعنی اگر از فرم صحبت کردیم، سپس به محتوا برویم، اگر از نحوه‌ی ورود صحبت کردیم، سپس از ارزش حضور بگویم، از محور خواسته‌های مردم و رضایت آنها، از بازتاب اوضاع سیاسی-اجتماعی، از هنجارها، از فرمول‌بندی و ...

دکتر منوچهر مزینی، در مقدمه‌ی کتاب عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، شش عامل را در ارزشیابی معماری بیان می‌کند:^(۱)

- ۱) محیط: کلیه‌ی عوامل طبیعی یا ساخته‌ی انسان
- ۲) مردم: این اثر معماری تا چه اندازه «آسایش» مردم را تأمین می‌دارد. مردم از نظر تعداد، جنس و ... در معماری اهمیت دارند. نیازها، خواست‌ها، عادات، اعتقادات، باورها و شیوه‌ی زندگی مردم.
- ۳) امکانات: شامل مصالح و روش‌های ساختمانی، امکانات مالی و ...
- ۴) اندازه‌ها و استانداردها: درب، پله، سقف، میز، صندلی، کولر، بخاری. آزادی حرکت و دید و ...

(۵) نظم فضایی: فضاها منشاء احترام، شادمانی، بیم، چیرگی، عبودیت و وحدت هستند. حجم‌های پروخالی، فضاهای عمومی و خصوصی، فضاهای باز و بسته و ...
(۶) کیفیات هنری و بصری: ملاحظات زیبایی‌شناسی معماری (پیوند نزدیک با تندیس‌گری)، ریتم، حرکت، تضاد، وحدت، توازن، هم‌آهنگی و ...

سیر معماری در دوره‌ی اول پهلوی

دوران پهلوی اول مقارن است با ورود معماری مدرن به ایران. در این دوره، بسیاری از مهندسان تلاش کردند تا معماری مدرن را با شرایط ایران و معماری گذشته‌ی آن پیوند بزنند و به موفقیت‌های بارزی دست یافتند. ساختمان‌هایی که در آن دوران ساخته می‌شد، نشان از تحول بود و مشق تازه‌ی معماران. مشقی مبتنی بر باور جدید با بازتاب اوضاع سیاسی و اجتماعی معاصر با آن.

تبدیل شدن شهر سنتی به شهر مدرن باعث ایجاد یک دگرذیسی در معماری ایران شد. احداث خیابان‌ها و میدان‌های جدید به نمای بیرونی ساختمان‌ها به ویژه ساختمان‌های عمومی، اهمیت بخشیدند، اگرچه از اواسط دوره‌ی قاجاریه، سرستون‌ها و حجاری‌های هخامنشی در تعدادی از کاخ‌های خاص ظاهر شد ولی باستان‌گرایی یا الهام از معماری ایران باستان و معرفی آن به عنوان یک سبک، در دوره‌ی پهلوی اول اوج گرفت. از جمله عوامل اجتماعی و سیاسی که به پیدایش سبک ملی در این دوره انجامید، می‌توان از احساسات ملی‌گرایانه، حمایت دستگاه حکومتی، کاوش‌های علمی و باستان‌شناسی و مدون نمودن آن و بالاخره تأثیر معماری تاریخ‌گرای غرب بر معماری ایران نام برد. به عبارت دیگر، پوشش کهن بر عملکرد جدید، وجه غالب ساختمان‌های این دوره است.^(۷)

حتی در مواردی که معماری این دوران سعی در ارائه‌ی هویت باستانی معماری ایرانی دارد، خواه ناخواه تحت گرایش‌های اکسپرسیونیستی جریان آرت-نوو قرار داشته است. نکات مشترکی که در این بناها به چشم می‌خورد، علاوه بر استفاده از گذشته‌های دور معماری ایرانی، معرف رابطه با معماری غرب اعم از مدرن یا کلاسیک هم هست.^(۸)

تقسیم‌بندی معماری دوره‌ی اول پهلوی

برای شناخت خصلت‌های سبکی و یا نحوه‌ی تأثیرات معماری پهلوی اول از معماری‌های غرب، عقاید متفاوتی وجود دارد. دکتر صارمی برای تقسیم‌بندی معماری دوران پهلوی

اول معتقد است چهار نقطه‌ی عطف تاریخی مشاهده می‌شود:

- (۱) ادامه‌ی راه گذشتگان و سیر تاریخی معماری
- (۲) توجه آگاهانه به معماری پیش از اسلام
- (۳) توجه به معماری پیش از مدرن غرب
- (۴) ترکیب معماری پیش از اسلام، معماری دوران اسلامی و معماری پیش از مدرن اروپا.

مهندس پاکدامن می‌گوید: گذشته از ادامه‌ی شیوه‌های قبل، یعنی معماری اواخر قاجار و معماری نئوکلاسیک غرب، گرایش‌های متنوع معماری متأثر از جنبش آرت-نوو و به‌خصوص معماری مدرن اولیه و تداوم آن در اواخر دوره‌های مذکور نیز تکامل پیدا کرد. همچنین در این دوره فعالیت بسیاری در ارتباط با ایجاد یک سبک ملی که معرف تاریخ و فرهنگ کهن این سرزمین باشد، به عمل آمد.^(۹) به عنوان مثال یکی از این فعالیت‌ها، برگزاری کنگره‌ی هزاره فردوسی به عنوان یکی از نهادهای ملی‌گرایی ایرانی و بازسازی و نوسازی آرامگاه وی در دهه‌ی اول ۱۳۰۰ شمسی در شهر توس بود.

معماری ملی‌گرا

(۱) معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری مدرن غرب: حضور گسترده و فعال شرکت‌های خارجی که عمدتاً شرکت‌های آلمانی بودند و عموماً در محیط ساخت‌وساز ابنیه‌ی دولتی فعالیت می‌نمودند، باعث شد تا گونه‌ای از ملی‌گرایی معماری براساس الگوهای معماری مدرن غرب با حفظ برخی تزئینات به صورت محدود مربوط به پیش از اسلام و نمای ساختمان‌ها شکل می‌گیرد. از دیگر ویژگی‌های این جنبش، کاربرد مصالح براساس ویژگی‌های مدرن است. از جمله بناهای با این خصوصیت: بانک ملی ایران در تبریز، تهران و شیراز با طراحی محسن فروغی می‌باشد.

(۲) معماری ملی‌گرا مبتنی بر گرایش به معماری پس از اسلام:

مصطفی کیانی در کتاب معماری دوره‌ی پهلوی اول، دسته‌بندی زیر را برای بناهای این دوره بیان می‌کند:

• دسته‌ی اول بناهایی که به طور سنتی کارکرد آنها از قبل وجود داشت و غالباً شامل برخی بناهای عمومی، مساجد، مدارس علمیه و ... می‌شد.

• دسته‌ی دوم بناهایی که براساس نیازهای جدید و الگوی زندگی مدرن تعریف می‌شد. در این بناها، معماران متفاوتی سعی نمودند تا با حفظ عناصر و تزئینات معماری بعد از اسلام و ترکیب آنها با ویژگی‌های معماری پیش از اسلام، هویت ملی معماری ایران را تبیین نمایند. از جمله، ساختمان بیمارستان شاه رضا.^(۱۰)

در دسته‌بندی برخی بناهای این دوره شاهد ملی‌گرا بودن آنها به شیوه‌های مختلف می‌باشیم. ساختمان مورد نظر ما نیز از این مسئله مستثنی نیست. به این صورت که ترکیبی است از عناصر اسلامی و غیراسلامی و پاسخگوی نیازهای روز. یکی از معماران این دوره، کریم طاهرزاده بهزاد می‌باشد، که ملی‌گرایی در آثارش به چشم می‌خورد.

کریم طاهرزاده بهزاد

کریم طاهرزاده بهزاد در سال ۱۲۶۷ هجری شمسی در تبریز متولد شد. در سن ۱۹ سالگی به مشروطه خواهان پیوست و پس از کشته شدن شمار زیادی از مشروطه‌خواهان، ایران را ترک و در استانبول و سپس در برلین مشغول تحصیل معماری شد. او در سال ۱۳۰۵ به ایران بازگشت و به فعالیت معماری پرداخت.

از جمله آثار ایشان، دبیرستان شریعتی (شاه رضای سابق) واقع در مشهد است که در سال ۱۳۱۰ ساخته شد با بدنه‌ی آجری، قوس‌های جناغی و نیمدایره، سرستون مقرنس، کاشی‌کاری، قطار بندی با نقوش آرت‌دکو، پلان برون‌گرا به سبک نئوکلاسیک و بام شیب‌دار. یکی دیگر از آثار طاهرزاده در مشهد، تئاتر امام رضا است که ویژگی‌هایی مشابه دبیرستان شریعتی دارد. مانند بام شیب‌دار شیروانی. در این ساختمان تقارن به چشم می‌خورد که در اکثر کارهای این دوران وجود دارد. آرامگاه فردوسی در توس که با الهام از آرامگاه کوروش و بازسازی نمای شمالی مجلس شورای ملی در تهران که با الهام از تخت جمشید طراحی شده، به شیوه‌ی پارسی می‌باشند. در نمای هنرستان راه‌آهن واقع در تهران، خطوط کشیده‌ی افقی دیده می‌شود و نرده‌هایی به سبک آرت‌دکو.^(۱۱)

بیمارستان امام رضا (شاه رضا) که پس از انقلاب اسلامی به امام رضا^(ع) تغییر نام داد، ویژگی‌هایی مشابه همین آثار دارد. مانند بدنه‌ی آجری، قوس جناغی، کاشی‌کاری، بام شیب‌دار، خطوط کشیده‌ی افقی، تقارن و پلان برون‌گرا، که به تفسیر توضیح داده خواهد شد.

توصیف بنای بیمارستان امام رضا

ساختمان بیمارستان امام رضا، واقع در استان خراسان رضوی، شهرستان مشهد که از شمال محدود به خیابان ابن‌سینای شرقی و میدان امام رضا می‌باشد، از شرق به خیابان همت، از جنوب به خیابان بهار و از غرب به خیابان دانشگاه محدود است. قدمت این بیمارستان به سال ۱۳۱۲ هجری شمسی و دوران رضا شاه پهلوی بازمی‌گردد. اکنون ساختمان در مالکیت آستان قدس رضوی می‌باشد. این ساختمان را کریم طاهرزاده بهزاد در مدت زمان اقامتش در مشهد طراحی نمود.

بنابر گزارش ثبتی بیمارستان امام رضا^(۱) در فهرست آثار ملی که توسط اداره میراث فرهنگی خراسان تهیه شده است، بخش‌های قدیمی این بیمارستان شامل ساختمان‌های مدیریت، حسابداری و اداری، آزمایشگاه، سردر ورودی بیمارستان و ساختمان اصلی شامل بخش‌های جراحی و سوانح می‌باشد. در واقع این بیمارستان شامل چند ساختمان منفرد است. اکنون چندین ساختمان دیگر به آن اضافه شده است و برخی از ساختمان‌های قدیمی، کاربری خود را از دست داده‌اند و عملکردی تازه‌ای به خود گرفته‌اند.

رویکرد معماری بیمارستان شاه رضا

نظام حکومتی ایران به صورت مستقیم و مداوم از طریق عقاید مذهبی مردم قصد تأثیرگذاری نداشته است و این گرایش براساس آموخته‌های معماران در خارج از ایران و توجه به زمینه‌های تاریخی بعد از اسلام و احترام به عقاید مذهبی مردم، صورت پذیرفته است. از خصوصیات گرایش‌های معماری ملی‌گرا، حفظ عناصر و تزئینات بعد از اسلام، ترکیب با عناصر و تزئینات قبل از اسلام و تأمین نیازهای جدید و الگوی زندگی مدرن می‌باشد^(۲).

بیمارستان امام رضا^(۳) یک بنای ۸۰ ساله است با معماری اصیل ایرانی-اسلامی و سنتی-مدرن با کاربری مفید امروزی که توازن، تناسب، تنوع و نقوش آن باعث آرامش خاطر می‌شود که این مهم در تعامل با کاربری آن است و می‌تواند از نظر روانی به بیماران کمک کند.

نقد ویژگی‌های معماری بیمارستان امام رضا^(۴)

سردر ورودی

سردر ورودی رو به میدان امام رضا بوده و سه دهنه دارد. درعین حال که این سردر کاملاً گویاست و ورود و خروج را میسر می‌کند، سبک معماری آن، به ما می‌گوید که ساختمان‌های درون، به چه سیاقی هستند. ستون‌های شیاردار با سرستون‌های کورنتی بالا آمده‌اند تا کنیه‌ی بیمارستان، در بین آن دو جای بگیرد. در دو سمت آن، دو ورودی پیاده با ارتفاع کمتر قرار دارند، که قسمت بالایی آن، کاشی‌کاری شده است.

اتاق نگهبانی با سقف شیروانی، دارای نمایی ساده است. یک وجه آن شامل یک در و یک پنجره‌ی بزرگ است که به صورت متوازن، بدنه‌ی اتاق نگهبانی را تشکیل می‌دهند. اکنون سقف آن قرمز و بدنه‌ی آن، سبز رنگ شده است.

ساختمان اداری حسابداری و ریاست

پس از آن به ساختمان اداری حسابداری می‌رسیم. ساختمانی با پلان مستطیل به ابعاد ۱۳×۲۰ متر که در سمت چپ ورودی ساخته شده است. ساختمان ریاست مجموعه نیز که دارای ابعاد تقریبی ۱۵×۲۰ متر است، در جلوی آن قرار گرفته است. این دو ساختمان، بخش اداری مجموعه را تشکیل می‌دهند و دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند. ساختمان اداری حسابداری، پلکانی بسیار ساده دارد که تابع کاربری آن است و همچنین بدنه‌ی ساده و متقارن. پنجره‌های ساده‌ی مستطیل شکل، که



عکس هوایی بیمارستان امام رضا در سال ۱۳۳۵
[مآخذ: اداره میراث فرهنگی خراسان]

درون یک قاب بزرگ‌تر از خود، قرار گرفته‌اند، گویا برای جاودانگی نور طراحی شده‌اند. این پنجره‌ها که به نسبت بزرگ هستند، نسبت شیشه و آجر را بنابر کاربری، جابجا کرده‌اند.

درست، در بالای درب ورودی، بیرون‌زدگی سقف به چشم می‌خورد که از پشت آن سقف شیروانی کم‌کم بیرون می‌آید و پشت این سقف، دو مستطیل آجری دیده می‌شود که با حضورشان تقارن و تعادل را به درجه‌ی اعلا رسانده‌اند. هیچ‌گونه خودنمایی در نمای این ساختمان دیده نمی‌شود جز سقف شیروانی که بسیار دقیق طراحی شده است. این طراحی که مانند دوردوزی ساختمان است، ساده است اما تکراری نیست. این حاشیه، اتمام ساختمان را نشان می‌دهد و سقف شیروانی به کمک آن می‌آید. اکنون پوشش فلزی اولیه‌ی سقف شیروانی تعویض شده است. گویا زمانی که فلز سقف شیروانی نیاز به بازسازی دارد، رنگ قرمز در انبارشان بلااستفاده مانده بوده و راه دیگری به ذهنشان خطور نکرده!

مستطیل‌های آجری که از سقف بیرون زده‌اند، کاربری دودکش دارند، درحالی‌که به توازن بنا هم تأکید و آن را از سادگی خارج می‌کنند، این خود، مصداق است از تابعیت فرم از عملکرد ساختمان. در اینجا نیز رنگ قرمز را می‌بینیم. دیگر این رنگ، شکلی تهدیدآمیز به خود گرفته و تقریباً می‌شود گفت، شخصی که این رنگ را انتخاب کرده، نمی‌دانسته اینجا بیمارستان است.

ساختمان قدیمی ریاست، کمی پیچیده‌تر است. درحالی‌که نما همان ویژگی‌ها را داراست، ستون‌ها و سرستون‌ها کمی بیشتر به چشم می‌آیند. ویژگی‌های ساختمان حسابداری را اینجا نیز شاهد هستیم. آجر، حاشیه‌ی گچی، سقف فلزی، پنجره‌های طاقی، کاشی‌کاری.

این ساختمان، پنجره‌هایی با طاق جناغی دارد که حفاصل آنها، ستون‌هایی برگرفته شده از تخت جمشید به چشم می‌خورد. این ستون‌ها اکنون از رنگ آبی پوشیده شده‌اند. در اینجا حاشیه‌ی گچی جدی‌تری وجود دارد که اندکی پس از اتمام کاشی‌کاری‌های بالای پنجره‌ها، آغاز می‌شود و تا شروع سقف شیروانی ادامه دارد. سقف شیروانی، که در ساختمان حسابداری هم شاهد آن بودیم، به تفاهم با ساختمان حسابداری کمک می‌کند. این دو ساختمان در جوار یکدیگر هستند و دلالت بر یکپارچگی و یکدستی افکار دارند.

ساختمان آزمایشگاه

ساختمان آزمایشگاه هم با پلان مستطیل با ابعاد ۲۰×۴۶ متر در انتهای مجموعه و نزدیک به ضلع جنوبی ساخته شده است و دارای نمای ساده‌ی آجری است با همان پنجره‌های ساده، حاشیه‌ی گچی و دودکش‌ها!

ساختمان اصلی (جراحی و سوانح)

مهمترین قسمت این مجموعه ساختمان بزرگ‌گیت با طول ۱۰۰ متر و عرض بین ۶ تا ۳۵ متر با مساحت حدود ۴ هزار متر مربع که بخش‌های جراحی و سوانح در آن قرار گرفته‌اند. قسمتی از این ساختمان و آزمایشگاه دارای زیرزمین است. استفاده از پنجره‌ها و درب‌های چوبی بزرگ با بکارگیری نوعی طاق جناغی در قسمت بالایی آنها، از مشخصه‌های آن است. ارتفاع اتاق‌ها و سالن‌های آن بلند بوده و در حدود ۵ متر است، با دیوارهای قطور. این ساختمان دارای راه‌پله‌های سنگی متعددی است و در دو طرف آنها نرده‌های سنگی قالب‌ریزی یا سنگ‌تراشی شده است. نمای خارجی قسمت بالایی ساختمان



سردر ورودی، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]



ساختمان حسابداری (پایین، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]؛ بالا، ۱۳۸۰ [مأخذ: اداره میراث فرهنگی خراسان])



ساختمان ریاست (پایین، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]؛ پایین، ۱۳۸۰ [مأخذ: اداره میراث فرهنگی خراسان])

اسلامی، نقوش کاشی‌کاری شده و بدنه‌ی آجری ساختمان، که بهتر از هر مصالح دیگری به درستی انتخاب شده، از ویژگی‌های کلی این ساختمان است. هیچ‌گونه تشیی در این ساختمان وجود ندارد و همه‌ی عوامل در جهت پیوند با این مکان و در محور روحیه‌ی مخاطب است، جز همان قرمزها که ساختگی هستند!

یکی از نکاتی که در همه‌ی ساختمان‌های این مجموعه به چشم می‌خورد، ریتم است. ریتم منظم عناصر نما، که آن را از تشویش بصری وامی‌دارد، موجب آرامش بیماران می‌شود. چرا که تشیی در هیچ نقطه‌ی این ساختمان به چشم نمی‌خورد. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این مجموعه، به هم پیوستگی بخش‌های طبابت و جدا بودن بخش‌های اداری و طبابت است و مهم‌ترین مسئله‌ی قابل ذکر در این مجموعه از دیدگاه نگارنده، این است که فضاها، منشاء احترام هستند. مردم که استفاده‌کنندگان از این مجموعه هستند، از مرکز به حاشیه رانده نشده‌اند.

در کتیبه‌ی بالای قوس‌ها از تزئینات اسلامی استفاده شده است، تعدادی از ستون‌ها دارای سرستون مقرنس به شیوه‌ی اصفهانی است، پله‌ها بر روی محورهای ورودی قرار دارند و نرده‌ها به شکل صراحی است که هردو مورد از خصوصیات معماری نئوکلاسیک است. نوار سرتاسری سفید بر بخش فوقانی نما، با تزئینات آرت دکو مزین شده است. لذا می‌توان گفت طرح این ساختمان تلفیق موزون و هماهنگی از چهار شیوه‌ی پارسی، اصفهانی، نئوکلاسیک و آرت دکو است.^(۲)

ساختمان‌های جدید

در ساختمان‌های جدیدی که در مجموعه‌ی بیمارستان ساخته شده‌اند، تلاش برای حفظ ارزش‌های در نظر گرفته شده در زمان ساخت آن، به چشم می‌خورد. مانند مصالح، که البته ساده‌ترین روش هماهنگی است. سقف شیروانی، که اندکی متفاوت از سقف‌های قدیمی است و به جای ستون‌های تزئینی کوچکی که در بالای ساختمان‌ها استفاده شده بود، مربع‌هایی تزئینی ساخته شده است. همین‌طور ریتم و تناسب حفظ شده‌اند.

اما ساختمان‌هایی هم ساخته شده‌اند، که گویا در این مجموعه نیستند و تناسبی با این مجموعه ندارند جز اینکه «سادگی» در آنها رعایت شده است. المان‌های جدیدی در این مجموعه ساخته شده‌اند که تم مذهبی دارند، تا نشانی از نام آن، یعنی امام رضا^(ع) باشند.

نتیجه

ما در اعماق وجودمان خواهان آرامش هستیم که ساختمان بیشترین تأثیر را بر ما دارد. ما نیازمند فضایی سازگار با روحمان هستیم. حدیث کهنه‌ای است ترکیب سنت و مدرنیته. سنت را از دل تاریکی بیرون کشیدن و گذاشتن در کنار مدرنیته، طوری که شکلی زمانمند به خود بگیرد، مستلزم شناخت کامل هردو است. در این ساختمان شاهد این بودیم که تزئینات و سادگی، در کنار هم می‌تواند متناسب باشد و ما باید دنبال تفاهم فرهنگی باشیم. اگر بخواهیم این ساختمان را در یک جمله خلاصه کنیم، تلاش برای ماندگار کردن روایاتی است که نشان از هویت ملی دارد و درعین حال که روایت‌گر است، بستر و زمینه‌ی اجتماعی را نیز نادیده نمی‌گیرد.

در جلوی شیروانی‌ها با استفاده از دیوار چینی و تلفیق با ستون‌های کوتاه، نمای جالب توجهی هماهنگ با سایر قسمت‌ها ایجاد کرده است. یکی از عواملی که به مراجعه‌کنندگان ارج می‌دهد، ستون‌های برگرفته از دوران هخامنشی است که توجه را به خود جلب می‌کند و به آرام‌سازی ورود کمک می‌کند. امروزه این ستون‌ها که ناشی از احساسات ملی آن دوران است، هم آشناست، هم غریبه. انگار از آن فخرفروشی نژادی بیرون آمده و رنگ آبی به خود گرفته. این رنگ آبی ساختگی، که در طرح اصلی طراح نبوده، در گنبد ورودی شمالی هم به چشم می‌خورد، که آن هم آبی شده است.

از خصوصیات این مجموعه می‌توان به استفاده از طرح تلفیقی هنر معماری سنتی ایران با کاربری جدید و قابل قبول اشاره کرد. استفاده از نمادهای هنری ایرانی اسلامی همچون طاق جناغی، راه‌پله‌های استاندارد با نرده‌هایی از سنگ تراشیده سفید، نمادهایی از ستون‌های به کار رفته در تخت جمشید و کاخ عالی‌قاپو و ستون‌های مارپیچی مسجد وکیل شیراز، در ترکیبی متوازن، استفاده از کاشی هفت‌رنگ و خشتی با نقوش اصیل ایرانی، به صورت قاب‌های مربع مستطیل بر روی اغلب پنجره‌ها و سردر ورودی و قاب‌های گچی به صورت دو نوار با عرض‌های ۳۰ و ۷۰ سانتی‌متر گرداگرد لبه‌ی بالایی نمای بنا را دور می‌زند که نوار پایینی آبی رنگ شده است.

با بالا رفتن از پلکان ورودی جنوب ساختمان اصلی، احساس می‌شود در حال ورود به مکانی هستیم که حضورمان ارزش دارد. این شکوه، بیمار را از بدو ورود همراهی می‌کند و شاید احساس ناخوشایند عده‌ای را در این مکان درمانی، اندکی کاهش دهد. علاوه بر این، به خوانایی ورودی کمک می‌کند. همین‌طور پلکان فرعی آن، که ناخودآگاه مرا یاد آرامگاه کوروش انداخت.

پلکان ورودی فرعی، طراحی ساده اما متوازن و بسیار دقیق دارد و این دقت، در پلان بیشتر دیده می‌شود. پلان بخش جراحی، کاملاً متقارن است. همراه با یک راهروی طویل که اتاق‌ها، در یک یا دو سمت آن واقع شده‌اند. در دو سمت این ساختمان، دو بازوی بیرون‌زده دیده می‌شود که در آنها تعدادی اتاق و سرویس، قرار دارند. در قسمت وسط، یک بیرون‌زدگی کوچک، به عنوان ورودی دیده می‌شود که پلکان آن را احاطه کرده است.

پلان ساختمان، برون‌گرا و کاملاً متقارن و به صورت نئوکلاسیک است. در پلان یک راهرو طویل و سرتاسری وجود دارد که اتاق‌ها در اطراف آن جانمایی شده و مشابه پلان بیمارستان‌های آن زمان غرب است.

در جلوی این ساختمان باغچه و حوضی هست که افراد را از ورود مستقیم به بنا و می‌دارد. این تمهید، افراد را با خاطر آرام‌تری وارد ساختمان می‌کند، که البته اکنون به شکل اولیه‌ی خود وجود ندارند، اما خوشبختانه همچنان کاربری خود را از دست نداده‌اند.

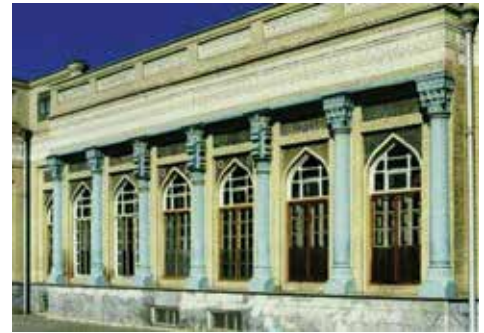
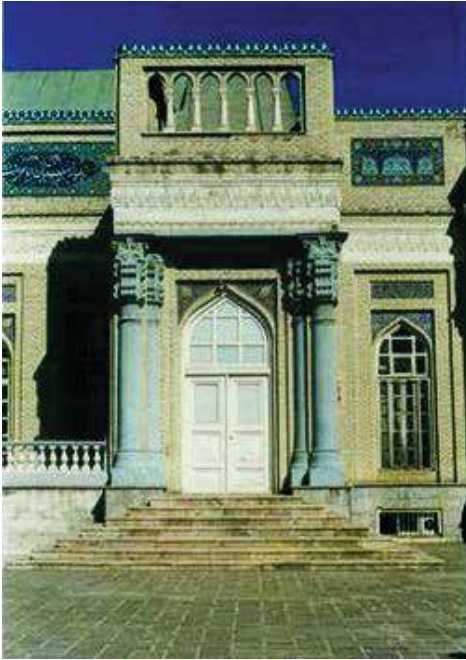
ویژگی‌های مشترک

وقتی به پنجره‌ها دقت می‌کنیم، دقیقاً مانند پنجره‌های خانه‌های قدیمی است که یک قاب کلی بزرگ تورفته، برای تعدادی پنجره ایجاد می‌کردند، سپس به اندازه‌ی هر کدام از پنجره‌ها یک تورفتگی کوچک ایجاد می‌کردند و درون این مستطیل تورفته، پنجره‌ها را با هر فرمی که می‌خواستند جاسازی می‌کردند، مثلاً پنجره با طاق جناغی. سپس مابه‌التفاوت این طاق تا مستطیل را تزئینات می‌کردند، مثلاً کاشی‌کاری. درون قاب بزرگ و بالای پنجره هم تزئین می‌شد. این «قاب در قاب» را اینجا شاهد هستیم. حتی کاشی‌کاری‌ها هم، که البته کاشی‌کاری هفت رنگ متنوعی هستند، درون یک قاب که یک یا دو پله به داخل فرورفته، قرار گرفته‌اند و این فرمول‌بندی به صورت همسان و پایبند به اصول، در همه جای ساختمان رعایت شده است. اکنون برخی از آنها تعویض شده است. باید گفته شود که پنجره‌های با طاق جناغی



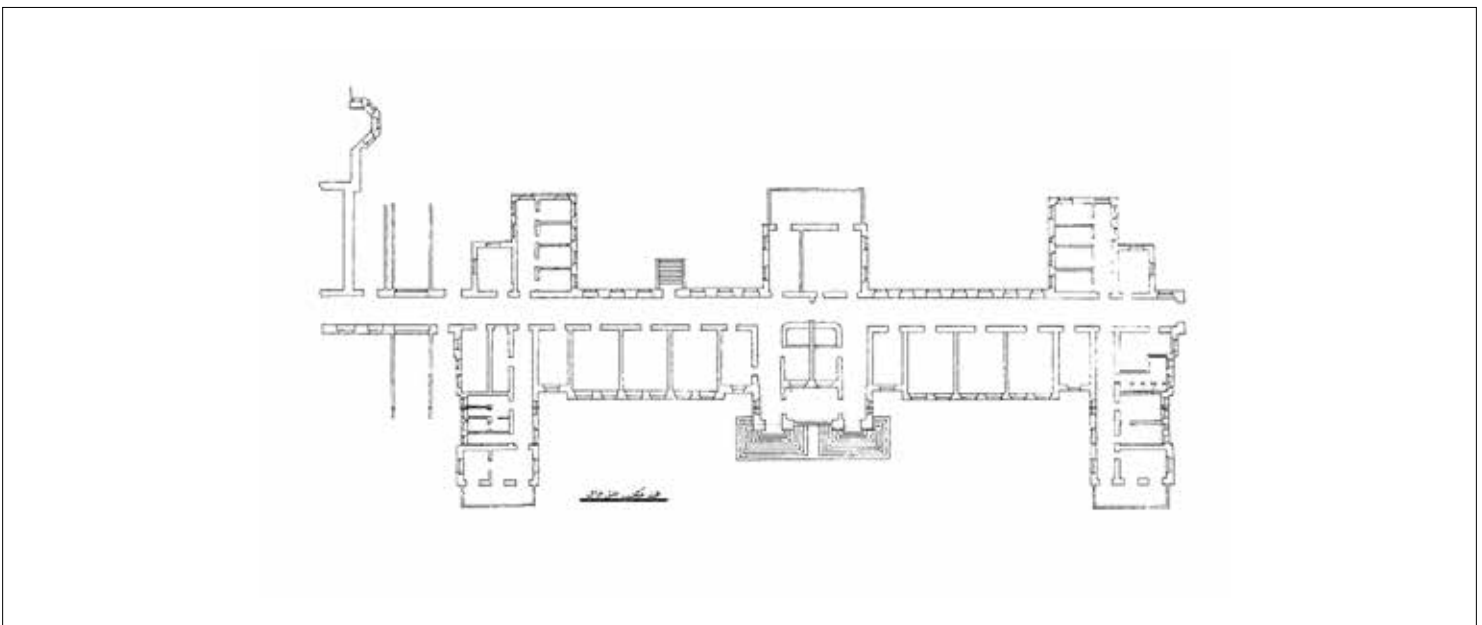
↑ ۴ ورودی اصلی (سمت راست، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]؛ سمت چپ، ۱۳۸۰ [مأخذ: اداره‌ی میراث فرهنگی خراسان])

ساختمان اصلی، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]



↑ ۴ ورودی فرعی (سمت راست، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]؛ سمت چپ، ۱۳۸۰ [مأخذ: اداره‌ی میراث فرهنگی خراسان]) (ستون‌های برگرفته شده از تخت جمشید، نوارهای گچی، که پایینی آبی شده است، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده])

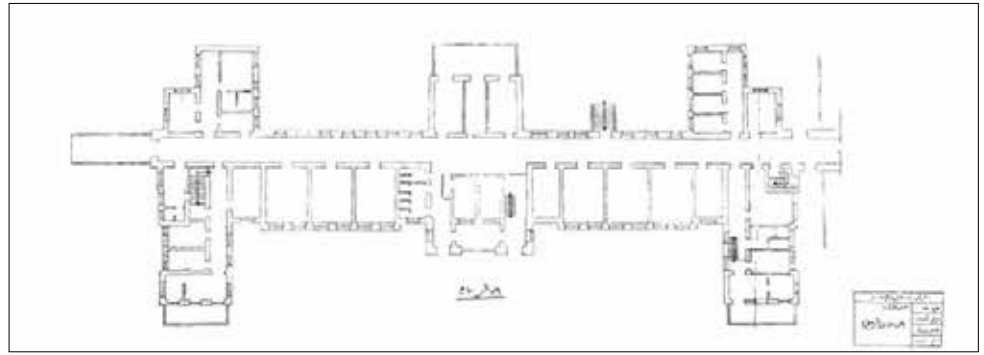
↑ ۴ ساختمان اصلی (بالا، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]؛ پایین، ۱۳۸۰ [مأخذ: اداره‌ی میراث فرهنگی خراسان])



پلان بخش جراحی (برون‌گرا، متقارن، با یک راهروی طویل که اتاق‌ها در اطراف آن قرار گرفته‌اند). [مأخذ: اداره‌ی میراث فرهنگی خراسان]



کاشی‌کاری هفت‌رنگ، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]



پلان بخش سوانح (برون‌گرا، متقارن، با یک راهروی طویل که اتاق‌ها در اطراف آن قرار گرفته‌اند). [مأخذ: اداره میراث فرهنگی خراسان]



امان‌های جدید، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]



ساختمان جدیدالتأسیس با بدنه‌ی آجری، سقف شیروانی، دوردوزی مربعی و پنجره‌های ساده، سال ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]



باغچه‌ی ورودی (بالا، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]؛ پایین، ۱۳۸۰ [مأخذ: اداره میراث فرهنگی خراسان])



↑ ساختمان‌های جدیدالتأسیس، ۱۳۹۵ [مأخذ: نگارنده]

منابع

۱. رئیس، ایمان. «نقد بازی»، جستارهای نقد معماری، انتشارات کسری، چاپ اول، مقدمه
 ۲. قبادیان، وحید. «سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران»، انتشارات مؤسسه علم معمار، چاپ اول، عصر پهلوی اول
 ۳. حقیر، سعید. «سبک‌شناسی آرنوو در معماری معاصر ایران»، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره‌ی ۳۵، صفحات ۶۳-۷۳
 ۴. سهیلی، جمال‌الدین. دیبا، داراب. «تأثیر نظام‌های حکومتی در ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه معماری ایران و ترکیه»، نشریه‌ی باغ نظر، شماره‌ی ۱۴، صفحات ۲۷-۴۴
- گزارش ثبتی بیمارستان امام رضا^(ع) در فهرست آثار ملی، اداره میراث فرهنگی خراسان

قلبی که نمی‌تپد: بررسی و نقد ارگ تجاری تجریش

نویسندگان: علی منصوری، لعیما میری و رها رستگار

می‌توان عامل این دسته‌بندی دانست: مجتمع‌های تجاری خارج از شهر که شهروندان مسافتی را طی می‌کنند و روز خود را در آن می‌گذرانند و مجتمع‌های تجاری داخل شهر که می‌توانند جای خالی فضایی به عنوان «فضای عمومی» را پر کنند. شکل اول در تهران نمونه دقیقی ندارد؛ گرچه پروژه‌های در دست احداثی مانند ایران مال در نزدیکی پارک چیتگر نمونه بارز این گونه خواهد شد. اما برخی از مجتمع‌های تجاری حال حاضر مانند مجتمع کوروش یا هایپراستار نیز موفق شده‌اند محرک چنین رفتار شهری باشند. بدین ترتیب برخی شهروندان به ویژه در روزهای تعطیل در سفری خانوادگی عازم این مجتمع‌های تجاری-فراغتی می‌شوند و زمان خود را با خرید، غذا خوردن در رستوران‌ها، فیلم دیدن در سالن‌های سینما، بازی بچه‌ها در شهربازی و گشت‌وگذار می‌گذرانند.

اما گروه دوم که نمایندگانی مانند پالادیوم، بازار چارسو و بازار موبایل ایران دارد، مراکزی است که عمدتاً در مقیاسی کوچک‌تر تعریف شده‌اند، عملکردی نسبتاً تخصصی دارند و بیشتر متکی به کارکرد «خریدمحور» هستند تا سایر فعالیت‌ها. هرکدام از این مجتمع‌ها به یکی از ویژگی‌های بارزشان شناخته می‌شوند: انگیزه اصلی بسیاری برای رفتن به پالادیوم، آتریوم‌های پرنور و فودکورت آن است، بازار موبایل ایران به مرکزی جامع برای خرید لوازم الکترونیکی تبدیل شده و چارسو در مقیاسی میانه، به عنوان پلی بین فعالیت‌های فرهنگی و خرید لوازم الکترونیکی عمل می‌کند (گرچه به نظر می‌رسد مخاطبان آن، به جای آنکه افرادی باشند که خواهان فعالیت فرهنگی و خرید توأمان باشند، به دو گروه مجزای فعالان فرهنگی و خریداران لوازم الکترونیکی تقسیم شده است). بنابراین به نظر می‌رسد هر یک از این مجتمع‌های تجاری درون‌شهری، قلب تپنده‌ای دارند که به مرکز تزریق فعالیت و کارایی به آن مجتمع تبدیل می‌شود؛ ویژگی بارزی که کارکردی نشانه‌ای می‌یابد و به پویایی مجتمع تجاری می‌انجامد.

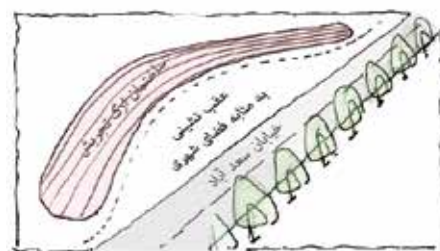
برای مثال در مجتمع کوروش، آتریوم مرکزی به قلب تپنده‌ی مجموعه تبدیل شده است. ابعاد و تناسب آن و نیز پهنای مسیرهای رفت‌وآمد حاشیه آن به ترتیبی است که این هسته به نظرگاه مجموعه تبدیل می‌شود: جایی که محل مکث و نظاره رفت‌وآمد دیگران است. همچنین

اوایل اسفند ۱۳۹۳ بود که خبری جالب توجه در شبکه‌های اجتماعی پیچید: بزرگ‌ترین سلفی جهان در افتتاحیه مجتمع تجاری ارگ تجریش. قرار بر این بود که مشتاقان در فضای شهری پیش روی مجتمع تازه تکمیل شده‌ی ارگ گرد آیند و عکسی سلفی ثبت کنند که به رکورد جهانی بزرگ‌ترین «خودعکس جمعی» تبدیل شود. گرچه این برنامه به دلیل شرایط نامساعد جوی لغو شد و هیچگاه بزرگ‌ترین خودعکس تاریخ در شمال تهران ثبت نشد، اما به هر حال مجتمع تجاری یکی دو ماه بعد در برنامه‌ای جداگانه رسماً افتتاح شد.

مجتمع ارگ تجاری، در خیابان سعدآباد، کمی بالاتر از پل تجریش قرار دارد. در ضلع شمالی میدان تجریش پیکره محو و مواج بنایی بزرگ دیده می‌شود که گذرندگان را به سوی خود می‌خواند. اما با نزدیک شدن به بنا آنچه در درجه‌ی اول جلب نظر می‌کند، عقب‌نشینی حجم بنا از لبه‌ی خیابان است که باعث شده سطحی قابل توجه به پیاده‌روی خیابان باریک سعدآباد افزوده شود. ساختمان مجتمع، دو ورودی دارد که یکی از لبه‌ی خیابان و دیگری از دل همین عقب‌نشینی باز می‌شود. شکل کلی بنا مانند بومرنگی است که این پیاده‌روی عریض را دربرگرفته است (تصویر ۱).

فضای شهری پدید آمده، همان جایی است که قرار بود میزبان بزرگ‌ترین سلفی جهان باشد. فضایی که به نظر می‌رسد می‌تواند میزبان مجموعه‌ای متنوع از فعالیت‌ها باشد: عرصه‌ای مسطح برای رخ دادن قرارها و دیدارها و به عنوان فضای مکث و بخشی پلکانی با ارتفاع مناسب برای نشستن با این امکان بالقوه که به محل انتظار و گفت‌وگوی افراد و استراحت عابران پیاده تبدیل شود و «فضای عمومی شهری» ایجاد کند. اما به نظر می‌رسد گردهمایی بزرگ‌ترین سلفی جهان تنها هدفی نبوده که در نزدیکی این ساختمان به نتیجه نرسیده است؛ در فضای شهری خلوت پیش روی ساختمان ارگ چندان خبری از این فعالیت‌های شهروندی نیز نیست.

به‌طورکلی نکته‌ای که شهروندان را در زمان انتخاب محلی برای خرید دسته‌بندی می‌کند، موضوع رفتن به خرید برای «خرید کردن» یا رفتن به خرید برای «تفریح و پرسه‌زنی» است. دو شکل اصلی مجتمع‌های تجاری را



تصویر ۱. ساختمان ارگ مانند بومرنگ فضایی شهری را دربرگرفته است.

اهمیت کمتر فروشگاه‌هایی که در حلقه‌ی دوم قرار گرفته، باعث می‌شود که افراد عمده وقت خود را در ناحیه‌ی پیرامون آتریوم بگذرانند. ویژگی دیگر هسته‌ی مرکزی مجتمع کوروش که پویایی آن را تقویت نموده، عناصر ارتباطی است که از دل آن می‌گذرد و به جذابیت آن می‌افزاید. در نتیجه تصویر آتریوم اصلی مجتمع کوروش که انبوه جمعیت در طبقات آن در حال بالا و پایین رفتن هستند، به تصویر اصلی این مجتمع در ذهن مخاطبان آن تبدیل شده است.

ویژگی دیگری که به نشانه‌ای قوی برای مجتمع کوروش تبدیل شده، سینماهای پرتعداد آن است که توانسته خیل عظیمی از مخاطبان را از نقاط مختلف شهر برای دیدن آن ترغیب کند.

در ارگ تجاری تجریش، مجموعه‌ای از فروشگاه‌های رده‌بالا در کنار مسیرهای نسبتاً عریض منتهی به آتریوم مرکزی در کنار هم نشسته‌اند. پیرامون آتریوم مرکزی نیز به فاصله‌ای اندک فروشگاه‌هایی قرار دارد و در برخی طبقات، مقداری از فضای پیرامون آتریوم به کافه یا رستوران‌ها اختصاص داده شده است. جابجایی بین طبقات هم به طور عمده از طریق پله‌های برقی واقع در بازوها انجام می‌شود و افراد به ندرت از آسانسور آتریوم مرکزی استفاده می‌کنند. به دلیل حرکت نسبتاً سریع افراد، آتریوم – بر خلاف آنچه در مجتمع تجاری کوروش ایجاد شده – به کانونی مرکزی برای مجتمع تبدیل نمی‌شود و در حد یک گشایش یا نورگیر وسیع باقی می‌ماند که شاید تنها به جهت یابی استفاده‌کنندگان کمک می‌کند.

در جستجوی مشخصه‌ی بارز یک مجتمع تجاری، می‌توان مال‌ها و مگامال‌هایی را در ذهن آورد که ایجاد امکان پرسه‌زنی بلندمدت و انجام فعالیت‌های متنوع به شاخصه اصلی آنها تبدیل می‌شود. گرچه چنانکه گفته شد نمونه کاملی از اینگونه در تهران ایجاد نشده است، اما باز هم می‌توان از مجتمع تجاری کوروش به عنوان مثالی در مقیاس میانه نام برد که در آن مسیری بلند و امتداد یافته در طبقات برای گشت‌وگذار فراهم شده است. این مسیر ممتد با نقاط مکث و وسعت یافته در طبقات مختلف کامل می‌شود و به پرسه‌زنان اجازه‌ی توقف و استراحت و ایجاد تنوع در فعالیت را می‌دهد؛ مشابه آنچه به طور

سنتی در میادین قدیم شکل می‌گرفته است. بازوهای ارگ تجاری به عنوان مسیرهای گشت‌وگذار، به صورت بن‌بست‌هایی طراحی شده که افراد را مجبور به بازگشت می‌کند. بدین ترتیب مسیر گشت‌وگذار در این بنا، مسیری منقطع و متشکل از پاره‌هایی کوتاه است که از لذت فرایند گشت‌وگذار می‌کاهد. بنابراین مجموعه از ویژگی بارز دیگری نیز عاری است: ارگ تجاری مکان چندان مطلوبی برای گشت‌وگذار نیست. بدین ترتیب این مجتمع به یک «مرکز خرید» صرف تبدیل می‌شود؛ جایی که برای خرید بسیار مناسب است، اما سایر فعالیت‌ها در آن به درستی و جذابیت نمونه‌های دیگر شکل نمی‌گیرد. پس برای این مجتمع چه چیز می‌تواند به «نشانه» تبدیل شود؟

ارگ تجریش به دو روش خود را به شهر معرفی می‌کند: نخست نمای عظیم شیشه‌ای و درعین حال تماماً بسته‌ی ساختمان که درون بنا را از شهر پنهان کرده است. بدین ترتیب تصویری از درون ساختمان به بیرون منتقل نمی‌شود. نورپردازی جالب توجه نما نیز می‌تواند به خودی خود برای تبدیل شدن به نشانه‌ی یک مجموعه تجاری کافی باشد.

معرف دوم مجموعه به شهر، همان فضای شهری بیرون مجموعه است. با مطالعه‌ی طراحی سایر مجموعه‌های تجاری حال حاضر، می‌توان دید که در واقع تصمیمی که در طراحی این مجموعه برای ایجاد فضای شهری در پیش روی ساختمان گرفته شده، در طراحی بناهای تجاری اتفاقی ویژه به شمار می‌رود. فضایی که می‌توانسته به کانون مجموعه‌ای از فعالیت‌های شهری تبدیل شود و نقشی نشانه‌ای همچون فودکورت در پالادیوم و سینماهای مجتمع کوروش را برای مجتمع تجاری ارگ ایفا کند. اما نتیجه نهایی، با تعجب و تأسف، چنین نیست.

در کنار مسائل مرتبط با قوانین نانوشته حاکم بر فضاهای عمومی و اجتماعی و تمهیدات امنیتی مغایر با این نوع طراحی، می‌توان گفت که ویژگی‌های طراحی این عرصه نیز در شکل نگرش فضایی شهری در دل آن دخیل بوده است. علل طراحی این امر را در مجموعه‌ای از دلایل

می‌توان جست. در نگاه اول ممکن است بتوان گفت که عرصه‌ی ایجاد شده، بدون هر نوع سایبان، شاید اساساً به لحاظ اقلیمی ظرفیت تبدیل به عرصه‌ای پویا را ندارد. اما واقعیت این است که عرصه‌های شهری پویا الزاماً در عرصه‌های با آسایش حرارتی شکل نمی‌گیرند و علاوه بر آن، شرایط حرارتی این عرصه نیز در شب‌های تابستان و روزهای زمستان، وضعیتی مطلوب دارد. بنابراین به نظر می‌رسد باید دلیل عدم موفقیت این فضا را در جایی دیگر جست‌وجو کرد.

عامل دیگری که می‌تواند بر این موضوع اثرگذار باشد، وضعیت جداری متصل به آن است. در مجموعه‌ی ارگ، طراحان تصمیم گرفته‌اند که جداره‌های مجاور این عرصه را به طور کامل بسته نگه دارند و ورودی مجموعه نیز از درگاهی حداقلی انجام شود. این تصمیم باعث شده که ساختمان ارتباط خود را به طور کامل با عرصه پیش روی خود قطع کند. برای مقایسه، می‌توان حالتی را فرض کرد که جداره‌های پیرامون این پیش‌خوان جایگاه فروشگاه اقلامی مانند اجناس کادویی، کارت پستال‌ها و ... می‌شد. در این حالت این فروشگاه‌ها رفت‌وآمدی را به این عرصه تزریق می‌کرد که به پویایی آن می‌انجامید. نمای ساختمان هم (با وجود آنکه شیشه‌ای است) به طور کامل به این عرصه بسته است و ارتباط بصری بین فضای داخل و فضای بیرون نیز قطع شده است. جنبه‌ی مثبت این موضوع آن است که تصمیم طراحان این مزیت را نیز پدید آورده که عرصه‌ی پیش روی بنا، به طور کامل کارکردی شهری یافته، به جزئی از مجموعه‌ی تجاری تبدیل نشده و هویت مستقل خود را ایجاد کرده است. در نتیجه، این تصمیمی به نفع شهر به نظر می‌رسد؛ اما درعین حال با حذف بخشی از جریان گذرندگان پیاده از این عرصه، احتمال شکل گرفتن فضای شهری پویا را کاسته است.

موضوع دیگر، مقیاس است: در هیچ نقطه از این عرصه، مقیاس شکسته نمی‌شود. در همه جا شاهد هم‌نشینی حجمی بزرگ و درشت‌دانه با فضایی مسطح هستیم. این امر باعث می‌شود هیچ گوشه‌ای از این عرصه، حتی در شرایط اقلیمی مطبوع، برای گذاشتن یک میز و صندلی و قرارگرفتن، دلپذیر نباشد.

عامل طراحی دیگری را می‌توان تقسیمات ایجاد شده در فضا دانست. عرصه به دو نیمه تقریباً مساوی نصف شده است که یکی مسطح و دیگری پلکانی است. در بخش پلکانی، پله‌هایی با ابعاد مناسب برای نشست دیده شده و پله‌هایی با ابعاد مناسب برای پایین رفتن نیز در حاشیه آن طراحی شده است. توقع می‌رود که افراد از این پله‌ها پایین بیایند و در نشیمن‌های پلکانی طراحی شده بنشینند. اما باید دید که چه گروهی از استفاده‌کنندگان مایل به این کار هستند: از یک سو فضا، فضایی پلکانی در تراز پایین تر از پیرامون خود و رو به ورودی پارکینگ است. بنابراین با فضایی فاخر مواجه نیستیم که برای خانواده‌ها جذابیت داشته باشد. در سوی دیگر مقیاس فضا نیز درشت‌دانه است و به فضایی دنج نیز تبدیل نمی‌شود تا نزد زوج‌های جوان و برای قرارها مناسب تلقی شود. بدین ترتیب با فضایی درشت‌مقیاس و غیرفاخر مواجهیم که شکل جداری آن باعث می‌شود که تا حدی از دید خیابان مجاور نیز پنهان شود. به نظر می‌رسد فضا دارای ویژگی‌هایی است که ناخواسته رفتارهای خارج از هنجار را تشویق می‌کند. نیمه‌ی دیگر عرصه‌ی پیش روی بنا نیز وسعتی اندک دارد و خطوطی که در جهت ورودی بر روی آن گیاهکاری شده باعث می‌شود بیش از آنکه محل مکث احساس شود، فضایی برای عبور باشد.

مجموع این دلایل باعث شده که هدیه‌ی طراحان ارگ تجاری به شهر به عنوان فضای عمومی موفق کار نکند و آنچه می‌توانسته به قلب پروژه تبدیل شود، از تپش بایستد. پرسشی که می‌توان طرح نمود آن است که در بلندمدت چه عاملی مردم را به سمت ارگ خواهد کشاند؟

فروشگاه‌های رده بالای مجموعه در نقاط مختلف شهر شعب مختلفی دارند که هرکدام پاسخگوی نیازهای افراد محله‌های مختلف هستند. چنانکه گفته شد، ارگ تجاری نه به عنوان محلی برای گشت و گذار و نه محلی برای گذران وقت بلندمدت چندان مطلوب نیست. واقعیت این است که در حال حاضر بسیاری از مجتمع‌های تجاری با ظرفیت‌های محلی، به دلیل نوظهور بودن این پدیده، در مقیاس شهری عمل می‌کنند. اما در سال‌های آتی و با ساخته شدن مجموعه‌های تجاری در نقاط مختلف شهر و نیز کاسته شدن از تب‌وتاب پدیده‌ی مجتمع‌های تجاری، تنها مجتمع‌هایی بازدیدکنندگان انبوه از نقاط مختلف شهر خواهند داشت که ویژگی بارزی، آن را از دیگر نمونه‌ها متمایز کند. بدون این شاخصه، می‌توان حدس زد که مجتمع‌های تجاری، تنها در مقیاس محلی کار خواهند کرد.

در پیش روی ارگ تجاری تجریش، موقعیتی بی‌نظیر در کسب شاخصه‌ای کاملاً متمایز و شهرت یافتن در مقیاس وسیع، با ناکارآمد شدن عرصه‌ای که به شهر هدیه شده، از دست رفته است. شاید به بار نشستن این عرصه، برای مالکان، طراحان و سازندگان این بنا (که همگی تا حد زیادی در کار خود موفق و تحسین شده‌اند)، اهمیت چندانی نداشته باشد، اما بی‌شک برای شهروندان افسوس‌برانگیز است؛ افسوس از کف رفتن فرصتی دیگر در شکل‌گرفتن یک عرصه جمعی کارآمد.



تصاویر این صفحه: ارگ تجاری تجریش، تهران [عکاس: شهریار خانی‌زاد]



تصاویر این صفحه: مجتمع تجاری کوروش، ستاری، تهران [عکاس: شهریار خانی‌زاد]

خانه‌ای که تمام تهران راجع به آن حرف می‌زنند: مجتمع قله‌ی المپوس (M.O.R)*

نویسندگان: فرشته اسدزاده و ایوو پکچ

متن فکاهی

به این ساختمان نگاه کنید. ما رویای خانه‌ای به غایت لوکس و منحصر به فرد را به واقعیت تبدیل کردیم که حتی رویاپردازی در مورد آن هم جرأت می‌خواهد. در بین برج‌های تجملاتی شهر تهران، هیچ ساختمانی به گرد پای قله‌ی المپوس هم نمی‌رسد، هیچکدام نه از نظر مقیاس و نه از نظر شکوه و جلال، با قله‌ی المپوس قابل قیاس نیستند و تنها واکنشی که می‌توانند نسبت به آن داشته باشند این است که در مقابل شکوه و عظمت آن سر تعظیم فرود آورند.

ما قله‌ی المپوس را به با ابهت‌ترین و متمایزترین شکل ممکن طراحی کردیم و ساختیم، برجی که نام سکونتگاه دیونیوس، خدای یونانی عیش و نوش را به یک می‌کشد و در آن از هیچ هزینه و تجملی دریغ نشده است. ما پس از مدت‌ها کنکاش در تاریخ معماری، برترین بناها را که برای خدایان و پادشاهان طراحی شده بودند گلچین کردیم و آنها را از اینکه هستند باشکوه‌تر و کامل‌تر نمودیم و در ترکیبی جدید در قله‌ی المپوس در هماهنگی فوق‌العاده‌ای با یکدیگر به کار بردیم، تا شاید این برج درخور حضور شما گردد. استحکام، کاربرد، زیبایی – رویایی که در لوکس‌ترین برج تهران به حقیقت می‌پیوندد.

ما تمام آنچه در ذهن خود برای یک خانه می‌پرورانید را به زیباترین و فریبنده‌ترین شکل ممکن به حقیقت تبدیل کرده‌ایم. ما میل و آرزوی شما را حتی بهتر از خودتان می‌شناسیم و قادریم از بزرگ‌ترین رویاها و انتظارات شما فراتر برویم و به خوبی نشان داده‌ایم که توانایی این کار را داریم.

قله‌ی المپوس در زمینی استثنایی با موقعیتی باورنکردنی واقع شده است، با وسعتی بسیار زیاد به طوری که گویا برای خود، محله‌ای جداگانه در منطقه‌ی ۱ تهران است. مساحت متنوع واحدهای این برج (سیصد مترمربع به بالا) تمامی سلیق و بودجه‌ها را پوشش می‌دهد. اگر فکر می‌کنید که یک پنت‌هاوس ۹۶۰ مترمربعی ممکن است برای شما کافی نباشد، از پنت هاوس ۱۵۰۰ مترمربعی ما دیدن کنید. مفتخریم به شما اعلام نماییم که در صورت خرید پنت‌هاوس می‌توانید واحد خود را با مبلمان انحصاری پارسی به همراه مشاوره‌ی تیم طراحی داخلی برج، فرنیش نمایید. این تیم مطرح بین‌المللی، مهارت و حساسیت خود را در طراحی داخلی با برآوردن آرزوهای تعدادی از اولین ساکنین برج در مورد واحدهایشان نشان داده است.

قله‌ی المپوس با فضای سبزی بی‌نظیر چه از لحاظ وسعت و چه از لحاظ طراحی احاطه شده است: فضای به بزرگی یک استادیوم، مملو از گیاهان کمیاب و درختان کهن و تنومند وارد شده از ژاپن که با طراحی فوق‌العاده‌ی یک گروه طراحی منظر فرانسوی در کنار فواره‌ها، برکه‌ها و ماهور تپه‌ها در یک ترکیب‌بندی استادانه قرار گرفته‌اند تا بهترین چشم اندازه‌ها را از پنجره و بالکن منزلتان برای لذت بصری هرچه بیشتر شما به وجود آورند.

ما از بالاترین استانداردهای سبک زندگی تجملاتی برای تکتک واحدهای آپارتمانی قله‌ی المپوس استفاده کرده‌ایم. از نمای سرتاسر استادانه‌ی آن گرفته تا کوچک‌ترین جزئیاتش، جزئیاتی به قدری کوچک که شاید هرگز متوجه حضور آنها نشوید، ما اهمیت فراوان هر کدام از آنها را برای آسایش شما در نظر گرفته‌ایم. قله‌ی المپوس مدرن‌تر از هر آنچه است که بتوانید فکرش را کنید. هر وسیله‌ی آسایش قابل تصویری در ترکیبی تا به امروز بی‌همتا در اختیار شما قرار می‌گیرد – محصولات تکنولوژی آلمانی (حتی ناسا هم سیفون توالت‌های ما را ندارد) در ترکیب با آرامش باغ‌های فرانسوی و حال‌وهوای کلاسیک معماری آن، یک سبک زندگی بی‌نظیر را به شما ارائه می‌دهد.

قله‌ی المپوس دارای یک لابی شگرف و لوکس است که رشک و غبطه‌ی مهمانان شما را بر خواهد انگیخت و از مشاعات و خدماتی بی‌همتا برخوردار است. در آسانسور لابی، دری است که توسط مجسمه‌ساز شهیر فرانسوی، اگوست رودن طراحی شده، که تا قبل از اینکه ما به آن دست پیدا کنیم مورخان هنری از وجود آن بی‌خبر بودند. همانند واحدهای آپارتمانی، هر آنچه در مشاعات وجود دارد، دارای بالاترین استاندارد تکنولوژی و متریا است، از توالت‌هایی از جنس طلا گرفته تا دستگیره‌های آراسته به سنگ‌های قیمتی. ما هر خدماتی را که نام برید ارائه می‌کنیم که به شما اجازه می‌دهد تا وقتی دلتان نخواهد نیازی به ترک مجموعه نداشته باشید. در بین خدمات بی‌شماری که در برج ارائه می‌شود – که همگی ۲۴ ساعته هستند – می‌توان به سرویس کیتینگ، کارواش، شو روم کالاهای گرانبها، باشگاه ورزشی با مربی اختصاصی، جراح پلاستیک اختصاصی با سال‌ها تجربه‌ی اندوخته شده در هالیوود، خیاطانی که از ناپل ایتالیا به مجموعه آورده شده‌اند تا دغدغه‌های شیک‌پوش‌ترین قشر شهر را برآورده کنند، و دیگر خدمات اشاره کرد. همچنین مفتخریم به

آنهايي در بين شما که هنوز جت خصوصی تهیه نکرده‌اند مژده دهیم که سرویس شاتل هلی‌کوپتر برج به فرودگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه) راه‌اندازی شده است، تا زمان انتظار برای پروازتان به خارج کشور به دلپذیرترین شکل ممکن سپری شود. اگر بخواهید، که احتمالاً هم همین‌طور خواهد بود، می‌توانید دیگر هرگز برج را ترک نکید و با خطرات و آلودگی شهر تهران مواجه نشوید. به سادگی در داخل برج بمانید و از بالکن‌های خود از مناظر باغ‌های خصوصی خودمان لذت ببرید، همین‌طور که نیم‌نگاهی به هیاهوی تهران در دوردست دارید.

مجموعه‌ی ما توسط ماهرترین نگهبانان که تحت آموزش سختگیرانه‌ی گارد ملکه‌ی انگلستان بوده‌اند حفاظت می‌شود، تا شما را از خطرات بی‌شمار تهران در امان نگه دارند. ما تمام نگرانی‌های شما را در مورد ورود و خروج به ساختمان درک می‌کنیم و برای آنها راه‌حل‌هایی در نظر گرفته‌ایم. شما به هیچ عنوان نیازی به مواجهه با غریبه‌ها نخواهید داشت. درهای پارکینگ، به لطف تکنولوژی پیشرفته به کار گرفته شده در آنها، با تشخیص و شناسای شماره‌ی پلاک اختصاصی طلاکوب شده‌ی ساکنین مجموعه باز و بسته می‌گردند. ما تضمین می‌کنیم افراد قشر پایین قادر به داخل شدن به حریم شما نخواهد بود، ولی با حفظ فاصله‌ی کافی می‌توانند آزادانه به زندگی شما غبطه بخورند.

می‌دانید که با بقیه متفاوت هستند، می‌دانید که لیاقت این سبک زندگی را دارید. به خودتان یکی از بهترین آپارتمان‌ها را هدیه کنید. انتخابی متمایز انجام دهید. می‌دانیم که می‌خواهید به ما بپیوندید. می‌دانیم که غبطه‌ی همه‌ی تهرانی‌ها را می‌خواهید. می‌دانیم که این آرزوی شما است. می‌توانید از تمام آنچه در بالا توصیف شد به علاوه‌ی دیگر امکاناتی که در ملاً عام قابل توصیف نیستند، در یک پیشنهاد ویژه برای مدت محدود، با قیمت مترمربعی تنها ۴۹،۹۹۹ میلیون تومان (پرداخت به صورت نقدی) برخوردار شوید. این فرصت تنها یک بار در زندگی شما پیش می‌آید، اجازه ندهید از دستتان برود، چرا که پشیمانی بعد از آن بسیار عذاب‌آور خواهد بود. می‌دانیم که می‌خواهید به ما بپیوندید. می‌دانیم که غبطه‌ی همه تهرانی‌ها را می‌خواهید. می‌دانیم که این آرزوی شماست. شک نکنید. تلفن را همین حالا بردارید، همین حالا، قبل از اینکه دیر شود.

* تمامی تصویرسازی‌ها توسط مؤلفان انجام شده است.

MOUNT OLYMPUS

RESIDENCE

WE WANT M.O.R



متن نظری

«ما در زمان وسیله‌محور زندگی می‌کنیم ... به ضرباهنگ جایگزینی بدون توقف آنها.»

(جامعه‌ی مصرفی / ژان بودریار)

«خانه‌ای که تمام تهران راجع به آن حرف می‌زنند» مزاحی است با سبک زندگی تجملی بخشی از طبقه‌ی ثروتمند تهران و توصیفی است اغراق‌آمیز از سبک معماری که آنها برای بیان فضایی تکبر و موقعیت استثنایی خود پنداشته‌شان انتخاب می‌کنند. این پروژه دغدغه این را دارد که چگونه تیپولوژی آسمان‌خراش به عنوان ساز و کاری در خدمت تمایز این گروه اجتماعی و تبعیض فضایی در می‌آید.

پوستر شامل یک متن تبلیغی تمسخرآمیز برای یک ساختمان مسکونی بلندمرتبه در تهران است، یک سکونتگاه اختصاصی و بسته (gated community) به نام قله‌ی المپوس. نام ساختمان از یک قله‌ی یونانی گرفته شده است که براساس افسانه‌ها محل سکونت خدای عیش و نوش و لذت و غیرعقلانیت دیونیسوس و خدای عقلانیت و استدلال آپولو بوده است. نام برج، مظهر گفت‌وگوی بین این دو است و اینکه چگونه «تکنولوژی عقلانی به خدمت امر غیرعقلانی در می‌آید» (نیویورک هذیان‌گو - رم کولهاس). این امر به خوبی در آسمان‌خراش، که دستاوردی کاملاً آپولونی است ولی به خدمت امر دیونیسوسی در می‌آید، مشهود است. متن تبلیغی تمسخرآمیز، گروهی از افراد طبقه‌ی ثروتمند تهران را هدف قرار می‌دهد که نمونه‌ی آنها را می‌توان در صفحه‌ی اینستاگرام «بچه پولدارهای تهران» (Rich Kids of Tehran) مشاهده کرد. این افراد که به نظر همیشه آماده ژست گرفتن برای عکس هستند و دغدغه‌ی به رخ کشیدن سبک زندگی و ثروت خود را دارند، بهترین مشتری‌های قله‌ی المپوس هستند. خودنمایی افراطی این افراد

و نحوه‌ی تعمدی جدا کردن خودشان از دیگر طبقات، نشانگر «زوالی است که در آن بودن به داشتن و داشتن به ظاهر شدن صرف تبدیل می‌گردد». (جامعه‌نمایش - گی دُبور)

کلاژ ارائه شده در پوستر از ساختمان‌های مشهور و مهم در طول تاریخ معماری تشکیل شده است. در تهران معمولاً سکونتگاه‌های قشر مرفه ماهیتی پست‌مدرن دارند و از سبکی مشابه این کلاژ استفاده می‌کند. زبان معماری آنها بازگشت‌هایی به المان‌های تاریخی دارد، بدون اینکه به خصایص اولیه آنها (مانند تقارن، یکپارچگی، خلوص) توجهی داشته باشد. در عوض، به سطحی‌ترین شکل ممکن از آنها کمتر به منظور ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه‌ی شان و بیشتر به خاطر دلالت آنها به قدرت، ثروت و تمایز سوءاستفاده می‌کند. در چنین ساختمان‌ی، نظام‌های معماری کلاسیک (دوریک، یونیک و کورنتین)، المان‌هایی چون کتیبه‌ها، ردیف ستون‌ها، کرنیس‌ها و عوامل تزئینی از معماری تمام دوره‌های تاریخی از عهد باستان گرفته تا آر نوو در کنار هم، موجودی حرامزاده و بی‌تفاوت به زمینه را به وجود می‌آورند. همنشینی این عوامل غوطه‌ور در یادآوری‌های تاریخی و پارافرنالیا، درحالی‌که بازی پوچی با نقل قول‌های تاریخی انجام می‌دهند، در نهایت به یک چندصدایی معمارانه ختم می‌شود که رهبر ارکستر آن سرمایه است.

کلاژ ارائه شده با از شکل انداختن بناهای تاریخی، تلنبار کردن آنها روی یکدیگر برای ایجاد یک آسمان‌خراش، بازی با قواعد تناسبات و مقیاس و شکست ریتیم‌ها، این وضع موجود در معماری تهران را به سخره می‌گیرد و به شکلی مفهومی و انتزاعی، نقطه‌ی اوجی برای این تیپولوژی برج مسکونی تصور می‌کند.

خانه‌ای که تمام تهران راجع به آن حرف می‌زنند به این شعار معتقد است که «form follows fiction» (برنارد چومی) و معماری را به عنوان چیزی می‌بیند که هیچ وقت کاملاً در مورد فرم نیست، بلکه به سمبلیسم ارتباطات و عوامل تخیلی در آنها نزدیک‌تر است. نما برای خود، داستانی جداگانه از ساختمان دارد. فرم‌های کلاسیک به دلیل ارزش فرمال و تاریخی آنها به کار نمی‌روند، بلکه به عنوان روشی برای بیان جایگاه اجتماعی با فرم معماری استفاده می‌گردند. این نما صادقانه‌ترین نمای ممکن است، پیام آن به روشنی بیان می‌شود. نما محتوای روان‌شناسانه‌ی ساختمان و چیزی که بیانگر آن است را پنهان نمی‌کند، بلکه آن را تجلیل می‌نماید. آسمان‌خراش‌ها ماهتیباً نظام‌هایی هستند که تبعیض قائل می‌شوند. هر چقدر مرتفع‌تر ساخته شوند، با خیزی بلندتر، خود را بیشتر از دور و برشان جدا می‌کنند (نیویورک هذیان‌گو - رم کولهاس). یک آسمان‌خراش در واقع یک برش حاد در بافت همگن محیط احاطه‌کننده‌ی آن است، و برای خود جهانی کامل و مستقل است (نیویورک هذیان‌گو - رم کولهاس). آسمان‌خراش با مرزی فرضی از شهر جدا است، در مورد قله‌ی المپوس، این جدا شدن و در نتیجه تبعیض فضایی با انتخاب انجام شده در نمای آن و معنایی که این انتخاب در بر دارد، تشدید می‌شود.

حتی ساختمان‌ی به بزرگی و عظمت قله‌ی المپوس نیز موقتی است، به زودی از رده خارج شده و فراموش می‌گردد، چون طولی نمی‌کشد که یک معماری بزرگ‌تر و با عظمت‌تر پدیدار می‌گردد و در این فضای جهنمی شهر، یک قدم به عدن از جنس فلز و بتن که قلعه‌ی سرمایه و قدرت است، نزدیک‌تر می‌شود و حتی این معماری جدید هم دوباره از رده خارج خواهد شد، چون که ما فقط یک چیز می‌خواهیم: we want M.O.R.



We know this is what you desire. Don't hesitate. Pick up your phone now, pick it up NOW, before it is too late.

Selected Works of Architecture, Urbanism and Interior Design since 2014

آثار منتخب معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ (اجرا شده و نشده) C1: معماری / C2: شهرسازی / C3: طراحی داخلی

بخش سوم از دومین دوسالانه‌ی ملی معماری، شهرسازی و طراحی داخلی ایران، به نمایشگاهی از آثار برتر اجرا شده و نشده در طی دو سال اخیر (۱۳۹۳-۱۳۹۵) اختصاص داشت. در ادامه، آثار منتخب این بخش منتشر می‌گردند. لازم به ذکر است که این آثار از بین ۲۱۳ طرح و پروژه‌ی ارسالی، انتخاب شده‌اند و بین این آثار منتخب، هیچ‌گونه رتبه‌بندی خاصی لحاظ نشده و از نظر دبیرخانه، کلیه‌ی آثار برابر و شایسته‌ی نمایش هستند.

تمامی توضیحات پروژه‌های این بخش توسط شرکت‌کنندگان نوشته و ارسال شده است و جهت حفظ سبک نگارشی ایشان، سعی بر اعمال کم‌ترین تغییرات ویرایشی در آنها نموده‌ایم.

برج باغ

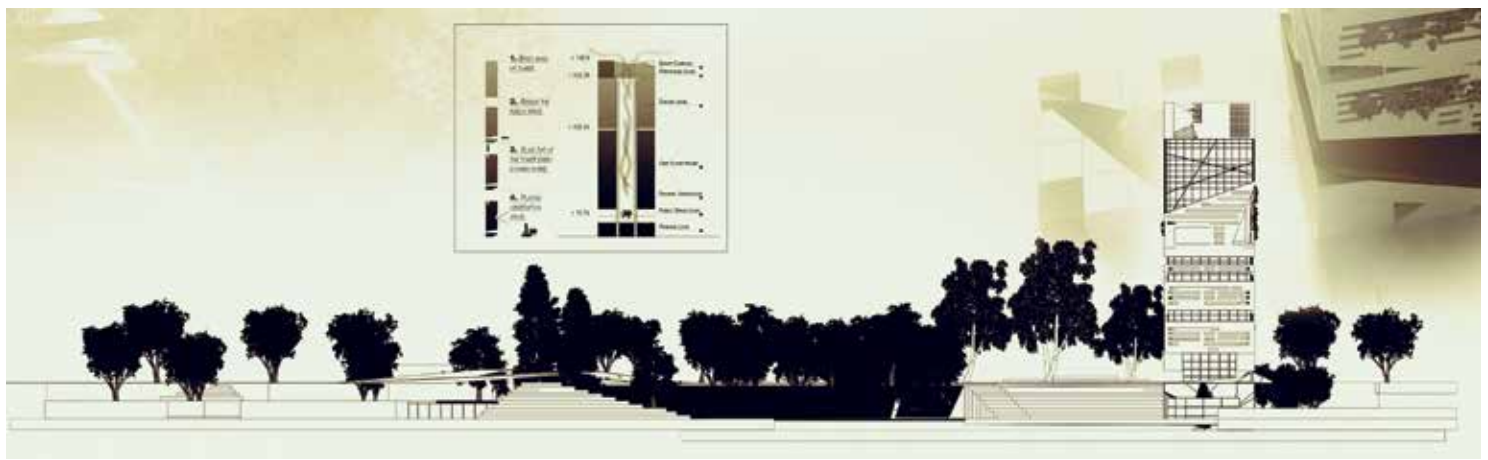
طراح: محسن زیبارفتار

محل پروژه: قزوین، باراجین
 سطح زیربنا: ۲۵۰۰ مترمربع
 کاربری بنا: مسکونی، تجاری و تفریحی

پست الکترونیک: mzibaraftar@hotmail.com

این پروژه در نزدیکی دانشگاه آزاد قزوین قرار دارد که از سمت شرق به بوستان فدک و از سمت جنوب مشرف به فضای سبز است. هدف اصلی در طراحی این پروژه، ایجاد فضایی عمومی (Public Space) در درون برج و برقراری ارتباط بین برج و فضای سبز خارج از سایت، به وسیله‌ی جاده‌ی سلامتی (پل طبیعت) با رویکرد خلق فرمی متمایز می‌باشد. قرارگیری مراکز تجاری خدماتی در درون سایت، موجب بالا بردن سطح اقتصادی منطقه و جذب گردشگران خواهد شد، این قسمت از سایت به دلیل ایجاد ازدحام و مزاحمت برای ساکنین برج در درون گودال قرار گرفته و دسترسی به نقاط خارج از آن را محدود می‌سازد. ایجاد شکاف در قسمت بالای برج، همسو با جهت باد است که تهویه‌ی طبیعی مشاعات برج را میسر می‌سازد. پل ارتباطی به عنوان نقطه عطف طرح، برج را به فضای سبز مشرف به سایت متصل ساخته و مسیری را برای پیاده‌روی و ایجاد تعامل ساکنان برج فراهم می‌آورد.





پاویون ایران در اکسپو ۲۰۱۵ میلان

طراحان: ندا اکبری، احسان دربندی، فازاد استودیو، مهندسین مشاور ارگ بم کرمان، علیرضا امتیاز، فروزان شاماسب‌لو، علی حاجی‌نقیون

همکاران طراحی: کاوه بذرافکن، ژوبین خبازی، محسن ناژداکی
مدیر پروژه: شهاب‌الدین ارفعی
مشاور محلی: مشاور معماری استودیو ATI ایتالیا
تصاویر سه‌بعدی: سینا کیوان، پژمان طیبی، مهیار غلامی، سعید فهیم‌پور، فرهنگ ملک
محل پروژه: میلان، ایتالیا
سطح زیربنا: ۲۰۰۰ مترمربع

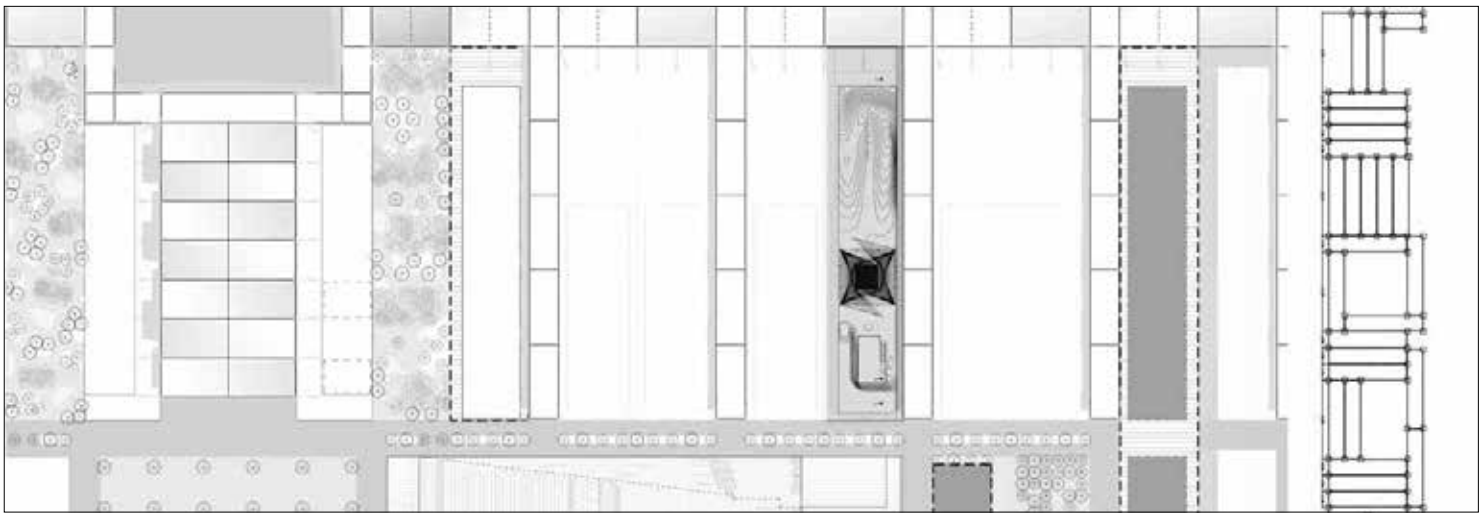
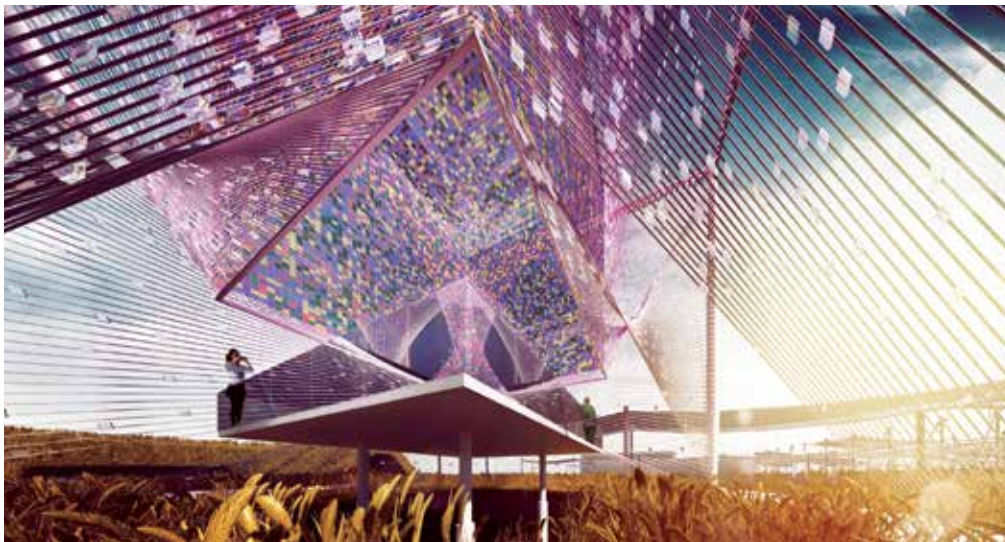
پست الکترونیک: fazadstudio@gmail.com
سایت: www.nedaakbari.com

بهترین دستاورد چنین اتفاقی برای ایران می‌تواند ایجاد تصویری از یک کشور تاریخی باشد که در گذر سال‌ها، همیشه به دغدغه‌های انسانی و جهانی پاسخی نوآورانه و منحصر به فرد داده است و امروز نیز کشوری پیشرفته در زمینه‌های مختلف فناوری و با همان روح تاریخی خود در پی تعالی بشر و حفظ سیاره‌ی زمین برای همه‌ی انسان‌ها می‌باشد. رویکرد این پروژه فاصله گرفتن از تعریف ایران در چارچوب یک نمایش تاریخی صرف و اهداف کوتاه‌مدت فرهنگی و اقتصادی است. این بار بازدیدکننده به قلب یک تجربه‌ی ساده فرستاده می‌شود، زمانی که عطار پیر ایرانی او، چند سؤال ساده می‌پرسد و به او از به تعادل رساندن جسمش با خوراکی‌های رنگارنگی می‌گوید که هر یک شخصیتی همسو یا در تضاد با طبیعت او دارند و معماری‌ای که از درون همین بینش می‌روید، با همه‌ی ساکنین این سیاره دوست است و به تعادل زیست انسان می‌اندیشد؛ تعادلی برای زمین. به همین منظور، فضای به مساحت تقریبی ۵۰ مترمربع که قلب پروژه و تجربه‌ای منحصر به فرد برای بازدیدکننده می‌باشد، در نظر گرفته شده است. کف متحرک این اتاق، بازدیدکننده را به مرکز مکعبی می‌برد که از تنیده شدن تار و پودی با یک الگوی ایرانی خلق شده است و گره‌های این فرش سه‌بعدی، عصاره‌ی گل‌های فرش ایرانی است؛ همان رازهای تعادل جسم.

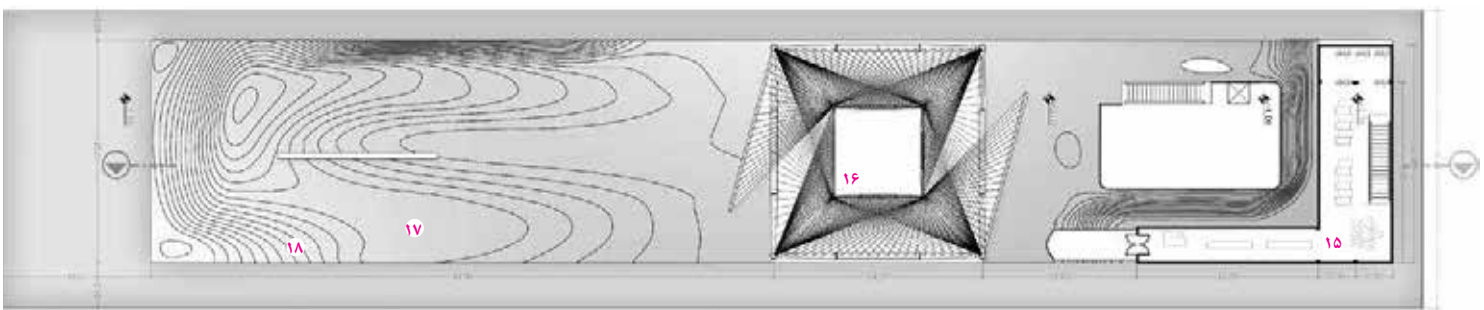
نور روز از میان این شیشه‌های پر از اسانس، این فضا را با رنگ‌های مختلف روشن می‌کند؛ مثل نوری که از پس شیشه‌های رنگی به کف خانه‌های قدیمی ایران می‌افتد. در شب هم این شیشه‌ها که با کالکتورهای خورشیدی، الکتریسته ذخیره کرده‌اند، مانند تجمعی از احجام نورانی بر فراز گندمزار پاویون ایران می‌درخشند. بام پاویون ایران گندمزاری است که در تمام زمان فعالیت اکسپو، یک فضای عمومی باز برای انجام فعالیت‌های جمعی و استراحت بازدیدکنندگان، به دور از شلوغی مجموعه‌ی اکسپو می‌باشد.

با توجه به تم این دوره‌ی اکسپو – تغذیه‌ی زمین، انرژی برای زندگی – بینش اعتدال‌محور پاویون ایران بدون بتن‌ریزی و با بازیافت یا بازاستفاده‌ی حداکثری از تمام مصالح به کار رفته صورت گرفته است. مکعب اعتدال به صورت پیش‌ساخته در میلان نصب می‌شود و پس از اتمام اکسپو، دوباره جمع‌آوری شده و با مونتاژ مجدد در ایران، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. پوشش داخلی دیواره‌های پروژه که از الیاف گیاهی است، در پایان به خوراک دام‌های ایتالیایی بدل می‌شود و مهم‌تر از همه، ساختار تمام فضاهای بسته‌ی پاویون که از کانتینرهای حمل‌ونقل دریایی است، پس از اتمام کاربری به صورت کامل بازیافت می‌شوند.

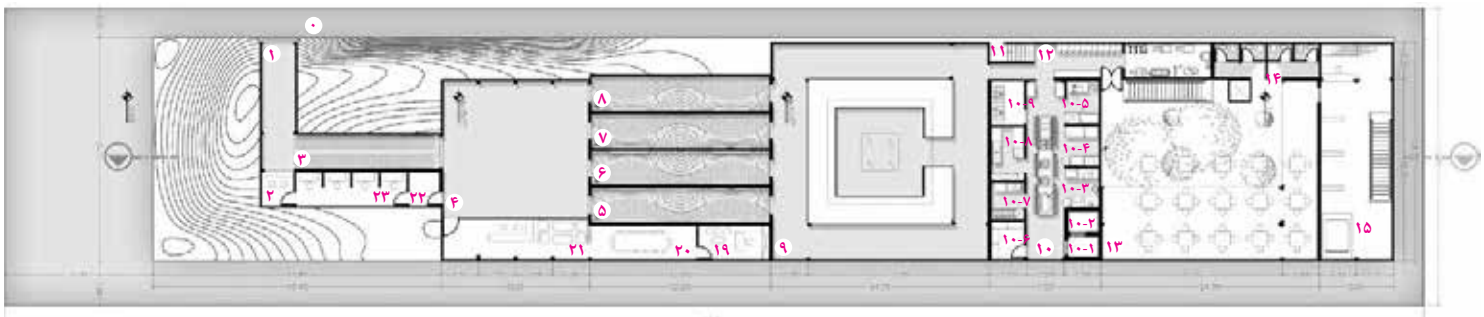




پلان سایت



پلان طبقه اول



پلان طبقه همکف

- | | | | | | |
|------------------------------|---------------------------|-------------------------------|--------------------------------|------------------------------------|-------------|
| ۰۰ صف | ۰۶ راهرو ویژه طبع بلغمی | ۱۰-۲ سردخانه زیر سقف | ۱۰-۸ طرف شویی و نگهداری ظروف | ۱۵ فروشگاه | ۲۱ وی آی پی |
| ۰۱ ورودی بازدیدکنندگان | ۰۷ راهرو ویژه طبع صفریایی | ۱۰-۳ آماده سازی سبزیجات | ۱۰-۹ دیگ شویی | ۱۶ مکتب اعتدال-رستوران وی آی پی شب | ۲۲ نمازخانه |
| ۰۲ مهر گذرنامه بازدیدکنندگان | ۰۸ راهرو ویژه طبع سودایی | ۱۰-۴ آماده سازی برنج و حبوبات | ۱۱ خروجی اضطراری-ورودی کارکنان | ۱۷ فضای باز رویداد- رستوران شب | ۲۳ اداری |
| ۰۳ دید آکس | ۰۹ حیاط مرکزی | ۱۰-۵ آماده سازی گوشت | ۱۲ رختکن کارکنان | ۱۸ خروجی | |
| ۰۴ سالن ارائه ی چند رسانه ای | ۱۰ آشپزخانه ی رستوران | ۱۰-۶ انبار مواد غذایی | ۱۳ رستوران | ۱۹ مدیریت | |
| ۰۵ راهرو ویژه طبع دموی | ۱۰-۱ سردخانه بالای صفر | ۱۰-۷ پخت کباب | ۱۴ سرویس بهداشتی | ۲۰ جلسات | |

بنای نمازخانه و اجرای مراسم مذهبی پارک کوهستانی صفه اصفهان (بنایی از بیرون به درون)

طراح: حامد فتوت

همکاران طراحی: علی خلیلپور، بهاره مجملی،
علیرضا نایینی، پوریا علی عسگری، مینا واقعی،
الناز خدادادی، میلاد بهرانی، سارا تقی‌زاده،

صدف خادم بهشتی

محل پروژه: اصفهان، پارک کوهستانی صفه

سطح زیربنا: ۶۰۰ مترمربع

تاریخ طراحی: ۱۳۹۳

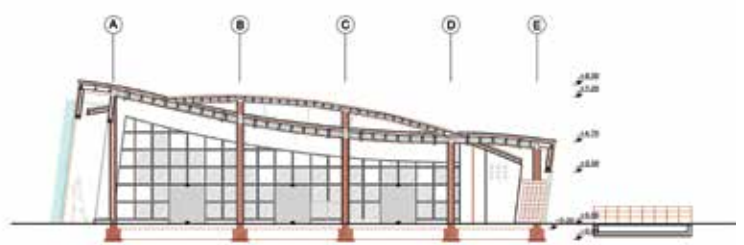
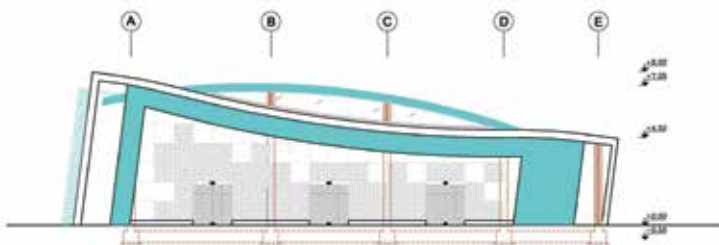
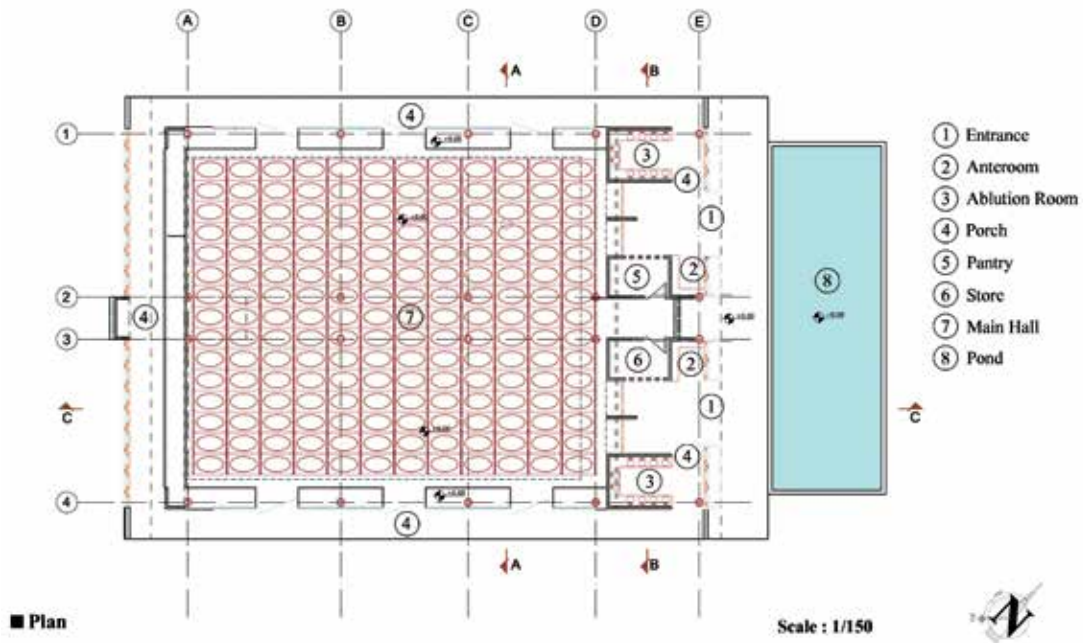
تاریخ اجرا: ۱۳۹۴

پست الکترونیک: h_fotovat@yahoo.com

موقعیت قرارگیری پروژه، که در پارک کوهستانی صفه اصفهان می‌باشد، یکی از اصلی‌ترین پارامترها در جهتگیری فرایند طراحی این پروژه بوده است. در این راستا، بکارگیری حداقل عناصر در طراحی پروژه، به منظور حفظ ویژگی‌های طبیعی سایت و انجام کمترین دخل و تصرف در آن، مد نظر قرار داشته است. اصلی‌ترین عنصر شکل‌دهنده‌ی فرم بنا، پوسته‌ی سنگی است که در جهت شیب زمین و قبله قرار گرفته و به صورت یک سقف، علاوه بر ایجاد فضای اصلی در دل خود، رواق‌های پیرامونی بنا را نیز شکل داده است. ایجاد سطحی فیروزه‌ای رنگ با آجر لعابدار بر روی سقف، نمادی از فرم گنبد می‌باشد. شکاف ایجاد شده در شمال و جنوب این پوسته، باعث هدایت نور در جهت قبله به داخل ساختمان می‌شود. ایجاد شفافیت در جداره‌های جانبی بنا (به‌خصوص جداره‌های شرقی و غربی) باعث امتداد دید بصری محیط پیرامون بنا، هم از بیرون و هم از درون آن و همچنین کاستن از نقش بسته بودن بنا شده است. پوسته‌ی شفاف پیرامون بنا، با الگوهای مختلفی از موتیف‌های معماری تاریخی ایرانی، به صورت نیمه‌شفاف پوشش یافته است. مصالح به کار رفته در این پوسته، از نوع بتن مسلح با الیاف شیشه (Glass Fiber Reinforced Concrete) می‌باشد و ضمن ایجاد تنوع در نفوذ نور به درون بنا، سبب ایجاد فضایی مفهومی و معنوی در داخل شده است. ویژگی‌های طرح به شرح زیر می‌باشد:

- بکارگیری کمترین عناصر معماری در شکل‌دهی به فرم بنا
- توجه به الگوها، موتیف‌ها و تزئینات معماری ایرانی با رویکردی نو و بکارگیری مصالح جدید در ایجاد آنها
- ایجاد شفافیت در فضا، در عین حفظ محرمیت متناسب با کاربری بنا
- بکارگیری پوسته‌هایی متخلخل در جبهه‌های مختلف، که علاوه بر شکل‌دهی نمای بنا، بر فضای داخل نیز تأثیر می‌گذارند و جزئی از طرح داخلی بنا شده‌اند.
- توجه به نورپردازی بنا، به‌خصوص در شب، به گونه‌ای که بنا را چون نگینی نورانی در دل سایت مشخص نماید.





برج‌های مسکونی سبز کوثر

طراحان: فیلیپ روو، حامد کامل‌نیا

پروژه‌ی برج‌های مسکونی سبز کوثر در شهر مشهد و در زمینی به مساحت نزدیک به یک هکتار در بلوار کوثر (جنب میدان پژوهش) واقع گردیده است. نظر به اهمیت پرداختن به انرژی‌های نو در معماری معاصر و با توجه به نیاز مبرم استفاده‌ی بهینه از انرژی در ساختمان‌سازی امروز کشورمان، این پروژه با هدف ایجاد فضایی برای زندگی و بهبود کیفیت آن از یک سو و خلق نشانه و الگویی برای آینده از سوی دیگر مطرح گردید. پروژه‌ی حاضر اولین تجربه‌ی واقعی معماری سبز در کشورمان است که در آن از انرژی‌های پاک در تمام سطوح معماری ساختمان بهره گرفته شده: پانل‌های خورشیدی، توربین باد، سیستم زمین گرمایی، استفاده از آب بازیافتی، نمای دوپوسته و ... از نمونه‌های این موضوع هستند که برای کاهش هزینه‌های انرژی به کار گرفته شده‌اند.

علاوه بر این، ساختمان برج‌ها به مثابه یک پنجره‌ی شهری است. در این پروژه، تمامی واحدها دارای حیاط سبز قابل کشت مخصوص به خود هستند که به صورت مکانیزه آبیاری می‌شوند. بام سبز برای ساکنان و پارک خطی با مسیر دوچرخه‌سواری در ارتفاع، که قابل استفاده برای عموم مردم است نیز در پروژه وجود دارد. سیستم‌های هوشمند BMS برای هر واحد مسکونی، باغ زمستانی در طبقات ضلع شمالی هردو برج و انباری در زیرزمین با دسترسی آسان از هسته‌ی میانی در هر طبقه از دیگر ویژگی‌های واحدهای مسکونی برج‌های مسکونی سبز کوثر می‌باشد. طبقات پایه‌ی برج‌های مسکونی سبز کوثر شامل خدماتی نظیر واحدهای تجاری (بانک، هایپرمارکت، آژانس مسافرتی، گالری هنر باغ گل و ...)، مهدکودک با حیاط اختصاصی، مجموعه‌ی ورزش و تندرستی، مجموعه‌ی استخر، سونا و جکوزی، مسیر پیاده‌روی، پارک طبقاتی و باغ‌های موضوعی است. این در حالی است که دسترسی غیرساکتین به مجموعه‌های تجاری و اداری، به کلی از مسیر بخش‌های مسکونی مجموعه تفکیک شده است. روش‌های زیر به منظور پایداری در برج‌های مسکونی سبز کوثر اتخاذ شده است:

- استفاده از یک لایه‌ی فضای سبز در تراس‌ها و جلوگیری از ورود سروصدا به داخل فضای زندگی همانند یک فیلتر
- افزایش تهویه‌ی طبیعی توسط کاشت درختان و فضای سبز در تراس و به حداقل رساندن میزان استفاده از سیستم تهویه
- جذب متوسط حدود ۲۰۰ کیلوگرم دی‌اکسیدکربن به صورت ماهیانه با در نظر گرفتن حدود ۲۲۰ اصله درخت در تراس واحدهای مسکونی (هر درخت ماهیانه حدود ۰/۷ تا ۱/۱ کیلوگرم دی‌اکسیدکربن را جذب می‌کند).
- کاهش ۳ درجه‌ای دمای هوا در فصول گرم با ایجاد فضای سبز در طبقات
- استفاده از درختانی که با تغییر فصل ظاهر متفاوتی به خود گرفته و در تراس‌ها موجب ایجاد کیفیتی متفاوت و نمایی چهار فصل می‌شوند.
- استفاده از مصالح طبیعی: مصالح سبز، رنگ‌های بدون ترکیبات آلی فرار، پلاستیک‌های قابل بازیافت، سنگ گچ‌های طبیعی و محصولات معدنی که در کاهش آلودگی هوای فضای داخلی سهم بسزایی دارد.
- استفاده از آب‌های خاکستری: آب‌های مصرفی در سینک‌ها و آب باران در لوله‌های جداگانه جمع‌آوری شده و پس از بازیافت و تصفیه، در آبیاری فضای سبز، شست‌وشوی محوطه و فلاش‌تانک‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- تولید بیش از ۲۰ درصد برق مصرفی توسط نیروگاه موجود در پروژه
- تأمین بیش از ۴۰ درصد آب گرم مصرفی توسط انرژی خورشیدی و صفحات خورشیدی روی بام
- استفاده از دو توربین بادی برای تأمین روشنایی نما و پارک خطی
- استفاده از چراغ‌های سولار در محوطه برای به دست آوردن انرژی روشنایی بدون پرداخت هزینه
- استفاده از نمای دو پوسته (لوورهای متحرک) جهت حبس گرما در زمستان، کنترل تابش‌ها در تابستان و جلوگیری از ورود بادهای غالب منطقه در طبقات بالایی برج





سردر اصلی پردیس بین‌المللی دانشگاه هنر کرج

طراحان: مرتضی علی‌نیا مقدم، الیکا زارعی، مهران ازهاریان‌فر

محل پروژه: کرج، دانشگاه هنر
سطح زیربنا: ۱۵۰ مترمربع
تاریخ اجرا: ۱۳۹۳

پست الکترونیک:
mortezaalinia.moghadam@gmail.com

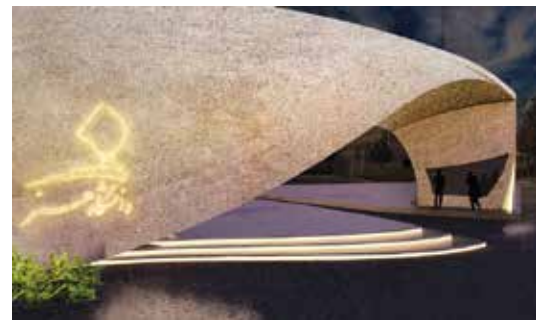
سردر عنصری معماری برای شاخص‌سازی مجموعه‌ای در ساختمان‌ها است. در رویکرد اولیه‌ی طراحی، مسئله‌ی فوق از یک عنصر کلیشه‌ای تبدیل شد به فضایی جدید با خواص جدید و منحصر به فرد و مسئله‌ی طراحی فضایی مطرح شد که حد فاصل جهان مادی و ذهن هنرمند است؛ فضایی برای گذر از جهان ماده و واقعیت به واقعیت ذهن هنرمند و حرکتی به جهان انتزاع. شاخص بودن این فضا در مقیاس محل پروژه می‌تواند مخاطب را به سفری به درون دعوت کند. دعوت‌کنندگی فرمال و دعوت از بیرون به درون حجم، خود را به صورت دعوتی از جهان مادی به جهان غیرمادی و بدون مرز تبدیل کرد؛ دعوت از ماده به انتزاع.

دانشگاه هنر را فارغ از ساختمان و کالبد معماری و مصالح می‌توان به عنوان فضایی برای شناخت و ادراک مرزهای مادی مفاهیم انتزاعی و محل تولدی برای مفاهیم خیالی و انتزاعی ذهن هنرمند به اشکال مختلف مادی دانست؛ تراش توده‌ای و خلق لحظه‌ای، رنگ بازی و جان مادی دادن به مفهومی احساسی، بازی بیان و بدن و نمایش دغدغه‌های انسانی و تعامل صدا و احساس در ساز. از این منظر، دانشگاه هنر، فاصله‌ی زیادی از عالم مادی می‌گیرد، لذا توجه به کالبد مادی بناها که توده‌هایی از آجر و آهن و مصالحی اینچنین است، در طراحی حجم نهایی سردر و محوطه‌ی ورودی، راه به جایی نمی‌برد! اهمیت مطالب مذکور، طراحی را در مسیری بین خیال و واقعیت هدایت نمود؛ مسیری که نرمی خیال را به فرم القا می‌کند، سیالیت و حرکت در این مسیر، فرم را به چالش نفی تقارن و برقراری تعادل کشید.

عنوان اصلی مسابقه‌ی طراحی سردر ورودی دانشگاه هنر بود که در شروع روند طراحی به تعریف فضای ورودی نزدیک شدیم. در ادامه‌ی تعریف فضای ورودی، به مسئله‌ی استفاده از ماده و جرم در معماری، به عنوان عنصری کاربردی برای خلق یک فضا رسیدیم؛ مسئله‌ای که در گرافیک خوشنویسی ایرانی و ایجاد فضای پر و خالی در صفحه، همچنین سایه روشن ایجاد شده در حروف، هنگام نوشتن آنها، در این مرحله، شکل مسئله‌ی نهایی در طراحی هویدا شد: توجه به جرم برای تعریف فضای مورد نظر. هنگام نگارش یک سیاه مشق، هنرمند سعی دارد تا به صورت بداهه و همزمان، فضاهای مثبت و منفی را در صفحه به یک کمپوزیسیون باارزش زیباشناسی و دارای تعادل تبدیل کند. از این رو، مسئله‌ی تعادل، تضاد و کلیدواژه‌هایی نظیر پر و خالی و سیاه و سفید در صفحه، ذهن را به خود مشغول می‌کند که می‌توان در زبان فرمال معماری آن را با فضا، توده، جرم، نور و سایه متناظر کرد.

یکی از شاخصه‌های خط نستعلیق که در نگارش آن مورد توجه قرار می‌گیرد، سایه روشنی است که باید هنگام نگارش در حرف و کلمات ایجاد گردد، از این رو، جهت حرکت و لحظه‌ای که قلم حرکت می‌کند و باز می‌ایستد، در حروف به صورت سایه روشن دیده می‌شود. در بیان فرمال معمارانه‌ی طرح پیش رو، سعی شده تا با ایجاد سایه روشن و پیچیدگی در حجم، علی‌رغم مینیمال بودن طرح، این ویژگی نیز مورد توجه قرار گیرد. به منظور رابطه‌ی معماری فضای ورودی با زمینه، به نظر می‌رسد که همسویی فرمال و تشابه مصالح سردر با بناهای سایت، هنر را در کالبد مادی اسیر خواهد کرد و بخش انتزاعی هنر را به شدت تضعیف می‌کند. از این رو مسیر طراحی، فارغ از هویت فرمال بناها و مصالح غالب به کار رفته، در ساختمان‌های موجود در سایت طی شد.





انعطاف پذیری در شکل گیری مرز شهر و دانشگاه



در نظر گرفتن فضای تعامل جمعی دانشجویان



فضای نگهبان مسلط بر عبور پهناده و سواره

قابلیت درک بصری و فضایی متناسب با سرعت عبور رهگذران در سمت های مختلف بلوار محل احداث مجموعه



در بسیاری از سردر ها نام بنا در بالاترین نقطه قرار می گیرد که در لحظه ورود این مسأله حس دیده شدن از بالا به پایین را به شخص می دهد. در طرح پیش رو با تغییر محل نام دانشگاه به ارتفاع چشم انسان و تغییر تناسبات عرفی، حس همراهی در مسیر ورودی تداعی شده است...

مراحل شکل گیری فضای ورودی



طراحی ساختمان جدید سازمان نظام مهندسی استان لرستان

طراحان: مرتضی علی‌نیا مقدم، الیکا زارعی، مهران ازهاریان‌فر

محل پروژه: لرستان
سطح زیربنا: ۲۴۰۰ مترمربع
تاریخ اجرا: ۱۳۹۴

پست الکترونیک:
mortezaalinia.moghadam@gmail.com

مسئله‌ی قابل طرح در بسیاری از پروژه‌ها و فضاهای عمومی، ارتباط پروژه با مردم و شهر است. در بسیاری از موارد، این ارتباط به واسطه‌ی کاربری خاص ساختمان در پروژه از بین رفته و یا به نحو مقتضی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و نهایتاً منجر به حذف ارتباط پروژه با کاربران می‌گردد و پروژه خود را به صورت ساختمانی بی‌روح در متن شهری مطرح می‌کند. با توجه به کاربری عمومی ساختمان، مسئله‌ی اصلی پروژه، به حل دو نکته‌ی «یافتن راهی برای ارتباط بهتر بین پروژه و کاربران» و همچنین «ایجاد ارتباط بهتری میان پروژه و منظر شهری» اختصاص یافت.

• یافتن راهی برای ارتباط بهتر بین پروژه و کاربران

کاربران یک پروژه به عنوان بخشی از مردم که با پروژه در تماس مستقیم هستند، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کالبد پروژه مورد توجه هستند. از این رو، این مسئله در پروژه‌ی فوق به صورت مستقیم مؤثر بوده و در همان مراحل اولیه‌ی طراحی، تأثیر این نکته بر حجم مورد توجه قرار گرفته و در ادامه‌ی همین مراحل، تبدیل به شکل‌گیری فضای نیمه‌باز میانی پروژه با عنوان فضای نیمه‌عمومی – که در معماری و طراحی شهری امروز ایران بسیار اندک به چشم می‌خورد – شده است. از طرفی، در مبانی نظری معماری سنتی ایرانی، یکی از نکات قابل توجه، مسئله‌ی مردم‌واری بناها بوده که علاوه بر حفظ تناسبات، به نقش شهری بنا نیز توجه می‌کرده است. از این رو، می‌توان مسئله‌ی مطروحه درباره‌ی ارتباط پروژه با کاربر را خوانشی امروزی از مسئله‌ی مردم‌واری نام برد.

• ارتقای کیفیت نحوه‌ی ارتباط پروژه با شهر و بهبود منظر شهری

در مراحل طراحی، استراتژی استفاده از فضای تهی انتخاب شد که منتج به ایجاد فضای نیمه‌باز طبقه‌ی دوم، با توجه به بافت اطراف ساختمان و خط آسمان بافت اطراف پروژه گشت. این فضا به عنوان پاسخی بصری و فیزیکی به مسئله‌ی امتداد مسیر حرکت شهر و منظر شهری در کالبد پروژه مطرح گردید. در ادامه، پله‌هایی که امتداد حرکت چشم و حرکت مخاطب را از لحاظ فیزیکی میسر ساخته‌اند، به عنوان عنصری معمارانه در پاسخ به این سئوای خودنمایی می‌کنند. راه حل مطروحه، با توجه به محدودیت‌های ابعاد سایت اتخاذ شد.

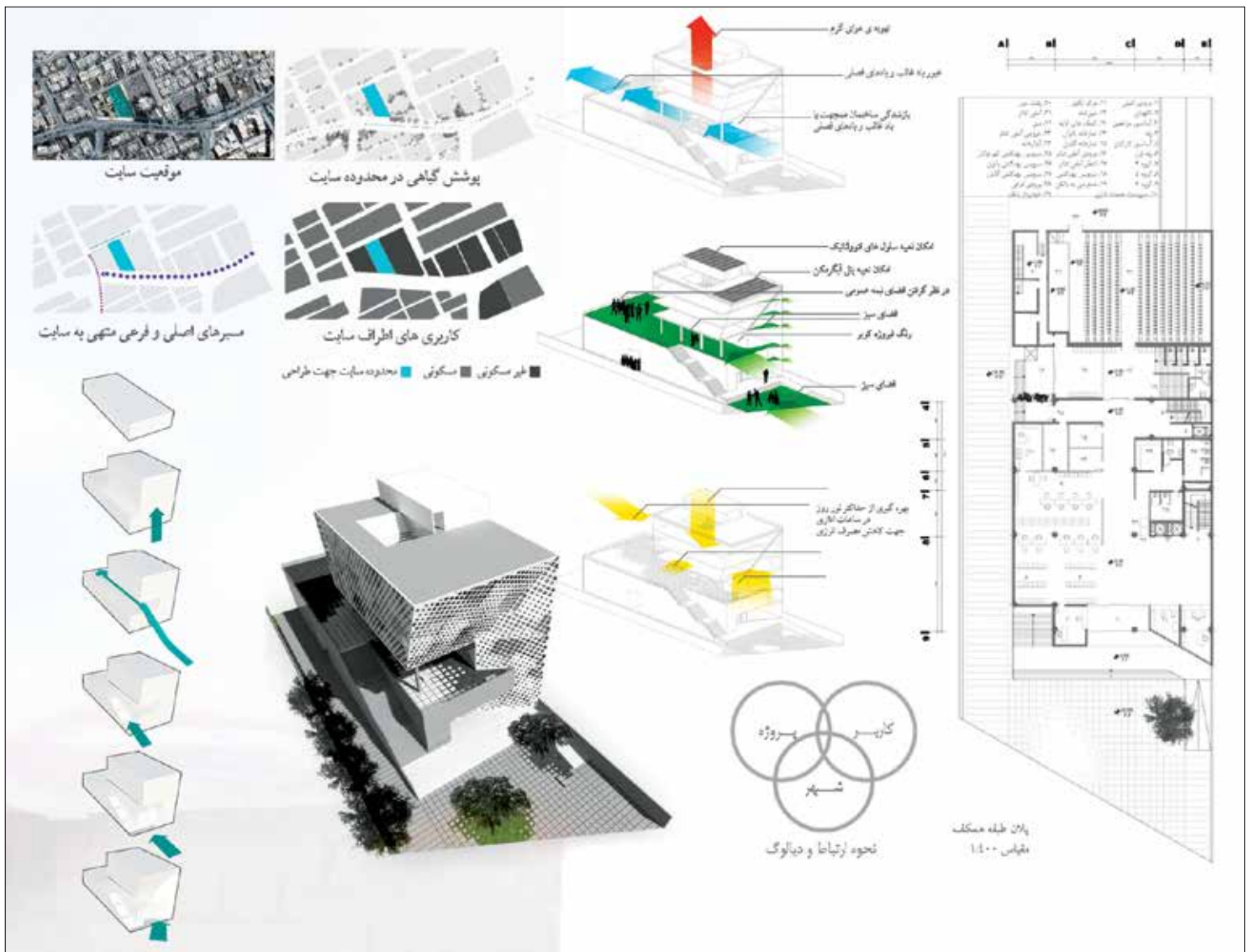
دیگرام عملکردی ساختمان به گونه‌ای طراحی شده است تا بیشتر مراجعین، روزانه در طبقات همکف و اول از خدمات بهره‌برند و در ادامه، طبقه‌ی دوم به همراه فضای تهی میانی، تبدیل به فضایی جهت ارتباط و ارتقای سطح عمومی و تخصصی آموزش و در ارتباط با کاربر و شهر باشد. به نظر می‌رسد همجواری فضای شهری با بخش کتابخانه‌ی پروژه می‌تواند پاسخی در جهت ارتقای نحوه‌ی ارتباط مخاطب با پروژه بوده و در طبقات بالاتر نیز، با ارتباطات کنترل شده‌تر و تخصصی‌تر شکل گرفته تا در مرحله‌ی نهایی، منتهی به حوزه‌ی ریاست شود.

در دیگرام طراحی حجم، استفاده از خطوط سایت نیز – که در ارتباط مستقیم با شهر بود – بر پروژه تأثیر مستقیم گذاشته و باعث ایجاد برش‌های نما شده است. نمای اصلی ساختمان، در احترام به خط شهری، خود را به صورت موازی با مسیر خیابان اصلی قرار داد، از طرفی در این مسیر تلاش شد تا حجم نهایی پروژه، به عنوان نشانه‌ی شهری، در جهت خوانش منظر شهری طراحی گردد. در مراحل نهایی، برای جدا کردن فضای شهری و دمیدن روح و انرژی از لحاظ بصری به پروژه، مسئله‌ی رنگ مطرح گردید. این مسئله در بخش دیوار مجاور فضای نیمه‌باز میانی در طبقه‌ی دوم و همچنین نورگیر تعبیه شده در طبقات ۳ تا ۵، با استفاده از رنگی که از فیروزه‌ی کویر وام گرفته شده، با ایجاد کنتراست حل شده است.





طراحان: سازه‌های نوین معماری
معماری: سازه‌های نوین معماری



خانه‌ی مکعب؛ خانه‌ای برای ایرانیان امروز

طراح: مرتضی علی‌نیا مقدم

شرکت طراحی: دفتر معماری هرم
همکاران طراحی: الیکا زارعی، محمدرضا افشار،
محمدرضا عبداللهی
محل پروژه: البرز، کردان، روستای ازنق
سطح زیربنا: ۶۲۰۰ مترمربع
تاریخ اجرا: ۱۳۹۴

پست الکترونیک:

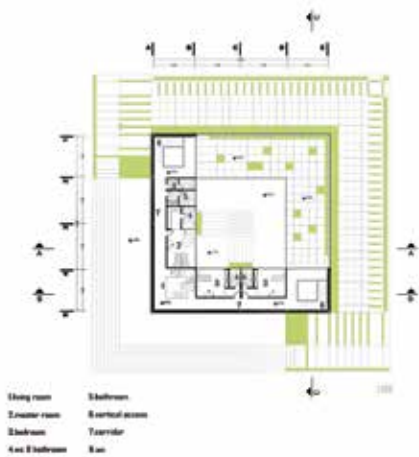
mortezaalinia.moghadam@gmail.com

امروزه پس از گذشت سال‌ها، ایرانیان برای خانه‌های قدیمی خود احترام قائل هستند و از آنها به نیکی یاد می‌کنند؛ خانه‌هایی که در آنها انسان احساس تعلق و آرامش داشت و با ایجاد حریم و سلسله‌مراتب دسترسی، به ویژگی‌های روحی انسان توجه بسیار می‌کرد. عنصر اصلی خانه‌ها، فضای تهی میانی بود که حیاط مرکزی نام داشت و عملکردها به دور این حیاط شکل می‌گرفت. ویژگی اصلی این خانه‌ها درون‌گرایی، خلوص و سادگی، نورگیری و تهویه‌ی مرکزی بود. این خانه‌ها، با توجه به زمینه‌ی جغرافیایی و فرهنگی مردم ایران شکل می‌گرفت. ولی امروزه با افزایش جمعیت و پدیده‌ی جهانی شدن، این خانه‌ها جای خود را به آپارتمان‌های مسکونی داده‌اند.

ایرانیان امروزه علاوه بر اینکه در راستای جهانی شدن حرکت می‌کنند، به زمینه‌ی تاریخی و فرهنگی خود نیز توجه دارند. مردم امروز ایران، نیازمند خانه‌هایی هستند که بتواند در راستای مدرنیته، تکنولوژی و همگام با جهان حرکت کند و همچنین برداشتی تازه از فضاهای قدیم ایران داشته باشد. بازتعریفی از زمینه‌ی فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی ایران نیاز است. پروژه‌ی حاضر، تلاشی است در جهت برقراری ارتباط بین معماری گذشته‌ی ایران با معماری معاصر جهان و دیالوگی بین کیفیت‌های فضایی معماری ایرانی با ویژگی‌های معماری مدرن مانند شفافیت، برون‌گرایی، امتداد طبیعت و استفاده از تکنولوژی می‌باشد.

این پروژه، محصولی را ایجاد خواهد کرد تا کاملاً با زمینه‌ی جغرافیایی و فرهنگی ایران هماهنگی داشته باشد و سعی می‌کند خود را با معماری معاصر هماهنگ کرده و به دنبال کشف فضاهایی جدید بین این دو کیفیت فضایی برای زندگی انسان باشد. خانه علاوه بر اینکه کاملاً با طبیعت و شهر دیالوگ برقرار می‌سازد و امکان امتداد آن را فراهم می‌کند، دارای حریمی است که در معماری ایرانی وجود داشته است. اصلی‌ترین قسمت پروژه، فضای تهی مرکزی است که فضای بین معماری مدرن و معماری سنتی ایران دارد. این فضا، مسئله‌ی دید به آسمان و مناظر اطراف، نورگیری و تهویه‌ی خانه را تأمین کرده و عملکردهای مختلف خانه به دور این فضا شکل می‌گیرد. پروژه با توجه به معماری ایرانی، دارای خلوص، سادگی و درون‌گرایی است و هیچ‌گونه بازشوی مستقیمی به بیرون وجود ندارد، از طرف دیگر، در هماهنگی با معماری معاصر، دارای سیالیت، شفافیت و امتداد طبیعت و شهر در خود می‌باشد. فضای تهی مرکزی با شیشه‌هایی که قابلیت جابجایی دارند، مرز خود را با محیط اطراف ایجاد می‌کند. این ویژگی، علاوه بر اینکه از لحاظ اقلیمی می‌تواند گرما و سرما و تهویه‌ی مورد نیاز برای خانه در هر فصل سال را تأمین کند، پروژه را در تعامل با محیط اطراف قرار می‌دهد؛ بدین صورت که با جابجایی و جمع شدن شیشه‌ها، پروژه خود را کاملاً با محیط و شهر سازگار می‌کند، جزئی از محیط اطراف خود می‌شود و با باز شدن شیشه‌ها، حریمی میان پروژه و محیط ایجاد می‌کند. این ویژگی امکان این را فراهم می‌کند که با حفظ دید محیط، پروژه خود را به درون جمع کرده و درون‌گرا شود. به‌طور کلی پروژه سعی دارد اشتراکی جدید بین زمینه‌ی فرهنگی و جغرافیایی ایران با فرهنگ جهانی ایجاد کند تا بتواند جوابگوی نیازهای فرهنگی، اجتماعی و روحی مردم امروز ایران باشد.

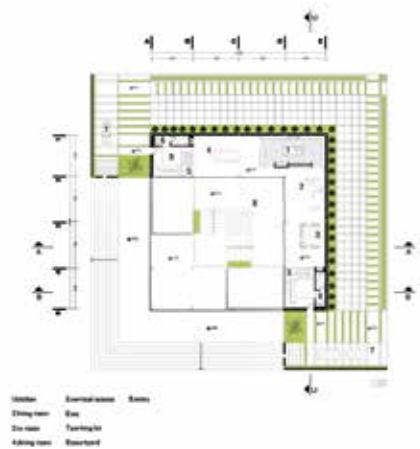




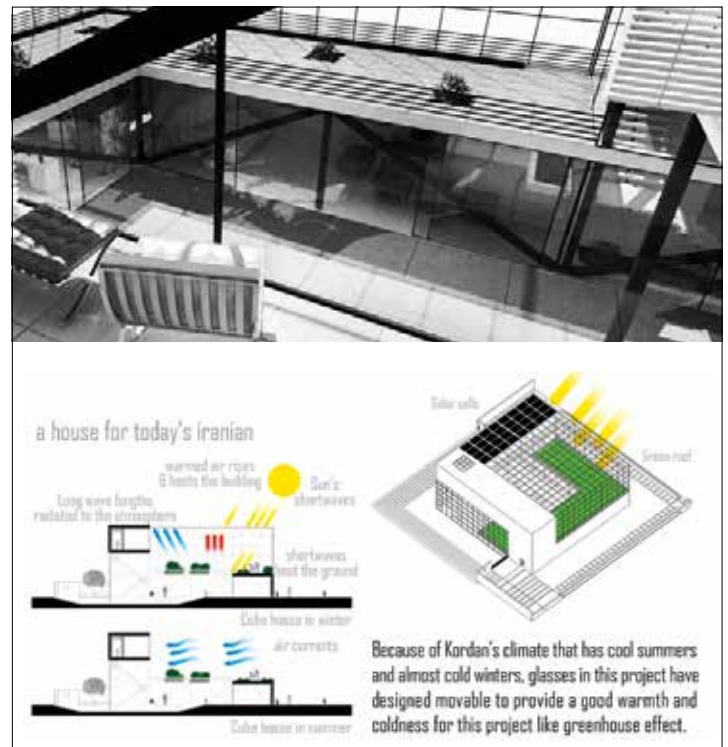
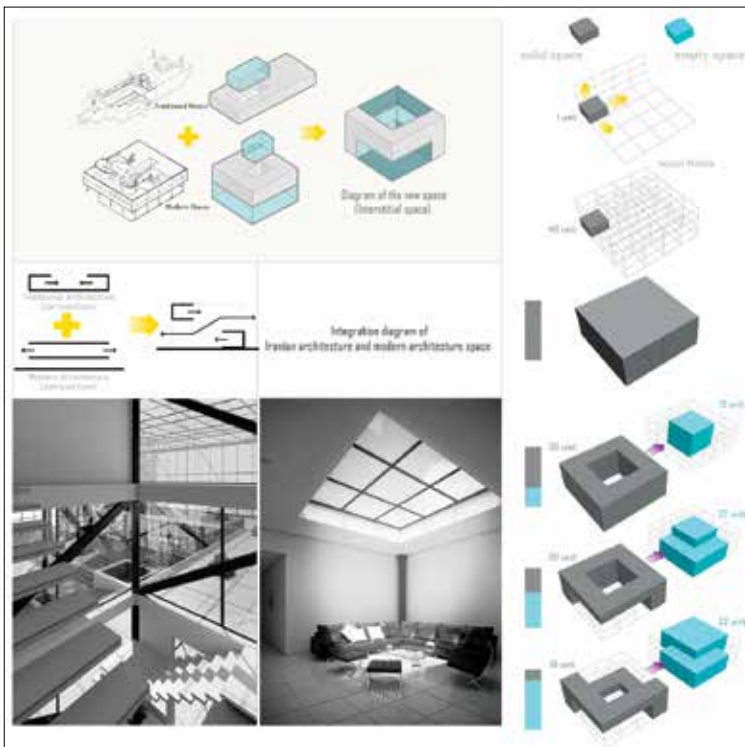
پلان طبقه‌ی دوم



پلان طبقه‌ی اول



پلان طبقه‌ی همکف



ویلا ۱۴۲

طراح: سید محسن یونسی

محل پروژه: دماوند، گیلوند، هشت بهشت
 سطح زیربنا: ۴۰۷ مترمربع
 تاریخ اجرا: اردیبهشت ۱۳۹۴ تا خرداد ۱۳۹۵

پست الکترونیک: arch.younesi@hotmail.com
 سایت: www.textarchitect.com

تهران دیگر تنها یک کلانشهر نیست. در واقع تبدیل به یک کلانشهر آلوده، پرتراپیک و به دور از آسایش و استاندارد فضاهای زندگی شده است. ویلا ۱۴۲ پاسخی است به آنچه شهروند تهرانی در شهر از آن بی‌بهره می‌باشد. اگرچه در فرم و طراحی از زبان معماری جهانی استفاده شده است، اما دید و منظر، آسایش، ارتباط صحیح فضاها و مقیاس انسانی اجزای اصلی تشکیل‌دهنده ویلا ۱۴۲ هستند. ویوی اصلی ویلا به سمت کوه دماوند (بلندترین قله ایران) فضای متفاوتی در ساختمان ایجاد کرده که منجر به ایجاد سبک زندگی متفاوتی می‌شود؛ آنچه شهروند تهرانی در شهر تهران از آن بی‌بهره است.





مقطع



پلان طبقه اول



پلان طبقه همکف



پلان زیرزمین



مسجد محمد رسول الله (ص)

طراحان: گروه معماری پایا پیرنگ؛ اشکان قشقایی، سمانه متقی‌پیشه، پویا رنجبر

مدیر پروژه: حسین منجذب
مدیر اجرایی: محمدرضا افتخاری‌یار
سازه: سعید سعادت
تأسیسات: حمیدرضا شمس‌الدین،
محمدعلی رنجبر، حسین فتحی
نورپردازی: همراه قشقایی
سرپرست کارگاه: شقایق آشوریان
اجرا: علیرضا افتخاری‌یار
عکس: احمد میرزایی
کارفرما: مرکز آموزشی-درمانی نمازی، مدیریت
وقت: رضا جویبار
محل پروژه: فارس، شیراز، مرکز آموزشی
درمانی نمازی.
مساحت سایت: ۲/۷۵۰ مترمربع
مساحت زیربنا: ۷۵۰ مترمربع
تاریخ شروع و خاتمه‌ی پروژه: اسفند ۱۳۹۳ تا
بهمن ۱۳۹۴

پست الکترونیک: concept.arch@gmail.com
سایت: www.conceptttt.com

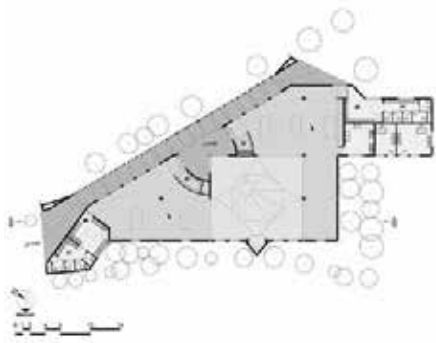
مسجد محمد رسول الله برای مرکز آموزشی-درمانی نمازی که زیرمجموعه‌ی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و موقوفه‌ی شادروان محمد نمازی است، طراحی شده است. فضای سبز این مرکز، در دهه‌ی ۳۰ شمسی شکل گرفته و از لحاظ نسبت فضای سبز به سطح اشغال ساختمان‌ها، در مراکز درمانی ایران منحصر به فرد می‌باشد. ویژگی مهم دیگر این مجموعه‌ی درمانی، تعدد خدمات درمانی و تعداد بسیار زیاد مراجعین، کادر درمانی و دانشجویان است. با توجه به همجواری با چند درمانگاه و بیمارستان دیگر، عابرین زیادی نیز در طول روز تنها از درون محوطه عبور می‌کنند. سایت اختصاص یافته به مسجد، که نمازخانه‌ی کوچکی در آن وجود داشت، در میان درختان قدیمی همجوار خیابان و پیاده‌روی اصلی مجموعه و نزدیک‌ترین بنا به ورودی اصلی محوطه بود.

خواسته‌ی اصلی کارفرما، طراحی مسجدی با ظرفیت حدود چهارصد نمازگزار بود. خوشبختانه مدیریت وقت مرکز، در کنار تأکید بر رعایت محدودیت‌های بودجه و سرعت در طراحی و ساخت، به روزآمد بودن مسجد، چه از بعد ساخت و چه از بعد طراحی، تأکید داشت. با توجه به حساسیت کاربری پروژه در میان تصمیم‌گیران، یکی از چالش‌های اصلی ما عبور از نگاه مرسوم در طراحی مسجد به عنوان تیپ خاص و نمادین و تعریف شرایط پروژه به عنوان یک مسجد در زمان و مکان مشخص با چالش‌ها و محدودیت‌های خاص خود بود. گزینه‌هایی مانند طراحی مسجدی در چند طبقه برای بهره‌برداری حداکثری از زمین، به علت صدمه رساندن به موجودیت و زیبایی درختان، عدم تناسب با ساختمان‌های کوتاه بیمارستان، عرض کم پیاده‌روها و سایه‌اندازی روی درختان جبهه‌ی شمالی، از سوی ما رد شد. ما مسجدی گسترده بر سطح زمین، در یک طبقه و همسطح با پیاده‌رو را پیشنهاد کردیم.

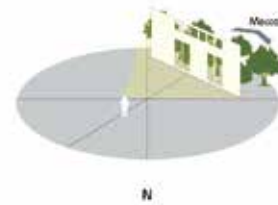
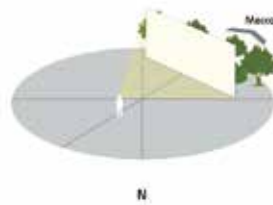
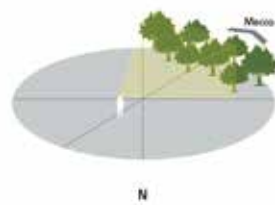
چهار چالش، مسئله‌ی پروژه را تعریف و ایده‌ی اولیه را شکل دادند: حفظ درختان موجود، تأمین حداکثر ظرفیت نمازگزار، همجواری با محور اصلی پیاده و نمازخانه‌ی موجود در سایت. در ابتدا تمامی سطح سایت به عنوان سطح اشغال بنا در نظر گرفته شد. از آنجایی که نمازخانه‌ی موجود، بنایی وقفی و بخشی از تاریخچه‌ی سایت بود، تصمیم گرفتیم پیرنگ آن، پلان گنبدخانه مسجد جدید را شکل دهد. فضاهای دیگر مسجد در اطراف این مرکز شکل گرفتند که در دو جهت به درختان قدیمی و در دو جهت دیگر به پیاده‌رو ختم شد.

با توجه به تنوع مسیرهای نمازگزاران، دو ورودی اصلی برای مسجد در نظر گرفتیم که توسط یک رواق به هم متصل می‌شوند. ردیف منظم درختان، میان رواق و پیاده‌روی پرفرت‌وآمد شمالی قرار داشت. دیوار رواق را مشبک طراحی کردیم تا امکان دید، هم از درون شبستان و رواق به درختان و هم از پیاده‌رو به درون مسجد، به شکلی محدود امکان‌پذیر شود. در کنار ورودی‌ها، دو مناره با فرم چرخان طراحی شد که با شاخص کردن ورودی‌ها، به ارائه‌ی شمالی‌اشنای مسجد (دو مناره در دو سوی گنبد) کمک کند؛ گرچه این تصویر با حرکت در اطراف بنا و در فواصل مختلف تغییر می‌کند و تنوع دید ناظر را به دنبال دارد. ورود به بنا با عبور از فضای باز به نیمه‌باز و سپس فضای بسته صورت می‌گیرد که همان الگوی عمومی مساجد گذشته ایران است. با طراحی پنجره‌های بلند در جبهه‌ی رو به قبله و نورگیرهای سقفی در عمق شبستان، هم فضای داخلی را با نور روز روشن کردیم و هم دید به درختان در جبهه‌ی جنوبی میسر شد. طراحی گنبد با تبدیل فرم‌های مرسوم و سنتی به نیمکره آغاز شد، سپس بخشی از جبهه‌ی جنوبی آن را برش زده و حذف کردیم. فرم جدید، علاوه بر ارائه‌ی تصویر جدید از گنبد، در زوایای مختلف، امکان گشودگی روزنه‌ای رو به نیمه‌ی جنوبی آسمان را فراهم کرد تا در تمامی روزهای سال در هنگام اذان ظهر، خورشید از میان آن به درون گنبدخانه بتابد.

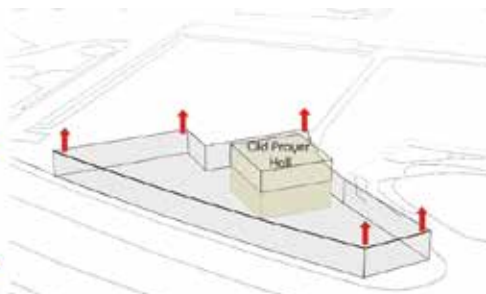




The formation of the Qibla wall



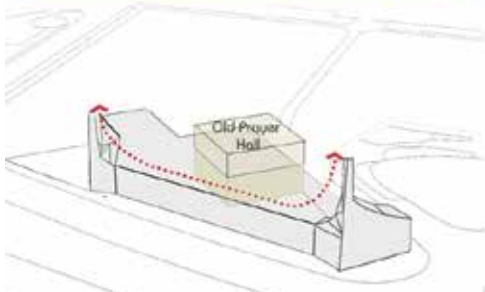
Site surrounded by 70-year-old trees
The main axis of the pavement in the vicinity of the project



Fill area of site considered to design



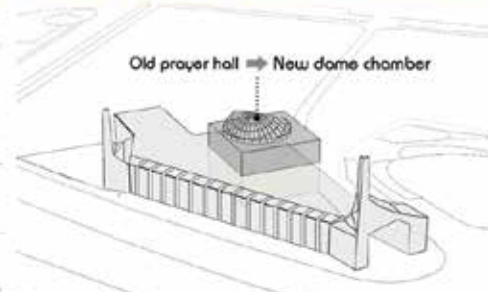
Considering the access of passengers and respect to old trees, the parts of the volume have been removed



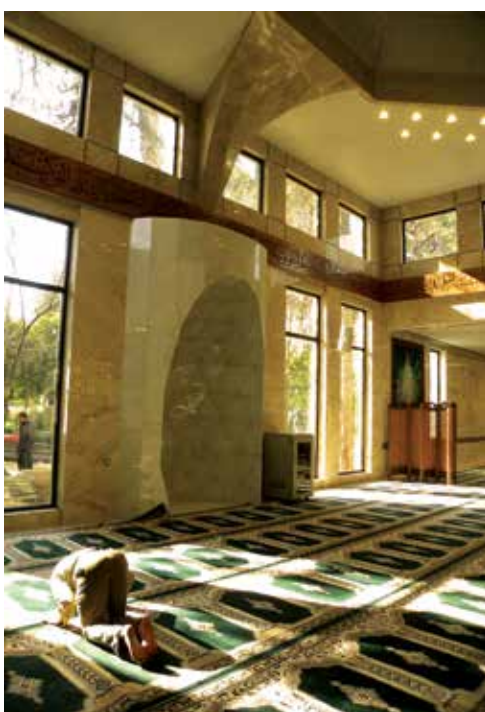
Beside the entries, two minarets have been designed to show the importance of the entries



The two entries are connected together by the linking element of Rikouogh



Considering the oldness of the prayer hall as part of the site's history, its plot plan formed the plan of the new mosque's dome



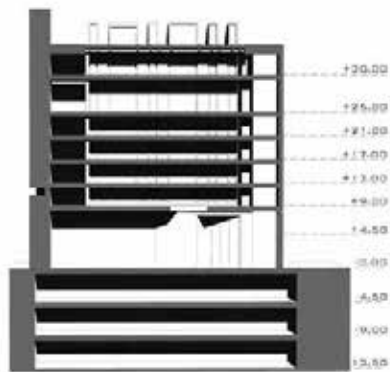
مسجد و مجموعه فرهنگی نوغان مشهد

طراحان: حسین صباغ و همکاران، مهندسين مشاور آداک

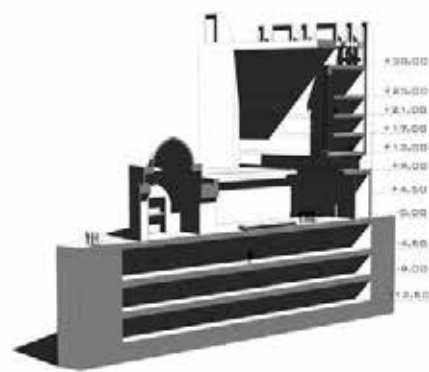
محل پروژه: مشهد، نوغان، مسجد نوغان
 سطح زیربنا: ۶/۳۵۶ مترمربع
 تاریخ اجرا: ۱۳۹۵

پست الکترونیک: hosseinsabagh_irrey@yahoo.com

برقراری ارتباط مستقیم با بافت از طریق صحن، به نوعی که شریان‌های پیاده‌ی اطراف مسجد از طریق صحن، در مقیاس انسانی به هم مرتبط گردیده‌اند و صحن مسجد، به عنوان یک پلازای شهری در بافت متراکم محدوده عمل می‌نماید. رعایت سلسله‌مراتب فضایی با توجه به اهمیت این موضوع در مساجد مورد توجه بوده است. مکانیابی و سازماندهی ساختمان‌ها در سایت، براساس نوع عملکردهای موجود در پروژه، به نوعی تنظیم گردیده‌اند که علاوه بر حفظ هویت خود و عملکرد، بتوانند ارتباط بصری و ترکیب مناسبی با یکدیگر و همچنین شهر برقرار نمایند. توجه به نشانه‌های شهری در طراحی مجموعه و ساختمان فرهنگی، مانند حرم مطهر امام رضا^(ع)، مشربیه و گنبد با توجه به محل و فرهنگ شهر مشهد مورد توجه قرار گرفته است.



مقطع B-B



مقطع A-A

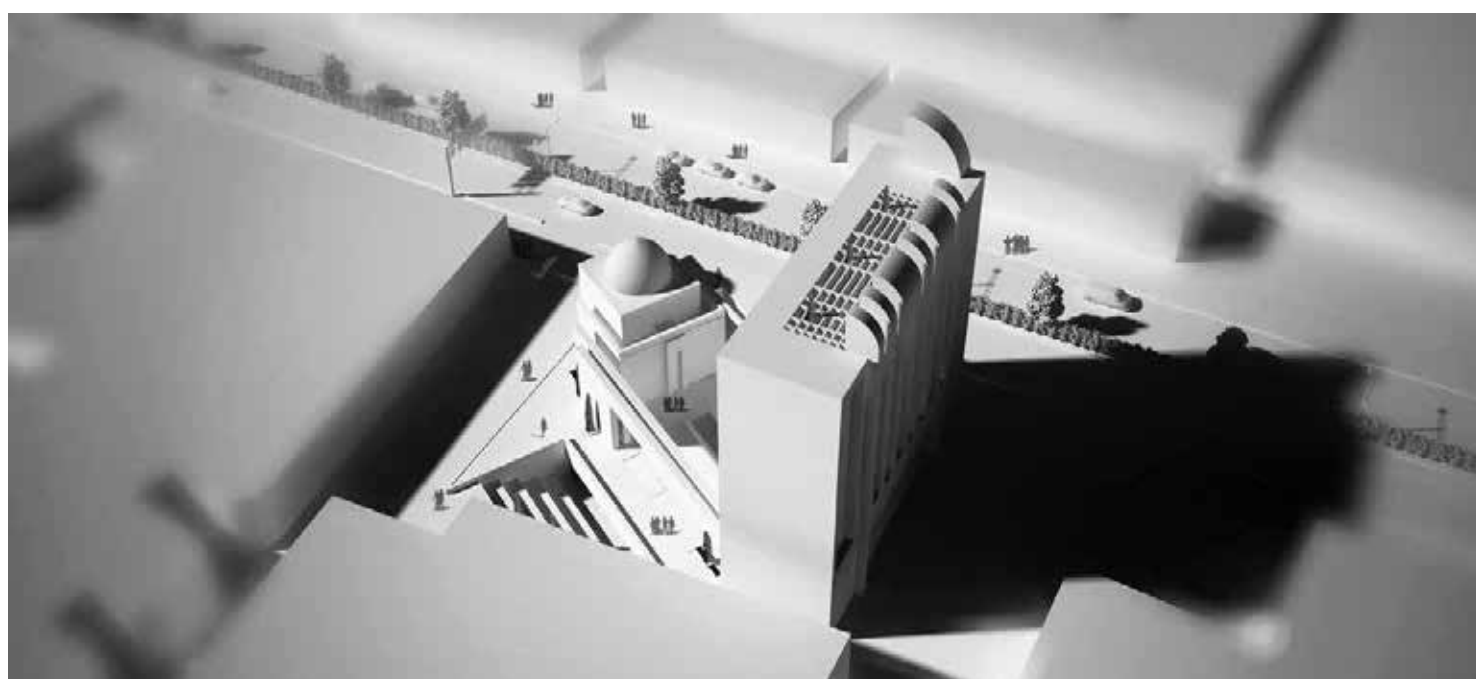
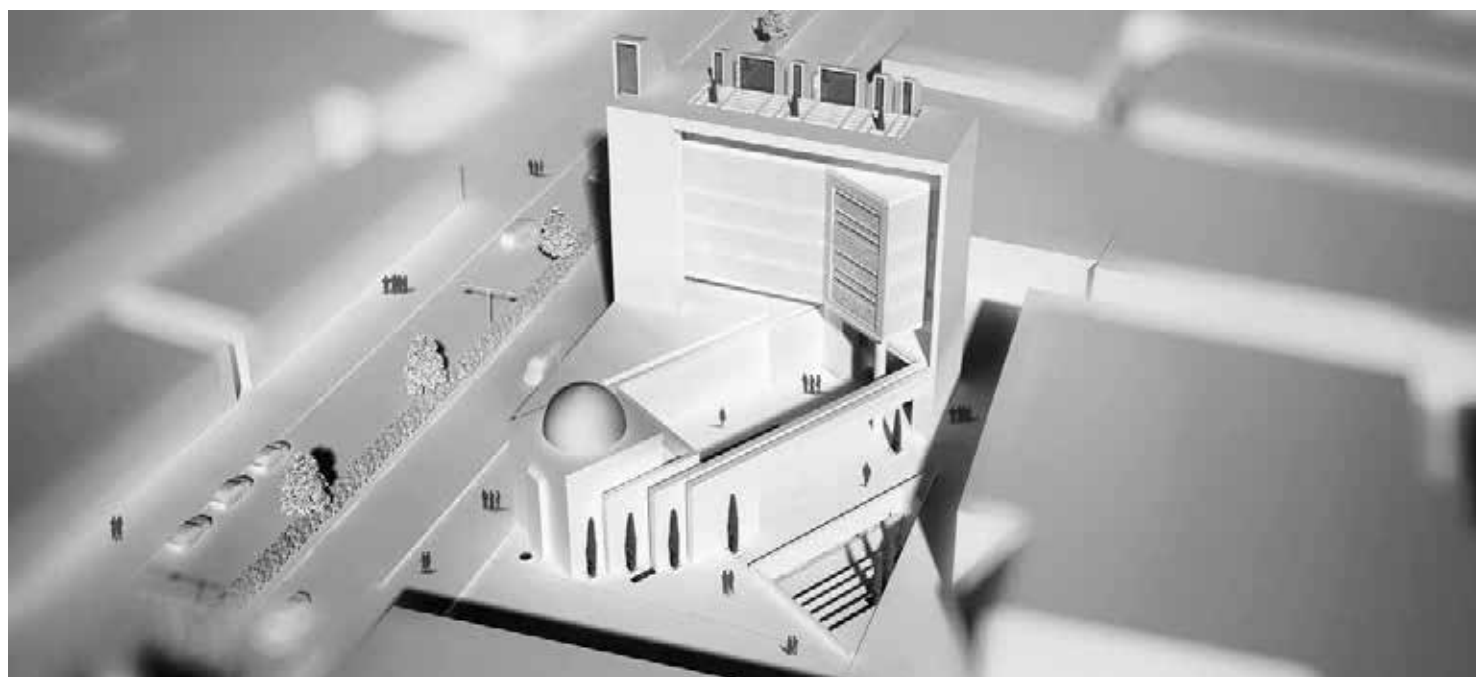


پلان طبقه‌ی همکف

پلان زیرزمین ۱-

پلان زیرزمین ۲-

پلان زیرزمین ۳-



طراحی نمایندگی GIVOVA

تیم طراحی معماری: فرامرز غفارپسند، آرام ارشدی

تیم طراحی معماری: فرامرز غفارپسند، آرام ارشدی
 تیم اجرا: فرامرز غفارپسند، فرشاد غفارپسند، علی صلاح،
 ارسلان فرازیان شیرازی
 کارفرما و بهره‌بردار: حمیدرضا دهستانی
 محل پروژه: شیراز، بلوار ستارخان، روبروی باغ عفیف‌آباد
 سطح زیربنا: ۱۳۰ مترمربع
 تاریخ اجرا: ۱۳۹۵

پست الکترونیک: f_ghaffarpasand@yahoo.com

اخیراً یکی از برندهای لباس‌های ورزشی ایتالیا به نام «GIVOVA» به شکل گسترده‌ای وارد ایران شده و اسپانسر تیم ملی و چند تیم باشگاهی ایران شده است. این برند قصد دارد که تولید بخش عمده‌ی محصولات خود را به ایران منتقل نماید. مرکز تولید و توزیع این برند، شهر شیراز می‌باشد و لذا طرف ایرانی شریک شرکت مرکزی، تصمیم به گشایش یک نمایندگی در بلوار ستارخان شیراز نموده است. برای این منظور، یک واحد تجاری به مساحت تقریبی ۱۲۰ مترمربع در این بلوار تعیین شد و مدت زمان بسیار کمی را برای راه‌اندازی تعیین نمود. این واحد تجاری، یک ساختمان دو طبقه‌ی قدیمی بوده و در طبقه‌ی همکف آن، واحد تجاری و در طبقه‌ی اول، واحد مسکونی (با کاربری فعلی دفتر کار) قرار دارد. به دلیل قدیمی بودن بنا و نامطلوب بودن نمای آن، برای یک برند شاخص بین‌المللی، تصمیم به تغییر نما با کمترین دخالت و سریع‌ترین زمان اجرای ممکن را گرفته و پروژه به مشاور سپرده شد.

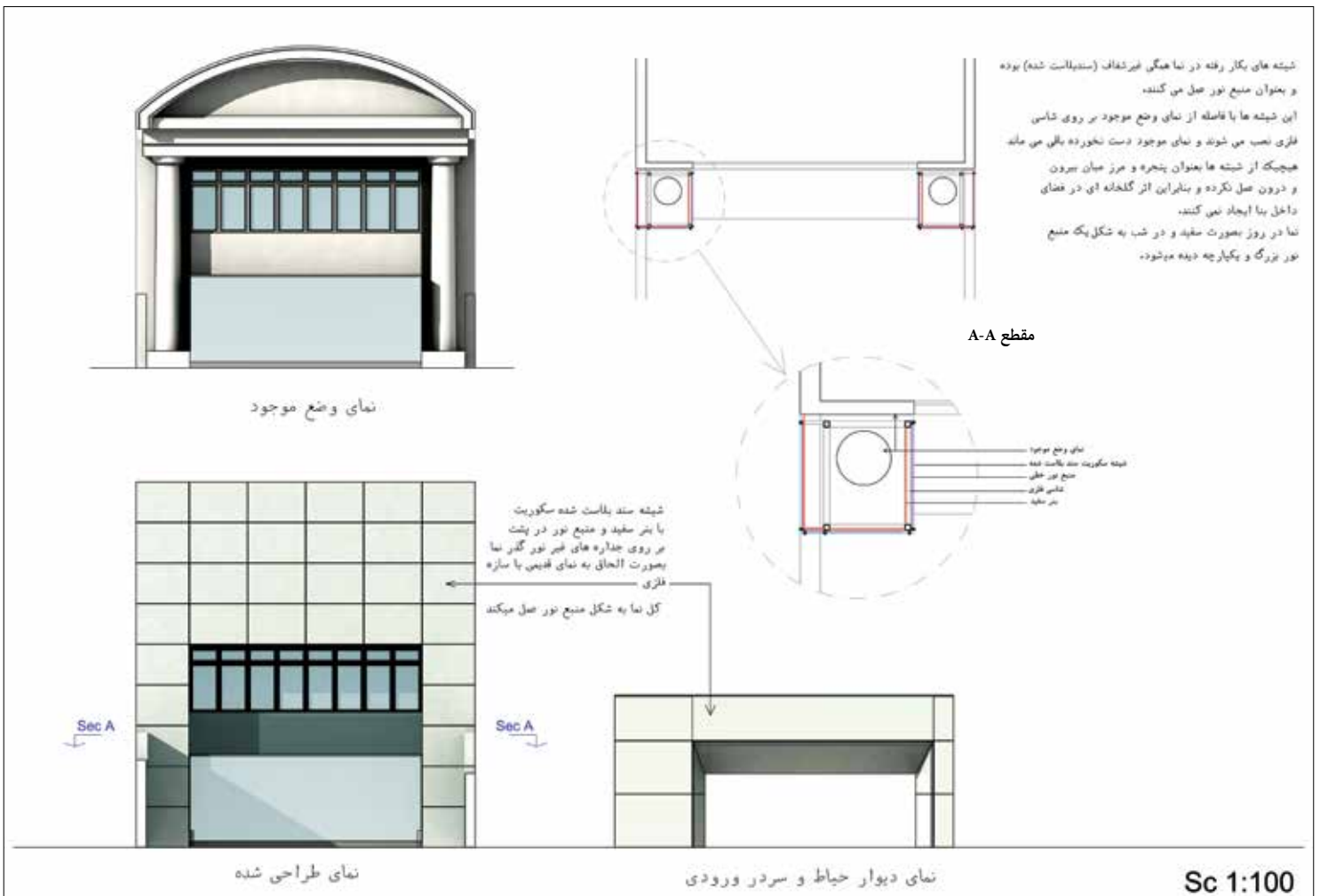
در طراحی و بازسازی این نما، مشاور مسائل موجود در زمینه، کیفیت‌های مرتبط با موضوع و محدودیت‌های اجرا را مد نظر قرار داد. در خصوص زمینه و بستر، شاخص‌ترین عامل را شاید بتوان موقعیت ممتاز شهری پروژه و وضعیت ممتاز کاربری، به عنوان یک برند بین‌المللی ذکر نمود. محلی که این نمایندگی در آن واقع شده است – یعنی بلوار ستارخان شیراز – از ممتازترین و مدرن‌ترین محدوده‌های تجاری شهر به حساب می‌آید. مجاورت این بلوار با باغ عفیف‌آباد نیز، بر کیفیت و موقعیت ممتاز آن افزوده است، بنابراین با توجه به این شرایط بستر پروژه، یکی از استراتژی‌های اساسی در طراحی این پروژه، اصول معماری مدرن (شفافیت، مینیمالیسم) مد نظر قرار گرفت؛ چرا که این بستر شهری، بیش از هر نقطه‌ی دیگر شهر، پتانسیل مدرنیته را دربردارد.

شرایط دیگری که بر همین بستر حاکم است، آشفتگی بصری در جداره‌ی شهری می‌باشد. به دلیل تعدد واحدهای تجاری و عدم وجود مقررات و استانداردهای برای ساماندهی بصری تابلوها، آشفتگی نامطلوبی در این جداره شهری مشهود است. مشاور با در نظر گرفتن این آشفتگی و نیاز این برند به شاخص بودن در میان سایر بناها، گزینه‌ی سادگی و مینیمالیسم هرچه بیشتر را مد نظر قرار داد تا این سادگی، در تضاد با آشفتگی‌های اطراف، خود را متضاد و متفاوت و در نتیجه، شاخص نشان دهد. این ایده، با ایده‌ای که در بخش قبل (گرایش به اصول معماری مدرن) مطرح شد، همسو بوده و در نتیجه تقویت می‌شود.

مسئله‌ی دیگری که در این پروژه مطرح گردید، محدودیت‌های اجرایی بود که مشاور را ملزم می‌ساخت با کمترین دخالت و سریع‌ترین زمان ممکن، پروژه را به نتیجه برساند. با توجه به این مسئله، گزینه‌ی تخریب و استفاده از مصالح بتایی و شیوه‌های همسازی سنتی کنار می‌رود و با توجه به ایده‌هایی که تا اینجا مطرح شده (معماری مدرن و مینیمال)، استفاده از مصالحی که به صورت خشکه‌چین بر روی یک اسکلت فلزی نصب شود، مد نظر قرار گرفت. با توجه به کلیه‌ی موارد، این ایده مد نظر قرار گرفت که نمایی از جنس شیشه‌ی سکوریت، ولی به شکل سندبلاست شده ساختمان را به شکل کامل دربرگیرد و تمامی نمای موجود را بپوشاند. مستلزم اجرای این نما، اجرای یک اسکلت فلزی سبک بر روی کل نما بود تا پس از آن، شیشه‌ها بر روی آن نصب شود.

دو دلیل برای انتخاب شیشه‌ی سندبلاست شده وجود دارد: اول اینکه شیشه‌ی شفاف نمای پشت را نمی‌پوشاند و نمای موجود از پشت آن نمایان خواهد بود و دلیل دوم – که ایده‌ی اصلی طراحی این نما بوده – تبدیل شدن کل نما به یک منبع نور درخشان در شب، و پاسخ دادن آن به نیاز شاخص بودن در عین سادگی مطلق می‌باشد. با قرار دادن منابع نور خطی در سرتاسر نما، شیشه‌ی سندبلاست شده نور را پخش نموده و به یک منبع نور بسیار بزرگ در مقیاس نمای شهری بدل می‌گردد. با قرارگیری نام‌برند به شکلی خالص و مطلق، بدون هیچ داده‌ی دیگری، نما به یک تابلوی تبلیغاتی بزرگ و شهری (در عین سادگی) بدل می‌گردد. بدین ترتیب، با سرعت تمام، اسکلت فلزی اجرا گردید و شیشه‌ها همگی در کارخانه تولید شد (برشکاری، سوراخکاری و سند بلاست). برای توزیع بهتر نور در پشت شیشه‌ها، یک لایه بنر سفید بر روی اسکلت فلزی کشیده شد و سپس منابع نور کار گذاشته شد و نهایتاً شیشه‌ها در بازه‌ی زمانی خواسته شده نصب گردید، بنابراین به طور خلاصه می‌توان خصوصیات نمای این پروژه را با توجه به بستر و شرایط آن به این ترتیب بیان نمود:

- با توجه به مدرن بودن بستر شهری پروژه (بلوار ستارخان)، استراتژی گرایش به معماری مدرن مد نظر قرار گرفته است.
- با توجه به آشفتگی بصری جداره‌های شهری در مجاورت پروژه، سادگی هرچه بیشتر با هدف متفاوت دیده شدن در این بستر آشفته مورد توجه می‌باشد.
- با توجه به محدودیت اجرایی و زمانی، استفاده از مصالح مدرن صنعتی در برنامه قرار گرفته است.
- در نتیجه‌ی همه موارد، که همگی همگرا بوده، نمایی مینیمال، متشکل از شیشه‌ی سند بلاست ایجاد شده که بر روی یک اسکلت فلزی نصب گشته و منبع نور در پشت آن، کل نما را به یک سطح درخشان و متفاوت بدل می‌سازد.



نمازخانه‌ی حافظیه

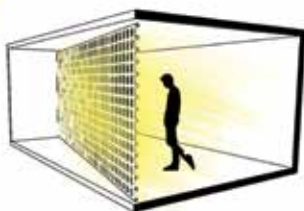
طراح: امیرحسین اشعری

شرکت طراحی: گروه طراحی معماری امیرحسین اشعری
 همکاران طراحی: زهرا جعفری، نیلوفر عسکری
 سه‌بعدی: مصطفی یکترازاده
 کارفرما: سازمان میراث فرهنگی شیراز
 محل پروژه: شیراز، آرامگاه حافظ شیراز
 سطح زیربنا: ۱۵۵ مترمربع
 سال طراحی: ۱۳۹۴

پست الکترونیک: amir_ashari@yahoo.com

نمازخانه‌ی حافظیه‌ی شیراز با هدف برگزاری نماز برای بازدیدکنندگان و مسافران در آرامگاه حافظ طراحی گردید. با توجه به سایت پروژه که دارای قدمت تاریخی چند صدساله می‌باشد، روند طراحی نمازخانه به سمت همخوانی فرم آن با محوطه‌ی آرامگاه شکل گرفت. استفاده از مصالح آجر در مجموعه‌ی آرامگاه، به‌خصوص به شکل فخرالمدين باعث شد تا طرح کلی به سمت مکعبی آجری با جداره‌ی مجوف سوق داده شود. جهت قبله و قرارگیری در محور مستقیم با آرامگاه حضرت حافظ، از جمله نکات مهم در تعیین ورودی زنانه و مردانه و جهتگیری فرم نمازخانه در سایت بود. با انتخاب مدول مجوف برای جداره‌ی اصلی نمازخانه، امکان تالو نور خورشید در فضای داخلی نمازخانه به هنگام روز و تأثیر معکوس آن در شب، در فضای خارجی فراهم شد. باز شدن تصاعدی مدول آجر به سمت نور خورشید و هدایت آن به فضایی داخلی، به ایجاد فضایی شاعرانه و عرفانی کمک کرده است. قرارگرفتن محراب به صورت حجم صلب در یک جداره‌ی شفاف که باعث ایجاد قابی از جنس نور در پیرامون آن می‌شود، به هرچه شاخص‌تر شدن محراب کمک می‌کند. حوضچه‌ی مقابل محراب در سایت مجموعه علاوه بر شاخص کردن محراب، به افزایش رطوبت و تلطیف هوا در محوطه، با توجه به اقلیم گرم‌وخشک منطقه کمک می‌کند. تالو نور منعکس شده از سطح آب بر روی جداره‌ها و سقف فضای داخلی، از دیگر نکات تأثیرگذار در شاخص کردن محراب و فضای نمازخانه می‌باشد.

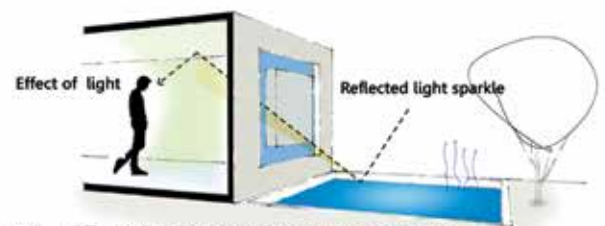




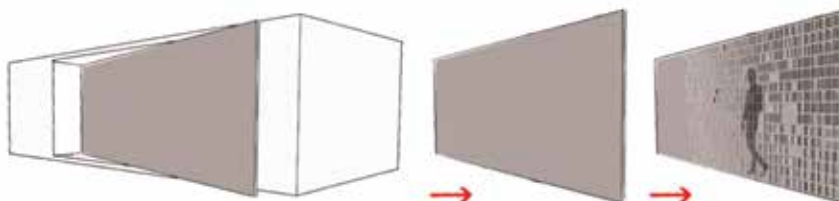
Interior sunlight glitter during the daytime



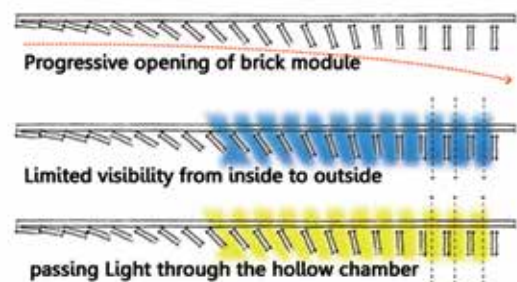
Internal exposure to the external environment at night



Effect of Reflected light sparkles in interior space & humidity Increases in exterior space



The process of formation of hollow chamber wall



Progressive opening of brick module

Limited visibility from inside to outside

passing Light through the hollow chamber

طرح پله‌ی انگلیسی (Stairsformer: Transformer Staircase)

طراح: حسام حسنی‌پور

محل پروژه: سایت آزاد

تاریخ اجرا: ژانویه ۲۰۱۶

پست الکترونیک: hesam_hasanpour@yahoo.com

• «جعبه‌ی پله» چیست؟

• چه چیزهایی اساس تشکیل‌دهنده‌ی پله هستند؟

• چگونه مفهوم متداول پله‌ی انتقال عمودی با مفاهیم دیگری پیوند می‌یابد؟

• چگونه پله در ارتباط با پیرامون خود، عملکردهای دیگری، علاوه بر انتقال عمودی می‌یابد؟

• آیا انسان به عنوان کاربر پله، می‌تواند این المان معماری را در جهت نیازهای عملکردی در بستر اجتماعی به کار گیرد؟

طرح پیشنهادی با نگاهی پدیدارشناسانه به جعبه‌ی پله، از طریق مطالعه‌ی عناصر اساسی آن، تلاش در ارائه‌ی تعریفی فلسفی و جدید از این پدیده دارد. این مطالعه، مفهوم «جعبه» را به واسطه‌ی تغییر ساختار و جابجایی عناصر سازنده‌ی آن، به «جعبه‌ی پله» تبدیل می‌کند. جعبه‌ی مذکور از قاب‌های کنار هم تشکیل شده است که نسبت به یکدیگر قابل جابجایی هستند و می‌توانند در ترازهای ارتفاعی گوناگون قرار گیرند. در نتیجه، این طرح از جوهره‌ی اساسی پله (انتقال عمودی) برای بازتعریف پدیده‌ی بهره‌ی می‌گیرد که از خود مفهوم انتقال عمودی تشکیل شده است.

قاب‌ها با جابجایی عمودی نسبت به یکدیگر، «پدیده‌ای» را به وجود می‌آورند که مفهوم پله را در عملکرد آن تجسم می‌بخشد. در نتیجه‌ی چنین جابجایی‌ای، قاب‌ها با قرارگیری در ترازهای مختلف، موجود جدیدی را خلق می‌کنند که می‌تواند عملکردهای جدیدی را همراه با کاربران جدید در خود جای دهد. بدین ترتیب، نوع دیگری از پله، از جابجایی قاب‌های تشکیل‌دهنده‌ی جعبه‌ی پله نسبت به یکدیگر پدید می‌آید که مناسب برای عملکرد جدیدی است. اکنون «جعبه‌ی پله» به موجودی فراتر از خود تبدیل شده و با خلق فضایی به عنوان بستر رویدادهای اجتماعی، به خود بازمی‌گردد. چنین ایده‌ای، سبب خلق جعبه‌ی پله‌ی «متغیری» می‌شود که قابلیت تبدیل از موقعیتی به موقعیت دیگر، جهت پاسخ به نیازهای عملکردی و اجتماعی متفاوت داشته و «Stairsformer» که از تغییر واژه‌ی Transformer و تبدیل آن به Stairsformer حاصل شده است، به معنای جعبه‌ی پله‌ی تبدیل‌شونده می‌باشد.

موقعیت ۱: «جعبه» در ابتدا به صورتی درک می‌شود که می‌تواند عملکرد یک راهرو، یک مکان سایه‌دار و یا یک ایستگاه را در خود جای دهد.

موقعیت ۲: «جعبه‌ی پله» انتقال عمودی از سطحی به سطح دیگر را ممکن می‌سازد.

موقعیت ۳: نوع دیگری از جعبه‌ی پله با داشتن سطوح مکث میانی، به عنوان مکان ایستادن و سکویی برای تماشای محیط، حاصل می‌شود.

موقعیت ۴: جعبه‌ی پله به مکانی برای گفت‌وگو، اطلاع‌رسانی، سرگرمی و ... تبدیل می‌شود و بستری برای تعامل اجتماعی پدید می‌آورد.

موقعیت ۵: جعبه‌ی پله به عنصری یادمانی (المان) برای رویدادهای اجتماعی تبدیل می‌شود و کارکردهای مختلفی نظیر ایستگاه تبلیغاتی، محل نمایش اشیا و بستر وقایع و مراسم اجتماعی نظیر جشن کریسمس به خود می‌گیرد.

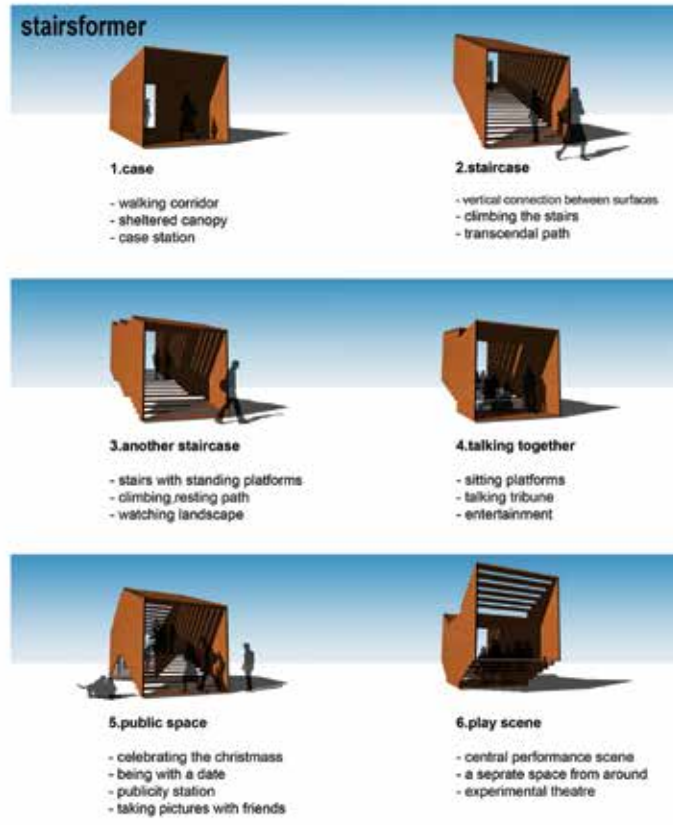
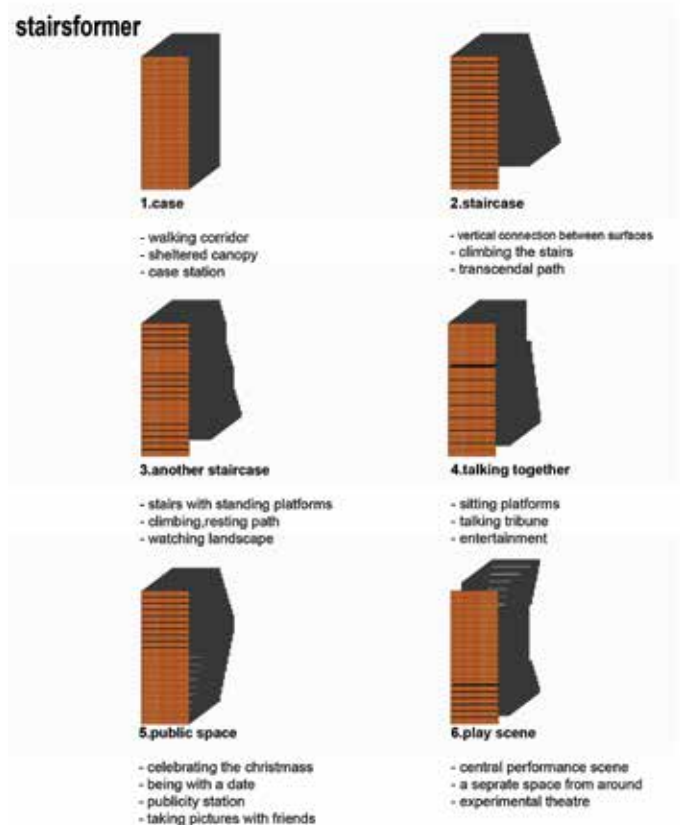
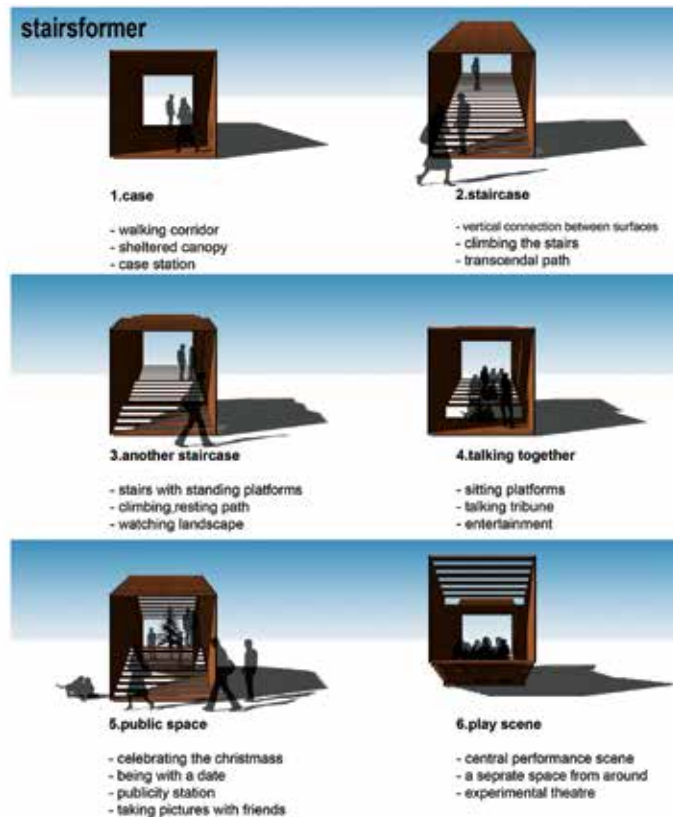
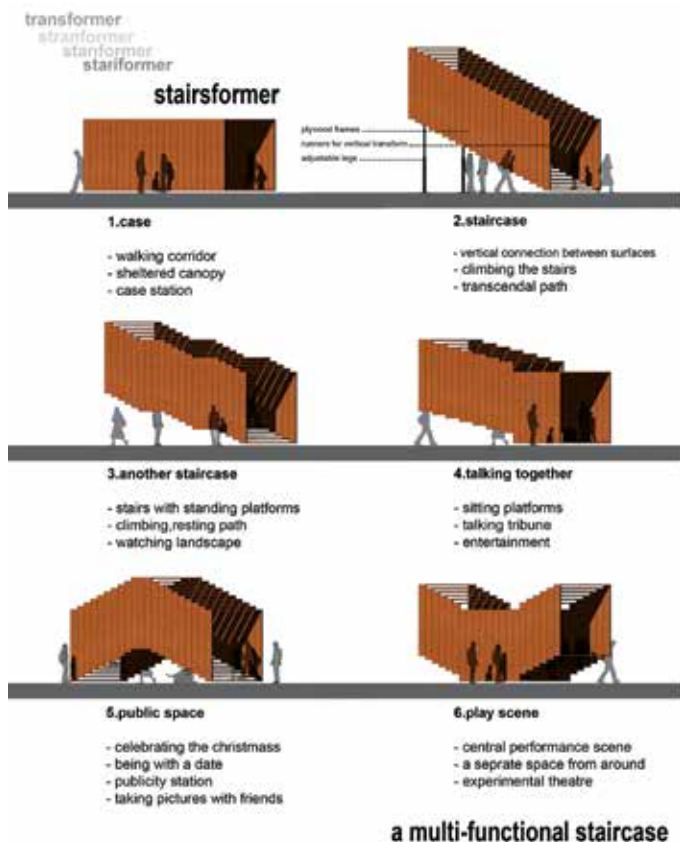
موقعیت ۶: جعبه‌ی پله به مکانی مستقل با کارکردی درونی تبدیل می‌شود. صحنه‌ی مرکزی با سکوهایی تماشایی در دو طرف، صحنه‌ای برای اجرای تئاتر و موسیقی فراهم می‌کند.

این «مخلوق» در موقعیت‌های گوناگون، نقاط دید متفاوتی را به محیط پیرامون به دست می‌دهد و همچنان، همچون پیکره‌ای زنده و پویا، به صورت‌های متفاوتی از جانب محیط درک می‌گردد. «جعبه‌ی پله‌ی تبدیل‌شونده» با قابلیت نصب در فضاهای خارجی و داخلی، در تعریف عملکردهای مختلف به محیط کمک می‌کند. فضاهای داخلی نظیر سالن‌های آموزشی، مجموعه‌های تجاری و آتریوم‌ها، گالری‌های هنری و ... در این رابطه قابل برشمردن هستند، همچنین فضاهای خارجی نظیر میدانی شهری، فضاهای باز دانشگاهی، فضاهای باز و تفرجگاه‌های عمومی از قبیل پارک‌ها، خطوط ساحلی رودخانه‌ها و ... قابل ذکر هستند. فرایند ساده‌ی نصب جعبه‌ی پله برای قرارگیری در موقعیت‌های گوناگون، با جزئیات اجرایی قاب‌های تشکیل‌دهنده، به شرح زیر امکانپذیر می‌شود:

• رانرهای عمودی (Vertical Runners): واقع در دو طرف قاب‌ها برای جابجایی عمودی آنها نسبت به هم

• پایه‌های قابل تنظیم (Adjustable Legs): قابل نصب در ترازهای ارتفاعی گوناگون جهت انتقال بار

بدین ترتیب، موجودیتی جدید در فضاهای شهری برپا می‌شود که به عنوان یک المان معماری که مرتباً در زمان و مکان تغییر می‌کند، قابل درک است.



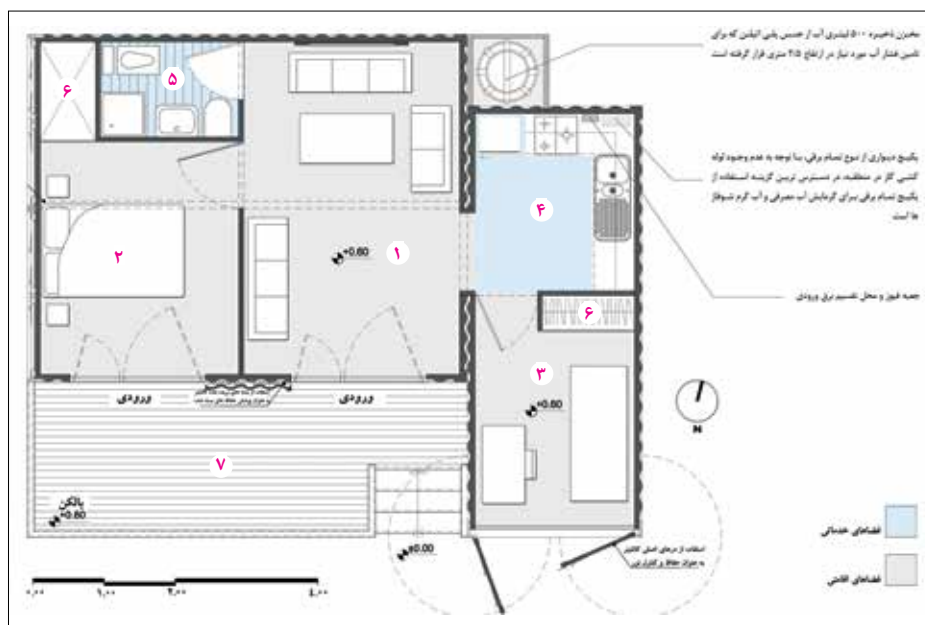
خانه‌ی کانتینری در روستای روته

طراحان: روزبه حسینی، مهرداد رضانی

تیم طراحی: گروه طراحی برنقش
محل پروژه: فشم، روستای روته
سطح زیربنا: ۴۶ مترمربع
تاریخ اجرا: ۱۳۹۴/۰۶/۱۴ تا ۱۳۹۴/۰۸/۱۶

پست الکترونیک: roozbeh.hosseini@yahoo.com

خانه‌ی کانتینری در روستای روته از توابع فشم در تابستان ۱۳۹۴ شروع به احداث گردید و در پاییز همان سال بهره‌برداری از آن آغاز شد. این خانه با مساحت ۴۶ مترمربع و در یک طبقه بر روی یک سکوی سنگی که از قبل، درون باغ وجود داشت، مونتاژ گردید. خانه‌ی کانتینری مجموعاً از سه عدد کانتینر، هر یک به عرض ۲/۴ متر، طول ۶/۴ متر و ارتفاع ۲/۹ متر تشکیل شده است که در مدت چهل روز، در کارگاه واقع در رباط کریم، مراحل مختلف ساخت و مونتاژ، شامل برشکاری در محل‌های مورد نیاز و تقویت اعضای سازه‌ای، دیوارکشی‌های داخلی، ایزولاسیون حرارتی و رطوبتی و نیز نصب در و پنجره، لوله‌کشی آب و فاضلاب و سیستم الکتریکی را پشت سر گذاشت و پس از اجرای نازک‌کاری، دیوارها یکبار به صورت موقت، به طور کامل مونتاژ گردید و مجدداً پس از جدا کردن کانتینرها، توسط سه تریلر به روستای روته حمل گردید. عملیات حمل از کارگاه تا محل باغ و مونتاژ نهایی در مجموع، شانزده ساعت به طول انجامید که با توجه به آسیب‌پذیری کانتینرها در هنگام انفصال از یکدیگر، سرعت عمل بالا و هماهنگی‌های بسیاری را می‌طلبید و تحقق این امر، با همکاری تمامی گروه‌های دست‌اندرکار فراهم گشت.



۱. نشیمن ۲. اتاق خواب ۱ ۳. اتاق خواب ۲ ۴. آشپزخانه ۵. سرویس بهداشتی و حمام ۶. کمد ۷. بالکن





مسجد سپاهان شهر

طراحان: علیرضا اقدامی، سپیده شکرچی‌زاده، فرناز ناصری بروجنی (مهندسان مشاور فرم)

محل پروژه: اصفهان، سپاهان شهر، پارک مرکزی
تاریخ اجرا: دی ۱۳۹۳

پست الکترونیک: fazarahmanzar@yahoo.com

خلق «مسجد» با در نظر گرفتن حداکثر ارتباط معماری پروژه و فضای شهری، مردم‌واری، خلق حداکثر کیفیت فضایی و بصری و ارتباط فرم معماری و کاربری، اهداف اصلی شکل‌گیری ایده می‌باشد. ایده‌ی پروژه شامل بازتعریف الگوی مسجد در مقیاس محله در بافت مدرن و شطرنجی سپاهان شهر، با رویکرد برون‌گرایی و خلق و تداوم فضای شهری است، به نحوی که از نظر معناگرایی، پروژه راهی است که از زمین شروع و به آسمان ختم می‌شود؛ نوعی عبور از ماده به معنی که گویی راه بالا رفتن و عروج را در خودشناسی و رفتن به عمق جست‌وجو می‌کند. در این راستا، شکل‌گیری هندسه‌ی پروژه با توجه به حفظ و تأکید محورهای طولی و عرضی سایت (آکس) و قرار دادن حجم اصلی در مرکز با رویکرد «مرکزی متعین که همه چیز از آن آغاز و بدان ختم می‌شود» صورت پذیرفته است.

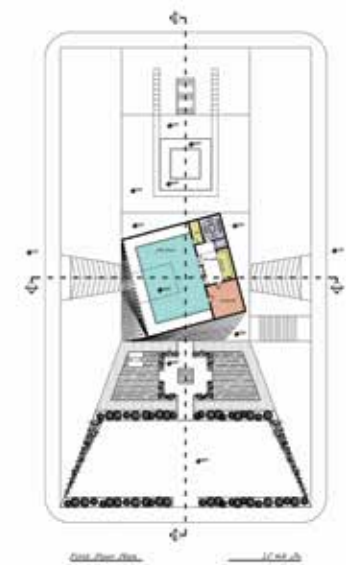
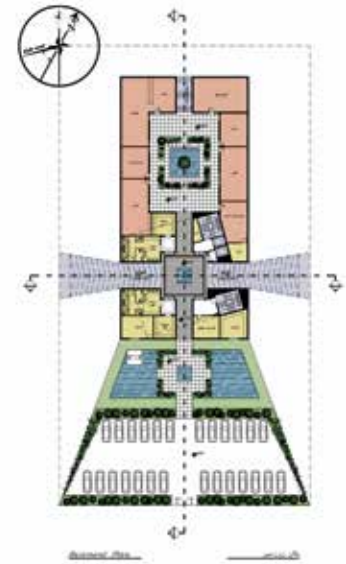
افزایش نفوذپذیری و امکان ارتباط مستقیم مردم و شهر (بوستان) در تراز پایین و تغییر و تکامل تدریجی هندسه‌ی مربع پایه (برگرفته از خطوط سایت) به مربع رو به قبله، درحالی‌که به لحاظ بصری سعی در کاهش ماده و افزایش فضا دارد نیز در همین راستا شکل می‌گیرد. پروژه حد فاصل محله و شهر است، به همین جهت، از یک سو، فضای سبز بوستان در سایت نفوذ می‌کند و از سوی دیگر، محله با حرکات نرم و شیب‌راهه و با استفاده از گداهای موجود (شیب طبیعی) در پروژه تداوم می‌یابد. اگرچه عدم استفاده از دیوار با نشان سمبلیک بی‌زمانی و بی‌مکانی عبادت و حضور مداوم خداوند در زندگی بشری بدون حد و مرز می‌باشد، اما به منظور تأکید استعاری، تعریف ورودی‌های پروژه دقیقاً بر روی محورهای طولی و عرضی (آکس) قرار گرفته است. این مهم، در ارتباط محله با بوستان (ارتباط شرقی-غربی) بی‌واسطه، مستقیم و در مسیری کوتاه‌تر است که در عبور از زیر مسجد در قالب فرم چهارطاقی ایرانی با سبزینه، آب (حوض) و نورپردازی شب تلطیف گردیده است. عبور در محور شمالی-جنوبی با واسطه است؛ در بخش شمالی، فضاهای فرهنگی و جانبی در قالب گودال باغچه، یادآور حس معماری سنتی ایرانی و در بخش جنوبی، پارکینگ برای تفکیک حوزه‌های مداخله‌ی سواره و پیاده در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است، دسترسی سواره به مسجد، برای امور خدماتی، تأسیساتی و پذیرایی از این محل صورت می‌گیرد.

ورودی تراز زیرزمین، یادآور مفهوم لزوم رفتن به درون و عمق برای فراهم شدن امکان صعود و عروج است، درحالی‌که در ورودی حجم اصلی (مکعب) خلق پیش‌فضا با گشایش تدریجی و لایه‌لایه، یادآور تزئینات مقرنس ورودی مساجد سنتی است که البته حضور شیب‌راهه‌ی ورودی از سمت محله، علاوه بر تسهیل ارتباط شهروندان با پروژه، در ایفای نقش سمبلیک جدایی از زمین (ماده) و ورود به فضای اصلی (معنی) را نیز در خود خواهد داشت.

استفاده از خطوط پیوسته و تداوم شهر در سایت، به منظور نشان دادن جهان‌بینی اسلام، در اتحاد ملت مسلمان و پیوند زندگی روزمره و عبادت و بهره‌برداری از حجم یک مکعب سفید در زمینه‌ی سبز، نشانگر مفهوم «توحید» می‌باشد. استفاده از سبزینه در جهت پایداری، تلطیف اقلیم گرم، چشم‌نوازی، استفاده از مظاهر خداوند، کنترل آب‌های سطحی و ... می‌باشد. در طراحی پروژه کوشش گردیده است، نظام کالبدی و سلسله‌مراتب فضایی با بهره‌مندی از عناصر آشنای معماری ایرانی، همچون صفه، گودال‌باغچه و چهارطاقی ارتباط معماری روز مساجد ایران را با نمونه‌های سنتی معماری ایرانی نشان دهد، درحالی‌که حجم اصلی سادگی، بی‌پیرایگی، حس تعلیق و سبکی و درعین‌حال خلوص مکعب ساده و بی‌تکلف (کعبه) را در ذهن تداعی می‌نماید.

در بدنه‌ی بیرونی و داخلی، از تزئینات اندک و صرفاً نوشته، دقیقاً مطابق شکل و محتوای استفاده شده در مساجد دوره‌ی سلجوقی (مسجد جامع اصفهان، هفتشویه، برسیان) استفاده گردیده است. با هدف خوانایی حداکثری و بهره‌مندی از تعادل بصری، از «مناره» به عنوان نشانه‌ی شهری به نحوی استفاده گردیده است که در عین تنوع منظر شهری در شب و روز، نقش دعوت‌کنندگی بنای مذهبی نیز تأکید گردد. بدیهی است علی‌رغم استفاده از دو محور عمود بر هم، در پروژه از ترکیبی متعادل به جای متقارن با هدف پویایی بیشتر استفاده شده است.

در فضای داخلی پروژه، با توجه به شرایط ورودی، ورود به شبستان رو به قبله و با ایجاد کمترین حواس‌پرتی برای نمازگزاران به صورت متقارن و با حداکثر تأکید بر جهت قبله طراحی شده است. اگرچه تفکیک آقایان و بانوان در دو سطح مختلف صورت پذیرفته، ولی به منظور تجمع عادی و روزمره‌ی نمازگزاران، امکان استفاده از طبقه‌ی همکف و تفکیک توسط تجیر نیز وجود دارد. در فضای داخلی پروژه از دو بالابر برای راحتی استفاده‌کنندگان پروژه در نظر گرفته شده است، ضمناً شرایط طراحی محراب و عقب‌نشینی طبقه‌ی اول (بانوان) به گونه‌ای است که صفوف دچار مشکل نشده و درعین‌حال نور سقف به تلطیف فضای نماز و محراب منجر می‌گردد. اگرچه طراحی پروژه در مراحل اولیه به سر می‌برد، لیکن به نظر می‌رسد استفاده از اسکلت بتنی با قاب خمشی و تهویه‌ی مطبوع، با بهره‌مندی از کنترل هوشمند و امکان استفاده از انرژی خورشیدی، راهکارهای مناسب برای پروژه می‌باشد، درحالی‌که با قرارگیری تأسیسات در موتورخانه، مزاحمت بصری در بام پروژه نیز وجود نخواهد داشت.



فرهنگی ارتباطی آب خدماتی فضای سبز شبستان

اکو رستوران صدرا

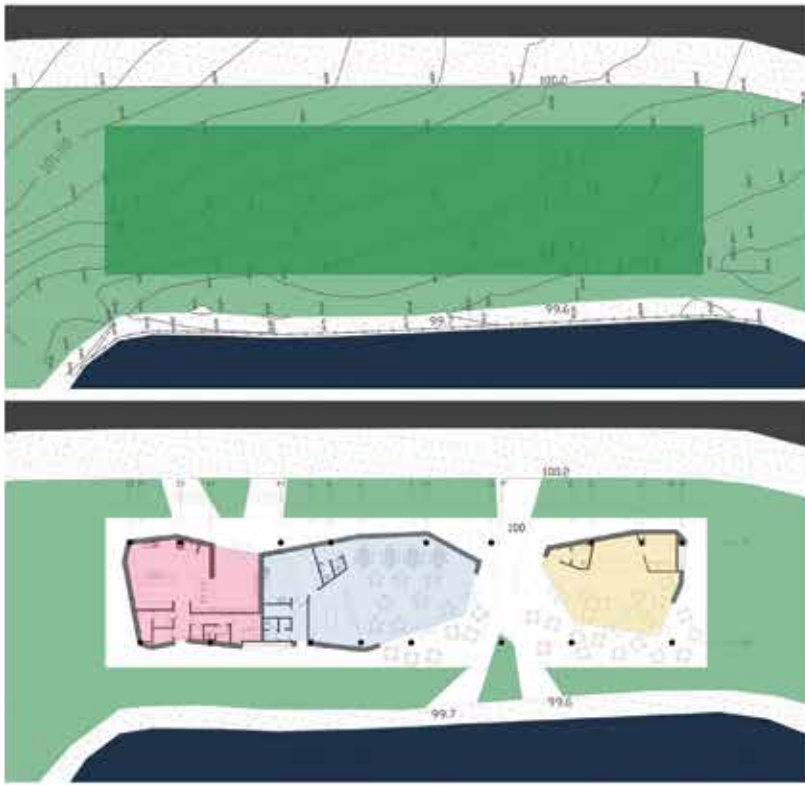
طراحان: علی سوداگران، نازنین کازرونیان (شرکت استاک بم آور پایدار)

طراح داخلی: نازنین کازرونیان
 همکاران طراحی: محمدامین زنده‌شاهوار، حنیف حق طلب
 مهندس سازه: سلمان رستمی
 مهندس تأسیسات: امین محکمی
 مجری پروژه: علی سوداگران
 محل پروژه: شیراز، صدرا، اکوپارک
 سطح زیربنا: ۹۰۰ مترمربع
 تاریخ اجرا: ۱۳۹۴

این رستوران در اکوپارک شهر جدید صدرا و با مساحتی در حدود ۹۰۰ مترمربع، شامل بیرون‌بر، فست‌فود و کافی‌شاپ طراحی گردیده است. کوه‌های اطراف، مهم‌ترین چشم‌انداز شهر را فراهم می‌سازند که ایده‌ی اصلی طراحی این بنا قرار گرفت. شکست پوشش سبز کف و اتصال آن به بالای سطح زمین، فضاهای زیرین و سقف بنا را تعریف کرده و خط آسمانی هماهنگ با کوه‌های اطراف فراهم نموده است. نمای رو به دریاچه، کاملاً شفاف و نمای پشت به دریاچه از سنگ‌های استخراج شده از کوه‌های منطقه (سنگ گندمک که معدن اصلی آن در شهر صدرا واقع است) با بافتی خشن طراحی گردید تا پروژه با طبیعت پیرامون هماهنگ گردد.

پست الکترونیک: stak.office@yahoo.com

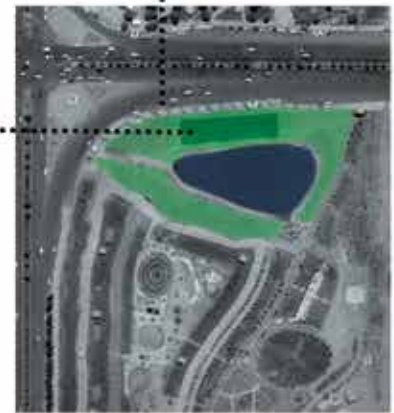




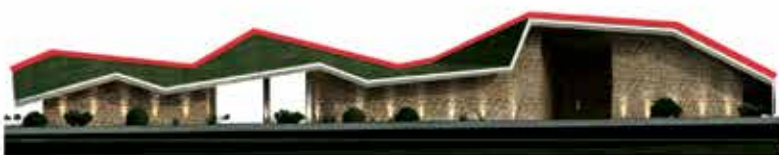
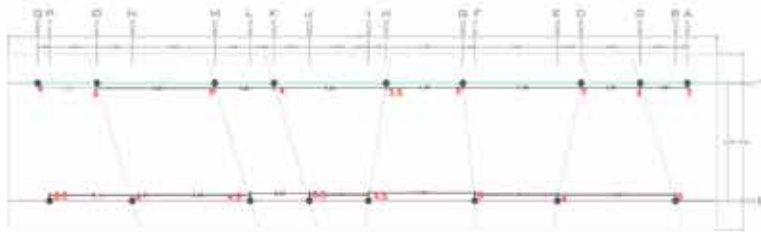
Sadra Eco Park



Eco Park restaurant



- coffee shop
- restaurant
- restaurant
- landscape
- lake
- avenue



Site plan

+

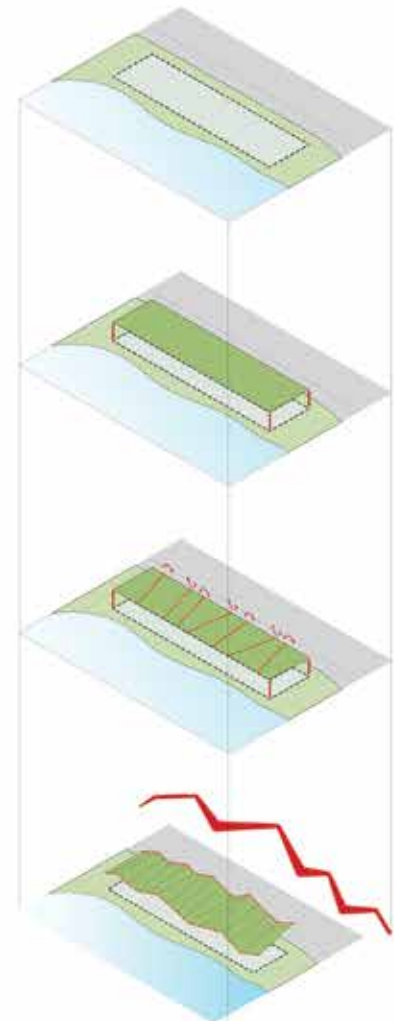
Conventional mass

+

Context attention

=

Final mass



خانه آپارتمان ۱۴۴

طراحان: علی سوداگران، نازنین کازرونیان

طراح داخلی: نازنین کازرونیان
 طراح فاز ۲: علی سوداگران
 همکاران طراحی: محمدمامین زنده‌شاهوار، رویا صیرفی
 مهندس سازه: سلمان رستمی
 مجری پروژه: علی سوداگران
 مهندس تأسیسات: امین محکمی
 محل پروژه: شیراز، بلوار بهشت، کوچه‌ی ۳۷، پلاک ۱۴۴
 سطح زیربنا: ۷۳۴ مترمربع
 کاربری بنا: مسکونی
 مساحت زمین: ۲۸۶ مترمربع
 سال شروع و خاتمه اجرا: ۹۴-۱۳۹۲

پست الکترونیک: stak.office@yahoo.com

در طراحی این مجتمع مسکونی، با توجه به موقعیت قرارگیری و بستر شهری محاط آن، یعنی منطقه‌ی باغ گلشن (باغ عفیف‌آباد شیراز) و باغ‌های میوه‌ی اطراف آن - که به علت گسترش شهر، هم‌اکنون در مرکز شهر واقع گردیده‌اند - ایده‌ی اصلی آن حول تأمین نیازهای اولیه‌ی فرهنگی مطلوب و خاص هر یک از بهره‌برداران و به موازات آن در نظر گرفتن طبیعت منطقه و انعکاس آن در فضای داخلی طراحی و در راستای توسعه‌ی پایدار منبث شده در کل طرح شکل گرفت. طرح پیش رو در تلاش بوده تا ضمن بازنگری بر پارادایم‌های طراحی تکرار شونده و پیشین، با تطابق طرح بر ضوابط و قوانین شهرسازی منطقه، با محوریت قرار دادن انسان و توجه به المان‌هایی از قبیل اقتصاد، اجتماع و محیط زیست، ضمن تأمین کردن نیازهای ساکنانش، بتواند به عنوان یک تک‌عنصر در فضای شهری و پوسته‌نگاری منطقه نیز تأثیرگذار باشد. لذا هر انتخابی در این پروژه از سه فیلتر اقتصاد (از نگاه خرد و کلان)، اجتماع (ساکنان و رهگذران) و محیط زیست (محیط بیرونی و فضای درون پروژه) عبور کرده و تأثیر خود را به گونه‌ای بر پروژه گذاشته است.

زمین این پروژه به ابعاد ۱۱ متر عرض و ۲۶ متر طول، براساس ضوابط M3 می‌باشد که ۶۰ درصد از سطح زمین در قسمت شمالی قابل ساخت بوده، همچنین طبقات فوقانی ۱/۲ متر از طرف جنوب و ۶/۰ متر از طرف شمال امکان پیشروی دارند. مطابق با درخواست کارفرما، این خانه برای سه خانواده طراحی گردید و از همان ابتدا تصمیم بر انتقال واحدهای مسکونی به روی پیلوت (هر طبقه یک واحد ۱۷۰ متری) و اختصاص همکف به ریزفضاهای پارکینگ، پیش‌فضای ورودی، انباری، موتورخانه و یک دفتر کار ۴۰ مترمربعی گرفته شد. مطابق با دغدغه‌های اصلی طراحی و با توجه به فیلترهای ذهنی ذکر شده، با عدم جاهایی پارکینگ‌ها در طبقه‌ی زیرزمین، از پیشروی به سمت حیاط پیشگیری شد و از این طریق، موجب بیشترین بهره‌برداری از فضای سبز موجود در جبهه‌ی جنوبی سایت - وضعیت فعلی حیاط - و درختان قدیمی آن گردید. هر واحد مسکونی، براساس نیازها، سلابی و سبک زندگی مالکانش طراحی شد و با بررسی کوچک‌ترین عادات رفتاری مخاطبان، سعی شد پلان هر واحد متفاوت و هماهنگ با نیازهای ساکنانش باشد. به تبع این تنوع طراحی در شکل‌دهی پلان‌ها، نمای خارجی هم مطابق با تفاوت‌های عملکردی زیر پوسته‌اش در هر طبقه متفاوت و متنوع گردید تا در نهایت حجم ساختمان با حفظ کلیت یکپارچه‌اش، حاکی از گوناگونی سبک زندگی ساکنان هر واحد (متفاوت از آپارتمان‌های رایج با مدول‌های تکرار شونده) باشد.



پلان طبقه سوم



پلان طبقه اول



پلان طبقه دوم



پلان طبقه همکف



ساختمان مدیریت طرح‌های صنعتی ایران

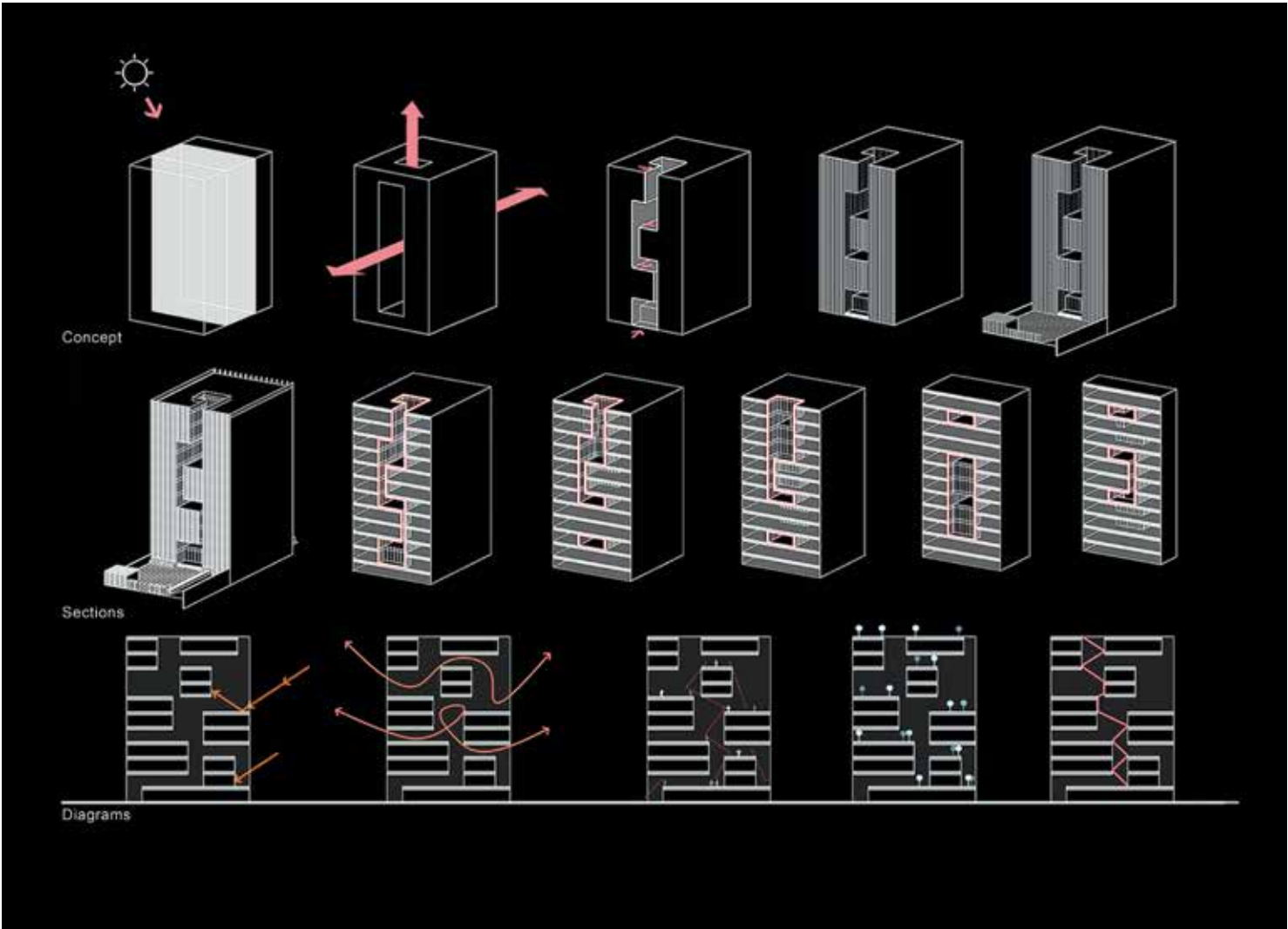
طراح: علیرضا اسفندیاری

همکاران طراحی: هیلدا تهرانی، محمدرضا اسفندیاری، آتوسا شیران
شرکت طراحی: دال استودیو
محل پروژه: تهران، خیابان آفریقا، خیابان تابان غربی، پلاک ۳۱
سطح زیربنا: ۹۰۰۰ مترمربع
تاریخ اجرا: ۱۳۹۵/۰۲/۲۰

پست الکترونیک: esfandiari.ali@gmail.com
سایت: www.daalstudio.com

ایده‌ی اصلی طراحی به این صورت شکل گرفت که با توجه به عمق زیاد پروژه، به گونه‌ای نور را به داخل هدایت کرده و در حد مطلوبی همه‌ی فضاها را از نور طبیعی بهره‌مند کنیم. این مطلوب، با کم کردن از حجم و ایجاد شکافی عمقی در دل پروژه حاصل شد. در واقع ایجاد یک وید سرتاسری، هم نور مورد نظر را تأمین کرده است و هم با ادامه دادن فضای سبز در دل پروژه، باعث ایجاد تراس‌های سبز و فضاهای بکر و روح‌انگیز در دل برج شده است. در نمای جنوبی پروژه، به منظور کنترل ورود نور آفتاب و نیز یکپارچه‌تر شدن نما، از لوورهای عمودی استفاده شده است و در نمای شمالی، به علت وجود نور مطلوب، فاصله‌ی لوورها زیاد شده که نور مطلوب شمال را حتی‌المقدور به داخل واحدهای اداری هدایت کند. در طراحی این پروژه سعی بر آن بوده که با ایجاد فضاهای آرام و دارای نور و تهویه‌ی طبیعی، محیطی مناسب جهت توسعه‌ی پایدار فضای اداری مجموعه فراهم آید.





مجموعه‌ی فرهنگی و رفاهی دانشگاه شیراز؛ رستوران رشک بهشت شیراز

طراحان: مجتبی کاظمی، رضا شبانکار، ستاره توتونچی

شرکت طراحی: استودیوی معماری چارک، استودیوی معماری مجدد
 سازه: مهدی انصاری
 نظارت کارگاهی: محمد شیخ‌نیا، مجتبی کاظمی
 سه‌بعدی سازی: استودیو پلیگان
 تأسیسات: صادق رضایی
 گرافیک: بنیامین صفری
 عکاس: بهروز مصلاهی
 کارفرما: دانشگاه شیراز (طرح‌های عمرانی)
 محل پروژه: شیراز، خیابان ساحلی غربی، مجتمع دانشگاه
 سطح زیربنا: ۳,۵۰۰ مترمربع
 تعداد طبقات: دو طبقه
 نوع سازه: مرکب
 نوع سقف: دال بتنی و خرپای فلزی
 سیستم سرمایش و گرمایش: هواساز و فن‌کوئل سقفی
 پست الکترونیک: m.kazemi_arch@yahoo.com

پروژه‌ی طراحی مجدد و بخش‌های مجتبی کاظمی دانشگاه شیراز در منطقه‌ی باغ‌های رشک بهشت در نزدیکی باغ ارم واقع شده است. ساختمان موجود، بنایی ناسیونالیستی مربوط به دهه‌ی ۴۰ خورشیدی بود، که در سال‌های مختلف، مورد تغییرات کالبدی و کارکردی قرار گرفته است. در محوطه‌ی مجموعه، درختان کهنسالی وجود دارد که احتمالاً از بقایای باغ‌های رشک بهشت (احتمالاً محور اصلی باغ ابوالفتح‌خانی) می‌باشد. همچنین از سمت شمال‌غرب، نارنجستان‌هایی انبوه، ساختمان اصلی مجموعه را دربرگرفته که علاوه بر تلطیف هوا، منظره‌ی دلپذیری را به وجود آورده است.

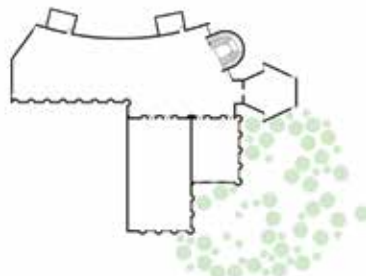
طراحی با توجه به خواسته‌های اصلی کارفرمای پروژه مبنی بر حفظ کاربری فرهنگی موجود (آمفی‌تئاتر، اتاق‌های کنفرانس و ...) و الحاق کاربری‌های خدماتی و رفاهی (رستوران، فست‌فود و ...) و همچنین تعامل با فرم و سازه‌ی ساختمان موجود و عوامل محدود کننده‌ی طرح صورت گرفته است. خواسته‌های اصلی کارفرما، طراحی و اجرای همزمان پروژه، هندسه‌ی کشیده‌ی بنای موجود، نارنجستان‌های جبهه‌ی شمالی و نوع سازه‌ی بنای موجود (سقف دال بتنی در تراز اول، خرپاهای فولادی در تراز دوم و پوسته‌ی بتنی مسلح بنا که حداقل امکان تغییرات در جداره‌های خارجی را به وجود می‌آورد) اصلی‌ترین عوامل محدودکننده‌ی طرح می‌باشد. همچنین اهداف و استراتژی‌های کلان پروژه شامل غنای حسی، خاطره‌انگیزی، سرزندگی فضاهای داخل، سلسله‌مراتب فضایی، ارتباط بصری فضاهای مکث با محوطه‌سازی بیرون و حفظ تمامی درختان نارنجستان (تمامی درختان) می‌باشد.

پالت فرمی فضاهای داخلی رستوران (جداره‌ها، جداکننده‌ها، سقف‌ها، المان‌های دکوری و ...) با الهام از فرم ستون‌های اصلی ساختمان موجود، به شکل مخروط‌ها، نیم‌مخروط‌ها و استوانه‌های توخالی می‌باشد. همچنین خرپاهای فلزی طبقه‌ی دوم، در رستوران‌ها و پیش‌فضای رستوران، همچون پالیمسست از میان سقف بیرون کشیده شدند تا جذابیت بصری پروژه را بیشتر کنند. در طراحی بخش‌های رستوران (باربیکی‌روی روباز)، با توجه به محدود شدن فضای شمال‌غرب بنا به نارنجستان‌ها، تصمیم بر آن شد تا علی‌رغم رضایت کارفرما با قطع بخشی از درختان، صرفاً در فضای خالی بین درخت‌ها با ساخت ستون‌های منفرد بتنی، بالکن‌های منفرد و با ابعاد متفاوتی داشته باشیم که به وسیله‌ی پله‌های چوبی به یکدیگر متصل می‌شوند. بنابراین، علاوه بر جلوگیری از قطع درخت‌ها (حتی یک درخت)، موفق به خلق منظره‌ای دلچسب و فضایی پرهیجان و خاطره‌انگیز شده‌ایم.





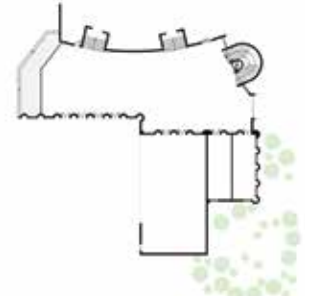
پلان اول بعد از بازسازی



پلان اول قبل از بازسازی



پلان همکف بعد از بازسازی



پلان همکف قبل از بازسازی



ویلاي كوشه

طراحان: محسن تاجیک، سارا خسروی پور، محیا قنبری، رضا عامریان

شرکت طراحی: شرکت کارناکو

محل پروژه: کرج، میدان حافظ، خیابان دهخدا

سطح زیربنا: ۶۰۰ مترمربع

تاریخ شروع پروژه: ۹۴/۰۲/۲۵

تاریخ اتمام پروژه: ۹۴/۱۲/۰۵

پست الکترونیک: info@karnko.com

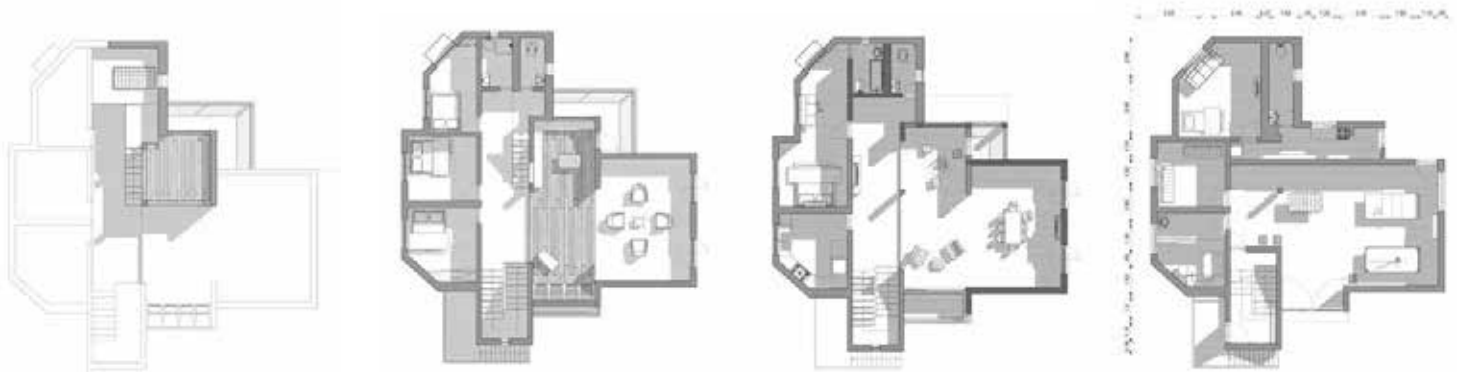
سایت: www.karnko.com

این پروژه در ابتدای کرج، نزدیک به مدخل ورودی جادهی چالوس، خط دوم حصار قرار دارد. اغلب مسافرانی که قصد عبور از جادهی چالوس-کرج را دارند، خانه‌های کوچکی را که روی کوه قرار دارند، مشاهده کرده‌اند. این خانه‌ها که بافت اطراف پروژهی کوشه را مشخص می‌کنند، عموماً خانه‌هایی با چند پاره آجر و بلوک سیمانی و دیواره‌های وصله‌پینه شده هستند. این پروژه در عین سادگی و همسان‌سازی با سیستم ساخت بافت اطراف، سعی در ارتقای دید ساکنین محله و با هدف توسعه و الهام‌پذیری از شکل و کالبد جدید، شکل گرفته تا پیوستگی بنا و طبیعت اطراف را به حداکثر برساند. بازشوهای موجود در نمای خارجی، عقب‌نشینی آنها و باز شدن محور ورودی باعث شده تا فضای باز با بخش عمده‌ای از فضای بسته نفوذ کند تا بتوانیم از اقلیم مناسب در فصول معتدل بهره‌ی لازم را ببریم.

با یکپارچه کردن فضاها و ارتباط مستقیم بین آنها، این امکان به وجود آمده که توسعه و کیفیت تا طبقه‌ی بالا ادامه یابد. طبقه‌ی بالا به عنوان فضای استراحت، خواب، معاشرت، مطالعه و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد. عرصه‌ی بالا که متریال آن یک دست نمی‌باشد، شکل جدیدی به خود گرفته و باعث تنوع فضایی شده است. طبقه‌ی دوم ویلا به نسبت طبقه‌ی پایین، فضای صمیمی و راحت‌تری می‌باشد و به همین منظور، محیطی دنج و شخصی را به وجود آورده است. کج شدن پنجره در این طبقه و کشیدگی بازشوها باعث درک همزمان آسمان و فضای سبز حیاط شده که همین امر موجب تنوع فضایی و خوشایند شدن محیط گردیده است.

پنجره‌های ویلا به نحوی طراحی گردیده که بتواند ارتباط مناسبی بین فضای سبز موجود در حیاط بنای ساختمان به وجود آورد، به نحوی که بازشوهای موجود در جداره‌های نما به فضای باز این امکان را می‌دهد تا در بخش عمده‌ای از فضای بسته نفوذ کند و در فصل معتدل، تراس‌ها را جزئی از فضای داخلی کند. متریال به کار رفته از سیمان زبر معمولی‌ای می‌باشد که با یک لایه‌ی رنگ خاکستری روشن پوشانده شده است. رنگ نما از متریال نانو چرک‌گریز و رطوبت‌گریز تشکیل شده تا از طول عمر بیشتری برخوردار گردد.





پلان نیم طبقه دوم

پلان طبقه دوم

پلان طبقه اول

پلان طبقه همکف



ویلائی برای آنا و سعید

طراحان: احسان حسینی، الهام گرامی زاده نائینی

شرکت طراحی: دفتر فرایند منطقی در طراحی معماری
عکس: پرهام تقی‌آف
محل پروژه: اصفهان، منطقه‌ی مرغ، مجتمع ویلایی
پزشکان زیتون
تاریخ اجرا: شهریور ۱۳۹۳

پست الکترونیک: sinvia55@yahoo.com

سعید و همسرش آنا در زمین ۱۰۰۰ متری خود ویلایی می‌خواستند که فامیل بزرگشان را آخر هفته‌ها دور هم جمع کنند. آنها در فکر سالن بزرگی بودند که همه‌ی فامیل را در خود جای دهد و مانند خیلی از همسایه‌ها، به دلیل فاصله‌ی کم از ویلاهای مجاور، سروصدا و دید خیابان، خیلی روی فضاهای باز حساب نمی‌کردند، اما تابستان امسال همه‌ی فامیل هر آخر هفته به اینجا می‌آیند، گروهی بازی می‌کنند، عده‌ای تنی به آب می‌زنند، بعضی در گوشه و کنار خلوت می‌کنند و ... همه زیر آسمان در جمع بزرگی به نام خانواده دور هم جمع می‌شوند.

زمین پروژه‌ی ویلای آنا و سعید که در شهریور ۱۳۹۱ به ما پیشنهاد شد، در شهرک زیتون و در ۱۰ کیلومتری شهر تاریخی اصفهان می‌باشد. شهرک زیتون، مجموعه‌ی مسکونی-ویلایی کوچکی است که پلاک‌های آن عمدتاً متعلق به پزشکان است و بافت ویلایی بسیار پرتراکمی دارد. در این پروژه، سعی کردیم تا با طراحی فضاهای باز، به عنوان بستر اصلی شکل‌گیری رفتارهای جمعی، جاری کردن آن در ترازهای مختلف و سپس تعریف دسترسی‌ها و فضاهای ارتباطی، به مانند حلقه‌های اتصال و فضاهای بازی پویا، بنا را مانند درختی درآوریم که می‌توان از آن بالا رفت. از این طریق، به جای تک‌فضاهای مستقل، شبکه‌ای در هم تنیده از فضاهای باز، گودال‌باغچه، حیاط مرکزی و مهتابی، با قابلیت اتفاق رفتارهای متنوع فردی و جمعی شکل می‌گیرد و فضای بیرون نیز در ارتباطی زنده با درون، به صورت سه‌بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرند. احجام پر پروژه، با شکل‌گیری در اطراف فضاهای باز، آنها را دربرگرفته، ضمن ایجاد درون‌گرایی و محرمیت، ارتباط فضاهای بسته، باز و نیمه‌باز را به حداکثر می‌رسانند. فضاهای بسته‌ی پروژه، همگی رو به خالی میانی کرده، از خلال آن با بیرون ارتباط برقرار می‌نمایند و اینگونه، الگوی فضاهای آشنای معماری ایرانی (حیاط مرکزی، مهتابی و گودال‌باغچه) را زنده می‌کنند. زیربنای تقریبی این پروژه ۴۲۰ مترمربع و در سه طبقه می‌باشد. سازه، اسکلت فلزی و سقف، کامپوزیت بوده و گرمایش از طریق رادیاتور و پکیج و سرمایش نیز به وسیله‌ی کولر آبی انجام می‌پذیرد. این پروژه در شهریور ۱۳۹۳ به اتمام رسید.

توجه به بافت بسیار متراکم سایت از یک سو و فرهنگ، اعتقادات و استایل زندگی مردم اصفهان از سویی دیگر و نتیجتاً ایجاد پروتوتایپ جدیدی برای حل موضوع پارادوکس-گونه‌ی ویلای درون‌گرا، از ویژگی‌های اصلی پروژه می‌باشند. علاوه بر این، وجود شبکه‌ای در هم تنیده از فضاهای باز و نیمه‌باز محرم، به عنوان عنصر هویت‌بخش خانه – همچنان که در معماری مناطق مرکزی ایران نیز مرسوم بوده است – و شکل‌گیری مسکنی با روحیه‌ی فضاهای آشنای گذشته و زبان معماری امروز، از دیگر نکات قابل توجه می‌باشد. کنترل شرایط اقلیمی کویری در عین ایجاد فضاهایی شفاف نیز یکی دیگر از چالش‌های پروژه‌ی حاضر می‌باشد.





پلان طبقه اول



پلان طبقه همکف



پلان زیرزمین



مقاطع



ساختمان تجاری زنجان

طراحان: جواد اله‌قلی، مجتبی ثابت‌فرد، رامتین حق‌نظر، خشایار شفق، دنا شمس‌الهی، فرنوش عشقی، الهام علیمردانی، احسان فاتحی‌فر، پارسا کرمانیان، محمدحسین کشفی، مصطفی لطیفی، مرضیه مؤذنی، الناز ناصحی، فرناز نظری، سید سعید هاشمی، مریم طوسی، مهیا بهرامی، مهشید مقدسی، سارا کرمانیان، مصطفی کرباسی

شرکت طراحی: استودیوی معماری آرچه
محل پروژه: زنجان، خیابان امام خمینی (ره)، روبروی
امامزاده سید ابراهیم
سطح زیربنا: ۳۵۰ مترمربع
تاریخ شروع پروژه: ۱۳۹۴
تاریخ اتمام پروژه: ۱۳۹۵

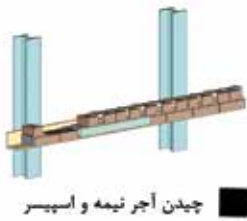
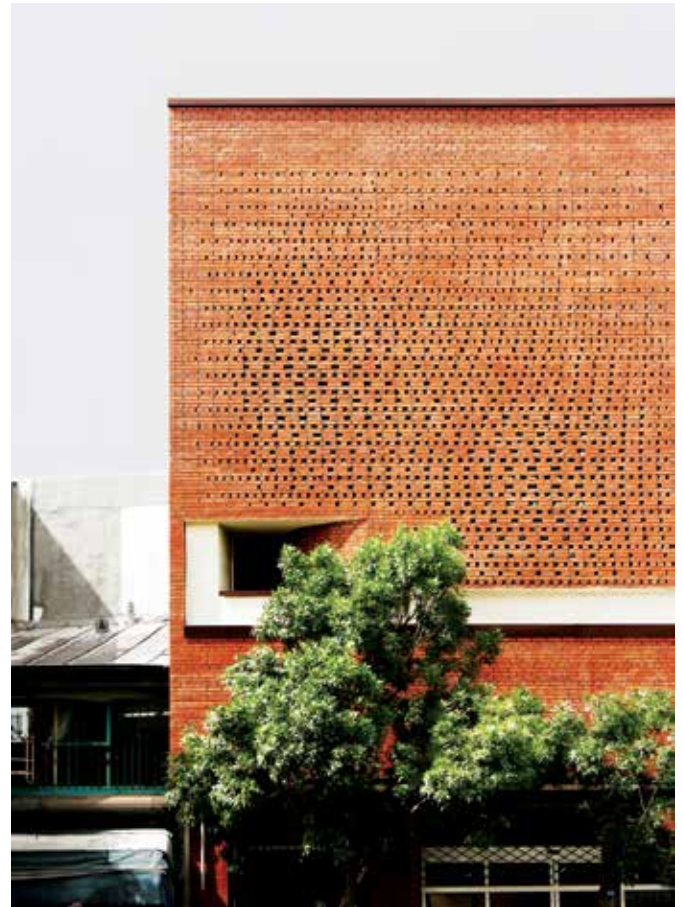
پست الکترونیک: arxe.co.op@gmail.com
سایت: www.arxecoop.com

ساختمان تجاری زنجان بنایی دو طبقه، در یکی از خیابان‌های اصلی شهر بود. طراحی و اجرای نمای این ساختمان در سال ۱۳۹۴ به استودیوی معماری آرچه سپرده شد و در سال ۱۳۹۵ به بهره‌برداری رسید. محل پروژه در خیابان امام شهر زنجان و در نزدیکی بازار تاریخی آن قرار دارد. با در نظر داشتن نزدیکی به مسجد و بازار و توجه به الگوی معماری منطقه، استفاده از مصالح آجر، بار معنایی و هویتی ویژه‌ای دارد. این ساختمان پیش از مداخله، در حال ساخت و فاقد نما، دارای دو طبقه‌ی کوتاه و بلند، با میزان شفافیت‌های مختلف بود که یکی از روی دیگری طره شده بود. پلکان که در کنار نمای ساختمان قرار داشت، حجمی بلندتر از سقف طبقه‌ی اول ساخته بود؛ در واقع بنا مجموعه‌ای از مکعب‌های کوچک فاقد یکپارچگی بود. یکی از مهم‌ترین اهداف طراحی این نما، وحدت‌بخشی به بنا و بزرگ کردن مقیاس آن بود. کاربری تجاری، به راحتی امکان حذف اغلب گشودگی‌ها را داد. در این راستا، قسمت اصلی نما را یک پوسته‌ی یکپارچه‌ی وسیع آجری با تناسباتی نزدیک به مربع تشکیل داد. این پوسته‌ی صلب روی پس‌زمینه‌ای با استخوان‌بندی درشت، لاغر، نسبتاً شفاف و مجدداً از جنس آجر قرار گرفت. در کنار اندام‌های آجری، نواری سفید به کار اضافه شد تا قاب مستطیلی دیگری با ابعاد بزرگ را در نما ایجاد کند.

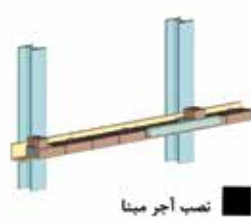
پوسته‌ی آجری اصلی، ارتفاع ساختمان را تا بالای خرپشته بلند کرده و مقیاس آن را از یک ساختمان دو طبقه بلندتر کرده است تا به عنوان بنایی شاخص در خیابان دیده شود. برای رفع نیازهای نما، کمترین دستکاری‌ها در این پوسته‌ی صلب انجام شده است تا مقیاس بزرگ و صلبیت آن حفظ شود. برای ایجاد گشودگی‌های نما، ورق خم شده و خم سمت راست پوسته، در کنار نوار سفید، پنجره‌ای بزرگ را در نما ایجاد کرده است. از طرف دیگر، این پوسته‌ی خم شده، فضای محصور مناسبی را روی بام برای یک فودکورت ایجاد می‌کند. پنجره‌ی کوچک دیگری نیز با روشی مشابه در سمت راست نما ایجاد شده است، سپس برای تعدیل نور داخلی و احیاناً عبور هوا، منافذ ریزی با نظمی خاص در پوسته‌ی اصلی در نظر گرفته شد. این نظم در تاروپود چیدمان آجر بافته شده و در واقع چینش آجرها، آن را ایجاد کرده است. پوسته‌ی صلب آجری با سازه‌ی مستقل فلزی در مقابل جداره و پنجره‌های نما با فاصله‌ای قرار گرفت و به نحو اطمینان‌بخشی در مقابل نیروهای جانبی مهار شد. در طراحی پوسته از قابلیت ویژه‌ی آجر که ایجاد انواع بافت‌ها است، بهره گرفته شد. بافت آجری در نظر گرفته شده برای این نما، از منافذی تشکیل شده که در فاصله‌ی بین آجرها ایجاد شده است. این منافذ ناپیدا، جلوه‌ی ویژه‌ای به نمای ساختمان داده‌اند. وجود و نظم آنها از چند زاویه به وضوح به چشم می‌خورد و روح طراوت را در کالبد خشک آجر می‌دمد. این حرکت سیال و ظریف، جدیت نمای آجری درشت مقیاس ساختمان را تعدیل می‌کند.

بیرون کشیدن این دو حس متناقض از آجر، جز با ابزارهای پیشرفته‌ی طراحی پارامتریک ممکن نبود. تلاش شد تا پیچیدگی‌های این مسئله در طراحی حل شود و اجرای کار تا حد امکان، ساده باقی بماند. همچنین تلاش شد تا این پیچیدگی، در عین سادگی و با مینیمال‌ترین تغییرات ایجاد گردد. نظم چندبعدی و پیچیده‌ی بافت آجری، تنها با جابجا کردن آجرها در ردیف‌های خود ایجاد شده، حتی از تغییر ابعاد، یا دوران آجرها نیز خودداری شده است. بافت آجری، تماماً از آجرهای یکسانی تشکیل شده و منافذشان با چند نوع اسپیسر تنظیم شده، به طوری که در عین ایجاد جلوه‌ای چشم‌نواز، شفافیت بیشتری در مجاورت پنجره‌های پشت نما داشته باشد.

برای اجرای این بافت، علاوه بر نقشه‌های متداول جزئیات، لازم بود برای اطمینان از دقت اجرا، تمهیدات دیگری نیز اندیشیده شود. تمام پیچیدگی‌های اجرایی بافت، در طراحی جزئیات و نحوه‌ی چینش چند تیپ اسپیسر گنجانده شد، به طوری که قابلیت چیده شدن در ردیف آجرها، ریختن ملات، حفظ حفره و امکان بیرون آوردن آنها پس از اجرا را داشته باشد. این اسپیسرها کدگذاری شد و جزئیات و ترتیب چینش آنها در دفترچه‌هایی در دسترس تیم اجرا قرار گرفت. همچنین دستورالعمل مشخصی برای چیدن ردیف‌های زوج و فرد و اجرای مهارهای سازه‌ای و ... به تیم ارائه گشت، اما خوشبختانه مهارت، هنر و درایت تیم اجرایی نما، کاراتر و مؤثرتر از تمام این تمهیدات بود.



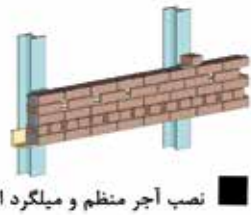
چیدن آجر نیمه و اسپیسر



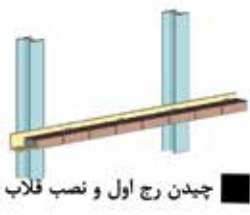
نصب آجر مینا



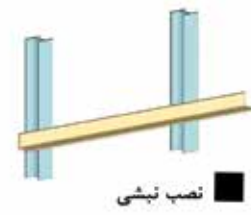
تکرار مراحل تا نبشی بعدی



نصب آجر منظم و میلگرد افقی



چیدن رج اول و نصب فلاپ



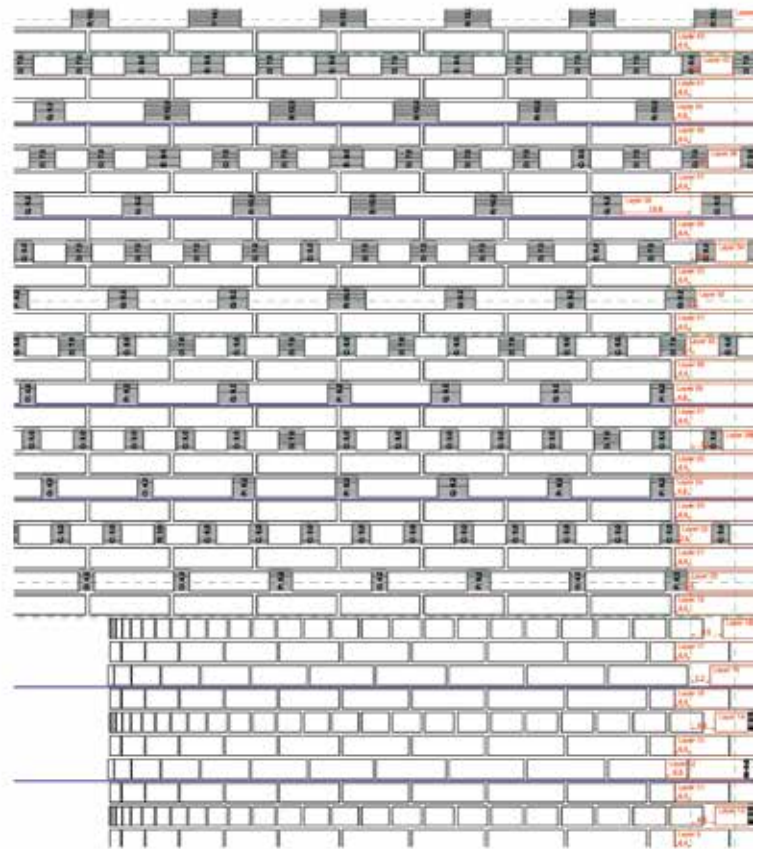
نصب نبشی



چیدن آجر درسته و اسپیسر



نصب آجر ردیف منظم



باغ-موزه ادب و فرهنگ خورموج

طراحان: جواد اله‌قلی، مجتبی ثابت‌فرد، رامتین حق‌نظر، خشایار شفق، دنا شمس‌الهی، فرنوش عشقی، الهام علیمردانی، احسان فاتحی‌فر، پارسا کرمانیان، محمدحسین کشفی، مصطفی لطیفی، مرضیه مؤذنی، الناز ناصحی، فرناز نظری، سید سعید هاشمی، مریم طوسی، مهیا بهرامی، مهشید مقدسی، سارا کرمانیان، مصطفی کرباسی

شرکت طراحی: استودیوی معماری آرچه
محل پروژه: بوشهر، خورموج، تقاطع خیابان شهید مطهری
و خیابان دشتی، قلعه‌ی محمدخان دشتی
مساحت زیربنا: ۱,۱۵۰ مترمربع
تاریخ اجرا: ۱۳۹۳

پست الکترونیک: arxe.co.op@gmail.com

سایت: www.arxecoop.com

شهر خورموج، شهری در ۹۰ کیلومتری جنوب‌شرق بندر بوشهر، با آب‌وهوای گرم‌وخشک است. قلعه‌ی خورموج یا قلعه‌ی محمدخان دشتی در شهر خورموج، یکی از آثار تاریخی و جاذبه‌های استان بوشهر و از نمونه‌های معماری دوره‌ی قاجاریه می‌باشد که در سال ۱۳۷۹ در فهرست آثار ملی به شماره‌ی ۳۰۳۲ به ثبت رسید. سبک معماری آن سلجوقی بوده که از سبک قلعه‌سازی دوره‌ی ساسانی متأثر می‌باشد. قلعه‌ی خورموج، چهار حصار، چهار برج و بخش‌های خدماتی متعددی داشته است، اما در سال ۱۳۵۷، شهرداری وقت خورموج با عبور دادن خیابانی از میان قلعه، آن را به دو بخش تقسیم کرد و با تخریب بخش شرقی آن، ساختمان جدید شهرداری را احداث کرد. هم‌اکنون تنها یک برج در بخش غربی از بنای تاریخی بر جا مانده است.

در سال ۱۳۹۳، سازمان میراث فرهنگی استان بوشهر، پروژه‌ی طراحی موزه‌ای را در بخش غربی زمین قلعه‌ی خورموج تعریف کرد. استودیوی معماری آرچه در مراحل طراحی، مقیاسی کلان‌تر برای پروژه تعریف کرد و چند فاز جدید برای گسترش آینده‌ی مجموعه پیشنهاد شد. این امر با برنامه‌ریزی افزوده شدن برخی از زمین‌های اطراف به محدوده‌ی پروژه و توسعه‌ی محدوده‌ی تاریخی و فرهنگی در مرکز شهر میسر گشت. در نهایت، مجموعه‌ای از پیشنهادات و راهبردهای طراحی در قالب «طرح باززنده‌سازی مرکز شهر تاریخی خورموج» تدوین گردیده و به عنوان طرح بالادستی در طراحی موزه‌ی ادب و فرهنگ خورموج به کار رفت.

راهبردهای کلی طراحی را می‌توان در دو بُعد برنامه‌ی عملکردی پروژه و ایده‌ی مفهومی باززنده‌سازی خاطره‌ی شهری قلعه دسته‌بندی کرد. در بُعد اول، هدف طرح ایجاد فضای عمومی چند عملکردی در مقیاس شهری است که اصلی‌ترین بخش مرکز شهر تاریخی خواهد بود و می‌تواند با ارائه‌ی عملکردهای متنوع فرهنگی به شهروندان در ساعات مختلف روز، تبدیل به محلی کلیدی در شهر برای دیدارها، پرسه‌زنی و برگزاری رویدادهای جمعی باشد. برای رسیدن به این منظور، فضا می‌بایست به صورت مجموعه‌ای نفوذپذیر و دعوت‌کننده طراحی می‌شد و کاربری‌های متنوعی با در نظر گرفتن رعایت حریم ارتفاعی برج تاریخی در مجاورت آن قرار می‌گرفتند. از این رو، بخش عمده‌ای از برنامه‌ی فیزیکی به طبقه‌ی زیرزمین منتقل شد تا ارتفاع بنا به یک طبقه در همکف محدود گردد، ولی فضای کافی برای برنامه حاصل شود.

در بُعد مفهومی، ایده‌ی اولیه‌ی طراحی، ایجاد تصویری انتزاعی و معاصر از خاطره‌ی شهری زده شده؛ یعنی قلعه‌ی تاریخی تخریب شده بود. در این راستا، کلیه‌ی مدارک و اسناد تاریخی به جا مانده از قلعه بررسی شد و مدل سه‌بعدی از وضعیت قلعه، پیش از تخریب ساخته شد. دیوار سنگی پیرامون طرح که از سنگ‌های آهکی بومی منطقه پیش‌بینی شده است، به واقع کیفیتی منسجم و درون‌گرا به بنا می‌دهد که بر حضور تاریخی قلعه در این مکان اشاره دارد. ایجاد فرورفتگی در میانه‌ی ضلع طولی این دیوار و کاهش ارتفاع آن تا زمین موجب می‌گردد ضمن حفظ این انسجام، کلیت مجموعه حالتی نفوذپذیر و برون‌گرا به خود بگیرد که با ملزومات معاصر این فضای شهری همخوان است.

محدوده‌ی مرکزی میدان شهری ایجاد شده با ایجاد گودال‌باغچه‌هایی به صورت بخشی متخلخل از زمین در آمده که ضمن ایجاد دسترسی‌ها و نور و تهویه‌ی لازم برای فضاهای زیرزمین، شباهت زیادی به بافت درونی قلعه‌ی تخریب شده دارد. یکدست بودن کفسازی و جداره‌ها از جنس آجر و به رنگ خاک، قصد دارد تا تصویری همچون سایت‌های باستان‌شناسی کاوش شده ارائه دهد، که در آن ناظر، ردپای اثر تاریخی را از ارتفاعی بالاتر می‌بیند و کلیت آن را درک می‌کند. این استراتژی موجب گشته بام این‌بیهی موجود در سایت، تبدیل به بخشی از لنداسکیپ بنا شده و کاربر فضا بتواند در تمامی بخش‌ها آزادانه حرکت نماید.

همچنین در مجاورت برج و روی بام مجموعه، یک چیدمان (installation) سبک از جنس فلز طراحی شده که به نوعی تبدیل به یک المان شهری گردد. در این سازه‌ی شفاف، قاب‌بندی‌ها و بخش‌هایی از خطوط بنای تخریب شده‌ی مجاور برج، به صورتی انتزاعی ساخته می‌شود. فضایی که بدین شکل زیر این عنصر خلق می‌گردد، برای برگزاری گالری‌های موقت فضای باز در نظر گرفته شده است. هدف اصلی از این سازه، ترمیم تصویر شهری برج، با رعایت اصول حفاظت ابنیه‌ی تاریخی و گنجاندن بُعد زمان در فضا است. در ضلع شمالی نیز، برجی مدور به ارتفاع دو طبقه در محل برج تخریب شده بنا می‌شود که مجموعه‌ی ارجاعات تاریخی پروژه را کامل می‌کند.

برای فازه‌های بعدی، ایجاد دو پلازا در مقابل بنای اصلی و ارتباط این سه، با مسیری پیاده به شکل بازارچه پیشنهاد شد. سیمای این فضاها با الهام از بافت شهری جنوب ایران شکل گرفت. سایه‌اندازی و ایجاد جریان هوا از جمله‌ی تمهیدات اقلیمی این فضاها بوده است که به جذب مخاطب و افزایش آسایش استفاده‌کنندگان کمک می‌کند.



<p>۵ ایجاد دید مناسب به برج تاریخی با تعریف پلازای شهری مقابل آن</p>	<p>۶ اتصال پلازای انتهایی بازار و خیابان معلم از طریق فرورفتگی ایجاد شده در میان حجم</p>	<p>۷ فرود بردن میانه حجم</p>	<p>۸ برای جلوگیری از دید نامطلوب ساختمان‌های مرتفع اطراف برای پیشنهادی در طبقات همگف و ۱- تعریف شده است.</p>	<p>۹ سایت پروژه مساحت ۲۸۸۰ مترمربع</p>
<p>۱۰ طرح نهایی</p> <p>تصویر مورد نظر طرح، ابعادی از سبک باستانی است که از دل خاک بیرون آمده است. با تداخل و حیاط‌های متعدد که یاد آور بافت تاریخی است. سازه‌گاری با قوس‌های دکوراتیو از جنس مس سولفور شده. یادآور کاخ متصل به برج است و در عین حال یادآور سازه‌هایی است که روی سایت‌های اکتشافی اجرا می‌گردد. حجم قلعه چون قطعه‌ای از خاک از زمین بیرون آمده و ترکیبی نو از برون‌گرایی و تزیین‌گرایی را ایجاد می‌کند.</p>	<p>۱۱ بازنمایی ابعاد گذشته قلعه</p> <p>گاری این مجموعه با سازه‌های سبک خطی در محل کوشک تخریب شده قلعه بنا شده است. سازه سبک و از جنس متفاد با بنای قدیمی، نوعی بازمایی تصویری ایجاد می‌کند. نه بازسازی بنای تاریخی بخشی از شبکه زیر سازه با شیشه و مواد سبک پوشیده شده و نقش‌گاری است. در گوشه دیگر بنا یکی از برج‌های قلعه با شکلی متفاوت بازسازی شده که هم‌تصویر برج و بارو کامل گردد و هم‌کاربری چاپخانه در آن گنجانده شود.</p>	<p>۱۲ ایجاد گودال باغچه و ورودی‌های مجموعه در طبقه منتهای یک</p>	<p>۱۳ پیشنهاد طراحی فرهنگسرا در ضلع غربی در توسعه آتی مجموعه</p> <p>با توجه به اشراف این بخش از مجموعه به فضای باز انتهایی بازار، کاربری فرهنگی برای این بخش در نظر گرفته شده است.</p>	<p>۱۴ تعریف کاربری تجاری اطراف پلازا و کشیدن آن تا دیوار اصطبل</p> <p>ورودی اصلی بنا در ضلع جنوبی سایت تعبیه شده است. دسترسی اصلی به دفتر میراث و کاربری‌های اداری در طبقه همگف از طریق این ورودی می‌باشد.</p>

فانوس دریایی بوشهر

طراحان: سعید حکمت‌نیا، مسعود نساوند، امید نیکوکار

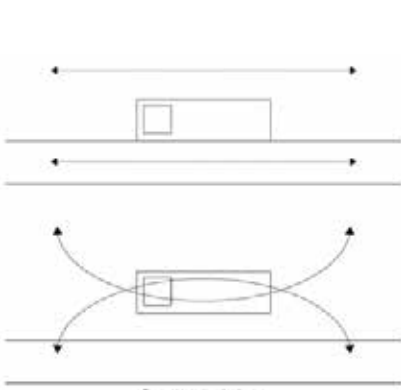
محل پروژه: بوشهر
مساحت زیربنا: ۱,۳۶۵ مترمربع

پست الکترونیک: s.hekmat@outlook.com

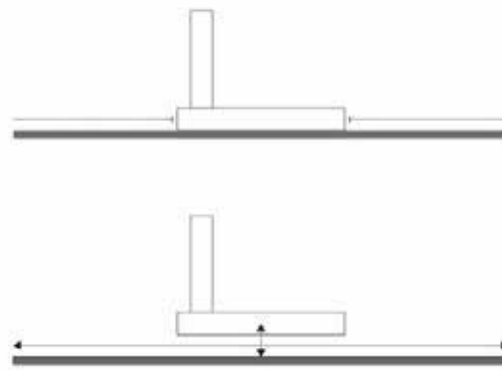
در نگاه تاریخی، فانوس‌ها به عنوان نشانه‌ی شهری برای دریانوردان شناخته می‌شوند و با مرور زمان، فانوس‌ها به عنوان نشانه‌ی شهری از دیدگاه ساکنین شهر شناخته شدند. با توجه به تغییر نقش فانوس در این مسابقه از یک عنصر کارکردی به یک عنصر نمادین، دغدغه‌ی کاربردپذیری، علاوه بر شاخصه‌های نمادین مورد توجه واقع شد. به همین ترتیب، عنصر عمودی فانوس به عنوان زمینه‌ای برای سازماندهی فضایی بخشی از برنامه‌ی پروژه مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت، گالری‌ها و تعدادی فضای مکث در بالاترین نقطه به عنوان نظرگاه شهری سازماندهی شدند.

سازماندهی فضایی کلی پروژه براساس شکل خطی ساحل انجام گرفت و عدم تداخل مسیرهای حرکتی و پیوستگی مسیرهای حرکتی مورد توجه واقع شد. بزرگ‌ترین چالش طراحی در طرح حاضر، فشردگی برنامه‌ی عملکردی و ارتباط متقابل با فضای شهری بود. کمترین استفاده از سطح اشغال بدنه‌ی ساحلی به عنوان دغدغه‌ی اصلی در طراحی مورد توجه واقع شد. برای کمترین تداخل عملکردی با ارتباطات خطی ساحل، حجم افقی که بخش اعظمی از فعالیت‌ها را دربرمی‌گیرد، با زمین فاصله گرفت. این امر، همچنین موجب حفظ دید مستقیم ناظرین به دریا می‌گردد.

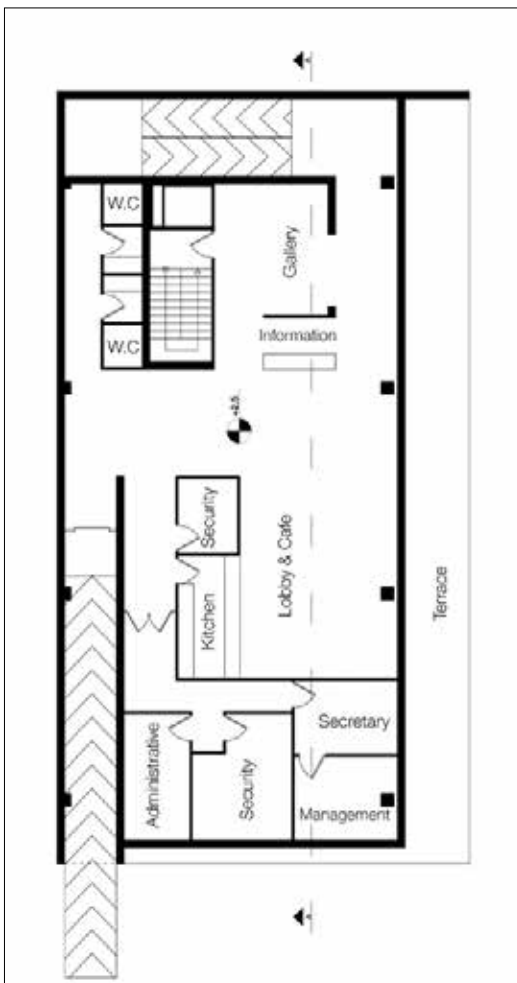
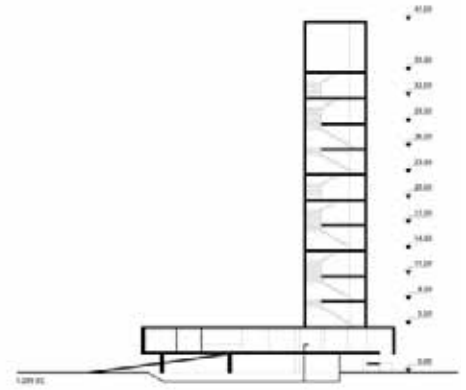




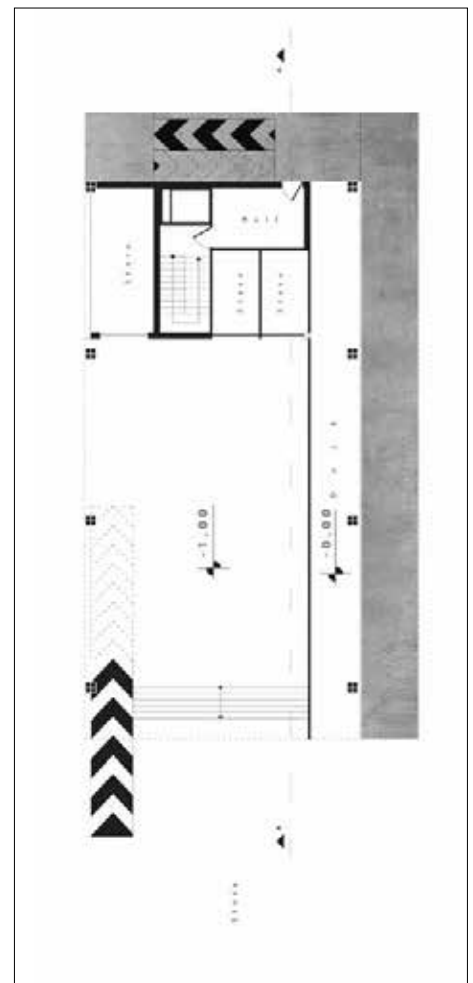
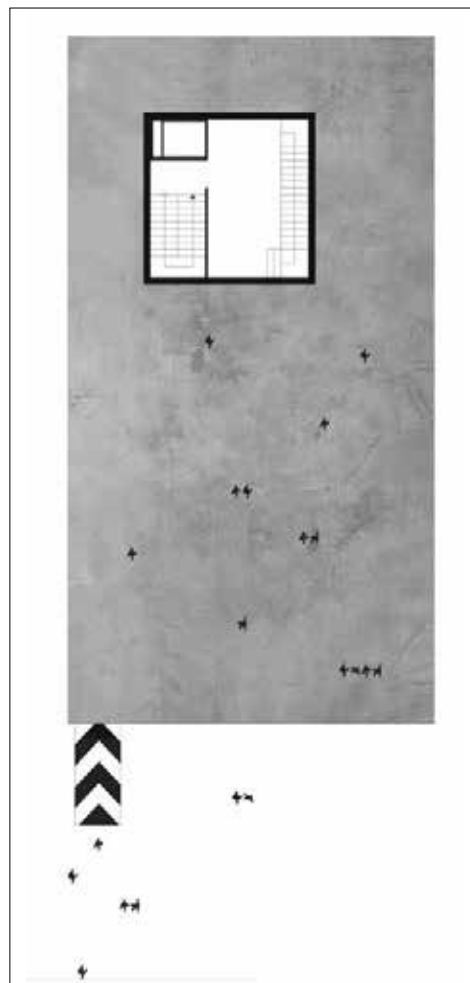
Connection to the city program



lift up building to avoid interference with pedestrian path



پلان طبقه اول



پلان طبقه ی همکف

ساختمان آموزشی-کارگاهی مؤسسه‌ی آموزش عالی پیام

طراحان: مهدی علیرضایی و سمیه ابراهیمی

سه‌بعدی: دفتر طراحی کار
 نظارت عالی: مهدی علیرضایی
 نقشه‌های اجرایی: دفتر طراحی کاز، سودابه مددی
 سازه: طه تیموری
 تأسیسات مکانیکی: رامین تابان
 تأسیسات الکتریکی: یوسفی اجرایی
 کترین وال و کامپوزیت: پویا عزیزنژاد
 اجرای در و پنجره: چپانه
 اجرای بخش فلزی سازه و پله: هارونی
 اجرای اسکلت بتونی: محمدرضا مجیدی
 مشاور عالی انرژی بادی و خورشیدی: عظیم سلیمی
 کارفرما: دکتر ابراهیم ابراهیمی؛ ریاست مؤسسه
 محل پروژه: گلپایگان، کیلومتر ۲ جاده‌ی خمین، مؤسسه‌ی
 آموزش عالی پیام
 مساحت سایت پروژه: ۲۰,۰۰۰ مترمربع
 مساحت زیربنا: ۱,۶۰۰ مترمربع
 تاریخ شروع پروژه: تابستان ۱۳۹۲
 تاریخ اتمام پروژه: تابستان ۱۳۹۴
 کاربری بنا: آموزشی (آموزش عالی)
 سازه: اسکلت بتونی و سقف تیرچه و بلوک
 تأسیسات سرمایشی و گرمایشی: زنت

پست الکترونیک: kaaz.design.office@gmail.com

سایت: www.kaazarchitects.com

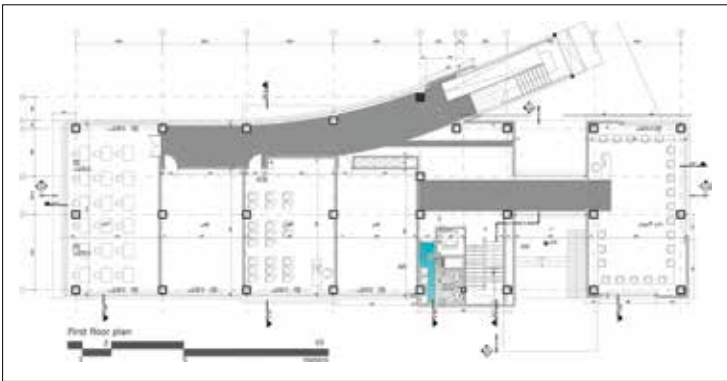
با کارگیری توربین بادی در بام (حداکثر ظرفیت ۵ توربین ۱ تا ۴ کیلووات) و صفحات الکتریکی انرژی خورشیدی (حداکثر ظرفیت ۱۰۰ مترمربع) این بنا در یک سایت ۲۰,۰۰۰ مترمربعی و به دلیل کمبود فضاهای آموزشی و کارگاهی، احداث گردید. ساختمان اولیه در منتهی‌الیه شمال شرقی و بنای جدید در نقطه‌ی مقابل آن بنا، در ضلع جنوب غربی، مکان‌یابی شد تا امکان ساخت‌وسازها در آینده نیز به راحتی امکان‌پذیر باشد. جهتگیری این بنا و بنای قدیمی موجود در سایت، همسو انتخاب گردید، با این تفاوت که در تقابل با جهتگیری به سمت شرق بنای شمالی، حجم این بنا با یک دیوار مایل به سوی غرب و در توازن با حجم شمالی طراحی شد. ایجاد مکعب‌هایی به رنگ فیروزه‌ای نیز پاسخی است به طراحی بنای موجود شمالی، با این تفاوت که این مکعب‌ها با بالا و پایین و پیش و پس رفتن و پر و خالی شدن، حالتی پویاتر به حجم بنا بخشیده‌اند.

براساس اقلیم منطقه و وزش بادهای شدید، ایده‌ی استفاده از بام بنا به عنوان محل اتصال توربین‌های بادی شکل گرفت و بعد از جلسات بسیار و موافقت ریاست مؤسسه، پروفیل شدت وزش بادهای منطقه، براساس بادسنج نصب شده بر بام بنای موجود شمالی طی شش ماه گرفته و سفارش خرید یک توربین بادی مناسب از پنج توربین موجود، به همراه تجهیزات مورد نیاز داده شد که می‌بایست در ترکیب با پنل‌های خورشیدی، در آینده این بنا را به یک بنای با مصرف انرژی صفر تبدیل نماید.

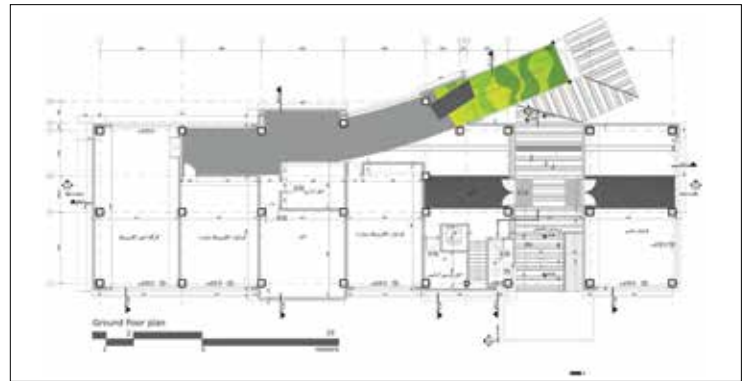
نحوه‌ی شکل‌گیری حجم و جدا شدن تدریجی و چرخش بخشی از بنا نیز پاسخی است به همان بادهای شدید شمال غربی-جنوب شرقی سایت و جلوگیری از تبدیل شدن کریدور میانی حجم به تونل باد. کریدور میانی نیز در امتداد پیاده‌راه شمالی-جنوبی از میان حجم گذشته و با این شیوه، ارتباط شمالی-جنوبی سایت قطع نشده و مسیر پیاده، طبق نقشه‌های طرح جامع سایت برقرار می‌ماند. در نمای شمالی بنا نیز، بخش چرخانده شده که بخش اصلی ارتباط عمودی طبقات در قالب رمپ و پله در آن قرار دارد، تدریجاً شفاف شده و به یک سازه‌ی نمایان با شیبی درست مانند شیب دیواره‌ی ضلع غربی حجم بنا و در تقابل با آن ختم می‌شود.

حجم کل بنا از ایده‌ی امتداد یافتن یک حرکت نواری شکل - که از یک سوی حجم آغاز می‌شود و دور بنا چرخیده و طبقه به طبقه پنجره‌ها را دور زده و در سراسر حجم امتداد می‌یابد و در نهایت در بالاترین نقطه‌ی نمای شمالی و در همان بخش چرخیده در مقابل باد با ایجاد یک خط آسمان متنوع خاتمه می‌یابد - تشکیل شده است. شیشه‌های رنگی مات و شفاف مورد استفاده در بنا، در عین اشاره به فراموشی استفاده از اینگونه شیشه‌ها در معماری پیشینیان ما، در بعضی نقاط با پوشاندن امتداد ستون‌ها و در نقاطی دیگر با ایجاد تنوع در دید منظرهای سراسری بنا، به کمک طراح آمدند. ایده‌ی طیف رنگی از تیره به روشن بنا نیز، با هدف محو شدن تدریجی بنا در آسمان و ایجاد دیدی عمودی در کنار کشیدگی افقی و امتداد عمودی مکعب‌های فیروزه‌ای در طراحی بنا قرار گرفت. راه‌پله‌ی فرعی جنوبی و انبار کارگاه‌ها، یکی به دلیل تابش شدید آفتاب و دیگری دلایل حفاظتی و با الهام از کبوترخانه‌های موجود در منطقه، با بهره بردن از بازی نور و سایه‌ی ایجاد شده توسط شیشه‌های موجدار، به صورت مجوف طراحی شدند.

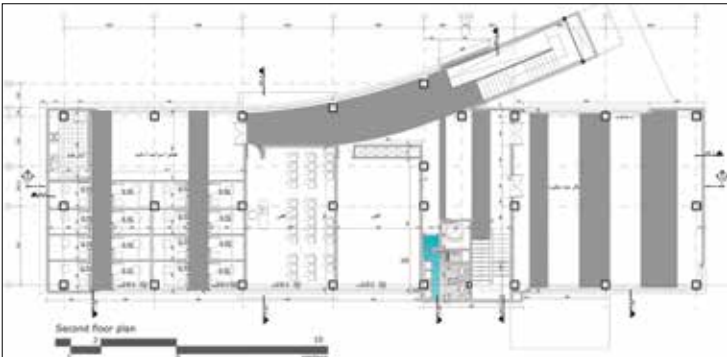
در طراحی داخلی هر طبقه، در جهت تمایز یافتن در عین هماهنگی هر بخش، رنگ‌ها و جزئیات و نورپردازی متفاوتی به کار گرفته شد؛ به عنوان مثال در طبقه‌ی همکف که به کارگاه‌های برق و الکترونیک اختصاص یافته، از رنگ استاندارد برق، زرد کاترپیلار به همراه روشنایی‌های دارای یکنواخت کننده‌ی نور مربع‌شکل، به همراه درهایی با شیشه‌های بازدید مربع شکل بهره برده شد و در طبقه‌ی بعدی، از رنگ سبز روشن، در هماهنگی با شیشه‌های رنگی مورد استفاده، به همراه امتداد طولی نقاط نوری به همراه درهایی با پنجره‌ی بازدید عمودی بهره گرفته شد. در طبقه‌ی آخر نیز، از رنگ فیروزه‌ای هماهنگ با آخرین رنگ مورد استفاده، به همراه جزئیات متفاوت درها بهره گرفته شد. در شکل‌دهی دیوارها و سقف سالن چندمنظوره‌ی طبقه‌ی آخر نیز، ایده‌ی پلکانی مایل در جهت کاهش بازتاب صوت و رنگ آمیزی طیف طوسی نیز در جهت هماهنگی با حجم بنا و کاهش نور تأثیرگذار بودند. در انتها می‌بایست به چالش دائمی طراحان و مدیریت، با تنگناهای مالی و بودجه‌ی بسیار محدود ساخت و تلاش هر دو در حفظ معماری بنا، در عین حفظ سقف بودجه‌ی طرح، آن هم با شدیداً توری موجود در زمان ساخت اشاره نماییم.



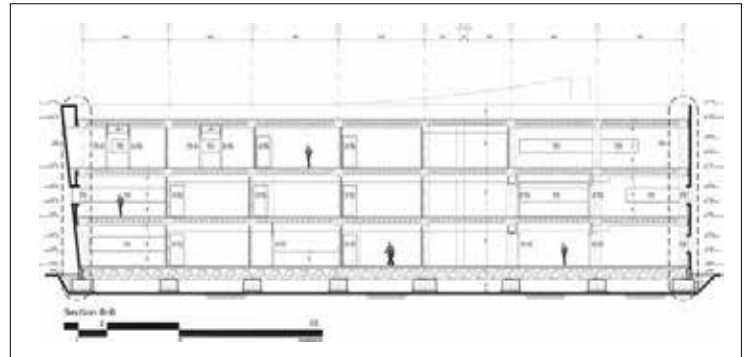
پلان طبقه اول



پلان طبقه همکف



پلان طبقه دوم



مقطع B-B

مرکز تجارت ساختمان گیلان

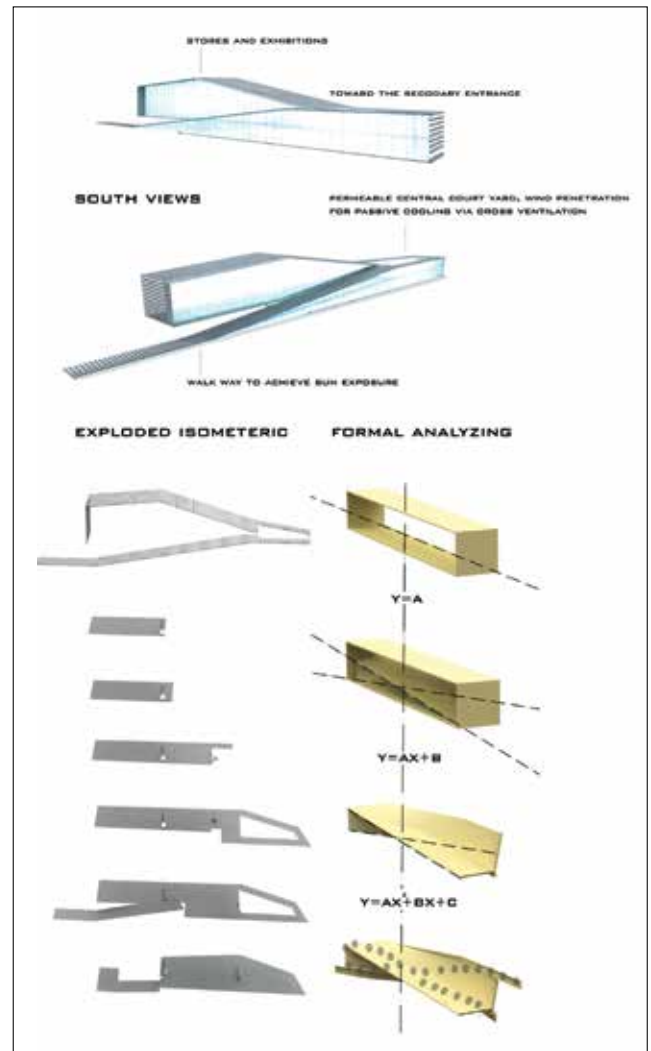
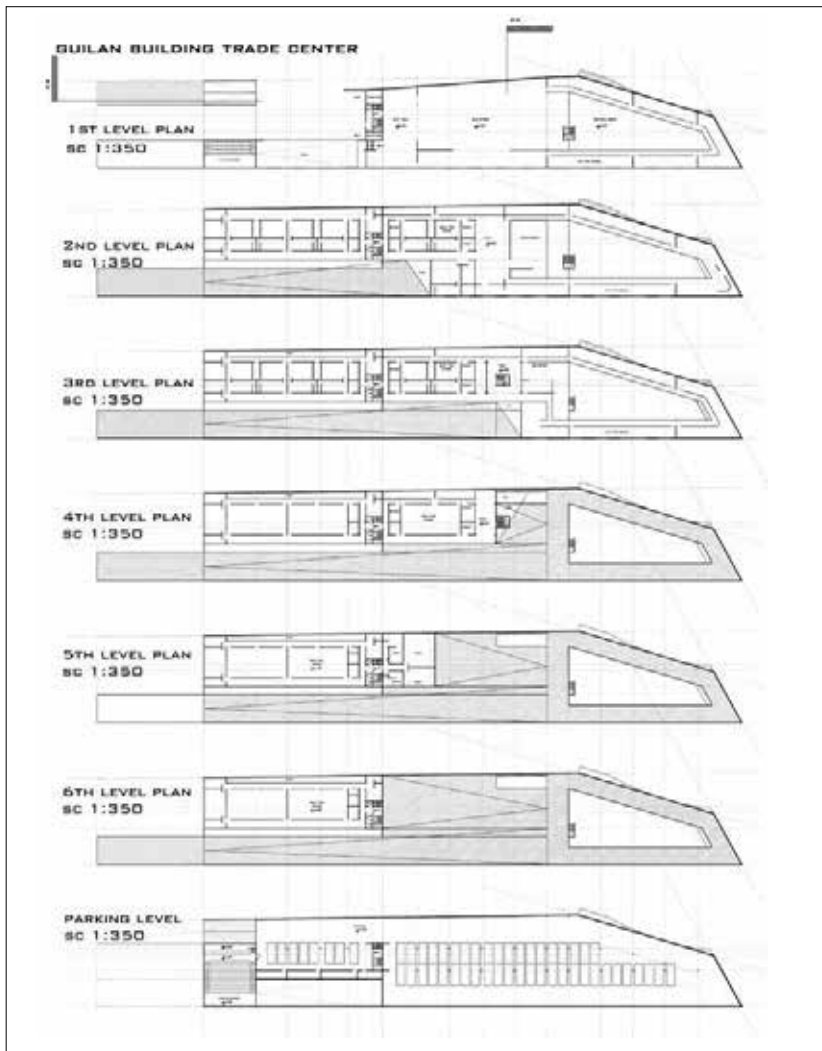
طراح: نظام‌الدین عبری روزبهانی

همکاران طراحی: سامان سماواتی، جیران دبیر،
فروش سماواتی، پرستو اسکندری، مریم ایلداری
شرکت طراحی: دفتر معماری روزبهانی و همکاران (RA²)
محل پروژه: گیلان، رشت
مساحت زیربنا: ۱۶,۰۰۰ مترمربع
تاریخ اجرا: ۱۳۹۴

پست الکترونیک: nezam.roozbahani@gmail.com

معماری به عنوان یکی از مهم‌ترین زیرسیستم‌های محیطی، همواره در یک ارتباط دو سویه با آن قرار دارد؛ بدین معنی که ساختار فرمال و فضایی معماری از یک سو، متأثر از زمینه و بستر شکل‌گیری خود بوده و از سوی دیگر بر آن تأثیرگذار است. شناخت این تأثیر و تأثر، خصوصاً در بافت‌های در حال توسعه‌ی شهر (همانند سایت این پروژه) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، زیرا که حفظ، تداوم و ارتقای کیفیات معماری بومی هر منطقه‌ای، ضمن در نظر گرفتن ملاحظات زمانی، در گروی درک این مسئله می‌باشد. در پروژه‌ی مرکز تجارت ساختمان گیلان، بنا به عنوان یک نماد بومی دارای عملکرد، ماتریسی از برنامه و اتفاقات را پیشنهاد می‌نماید که از سازماندهی غیرخطی توده (پُر) و متخلخل فضا (خالی) حاصل گردیده، بنابراین ساختار فرمال و فضایی آن به گونه‌ای شکل گرفته است که علاوه بر تأمین برنامه‌ی فیزیکی درخواستی، تشخیص فرمی داشته و تجربه‌ی فضایی متفاوتی را برای مخاطبین خود فراهم آورد. به‌طور کلی ایده‌های طراحی این پروژه در سه مقیاس قابل تقسیم است: مقیاس محلی (که در اینجا از آن به ایده در سطح شهر یاد شده است)، مقیاس سایت پروژه (که منظور از آن، نحوه‌ی تصمیم‌گیری در خصوص کلیات فرمی و روابط کلان فضایی است) و مقیاس ساختمان (که به فضاهای داخلی، سیرکولاسیون، چیدمان و مفصل‌بندی فضاها می‌پردازد). در ادامه به بررسی ایده‌های طراحی پرداخته شده است:

- **نفوذ شهر در معماری بنا؛ معماری به مثابه خلیج شهری:** با هدف ایجاد ارتباط هرچه بیشتر پروژه با بدنه‌ی شهری و مردم، لکه‌های اولیه به گونه‌ای طراحی گردید که نفوذ شهر در پروژه را ممکن سازد. به عبارت دیگر، سازماندهی فرمال و فضایی پروژه (هم در سطح و هم در ارتفاع) به نحوی انجام شده است که امکان حضور مخاطبین را افزایش داده و علاوه بر عملکردهای تعریف شده‌ی متداول آن، به ارائه‌ی خدمات شهری کنترل شده (بسته) و یا باز، بپردازد. به این ترتیب، با افزایش حضور مردم در پروژه، ساختمان، خود را از مقیاس معماری به مقیاس محلی و یا حتی منطقه‌ای می‌رساند.
- **فرم بومی معاصر؛ مرکز تجاری به مثابه نماد شهری:** ایده‌های طراحی ساختار فرمال و کالبدی پروژه، با هدف ایجاد یک اثر معماری شاخص و درعین حال مانوس، به نحوی پردازش شده است که فرم و کالبد نهایی حاصله، به عنوان یک نشانه‌ی شهری بر ذهن مخاطبین تأثیرگذار باشد. این فرم از تحلیل ساختار کالبدی غالب در معماری بومی شمال ایران، متناسب با هندسه‌ی سایت و برنامه‌ی پروژه حاصل شده که از طریق تکنیک سطوح ممتد در یک کلیت کالبدی، پدیدار شده است و کمک می‌کند تا بنای مطروحه، از یک ساختمان عملکردگرای صرف به یک منظر شهری بدل گردد.
- **سطح به مثابه حجم؛ ساختمان به مثابه پلازا، معماری زمین‌ساز:** پروژه‌ی پیشنهادی از درون زمین آغاز می‌شود و تا ارتفاع معینی رشد می‌کند و به این ترتیب، خود را به بخشی از سایت بدل می‌کند، به شکلی که علاوه بر تأمین زیربنای مورد نیاز، مجدداً به اندازه‌ی مساحت سایت، فضای روباز قابل استفاده خواهیم داشت. این درحالی است که با اختصاص دادن بخش وسیعی از پوسته‌ی بیرونی بنا به فضای عمومی، بازی با سطوح و ایجاد مسیر پیاده‌ی ممتد، علاوه بر تقویت ایده‌ی مطروحه، درجه‌ای از انعطاف فضایی پدید می‌آید که از طریق آن، فضاها، دسترسی‌ها و پرسپکتیوهای مختلفی از ساختمان برای استفاده‌ی مخاطبین فراهم می‌گردد.
- **استراتژی‌های پایداری:** با توجه به اقلیم منطقه، امکان تهویه‌ی دوطرفه (کوران)، مهاجرت‌های روزانه میان فضاهای باز و بسته و امتداد پوسته‌های سبز بر سطوح مختلف ساختمان، به عنوان مهم‌ترین استراتژی‌های غیرفعال در تأمین پایداری محیطی مد نظر قرار گرفتند. در این راستا، ساختمانی کم‌عرض با بازشوهای متعدد، بام‌های سبز پیوسته و تخلخل‌های کالبدی در دستور کار طراحی این پروژه قرار گرفته است.



آپارتمان مسکونی کلوان شماره ۴

طراح: شورش عابد

همکار طراحی: حسام سعیدی کیا
سازه: هیرش شمس برهان، حسین محمدی
گرافیک و پرزانت: حسام سعیدی کیا
عکاس: سولماز آرشها
کارفرما: علی مام عبدالله
محل پروژه: آذربایجان غربی، بوکان، خیابان شهید فهمیده
متراژ زمین: ۲۵۲ مترمربع
سطح زیربنا: ۱۶۰۰ مترمربع
تاریخ اجرا: بهمن ۱۳۹۲ تا مرداد ۱۳۹۴
کاربری بنا: مجتمع مسکونی شش طبقه با دو واحد مسکونی در طبقات اول تا چهارم، هر یک به مساحت ۱۱۶ مترمربع و در دو طبقه دیگر، دو واحد مسکونی به متراژ ۱۸۰ مترمربع
سازه: اسکلت بتنی با قاب صلب خمشی
تأسیسات مکانیکی حرارتی و برودتی: پکیج‌های دیواری و رادیاتور، کولر گازی و همچنین به ازای هر واحد مسکونی، یک منبع آب و پمپ مخصوص که در پارکینگ مجموعه جامه‌ای شده است. سیستم فاضلاب هم به صورت فول ونت با فن‌های برقی در بالای هر داکت در پشت‌بام اجرا شده است.
تأسیسات الکتریکی: استفاده از لوله‌های پی.وی.سی نسوز برای محافظت سیم‌ها جهت ایمنی بیشتر
پست الکترونیک: shorshabed@gmail.com

در ادامه‌ی کارهای قبلی خودمان و بر مبنای همان تجربه‌ها، دغدغه‌ی اصلی ما کردستان بود. بخشی از کردستان برای ما در سنگ معنا پیدا می‌کند. از قدیم مردم همان چیزی را که دم دستشان بود، برمی‌داشتند، با آنها سرپناه می‌ساختند و در اینجا چه چیزی بهتر و بیشتر از سنگ. ما نیز بر همین اساس، سنگ را دوباره تجربه کردیم. با کمک بومی‌های روستای اطراف به نام سردکوهستان، سنگ‌ها را از خود آنجا جمع‌آوری کردیم. اهالی آن منطقه، براساس حس ناسیونالیستی‌ای که داشتند، معتقد بودند که این بهترین سنگ است، اما ما به دنبال بهترین و زیباترین نبودیم و هدفمان بیشترین و دم‌دست‌ترین سنگ بود؛ چیزی که برای خودمان باشد.

غیر از سنگ، رنگ هم در کردستان مهم است. «شادی» بخش لاینفک زندگی مردم کردستان است و رقص محلی با لباس‌های رنگی زنان گُرد، عمری چند صد ساله دارد. بر همین اساس، کنسول‌های پروژه را بهانه‌ای برای جاری کردن رنگ کردیم؛ هر کنسول یک رنگ متفاوت: نارنجی، بنفش، سفید، آبی، زرد، طوسی و سبز. در این پروژه ما به دنبال زیباترین نبودیم، بلکه در جست‌وجوی چیزی بودیم که برخاسته از کردستان باشد: جغرافیای کردستان با مردمانش.

نوآوری‌ها و مزایای پروژه:

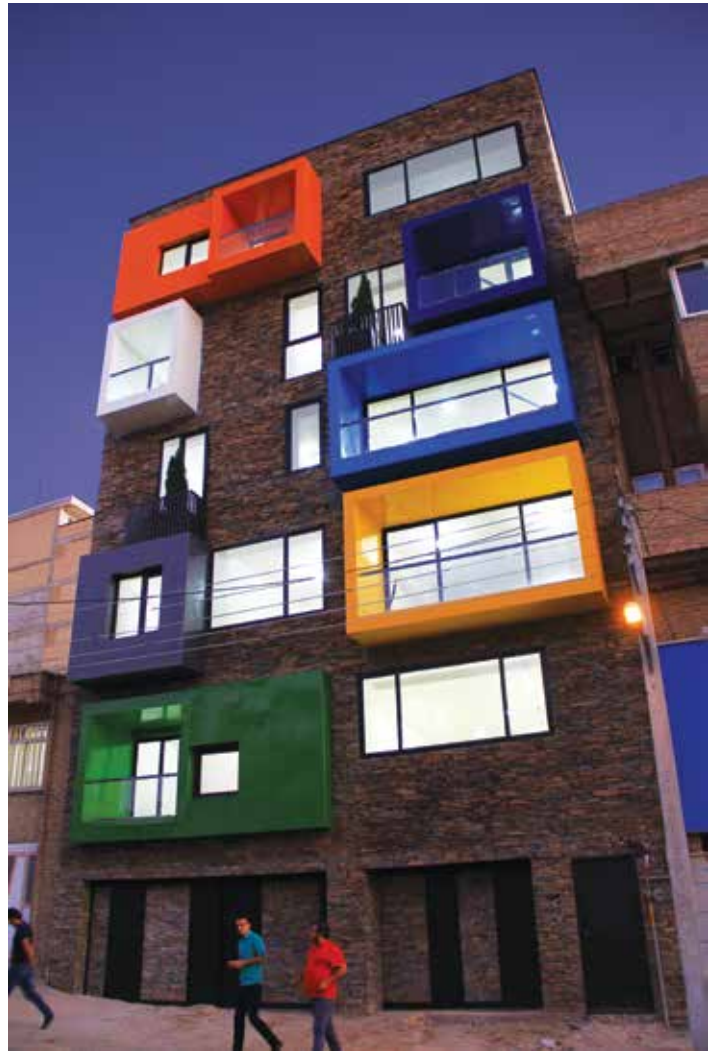
برای ما بومی بودن پروژه، هم در فرم و هم در روش، مدنظر بود. در شهرستان بوکان، پس از آنکه صنعت فرش در اواخر دهه‌ی هفتاد شمسی تماماً از بین رفت، نوبت به صنعت دوم آن، یعنی کارگاه‌های بزرگ اتاق‌سازی ماشین‌های باری رسید. اکنون چند سالی است که دیگر خبری از ماشین‌های باری‌ای که از کل کشور به بوکان می‌آمدند هم نیست. این کارگاه‌ها یکی پس از دیگری همان راهی را می‌روند که بیست سال قبل فرش‌های پرنفش و نگار رفتند.

ما با استفاده از همان نیروها و روش اتاق‌سازی، دست به اجرای جداره‌ی بیرونی پروژه زدیم. در همه‌ی کنسول‌های رنگی پروژه، از ورق ۳ میلی‌متری کاربردی در این صنعت استفاده شده است. ایده‌ی گروه طراحی، اجرای این قسمت‌ها در محل بود، ولی تیم اجرا ساخت این قطعات در کارگاهشان و حمل و نصب آن با جرثقیل را پیشنهاد دادند که در نهایت هم همین روند سپری شد. در ساخت پله‌ی واحد دوبلکس نیز از همین روش استفاده شده است؛ در خود کارگاه و به صورت یک تکه، بدون برش و جوش، تنها به وسیله‌ی خم‌کاری. در مرحله‌ی رنگ‌آمیزی هم همین روش را ادامه دادیم؛ استفاده از نقاش اتاق ماشین‌های بزرگ به جای نقاش ساختمان.

این قضیه برای ما حاوی حس نوستالژیک بود، چرا که افراد برای اولین بار دانش خود را در زمینه‌ی ساختمانی به کار می‌بردند و ما نیز برای اولین بار بود که به جای سنگ‌کار و نقاش ساختمانی، اتاق‌ساز، صافکار و نقاش ماشین را بر بالای داربست پروژه‌ییمان می‌دیدیم. در انتخاب رنگ‌ها نیز از رنگ مخصوص ماشین استفاده شده و همه‌ی مراحل آن به صافکاری بدنه‌ی ماشین شباهت داشت. بکارگیری بتونه‌ی سنگی به جای بتونه‌ی روغنی، آستر فوری و رنگ بیست‌ویک کارخانه‌ی مهار در ساختمان نیز، برای ما و تیم اجرا، تجربه‌ای متفاوت را رقم زد.

در قسمت‌های سنگی هم مسئله‌ی «توجه به زمینه و کانتکست» برای ما در اولویت بود. سنگ‌ها از یکی از روستاهای اطراف، توسط خود اهالی روستا از کوه کنده شد. خود افراد محل می‌گفتند که فکر نمی‌کردیم این سنگ‌ها در جایی مصرف داشته باشد. برای بعضی از اهالی روستا هم این پروژه یک منبع درآمد محسوب می‌شد که ما امیدواریم این قضیه در آینده نیز ادامه پیدا کرده و بتواند کمکی برای اهالی روستای سردکوهستان باشد. برای ما مهم بود که این پروژه، ساختمانی مربوط به شهرستان بوکان باشد - ترکیبی از صنعتی رو به زوال و جغرافیای روستاهای پیرامون آن.





طرح ساختمان نظام مهندسی شهرستان بوکان

طراح: شورش عابد

تعریف پروژه براساس دو مقیاس خرد و کلان و دستیابی به دو توده‌ی مشخص بر همین مبنا است که در هم ادغام می‌شوند:

الف. توده‌ی تکنولوژی: نماد

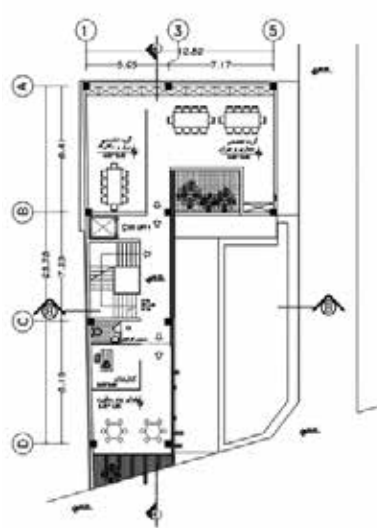
در مقیاس کلان، اینجا محل فعالیت بخشی از جامعه است که می‌خواهند نظام‌مند بسازند و در پی اثرگذاری بر ساخت‌وسازهای شهری می‌باشند. بنابراین بنا باید اثرگذار باشد، چرا که خودش نماد ساختن نظام‌مند خواهد بود و استفاده از مصالح نوین با جزئیات خاص و تمیز بر مبنای مهندسی روز، در آن واجد اهمیت است. مجموعه باید نماد دانش نوین در امر ساختن باشد، از این رو ما بتن اکسپوز و شیشه را پیشنهاد می‌دهیم.

ب. توده‌ی تاریخ: الگو

در مقیاس خرد، آنچه اهمیت دارد زمینه‌ی پروژه است، یعنی شهری کوچک در دل کوهستان. اینجا به هر طرف نگاه کنی، در پس‌زمینه‌ی همه‌ی فعالیت‌های شهری، کوه می‌بینی. در کوهستان، معماری از قدیم، حول محور سنگ شکل گرفته، چرا که کوهستان هم سنگ است و هم تاریخ. تاریخ ما در لابه‌لای سنگ‌ها جریان دارد. بنا باید الگویی برای ساخت‌وساز پیرامون باشد، به همین دلیل ما سنگ را پیشنهاد می‌دهیم.

این دو توده در هم ادغام می‌شوند، بنابراین در فاصله‌ی چند متری از همدیگر در شمال و غرب سایت، برای بهره‌گیری از نور صبحگاهی شرقی و نور جنوبی (خصوصاً در زمستان) استقرار یافته‌اند. در حد فاصل این دو توده، فضای بینابین نیمه‌شفافی قرار می‌گیرد که دسترسی مجموعه را به طبقات فراهم کرده است، همچنین در طبقات سوم و چهارم، با نفوذ در توده‌ی سنگی، حفره‌ای در لابه‌لای سنگ‌ها ایجاد می‌شود، که هم مکانی برای تأمل کارکنان در لابلای کار روزانه است و هم یادمانی از حفره‌های موجود در معماری منطقه. در نهایت نیز چند قطعه سنگ در حیاط مجموعه قرار دادیم؛ چرا که اینجا سنگ، یعنی همه چیز.





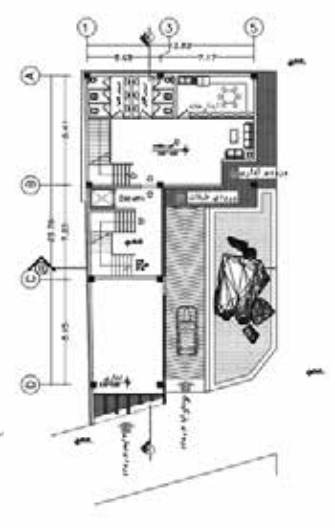
پلان طبقه سوم



پلان طبقه دوم



پلان طبقه اول



پلان طبقه همکف

طرح بیمارستان چشم نیایش

طراح: عبدالرضا ذکایی

طراح: عبدالرضا ذکایی
کنترل پروژه و رایانه: عیسی ذکایی
کارفرما: گروه چشم پزشکان نیایش
محل پروژه: تهران، گوشه شمالی پارک عمومی و در
امتداد بزرگراه نیایش-آبشناسان
مساحت زمین: ۴۰۰۰ مترمربع
سطح زیربنای پروژه: ۲۵۰۰۰ مترمربع
تاریخ اجرا: ۱۳۹۳

پست الکترونیک: abdolrezazokaei@gmail.com

سایت: www.polmir.com

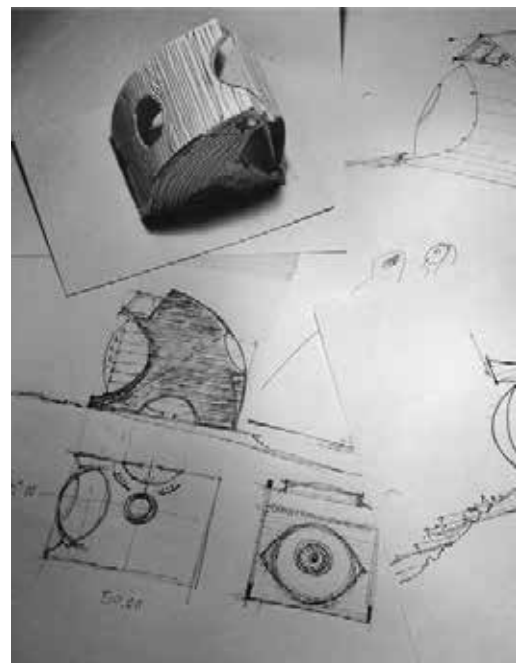
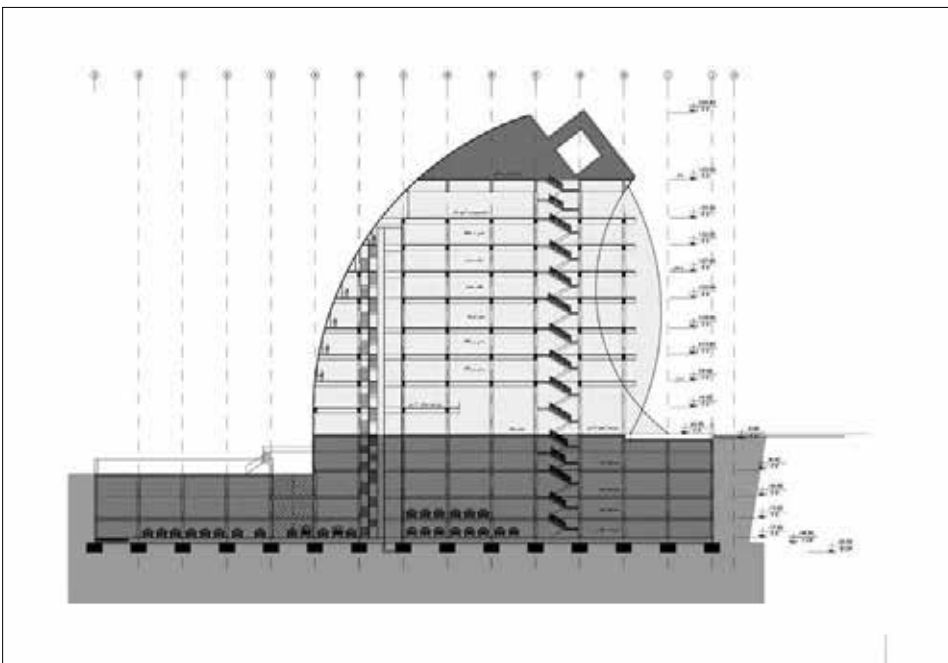
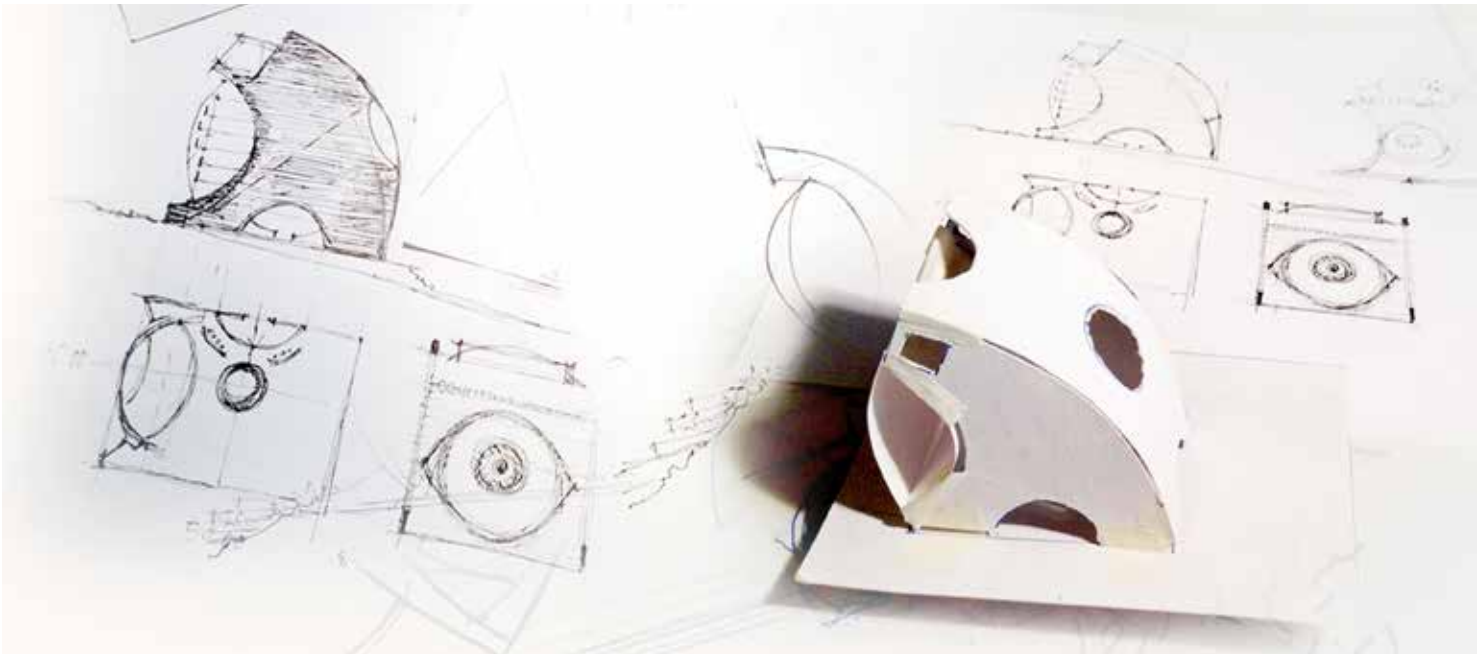
محل پروژه در گوشه شمالی پارک عمومی، در امتداد بزرگراه آبشناسان می‌باشد، لذا توجه نگاه از چهار طرف به حجم بیمارستان چشم میسر است. با توجه به اینکه طراح اعتقاد دارد، فضای پیرامون هر بنایی جزئی از معماری آن بنا می‌باشد و این دو متأثر از یکدیگر هستند، بنابراین با این خصوصیات طرح، تلاش شده تا بنایی با حجم چشم طراحی شود. بتن اطراف بنا تداعی پلک چشم و بخش شیشه‌ای سه‌وجهی آن، که به شکل نیم‌قوس می‌باشد، سایر اجزای چشم را به مشاهده می‌گذارد.

کاربری‌های مجموعه:

هشت طبقه روی همکف، با زیربنای ۱۱ هزار مترمربع
طبقه همکف و نیم طبقه شامل لابی و سرسرای اصلی، درمانگاه اورژانس و قلب، آزمایشگاه و بخش‌های اداری طبقه اول، دوم و ششم شامل ۳۰ درمانگاه عمومی و تخصصی
طبقه سوم شامل اتاق عمل سرپایی، لاک، لیزرهای شبکیه و بخش VIP
طبقه چهارم و پنجم شامل ۶۰ بخش بستری
طبقه هفتم شامل سالن کنفرانس، کتابخانه و مدیریت عالی بیمارستان
بام بیمارستان، ویژه‌ی پاییون پزشکان
چهار طبقه زیرزمین با زیربنای ۱۴ هزار مترمربع
طبقه زیرین همکف که بخش جنوبی آن، با توجه به شیب زمین، دارای نور کافی می‌باشد، شامل ۱۲ اتاق عمل، رادیولوژی و سالن غذاخوری
طبقات زیرزمین دوم تا چهارم، شامل پارکینگ با گنجایش ۱۴۸ خودرو و تأسیسات بیمارستانی

از مهم‌ترین ویژگی‌های طرح می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- امکان ارائه خدمات پزشکی به ناحیه غرب تهران (با توجه به فقدان مرکز چشم‌پزشکی در غرب تهران، علی‌رغم توسعه کمی این منطقه در حال حاضر و آینده)
- طراحی بدیع و منحصر به فرد (معماری و عملکردی)
- پیش‌بینی طرح توسعه‌ی آتی (امکان انجام دویست عمل جراحی داخل چشمی و دویست عمل جراحی سرپایی در روز (لیزیک و تزیقات)



میدان هفت باغ علوی کرمان (مجموعه‌ی میدان آسمان اول)

تیم طراحی: گروه معماری صباغ و همکاران

در طرح مجموعه‌ی میدان آسمان اول، موارد زیر مورد نظر بوده‌اند که به عنوان مبانی و اصول، مورد توجه قرار گرفته‌اند. توجه کالبدی به معماری ایرانی از طریق توجه به مفاهیم زیر:

۱- سلسله‌مراتب عملکردی فضایی

۲- توجه به مفهوم باغ ایرانی

۳- توجه به مفهوم گودال‌باغچه

۴- استفاده از محور تقارن، آب و فضای سبز

۵- استفاده از مفهوم کوشک و چهارطاقی

۶- اهمیت عناصر محیطی و اقلیمی و شاخص‌های معماری شهر

سلسله‌مراتب فضایی در باغ ایرانی: همان‌طور که عرفا برای طی طریق عرفان مراتبی قائل هستند و از قول شیخ عطار نقل شده که «هفت وادی در ره است»، این مفاهیم، زمینه‌ی مناسبی جهت ارتباط ذهنی و فضایی مخلوقات است. هفت وادی عرفان به تعریف شیخ عطار عبارتند از: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا. تأثیرگیری از این هفت وادی در تمام هنرها صورت پذیرفته است؛ هم در شعر و موسیقی و هم در معماری دینی این سرزمین. همان‌طور که عرفا مراتبی را جهت سلوک قائلند که با طلب آغاز می‌شود و با فقر و فنا پایان می‌پذیرد، این سلسله‌مراتب در وادی معماری می‌تواند به فضاهای عملکردی اطلاق شود. در معماری مساجد این فضاها کاملاً قابل درک و انطباق هستند. فضاهایی مثل جلوخان، دروازه، هشتی، دالان، صحن، گنبدخانه و محراب قابل تطبیق با هفت وادی عرفان می‌باشند. ترکیب هر فضا با سلسله‌مراتب خود و نحوه‌ی وصل آن به فضای عمومی جاری، تنظیم زندگی آن است. از دید معماری، هر عملکردی می‌تواند مبانی خود را داشته باشد و در ترکیب‌بندی، با تنظیماتی به فضای شهری متصل گردد. این سلسله‌مراتب به لحاظ ذهنی، حضور مخاطب را رنگ و بوی ایرانی می‌دهد و آمادگی ذهنی او را برای حضور و حس نقاط عطف پروژه به معنای واقعی برمی‌انگیزد.

در این پروژه، ضمن تأکید بر فناوری امروزی و استفاده از مصالح روز دنیا به لحاظ کالبدی، حفظ اصول و مبانی معماری ایرانی با استخراج جوهر آن از مفاهیم معماری، به ویژه مفهوم سلسله‌مراتب، در دستور کار قرار گرفته است. نحوه‌ی ورود به فضاها، تأکید بر استفاده از فضاهای باز و نیمه‌باز و تلطیف کاربری‌های مجاور و استفاده از نقطه‌ی عطف و محور تقارن جهت تقویت حس وحدت و جهت‌یابی، مخاطب را کاملاً در مقیاس فضا قرار می‌دهد. تعریف نوین فضا با تأکید بر شفافیت و امتزاج فضای بیرونی و داخلی در طراحی مجموعه مورد نظر قرار گرفته است. از مفهوم کوشک، جهت ایجاد نقطه‌ی عطف استفاده شده و در خلق المان‌ها و تزئینات نیز، سعی شده از مفاهیم معنوی تزئینات ایرانی در ترکیبات مدرن استفاده شود. از کاربردی‌های بناهای ایرانی، گنبد گنجعلی‌خان و کاربردی‌های گنجعلی‌خان و همچنین در خلق هندسه‌ی باغ‌های ایرانی، به ویژه باغ ماهان، به صورت مفهومی استفاده شده است. در حیات تجاری، ضمن استفاده از مفاهیم گودال‌باغچه و ترکیب آن با فضای میدان، از تزئینات خاصی جهت هویت‌بخشی به فضاها استفاده گردیده است. فضاهای سبز و آبناها یادآور آرامش حیاتها و لطافت باغسازی ایرانی هستند.

در مکان‌یابی کاربری‌ها، محیط اقامتی با فیلتر احجام میانی، کاملاً از محیط شهری فاصله گرفته است و با جهتگیری به سمت باغ‌های ارزشمند اطراف، دید و منظر زیبا و محیطی آرام و دنج را معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، تأکید بر شرایط فوق، در شکل‌گیری و جهتگیری واحدهای اقامتی مؤثر بوده است. فلسفه‌ی باغ ایرانی مبتنی بر جریان آب، ردیف درختان و محور تقارن می‌باشد، به ویژه عمارت سردر و عمارت کوشک یا چهارطاقی که در انتهای محور قرار گرفته است، به نوعی نمایانگر نقطه‌ی عطف باغ ایرانی و مفهوم غایی آن است. باغ ایرانی تصویری از بهشت است که در زمین عرضه می‌گردد، پس این تصویر قابل فهم برای مخاطب می‌باشد و استاد به آن می‌تواند مفاهیم والایی را به فضا بیفزاید.

محل پروژه: کرمان، محور گردشگری هفت باغ علوی
سطح زیربنا: ۱۰ هکتار
تاریخ اجرا: ۱۳۹۳

پست الکترونیک: hosseinsabagh_irrey@yahoo.com

مرتضیت بیختر انبلیس کرمان

استان کرمان در جنوب شرقی فلات مرکزی و بین 25 درجه و 55 دقیقه تا 26 درجه و 29 دقیقه طول شرقی و 29 درجه و 55 دقیقه تا 32 درجه عرض شمالی قرار دارد. این استان از شمال به استان های خراسان جنوبی و استان یزد، از شرق به استان سیستان و بلوچستان، از غرب به استان آستان فارس و از جنوب به استان هرمزگان محدود می شود.



میدان شجری خان

میدان شجره خان نظیر میدان نقش جهان اصفهان و میدان میر چخماق یزد است. پیرامون خود بعضی از عناصر شهری را به وجود آورده است. به طوری که در سه ضلع آن بازار قرار دارد و در ضلع دیگرش مدرسه شجره خان بنا شده است. وجود صفا، آفتاب، حوض آبگانه و هموار کردن با باغها و چهارسوق این مجموعه به هر تنه، را تکمیل کرده است. طول میدان حدوداً 100 متر و عرض آن 54 متر است و 5386 مترمربع مساحت دارد.



اراسگاد شاه نعت الله ولی

اراسگاد یا آستانه شاه نعت الله ولی در 30 کیلومتری جنوب شرقی شهر کرمان در شهر ماهان واقع شده است. بنای آستانه متعلق به نیمه اول قرن نهم هجری قمری می باشد. قدیمی ترین قسمت آستانه گنبدی است که در حواله شاه فرزند آستانه شاهکار است از هنر معماری شاهان فرانس با تلفیق از هنرهای معماری مغول و باستانی بسیار فرخ انگیز و صلابتی عارفانه.

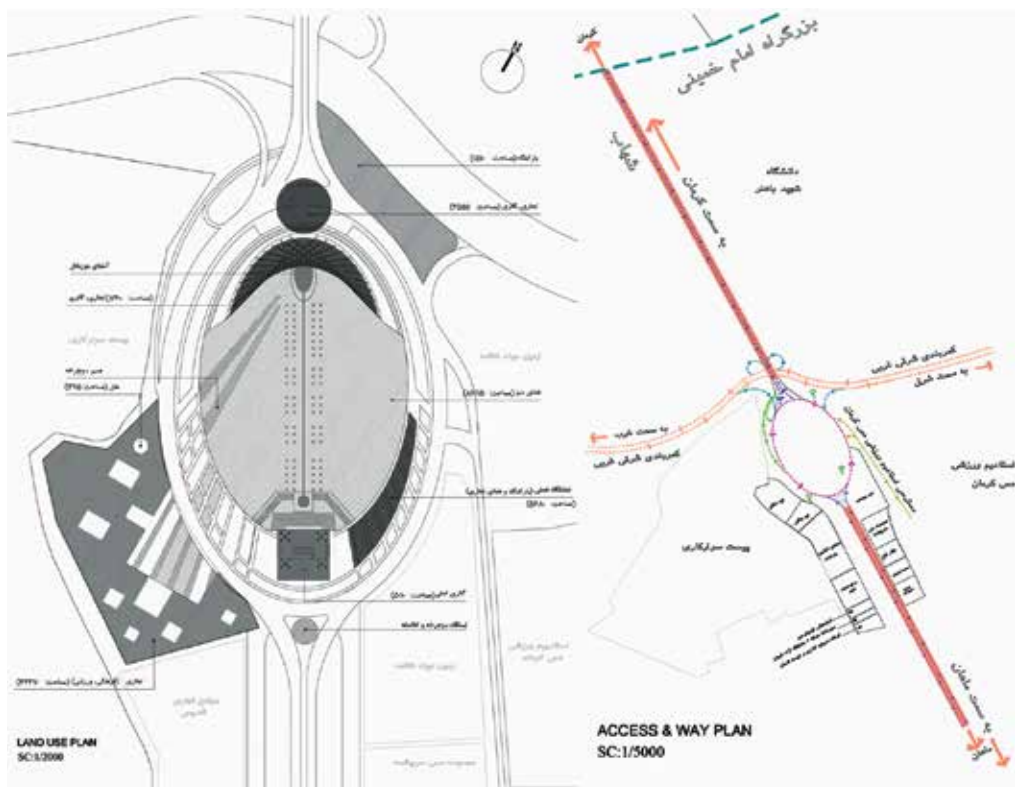


باغ شاهزاده باغان

باغ شاهزاده با باغ شاهزاده یکی از زیباترین باغهای تاریخی ایران محسوب می شود. این باغ در 4 کیلومتری شهر ماهان و حوالی شهر کرمان و مربوط به اواخر دوره قاجار به می باشد. این مجموعه شرقی و غربی دارد. گوشه ها به همین صفت تزیینات و به صورت دو آشکوبه ساخته شده است و هر دو آن از معماری خیلی زیبایی برخوردار است که آن را از سایر باغهای ایرانی متمایز و ممتاز می سازد.



04



درون در برون؛ طراحی فضایی برای بروز نیازهای فردی-اجتماعی در بستر عمومی شهر

طراح: مه‌لقا آسایش

گروه طراحی: گروه معماری سادبن
محل پروژه: اصفهان، میدان دروازه دولت
پست الکترونیک:
asayesh.mahlegha@yahoo.com

عرصه‌های عمومی، نیمه‌عمومی، خصوصی و همچنین چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر، یکی از ویژگی‌های بارز معماری و شهرسازی ایران در گذشته است. همچنین فضاهای عمومی مثل فضای اجرای نقالی و تعزیه و زمین بازی چوگان، نمونه‌هایی از فضاهای شاد و پویای شهرهای قدیم ایران است. با وجود این پیشینه، امروزه تأمین نیازهای فردی بشر در عرصه‌ی خصوصی خانه به دلیل تغییر هویت مسکن و محدود شدن فضاها، تحت‌الشعاع قرار گرفته است. از طرف دیگر، حریم خصوصی افراد و نیازهای فردی-اجتماعی آنها در فضاهای شهری، به واسطه‌ی وسعت و تنوع روابط ایجاد شده و تراکم جمعیتی شهرهای بزرگ، متزلزل شده است. این در حالی است که وجود مکان‌های فردی در بستر عمومی، به برآورده کردن نیازهای اساسی انسان (از جمله تفریح) کمک می‌کند و ارزیابی جامعه از کیفیت یک محیط شهری را ارتقا می‌بخشد. همچنین محیط‌های شهری با تراکم بالا که دارای فرصت و شانس خلوت‌گزینی و انتخاب حریم خصوصی متناسب با زندگی سالم اجتماعی هستند، به طور پارادوکس‌گونه از تعامل پویا و پربار برخوردار می‌شوند. بنابراین وجود فضاهایی در شهر جهت تأمین نیازهای فردی-اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد؛ فضاهایی که در عین تجمع‌پذیری، امکان ایجاد حریم خصوصی برای افراد را فراهم نماید. چنین فضاهایی اجازه‌ی زندگی کردن را هم به صورت فردی و هم به صورت اجتماعی به شهروندان می‌دهند و فضاهایی را برای تفریح و سرگرمی، بازی، تفکر و غیره در درجات مختلفی از عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی ایجاد می‌کنند.

از این رو، هدف از انجام این پروژه دستیابی به ویژگی‌هایی است که به وسیله‌ی آنها می‌توان فضایی متناسب با نیازهای فردی-اجتماعی انسان در بستر عمومی شهر ایجاد کرد، به طوری که هم زمان و هم امکان تعامل و بازی را به وجود آورد و هم خلوت‌گزینی و تفریح را امکان‌پذیر کند. تعریف عرصه‌ی عمومی، وابسته به عرصه‌ی احیاگر خصوصی است و نمی‌توان آن را موجودیتی مستقل از عرصه‌ی خصوصی دانست، بلکه این دو کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند و حتی قابلیت تبدیل به یکدیگر را دارند. بنابراین مفهوم مرز و نوع برخورد با آن برای تجسد کالبدی این دو عرصه نقشی اساسی ایفا می‌کند. با تعریف مرزی انعطاف‌پذیر بین عمومی و خصوصی می‌توان در عین تعریف موجودیت فرد از تزلزل و گسست رابطه و تعاملات اجتماعی نیز جلوگیری کرد، با ایجاد سلسله‌مراتب فضایی از عمومی به خصوصی، این دو را به یکدیگر تبدیل نمود و از عمومی‌ترین حالت به یک خلوتگاه عمومی رسید. محدوده‌ی دروازه‌دولت از بین سه سایت پیشنهادی، به عنوان بستر طرح انتخاب و پس از ارائه‌ی آلترناتیوهای طراحی، فضاهای مورد نیاز تعریف، جاگذاری و به صورت کامل طراحی شده است.

سایت موردنظر در مرکز شهر اصفهان در انتهای محور چهارباغ عباسی واقع شده است. این سایت در یک گره‌ی اجتماعی در تقاطع با محورهای عملکردی-ترافیکی مؤثر شهر واقع شده است. در زمان صفویه (قرن ۱۴ میلادی) در محدوده‌ی دروازه‌دولت باغ وسیعی با یک کوشک در میانه وجود داشته است. کوشک این امکان را فراهم می‌نمود که مهمانان خاص حکومتی بتوانند تمام شهر را از آن نظاره کنند. در حال حاضر، بنای جدید جهان‌ما به عنوان یک کاربری مختلط تجاری، اداری، فرهنگی جایگزین آن باغ تاریخی گردیده است که کاملاً از لحاظ هماهنگی با زمینه (context)، عملکرد و توجه به مباحث زیبایی‌شناسی، سیما و منظر متناقض با بافت خود می‌باشد. توده‌ی حجیم ساختمان، هویت تاریخی-فرهنگی و اجتماعی محدوده‌ی دروازه‌دولت را در خود مدفون و به دست فراموشی سپرده است. این در حالی است که در چنین سایتی وجود یک فضای باز شهری (open space) و فضای سبز انتظار می‌رود که متأسفانه با یک توده‌ی حجیم جایگزین شده است. بر این اساس، با در نظر گرفتن مبانی مرمت شهری (urban restoration) و نیز با ایده‌ی فاز بندی کردن اجرای پروژه، طرح پیشنهادی ارائه گردیده است.

برنامه‌ی فضایی پیشنهادی به گونه‌ای است که به همه‌ی اقشار هم از نظر فرهنگی و هم تقسیم‌بندی سن پاسخگو باشد. کاربری‌هایی مثل نقالی، گلدان شهری و جشن آب‌پاشی دارای پیش‌زمینه‌های فرهنگی است و برای کاربران مانوس می‌باشد. با توجه به مفاهیم گفته شده و نیازهای سایت، برنامه‌ی فضایی به صورت زیر ارائه می‌شود (جداول ۱ و ۲). کاربری‌های تأکید شده در جداول، در برنامه‌ی فضایی بیشترین مسؤلیت را به عنوان play space و fun place در کل مجموعه به عهده دارند که در درجات مختلفی از عمومی، نیمه‌عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی جاگذاری شده‌اند.

پس از انتخاب سایت، نحوه‌ی نگرش به محدوده بسیار واجد ارزش می‌باشد. در این خصوص، سه گزینه‌ی طراحی ارائه گردید؛ گزینه‌ی اول به دلیل عدم پاسخگویی به ترافیک سایت رد شد، گزینه‌ی دوم به دلیل اینکه نفوذپذیری عابر پیاده را به سایت کاهش می‌دهد، کنار گذاشته شد و در مورد گزینه‌ی سوم، ترکیبی از ویژگی‌های دو آلترناتیو یک و دو می‌باشد و به عنوان گزینه‌ی مناسب انتخاب گردیده است. دو ویژگی اصلی این گزینه عبارتند از در نظر گرفتن شرایط مطلوب برای پیاده و سواره به صورت توأم و همچنین فازبندی طراحی و اجرای پروژه.

در این راستا، در فاز اول طراحی، فضای مقابل شهرداری مرکزی اصفهان و محدوده‌ی مثلثی کناری و نیز فضاهای باز موجود در روبروی ساختمان جهان‌ما به عنوان یک پلازای شهری در نظر گرفته شده است. در فاز دوم، ساختمان جهان‌ما از روی درز انقطاع موجود جدا و حذف شده و این فضا به پلازای فاز اول اضافه می‌گردد، همچنین شریان‌های دسترسی سواره‌ی موجود به صورت فعلی باقی می‌ماند. در فاز سوم محدوده‌ی باقیمانده‌ی ساختمان جهان‌ما به صورت کامل حذف می‌گردد. راستای چهارباغ پایین به وسیله‌ی دور برگردان در انتهای سایت مذکور به راستای تفریحی چهارباغ متصل شده و بدنه‌ی شرقی خیابان باب‌الرحمه جهت پاسخگویی به حجم ترافیکی تعریف می‌شود. در این میان، سایت طراحی با محور تاریخی چهارباغ که به صورت پیاده در نظر گرفته شده، کاملاً عجین می‌شود، همچنین در این گزینه، کلیه‌ی شریان‌های موجود حفظ گردیده و خیابان باغ‌گلدسته نیز که هم اکنون از امتداد، در حال آزادسازی می‌باشد، به عنوان

یک محور دسترسی اصلی نقش عمده‌ای در ارتباطات سواره‌ی اطراف بر عهده دارد. از مزیت‌های این گزینه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- برخلاف آلترناتیو دوم که دارای مشکلات حقوق مکتسبه و مالکیت می‌باشد و تحقق‌پذیری آن تقریباً غیرممکن می‌باشد، اینگونه دارای افق بلند مدت می‌باشد و ضمن تعریف فازبندی در پروژه، رویکرد مرمت شهری را نیز لحاظ نموده است.
- این گزینه امکان هماهنگی سایر اقدامات عمران شهری از جمله اقدامات ترافیکی، تسهیلات شهری و غیره را هم‌راستا با اجرای پروژه‌ی حاضر فراهم آورده است و در جهت ارتقای حضورپذیری پیاده و استفاده‌ی مطلوب سواره عمل می‌نماید.

پس از مشخص شدن رویکرد طراحی و نحوه‌ی برخورد با عوامل تأثیرگذار بر سایت، ایده‌های طراحی به شرح زیر لحاظ گردیده است:

- ۱- الهام گرفتن از هندسه‌ی شبکه‌ای و شطرنجی باغ‌های صفوی
 - ۲- در نظر گرفتن راستای محور سبز چهارباغ عباسی به عنوان الگو و تکرار این الگو در داخل محدوده‌ی سایت
 - ۳- عین شدن راستای تاریخی و پیاده در خیابان سپه با سایت و اتصال پلازای جدید با میدان نقش جهان
 - ۴- استفاده از الگوی گودال‌باغچه با توجه به بافت شطرنجی برگرفته از شبکه‌ی باغ‌های صفوی، در قسمت‌هایی از این شبکه‌ها گودال‌باغچه در نظر گرفته شده است. این ایده با در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر در طرح ارائه شده است:
- الف:** الگوی گودال‌باغچه یک الگوی شناخته شده در معماری سنتی ایران می‌باشد که کاملاً با شرایط اقلیم‌های شهرهای گرم‌وخشک مثل اصفهان سازگار می‌باشد.
- ب:** با توجه به اینکه سایت مورد نظر در محدوده‌ی بافت تاریخی اصفهان قرار دارد، لذا از نظر ارتفاعی دارای محدودیت‌های ویژه می‌باشد، استفاده از گودال‌باغچه این شرایط را فراهم می‌نماید که قسمتی از حجم و کاربری‌های مورد نظر در زیر زمین تعبیه گردد و در ضمن، شرایط مناسب برای دید و منظر به محدوده‌ی تاریخی اطراف سایت را تأمین نماید.

ج: اختلاف ارتفاع ایجاد گردیده توسط گودال‌باغچه، به مرزبندی فضاهای عمومی و خصوصی کمک می‌نماید.

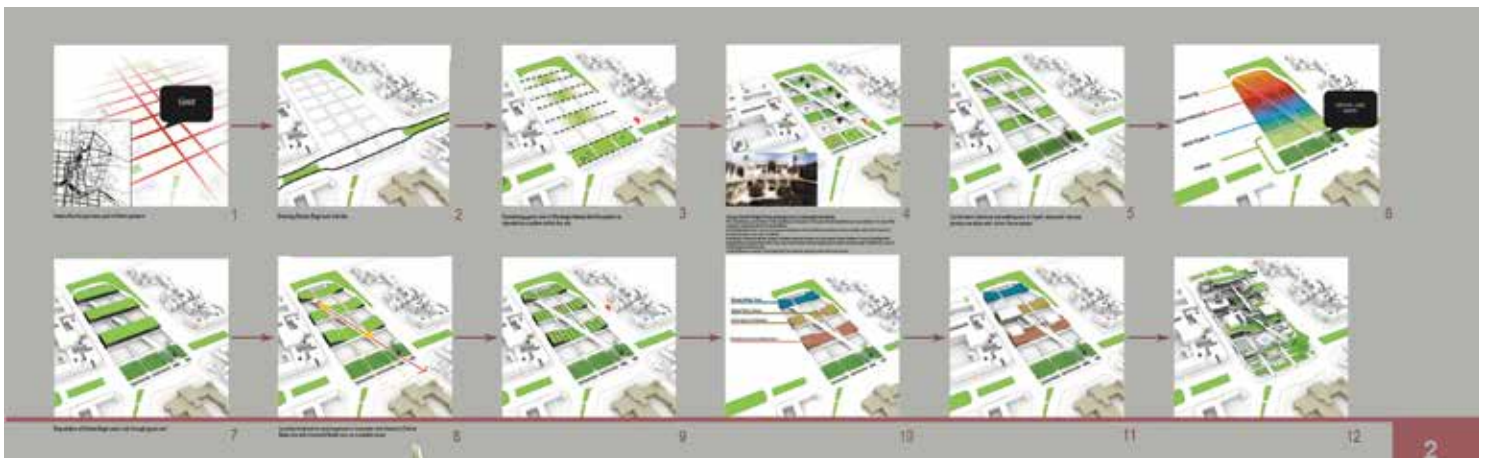
۵ - جامه‌ی نشانه‌ی شهری در محل تلاقی راستای تفریحی-تاریخی چهارباغ عباسی با راستای تاریخی سپه به عنوان یک چشم‌انداز مطلوب

<ul style="list-style-type: none"> • دفتر آژانس هواپیمایی • دفتر گردشگری • عابر بانک • تالار شهر • سالن اجتماعات • سالن‌های چندمنظوره • گالری شهری • لابی • سرویس بهداشتی 	<ul style="list-style-type: none"> • کلاس‌های آموزش شهروندی • آمفی تئاتر روباز • اتاق‌های اداری • کافه تریا • پارک آبی • فضای اسکیت نیمه‌باز • رستوران • باجه‌ی روزنامه‌فروشی 	<ul style="list-style-type: none"> • تلویزیون شهری • پارکینگ • بام سبز • فضاهای مکث و نشستن • فضاهای راهروهای حرکتی • خروجی مترو • تفرجگاه عمومی 	فضاهای عمومی
<ul style="list-style-type: none"> • نظرها شهری (Land mark) • بدنه‌های مخصوص نقاشی شهری • غرفه‌های فروش (بازارهای هفتگی و روزانه) • غرفه‌های فروش توانمندی‌های خود (سالمندان و جوانان) • قهوه‌خانه و فضای نقالی 	<ul style="list-style-type: none"> • صحن و عرصه‌ی مسجد • نمازخانه • فروشگاه کتاب 		فضاهای نیمه‌عمومی-نیمه‌خصوصی
<ul style="list-style-type: none"> • مؤذنه (نظرگاه) • باغ کتاب • باغ اندرونی (گلدان‌های شخصی شهری) • اتاق آواز • خلوتگاه‌های فردی 	<ul style="list-style-type: none"> • گالری فرد و شهر • کتاب فروشی (همراه با فضاهای خلوت) • سالن نشریات و مطالعه انفرادی • فضاهای چندمنظوره با نوع چیدمان فردی 		فضاهای خصوصی (خلوت شهری)

جدول ۱. دسته‌بندی فضاهای کالبدی مورد نیاز با توجه به مرزبندی عرصه‌های عمومی و خصوصی

<ul style="list-style-type: none"> • پارک آبی 	کودکان
<ul style="list-style-type: none"> • بدنه‌های مخصوص نقاشی شهری • کتابخانه‌ی رسانه‌های عمومی • غرفه‌های فروش 	نوجوانان و جوانان
<ul style="list-style-type: none"> • باغ کتاب • باغ اندرونی (گلدان‌های شخصی شهری) • قهوه‌خانه و فضاهای نقالی • غرفه‌های فروش (بازارهای هفتگی و روزانه) 	بزرگسالان و سالمندان

جدول ۲. دسته‌بندی فضاهای مورد نیاز با توجه به تقسیم‌بندی سن استفاده‌کنندگان





بازسازی فضای داخلی آتلیه‌ی سبز ۹+

طراح: حامد کامل‌نیا

گروه معماری: دفتر معماری KCW
محل پروژه: مشهد، بلوار جانباز، جنب پروما،
ساختمان اداری تجاری نیکا، طبقه‌ی نهم
سطح زیربنا: ۵۰۰ مترمربع
تاریخ شروع پروژه: دی ماه ۱۳۹۳
تاریخ اتمام پروژه: خرداد ماه ۱۳۹۴

پست الکترونیک: kcw.group@yahoo.com
سایت: hamed-kamelnia.com

زمانی که این پروژه به ما تحویل داده شد، پیش‌تر مقرر بود که به عنوان یک رستوران در آخرین طبقه از یک ساختمان ۹ طبقه‌ی اداری-تجاری مورد استفاده قرار گیرد. اسکلت، ستون‌ها و سقف به طور کامل اجرا شده بودند و بسیاری از واحدهای طبقات اول تا هفتم به مرحله‌ی بهره‌برداری رسیده بود. با توجه به خواست کارفرمای ما که انتقال دفتر یک شرکت مشاور ساختمانی به این مکان بود، برنامه‌ی پروژه به صورت «تغییر در وضعیت موجود طبقه‌ی نهم و تبدیل فضای طراحی شده برای یک رستوران به یک دفتر مهندسی و آتلیه‌ی طراحی معماری» تبیین گردید. از آنجا که کارفرما، مشاوره‌ی ساخت و طراحی ساختمان‌های مسکونی و به ویژه ساختمان‌هایی با رویکرد استفاده از طبیعت در ساختمان بود، سعی بر آن شد که ضمن ایجاد یک دفتر کار مناسب، به حال‌وهوای این دیدگاه نیز نزدیک گردیم. این ساختمان تجاری-اداری ۹ طبقه، در یکی از پرتودترین و اصلی‌ترین مناطق شهر مشهد واقع شده است. این ساختمان در میدان جانباز و در کنار انبوه ساختمان‌های بلند مجاورش، مجموعه‌ای از دفاتر و مراکز اداری و تجاری را در خود جای داده‌اند. ما در این پروژه، با دو موضوع مهم روبرو بودیم: اول، ایجاد یک دفتر کار مناسب با خواسته‌های شرکت مشاور و متناسب با نگاه آنها و دیگر، عدم تکرار تجربه‌ی انبوه ساختمان‌های اداری مجاور که عمدتاً ساختاری مشابه داشتند. این فضاها، محیط‌هایی سرشار از کار و فعالیت و استرس هستند که افراد، بخش زیادی از زندگی خود را هر روز در آنجا صرف می‌کنند. غالباً در طراحی آنها توجه بسیار زیادی به کارکرد می‌شود تا کاربر و آرامش محیط، لذا عموماً فضاهای کاری خستگی‌آور و بعضاً غیرقابل تحمل ایجاد می‌شود که می‌تواند در کارایی افراد نیز بسیار مؤثر باشد. تجربه‌ی غالب فضاهای تجاری-اداری همجوار نیز، مجموعه‌هایی گره خورده در چهارچوب‌های کلیشه‌ای و غالباً فضاهای خشک و بی‌روح را در ذهن می‌آورد. آنچه در این پروژه مد نظر بوده است، یافتن پاسخی مناسب و فضایی با مختصات متفاوت با فضاهای اداری و کلیشه‌ای همیشگی بوده است. در خصوص این پروژه، با یک طبقه از یک ساختمان بلند مواجه بودیم که از دو جبهه‌ی شمال‌شرقی و جنوب‌غربی، امکان نورگیری داشت، ولی به دلیل فاصله‌ی زیاد، امکان دریافت نور در تمام پروژه میسر نبود و همچنین ارتباط با یک تراس، که در واقع بیشتر در ارتباط با اتاق تأسیسات اصلی ساختمان بود. با توجه به اینکه این فضا در بالاترین طبقه‌ی ساختمان واقع شده بود، قسمتی از سقف که امکان سازه‌ی برای آن فراهم بود، برداشته شد تا نور بتواند به قلب فضا نفوذ کند، در نتیجه با توجه به عمق زیاد این واحد که نور به تمام بخش‌ها نمی‌رسید، امکان رسیدن نور به تمام واحد میسر شد.

همچنین با در نظر گرفتن بخشی از مقطع طولی این واحد، امکان شاخص شدن فضای گفت‌وگو و نشیمن کاری که یکی از مهم‌ترین قسمت‌ها بود، فراهم گردید تا بتواند ضمن اشراف بر محیط، با تراس، نورگیر و فضای سبز ایجاد شده در داخل نیز در ارتباط مستقیم بصری قرار گیرد. نشیمن که برگرفته از الگوی خانه‌های سنتی ایران است، در قلب فضای کار و در ارتباط مستقیم با آب و درخت قرار گرفته است. ایجاد این نشیمن در مرکز یک فضای اداری، فرصت تلفیق کار و زندگی را برای کاربر به وجود می‌آورد. ایده‌های معماری گذشته‌ی ایران مانند قاب در قاب، انعکاس، بازی نور و سایه، طبیعت (آب و درخت)، شفافیت، رنگ‌بندی و پویایی، با ترجمان مدرن و در کنار استفاده از انرژی‌های نو در این مکان مورد توجه بوده است. چمن و درخت فضای سبز نشیمن، با توجه به ویژگی‌های گیاهان آپارتمانی و با سیستم هوشمند آبیاری در نظر گرفته شده است. ایجاد یک نشیمن سبز در قلب یک فضای اداری برای ما دو ویژگی داشت: اول شبیه‌سازی کیفیت‌های فضایی با کاربست عناصری مانند فضای سبز، آب، نور و ... برای احیای آرامش گمشده در محیط‌های کاری امروزه و دیگری ایجاد مکانی برای نشستن، گفت‌وگو و بالا بردن تعاملات جمعی (کارفرما و مشاور و یا اعضای دفتر با یکدیگر). تراس نیز که فضایی جهت ارتباط با اتاق تأسیسات اصلی ساختمان بود، به حیاط کاری تبدیل شد تا ضمناً بتواند به دید مناسب از داخل به بیرون و بالعکس نیز کمک کند. تراس در ارتفاع بر مبنای اصول طراحی بام سبز اجرا شده است. وجود آب و گیاه و ایجاد شرایط مطلوب آب‌وهوایی و نیز منظر زیبا، لذت استفاده از این فضا را در بیشتر ایام سال فراهم می‌کند. در باغچه‌های تراس سبز، سبزیجات، گل‌های فصلی و درخت کاشته شده که علاوه بر ایجاد محیطی سبز، مورد استفاده‌ی کارکنان نیز هست. نورپردازی تراس با چراغ‌های فتوولتائیک و استفاده از انرژی خورشیدی صورت می‌گیرد. ایجاد نور و شفافیت در تمامی فضاها، استفاده از رنگ و تنوع فضایی و ... از دیگر اهداف مهم ما در این طرح می‌باشد. ارتقای کیفیت محیط سالم و سبز با استفاده از مصالح سبز، مانند کفپوش‌های چوبی، صفحات کورین، چوب بامبو، سنگ‌های دکوتن و رنگ‌های با VOC پایین، همچنین استفاده از رنگ‌های سفید، سبز و نارنجی، در راستای افزایش تنوع بصری برای کارکنان مورد توجه قرار گرفته است.



رستوران‌های زنجیره‌ای شیلا، شعبات تیراژه و نیاوران

طراح: محمد کانی‌سواران

نظارت و اجرا: گروه معماری کانی‌سواران
 ناظر: رضا عباسی
 تأسیسات الکتریکی: مهدی ترامشلو
 تأسیسات مکانیکی: قاسم عباسی
 گرافیک: گل‌نسا متحد
 عکاس: علی یعقوبی
 محل شعبه‌ی تیراژه: تهران، خیابان اشرفی اصفهانی،
 مجتمع تیراژه

تاریخ اجرای پروژه‌ها: ۱۳۹۴

متراژ شعبه‌ی تیراژه: ۳۴ مترمربع
 محل شعبه‌ی نیاوران: تهران، خیابان نیاوران، میدان
 نیاوران
 متراژ شعبه‌ی نیاوران: ۴۰ مترمربع

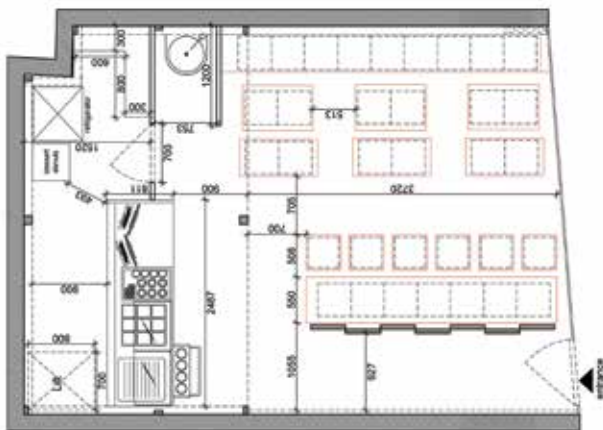
پست الکترونیک: info@kanisavaran.com
 سایت: www.kanisavaran.com

مجموعه رستوران‌های زنجیره‌ای شیلا که از سال ۱۳۸۰، فعالیت خود را با عرضه‌ی هات‌داگ به طور اختصاصی آغاز کرده و تا امروز به کار خود ادامه می‌دهد، با توجه به بازار هدف، اقدام به تغییر معماری داخلی نمود و طراحی کانسپت اولیه و گسترش آن را برای هجده شعبه‌اش، به عهده‌ی این مجموعه واگذار کرده است. شیلا نیاز به یک رویکرد جدید در فضاهای داخلی و انعکاس بهتر حس درونی مجموعه‌ی خود به بیرون را احساس نموده و در کنار آن، خواستار معرفی اهداف آینده‌ی خود در این فضاها می‌باشد. این اهداف، باید در کنار نوآورانه بودن محصول غذایی، تعریفی جدید را برای مخاطبی خاص با محدوده‌ی سنی مشخص نمایش دهد و نکته‌ی مهم‌تر این است که محصول این مجموعه، ذاتاً ایرانی نبوده و به عنوان یک غذای وارداتی نامیده می‌شود و قطعاً مستلزم معرفی یک سبک مصرف و فضا، متناسب با فرهنگ میزبان است.

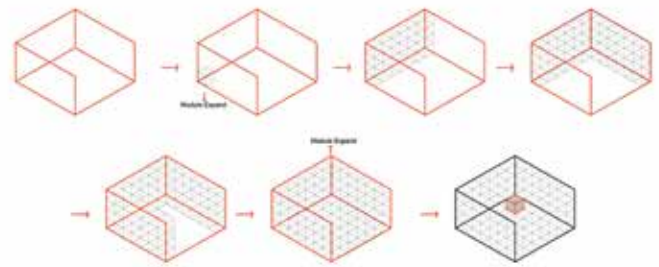
اهداف

با توجه به اصول برندینگ، مهم‌ترین عامل برای ماندگاری یک برند، توجه به حواس پنجگانه‌ی انسان (بویایی، چشایی، لامسه، شنوایی و بینایی) است و ما برای رسیدن به این هدف، وظایف را میان تیم طراحی و مجموعه‌ی شیلا تقسیم کردیم؛ مباحث چشایی و بویایی به عهده‌ی شیلا (نوع غذا و کیفیت آن) و سایر موارد، به عهده‌ی تیم طراحی محول گردید. توانستیم به کمک شناسایی عادت‌های رفتاری مخاطب و تغییر برخی از آنها با استفاده از متریال‌های غیرعرفی نظیر سیمان، آهن و توری، هیجان را به کالبد بنا اضافه کنیم. مطابق با هر پروسه‌ی معماری، یکی از مهم‌ترین اهداف مجموعه‌ی ما نیز پرهیز از بیهودگی بوده است، پس تماماً تلاش شده تا هیچگونه کار بیهوده و هاسازی صرفی در فضا صورت نگیرد، تمام سطوح و عناصر، به صورت اکسپوز اجرا شود و هر اتفاقی که در فضا انجام می‌پذیرد، سودمند و نیاز واقعی بنا باشد. یکی دیگر از نکات لحاظ شده در طراحی، استفاده از متریال اصلی (به لحاظ ذاتی) نظیر بتن، آهن و چوب بوده و نکته‌ی مهم در انتخاب این مصالح، تطبیق‌پذیری این تیپ متریال با محیط زیست پیرامون خود می‌باشد. از مهم‌ترین اتفاقاتی که باید در کانسپت اولیه رعایت می‌شد، ایجاد یک مدول قابل گسترش است که قابلیت اجرا در فضای یک مترمربعی تا فضای بیست برابری را داشته باشد و در کنار آن، حفظ تم کلی فضا، اولویت بالایی در ماندگاری یک برند در ذهن مخاطب دارد و در کنار آن باید تمام خصوصیات و شناسنامه‌ی برند نمایان باشد.

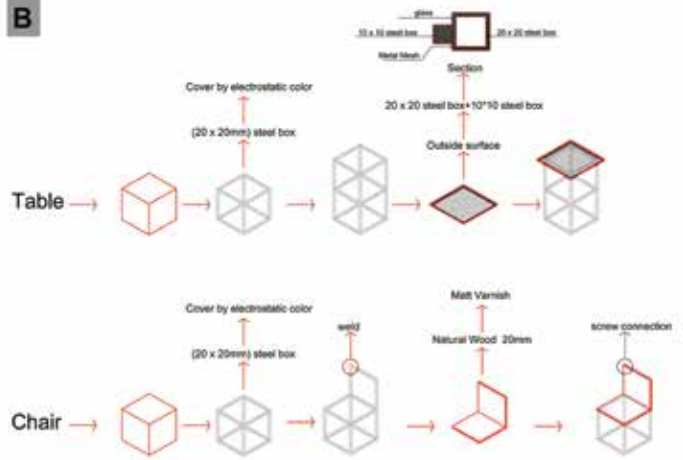
رسیدن به فضایی مناسب با مشخصات گفته شده و ایجاد محیطی برای ارائه‌ی یک سبک زندگی متناسب با مصرف هات‌داگ در ایران، نیازمند بررسی‌های زیادی در نمونه‌های موردی موجود در دنیا می‌باشد. چالش‌هایی که در طراحی باید لحاظ می‌شد، بررسی شرایط ساخت بود؛ چرا که با توجه به دایر بودن مجموعه‌ی فوق، امکان تعطیلی شعبه وجود نداشت و جزئیات اجرایی و مبلمان و دیوارسازی‌ها می‌بایست ساخته شده و در زمان مشخص در محل نصب گردند و پیش از آن، با توجه به اکسپوز بودن پروژه، نیازمند هماهنگی‌های لازم بین گروه‌های مختلف کاری بود. برای پوشش سطوح دیوارها و محدوده‌ی زیر مش فلزی، تماماً از پوشش ملات ماسه سیمان و یک لایه تگری با ماسه‌ی شسته به کار رفته و به منظور رعایت مسائل بهداشتی، روی سطوح سیمانکاری شده، توسط یک لایه پرایمر و رزین و در نهایت رنگ سازمانی پوشانیده شده است. بکارگیری سیمان تگری به دو دلیل صورت گرفته؛ یکی اینکه مصالح کاشی حذف شود و با همان لایه‌ی اولیه کار انجام پذیرد و دوم اینکه با توجه به نورپردازی سطوح دیوار می‌بایست پوششی استفاده گردد که با توجه به کوچک بودن فضاها بافتی مناسب بر روی دیوارها ایجاد نماید. سطوح دیوارها با استفاده از مش فلزی و پروفیل ۲۰×۲۰ پوشیده شده تا مانند یک پوسته، جداکننده‌ی بین صندلی‌ها و دیوار باشد و این فاصله، محل مناسبی را برای نورپردازی به وجود آورد. استفاده از متریال‌هایی نظیر فلز، چوب و بتن با توجه به کانسپت اولیه استفاده شده و یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید در تمام مراحل مدنظر قرار می‌گرفت، کنترل حس سردی و یا گرمی فضا در محیط بود، چرا که بتن و فلز در ذات خود سرد بوده و باید به کمک گرمای چوب متعادل گردد، تا بتوان با ایجاد یک حس گرم، فضایی خودمانی و جذاب ایجاد نمود. یکی دیگر از نکاتی که در طراحی کانسپت اولیه لحاظ شد، ایجاد یک فضای راحت و بدون تشریفات و به عبارتی مناسب برای نسل جوان و پرهیجان بود تا به سادگی در فضا حضور پیدا کنند و با آرامش، هر آنچه را می‌خواهند از فضا باز یابند، بنابراین، برای رسیدن به این هدف و بازگو کردن سبک زندگی، عکسی مطابق با اهداف برند در داخل فضای رستوران نصب شد تا با استفاده از آن بتوانیم بخشی از مفهوم برند و کمپین‌های فصلی را به زبانی ساده‌تر بیان کنیم. یکی دیگر از خصوصیات اصلی مورد توجهی که برای کارفرما نیز به علت تعداد شعب و گسترش آنها بسیار اهمیت داشت، بحث ارزان و ماندگار بودن طراحی داخلی بود که این موضوع با انتخاب متریال و شیوه‌ی برخورد با آن برطرف گشت. رویکرد دیگر، تعمیر و نگهداری مناسب شعبات مختلف، بعد از اجرا بود که این مسئله نیز با در پیش گرفتن معماری اکسپوز مهیا گردید و دسترسی به تأسیسات، به ساده‌ترین شکل ممکن گشت.



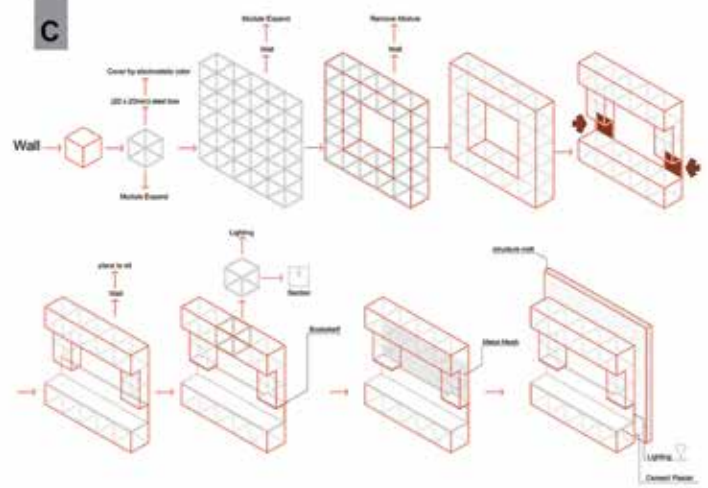
A



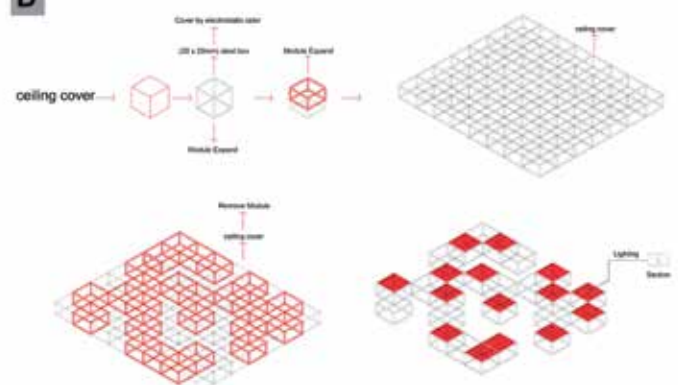
B



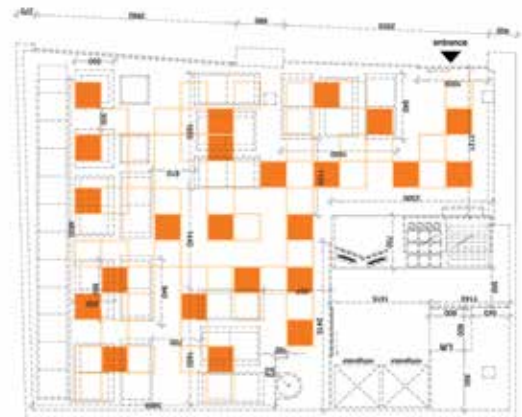
C



D



تصاویر این صفحه: جزئیات رستوران‌های زنجیره‌ای شیلا، شعبات تیراژه و نیاوران



شرکت کشتیرانی اسپاد

طراحان: محمد کانی سواران، گلنسا متحد

طراح فاز دو: نسترن متحد

اجرا: محمد سلامی

محل پروژه: تهران، خیابان وزرا، خیابان راشل

کوری، پلاک ۱۷

متراژ: ۲۰۰ مترمربع

تاریخ اجرا: ۹۴/۰۱/۲۷ الی ۹۴/۰۲/۲۲

پست الکترونیک: info@kanisavaran.com

سایت: www.kanisavaran.com

نیاز کارفرما برای این دفتر، داشتن فضایی اداری به صورت یکپارچه (Loft)، با امکان توسعه و افزایش تعداد کارکنان و داشتن چند فضای مجزا، مانند فضای استراحت و غذاخوری، فضای ورودی متناسب با حرفه‌ی کشتیرانی و داشتن فضایی متفاوت و ماندگار در ذهن بیننده و از همه مهم‌تر، تفکیک کلی فضای ارباب رجوع از فضای کارکنان بود. مانند بیشتر پروژه‌های معماری و معماری داخلی، هزینه و مدت زمان اجرا برای کارفرما بسیار اهمیت داشت، چرا که این بنا به مدت سه سال تحت اختیار آنها قرار دارد.

هدف‌گذاری‌های تیم طراحی بعد از شنیدن نیازهای کارفرما و شرایط محدود پروژه آغاز گشت. در ابتدا شرایط سازه‌ای ساختمان مورد بررسی قرار گرفت و سیستم سنتی سازه‌ی ساختمان مشخص شد. بنابراین به علت بکارگیری دیوارهای باربر در سازه‌ی اصلی، امکان تخریب دیوارها وجود نداشت و تنها شانس موجود، داشتن فضایی یکپارچه در سالن مرکز بود، همچنین باید جوری طراحی انجام می‌گرفت که در یک فضای مسکونی، حس یک فضای اداری ایجاد گردد.

تیم طراحی بعد از ارزیابی نکات مثبت و منفی فضا، بررسی سیرکولاسیون‌های موجود، برنامه‌ی فیزیکی این شرکت و نوع فعالیت آنها، در نهایت بر آن شد تا با ارائه‌ی یک کانسپت مناسب - که هم معرف نوع فعالیت شرکت و هم نکات برندینگ آنها باشد - به کار خود ادامه دهد. کانسپت کلی طرح از مقطع دماغه‌ی یک کشتی شروع شد. دیتیل‌ها، هندسه و نحوه‌ی ساخت این دماغه مورد بررسی قرار گرفت و شرایط ساخت منحنی با استفاده از مقاطع صاف به صورت آنالیز شده ارزیابی شد. با توجه به شکل‌گیری اولیه‌ی کانسپت و بررسی استراتژی‌های طراحی، بحث شرایط ساخت، اجرایی کردن کانسپت، ارائه‌ی دیتیل‌های اجرایی ساده و قابل فهم برای تیم اجرا بسیار مهم بود که با استفاده از یک تکنیک مدولار و تغییر در زوایای اجرایی، توانستیم شکلی پیچیده را در قالب یک دیتیل ساده ارائه نماییم که علاوه بر اجرای ساده، بتوان سرعت ساخت و هزینه‌های اجرا را کاهش داد.

بعد از مقوله‌ی ورودی و کانسپت به شکل دماغه‌ی کشتی و تلاقی چند دماغه به صورت رفت و برگشتی، استفاده از روشی که بتواند مرزها را از بین برد اهمیت فراوانی داشت، چرا که از بین بردن مرز، ایجاد حس آزادی و گسترش فضا، با اهداف برند و نیز کانسپت طراحی متناسب بود که این کار با ایجاد فضایی سفید، به همراه تاج‌هایی آبی‌رنگ صورت پذیرفت و این رنگ به عنوان تفکیک‌کننده‌ی فضا به‌خصوص در سالن مرکزی به کار گرفته شد. در سالن غذاخوری نیز، هدف ایجاد یک فضای متفاوت با محدوده‌ی کاری کارکنان در نظر گرفته شد و تا در مدت زمان استراحت و صرف غذا و یا چای، علاوه بر تغییر محیط، احساس آنها نیز دگرگون گردد.





رستوران سان لیو

طراح: محمد کانی سواران

نظارت و اجرا: گروه معماری کانی سواران
 ناظر: رضا عباسی
 تأسیسات الکتریکی: امین مالکی
 تأسیسات مکانیکی: قاسم عباسی
 گرافیک: گلنسا متحد
 عکاس: علی یعقوبی
 تاریخ اجرا: اسفند ۱۳۹۴
 متراژ: ۱۰۰ مترمربع

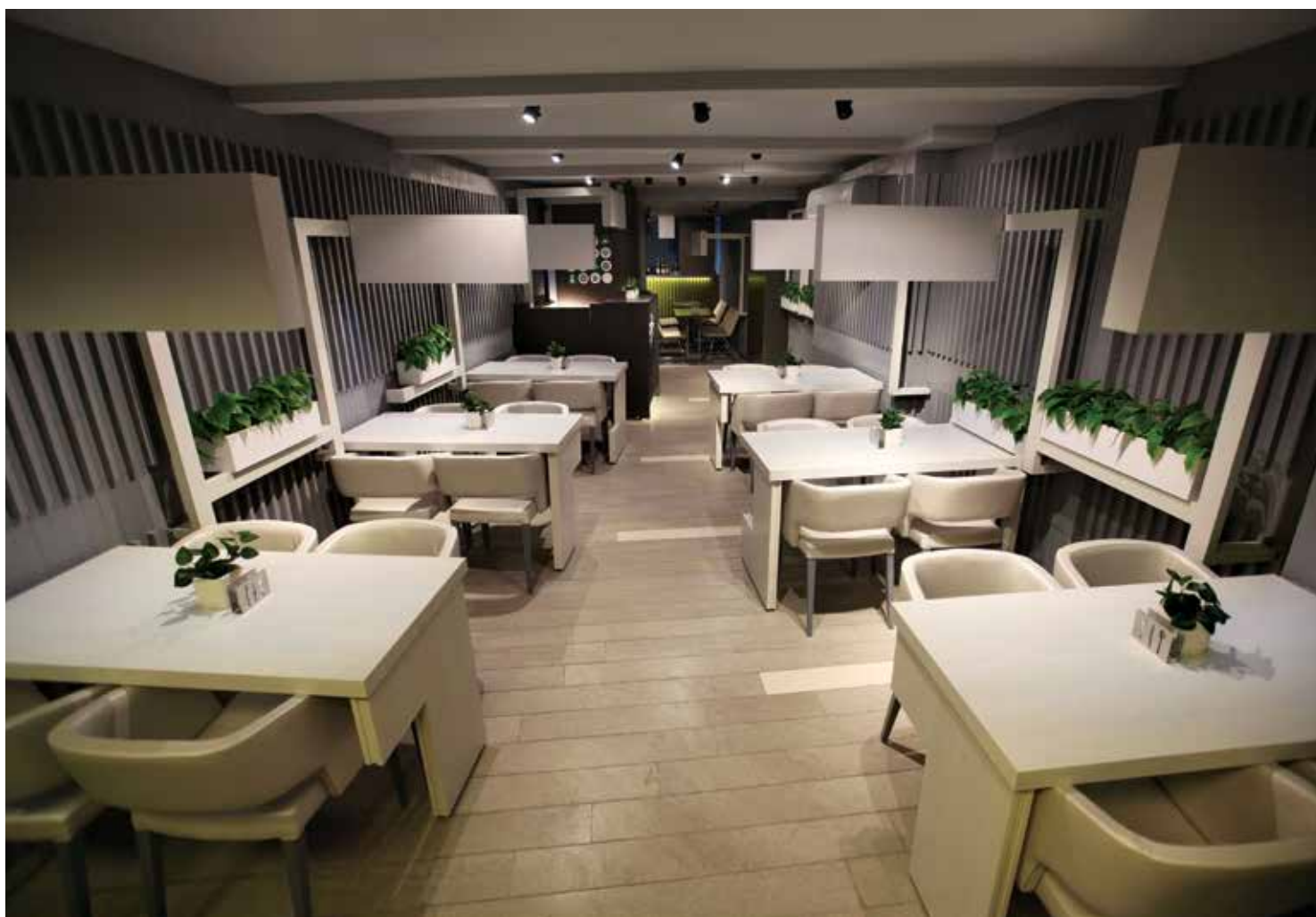
پست الکترونیک: info@kanisavaran.com

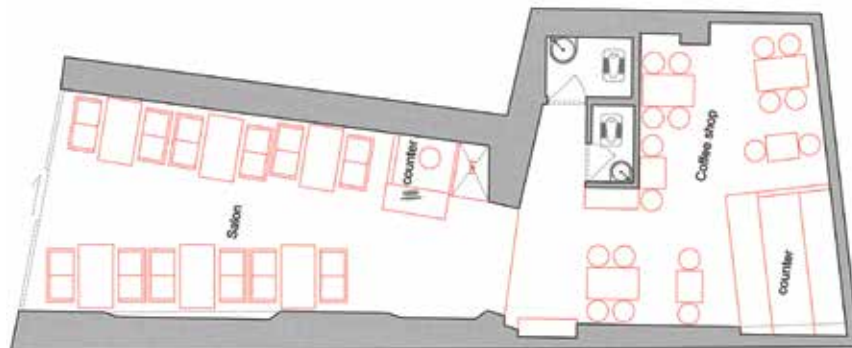
سایت: www.kanisavaran.com

این پروژه در منطقه پاسداران تهران، خیابان پایدار فرد قرار دارد. بعد از بازدید اولیه از محل پروژه و تهیه نقشه‌های بنای موجود، ساختمان فاقد استحکامات لازم ارزیابی شد و اولویت اجرا، با ایجاد سازه‌ی مناسب جهت بهبود مقاومت بنای حاضر صورت گرفت.

با توجه به اینکه این رستوران علاوه بر ارائه‌ی غذای ایرانی، غذای فرنگی (ملل) نیز ارائه می‌کند و به عبارتی ترکیبی از غذای ایرانی و فرنگی با محوریت غذای سالم می‌باشد، در پروسه‌ی طراحی تصمیم بر آن شد تا معماری فضا، مناسب برای یک پارادوکس از پیش تعیین شده صورت گیرد، معماری گرایشی جهت‌دار نداشته باشد، ولی تأثیر محیط در آن نمایش داده شود. با توجه به این تصمیم، مجدداً از محل پروژه بازدید صورت گرفت و بعد از بررسی مجدد و شناسایی شاخصه‌های محیط و عوامل مؤثر در بافت آن، به رویکرد جدیدی در یک پروسه‌ی معماری دست یافتیم: طراحی با آنالیز نیروهای محیط. بنابراین طراح تصمیم گرفت تا نیروها یا اتمسفر موجود در محیط را به فضا وارد کرده و از تأثیر این نیروها بر بنا، ساختار و چینش فضای خود را به دست آورد.

بافت دیوار، فرم اسکلت چراغ‌ها و میزها برگرفته از تأثیر نیروها به وجود آمده و با خروج مجدد نیروها و تقابل در قسمت ورودی، منجر به شکل‌گیری سردر رستوران گشته و در ادامه با توجه به عوامل توضیح داده شده و متأثر از موقعیت بنا، متریال عمده‌ی فضا آجر انتخاب شده است. در نهایت طراح برای حفظ پارادوکس موجود و هدف رستوران (ارائه‌ی غذای طبیعی و سلامت)، فیلتری سیاه و سفید به صورت فرضی در قسمت ورودی رستوران قرار داده و قرار شده تا هرآنچه که وارد رستوران می‌شود، از فیلتر عبور کند و متأثر از آن باشد. تنها عاملی که موفق به غلبه بر فیلتر سیاه و سفید می‌گردد، طبیعت است که فیلتر نخواهد توانست بر آن تأثیر گذارد.





خوش بیاسای دمی

طراحان: دفتر معماری سروستان، مانلی افشنگ و مهفام کوشش

مدیر اجرایی پروژه: دفتر سروستان
 مهندس ناظر/دستگاه نظارت: دفتر سروستان
 ترسیم و ارائه: مهسا الهی وفا
 پنجره: شرکت کاسپین (ویستابست)
 کابینت و بخش‌های چوبی: شرکت یکا مدرن
 عکس: مانلی افشنگ
 آهنگر: محسن سمیعی
 کارفرما: مریم خزلی و محمدرضا بهروزی
 محل اجرا: خیابان آفریقا، کوچه‌ی ناهید
 شرقی، پلاک ۹، واحد ۲۰۴

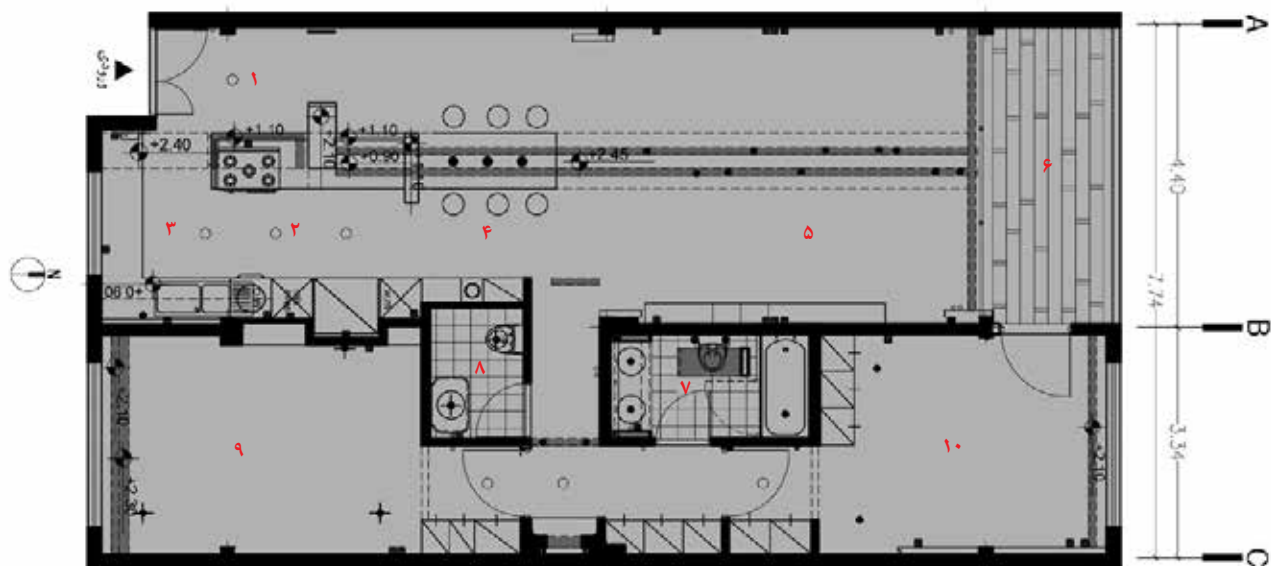
پست الکترونیک:

sarvestan.arch87@gmail.com

این پروژه به سفارش خانمی جواهرساز و همسرش، جهت بازسازی واحد مسکونی ۱۱۰ مترمربعی در یکی از مجتمع‌های واقع در خیابان جردن، با قدمت بیش از چهل سال شروع شد. روز بازدید از پروژه، حیاط سرسبز و گلکاری‌های مشاعات بسیار جذاب بودند، ولی پس از ورود به واحد مورد نظر، طراحی قدیمی و تقسیمات فضایی، حس دلگیری را به ما القا نمود.

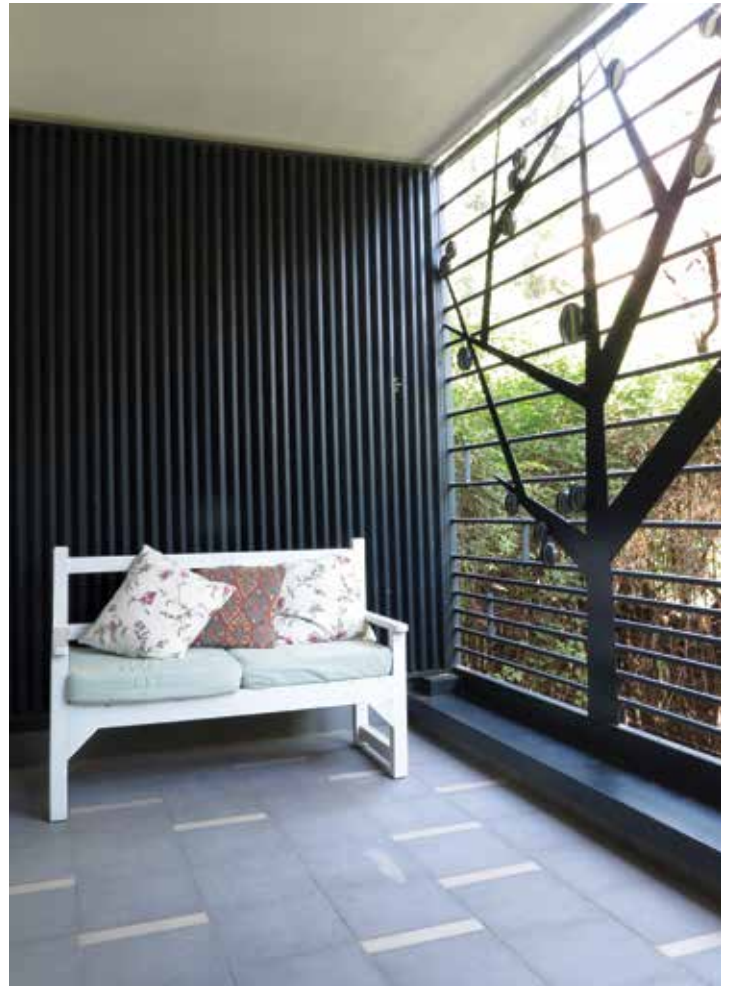
زمانی که کارفرما طراح جواهر باشد، اولین چیزهایی که به ذهن می‌رسد، موضوعاتی نظیر زیبایی، ظرافت، تنوع سنگ‌ها و انعکاس نور می‌باشد، لذا تصمیم گرفته شد تا حضور نور و حرکت آن، از شمال به جنوب این خانه، که به یک بالکن مصفا منتهی می‌شود، پررنگ گردد. ایده‌ی اصلی، طراحی با تفکیک فضای خصوصی، دسترسی کاملاً مجزا از فضاهای دیگر و تأکید بر حرکت نور در تلفیق با احجام کاربردی در راستای محور شمالی-جنوبی شکل گرفت.

احجامی که در برخی قسمت‌ها بر روی هم سوارند، در جاهایی بر روی هم می‌لغزند و با نورپردازی خطی سقف، ادغام می‌شوند و در آخر به بالکن می‌رسند، جایی برای آسودن، رهایی از دغدغه‌ها و مکانی برای دور هم بودن با خانواده و دوستان و بازی بچه‌ها می‌باشند. انرژی و حسی که از این فضا دریافت کردیم، گروه را به سمت طراحی بسیار فرمال، با الهام از نشانه‌هایی در طراحی مالک جواهرساز و با تأکید بر نشانه‌ی درخت، به عنوان سمبل سبزی، زندگی و پایداری هدایت کرد، بنابراین درختی با عنوان درخت خانواده در این بالکن طراحی شد که میوه‌های آن، سمبلی از افراد خانواده، دوستان و آشنایان می‌باشد و با آینه اجرا شده تا نشان‌دهنده‌ی انعکاس چهره‌ها، اتفاقات، نور و زندگی‌ای است که در این بالکن جریان دارد. همچنین بر روی بعضی از شاخه‌ها، مرغ‌هایی از میان طرح‌های جواهرساز پرکشیده و بر روی شاخه‌های آن نشستند. از دیگر عملکردهای درخت خانواده، با توجه به اینکه واحد مورد نظر در طبقه‌ی اول می‌باشد، نرده‌ای است که باعث امنیت خانواده نیز می‌شود و از آنها محافظت می‌کند.



پلان جدید سقف و روشنایی

۱. ورودی ۲. آشپزخانه ۳. صبحانه خوری ۴. نهار خوری ۵. نشیمن ۶. بالکن ۷. حمام ۸. سرویس بهداشتی ۹. اتاق بچه‌ها ۱۰. اتاق والدین



گالری زرفام

تیم طراحی: گروه معماری آکال

محل پروژه: همدان، خیابان جهان نما، مجتمع
تجاری میلاد، طبقه سوم، واحد ۴۱۳
مساحت زیربنا: ۳۷ مترمربع
تاریخ اجرا: ۹۵/۰۲/۲۹ الی ۹۵/۰۴/۲۳

پست الکترونیک:

mohamad.arm84@gmail.com

زرسام هنر، اولین و تنها کارخانه‌ی اجناس لوکس، دکوری و تزئینی با پوشش طلا در ایران است که نامش از سه بخش «زر» به معنی طلا، «سام» پدر نریمان، پدر زال و پدر بزرگ رستم، از تبار گرشاسب، پهلوان اسطوره‌ای ایران و «هنر» تشکیل شده است. محصولات زرسام، یادآور هنر دیرینه‌ی مردمان این سرزمین، آمیخته با هنر طلاکاری است. نمایندگی زرسام در شهر همدان با نام تجاری زرفام شروع به فعالیت نموده است.

ایده‌ی اولیه‌ی گالری زرفام بر پایه‌ی ایجاد شرایط زمینه‌ای موزه‌های ایران است. بر این اساس، تحقیقات اولیه بر روی موزه‌ها انجام گرفت و دو موزه‌ی آبیگینه و سفالینه‌های ایران، جهت پرورش ایده‌ی طرح مورد توجه واقع شدند. از این جهت، باید گفت طراح به این دلیل به موزه‌های مذکور توجه داشته که نخست به لحاظ تاریخی، آثاری قابل توجه هستند و دوم فرم و پترن‌ها، با تمامی آثار تاریخی این موزه در تمامی خاص قرار گرفته است. همچنین بررسی موزه‌ی آبیگینه، از جهت وفاداری طراح اتریشی به ارزش‌های بومی ایران، به عنوان یک رویکرد پست‌مدرنیستی دارای اهمیت است. درباره‌ی مصالح و رنگ به کار رفته، نکات زیر رعایت شده است:

- استفاده از رنگ سبز که یادآور ثبات عقیده، نماد حیات، جاودانگی و تقدس در فرهنگ و خرده فرهنگ ایرانی است و استفاده از پارچه‌ی چرم که حس زنانه رسمی را برای بازدیدکنندگان القا می‌کند.
- استفاده از سنگ کرم که بازمانده‌ی حس رسمی کاملاً مردانه در کنار پارچه‌ی سبز است و می‌تواند به انبساط فضا، مکث و حضوری طولانی در آن کمک کند.
- استفاده از چوب، به عنوان قدیمی‌ترین مصالح ساختمانی موجود در طبیعت و عنصری گرم و پویا که حس اصالت و بودن را القا می‌کند.





جواهر فروشی گلستان

طراحی، نظارت و اجرا: شرکت کارناکو

(رضا عامریان، محسن تاجیک، علیرضا حسنعلی، محیا قنبری، سارا خسروی پور)

این پروژه در بخش شمالی شهر تهران که ساکنان آن اغلب از طبقه‌ی ثروتمند شهر هستند و در مرکز خرید نوسازی که به سبک نئوکلاسیک طراحی شده، قرار گرفته است. معماری غالب این بخش از شهر به سبک نئوکلاسیک و التقاطی است، از این رو سعی کردیم از نظر فرمی مدرن، ولی با اصول زیباییشناسی کلاسیک طراحی کنیم. هندسه و جزئیات ویژگی‌های برجسته‌ای هستند که در طراحی جواهر و معماری کلاسیک به صورت مشترک مشاهده می‌شوند، از این رو کانسپت کار در دو بخش طراحی شد. بخش اول پوسته‌ای سیال، ساده و سفیدرنگ است که با هندسه‌ی خط و خم طراحی شده و بخش دوم، صفحات استیل پانچ شده‌ای است که جزئیات بالایی دارد. پوسته‌های سفیدرنگ با خلوص و سادگی خود، زمینه را برای جلب توجه بیشتر خریداران به ویتزین‌ها فراهم می‌کنند. به علاوه این پوسته‌ها، به طور همزمان نقش دیوارها، سقف و کف را ایفا کرده و فضاهای مختلف را تعریف می‌کنند. تبدیل شدن تدریجی کف به دیوارها با ایجاد کشش بصری، زمینه را برای ترغیب خریداران به استفاده از فضای تست جواهرها فراهم می‌کند. پوسته‌ها از دو بخش اصلی تشکیل شده‌اند که با اختلاف ارتفاع از یکدیگر جدا شده و علاوه بر تفکیک فضاها به خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی، ترکیب هندسی جذابی را نیز تشکیل داده‌اند.

ویتزین‌ها به عنوان اصلی‌ترین بخش باید دارای بیشترین جذابیت باشند، از این رو از متریال استیل طلایی مات به دلیل درخشش و رنگ خاص آن استفاده شد. برای افزودن جزئیات بیشتر به ویتزین‌ها طرح‌واره‌ای از بافت طبیعی سنگ‌های قیمتی بر روی صفحات استیل پانچ شد و با تابش نور از پشت صفحات استیل، طرح پانچ شده جذاب‌تر گردید. طراحی و ساخت مانکن‌ها مرحله‌ی نهایی در جذب خریداران بود. فرم کلی پیکر مانکن‌ها به صورت انتزاعی بوده و بسیاری از جزئیات فیزیکی آن حذف شده تا توجه مخاطب بیشتر به جواهر جلب شود. استفاده از خطوط اصلی و زیبای بدن و دو رنگ سفید و سیاه برای جذابیت بیشتر در کنار استیل‌های طلایی، اجزای اصلی کانسپت مانکن‌ها را شکل می‌دهد. این مانکن‌ها در سه مقیاس متفاوت برای ارائه‌ی کامل انواع جواهر طراحی شده‌اند.

سازه: از محدودیت‌ها در این طرح، عبور کانال تأسیسات از بخشی از سقف مغازه بود که برای حفظ یکپارچگی فضای، ما را ناچار به انتقال سازه‌ی نگهدارنده به ارتفاع زیر کانال تأسیسات می‌کرد. این محدودیت باعث شد تا شرایط برای کار در فضای بالای سقف مهیا بوده و این امکان را فراهم آورد تا علاوه بر مخفی کردن تأسیسات فنی و دیتیل‌های ویتزین، بخشی از فرم پوسته‌ها را نیز از سقف مهار کنیم و آزادی عمل بیشتری در طراحی فرم پوسته‌ها داشته باشیم. از این رو برای ایستایی فرم پوسته‌ها از یک شبکه‌ی فلزی که به کمک دستک‌هایی به سقف اتصال دارند، استفاده شد. برای ساخت خود پوسته‌ها نیز، ریل‌هایی در تمام طول لبه‌ها از جنس قوطی فلزی اجرا و در نقاطی که خارج از دید ناظر باشد، به شبکه‌ی فلزی سقف اتصال داده شده است. دو لبه‌ی پوسته با شبکه‌ای از میلگرد به هم متصل و در نهایت با توری فلزی و اندود گچ و رنگ پوشیده شده است. سازه‌ی ویتزین‌ها نیز به طور مجزا از پوسته‌ها ساسی‌کشی شده و در نقاط مورد نیاز به شبکه‌ی فلزی سقف اتصال داده شده است.

تأسیسات: تأسیسات مکانیکی طرح از نوع فن کوئل سقفی با موتورخانه مرکزی پاساژ بوده که اجزای مربوطه به همراه لوله‌های انتقال، همگی در سقف کاذب پنهان و از طریق دریچه‌ی خطی سرتاسری، با فضاها مرتبط شده‌اند. تأسیسات الکتریکی و مکانیکی مورد استفاده نیز، به وسیله‌ی تجهیزات هوشمندسازی ساختمان کنترل و عملکردشان قابل برنامه‌ریزی و بهینه‌سازی است.

همکاران اجرایی: بهنام معیریان، بابک بهزادی، صنایع چوبی ماهون (سعید نوری)، شرکت نارین تک فرتاک (فرزاد رحیمی، مراد توماچ) **اتوماسیون ساختمان:** گروه هوشمندسازی کارناکو (فرزاد پور شوروی، پویان مددی، مزده مهین‌دوست) **عکس:** استودیو دید (مسیح مستاجران، حکیم حمادی)

کارفرما: سید محمدجواد گلستان **محل پروژه:** تهران، زعفرانیه، بعد از میدان الف، به سمت غرب، مجتمع تجاری پیرامید، طبقه‌ی دوم، جواهرفروشی گلستان **سطح زیربنا:** مساحت پروژه ۶۶ مترمربع، با ارتفاع کف تا سقف ۴ متر و بدون بازشو است. **تاریخ شروع پروژه:** ۱۳۹۲/۹/۲ **تاریخ پایان طراحی:** ۱۳۹۳/۱۰/۲۸ **تاریخ پایان ساخت:** ۱۳۹۴/۴/۲۵ **کاربری بنا:** این واحد تجاری در طبقه‌ی دوم پاساژی نوساز در محله‌ی زعفرانیه و با کاربری فروش جواهر و طلا می‌باشد.

پست الکترونیک: info@karnko.com

سایت: www.karnko.com



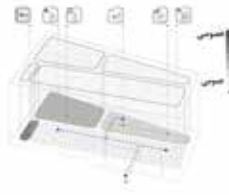
جایگذاری فضاهای خدماتی و امکانات تاسیساتی در یک امتداد



ایجاد دسترسی فضاها به یکدیگر با دوران پوسته‌ها و برداشتن بخش‌های اضافی



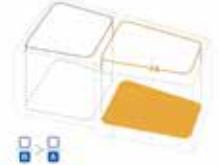
ارتباط بصری فضای نمایشگاه با ویترین‌های جداگانه و ایجاد فرمی سیال و جذاب با دوران ۹۰ درجه‌ای از یک طرف



ایجاد سلسله مراتب دسترسی به فضاها به دلایل امنیتی جواهر فروشی



بهینه‌سازی نسبت جداره‌ی نمایشگاهی به مساحت محدوده‌ی فضاها با همنشینی طولی در کنار یکدیگر



فروشگاه کفش کودک آرمن

طراحان: جواد الهقلی، مجتبی ثابت فرد، رامتین حق نظر، خشایار شفق، دنا شمس الهی، فرنوش عشقی، الهام علیمردانی، احسان فاتحی فر، پارسا کرمانیان، محمدحسین کشفی، مصطفی لطیفی، مرضیه مؤذنی، الناز ناصحی، فرناز نظری، سید سعید هاشمی، مریم طوسی، مهیا بهرامی، مهشید مقدسی، سارا کرمانیان، مصطفی کرباسی (استودیو معماری آرخه)

پروژه: زنجان، خیابان سعدی شمالی، روبروی در
ورودی توزیع برق استان زنجان، پلاک ۲۱۸
تاریخ اجرا: تیر تا شهریور ۱۳۹۴
زیربنا: ۳۰ مترمربع

پست الکترونیک: arxe.co.op@gmail.com
سایت: www.arxecoop.com

این مغازه کوچک، به وسعت ۳۰ مترمربع، پیش از مداخلات، دارای کاربری تهیهی غذا بوده است. مغازه دارای ارتفاعی بلند و نیم طبقه‌ای بود که دسترسی به آن از طریق پله‌ی فلزی گردی انجام می‌شد. کل فضای مغازه یک فضای واحد را تشکیل می‌داد که در آن، نیاز به فضاهای خدماتی و انبار احساس می‌شد. وسعت کم فضا باعث شده بود تا بهره‌بردار قبلی، کوچک‌ترین سطوح خرد باقیمانده‌ی میان عناصر فضایی را مستقیماً به فضای اصلی ملحق کند. این امر، فضایی واحد، اما فاقد یکپارچگی را ایجاد کرده و طراحی پیشین بنا، امکان استفاده‌ی بهینه از فضای محدود را فراهم نمی‌کرد.

این ساختمان دارای فرصت‌های مختلفی برای بهره‌برداری در طراحی بود. ارتفاع بلند قسمت مجاور خیابان، امکان نصب تجهیزات مختلفی را فراهم می‌کرد و ارتفاع کوتاه قسمت پشتی، طراحی متناسب با ابعاد کودکان را فراهم می‌نمود و این تغییر ارتفاع، تنوعی را در فضای محدود ایجاد می‌کرد. موقعیت پروژه در بافت مسکونی و امن برای کودکان و همچنین در میان فروشگاه‌های لباس و وسایل کودکان متناسب با کاربری انتخابی بود.

طراحی فروشگاه با ایده‌ی ایجاد فضا، به مثابه بازی صورت گرفته است. پس از تحلیل نظرات کارفرما در مورد آینده‌ی ساب‌برند کفش کودک، در آغاز، گزینه‌هایی با استراتژی‌های مختلف طراحی شد. در پیشبرد گزینه‌ها به مباحث روان‌شناسی کودک توجه شد و نحوه‌ی رفتار کودک در فضا مورد مداخله قرار گرفت. پس از چندین جلسه نقد و بررسی گروهی ایده‌ها به همراه کارفرما، ایده‌ی ایجاد یک مکانیسم بازی‌گونه در فضا تأیید گشت، به طوری که برای جلوگیری از ایجاد مزاحمت با فرایند خرید، تا حد امکان ساده باشد، به سرعت عمل کرده و در روند بازدید و خرید مشتری‌های دیگر خللی ایجاد ننماید.

یکی از ساده‌ترین و کارآمدترین محرک‌ها برای جلب توجه کودک ایجاد صدا است. کودکان از سنین بسیار پایین و حتی پیش از تولد، نسبت به صداها واکنش نشان می‌دهند و کشف روند علی و معلولی تولید صدا برای آنها بخشی از توسعه‌ی شناختشان نسبت به جهان پیرامون محسوب می‌گردد. بر این اساس، ایده‌ی تولید صدایی مطبوع با یک فرایند مکانیکی که با حرکت‌های طبیعی حین خرید تولید می‌گردد، ایده‌ی اصلی در نظر تعیین گشت. برای این منظور، از متریال بامبود استفاده شد، زیرا ماده‌ای ارگانیک است که علاوه بر ایجاد صدای دلنشین، فضایی صمیمی و گرم را برای مواجهه با کودکان ایجاد می‌نماید. در طراحی نیز، عناصری خطی از این جنس با طول‌های مختلف، فرم موجی را در مرکز پروژه ایجاد کرده‌اند که در تضاد با جداره‌های سفید و ساده، جذابیت بصری ویژه‌ای را به فضای داخلی می‌دهد. با کشیدن هر کفش، نقطه‌ای متفاوت از سطح بامبود شروع به نوسان و ایجاد صدا نموده و موجی نرم بر سطح آن ایجاد می‌شود.

هدایت نیروی مکانیکی کفش‌های آویخته توسط قرقره‌ها به مرکز کار، به طور طبیعی، شکلی مثلثی را در زیر سقف ایجاد کرد که به خانه‌های نقاشی‌های کودکانه شباهت دارد. این قاب، همزمان با ایجاد ساختار فرمی پروژه، امکانات جالب دیگری را به وجود آورده که از آن جمله می‌توان به مدول طراحی محل نمایش اجناس و سازی آویز تاب‌ها – که برای پرو کفش استفاده می‌شوند – اشاره نمود. همچنین فرم مثلثی بالای کار، با دو خط مورب در انتهای مغازه تکمیل شد تا در دید ناظر بیرونی آرام‌برند آرمن ایجاد گردد.

به‌طور کلی در طراحی جدید، قسمت نیم طبقه به عنوان فضای انبار، از فضای اصلی با دیواری صلب تفکیک شده است. برای تأمین یکپارچگی فضا، تمام شکستگی‌ها و ناصافی‌های دیوار اصلاح گشت که این عمل، امکان تعبیه‌ی فضاهای مختلفی را برای نمایش و نگهداری محصولات، عبور تأسیسات و خدمات مورد نیاز مغازه فراهم کرد.



با الهام از جعبه‌های آویزی کودکان سازه ای متشکل از بامبو برای بخش فوقانی فضا طراحی شد تا علاوه بر ایجاد حرکت فرمی در داخل فضا تناسی کننده‌ی اسباب بازی‌های دورن کودکی خریداران باشد.



۱

در ایجاد سازه ای که داخل کاز محاط شده است از فرم خانه در نقاشی کودکان استفاده شد. هدف از این کاز استفاده از یک فرم آشنا برای کودکان و ایجاد احساس صمیمیت برای آنان بود.



۲

پس از حذف عناصر نامطلوب در فضا کلیه دیوارها سقف و کف از ابتدای طراحی شدند. در طراحی گوشه‌ها قائمه در نظر گرفته شدند تا تناسبی‌های فضا از بین برود. در نهایت فضا به یک باکس سفید راست گوشه تبدیل شد.



۳

قبل از شروع طراحی فروشگاه از وضعیت نامطلوبی برخوردار بود. در اولین قدم پله‌های گرد انتهای فروشگاه که دسترسی به انبار را مهیا می‌کرد و سایر عناصر و جزئیات نامطلوب فضا حذف شد.



۴

در روانشناسی کودک معلق بودن اشیا در هوا آن را از هر جهت قابل لمس می‌کند. این قابلیت برای کودکان همچنان انگیز بوده و به عنوان مشوق و محرکی برای تجربه کردن شیء عمل می‌کند.



۵

ساختار ایجاد شده پس از طراحی کلیت سازه و ترکیب آن با بهترین‌ها، ساختاری ست که خانه‌های چوبی پیش ساخته را برای انسان ندایی می‌کند.



۶

آرم برند آرتمن را ۲ مثلث شکل داده است. سازه‌ی اصلی به شکل خانه مثلث بالایی این آرم را در خود داشته و به وسیله ی ۲ صفحه یا خط مورب در انتهای فروشگاه مثلث پایینی نیز ایجاد شده است. این خطوط از بیرون فروشگاه آرم فروشگاه را ندایی می‌کنند.



۷

بامبو یکی از مصالح سازه‌ای سنتی است که با اندازه‌های متفاوت صداهای متنوعی را ایجاد می‌کند. از حرکت بامبوها صدایی در فضای فروشگاه تولید می‌شود که برای کودکان جذاب و هیجان انگیز بوده و آنها را به حرکت در فضا و دیدن کشش‌ها تشویق می‌کند.



۸

فست فود دکتر کالری

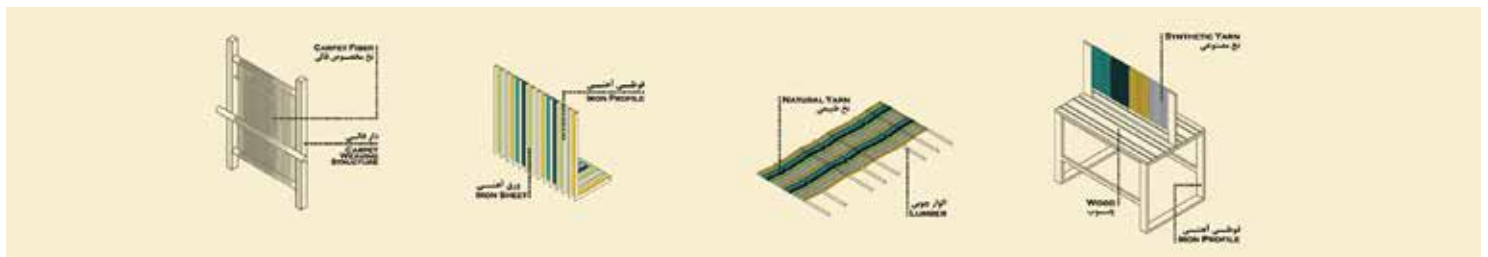
طراح: الهام سلطانی

محل پروژه: اصفهان، خیابان مرداویج
 سطح زیربنا: ۳۹ مترمربع
 تاریخ اتمام پروژه: ۹۴/۱۱/۱

پست الکترونیک: soltany.elham@gmail.com

هدف کارفرما از اجرای این پروژه، پذیرایی از مشتریان، در فضایی گرم و صمیمی در مدت زمانی محدود، با غذاهایی از مواد اولیه سالم و با کالری مشخص بیان شد. ساختمان اولیه، بنایی دو طبقه با اسکلت فلزی و مصالح بنایی، مربوط به ۳۰ سال پیش بود که تا حد دیوارکشی اجرا شده و به صورت نیمه‌کاره باقی مانده بود و تنها، قسمت تجاری آن با کاربری سوپر میوه و سبزیجات و مساحت حدود ۳۹ مترمربع مورد استفاده قرار می‌گرفت.

ساختمان، در خیابانی دوطرفه در یکی از محله‌های جدید شهر اصفهان، یعنی محله مرداویج قرار دارد که اکثر رفت‌وآمدهای آن به صورت ماشینی، و نه پیاده، صورت می‌گیرد، پس باید برای مخاطبینی که با سرعت زیاد از آنجا عبور می‌کنند، جلب توجه نموده و یک جریان و فضای پیوسته‌ای را از بیرون به درون ایجاد نماید. ساختمان اولیه، به دلیل نداشتن نمای مناسب، مخروبه به نظر می‌رسید و به همین دلیل، با توجه به تأثیر آن بر روی نمای قسمت تجاری، تصمیم بر این شد تا با توجه به بدون استفاده بودن قسمت‌های بالایی، نمای آن کاملاً با پلاستر سیمانی پوشانده شود که هم هزینه‌ی کمتری داشته و هم با قسمت‌های دیگر طرح هماهنگی یابد. در مورد فضاهای داخلی نیز تصمیم گرفته شد تا با توجه به ضوابط شهرداری، قسمت تجاری آن برای پذیرایی از مشتریان و قسمت پارکینگ، به عنوان آشپزخانه مورد استفاده قرار گیرد که این دو فضا با شیشه از هم جدا می‌شوند. با توجه به ابعاد محدود زمین (در حدود ۳۹ مترمربع)، استفاده‌ی حداقلی از فضای موجود و به کار بردن مصالح سبک برای طراحی، از عوامل اصلی به شمار می‌آید تا هم فضای داخلی بزرگ‌تر جلوه کرده و هم هزینه‌ی کمتری را در بر داشته باشد. از طرف دیگر، در این پروژه که نیازمند فضایی گرم و صمیمی است، به کار بردن یک پالت غنی از مواد و رنگ‌های طبیعی، پوشش گیاهی سرسبز، مبلمان سرزنده و نورپردازی مناسب، می‌تواند ارتباطی عمیق میان تجربه‌ی خوردن غذا با محیط پیرامون به وجود آورد تا با ورود مخاطب به داخل فضا، احساسات مثبت مربوط به گذران اوقات فراغت در او زنده شود. ایده‌ی اصلی طرح برگرفته از فرش ایرانی، ساختار تشکیل‌دهنده‌ی آن و بزرگ‌ترین منبع الهامش، یعنی طبیعت می‌باشد. طرح، متشکل از نوارهایی با رنگ‌های اصیل ایرانی است که از نمای بیرونی شروع شده و در درون با متریال متفاوت ادامه می‌یابد و به این ترتیب، فضای پیوسته‌ای را که تعریف‌کننده‌ی عناصر مختلف تشکیل‌دهنده‌ی طرح از بیرون به درون است، به وجود می‌آورد. قسمتی از نمای بیرونی که مربوط به نوارهای رنگی است، با استفاده از جوش قوطی‌های ۴×۲ و ورق آهنی و با پوشش رنگ مخصوص نما و بخش دیگر آن، با استفاده از پلاستر سیمان و پوشش رنگ مخصوص نما اجرا شده است. برای نوارهای رنگی در درون فضا نیز، نخ‌های پنبه‌ای قالیبافی و روش چله‌کشی به کار رفته است. در این پروژه به دلیل سختی اجرا، تارهای فرش را به جای آن که بر روی دار قالی بچرخانند، ابتدا بر روی زمین آماده کرده و سپس تارهای آماده شده را بر روی دار قالی در سقف اجرا گردید. مصالح به کار رفته در کلیه‌ی اجزای پروژه، چوب، قوطی و نخ می‌باشد. پوشش دیواره‌ها، میزها، صندلی‌ها، آتریوم و نیز چراغ‌ها با استفاده از چوب، پایه‌ی میزها و صندلی‌ها با بکارگیری قوطی آهنی و قسمت‌های رنگی نیز با استفاده از نخ‌های طبیعی و مصنوعی اجرا گردیده است. نخ‌های سقف از جنس نخ پنبه‌ای طبیعی قالیبافی و نخ‌های صندلی‌ها بوده که به منظور نیاز به مقاومت بیشتر، از جنس نخ مصنوعی‌ای که در بازار به «قیطون ماکارونی» معروف است، می‌باشد.



طراحی داخلی و نمای شوروم مرکزی سرامیک البرز

طراح: آرش مدنی

مدیر اجرایی: ایرج سمیاری
 کارفرما: شرکت سرامیک البرز (فروشگاه برادران طباطبایی)
 محل پروژه: تهران، خیابان بنی‌هاشم، نبش بن‌بست پیمان،
 فروشگاه سرامیک البرز
 سطح زیربنا: ۸۰ مترمربع
 تاریخ اجرا: شهریور تا آبان ۱۳۹۴

پست الکترونیک: arshiform@gmail.com
 سایت: www.arashmadani.design

کلید اولیه‌ی این پروژه در آنجا زده شد که شرکت سرامیک البرز تصمیم به یکسان‌سازی طراحی نما و فضای داخلی شعب فروشگاه‌های خود در سراسر کشور گرفت. در اولین گام برای این اقدام، فروشگاه طباطبایی (فروشگاه مرکزی این شرکت) محلی جهت نمایش و فروش کلیه‌ی محصولات سرامیک شرکت البرز در نظر گرفته شد. خواست اصلی کارفرما، جلوه‌ی ویژه و منحصر به فرد این فروشگاه در خیابان بنی‌هاشم، از قطب‌های اصلی فروش کاشی و سرامیک تهران بود. چالش‌های پیش روی ما در این پروژه عبارت بود از:

۱. همخوانی طرح با معماری ایرانی (به جهت اجرا در تمام نقاط کشور) در عین مدرن بودن

با توجه به سابقه‌ی دیرینه‌ی هنر سرامیک در ایران و خواست کارفرما مبنی بر اجرای پروژه در تمام نقاط کشور، همخوانی طرح با معماری ایرانی در عین مدرن بودن آن، به جهت هماهنگی با فضاهای شهری امروزی، یکی از دغدغه‌های اصلی ما در طراحی این پروژه بود.

۲. قابلیت تطابق طرح با ابعاد و پلان‌های مختلف

به دلیل اجرای طرح در تمام فروشگاه‌های سرامیک البرز در نقاط مختلف کشور و یکسان نبودن پلان تمامی این فروشگاه‌ها، نیاز به طرحی بود که امکان اجرای آن، فارغ از شکل و ابعاد پلان فراهم بوده و در عین حال، تداعی کننده‌ی طرحی واحد باشد.

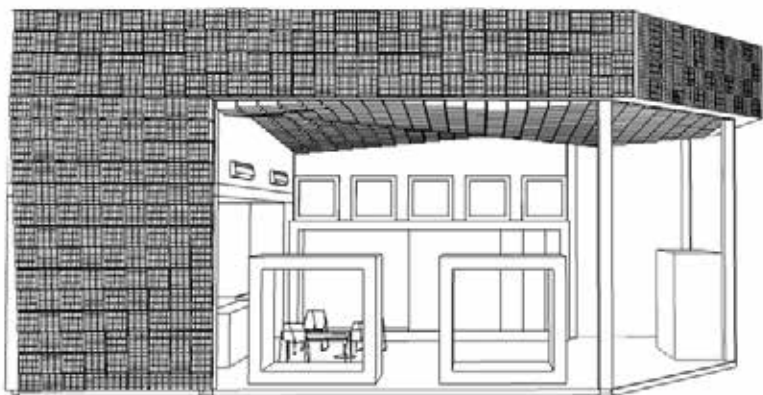
۳. طراحی نورپردازی صحیح و مناسب

به جهت نمایش دقیق و معرفی هرچه بهتر محصولات، نورپردازی این پروژه از حساسیت خاصی برخوردار بود. استفاده از رنگ‌بندی خنثی ضمن فراهم آوردن این بستر، در تأمین حس و حال مدرن فضا مؤثر واقع شد.

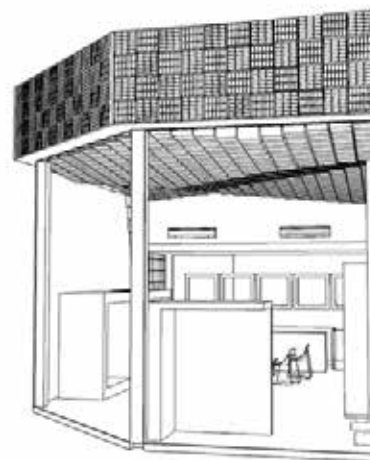
۴. هماهنگی طرح با محصولات شرکت

۵. سرعت اجرای طرح

برای دستیابی به این موارد و همچنین با در نظر داشتن مترتال مناسب و روش اجرایی مقرون به صرفه، کاشی‌های مینیاتوری سرامیک البرز، که مهم‌ترین تولید این مجموعه است، به عنوان کانسپت و سبک پارامتریک در نظر گرفته شد. به این ترتیب تمامی پروژه (فضای داخلی، نما، کانتور و ویتزین)، با مدولی واحد (مکعب) به صورت ریتمیک و تکرار شونده به اجرا در آمد.



نمای جنوب



نمای شرقی



فروشگاه سیسمونی دنیای کودک

طراحان: سروش روغنیان، صادق حقیقی (دفتر معماری شباهنگ)

همکاران طراحی: نیما میرزایی، لیلی اسدیگی،

الهه موسوی

گروه چیدمان: هدی امتیاز، مونا امتیاز، شکیبا ماشینی

مجری طرح: صادق حقیقی، محسن کلانتری

(دفتر معماری شباهنگ)

عکس و فیلم: گروه تبلیغات دوچرخه، سازنگ فرزامفر،

حسام معتمدی

محل پروژه: اصفهان، خیابان فلسطین

سطح زیربنا: ۴۸۰ مترمربع

ریز فضاها: همکف (فضای نمایش محصولات، صندوق،

انبار، آسانسور، سرویس بهداشتی)، نیم طبقه (فضای

نمایش محصولات) و طبقه اول (فضای نمایش محصولات،

مدیریت، انبار، آسانسور)

تاریخ اجرا: پاییز و زمستان ۱۳۹۴

پست الکترونیک: soroosh7@yahoo.com

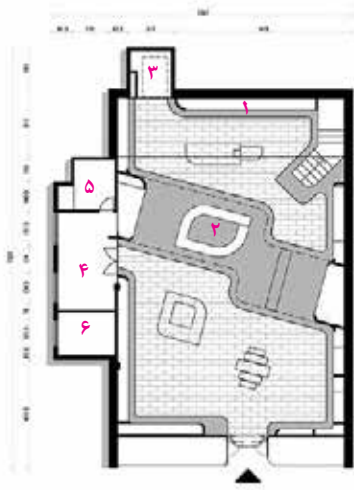
سایت: shabahng-office.com

پروژه فروشگاه سیسمونی دنیای کودک، در خیابان فلسطین شهر اصفهان واقع شده است. اغلب کاربری‌های این خیابان، به کاربری‌های تجاری پیرامون حوزه‌ی کودک اختصاص دارد. مساحت پروژه، ۴۸۰ مترمربع است که در دو طبقه‌ی ۲۲۰ مترمربعی و یک نیم طبقه‌ی ۴۰ مترمربعی تقسیم می‌شود. فروشگاه، قبل از آن نیز کاربری تجاری داشته، اما به دلیل اینکه فاقد ریزفضاهای مناسب بوده است، کارفرما درصدد بازسازی آن بر آمده تا فضای نابسامان فروشگاه، براساس نیازهای جدید کارفرما سامان یابد.

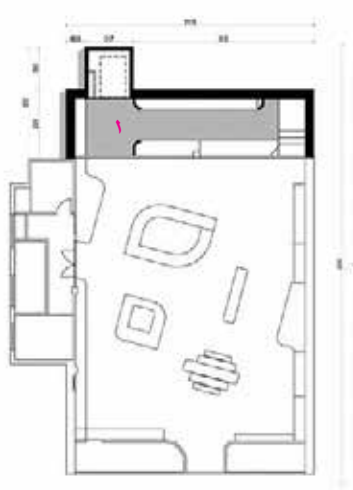
اولین گام در طراحی، ساماندهی وضعیت نابسامان و ایجاد فضاهایی مناسب برای نمایش محصولات بوده است؛ محصولاتی که دارای ابعاد گوناگونی است. از این رو، به برنامه‌ریزی پیرامون چیدمان این اجناس، هم از نظر ابعاد و هم با توجه به نیاز مخاطب پرداختیم و فروشگاه را در دو طبقه و یک نیم طبقه ساماندهی کرده‌ایم؛ طبقه‌ی همکف (وسایل پرکاربرد، وسایل بهداشتی و لباس کودک)، نیم طبقه (کالای خواب) و طبقه‌ی اول (کالسکه و کریر).

در روند طراحی، هرچه به کانسپت و ایده‌ای خاص نزدیک می‌شدیم، پیاده‌سازی آن در فضا، ما را از نحوه‌ی ارائه‌ی محصولاتی که مورد نظر کارفرما بود، دور می‌کرد، به همین سبب سعی کردیم تا سناریوی حرکتی را براساس چیدمان محصولات بنویسیم؛ کالاها به دیوارها انتقال پیدا کرد تا فضای میانی به فضایی برای حرکت تبدیل شود. فضای حرکتی برای تکمیل فرایند خرید، نیاز به مکث داشت، پس فضای مکث به فضای بین نمایش و حرکت راه یافت. کالبدی در حال شکل‌گیری بود که می‌بایست کالاهایی با تنوع رنگی فراوان را در خود جای می‌داد، به همین سبب رنگ سفید را به عنوان رنگ خنثی که دربرگیرنده‌ی محیط باشد، برگزیدیم و عنصر صندوق که معمولاً عنصری کم‌اهمیت در فضاهای تجاری است را به عنوان شاخصه‌ی فضای مکث در میانه‌ی فضای کلی قرار دادیم و با ایجاد گرافیکی ساده، سعی در شاخص کردن فضاهای نمایش کردیم.

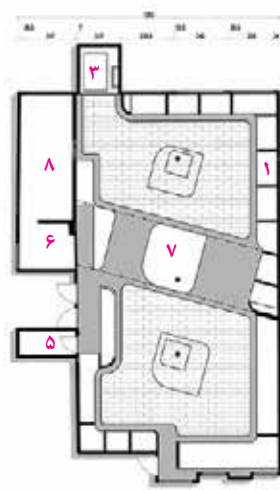




پلان طبقه ی همگف



پلان نیم طبقه



پلان طبقه ی اول

۱. فضای نمایش محصولات ۲. صندوق ۳. آسانسور ۴. انبار ۵. سرویس بهداشتی ۶. آبدارخانه ۷. فضای نمایش کالای خاص ۸. مدیریت



املاک ۳×۵

طراحان: رسول فرخی، امین بنداریان (گروه معماری اتمسفر)

این پروژه به مساحت ۱۵ مترمربع در خیابان امام رضای مشهد، در بافت مجاور حرم واقع شده است. براساس پروسه‌ی رسیدن به طرح در گروه، ابتدا جلسه‌ای با کارفرما گذاشته شده که در آن مخاطب‌شناسی (کارفرما) و شناخت نیازها و خواسته‌های وی از فضا شناسایی و اولویت‌بندی شد. دغدغه‌ی اصلی کارفرما، کوچک بودن فضا (از نظر بصری و عملکردی) و دیده نشدن در بافت شلوغ و آشفته‌ی مجاور با توجه به کاربری تجاری بوده است.

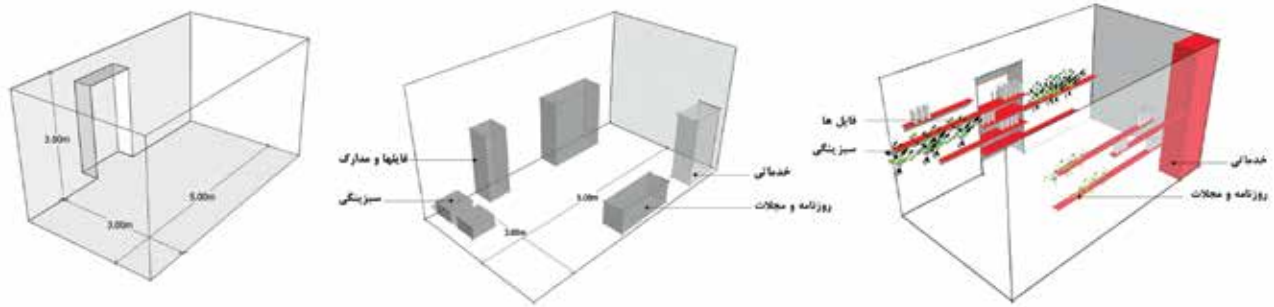
با توجه به ابعاد فضا و دغدغه‌های کارفرما، فضاهای عملکردی مورد نیاز – فایل‌ها و مدارک، خدماتی، روزنامه و مجلات، سبزی‌نگی، گاوصندوق و مانند آن – به دیوارها متصل شد تا در وسط، فضایی خالص و یکپارچه (بصری-فضایی) داشته باشیم. همچنین برای رسیدن به اهداف بصری و زیبایی‌شناسی از یک شبکه‌ی مدولار (پوسته‌ی) سفیدرنگ استفاده شده که این لایه در جلوی فضاهای عملکردی قرار گرفته و براساس عملکرد زیر لایه‌ی خود تغییر شکل داده است. در طراحی این پروژه، سعی در خلق فضایی متفاوت و درعین‌حال دارای خلوص و یکپارگی فضایی و بصری شده است.

پوسته‌ای که علاوه بر تأمین اهداف بصری، نیازهای عملکردی را پاسخ داده و حتی سازماندهی کرده است. در واقع عامل اصلی دیده شدن (جلب توجه مخاطب)، نحوه‌ی برخورد متفاوت با طراحی این چنین فضایی است. راه حل ارائه شده، نتیجه‌ی دیالوگ خواسته‌های کارفرما (نیازهای عملکردی-بصری) و محدودیت‌های پروژه بوده که به رویکردی متفاوت در برخورد با حل مسئله رسیده است.

اجرا: رسول فرخی، امین بنداریان
 تیم اجرایی پروژه: وحید غشلاخی، مهرداد آذری
 عکاس: آرون شاکری
 کارفرما: اسماعیل محرابی
 محل پروژه: مشهد، خیابان امام رضا، ضلع جنوبی بازار رضا،
 کوچه‌ی شمشاد، پلاک ۱۶۷
 نوع پروژه: بازسازی، طراحی داخلی
 تاریخ اجرا: فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵
 سطح زیربنا: ۱۵ مترمربع

پست الکترونیک: rasool.farokhi@yahoo.com





فروشگاه افشار

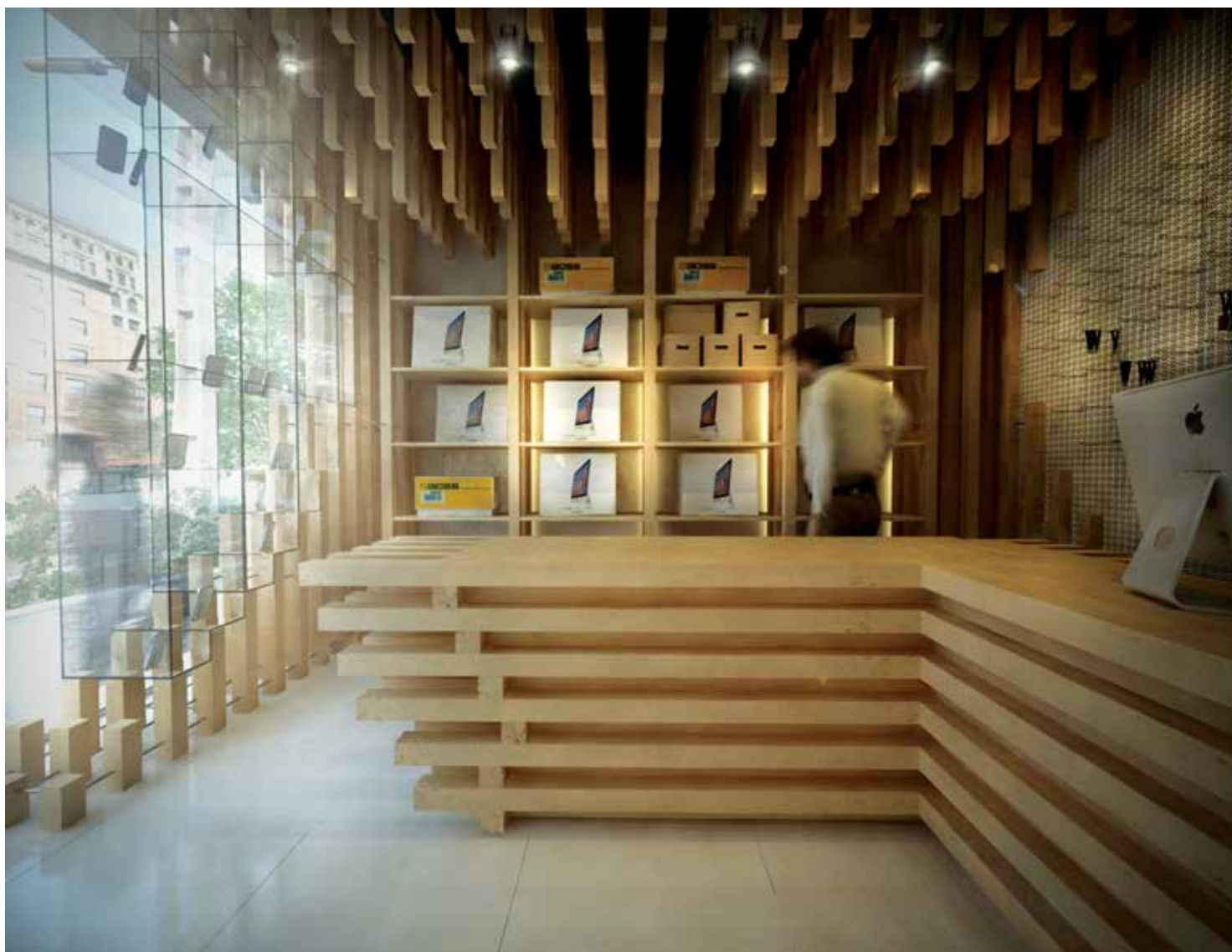
طراح: وحید زلفی

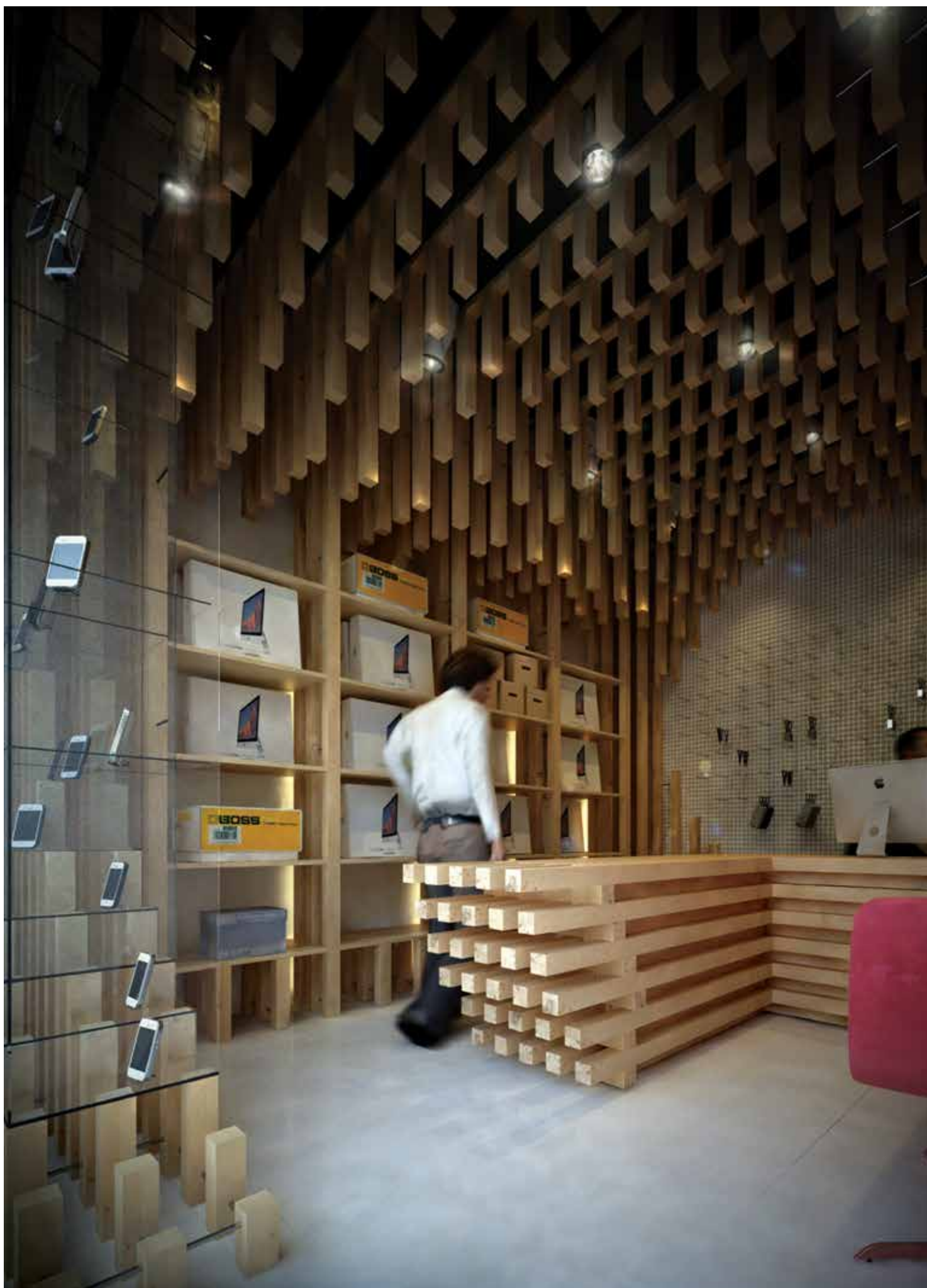
گروه طراحی: آدورین

پست الکترونیک: itexsrl@gmail.com

فروشگاه افشار در ابتدا فروشگاه فروش قطعات سخت‌افزار رایانه بود. بر طبق خواسته‌ی کارفرما قرار بر اضافه کردن بخشی برای فروش تجهیزات جانبی تلفن همراه، در عین تغییرات ظاهری گردید که برای این امر، ویتزین فروشگاه و دیوار پشت آن در نظر گرفته شد. در ابتدا کارفرما اصرار بر استفاده از ترکیب رنگ کرم در کنار رنگ سفید را داشتند که در نتیجه‌گیری نهایی، بکارگیری چوب روسی در کنار رنگ سفید دیوارها مورد تأیید قرار گرفت و باعث به وجود آمدن طرح نهایی گردید.

یکی از نکات رعایت شده در طراحی ویتزین فروشگاه، توجه به این مسئله بود که طرح پیشنهادی در عین استفاده و کاربرد مناسب، مانع دیدن نمای داخلی فروشگاه نشود و این امر، منجر به طراحی یک ویتزین شفاف از جنس شیشه گردید که از نمای بیرونی، گویی توسط فرمی سیال از چوب‌های روسی در آغوش کشیده شده است. فرم کلی طراحی از مجموع ۳۸۵ قطعه‌ی چوب روسی تشکیل شده است که با قرارگیری در کنار هم، فرمی سیال با حرکتی از پایین فروشگاه تا سقف را دنبال می‌کند. قرارگیری قطعات چوبی استفاده شده با یک فرم پارامتریک، حس حرکت را در بیننده القا کرده که باعث پویایی طرح شده و در عین حال، افرادی که از این فضا استفاده می‌کنند را به تلاش و تکاپو وامی‌دارد. به دلیل کمبود فضا برای قرارگیری قطعات جانبی تلفن همراه، دیوار انتهایی فروشگاه با یک ورق فلزی پانچ پوشانده شد تا به صورت آویز، نگهدارنده‌ی قطعات کوچک باشد. برای ایجاد هماهنگی، طراحی حتی میز فروش نیز با قرارگیری چوب‌های روسی در کنار هم شکل گرفت تا فرمی مناسب با طراحی کلی فروشگاه داشته باشد.





فروشگاه سیاتیری / تیرازه

طراح: وحید زلفی

گروه طراحی: آدورین

پست الکترونیک: v.zolfi@yahoo.com

آهن، ماده‌ای با قابلیت‌های بسیار زیاد در طراحی است که از تغییراتش می‌توان به فرم‌ها و اشکال زیاد، در عین استحکام دست پیدا کرد؛ قابلیت‌هایی که باعث راحتی استفاده‌ی آن در طراحی‌های خاص مانند قابلیت خمش، پرداخت و غیره می‌شود. در فروشگاه سیاتیری واقع در مرکز خرید تیرازه که فروشگاه فروش پوشاک زنانه می‌باشد، ابتده ایده‌ی لوور شدن قوطی‌های آهنی بر روی دیوار مطرح شد که از دو مزیت مهم برای کارفرما برخوردار بود: اول اینکه کارفرما برای چیدمان فروشگاه به طبقاتی طویل در عین ظرافت نیاز داشت که باید استحکام آن نیز تأمین می‌شد و مورد دوم تأمین نورپردازی متنوع برای داخل فروشگاه بود که فرم لوور شدن قوطی‌ها باعث می‌شد تا فضای خالی بین آنها، نورپردازی دیوار پشت‌شان را به خوبی به نمایش گذارد.

طراحی نورپردازی فروشگاه متشکل از پنج خط مجزا با قابلیت دسترسی و کنترل بی‌سیم بوده که به صورت جداگانه قابل تغییر می‌باشد. برای نورپردازی دیوارهای جانبی از وال واشرهای یخی استفاده گردید که در عین ایجاد حس معلق بودن طبقات و لباس‌ها روی دیوار، به تبدیل کردن فضا به محیطی آرامش‌بخش کمک می‌کند. نورپردازی داخل میز فروش و دیوارهای کناری به تنهایی باعث به وجود آمدن ظاهری نورانی برای جلب توجه بیننده تا انتهای راهروی روبرویی می‌گردید.

کف فروشگاه که قبل از طراحی و بازسازی، ظاهری نامناسب داشت، با پوششی از سنگ امپرادور روشن اسپانیایی پوشیده شد که موجب هماهنگی بیشتر میان رنگ سفید و مشکی استفاده شده در داخل فروشگاه گردید؛ استفاده از رنگ سفید و مشکی به صورت رنگ خنثی، زمینه‌ای برای لباس‌های رنگارنگ روی آن بود که موجب نمایش بهتر اجناس روی دیوار می‌شد. طبقات که در بین قوطی‌های فلزی قرار گرفته روی دیوار، ساندویچ شده بود، ظاهری ساده در عین ظرافت و زیبایی را در برداشتند. قسمت آویز لباس که مانند فرم قوطی‌ها در زیر طبقات پنهان شده، باعث یکپارچگی طرح می‌شود و در عین حال، فضای زیادی را برای آویز لباس در اختیار کاربران فروشگاه قرار می‌دهد.





لابی و پارکینگ ساختمان مسکونی صدرا

طراحان: محمود ابراهیمی، علی بهمنیار

محل پروژه: کرمان، خیابان شفا، کوچه‌ی ۱۶، پلاک ۱۳
سطح زیربنا: ۲۳۰ مترمربع
تاریخ اجرا: فرودین ۱۳۹۵

پست الکترونیک: phebrahimi@gmail.com

ساختمان مسکونی صدرا در ده طبقه و هشت واحد مسکونی، در یکی از مناطق گرانبیقیمت شهر کرمان واقع شده است. دو چالش اساسی ما در طراحی، ارائه‌ی طرح همخوان با نما، حیاط و سایر قسمت‌های از پیش طراحی شده و درعین حال، به وجود آوردن فضاهای با کیفیت، با توجه به محدودیت‌های موجود در پروژه بود. لابی و پارکینگ به دلیل موقعیتی که نسبت به هم داشتند، در قالب یک پروژه تعریف شده‌اند. به خواسته‌ی کارفرما، فضای لابی می‌بایست به عنوان ورودی ساختمان، یک فضای چشمگیر و منحصر به فرد باشد، از جهتی، فضای در نظر گرفته شده برای لابی، به دلایلی از جمله وجود دیواره‌ی بین پارکینگ و لابی، لوله‌های تأسیساتی موجود در سقف و دیوار برشی بتنی و درب بین لابی و باکس پله، کوچک و محدود شده بود. در اولین اقدام، درب بین لابی و فضای باکس پله به یک گشودگی تبدیل شد تا فضای لابی به فضای باکس پله کشیده شود، سپس پنجره‌ی بزرگ شیشه‌ای بین لابی و پارکینگ طراحی شد تا مخاطب عمق بیشتری از فضا را درک کند. کشیدگی فرم این پنجره، ضمن تقویت حس حرکت به سمت باکس پله، در نقش یک قاب برای صحنه‌ای از پارکینگ ظاهر شده است. دیوار برشی بتنی نیز، با آینه پوشیده شد تا نه تنها احساس محدود شدن و کمبود فضا را به بیننده منتقل نکند، بلکه فضا را فراخ‌تر و عمیق‌تر نشان دهد. کوچک بودن فضا، دلیل موجهی برای نبودن تزئینات اضافی و سعی در بالا بردن خلوص و یکپارچگی طرح بود، بنابراین دیواره‌ی شرقی لابی، سقف کشیده شده تا باکس پله و دیوار شمالی به صورت یک پوسته‌ی یک پارچه از جنس چوب ترمو که متریال غالب استفاده شده در نما و حیاط ساختمان می‌باشد، طراحی شد. به جهت یک پارچه‌تر شدن فضا و وجود محدودیت ارتفاعی ایجاد شده توسط لوله‌های تأسیساتی، سیستم روشنایی به صورت شیارهای توکار طراحی و در کارگاه ساخته شد. این شیارها به صورت تصویری ثابت از یک حرکت فرضی، بیننده را به سمت باکس پله هدایت می‌کند. طراحی پارکینگ از ارتباط بصری بین لابی و پارکینگ شروع شد. دیوار قاب شده توسط پنجره می‌بایست کیفیت بصری لازم را داشته باشد، درعین حال بودجه‌ی مورد نظر کارفرما برای فضای پارکینگ محدود بود. دیوارهای برشی بتنی موجود، گزینه‌ی مناسبی برای یک پس‌زمینه‌ی ساده و زیبا، درعین حال مقاوم و بدون هزینه‌ی اضافی بود. اعداد نشان‌دهنده‌ی محل پارک هر واحد، در یک قاب نورپردازی شده بر روی پس‌زمینه‌ی بتن اکسپوز، در کمال سادگی خودنمایی می‌کنند. این قاب از یک دیواره که عملکرد کم‌درد برای وسایل مورد نیاز در پارکینگ هر واحد را دارد و حریم پارک خودروها را مشخص می‌کند و یک سقف چوبی تشکیل شده است. تیرهای چوبی بین ستون‌های اکسپوز نیز به جهت متمایز کردن محل پارک از مسیر اصلی تعریف شده‌اند.





پروژه‌ی بازسازی هم‌کافه

طراح: امیررضا صاحب

شرکت طراحی: استودیو صاحب
محل پروژه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس
سطح زیربنا: ۱۰۰ مترمربع
تاریخ شروع پروژه: ۱۳۹۵/۰۱/۱۵
تاریخ اتمام پروژه: ۱۳۹۵/۰۳/۰۶

پست الکترونیک: amireza.saheb@gmail.com

پروژه‌ی مورد نظر، طراحی یک کافه در ساختمانی بسیار قدیمی با دیوارها و ستون‌های آجری باربر متعدد و در فواصل نزدیک به هم در فضای میانی ساختمان بود، لذا ایده‌ی اصلی در طراحی این پروژه، قرارگیری اشیا در درون اشیا دیگر، یا به عبارتی شیء بر شیء (Sectional Object) در نحوه‌ی برخورد با این ستون‌ها و دیوارهای باربر و بزرگ بنا شکل گرفت؛ به این معنا که بتوانیم در طراحی این کافه، احساس فضایی مدرن را در فضایی که به دلیل ماهیت سازه‌ای بنا از آزادی پلان مدرن محروم بود، ایجاد کنیم و بتوانیم در عین وفاداری به دیاگرام مدرن، نوعی سلسله‌مراتب فضایی و درجه‌بندی فضایی ایجاد کنیم – موضوعی که همواره از اولویت‌های طراحی ما در کنار ایجاد فضایی راحت و خودمانی می‌باشد.

برای داشتن ظرف و بستری خالص و مناسب برای اجرای ایده‌ی مورد نظر، متریال‌های رویه‌ی توده و حجم اصلی بنا تراشیده شد و آجرهای اصلی و سازنده‌ی بنا به صورت خام نمایان گردیدند، سپس با توجه به لزوم حفظ دیوارها و ستون‌های بزرگ و سنگین باربر، تلاش کردیم آنها را به اجزای مستقل و با هویت که در درون فضا قرار گرفته‌اند، تبدیل کنیم؛ بدین ترتیب که یک گروه از این دیوارها و ستون‌ها را به یک باکس سفید و خالص با کیفیت فضایی متفاوت که محل قرارگیری میز اجتماعی و رخدادهای عمومی و جمعی است، تبدیل کردیم و با گروه دیگر، محدوده‌ی بار آهنی قدرتمند که در مرکز فضا به صورت جزیره‌ای قرار گرفته را ایجاد کردیم که این اجسام، در تضاد کامل با توده و حجم اصلی در درون فضا قرار گرفتند. این ایده، باعث افزایش عمق و تأخیر در رسیدن به درون فضا (interiority deferring) می‌شود و به مخاطب احساس جذاب درون درون فضا بودن و حس امنیت بیشتر در کافه را می‌دهد.







آسایش و زیبایی بیشتر را با محصولات سیزال تجربه کنید
موکت‌های سیزال، موکت‌های مسکونی، اداری، هتلی و چمن‌های مصنوعی

تهران، خیابان ولنجک، نبش کوچه هجدهم، مجتمع خلیج فارس، طبقه ۶، واحد ۵-۶

تلفن: ۲۲۴۳۳۴۸۴ فکس: ۲۲۴۳۳۴۸۷

www.sisal.ir

[f Sisalco](#) [i Sisal.ir](#)

